

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قم پڑوہی ۱ /

شناختنامہ قم

جلد اول

حضرت فاطمہ معصومہ علیہا السلام و آستانہ مقدسہ

با مقدمہ علی لاریجانی

به کوشش
علی بنایی

سرشناسه: بنایی، علی، ۱۳۳۸ - گردآورنده
عنوان: شناختنامه قم، جلد اول: حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه
تکرار نام پدیدآور: به کوشش علی بنایی
مشخصات نشر: قم: نور مطاف، ۱۳۹۰

ISBN: 978 - 964 - 7891 - 61 - 5

ISBN: 978 - 964 - 7891 - 62 - 5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: مندرجات. ج. ۱. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه
موضوع: قم - تاریخ - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: حضرت معصومه علیها السلام بنت موسی کاظم علیه السلام ۴۱۷۳ - ۲۰۱ ق - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: آستانه مقدسه قم - مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده‌کنگره: ۱۳۹۰، ۹۱ ش ۹ ب / ۲۱۱۳ DSR
رده دیویی: ۵۱۲۸ / ۹۵۵
شماره مدرک: ۲۱۵۸۵۳۲

نام کتاب: شناختنامه قم

به کوشش علی بنایی

ناشر: نور مطاف

صفحه آرای: محمدحسن امیری

طرح جلد: حسن فرزانهگان

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپخانه: باقری

قیمت دوره: ۱۰۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۵ - ۶۱ - ۷۸۹۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک جلد ۱: ۵ - ۶۲ - ۷۸۹۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نشانی: قم، خ شهدا، ک ۲۲، پ ۷۲، ت: ۷۸۳۱۳۸۸ - ۰۲۵۱

فهرست اجمالی

جلد اوّل

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و آستانه مقدّسه

مقدمه	علی لاریجانی	۱۳
درآمد	علی بنایی	۱۵
کریمه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	علی اکبر مهدی پور	۱۹
حیة السّت	مهدی منصوری	۶۵
حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> و قم	سیّد مهدی صحفی	۷۷
درنگی در زندگی حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	محمد محمدی اشتهاردی	۹۵
برادران و خواهران حضرت	باقر شریف قرشی، ترجمه محمدرضا عطائی	۱۳۱
تاریخ آستانه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	حسین مدرّسی طباطبایی	۱۵۳
آستانه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	پرویز ورجاوند	۱۶۷
قم، حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> و تولیت آستانه	علی اصغر فقیهی	۱۸۳
آستانه مقدّسه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	سازمان ملی حفاظت آثار باستانی	۲۰۹
آستانه معصومیه و گرداگرد آن	سیّد علی اکبر برقی	۲۲۱
قم و بارگاه معصومیه	بیژن سعادت	۲۷۷
تاریخچه بنای آستانه مبارکه قم	ابوالقاسم مشیری	۳۲۵

۳۳۵	کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> دکتر منوچهر ستوده
۴۴۳	آئینه عفاف محمود شاهرخی، مشفق کاشانی
۴۷۳	فهرست تفصیلی

جلد دوم

مساجد و مشاهد و مزارات قم

۱۱	مسجد جمکران (۱) شهاب‌الدین مرعشی نجفی
۱۵	مسجد جمکران (۲) محمدعلی اردستانی کچوئی
۵۷	مشاهد و مقابر قم محمدباقر حسینی خلخالی
۹۹	مزارات و مقابر قم حسین مدرّسی طباطبایی
۱۵۳	دیداری از شهر قم و پدیده‌های معماری آن جلال انصاری
	احمد بن اسحاق اشعری قمی و گزارش سه بنای منسوب به او
۱۶۱	مهدی سلیمانی آشتیانی
۲۱۱	سه مسجد قم محمدرضا کوچک‌زاده
۲۶۳	بناهای کهن قم دفتر آستانه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
۲۶۹	عش آل محمد <small>علیهم السلام</small> (امامزاده‌های معتبر در قم) سید حسن فاطمی موحد
۳۶۹	فهرست تفصیلی

جلد سوم

حوزه علمی قم

۱۱	حوزه علمی قم سید عباس رضوی، اسماعیل باغستانی، علی‌اکبر ذاکری
۶۳	تأسیس و تکوین حوزه علمی قم سید علیرضا ریحان یزدی
۷۵	حوزه علمی قم آیت‌الله صافی گلپایگانی
۸۷	درنگی کوتاه در حوزه علمی قم علی رفیعی علامرودشتی

قم و حوزه علمیه آن	محمد شریف رازی	۹۱
تاریخ حوزه علمیه قم	محمد شریف رازی	۲۰۱
مواد درسی و مدارس حوزه‌های علمیه	عبدالرحیم عقیقی بخشایشی	۳۰۹
وقفنامه و تاریخ مدرسه جانی خان قم	مهدی سلیمانی آشتیانی	۳۲۳
فیضیه و دار الشفا	عباس فیض قمی	۳۳۷
مراکز تحقیقی حوزه علمیه قم و چگونگی هماهنگی آنها	مصطفی درایتی	۳۶۱
فهرست تفصیلی		۴۰۱

جلد چهارم

رجال قم

اشعریان قم	
آقا میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، به کوشش ناصر باقری بیدهندی		۱۱
رجال قم در کتاب نقض	علی صدرایی خوبی	۴۱
موسی مبرقع و ذریه او	عباس فیض	۶۵
بدر مشعشع در حال ذریه موسی مبرقع	میرزا حسین نوری	۱۲۹
موسی مبرقع سرسلسله سادات	سید محمد مهدی برقی	۱۵۵
خاندان فیض قمی	علی اکبر فیض قمی، تصحیح میر محمود موسوی	۱۶۳
اختران قم	رضا مؤذنزاده	۲۰۳
شیخان قم	رضا مؤذنزاده	۲۸۵
تذکره سخنوران قم	رضا مؤذنزاده	۳۵۵
تذکره مشایخ قم	نورالدین علی منعل	۳۹۹
فقیهان و محدثان قم	ابوالفضل عربزاده	۴۴۱
محدثان قم در جوامع روایی	مجتبی نظری منفرد	۴۹۵
فهرست تفصیلی		۵۱۹

جلد پنجم، بخش اول
تاریخ قم

پیشینه فرهنگی - تمدنی قم
قم از دیروز تا امروز
تشیع و قم
اسلام، قم، اشعری‌ها
قم، شهر زیارتی و مرکز منطقه
قم قدیم
قم دیروز
قم در یک نگاه
دیروز و امروز قم
مناظره‌ای منظوم میان قم و کاشان از دوره سلجوقی
قم در ذیل نفثة المصدور
گوشه‌ای از تاریخچه شهر قم
فهرست تفصیلی

جلد پنجم، بخش دوم
تاریخ قم

جغرافیای شهرستان قم
جایگاه قم در تاریخ تشیع
گزارشی در باب شورش شیخ عبیدالله کرد در اواخر قرن گذشته
خاطرات ادیب‌الملک حکمران قم
قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ ق
کتابچه طوائف و ایلات دارالایمان قم

کتابچه تفصیل حالات و املاک و مستغلات و قنوات و بلوکات دارالایمان قم
گزارش وضعیت قم در سال ۱۳۳۳ش
حوزه علمیه قم و انقلاب اسلامی ایران
قیام قم در سال ۱۳۵۶ به روایت اسناد
فهرست تفصیلی

جلد ششم
سفرنامه‌ها

شهر قم در سفرنامه‌ها و متون تاریخی
شهر قم در دوره ناصری از نگاه سفرنامه‌نویسان فرنگی
قم در سفرنامه‌های قاجاری
سفرنامه سوم ناصرالدین شاه به قم
سفرنامه قم
سفرنامه قم
سفرنامه قم
یادگار سفر قم
فهرست تفصیلی

جلد هفتم
کتابشناسی

چهار کتاب درباره قم
قم‌نامه‌ها
تاریخ‌نگاری قم در دوره ناصری

کتابنامه آستانه حضرت معصومه علیها السلام
تاریخنگاری قم
خلاصه البلدان
درآمدی بر خلاصه البلدان
سیری در انوار المشعشعین
نگاهی به انوار المشعشعین
سیری در تربت پاکان
گزارشی از گنجینه آثار قم
نگاهی به گنجینه آثار قم
درنگی در کتاب تاریخ قم
فهرست تفصیلی

جلد هشتم
آثار پراکنده

چهل حدیث در فضیلت قم
فضائل قم
تنزیه القمیین عن المطاعن
مدرسه حدیثی قم
فلسفه و نقد فلسفه در سده ۱۱ و ۱۲ در قم
بایدها و نبایدهای شهر قم
تکیه‌های عزاداری در قم
کتابفروشی‌های قم تا ۱۳۵۷ ش
کتابخانه‌های عمومی قم (۱)

کتابخانه‌های عمومی قم (۲)
کتابخانه‌های حوزه علمی قم
مطبوعات دینی در قم
تاریخچه روزنامه‌نگاری در قم
فهرست تفصیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

شناختنامه قم، مجموعه مقالات ارزشمند عده‌ای از صاحب‌نظران گرانقدر است که به همت دوست و همکار گرامی، حضرت حجّت الاسلام و المسلمین جناب آقای علی بنایی مدوّن گردیده است. این اثر پربها ساحت‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که همگی برای کسانی که می‌خواهند در باره استان قم اطلاعات لازم را حاصل کنند، آموزنده و جذاب است. نگاه نخست به این استان، متوجه بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام می‌گردد که امام صادق علیه السلام در باره ایشان فرمود: «در قم بانویی از اولاد من که نامش فاطمه بنت موسی است، رحلت می‌کند. با شفاعت او، همه شیعیان ما به بهشت داخل می‌شوند.» و شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «من زارها فله الجنة.» و چه خوش حضرت آیت الله وحید خراسانی ترنم نمود: کاین خانه بهشت و جای حواست / ناموس خدای جایش اینجاست.

قطعاً مرقد مقدّس این بانوی بزرگوار، عامل اصلی توجه امام صادق علیه السلام است که فرمود قم حرم ائمه است. جویندگان حقیقت در این اثر می‌توانند درنگی وافی و کافی در باب شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داشته باشند و مقالات عالمانه‌ای را در این زمینه مطالعه کنند.

مسجد جمکران و مزارات امامزادگان و بزرگان حکمت الهی، حلقه دوم جاذبه معنوی استان قم است که توجه به آنها ایجاد یقظه و بیداری می‌کند. صراط مستقیم

در کشف معارف اهل بیت و ولایت نهفته است و دریافت این معانی جز با توسل به مقربان آنان حاصل نمی‌گردد، و از این جهت قم همیشه نگین درک معانی حقه الهیه بوده است. درست گفته‌اند که: شهرها انگشترند و «قم» نگین / قم همواره حجت روی زمین. در این اثر، این ضلع از مقام قرب نیز برای خوانندگان مهیاست.

از جهت دیگر، قم را به دلیل در برداشتن حوزه دیرینه علمی، ام القرای تشیع می‌توان نامید. امروزه بزرگ‌ترین مراکز تحقیقات دینی شیعی در قم است و اغلب مراجع عظام تقلید و فضلا و دانشمندان اسلامی در این شهر به تتبع مشغولند. بی‌جهت نیست که امام صادق علیه السلام فرمود: «در آینده کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم در آنجا ناپدید می‌گردد... سپس علم و معرفت در شهر قم ظاهر می‌شود و آنجا معدن علم و فضل است.»

پیشینه حوزه علمیه قم و تکوین آن و وضع امروز حوزه را نیز در این اثر می‌توان ملاحظه کرد. رجال قم، از اشعریان گرفته که گذشته این شهر را رقم زده‌اند، تا موسی مبرقع و ذریه او و خاندان فیض قمی تا شخصیت‌های بزرگ علمی که عمر خویش را در این شهر کهن حکمت مصروف داشته‌اند، بخشی از مقالات این کتاب را تشکیل می‌دهند. غیر از جنبه علمی و فرهنگی شهر قم، سایر وجوه این شهر را در جلد پنجم این اثر ملاحظه می‌کنیم که روی هم رفته کارنامه تمدنی این شهر را گزارش می‌کند.

من در این تلاش علمی، هم جامعیت و هم خوش سلیقگی و هم اصالت یافتیم. مقالات کتاب، به جای توصیف شاعرانه که در جای خود ارزشمند است، مستند به نصوص اسلامی و تاریخی است و از استحکام فکری برخوردار می‌باشد. چنین جامعیتی در باب استان قم در حوزه نشر سراغ نداشتیم که الحمدلله با تأملات دانشمندان اسلامی و به اهتمام صدیق مکرم جناب بنایی - ایده الله تعالی بروح القدس - حاصل آمد. از خداوند متعال توفیق عزیزان را خواستارم.

علی لاریجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در آمد

امام صادق علیه السلام:

إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ، وَلِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ، وَسَتَدْفَنُ فِيهِ إِمْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. یعنی: «خدا را حرمی است و آن مکه است، رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است، امیرمؤمنان علیه السلام را حرمی است و آن کوفه است، ما اهل بیت را حرمی است و آن قم است. بزودی بانویی به نام «فاطمه» از تبار من در آنجا دفن می‌شود که هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.»

شهر قم از دیرباز مرکز تشیع و مهد روحانیت و فقاہت بوده است. پیوند ناگسستنی این شهر با اهل بیت علیهم السلام از این روست که بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در آن جای دارد و چشم و چراغ مردم این دیار شده است. همچنین روایاتی صحیح و معتبر از ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره قم و مردم آن و نقش فوق‌العاده ایشان در آگاهی بخشی جهانی، خصوصاً در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج)، وارد شده است. به همین رو، کانون روحانیت در گرداگرد این حرم شکل گرفته است، و بسیاری از محدثان و فقیهان، در حریم این حرم حلقه‌های درس تشکیل دادند.

تشکیل مجدد حوزه علمیه قم، به اهتمام مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، بار دیگر این شهر را در کانون توجه همگان قرار داد. در سده اخیر، قم شاهد تحولاتی ژرف و چشمگیر در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این شهر را پرآوازه کرد و در این چند دهه، شاهد تحولاتی چشمگیر در قم بوده‌ایم.

به رغم آنچه گذشت، تاکنون چنان‌که باید در باره این شهر و پیشینه و آینده آن تحقیقات دامنگستری صورت نبسته است. اینجانب به حسب اینکه نمایندگی مردم قم را در مجلس شورای اسلامی عهده‌دار هستم، مطالعه و بررسی در باره این شهر را وظیفه خود می‌دانم.

واقع این‌که ظرفیت قم بیش از وضع موجود آن است و هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب، فاصله بسیاری است و باید گام‌هایی بلندتر و استوارتر برداشت. اینک - خدا را سپاس - که ده‌ها مؤسسه تحقیقی در قم فعال است و کتاب‌های بسیاری در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی در این شهر منتشر می‌شود، ولی باز هم می‌توان آهنگ این فعالیت‌های فرهنگی را بیشتر و ژرف‌تر کرد، و قم را به پایتخت فرهنگی جهان اسلام مبدل ساخت و تا نقطه مطلوب برکشید.

مرکز قم پژوهی، مؤسسه‌ای است که به آهنگ تحقیق درباره گذشته و حال و آینده قم تشکیل شده، و در نظر دارد همه کتاب‌ها و نشریات و اسناد و مدارک درباره قم را گردآوری کند و در اختیار پژوهش‌گران قرار دهد. با وجود اینکه درباره برخی استان‌های ایران، مانند خراسان و فارس و کرمان، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته و کتاب‌های متعددی نوشته شده، و مؤسسه‌هایی به همین هدف تشکیل یافته، ولی متأسفانه قم از این مزیت محروم مانده است. این در حالی است که قم دارای پیشینه‌ای طولانی، و از نخستین شهرهایی در جهان اسلام است که درباره آن کتابی مستقل نوشته شده است. مضافاً اینکه اکنون قم مرکز فرهنگی ایران و تکیه‌گاه شیعیان از سراسر جهان است.

مرکز قم پژوهی، ضمن اینکه نگاهی به گذشته دارد، حال و آینده قم را نیز مورد توجه قرار داده، و در نظر دارد مطالعاتی آسیب شناسانه و پژوهش‌هایی پیمایشی درباره آن به انجام رساند.

آنچه اکنون با عنوان مشترک «قم پژوهی» تقدیم می‌شود، مجموعه کتاب‌ها و مقالاتی در باره قم است. برخی از این کتاب‌ها و مقالات به سفارش اینجانب تألیف، و برخی دیگر تحقیق و تدوین شده است. دوره کامل این مجموعه بالغ بر ده‌ها جلد می‌شود و آنچه اکنون عرضه می‌گردد، دفتتری از آن است. این تحقیقات با همکاری عده‌ای از قم‌پژوهان در مرکز قم پژوهی - که به همین منظور تأسیس شده - صورت می‌گیرد.

کتاب شناختنامه قم، شامل یک‌صد مقاله، در هشت موضوع، به شرح زیر است: حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه، مزارات و مقابر و مساجد قم، حوزه علمیه قم، رجال قم، تاریخ قم، سفرنامه‌ها، کتابشناسی و آثار پراکنده.

در جلد اول این مجموعه، زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و تاریخ آستانه مقدسه با تفصیل فراوان مورد بحث قرار گرفته است. جلد دوم به مساجد و مشاهد و مزارات قم اختصاص دارد و شامل پژوهشی در باره این مسائل و نیز در باره امامزاده‌های قم و بناهای کهن آن است. در جلد سوم حوزه علمیه قم و مدارس و مراکز آن بررسی شده و از چگونگی تأسیس و تکوین حوزه و تحولات آن سخن رفته است. جلد چهارم این مجموعه ویژه رجال قم است و مشتمل بر مطالعاتی در باره فقیهان و محدثان و عالمان و خاندان‌های بزرگ قمی. در پنجمین مجلد از این شناختنامه - که مفصل‌تر از همه است - تاریخ قم موضوع تحقیق قرار گرفته و از تاریخ و جغرافیا و مذهب و زندگی اجتماعی مردم در طی قرن‌ها سخن رفته است. جلد ششم شامل چند سفرنامه قدیم و جدید، و نیز تحلیلی در باره سفرنامه‌هاست. جلد هفتم به کتابشناسی اختصاص دارد و شامل معرفی منابع قدیم و جدید در باره قم است. و سرانجام در جلد هشتم، آثاری پراکنده آمده است؛ از جمله مقالاتی در باره فضیلت قم و گرایش‌های علمی در آن و کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های آن.

کتاب شناختنامه قم شامل مهم‌ترین مقالات و بخش‌هایی از کتاب‌ها در باره قم است. در آغاز هر مقاله، چکیده‌ای برای آن تهیه شده و در پایان، منبع آن آمده است. همه آثار با معیار علمی - پژوهشی بودن برگزیده شده و بدون تردید شامل مهم‌ترین مطالب در باره قم است. هدف از ارائه این شناختنامه، احیای آثار مهم در این باب، و تشکیل پرونده علمی برای قم‌پژوهی است. باشد که این کتاب و کتاب‌های دیگری که با عنوان قم‌پژوهی منتشر می‌شود، دستمایه‌ای گردد برای تألیف دایرةالمعارف قم که در ضرورت آن هیچ تردیدی نیست.

در پایان لازم است از دانشورانی سپاسگزاری شود که در کار تدوین و تنظیم و ویرایش و چکیده‌نویسی کتاب حاضر با اینجانب همکاری کرده‌اند؛ آقایان هادی ربانی، هادی خالقی، سیدرضا باقریان موحد، رضا مؤذن‌زاده، حسین نادری، سید علی اکبر حسینی‌وفا و حسین رفیعی. اللهم وفقنا لما تحب و ترضی.

علی بنایی

نماینده مردم شریف استان قم در

مجلس شورای اسلامی

کریمه اهل بیت علیهم السلام

علی اکبر مهدی پور

چکیده: گزارش مفصلی از تاریخ و زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به مهم‌ترین منابع تاریخی (النقض، تاریخ قم، ناسخ التواریخ) و منابع حدیثی (بحارالانوار و کافی) زندگی پربرکت حضرت معصومه را از ولادت تا رحلت به تصویر کشیده است. نویسنده، ابتدا از شخصیت برجسته ایشان و دیدگاه بزرگان دین درباره مقام معنوی وی سخن می‌گوید، و در ادامه، درباره نام، القاب، تاریخ تولد و وفات بحث می‌کند. مباحث پایانی این مقاله، به فضیلت زیارت حضرت معصومه و احادیث وارده در فضیلت ایشان اختصاص دارد.

از دیدگاه نویسنده، از نکات شایان دقت در مورد کریمه اهل بیت - حضرت معصومه - این است که بعد از زیارت چهارده معصوم، برای زیارت هیچ یک از انبیا و اولیا، در حد زیارت حضرت معصومه، تحریر و ترغیب و تشویق نشده است. در روایات صحیحیه از سه معصوم برای زیارت آن حضرت ترغیب و تشویق رسیده است.

جالب‌تر اینکه برخی از این روایات پیش از ولادت آن شفیعه محشر، شرف صدور یافته است، و در برخی از آنها تصریح شده که به هنگام صدور آن روایت از حضرت امام صادق علیه السلام هنوز حضرت موسی بن جعفر، یعنی پدر حضرت معصومه دیده به جهان نگشوده بود. کلید واژه: حضرت معصومه، ولادت، زندگی، رحلت.

شخصیت برجسته حضرت معصومه علیها السلام

محدث گرانقدر حاج شیخ عباس قمی به هنگام بحث از دختران حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام می نویسد: «بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی علیه السلام معروف به حضرت معصومه است.»^۱

پژوهشگر معاصر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدتقی تستری، صاحب قاموس الرجال می نویسد: «در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا علیه السلام کسی همسنگ حضرت معصومه علیها السلام نمی باشد.»^۲

برای توجه خوانندگان گرامی به عظمت فوق العاده و شخصیت وصف ناپذیر حضرت معصومه علیها السلام به نقل روایتی از امام صادق علیه السلام بسنده می کنیم، و یادآور می شویم که امام صادق علیه السلام هنگامی که این حدیث را بیان فرموده اند که نه تنها حضرت معصومه دیده به جهان نگشوده بود، بلکه پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز متولد نشده بود. و اینک متن حدیث:

«أَلَا إِنَّ لِي حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ، أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، أَلَا إِنَّ لِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، أَلَا إِنَّ حَرَمِي وَحَرَمَ وُلْدِي بَعْدِي قُمْ، أَلَا إِنَّ قُمْ كُوفَتُنَا الصَّغِيرَةَ، أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ، ثَلَاثٌ مِنْهَا إِلَى قُمْ. تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدِي، وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِعْتُنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»؛

«آگاه باشید که برای خدا حرمی هست و آن مکه است، و برای پیامبر خدا حرمی است و آن مدینه است، و برای امیر مؤمنان حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و فرزندان من بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم کوفه کوچک ماست. آگاه باشید که برای بهشت هشت در است، سه تای آنها به سوی قم است. یک بانویی از فرزندان من، به نام «فاطمه» دختر موسی، در آنجا رحلت می کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند.»^۳

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. تواریخ النبی و الآل، ص ۶۵.

۳. النقص، ص ۱۹۶؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳ و بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

این حدیث به جهت صدورش از امام صادق علیه السلام قبل از اینکه حضرت معصومه و پدر بزرگوارش دیده به جهان بگشایند، از اهمیت خاصی برخوردار است و نکات مهمی را در بر دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. قم حرم ائمه است.

در حدیث دیگر همین معنی از امام صادق علیه السلام روایت شده است.^۱

۲. قم کوفه کوچک اهل بیت است.

شاید منظور این باشد که بعد از ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - کوفه پایتخت حکومت جهانی آن حضرت خواهد بود.^۲ و در آن موقع قم دومین پایگاه حکومت حقه خواهد بود. و شاید به همین جهت است که عاشقان دلباخته حضرتش در دوران غیبت به مسجد سهله - در کوفه - و مسجد صاحب الزمان در جمکران - قم - رهنمون می شوند.

از این حدیث عظمت شهر کوفه نیز به خوبی روشن می شود که قم را با آن همه عظمتی که دارد «کوفه کوچک» نامیده اند.

علامه مجلسی در فصلی که به ذکر فضائل و مناقب کوفه و اهل کوفه اختصاص داده، بیش از هفتاد حدیث در این رابطه ذکر کرده است.^۳

و اما مشوه بودن چهره اهل کوفه در تاریخ به جهت تبلیغات مسموم امویان است که معاویه میلیون ها دینار صرف جعل حدیث بر علیه اهل کوفه نموده، به جرم محبت بی شائبه آنها نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام.

۳. سه در از درهای بهشت به سوی قم است.

در حدیث دیگری آمده است که یکی از درهای بهشت از آن اهل قم است^۴ ولی

در این حدیث شریف می فرماید: سه در از درهای بهشت به سوی قم است.

۱. تاریخ قم، ص ۲۱۴ و بحار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۲. روزگار رهائی، ج ۲، ص ۶۵۴-۶۵۶.

۳. بحار، ج ۱۰۰، ص ۳۸۵-۴۳۴.

۴. تاریخ قم، ص ۱۰۰؛ بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶ و ج ۶۲، ص ۲۲۸.

شاید این حدیث اشاره باشد به اینکه یک زمان طولانی قم مرکز حوزه علمیه می‌شود و علوم آل محمد علیهم‌السلام از این شهر به همه نقاط جهان می‌رسد. چنان‌که در عصر ما بزرگ‌ترین آکادمی علمی جهان تشیع در این حوزه مقدسه است و در تمام نقاط جهان علوم آل محمد از رهگذر پرورش‌یافتگان این حوزه مقدسه منتشر می‌شود. چنان‌که در حدیث شریف تصریح شده که: «دانش از این شهر به همه نقاط دنیا منتشر خواهد شد.»^۱

طبق این بیان، قسمت اعظم کسانی که با خاندان عصمت و طهارت آشنا هستند، از برکات این حوزه مقدسه، اهل بهشت خواهند شد.
۴. بانویی از تبار من در قم رحلت می‌کند.

تشریف‌فرمایی حضرت معصومه علیها‌السلام برای گستردن چادر عصمتش به این مرز و بوم، و گشودن در رحمت به روی شیعیان اجداد طاهرینش در این سرزمین، و پشتوانه قرارگرفتنش برای حوزه علمیه قم، در علم الهی مقدر شده، به انبیا و اولیا اعلام شده بود، و رئیس مذهب حقه قبل از تولد این بانو و پدر بزرگوارش، از آن به صورت غیبی - خبر داده است.

جالب اینکه او را با نام و نام پدرش معرفی کرده و فرموده است: «او فاطمه دختر موسی است.»

۵. همه شیعیان ما با شفاعت او وارد بهشت می‌شوند.

این تعبیر که با شفاعت یک بانو همه شیعیان وارد بهشت بشوند، تا جایی که این ناچیز سراغ دارد در حق هیچ بانوی دیگری وارد نشده است، و او بحق نمایانگر جلال و جبروت حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام می‌باشد.

به نظر قاصر نگارنده بعد از نقل این حدیث شریف، دیگر نیازی به بسط مقال در این مقام نمی‌باشد، و همین حدیث برای اثبات شخصیت بسیار والای آن حضرت کافی است.

نام نامی و القاب گرامی حضرت معصومه علیها السلام

نامگذاری در شریعت اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، در روایات فراوانی تأکید شده که از وظایف پدران این است که برای فرزندان خود نام نیکو انتخاب کنند.^۱ رسول گرامی اسلام افرادی را که نام نکوهیده داشتند امر می فرمود که نامشان را تغییر دهند.^۲

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنوز در گهواره بود که به یعقوب سراج فرمود: «برو اسم دخترت را عوض کن، نامی که دیروز بر دخترت نهادی، نامی است که خداوند آن را دشمن می دارد.»

یعقوب سراج می گوید: خداوند به من دختری داده بود و من اسم او را «حُمیرا» گذاشته بودم، پس به فرمان مولایم اسمش را تغییر دادم.^۳

تأکید فراوان شده که برای فرزندان خود اسامی پیامبران و امامان را انتخاب کنیم، خصوصاً نام محمد و علی،^۴ و برای دختران نامی شایسته تر از نام فاطمه نیست.^۵

ائمه علیهم السلام به جهت مقام و منزلت بسیار رفیعی که برای حضرت صدیقه طاهره علیها السلام قائل بودند به نام مقلس «فاطمه» احترام فوق العاده ای ابراز می کردند.

هنگامی که امام صادق علیه السلام مطلع شدند که یکی از اصحابشان به نام «سکونی» اسم دخترش را «فاطمه» نهاده، فرمود: «آه، آه، آه.» سپس فرمود: «حالا که او را فاطمه نام نهادی، به او فحش نده، او را لعن نکن، و او را کتک زن.»^۶

با یک نگاه گذرا به اسامی اولاد ائمه علیهم السلام ملاحظه می کنیم که همه امامان یک یا چند دخترشان را «فاطمه» نام نهاده اند.

۱. فروع کافی، ج ۶، ص ۱۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۳۷ و الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲. قرب الاسناد، ص ۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۰.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۶۹؛ معانی الأخبار، ص ۱۴۶؛ کافی، ج ۶، ص ۱۹؛ عیون الأخبار، ج ۲، ص ۲۹ و صحیفه الرضا، ص ۸۸.

۵. فروع کافی، ج ۶، ص ۱۹ و تهذیب، ج ۷، ص ۴۳۸.

۶. تهذیب، ج ۸، ص ۱۱۲ و فروع کافی، ج ۶، ص ۴۸.

حضرت علی علیه السلام که نام مادرش و همسرش فاطمه بود، یکی از دخترانش را نیز «فاطمه» نامیده است.^۱

برخی از امامان پیش از یک دختر را «فاطمه» نام نهاده‌اند که از آن جمله است حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که حداقل نام دو تن از دخترانشان «فاطمه» است.^۲ سبط ابن جوزی، دانشمند معروف اهل سنت در قرن هفتم، به هنگام شمارش اولاد حضرت کاظم علیه السلام از چهار دختر آن حضرت به نام «فاطمه» به شرح زیر یاد کرده است: ۱. فاطمه کبری، ۲. فاطمه وسطی، ۳. فاطمه صغری، ۴. فاطمه آخری.^۳ علامه مجلسی نیز به پیروی از ابن جوزی از «فواطم اربعه» یاد کرده است.^۴ حضرت معصومه علیها السلام همان فاطمه کبری است که در قم مدفون است.

فاطمه صغری مشهور به «بی بی هیبت» در آذربایجان شوروی در جنوب «بادکوبه» مدفون است^۵ و بر روی مرقده مطهرش گنبد و بارگاه مفصلی بود که توسط کمونیست‌ها تخریب گردید.^۶

پس از فرو ریختن نظام کمونیستی، شیعیان در صدد تجدید بنای آن حرم مطهر بودند که جنگ آرامنه شروع شد، و همه آمال و آرزوها به بعد از خاتمه جنگ موکول شد. گفته می‌شود که «فاطمه وسطی» در اصفهان مدفون است، و برخی تصور کرده‌اند که «زینبیه» موجود در اصفهان مربوط به ایشان است، ولی نگارنده به مستند این گفتار تاکنون برخورد نکرده است، بخصوص که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دختری به نام زینب داشته است.^۷

۱. ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

۳. تذکرة الخواص، ص ۳۱۵.

۴. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۵. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷؛ از آستارا تا استراباد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مرآت البلدان؛ تحفة العالم و مرآت العالم.

۶. به تواتر برای ما نقل شد که در دوران کمونیستی، مسیر خیابان اصلی و راه خروج از شهر را طوری تنظیم کردند که قبر شریف «بی بی هیبت» در وسط خیابان قرار گرفت، ولی شیعیان آگاه و باشعور هرگز از روی قبر عبور نکردند و در صف‌های طولانی پشت ترافیک ماندند تا از گذر فرعی بگذرند.

۷. ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

در کتاب اخبار زینبات آمده است که حضرت زینب دختر امام کاظم علیه السلام به مصر مهاجرت کرده^۱ ولی ما در انتساب این کتاب به «عَبْدِلی» متوقف هستیم.^۲
«فاطمه اخری» ملقب به «فاطمه طاهره» در رشت مدفون است.^۳ و به «خواهر امام» مشهور است. حرم باصفایی دارد که توفیق زیارتش مکرر برای این ناچیز نصیب شده است.

از این بحث فشرده به این نتیجه رسیدیم که نام نامی حضرت معصومه علیها السلام «فاطمه» است که برای مشخص شدن ایشان در میان فواطم چهارگانه به «فاطمه کبری» موسوم است.
این خاتون دو سرا و شفیعۀ روز جزا القاب فراوانی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

۱. «معصومه»

براساس روایتی که میرزا محمدتقی خان سپهر، متوفای ۱۲۹۷ هـ در کتاب پراج ناسخ التواریخ از امام رضا علیه السلام نقل کرده، لقب «معصومه» را امام هشتم به خواهر گرامی اش اعطا فرموده‌اند. طبق این روایت امام رضا علیه السلام فرمود:
«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي.» یعنی «هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد.»^۴

حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفای ۱۴۰۶ هـ) نیز این حدیث را در کتاب ریاحین الشریعه آورده است، جز اینکه آن را به کتاب کامل الزیارات نسبت داده است.^۵

۱. اخبار زینبات، ص ۱۳۳.

۲. به تحقیقات پژوهشگر معاصر آقای محمد حسنین سابقی در کتاب مرقد العقیله مراجعه شود.

۳. بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۶ و ۳۱۷.

۴. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۵. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵.

در نسخه‌های چاپی کامل زیارات چنین حدیثی وجود ندارد و نسخه خطی کامل تری به دست ما نرسیده است که میزان صحت این نسبت را ارزیابی کنیم. مورد دیگری که لقب «معصومه» برای حضرت معصومه علیها السلام به کار رفته است، رؤیای صادقه‌ای است که مرحوم میرزای نوری در کتاب دارالسلام نقل کرده و بر صحت آن تأکید نموده است که ان شاء الله ترجمه آن را در بخش «معصومه اخت الرضا» خواهیم آورد.

مطابق این نقل، حضرت معصومه علیها السلام فرمودند:

«أَنَا الْمَعْصُومَةُ أُخْتُ الرَّضَا علیه السلام». یعنی «من معصومه خواهر امام رضا علیه السلام هستم»^۱ پر واضح است که برای اثبات چنین مطلب مهمی نمی‌توان به خواب استناد کرد، ولی نظر به اینکه این خواب معجزه باهره‌ای را در بر دارد، و محقق بزرگواری چون علامه نوری خود شاهد ماجراست، می‌توان بر آن استناد و اعتماد کرد.

۲. «کریمه اهل بیت»

ارادتمندان و ستایشگران حضرت معصومه علیها السلام به هنگام ستایش از بانوی بانوان، خاتون دو جهان، حضرت معصومه علیها السلام در نظم و نثر، عنوان «کریمه اهل بیت» را در حق این نور دیده خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله فراوان به کار برده‌اند. ولی براساس رؤیای صادقه یکی از بزرگان، این لقب از طرف معصومین علیهم السلام به این خاتون اطلاق شده است، اینک متن داستان:

نسابه گرانقدر مرحوم آیت الله سید محمود مرعشی نجفی، متوفای ۱۳۳۸ هـ صاحب مشجرات علوین بسیار علاقه مند بود که به هر طریقی شده، محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را به دست آورد، برای این مقصود ختم مجربی انتخاب کرده، چهل شب به آن مداومت نمود، تا شاید خداوند به طریقی او را از محل قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام آگاه فرماید.

شب چهلم بعد از انجام ختم و توسل فراوان استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت باقر و یا حضرت صادق - صلوات الله علیهما - مشرف شد.^۱ امام علیه السلام به ایشان فرمود:

«عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ.» یعنی «به دامن کریمه اهل بیت چنگ بزن.» ایشان به تصور اینکه منظور امام علیه السلام از «کریمه اهل بیت» حضرت زهرا علیه السلام است، عرضه داشت:

«بلی، قربانت کردم، من نیز این ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را به صورت دقیق تر بدانم و به زیارتش مشرف شوم.» امام علیه السلام فرمودند:

«منظور من قبر شریف حضرت معصومه در قم است.»

سپس اضافه نمودند:

«به جهت مصالحی خداوند اراده فرموده است که محل قبر شریف حضرت زهرا علیه السلام برای همیشه از همگان مخفی باشد. و لذا قبر حضرت معصومه را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا علیه السلام قرار داده است.

اگر قرار بود قبر حضرت زهرا علیه السلام ظاهر باشد، هر جلال و جبروتی که برای آن قبر شریف مقدر بود، خداوند متعال همان جلال و جبروت را بر قبر مطهر حضرت معصومه علیه السلام قرار داده است.»

مرحوم مرعشی هنگامی که از خواب برخاست تصمیم گرفت که رخت سفر بپوشد و به قصد زیارت حضرت معصومه علیه السلام رهسپار ایران شود.

او بلافاصله مهیای سفر شده با همه اعضای خانواده اش نجف اشرف را به قصد زیارت «کریمه اهل بیت» ترک نمود.^۲

۱. مرحوم آیت الله مرعشی همیشه آن را با تردید نقل می کرد.

۲. این داستان را مرحوم آیت الله مرعشی چندین بار در ملاقات های اینجانب با ایشان، از پدر بزرگوارشان نقل کردند، و حقیر آن را بدون هیچ تصرفی در اینجا آوردم.

مرحوم مرعشی به سال ۱۳۳۸ هـ در نجف اشرف درگذشت، فرزند برومندش مرحوم آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به سال ۱۳۴۲ هـ رهسپار ایران شد و پس از توقف کوتاهی در تهران به سال ۱۳۴۳ هـ وارد حوزه علمی قم گردید، و برای همیشه در جوار کریمه اهل بیت رحل اقامت افکند، تا در شب هشتم ماه صفر ۱۴۱۱ هـ دیده از جهان فرو بست.

دیگر القاب شریفه

در مورد دو لقب «معصومه» و «کریمه اهل بیت» در حد توان سخن گفتیم، دیگر القاب شریفه آن حضرت به قرار زیر است:

- | | |
|----------|---------------|
| ۱. طاهره | ۲. حمیده |
| ۳. برّه | ۴. رشیده |
| ۵. تقیه | ۶. نقیه |
| ۷. رضیه | ۸. مرضیه |
| ۹. سیده | ۱۰. أخت الرضا |

این القاب ده‌گانه در زیارتنامه‌ای که در کتاب انوار المشعشعین برای این خاتون دو سرا نقل شده آمده است.

این زیارتنامه، غیر از زیارتنامه مشهوری است که علامه مجلسی از امام رضا علیه السلام روایت کرده است.

این زیارتنامه را شیخ محمدعلی قمی در کتاب انوار المشعشعین نقل کرده است.^۱ این کتاب به سال ۱۳۲۵ هـ تألیف شده و به سال ۱۳۲۷ هـ به چاپ رسیده است. ما این متن را در کتب قدما نیافتیم، جز اینکه برخی از معاصران آن را به کتاب تاریخ قم نسبت داده‌اند^۲ ولی بی‌گمان در تاریخ قم چنین متنی وجود ندارد.

۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. فاطمة بنت الامام موسی الكاظم، ص ۱۱۵.

در زیارتنامه دیگری که مولی حیدر خوانساری، استاد آغا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۸ هـ) در کتاب پراج زبدة التصانیف برای حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده، دو لقب دیگر برای آن حضرت آمده است که عبارتند از:

۱. صدیقه

۲. سیده نساء العالمین^۱

نظر به اینکه القاب فوق - که در این دو زیارتنامه آمده - واضح هستند و نیازی به توضیح ندارند، در این رابطه بحث نمی‌کنیم و دامن سخن را فرا می‌چینیم.

معصومه اخت الرضا - سلام الله علیهما -

در این کتاب در پیرامون عصمت حضرت معصومه علیها السلام به طور فشرده سخن گفتیم. حضرت امام رضا علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي.» یعنی «هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کند.»^۲

و این حدیث به صراحت بر عصمت حضرت معصومه دلالت می‌کند؛ شخص حضرت معصومه علیها السلام نیز در رؤیای صادقه‌ای از خود تعبیر به «معصومه» کرده است، و اینک متن این داستان را از زبان محدث والامقام، علامه بزرگوار مرحوم میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ می‌آوریم.

این واقعه یکی از معجزات باهرات باب الحوائج الی الله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و حضرت معصومه علیها السلام در این داستان نقش دارند، و میرزای نوری این داستان را از شخص صاحب قضیه - بدون واسطه - شنیده و در کتاب گرانسنگ دارالسلام آورده است، و ما اینک ترجمه آن را به محضر شیفتگان این خاندان تقدیم می‌داریم:

۱. زبدة التصانیف، ج ۶، ص ۱۵۹.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸ و ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵.

یکی از نشانه‌های قدرت پروردگار که دل‌ها را از زنگار شیطان پاکیزه می‌سازد این است که در ایام مجاورت ما با حرمین شریفین کاظمین علیهما السلام در بغداد یک مرد نصرانی به نام «یعقوب» زندگی می‌کرد که به بیماری «استسقاء» دچار شده بود. هر قدر به پزشکان مراجعه کرد، نتیجه نگرفت، تا مرض کاملاً شدت یافت و او را رنجور ساخت و از پا انداخت.

آن مرد نصرانی می‌گفت: در آن ایام من همه‌اش از خدا می‌خواستم که مرا یا شفا دهد و یا به وسیله مرگ از آن مرض رهایی بخشد.

در حدود سال ۱۲۸۰ هجری بود که شبی روی تخت خوابیده بودم، در عالم رؤیا یک آقای بزرگوار بلند قد و بسیار نورانی را دیدم که در کنار بستر من حضور یافت و تخت مرا حرکت داد و فرمود: «اگر بخواهی از این بیماری شفا پیدا کنی، تنها راهش این است که به شهر کاظمین مشرف شوی و کاظمین علیهما السلام را زیارت نمایی، تا از این مرض رهایی یابی.»

او می‌گوید: من از خواب بیدار شدم، رؤیای خود را برای مادرم نقل کردم، مادرم گفت: این خواب خواب شیطانی است! آن‌گاه صلیب و زُنار^۱ آورد و برگردنم آویخت. یک بار دیگر به خواب رفتم و در عالم رؤیا بانوی مجلله‌ای را دیدم که سر تا سر بدنش پوشیده بود، تخت مرا حرکت داد و فرمود:

برخیز که صبح صادق طلوع کرده است، مگر پدرم با تو شرط نکرد که به زیارت او مشرف شوی، تا تو را شفا عنایت کند؟

پرسیدم: پدر شما کیست؟

فرمود: «امام موسی بن جعفر علیه السلام.»

پرسیدم: شما کیستید؟

فرمود: «أَنَا الْمَعْصُومَةُ أُخْتُ الرَّضَاءِ علیهما السلام.» یعنی «من معصومه خواهر حضرت

رضاء علیهما السلام هستم.»

۱. زُنار: کمربندی که زرتشتیان به کمر بندند، و رشته‌ای متصل به صلیب که مسیحیان به گردن خود آویزند

[فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۷۴۸].

چون از خواب بیدار شدم در حیرت بودم که چه کنم و کجا بروم؟! به دلم افتاد که به خانه سید جلیل القدر سید راضی بغدادی بروم. به منزل سید راضی بغدادی، واقع در محله «رواق» بغداد رفتم، حلقه در را کوبیدم. از پشت در صدا زد کیستی؟ گفتم: بازکن. هنگامی که صدای مرا شنید، دخترش را صدا کرد و گفت: «دخترم در را باز کن، او یک نفر مسیحی است که می خواهد به شرف اسلام مشرف شود.»

هنگامی که در باز شد و به خدمتش شرفیاب شدم، عرض کردم، از کجا متوجه شدید که من مسیحی هستم و قصد تشرف به اسلام را دارم؟ فرمود: «جدم امام کاظم علیه السلام در عالم رؤیا به من خبر داده بود.» آن گاه مرا به کاظمین برد، و در کاظمین به محضر شیخ جلیل القدر شیخ عبدالحسین تهرانی - رحمة الله علیه - رفتیم، من سرگذشت خود را برای او نقل کردم، او دستور داد که مرا به حرم مطهر ببرند. پس مرا به حرم مطهر بردند و در اطراف ضریح مقدس مرا طواف دادند. در داخل حرم اثر ظاهر نشد ولی چون از حرم بیرون آمدم پس از گذشت اندک زمانی عطش بر من غلبه کرد، آب خوردم و حالم دگرگون شد و بر زمین افتادم. با همین افتادن همه چیز تمام شد، و گویی کوهی بر پشت من بود و برداشته شد، ورم بدنم رفع گردید و زردی چهره ام به سرخی مبدل گشت و هیچ اثری از بیماری در وجود من باقی نماند.

به بغداد رفتم که از موجودی خود چیزی برای هزینه زندگی بردارم، خویشان و بستگانم از سرگذشت من آگاه شدند، مرا به خانه یکی از اقوام بردند که مادرم آنجا بود و گروهی در آنجا گرد آمده بودند.

مادرم به من گفت: «رویت سیاه باد، رفتی و از دین خود خارج شدی!»

گفتم: «مادر بین، از مرض و بیماری هیچ اثری نمانده است.»

مادرم گفت: «این سحر است!!»

سفیر دولت انگلستان که در مجلس حضور یافته بود به عمویم گفت:
 «اجازه بدهید که من او را تأدیب کنم، زیرا امروز او خودش کافر شده، فردا همه
 ایل و تبار ما را کافر می‌کند!!»
 آن‌گاه به دستور او مرا لخت کردند و بر روی زمین خوابانیدند و با چیزی که
 «قرپاچ»^۱ نامیده می‌شود بر بدنم نواختند.
 قرپاچ عبارت از یک رشته سیم بود که چیزهای تیزی چون سوزن بر سر سیم‌ها
 نهاده بودند.

سر تا سر بدنم خون‌آلود شد ولی اصلاً احساس درد نمی‌کردم.
 خواهرم چون وضع اسفناک مرا مشاهده کرد، خودش را روی من انداخت، تا
 شلاق‌زن‌ها از من دست کشیدند و به من گفتند: هر کجا که می‌خواهی برو.
 به سوی کاظمین علیهم‌السلام برگشتم و به خدمت مرحوم شیخ عبدالحسین مشرف
 شدم، شهادتین را به من تلقین کرد، و من رسماً به شرف اسلام مشرف شدم.
 به هنگام عصر بود که از طرف «نامق پاشا» استان‌دار متعصب و لجوج
 بغداد، فرستاده‌ای به خدمت شیخ عبدالحسین آمد و نامه‌ای آورد که در
 آن نوشته بود: «یکی از رعیت‌های ما که تبعه فرنگ است به خدمت شما
 آمده که وارد اسلام شود، او باید در نزد قاضی حاضر شود و در آنجا آئین
 اسلام را برگزیند.»

شیخ عبدالحسین فرمود: «بلی آن شخص نزد من آمد و سپس به دنبال کارش رفت.»
 مرحوم شیخ مرا مخفی کرد آن‌گاه مرا به کربلا فرستاد و در آنجا ختنه شدم،
 سپس به زیارت نجف اشرف مشرف شدم. آن‌گاه توسط مرد نیکوکاری مرا به
 اصطهبانات - از توابع شیراز - فرستاد.

یک سال تمام در بلاد فارس اقامت نمودم، آن‌گاه به عتبات بازگشتم.

۱. در زبان ترکی استانبولی به شلاق «قرپاچ» می‌گویند، در عهد امپراطوری عثمانی واژه‌های فراوان، از جمله
 قرپاچ، از ترکی وارد زبان عربی شده است.

داستان او در اینجا تمام نمی‌شود، بلکه دنباله دارد که به جهت اختصار به همین مقدار بسنده می‌کنیم، علاقه‌مندان به متن دارالسلام مراجعه فرمایند.^۱

نسب شریف

شرافت نسبی حضرت معصومه علیها السلام بالاتر از آن است که قلم توان ترسیم گوشه‌ای از مجد و عظمت آن نسب و الارا داشته باشد.

او ماه تابانی است که از برج امامت طلوع کرده، در آغوش امامت تربیت یافته، قنداقه امامت را نیز در دامن خود پرورش داده است، زیرا او دختر امام، خواهر امام و عمه امام می‌باشد.

همه نیاکان او مشعل‌داران امامت، پرچم‌داران هدایت، اسوه‌های فضیلت و استوانه‌های ولایتند که او «فاطمه معصومه» دختر «موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام» می‌باشد، و این همان نسب و الایی است که «مأمون» در روز بیعت مردم با امام هشتم، همین نسب و الارا به زبان آورد و گفت: «اگر این اسامی بر کرها و گنگ‌ها خوانده شود، به اذن خداوند شفا می‌یابند.»^۲

پدر بزرگوارش، «حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام» هفتمین امام از ائمه اثنا عشر علیهم السلام می‌باشد که شرح زندگانی او در این مختصر نمی‌گنجد و بر احدی از خوانندگان این کتاب پوشیده نیست.

امام کاظم علیه السلام روز هفتم ماه صفر المظفر ۱۲۸ هـ در سرزمین «أبواء»^۳ دیده به جهان گشود، در بیستم شوال ۱۷۹ هـ به دستور هارون الرشید، در حال نماز، در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دستگیر شده، مدتی در بصره و مدتی طولانی در بغداد، در

۱. دارالسلام، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

۲. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. «أبواء» نام دهکده‌ای است در میان مکه و مدینه که قبر شریف حضرت «آمنه» مادر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آنجاست و رسول خدا همراه اصحاب برای زیارت قبر مادر گرامی‌اش به آنجا تشریف‌فرما شدند. [تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۱۸].

سیاهچال‌های زندان به سر برده، سرانجام در بیست و چهارم یا بیست و پنجم رجب ۱۸۳ هجری، در زندان سندی بن شاهک، به دستور هارون به زهر جفا به شهادت رسید و در مقابر قریش که بعدها به شهر «کاظمین» شهرت یافت، مدفون گردید.^۱ بر این اساس قریب چهار سال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان بود، ولی هفت سال هم گفته شده، حتی ابن جوزی مدت حبس آن حضرت را ۱۱ سال تمام نوشته است.^۲

مادر گرامی حضرت معصومه علیها السلام «نجمه» مادر بزرگوار امام رضا علیه السلام است. نجمه خاتون از بانوان بافضیلت، از اسوه‌های تقوا و شرافت، از مخدرات کم‌نظیر تاریخ بشریت می‌باشد. برای او ده نام در کتب تاریخ و حدیث آمده است.

تاریخ تولد حضرت معصومه

روز سه‌شنبه ۱۳۴۰/۶/۷ ش برابر ۱۷ ربیع‌المولود ۱۳۸۱ هـ سالروز با سعادت حضرت خاتم‌الأنبیا صلی الله علیه و آله و میلاد مسعود رئیس مذهب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برای ادامه تحصیل و خوشه‌چینی از «حوزه علمیه قم» به این سرزمین مقدس پا نهادم و اینک بیش از سی و سه سال است که در کنار سفره کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام نشسته، از خوان بی دریغش برخوردارم.

از نخستین روزهای ورود به این شهر مقدس در صدد بودم که تاریخ تولد و رحلت این کریمه اهل بیت را از منابع مورد اعتماد پیدا کرده، در اختیار عاشقان کوی و مشتاقان آستانش قرار دهم، تا در سالروز تولد و رحلت حضرتش بیش از هر مقطع دیگری به این شهر مقدس روی آورند و پیشانی اخلاص بر آستانش بسایند.

ولی با کمال تأسف تاریخ موالید و وفیات مخدرات اهل بیت در کتب تاریخ و تراجم منعکس نیست و مجهولات فراوانی در این زمینه وجود دارد، فی‌المثل:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۱۵ و اثبات الوصیة، ص ۱۶۱ - ۱۶۹.

۲. تذکره الخواص، ص ۳۱۴.

۱. تاریخ تولد و وفات آمنه خاتون مجهول است.
 ۲. تاریخ تولد و وفات مادران همه امامان به جز حضرت زهرا علیها السلام مجهول است.
 ۳. تاریخ تولد و وفات همسران همه امامان به جز حضرت زهرا علیها السلام مجهول است.
 ۴. تاریخ تولد و وفات دختران همه امامان به جز حضرت زینب علیها السلام مجهول است.
 با نگاهی گذرا به تاریخ زندگانی مادران، همسران و دختران ائمه هدی علیهم السلام صحت گفتار بالا به خوبی روشن می شود، ولی راز آن هنوز بر نگارنده روشن نیست. ما نمی دانیم که آیا در گذشته توجهی به این معنی نبود، و راویان حدیث در پی به دست آوردن و ثبت کردن آن نبودند؟ و یا در آتش سوزی هایی که به دست غاصبان فدک شعله ور شده و کتابخانه های علمای شیعه را در طول قرون و اعصار طعمه حریق نموده و هنوز هم به دست گروه «سپاه صحابه» در پاکستان شعله ور است، این اسناد و مدارک در آتش بیداد سوخته است؟ و یا چون همیشه قلم در دست دشمن بود و دشمنان قسم خورده این خاندان مایل نبودند که اخبار خاندان عصمت و طهارت در صفحات تاریخ منعکس شود؟ و یا اهل بیت عصمت و طهارت علاقه نداشتند که اخبار مخدرات حرم در بیرون از سرپرده عصمت مورد گفت و گو قرار گیرد؟

در مورد دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خفقان حاد و اختناق شدید هارونی نیز به شدت مطرح بود و عامل دیگری بر مکتوم ماندن اخبار آنان به شمار می آید. به هر دلیل در صدها منبع مورد اعتمادی که شرح حال، فضائل و مناقب حضرت معصومه علیها السلام منعکس شده، تاریخ ولادت آن حضرت مطرح نشده، و از تاریخ وفاتش فقط سال آن با قاطعیت آمده، روز و ماه آن بیان نشده است.

در جزوه ای که در حدود سی سال پیش در این زمینه انتشار یافته، چنین آمده است: «در کتاب *تُزهة الأبرار فی نسبِ أولادِ الأئمة الأطهار* و کتاب *لواقح الأنوار فی طبقاتِ الأخیار* چنین ضبط شده: ولادت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام در مدینه منوره، در غرة ذیقعده الحرام ۱۸۳ هـ و وفاتش در دهم ربیع الثانی ۲۰۱ هـ در شهر قم رخ داد.»

نویسنده جزوه یاد شده می‌نویسد: این مطلب از دو کتاب فوق - که نسخه خطی آنها در مدینه منوره موجود است - نقل شده است. گفته می‌شود که بعدها تلاش فراوان شده این دو کتاب در کتابخانه مدینه منوره رؤیت شود ولی ممکن نشد.

نگارنده گوید: کتاب نزهة الأبرار تألیف «سید موسی برزنجی شافعی مدنی» است و به چاپ رسیده است.^۱ و کتاب لواقح الأثوار تألیف «عبدالوهاب شعرانی شافعی» متوفای ۹۳۷ هـ می‌باشد.^۲

ولی نظر به اینکه این مطلب در نسخه چاپی نزهة الأبرار وجود ندارد و تلاش نگارنده برای یافتن نسخه‌های خطی دو کتاب فوق به نتیجه نرسیده، و با توجه به اینکه بسیاری از کتاب‌های خطی کتابخانه مدینه منوره طعمه آتش وهابی‌ها گردیده، احتمال دسترسی به آنها بسیار ضعیف است، و لذا به جزوه یاد شده استناد نمی‌کنیم و نتیجه تلاش‌های خود را به شرح زیر به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:

می‌لاد مسعود حضرت معصومه علیها السلام روز اول ذی‌قعدة الحرام ۱۷۳ هجری می‌باشد. مدرک ما بر این مطلب، گفتار محدث خبیر، محقق بی‌نظیر، علامه گرانقدر، مرحوم حاج شیخ علی‌نمازی متوفای دوم ذیحجة الحرام ۱۴۰۵ هـ صاحب کتاب ارزشمند مستدرک سفینه و ده‌ها کتاب دیگر می‌باشد. وی در این کتاب گرانسنگ، در ماده «فطم» شرح زندگانی حضرت معصومه علیها السلام را چنین آغاز می‌کند:

«فاطمة المعصومة المولودة فی غرة ذی القعدة سنة ۱۷۳»؛

«فاطمة معصومه که در اول ذی‌قعدة ۱۷۳ هـ دیده به جهان گشود.»^۳

جالب توجه است که این محدث گرانقدر آن را به طور مسلم بیان کرده، و غیر قابل تردید تلقی نموده است.

۱. الذریعة، ج ۲۴، ص ۱۰۷.

۲. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۶۵.

۳. مستدرک سفینه، ج ۸، ص ۲۵۷.

نگارنده گوید: اما در مورد روز و ماه هرگز قول دیگر نقل نشده است و در هر کتابی که از تاریخ ولادت آن حضرت بحث شده، از «اول ذیقعد» سخن رفته و احتمال دیگری ذکر نشده است.^۱

ولی در مورد سال ولادت آن حضرت دو قول است:

۱. سال ۱۷۳ هجری که آن را از مستدرک سفینه نقل کردیم.

۲. سال ۱۸۳ هجری که از دو کتاب نزه و لواقح نقل شده، و به پیروی آنها در کتب معاصرین دیده می شود.^۲

سال ۱۸۳ صحیح به نظر نمی رسد، زیرا:

اولاً: سال ۱۸۳ سال شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد^۳ و حداقل چهار سال در زندان به سر برده اند^۴ زیرا تصریح شده که در سال ۱۷۹ هـ دستگیر شده اند.^۵

ثانیاً: آنچه مسلم است حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بیش از یک دختر به نام «فاطمه» داشته است،^۶ و مطابق نوشته برخی از مورخان چهار دختر به نام «فاطمه»^۷ به شرح زیر داشتند:

۱. فاطمه کبری، ملقب به «حضرت معصومه» که در قم مدفون است.

۲. فاطمه صغری، ملقب به «بی بی هیبت» که در مدخل شهر باکو، در آذربایجان

شوروی مدفون است.^۸

۱. عوالم، ج ۲۱، ص ۳۲۸؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۶؛ حیات الست، ص ۱۰؛ فاطمه بنت الامام موسی الکاظم،

ص ۲۰؛ فاطمه بنت الامام موسی بن جعفر، ص ۵؛ زندگانی حضرت معصومه، ص ۳۴ و ودیعة آل محمد، ص ۵.

۲. منابع یاد شده به جز ودیعه و حیات الست.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۱۵؛ دروس، ص ۱۵۵؛ اعلام الوری، ص ۲۸۶ و عیون الأخبار، ج ۱، ص ۸۱.

۴. ضول کافی، ج ۱، ص ۳۱۲ و بحار، ج ۴۸، ص ۲۴۶.

۵. ضول کافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۷؛ اقبال، ص ۶۷۷ و تاریخ قم، ص ۱۹۹.

۶. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۴۴؛ اعلام الوری، ص ۳۰۱؛ مناقب، ج ۴، ص ۳۵۰ و کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶.

۷. تذکرة الخواص - ابن جوزی -، ص ۳۱۵.

۸. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و از آستارا تا استرآباد، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. فاطمه وسطی، ملقب به «ستی فاطمه» که در اصفهان مدفون است.

۴. فاطمه آخری، مشهور به «خواهر امام» که در رشت مدفون است.^۱

طبق این بیان، حضرت معصومه علیها السلام در میان فواطم اربعه (چهار دختر موسوم به فاطمه) از همه بزرگتر است، و لذا باید چند سالی قبل از ۱۷۹ هـ (سال دستگیری امام کاظم علیها السلام) متولد شده باشد.

با توجه به این جهت، و اینکه چهار سال حداقل دوران زندانی شدن امام کاظم علیها السلام است وگرنه هفت سال و یازده سال نیز نوشته‌اند،^۲ تولد حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۸۳ هـ غیر ممکن می‌باشد و سال ۱۷۳ هـ که مرحوم نمازی نوشته‌اند تقویت می‌شود.

تاریخ وفات حضرت معصومه

سال وفات حضرت معصومه علیها السلام یقیناً سنه ۲۰۱ هجری می‌باشد و هرگز قول دیگری نقل نشده است.^۳ بر کاشی‌های مرقد مطهرش نیز از قرن‌ها پیش نوشته شده:

«فاطمه دختر موسی بن جعفر علیها السلام به سال ۲۰۱ هـ درگذشت.»^۴ ولی در مورد روز و ماه وفاتش سه قول ابراز شده است:

۱. دهم ربیع الثانی

این قول از کتاب‌های نزهة الأبرار و لواقح الأتوار نقل شده، در برخی از کتب معاصران نیز همین قول انتخاب شده است.^۵

۱. بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۶.

۲. تذکرة الخواص، ص ۳۱۴.

۳. تاریخ قم، ص ۲۱۳؛ بحار، ج ۴۸، ص ۲۹۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۲؛ دهخدا «ف»، ص ۲۹؛ بحر الأنساب، ص ۱۶۰؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ مراقد المعارف، ج ۲، ص ۱۶۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۴۲؛ دائرة المعارف الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۱ و گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۴.

۴. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۶۸ و فاطمه بنت الامام موسی، ص ۹۴.

۵. منتخب دریای سخن، ص ۳۴ و زندگانی حضرت معصومه، ص ۳۷.

۲. دوازدهم ربیع الثانی

مرحوم نمازی در مستدرک سفینه می فرماید: و نقل شده که فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام در دوازدهم ربیع الثانی ۲۰۱ هـ رحلت فرمود.^۱

۳. هشتم شعبان

این قول را مرحوم منصوری از یک کتاب خطی منسوب به شیخ حر عاملی، به نام رسالة العربیة العلویة نقل کرده است.^۲

شیخ حر عاملی به هنگام شمارش تألیفات خود، از کتابی به نام العربیة العلویة واللغة المرویة نام برده است^۳ ولی ما پس از تلاش به نسخه‌ای از آن دست نیافتیم، و لذا بر اساس برخی از شواهد و قرائن قول نخستین را برگزیدیم.

یکی از شواهد گزینش این قول رؤیای صادق‌ای است که در این زمینه دیده شده که فشرده آن را در زیر می آوریم:

نگارنده در ماه صفر ۱۴۱۰ هـ برای عتبه بوسی حضرت ثامن الحجج علیه السلام به سرزمین مقدس مشهد مشرف بود و از شب اربعین تا شب آخر صفر در برخی از مجالس حسینی شرکت می کرد.

در شب آخر ماه صفر که شب شهادت حضرت رضا علیه السلام بود در حسینیه سوم شعبان (واقع در خیابان دانش مشهد) به تفصیل در پیرامون شخصیت والای حضرت معصومه علیه السلام سخن گفت و در پایان منبر افزود:

«روز دهم ربیع الثانی، سالروز رحلت حضرت معصومه علیه السلام می باشد، یعنی: فردا که روز شهادت امام هشتم است حساب کنید، دقیقاً چهلمین روز شهادت امام رضا علیه السلام با سالروز رحلت خواهر مظلومه اش حضرت معصومه مصادف است، شما که در طول سال یک یا چندبار برای عتبه بوسی حضرت معصومه علیه السلام به سرزمین

۱. مستدرک سفینه، ج ۸، ص ۲۵۷.

۲. حیاة الست، ص ۱۱.

۳. اهل الآمل، ج ۱، ص ۱۴۴.

مقدس قم مشرف می‌شوید، سعی کنید که در سالروز رحلت جانگدازش در قم حضور یافته، پیشانی ادب بر آستان ملک پاسبانش بسایید.»
روز اول ربیع‌المولود که به قم آمدم با یکی از فضلاء برجسته حوزه علمیه که صد در صد مورد اعتماد و استناد است مصادف شدم، فرمودند: «فلانی خواب جالبی در حق شما دیده‌ام ولی تناسبش را نمی‌دانم.»
گفتم: خیر است ان شاء الله.

فرمودند: شب آخر ماه صفر در عالم رؤیا دیدم که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام هستم، خطیب توانا آقای حاج سید محمدکاظم قزوینی از کنار ضریح مطهر به طرف مسجد بالای سر آمدند و خطاب به مردم فرمودند:
«ایها الناس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام...»
یک بار دیگر با تأکید فرمودند:

«ایها الناس! همین الآن، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پشت همین ضریح به من امر فرمودند که به فلانی بگو که در عزای فرزندم شرکت کند.»
گفتم: من متوجه شدم، پرسید: چیست؟ گفتم که من در همان شب با اصرار و الحاح از مردم خواستم که در سالروز وفات حضرت معصومه علیها السلام به قم آمده، در مراسمی که به این منظور از سال‌ها پیش در منزل بنده منعقد می‌شود شرکت نمایند. الحمدلله این فراخوانی مورد تأیید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قرار گرفته است. فرمودند: چگونه است که آقای قزوینی در این میان مطرح شده‌اند؟
گفتم: به دو جهت:

۱. در خواب «نام» نقش فراوان دارد، آقای قزوینی از تبار امام کاظم علیه السلام و سمنی آن حضرت می‌باشد، و لذا پیام امام کاظم علیه السلام توسط فرزندش سید محمدکاظم که سمنی و سلاله اوست ابلاغ شده است.

۲. منبری ما ایشان هستند و این مراسم توسط ایشان منعقد خواهد شد و اهل مجلس از بیانات شیوای معظم‌له مستفیض خواهند شد، و لذا امر به فراخوانی هم توسط ایشان انجام شده است.

تصادفاً آن سال مرحوم قزوینی مؤسسه امام صادق علیه السلام را تأسیس کردند و به تألیف «موسوعة الامام الصادق» پرداختند و تصمیم گرفتند که در وسط سال مطلقاً منبر نروند، از این رو دعوت ما را نیز نپذیرفتند.

و لذا من ناگزیر شدم که رؤیای صادقه فوق را به عرض ایشان برسانم، پس از استماع متن رؤیا حال دیگری پیدا کردند و در روز دهم ربیع الثانی خطابه پرشوری ایراد کردند و به آن رؤیا اشاره نمودند.

نگارنده تصمیم داشت که عنایت امام کاظم علیه السلام را به احدی نقل نکند، ولی پس از اشاره مرحوم قزوینی، موضوع برملا شد، دیگر کتمان معنی نداشت، از این رو مناسب به نظر رسید که در این کتاب نیز درج شود.

از اینجاست که نگارنده قول نخستین را انتخاب کرده، معتقد است تاریخ رحلت جانگداز حضرت معصومه علیها السلام دهم ربیع الثانی ۲۰۱ هجری است.

ولی نظر به اینکه قول دیگری نیز به دوازدهم ربیع الثانی می باشد، آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام بین این دو قول جمع کرده، از دهم تا دوازدهم ربیع الثانی، سه روز متوالی، مجلس سوگواری تحت عنوان «ایام معصومیه» برگزار می کند.

نگارنده معتقد است اگر روز ولادت و رحلت حضرت معصومه علیها السلام تعیین نمی شد، شایسته بود که روزی هر چند قراردادی، به عنوان «روز بزرگداشت حضرت معصومه» انتخاب شود، و در آن روز برای این ولی نعمت عظمی شرط ادب بجای آورده شود.

حالاکه روز اول ذیقعه به عنوان روز ولادت، و روز دهم ربیع الثانی به عنوان روز وفات آن حضرت انتخاب شده، بر شیعیان شیفته و پیروان دلسوخته این خاندان، بویژه اهالی قم که از نعمت مجاورت این کریمه اهل بیت برخوردارند، و بالأخص حوزه علمیه قم که به طفیل این بی بی دو عالم، در گرد حرمش گرد آمده، ریزه خوار خوان کرم و خوشه چین خرمن جود و سخای بی دریغش می باشند، شایسته است که با تمام قدرت در هر چه باشکوه تر برگزار کردن جشن میلاد و مراسم سوگواری این ولی نعمت عظمی تلاش کنند، تا شمه ای از حقوق بی کران حضرتش را ادا نمایند.

خداوند سبحان را سپاس می‌گوییم که به ما سعادت زندگی در حریم این بانوی بانوان، شفیعۀ عاصیان، پناه مؤالیان و کریمۀ دو جهان عنایت فرموده، توفیق عتبه‌بوسی آستان ملک پاسبانش را ارزانی داشته است. از درگاه حضرت حق مسئلت می‌کنیم: به طوری که سعادت زیارت کویش را در دنیا به ما عنایت فرموده، در آخرت نیز از شفاعت گسترده این شفیعۀ روز جزا محروم نسازد، و ما را شکرگزار نعمت مجاورت قرار دهد و توفیق رعایت حقوق مجاورت را عطا فرماید.

فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام

از نکات شایان دقت در مورد کریمۀ اهل‌البیت حضرت معصومه علیها السلام این است که بعد از زیارت چهارده معصوم علیهم السلام برای زیارت هیچیک از انبیا و اولیا، در حد زیارت حضرت معصومه علیها السلام تحریص و ترغیب و تشویق نشده است. در روایات صحیحۀ از سه معصوم برای زیارت آن حضرت ترغیب و تشویق رسیده است.

جالب‌تر اینکه برخی از این روایات پیش از ولادت آن شفیعۀ محشر شرف صدور یافته است، و در برخی از آنها تصریح شده که به هنگام صدور آن روایت از حضرت امام صادق علیه السلام هنوز حضرت موسی بن جعفر، یعنی پدر حضرت معصومه - سلام الله علیهما - دیده به جهان نگشوده بود.^۱

پاداش زیارت حضرت معصومه علیها السلام از زبان سه معصوم، بهشت تعیین شده، و تعبیرات ارزشمندی چون: ۱. «اهل بهشت است»، ۲. «بهشت از آن اوست»، ۳. «بهشت بر او واجب است»، برای زائر آن حضرت از معصوم علیهم السلام رسیده است.

و برای زیارت آن کریمۀ اهل‌البیت تعبیرات جالبی چون: ۱. «معادل بهشت است»، ۲. «همسنگ زیارت امام هشتم است»، بیان شده است.

و اینک احادیث وارده در فضیلت زیارت آن شفیعۀ روز جزا از زبان معصومین علیهم السلام:

۱. روایت سوم از امام صادق علیه السلام در همین بخش.

حدیث اول

شیخ صدوق، پیشوای محدثان شیعه، با سند صحیح از امام رضا علیه السلام در فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام روایت می‌کند که فرمود:

«مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛ یعنی: «هر کس او را زیارت کند بهشت از آن اوست.»^۱

بررسی سند حدیث:

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، متوفای ۳۸۱ هجری، رئیس محدثان شیعه، صاحب کتاب پرارج من لایحضره الفقیه یکی از چهار کتاب پایه و مرجع (کتب اربعه) و بیش از ۳۰۰ جلد کتاب ارزنده که همگان بر جلالت قدر او اتفاق دارند.^۲ و شیخ طوسی بعد از ستایش فراوان در حقش فرموده: «در میان بزرگان قم در قدرت حافظه و کثرت علم نظیرش دیده نشده است.»^۳

شیخ صدوق با دعای حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - به دنیا آمده^۴ و در توقیع شریف از او به عنوان «فقیه»، «خیر» و «مبارک» تعبیر شده است.^۵

شیخ صدوق این حدیث را از دو نفر نقل کرده:

۱. پدرش ابن بابویه

۲. محمد بن موسی بن متوکل

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، مشهور به «ابن بابویه» و «صدوق اول»، متوفای ۳۲۹ هـ فقیه بزرگوار و محدث جلیل القدر که عصر امام حسن

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۱ و ثواب الأعمال، ص ۹۸.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۸۹؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۹۵؛ رجال ابن داوود، ص ۱۷۹؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۵۴؛ رطل العلماء، ج ۵، ص ۱۱۹ و معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۳۱۹.

۳. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۸۹.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۳؛ رجال نجاشی، ص ۲۶۱؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۸۸؛ اعلام الوری، ص ۴۲۲؛ الثاقب فی المناقب، ص ۶۱۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۲۴؛ روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۵؛ تبصرة الولی، ص ۱۳۷؛ مدینة المعاجز، ص ۶۱۲؛ بحار، ج ۵۱، ص ۳۳۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۷۸ و معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۲۱.

۵. رجال بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۹۳.

عسکری علیه السلام را درک کرده و به افتخار دریافت نامه از امام حسن عسکری علیه السلام نائل آمده است.

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه شریف خود خطاب به ابن بابویه مرقوم فرموده: «أَمَّا بَعْدُ، أَوْصِيكَ يَا شَيْخِي وَمُعْتَمِدِي: أَبِالْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقَمِيِّ، وَفَقَّكَ اللَّهُ لِمَرْضَاتِهِ، وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِكَ أَوْلَادًا صَالِحِينَ بِرَحْمَتِهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ...»:

«ای شیخ و مورد اعتماد من، ای ابالحسن علی بن حسین قمی که خداوند تو را به مرضات خود موفق بدارد، و به رحمت خود در نسل تو اولاد صالح قرار دهد، تو را سفارش می‌کنم به تقوا و...»^۱

در این توقیع شریف امام علیه السلام او را با عنوان «شیخ» و «معتمد» مفتخر نموده، و برای او از خداوند توفیق و اولاد صالح تقاضا نموده، و او را با کنیه اش مورد خطاب قرار داده، سپس او را به اصول احکام و معیارهای اخلاقی امر فرموده، آنگاه به اهمیت نماز شب و انتظار فرج - بالخصوص - تأکید فرموده است.

بعد از صدور این توقیع شریف از معصوم علیه السلام دیگر نیازی نیست که برای اثبات وثاقت و جلالت قدر ابن بابویه به اقوال علمای رجال استناد شود.

ابن بابویه بعد از امام عسکری علیه السلام همه دوران غیبت صغری را زنده بود و در سال ۳۲۹ (سال وفات آخرین سفیر) درگذشت.

وی در عهد حسین بن روح سومین سفیر حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - به عتبات مشرف شده و با حسین بن روح دیدار کرده، پس از مراجعت نامه‌ای به محضر ایشان فرستاده تا به حضور مقدس حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - برساند. وی در این نامه برای صاحب اولاد شدن تقاضای دعا نموده بود.

از ناحیه مقدسه توقیعی به افتخار ایشان شرف صدور یافت که: «قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِذَلِكَ، وَسْتُرْزَقَ وَلَدَيْنِ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ...»:

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۵؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۳؛ رطل العلماء، ج ۴، ص ۷؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۷۳؛ لؤلؤة البحرين، ص ۳۸۴؛ بحار، ج ۵۰، ص ۳۱۷؛ مستدرک وسائل، ج ۳، ص ۵۲۷ و الأتوار البهية، ص ۱۶۱.

«ما برای شما در این زمینه دعا کردیم، و بزودی صاحب دو پسر شایسته خواهی شد.»^۱ در سال ۳۲۹ جمعی از بزرگان شیعه در بغداد، در محضر علی بن محمد سمري آخرین سفیر حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - نشسته بودند که ایشان فرمود: «خداوند علی بن حسین بن بابویه را رحمت کند.» پس همه تاریخ آن روز را یادداشت کردند، مدت‌ها بعد خبر رسید که در همان روز ابن بابویه در ری درگذشته است.^۲ قبر شریف ابن بابویه در قم، و قبر مطهر شیخ صدوق در شهر ری مورد توجه خاص و عام است.

این پدر و پسر برگردن جهان تشیع حقوق فراوان دارند. و اما محمد بن موسی بن متوکل، دیگر راوی حدیث، او نیز مورد اعتماد است و همه رجالیون بر وثاقتش تأکید کرده‌اند^۳ و سید ابن طاووس بر وثاقتش ادعای اجماع کرده است.^۴

ابن بابویه و محمد بن موسی، این حدیث را از: «علی بن ابراهیم بن هاشم قمی» روایت کرده‌اند، و جلالت قدر او نیز چون آفتاب نیمروز است.

نجاشی پیشوای رجالیون در حق او می‌نویسد: «در حدیث، مورد وثوق، دقیق، مورد اعتماد و صحیح العقیده است.»^۵

علی بن ابراهیم از اساتید مرحوم کلینی بود و کلینی احادیث فراوانی از او نقل کرده است.^۶

علی به ابراهیم صاحب تفسیر معروف به: «تفسیر قمی» است که مورد اعتماد و استناد همه مفسران و محدثان می‌باشد.

۱. رجال نجاشی، ص ۲۶۱؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۹۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۷۸؛ اعلام الوری، ص ۴۲۲؛

کمال‌الدین، ص ۵۰۲؛ الثاقب فی المناقب، ص ۶۱۴؛ بحار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و خلاصه علامه، ص ۹۴.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۲؛ نجاشی، ص ۲۶۲؛ الثاقب فی المناقب، ص ۶۱۴.

۳. رجال علامه حلی، ص ۱۴۹؛ رجال ابن داوود، ص ۱۸۵ و نقد الرجال، ص ۳۳۶.

۴. فلاح السائل، ص ۱۵۸.

۵. نجاشی، ص ۲۶۰؛ رجال علامه، ص ۱۰۰ و رجال ابن داوود، ص ۱۳۵.

۶. نقد الرجال، ص ۲۲۴.

علی بن ابراهیم این حدیث را از پدرش «ابراهیم بن هاشم قمی» روایت کرده است.

ابراهیم بن هاشم در عهد امام کاظم علیه السلام متولد شده، عصر امام رضا علیه السلام را درک کرده و آن حضرت را ملاقات نموده^۱ و از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. ابراهیم بن هاشم نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در قم انتشار داد.^۲ شیخ طوسی از او در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام یاد کرده است.^۳ ابراهیم بن هاشم گروهی از اصحاب امام صادق علیه السلام را درک کرده، و از آنها روایت کرده است.^۴

آیت الله خوئی بر وثاقت او تأکید کرده^۵ و سید ابن طاووس بر وثاقت او ادعای اجماع کرده است.^۶

ابراهیم بن هاشم این روایت را از «سعد بن سعد» روایت نموده است. سعد بن سعد بن احوص بن سعد بن مالک اشعری، از اصحاب امام رضا و امام جواد علیه السلام است و همه علمای رجال بر وثاقتش اتفاق نظر دارند.^۷ سعد بن سعد از کسانی است که امام جواد علیه السلام در حقشان فرموده است: «خداوند به آنها جزای خیر دهد که برای من حق و فارا ادا کردند.»^۸ سعد بن سعد این حدیث را بدون واسطه از امام رضا علیه السلام روایت کرده است.^۹

۱. فهرست شیخ طوسی، ص ۳۱.

۲. لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۱۹؛ رجال علامه، ص ۴؛ رجال نجاشی، ص ۱۶؛ رجال ابن داوود، ص ۳۴ و نقد الرجال، ص ۱۶.

۳. رجال شیخ طوسی، ص ۳۶۹.

۴. تهذیب المقال، ج ۱، ص ۲۵۸.

۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷.

۶. فلاح السائل، ص ۱۵۸.

۷. رجال نجاشی، ص ۱۷۹؛ رجال شیخ طوسی، ص ۳۷۸؛ نقد الرجال، ص ۱۴۸؛ رجال ابن داوود، ص ۱۰۱ و رجال

علامه، ص ۷۸.

۸. رجال کشی، ص ۵۰۳.

۹. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۱.

از بررسی سند این حدیث به این نتیجه رسیدیم که این حدیث صحیح است، زیرا حدیث صحیح به حدیثی گفته می‌شود که آن را راویان مورد اعتماد و استناد از معصوم علیهم السلام روایت کنند و همه راویان آن شیعه و عادل باشند^۱ و در این حدیث همه راویان آن از شخصیت‌های برجسته جهان تشیع می‌باشند، و بر وثاقت هر یک از آنها تأکید و تصریح شده است.

شیخ صدوق علاوه بر عیون الأخبار در کتاب ثواب الأعمال نیز این حدیث را از پدرش، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن هاشم، از سعد بن سعد، از امام رضا علیهم السلام روایت کرده است،^۲ و به طوری که گفتیم همه راویان آن از بزرگان شیعه و از افرادی هستند که صریحاً بر وثاقت آنها تأکید و تنصیب شده است.

سند دیگر:

این حدیث را عیناً، به همین تعبیر، ابن قولویه، از ابن بابویه، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن هاشم، از امام رضا علیهم السلام در کتاب بسیار ارزشمند کامل الزیارات روایت کرده است.^۳

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، متوفای ۳۶۷ هـ از شخصیت‌های برجسته جهان تشیع در قرن چهارم هجری می‌باشد، و همه علمای رجال بر وثاقت او اتفاق نظر دارند.^۴

علامه حلی در ستایش ابن قولویه می‌نویسد:

«او استاد شیخ مفید بود، شیخ مفید دانش و حدیث را از او فرا گرفت، هر واژه‌ای که مردم برای ابراز نیکی، وثاقت و فقه به کار می‌برند، او بالاتر از آن است.»^۵

۱. الدرایه، ص ۱۹؛ الوجیزه، ص ۵ و مقباس الهدایه، ص ۱۴۶.

۲. ثواب الأعمال، ص ۹۸.

۳. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۴. رجال نجاشی، ص ۱۲۳؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۷۱؛ نقد الرجال، ص ۶۵.

۵. رجال علامه، ص ۳۱.

ابن قولویه در ذیحجه ۳۳۷ هـ (اوایل غیبت کبری) به دیدار حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - و دریافت پاسخ پرسش‌هایش از آن حضرت موفق شده است.^۱

شایان دقت است که این حدیث در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت نیز آمده است:

۱. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ آن را به همین تعبیر از کتاب فضل الخطاب محمد خواجه پارسای بخاری، از بزرگان نقشبندی روایت کرده است.^۲

۲. سراج‌الدین عثمان دده نیز آن را به همین تعبیر در کتاب تاریخش از کتاب شواهد النبوة روایت کرده است.^۳

۳. مورخ مشهور حسین بن محمد دیاربکری، متوفای ۹۶۶ هـ نیز این حدیث را به همین تعبیر در تاریخ خود روایت کرده است.^۴

محدثان شیعه نیز آن را به نقل از شیخ صدوق و یا ابن قولویه در مجامع حدیثی خود آورده‌اند.^۵

حدیث دوم

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، متوفای ۳۶۷ هـ در کتاب بسیار ارزشمند کامل الزیارات که یکی از معتبرترین کتاب‌های قرن چهارم است، با سند معتبر از امام جواد علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ». یعنی: «هر کس عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت از آن اوست».^۶

بررسی سند حدیث:

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۲؛ بحار، ج ۵۲، ص ۵۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۴ و خاتمة مستدرک، ج ۳، ص ۵۲۳.

۲. منابع الموده، ص ۳۸۳.

۳. تاریخ اسلام و رجال - خطی - ص ۳۷۰ به نقل احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۳۳۸.

۴. تاریخ الخمسين، ج ۲، ص ۲۸۷ به نقل احسن الجزاء، ج ۲، ص ۳۱۸.

۵. التقض، ص ۱۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۵۱ = ج ۱۴، ص ۵۷۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۶؛ بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ و ج ۶۰، ص ۲۲۸ و ج ۱۰۲، ص ۱۶۵؛ عوالم، ج ۲۱، ص ۳۳۱ و مسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۲۵۴.

۶. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

ابن قولویه این حدیث را از پدرش محمد بن قولویه و برادرش علی بن محمد بن قولویه و جمعی از اساتیدش روایت کرده است.

اما پدرش «محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه» از شخصیت‌های برجسته عالم تشیع است، و گذشته از اینکه روایت کردن پسرش از او در اثبات وثاقت او کافی است، همه علمای رجال از او ستایش کرده‌اند.^۱

محمد بن قولویه به سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ در قم وفات کرد و قبر شریفش در کنار شیخان (در میان باغ ملی فعلی) قرار دارد.

و اما برادرش «علی بن محمد بن قولویه»، او نیز مورد وثوق و اعتماد است.^۲ محمد بن قولویه و علی بن محمد بن قولویه این حدیث را از «احمد بن ادريس اشعری» روایت کرده‌اند که او نیز از رجال برجسته تشیع، فقیهی نام‌دار و محدثی جلیل‌القدر است.^۳

احمد بن ادريس به سال ۳۰۶ هـ در مسیر حج در محلی به نام «قرعاء» درگذشت.^۴ احمد بن ادريس این حدیث را از «عَمْرَکِی بن علی بُوفَکِی» روایت کرده است، او نیز از شخصیت‌های برجسته جهان تشیع است و علمای رجال بر وثاقتش تأکید کرده‌اند.^۵

«بوفک» نام یکی از دهات نیشابور است.

عَمْرَکِی این حدیث را از یکی از راویان مورد وثوقش نقل کرده و نام او را برای احمد بن ادريس گفته، جز اینکه نام او به دست ما نرسیده است تا میزان وثاقت او را ارزیابی کنیم.

۱. رجال نجاشی، ص ۱۲۳؛ رجال علامه، ص ۱۶۴؛ ریحانة الادب، ج ۸، ص ۱۶۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۶۷ و نقد الرجال، ص ۳۲۹.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۶۱ و ریحانة الادب، ج ۸، ص ۱۶۲.

۳. رجال نجاشی، ص ۹۲؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۵۴ و رجال علامه، ص ۱۶.

۴. فهرست شیخ طوسی، ص ۵۴.

۵. رجال نجاشی، ص ۳۰۳؛ رجال علامه، ص ۱۳۱ و سرائر، ص ۴۸۴.

ولی نظر به اینکه ابن قولویه ملتزم شده در کتاب کامل الزیارات منحصرأً از افراد مورد وثوق روایت کند و هرگز از افراد شاذ روایت نکند^۱ لذا ذکر نشدن یکی از روایات ضرری به صحت حدیث نمی‌زند، و از نظر حدیث‌شناسی این روایت در شمار احادیث صحیحه می‌باشد و حتی عنوان «صحیح» نیز بر آن اطلاق می‌شود، چنان‌که شهید ثانی^۲ شیخ بهائی^۳ و علامه مامقانی^۴ بر آن تصریح کرده‌اند. بالخصوص که متن حدیث دقیقاً با حدیث قبلی منطبق است و لذا اگر در سند این حدیث ضعفی بود با آن جبران می‌شود.

محدثان بعدی نیز این حدیث را از طریق ابن قولویه از امام جواد علیه السلام روایت کرده‌اند.^۵

حدیث سوم

ابوعلی حسن بن محمد بن حسن قمی، در کتاب ارزشمند تاریخ قم که به سال ۳۷۸ هـ در ۲۰ باب آن را تألیف کرده، و حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی به سال ۸۶۵ هـ آن را به فارسی برگردانده است، از امام صادق علیه السلام روایت جالبی نقل کرده که بسیار شایان دقت است، و اینک متن حدیث:

گروهی از اهل ری به محضر مقدس امام صادق علیه السلام مشرف شدند و گفتند: ما اهل ری هستیم، امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَرَحَبًا بِإِخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ.» یعنی: «مرحبا بر برادران ما از اهل قم.»

آنها گفتند: ما اهل ری هستیم، امام علیه السلام همان جمله را تکرار نمود. چندین بار آنها گفتند: ما اهل ری هستیم، و امام علیه السلام سخن نخستین را تکرار نمود.

۱. کامل الزیارات، ص ۴.

۲. الدرایه، ص ۴۸.

۳. الوجیزه، ص ۶.

۴. مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۱۵۷.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶؛ بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ و ج ۱۰۲، ص ۳۶۵؛ عوالم، ج ۲۱، ص ۳۳۱ و جامع

احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ، وَلِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ، وَسَتُدْفَنُ فِيهِ إِمْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.» یعنی: «خدا را حرمی است و آن مکه است، رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است، امیر مؤمنان علیه السلام را حرمی است و آن کوفه است، ما اهل بیت را حرمی است و آن قم است. بزودی بانویی به نام «فاطمه» از تبار من در آنجا دفن می‌شود که هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.»

راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام این سخن را زمانی فرمود که هنوز مادر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به آن حضرت حامله نشده بود.^۱

مؤلف تاریخ قم این کتاب ارزشمند را به دستور «صاحب بن عبّاد» تألیف کرده و فصل مبسوطی از خدمات برجسته او را در دیباچه کتاب آورده است.^۲ صاحب بن عبّاد وزیر دانشمند و فرزانه و کم‌نظیر تاریخ ایران، به سال ۳۲۶ متولد، و در سال ۳۸۵ درگذشت.^۳

از او تألیفات گرانقدری بر جای مانده که ۱۴ جلد آن از حوادث زمان جان سالم به در برده و ۱۷ جلد آن از بین رفته، فقط اسامی آنها محفوظ است.^۴ صاحب برگردن همه ایرانیان حق دارد و مطالعه شرح زندگی‌اش برای همه مفید و راهگشاست.^۵

قبر شریفش در اصفهان زیارتگاه خاص و عام است.

۱. تاریخ قم، ص ۲۱۴.

۲. تاریخ قم، ص ۴ - ۱۰.

۳. معجم الادباء، ج ۶، ص ۱۷۱ - ۲۰۹.

۴. هدیه العباد، ص ۱۶۷ - ۱۸۷.

۵. صاحب بن عبّاد از شیخ محمدحسن آل یاسین، هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عبّاد از حاج شیخ عباسعلی ادیب.

ترجمه این کتاب نیز به دستور خواجه فخرالدین ابراهیم بن خواجه عمادالدوله محمود انجام پذیرفته است.^۱ ولی با کمال تأسف متن عربی آن از بین رفته و از ترجمه فارسی فقط پنج باب آن باقی مانده است.

فهرست دیگر ابواب کتاب در مقدمه آمده است.^۲ این کتاب تنها مأخذ حدیث فوق است و همه محدثان بعدی آن را از این کتاب نقل کرده‌اند.^۳

این حدیث با توجه به زمان صدور آن که قبل از تولد حضرت معصومه، و حتی قبل از تولد پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام صادر شده، متضمن خبر غیبی است و از اهمیت خاصی برخوردار است.

حدیث چهارم

صاحب تاریخ قم که به اهمیت و عظمت کتاب و مؤلف آن اشاره کردیم، به سند دیگری از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«إِنَّ زِيَارَتَهَا تُعَادِلُ الْجَنَّةَ.» یعنی: «زیارت حضرت معصومه همسنگ بهشت است.»^۴ علامه مجلسی این حدیث را به همین تعبیر از کتاب تاریخ قم نقل کرده^۵ ولی در دو مورد در نسخه‌های چاپی بحار به جای «تُعَادِلُ»، «تَعْدِلُ» آمده است.^۶ در دیگر منابع «تُعَادِلُ» ضبط شده است.^۷

این حدیث نیز تنها مأخذش کتاب گرانسنگ تاریخ قم است.

۱. تاریخ قم، ص ۳ (مقدمه مترجم).

۲. تاریخ قم، ص ۱۵ - ۱۹.

۳. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷، ج ۶۰، ص ۲۱۶ و ج ۱۰۲، ص ۲۶۷؛ مستدرک وسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷؛ تعلیقات النقض، ج ۱، ص ۴۲۴؛ مرآة المعارف، ج ۲، ص ۱۶۴ و مشاهد العترة الطاهرة، ص ۱۶۳.

۴. تاریخ قم، ص ۲۱۵.

۵. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.

۶. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۷. مستدرک وسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶ و جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

حدیث پنجم

نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل رازی قزوینی، از علمای برجسته قرن ششم، در کتاب پرارجی که به نام بعض مثالب النواصب به سال ۵۶۰ هـ تألیف کرده^۱ در ضمن حدیث مفصلی که متن کامل آن را در فصل «شخصیت برجسته حضرت معصومه علیها السلام» آوردیم، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

«تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدِي، وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتُنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»؛

«در قم بانویی که از فرزندان من است و نام گرامی‌اش «فاطمه دخت موسی» است، رحلت می‌کند. با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند.»^۲
این حدیث را مرحوم قاضی نورالله شوشتری در مجالس، و مرحوم علامه مجلسی در بحار آورده‌اند، جز اینکه به جای «شِيعَتُنَا» یعنی «شیعیان ما»، «شِيعَتِي» یعنی «شیعیان من» ضبط کرده‌اند.^۳

این حدیث مربوط به بخش زیارت نبود، و لذا متن کامل آن را در بخش «شخصیت برجسته حضرت معصومه علیها السلام» آوردیم، ولی چون زائران حرم مطهرش در طلیعه کسانی قرار دارند که شفاعت آن شفیعه محشر شامل حالشان می‌شود، فرازی از آن را در اینجا آوردیم.

طبعاً خوانندگان گرامی به هنگام مطالعه این حدیث شریف، فرازی از زیارتنامه آن حضرت را مترنم می‌شوند و در هر مکانی که هستند به طرف شهر مقدس قم روی می‌کنند و با اخلاص تمام می‌گویند:
«يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ.»

۱. این کتاب به نام النقض شهرت یافته و به همین نام با تحقیقات ارزشمند مرحوم محدث ارموی در ۸۰۰ صفحه انتشار یافته، و تعلیقات مرحوم محدث نیز در دو جلد بزرگ (۱۴۸۰ صفحه) منتشر شده است.

۲. النقض، ص ۱۹۶.

۳. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳ و بحار، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

حدیث ششم

قاضی نورالله شوشتری صاحب احقاق الحق که به جهت نوشتن این کتاب و دفاع قاطعش از حریم ولایت، به سال ۱۰۱۹ هـ در هندوستان به شهادت رسید^۱ و حرم مطهرش در «آگره» (اکبرآباد هند) زیارتگاه خاص و عام است، در کتاب پر ارج مجالس المؤمنین از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که خطاب به سعد بن سعد احزم فرمود:

«یا سَعْدُ! مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» یا «هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛

«ای سعد! هر کس او را زیارت کند، بهشت از آن اوست» یا «او اهل بهشت است».^۲ عبدالجلیل قزوینی نیز این حدیث را در کتاب النقض به همین تعبیر روایت کرده، جز اینکه در دو نسخه از نسخ خطی آن، عنوان راوی «سعد بن سعد احرم» و در دیگر نسخ آن «سعد بن سعد احوص» آمده است.^۳ به نظر می‌رسد که این حدیث، همان حدیث نخستین باشد، و «احزم» تصحیف «احوص» باشد، جز اینکه مرحوم صدوق و ابن قولویه آن را با سند متصل و معتبر از امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند و مرحوم شوشتری و قزوینی با حذف سند نقل کرده‌اند. تنها نکته‌ای که در این روایت است این است که راوی آن را با تردید نقل کرده، یعنی مطمئن نیست که امام علیه السلام آن را با کدامیک از دو تعبیر زیر فرموده است:

۱. «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ». یعنی: «هر کس او را زیارت کند، بهشت از آن اوست».

۲. «مَنْ زَارَهَا هُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». یعنی: «هر کس او را زیارت کند، اهل بهشت است».

این دو تعبیر از جهت معنی فرق اساسی ندارد جز اینکه راوی برای حفاظت به تعبیر امام علیه السلام هر دو را نقل کرده است.

۱. شهداء الفضيلة، ص ۱۷۲؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۳۳۷ و ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳.

۳. النقض، ص ۱۹۷.

حدیث هفتم

علامه بزرگوار مولی محمدباقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ در دائرةالمعارف بزرگ بحارالانوار از کتب قدماى اصحاب از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که خطاب به «سعد بن سعد اشعری» فرمود:

«یا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ.» یعنی: «ای سعد! از ما قبری در نزد شما هست.»

سعد می‌گوید عرض کردم: «فدایت کردم، آیا قبر فاطمه دختر حضرت موسی بن

جعفر علیه السلام را می‌فرمایید؟» فرمود:

«نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ، فَإِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ فَقُمْ عِنْدَ رَأْسِهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ، وَكَبِّرْ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَسَبِّحْ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَاحْمَدِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، ثُمَّ قُلْ: أَلْسَلَامٌ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ...»؛

«آری، هر کس او را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد، بهشت از آن

اوست. پس هرگاه به کنار قبر او آمدی، در نزد بالای سرش بایست و ۳۴ مرتبه الله

اکبر، ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو، آن‌گاه بگو: أَلْسَلَامٌ عَلَى آدَمَ

صَفْوَةَ اللَّهِ، تا پایان زیارت شریفه.»^۱

مطابق این حدیث شریف زیارتنامه حضرت معصومه علیه السلام از حضرت رضا علیه السلام روایت

شده^۲ و به اصطلاح مأثور است، و در میان مخدّرات اهل بیت علیهم السلام بعد از حضرت

فاطمه زهرا علیه السلام تنها بانوی مجلله‌ای که زیارت مأثوره دارد کریمه اهل بیت است.

حدیث هشتم

میرزا محمد تقی سپهر، متوفای ۱۲۹۷ هـ در کتاب زندگانی امام کاظم علیه السلام از مجلدات

ناسخ‌التواریخ از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُومِ زَارِنِي»؛

۱. بحار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵-۲۶۷ و ج ۴۸، ص ۳۱۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷ و عوالم، ج ۲۱، ص ۲۳۰.

۲. مستدرک وسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۸؛ مستدرک سفینه، ج ۸، ص ۲۵۸؛ ناسخ‌التواریخ - جلد امام کاظم - ج ۳، ص ۶۹؛ تحفة

الزائر، ص ۵۰۵؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۸۵؛ مفتاح الجنان، ص ۱۳۱۲؛ مصابیح الجنان، ص ۳۸۵؛ الدعاء و الزیارة، ص ۸۰۲.

«هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد.»^۱

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی نیز این حدیث را در کتاب ارزشمند ریاحین الشریعه نقل کرده، جز اینکه نسبتش را به کتاب کامل الزیارات داده است^۲ البته در کامل الزیارات چاپی چنین حدیثی وجود ندارد، ولی اگر این حدیث در کتب حدیثی پیدا شود فوق‌العاده ارزشمند است، زیرا لقب «معصومه» فقط در این حدیث از معصوم علیها السلام رسیده است.

حدیث نهم

مولی حیدر خوانساری، استاد آغا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۸ هـ) در کتاب پر ارج زبدة التصانیف از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که همان ثواب زیارت مرا در می‌یابد.»^۳

از این حدیث جلالت قدر حضرت حمزة بن موسی بن جعفر علیهم السلام (مدفون در حضرت عبدالعظیم) نیز روشن می‌شود.

از میلاد مسعود تا اجل موعود

زندگانی بسیار کوتاه حضرت معصومه علیها السلام با خاطرات تلخ و شیرین بسیاری توأم است که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

خواهر و برادر نمونه

در تاریخ انسان‌ها خواهران و برادران فراوانی یافت می‌شوند که با تمام وجود همدیگر را دوست داشته باشند و در تمام عمر رشتهٔ محبت و مودتشان هرگز گسسته نشود، و عشق و علاقهٔ متقابلشان نقل مجالس و زبانزد خاص و عام باشد.

۱. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۲. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵.

۳. زبدة التصانیف، ج ۶، ص ۱۵۹.

در این میان افراد نمونه‌ای پیدا می‌شوند که کانون مهر و وفا باشند و محبت و مودت زایدالوصفشان در طول قرون و اعصار کم‌نظیر باشد.

بارزترین نمونه این افراد امام حسین و زینب کبری علیهم السلام می‌باشند که همه خوانندگان با نکات برجسته‌ای از عشق و علاقه این برادر و خواهر آشنا هستند و خاطرات تلخ و شیرین این خواهر و برادر را در طول زندگی، بویژه در سفر کربلا، کم و بیش می‌دانند.

دومین نمونه بارز برادر و خواهر نمونه، خورشید فروزان امامت حضرت رضا علیه السلام و خواهر گرامی‌اش ماه تابان برج عصمت حضرت معصومه علیها السلام می‌باشند.

مدت ۲۵ سال تمام حضرت رضا علیه السلام تنها فرزند نجمه خاتون بود، زیرا از نجمه خاتون فقط دو فرزند در تاریخ ثبت شده: ۱. امام هشتم؛ ۲. حضرت معصومه.

ولادت با سعادت امام هشتم در ذی‌قعدة ۱۴۸ هـ و میلاد مسعود حضرت معصومه در ذی‌قعدة ۱۷۳ هـ بود.

طبق این بیان، ۲۵ سال تمام امام هشتم تنها فرزند نجمه خاتون بود.

در میان فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هیچکدام همسنگ حضرت رضا علیه السلام نبود، تا امام هشتم والاترین مهر و عاطفه برادری را بر او نثار کند.

بعد از یک ربع قرن انتظار، سرانجام ماه تابانی از افق امامت درخشید که همسنگ امام هشتم بود، و او به راحتی می‌توانست والاترین عواطف انباشته شده در سویدای دلش را بر او نثار کند.

اگرچه همه امامان کانون مهر و وفا بودند، ولی رأفت و شفقت امام هشتم در حدی بود که در میان ائمه علیهم السلام لقب «امام رؤوف» را به خود اختصاص داده است.

امام رضا علیه السلام که اقیانوس رأفتش آهوان بیابان را شامل می‌شد، و او را به عنوان «ضامن آهو» لقب داده‌اند، برای انسان‌ها چقدر عاطفه و احساس خواهد داشت؟

عواطف سرشار امامی که آثار آن به هنگام ولادت حضرت جواد علیه السلام از محدوده منزل بیرون رفته، در صفحات تاریخ منعکس شده که چه شب‌هایی را در کنار گهواره فرزند دل‌بندش تا به سحر بیدار مانده و با جوادش راز دل گفته، چگونه ممکن است از

گهواره خواهری که ۲۵ سال تمام انتظار مقدمش را کشیده، لحظه‌ای دور شود؟

قلم هرگز نمی‌تواند شادی و مسرت زایدالوصف امام هشتم را در غرّه ذیقعه ۱۷۳ هـ ترسیم کند و به خوانندگان گرامی منتقل نماید که در دودمان امامت چه هلهله‌ای بوده، و چه غریو شادی از خاندان رسالت بلند بوده که البشاره امام رضا صاحب خواهری شده است؛ آن هم خواهری که پیش از تولد پدرش، بشارت این دختر از زبان بحق ناطق امام صادق علیه السلام شرف صدور یافته بود.^۱

این بشارت غیبی که از منطق وحی سرچشمه گرفته، در غرّه ذیقعه ۱۷۳ هـ عینیت یافت.

ماه «ذیقعه» با امام رضا علیه السلام پیوند خاصی دارد:

۱. خجسته میلاد سلطان سریر ارتضا، حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - در یازدهم این ماه است.
 ۲. ولادت باسعادت تنها خواهر گرامی اش حضرت معصومه علیها السلام در نخستین روز این ماه است.
 ۳. مهم‌ترین روز زیارتی مخصوص امام رضا علیه السلام در طول سال روز بیست و سوم این ماه است.
 ۴. شهادت جانسوز فرزند دلبنش حضرت جواد الاثم علیه السلام نیز در آخر این ماه است. بی‌گمان شیرین‌ترین خاطره امام هشتم از ماه ذیقعه، در آغاز آن بود که هلال «معصومه» از برج «نجمه» در افق امامت درخشیدن گرفت و کانون زندگی امام هشتم را با انوار درخشانش پر فروغ‌تر ساخت.
- حضرت معصومه ماه تابانی بود که لحظه‌ای از خورشید فروزان امامت جدا نمی‌شد و از دریای بیکران علوم رضوی کسب فیض می‌نمود.
- حضرت معصومه علیها السلام در سنین کودکی به مقامی رسید که به راحتی می‌توانست به پرسش‌های فقهی و عقیدتی پاسخ بگوید و پاسخ‌هایش مورد پذیرش و شگفت پدر بزرگوارش قرار بگیرد.

۱. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶ و مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳

طبق نقل برخی از ثقات، مرحوم حاج سید نصرالله مستنبط (داماد مرحوم آیت الله خوئی) از کتاب نفیس و بی نظیر کشف اللثالی نقل کرده که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه‌ای نوشته، به خاندان امامت بردند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سفر بود و امام رضا علیه السلام نیز در مدینه نبود. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند، از اینکه خدمت امام علیه السلام نرسیده بودند و با دست خالی به وطن خود برمی‌گشتند بسیار اندوهگین بودند. حضرت معصومه علیها السلام که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شد و لذا پاسخ پرسش‌های آنان را نوشت و به آنها عنایت کرد. شیعیان، مدینه را با سرور و شادی ترک کردند؛ و در بیرون مدینه با امام کاظم علیه السلام مواجه شدند. هنگامی که داستان خود را گفتند و دستخط حضرت معصومه علیها السلام را ارائه دادند، امام علیه السلام شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند:

«فداها ابوها.» یعنی: «پدرش به فدایش.»

این داستان جالب و پرجا را مرحوم «مستنبط» از کتاب کشف اللثالی تألیف دانشمند نامی شیعه در قرن نهم «ابن العرنس» متوفای حدود ۸۴۰ هـ نقل فرموده است. این کتاب به طبع نرسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتری‌های نجف اشرف است که ما دسترسی به آن نداریم.

حضرت معصومه علیها السلام در پرتو تربیت خاص و عنایت ویژه پدر و برادر به مقامی رسید که امام صادق علیه السلام ده‌ها سال قبل از تولدش با الهام غیبی از شخصیت برجسته‌اش سخن گفته و در پایان فرموده است:

«تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتُنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ.» یعنی: «همه شیعیان ما با شفاعت او وارد بهشت می‌شوند.»^۱

در سال‌های سخت و جانکاه ۱۷۹ تا ۱۸۳ هـ که پدر بزرگوارش در زندان هارون به سر می‌برد، این شفیعه روز محشر، در دفاع از حریم ولایت و پاس‌داری از خط

امامت، آن‌چنان نقش مؤثری ایفا نمودند که جمله «فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛ به راستی برای تو در نزد پروردگار شأن بسیار والایی است»، از معصوم علیه السلام صادر شد.^۱

عزیمت به سوی ایران

بیش از ده بهار از عمر شریفش نگذشته بود که پدر بزرگوارش با زهر جفا در زندان هارون به شهادت رسید و دریایی از غم و اندوه بر قلب شریفش فرو ریخت. تنها مایه تسلی او برادر بزرگوارش حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بود که بعد از پدر، حجت خدا، دادرس امت و فریادرس مردم مستضعف بود. او نیز در اوج خفقان هارونی با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کرد.

یورش‌های بی‌رحمانه‌ای که توسط دژخیمان رژیم به دودمان امامت انجام می‌شد، دل نازنین حضرت معصومه علیه السلام را می‌آزرد، ولی دیدار برادر این غم‌ها را از دل او می‌زدود و نور و صفا به کانون زندگی‌اش می‌بخشید که ناگهان خلف ناصالح هارون، مأمون، نیز راه پدر را در پیش گرفت و وجود اقدس امام هشتم را از کانون خانواده جدا نمود، و به اجبار - ولی ظاهراً به صورت محترمانه - به خراسان جلب کرد و به اقامت اجباری در خراسان وادار نمود.

مأمون دغلباز با نیرنگ فراوان و توسل به زور و تزویر، امام رضا علیه السلام را به پذیرش ولایتعهدی مجبور نمود.

امام رضا علیه السلام که با ترفندهای مأمون آشنا بود و می‌دانست که او برای رسیدن به اهداف سیاسی خود این موضوع را مطرح نموده، با اکراه تمام و اعلام شرایطی چند، ولایتعهدی را پذیرفت و روز پنجم یا ششم رمضان ۲۰۰ هـ رسماً به عنوان ولیعهد اعلام گردید.

سکه به نامش زده شد و خطبا در خطبه‌های نماز جمعه با تجلیل و تمجید فراوان از حضرتش نام می‌بردند.

حضرت معصومه علیها السلام در حدود یک سال فراق برادر را تحمل کرد، ولی کاسه صبرش لبریز گردید و بیش از آن قدرت شکیبایی نداشت، و لذا به اشتیاق دیدار برادر مدینه را به قصد «مرو» ترک کرد.

همراهان حضرت معصومه

بانوی با فضیلتی که در سراپرده عصمت در تحت نظارت مستقیم امام کاظم و امام رضا علیهم السلام تربیت شده، هرگز بدون همراهان واجد شرایط به مسافرت دور و دراز «مدینه» تا «مرو»، آن هم با وسایل آن روز و ناامنی جاده‌ها، تن نمی داد. و لذا از برادران و برادرزادگان هر کدام را که آماده سفر به ایران بودند، گرد آورد و به این سفر پر مخاطره به خاطر دیدار برادر اقدام نمود.

در این سفر پنج تن از برادران حضرت معصومه، به نام‌های فضل، جعفر، هادی، قاسم و زید، و تعدادی از برادرزادگان، و تنی چند از غلامان و کنیزان، آن حضرت را همراهی می‌کردند.

رنج سفر را با وسایل بسیار سخت آن روز، هر چه بود تحمل کردند تا به شهر «ساوه» رسیدند.

مردمان شهر ساوه در زمان ما از شیعیان شیفته و موالیان پاک‌باخته خاندان عصمت و طهارت هستند، ولی در آن ایام از دشمنان سرسخت اهل بیت بودند. از این رو هنگامی که موکب حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به ساوه رسید، مردم ساوه به آنها حمله‌ور شدند و جنگ سختی درگرفت و همه برادران و برادرزادگان حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیدند. هنگامی که حضرت معصومه - آن کانون مهر و صفا - جسدهای غرقه به خون و پیکرهای قطعه قطعه شده ۲۳ تن از عزیزان خود را نقش بر زمین دید، به شدت محزون شد و در اثر این مصائب جانکاه به شدت بیمار گردید.

عزیمت به سوی قم

اهالی قم که از روز نخست با محبت خاندان عصمت و طهارت خو گرفته بودند و اسلام را از اول همراه با ولایت امیر مؤمنان علیه السلام پذیرفته بودند و هرگز در برابر غاصبان

فدک خضوع نکرده بودند، هنگامی که از این فاجعه دلخراش آگاه شدند، به ساوه رفتند و حضرت معصومه علیها السلام را با احترام تمام به قم آوردند.

بر اسس تاریخی که ما برگزیدیم، روز ۲۳ ربیع الاول ۲۰۱ هـ کجاوه حامل حضرت معصومه علیها السلام در میان استقبال پر شور مردم قم وارد این شهر شد.

«موسی بن خزرج»، بزرگ اشعری‌های قم، شخصاً زمام ناقه را به دوش می‌کشید و عده فراوانی پیاده و سواره گرداگرد کجاوه در حرکت بودند، تا در محلی که امروز «میدان میر» نامیده می‌شود، ناقه حامل آن حضرت زانو به زمین زد، و این افتخار بزرگ نصیب موسی بن خزرج شد که هفده روز میزبان کریمه اهل بیت باشد.

بانوان با فضیلت قم دسته دسته به دیدار آن بانوی مجلله می‌شتافتند و او را در سوک عزیزان از دست رفته‌اش تسلیت می‌دادند.

خانه موسی بن خزرج به احترام اقامت هفده روزه آن حضرت به صورت مدرسه درآمد و به مدرسه «ستیه» موسوم گردید.

محراب عبادت آن حضرت نیز در رو به روی درب ورودی مدرسه تا به امروز محافظت شده، در طول تاریخ به عنوان «بیت النور» شهرت یافته، و همواره به عنوان عبادتگاه آن حضرت، زیارتگاه خاص و عام بود.

رحلت جانسوز حضرت معصومه

حضرت معصومه علیها السلام مدت هفده روز در خانه موسی بن خزرج به حال بیمار و رنجور به عبادت پرداخت و سرانجام روز دهم ربیع‌الثانی ۲۰۱ هـ پیش از آنکه دیدگان رمد کشیده‌اش با دیدار برادرش روشن گردد، در دیار غربت و در میان اندوه فراوان رحلت نمود و شیعیان قم را به سوک نشانند.

مردم قم، با تجلیل فراوان بیکر پاکش را تشییع کردند و در محل فعلی حرم که آن روز در بیرون شهر بود و به موسی بن خزرج تعلق داشت، با احترام زایدالوصفی مهیای دفن نمودند.

هنگامی که قبر مهیا شد، در مورد اینکه چه کسی وارد قبر شود، به بحث و مشورت پرداختند.

پیرمرد پرهیزگاری به نام «قادر» مطرح شد و همه در مورد او به اتفاق نظر رسیدند. کسی را به دنبالش فرستادند تا او را به باغ بابلان برای انجام این مهم فرا خواند. پیش از آنکه «قادر» بیاید، خداوند قادر منان با قدرت بیکرانیش دو تن سواره، نقاب بر چهره، از جانب ریگزار (محل رودخانه فعلی) نمودار ساخت که بسرعت نزدیک آمدند و به تجهیز آن بانوی مظلومه پرداختند. یکی وارد قبر شد و دیگری جسد پاک و مطهر آن حضرت را برداشته، به دست او داد تا در دل خاک نهان سازد.

آن دو بزرگوار پس از پایان مراسم دفن، بدون اینکه با احدی سخن بگویند، بر اسب‌های خود سوار شده، از محل دور شدند.^۱ کسانی که با سیره ائمه آشنایی دارند، تردیدی ندارند که آن دو نفر وجود مقدس امام هشتم و نور دیده‌اش جواد الائمه بوده‌اند که برای شرکت در مراسم کفن و دفن حضرت معصومه علیها السلام به اعجاز امامت از خراسان و مدینه - با طی الأرض - به این سرزمین تشریف‌فرما شده بودند.

هنگامی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای شرکت در مراسم کفن و دفن یک شیعه خالص به نام «شطیطه» با اعجاز امامت از مدینه به «نیشابور» تشریف آوردند، پس از نماز بر پیکر آن پیرزن سعادت‌مند و شرکت در مراسم کفن و دفن، و پاشیدن تربت امام حسین علیه السلام بر روی جنازه آن مخدره، به هنگام عزیمت از نیشابور خطاب به شیعیان فرمودند:

«أَنْنِي وَمَنْ جَرَى مَجْرَايَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، لَا بُدَّ لَنَا مِنْ حُضُورِ جَنَائِزِكُمْ فِي أَيِّ بَلَدٍ كُنْتُمْ، فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ وَأَحْسِنُوا الْأَعْمَالَ، لِتُعِينُونَا عَلَى خَلَاصِكُمْ وَفَكِّ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ»؛

«من، و هر کس که از امامان اهل بیت بعد از من به جای من بنشیند، به ناگزیر باید در تشییع جنازه شما حاضر شویم، در هر شهری که باشید. شما نیز تقوا

پیشه کنید و اعمال خود را نیکو سازید، تا ما را در رهایی بخشیدن شما از آتش جهنم یاری نمایید.»^۱

با این بیان روشن و استوار، و گفتار امید بخش امام کاظم علیه السلام هیچ تردیدی نمی ماند که ائمه اطهار علیهم السلام در تشییع جنازه شیعیان خالص حاضر می شوند.

این موضوع در مورد حضرت معصومه با دیگران فرق می کند، زیرا:

۱. او تنها خواهر امام هشتم است و محبوب ترین اولاد پدر در نزد برادر است. امامی که باید در جنازه شیعیان خالص شرکت نماید، چگونه ممکن است در مراسم تنها خواهر و یگانه نور دیده اش شرکت نکند؟!

۲. او صدها فرسنگ به عشق دیدار برادر - از مدینه تا قم - راه پیموده، و اینک در دیار غربت، به دور از ایل و تبار بدرود حیات می گوید، چگونه ممکن است که برادرش حجت خدا باشد و همه زمین در دست اراده او باشد، در آخرین لحظات زندگی، خواهر نیم رخ می به او نشان ندهد و در مراسم تجهیز و تدفینش شرکت نکند؟!

۳. او به تعبیر امام علیه السلام «معصومه» است و طبق ضوابط فقه اهل بیت باید پیکر معصومه به دست معصوم تجهیز و تدفین شود، چنان که غسل، کفن و دفن حضرت زهرا علیها السلام را امیر مؤمنان علیه السلام شخصاً انجام داد، و پیکر مطهر حضرت مریم را حضرت عیسی علیه السلام شخصاً غسل داد.^۲

۱. الثاقب فی المناقب، ص ۴۴۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

● علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت علیهم السلام (چاپ اول: قم، نشر حاذق، ۱۳۷۴). ص ۲۱ - ۱۷۹، با تلخیص.

حياة الست

مهدی منصوری

چکیده: گزارش کوتاهی از تاریخ و زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به منابع کهن تاریخی، گزارشی از تولد تا رحلت آن بانوی گرامی ارائه کرده، و در ضمن آن، از فضیلت و ثواب زیارت بارگاه نورانی ایشان سخن به میان آورده است. از دیدگاه نویسنده، برای فضیلت آن مخدّره کافی است که سه امام به مقام و منزلت او، تصریح بکنند و اجر زیارت او را بهشت قرار بدهند؛ همان طوری که در برابر زیارت امام، بهشت وعده داده شده است. چه فضیلت و مقامی بالاتر از اینکه ثواب زیارت او را در اجر و مزد با ثواب زیارت امام یکسان قرار داده است. البتّه واضح است، امام از باب ترغیب شیعیان و دوستان است که این فرمایشات را فرموده‌اند.

از دیگر فضائل ایشان این است که محدّثه است، یعنی روایت از پیغمبر و امام نقل می‌کند. لازمهٔ اینکه محدّثه باشد، عالمه بودن است. آن بانو، محدّثه و عالمه بوده است که مقامی بس ارجمند و والا است.

کلید واژه: حضرت معصومه، فضیلت زیارت، عالمه و محدّثه.

✱

مدتی بود در فکر آن بودم چند موضوع از حالات حضرت فاطمه معصومه که بعضی از آنها مبهم و نامعلوم است، به دست بیاورم، مدرک و سندی بر آن پیدا کنم. با توفیق و تأیید حضرت پروردگار عالم، شروع می‌کنم با مراجعه به کتب تاریخ و انساب و آنچه را از مطالب که به دست آوردم و نوشتم، به نظر بعضی از رجال بزرگ علمی که

در این فن اطلاع کامل [دارند]، بلکه متخصص می‌باشند - مثل آیت‌الله آقای نجفی که یکی از معاریف حوزه علمیه قم است - رسیده و مورد تأیید گردیده. نتیجه اقدام و کوشش حقیر برای زیادتی اخلاص و بصیرت زائرین قبر باشکوه حضرت فاطمه معصومه - علیها التحية والسلام - می‌باشد و برای تشویق و ترغیب و تجلیل مقام خدمت‌گزاران آستانه مقدسه از تولیت عظمی جناب آقای مصباح التولية و متصدیان امور آستانه و خادمان محترم است. موفقیت همه را در تعظیم آن بانو [ی] معظمه خواستارم.

آنچه در این مختصر مورد نظر و اهتمام است نگاشته شود: اول اسم والد و والده ماجده محترمه آن بی بی مجلله، دوم روز و ماه و سال تولد آن سیده، سوم روز و ماه و سال وفات آن مکرمه، چهارم همراهان مسافرت از مدینه طیبه، پنجم از فضیلت خود آن محترمه و ثواب زیارت آن.

موضوع اول: اسم والد و والده فاطمه معصومه

پدر بزرگوار فاطمه معصومه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد. امام هفتم باب الحوائج که از القاب مشهوره آن حضرت عالم و عبد صالح است و فرزندان آن امام از همه ائمه زیادتر می‌باشد، مطابق گفته شیخ مفید رحمته الله سی و هفت تن ذکور و اناث بودند: هیجده پسر و نوزده دختر. و فرزندان با واسطه حضرت موسی کاظم علیه السلام از سیزده اولاد ذکور می‌باشند که در مقام بیان آن نیستیم.

ظاهراً دختران آن حضرت هیچ‌کدام مزوجه نشدند بر حسب وصیتی که به فرزند ارجمندش حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده بوده درباره دختران و تمام امور آنها را واگذار به حضرت رضا علیه السلام فرمودند. همان طوری که ناسخ التواریخ متذکر است در وصیت آن حضرت، تاریخ قم هم می‌نویسد: چنین رسیده رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند؛ زیرا کسی را که همسر لایق ایشان بود نمی‌یافتند، چون ممکن بود گرفتار مسلمان منافق بشوند. تصریح می‌کند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را بیست و یک دختر بوده است، هیچ‌کدام شوهر نکردند. این مطلب در میان دختران

ایشان عادت شده بود و محمد بن علی الرضا علیه السلام امام نهم به شهر مدینه ده دیه (= قریه) وقف کرده بود بر دختران و عمه‌ها و خواهر خود که شوهر نکرده‌اند که از ارتفاعات آن، نصیب رضائیه [را] که به قم ساکن بوده‌اند از مدینه جهت ایشان می‌آوردند.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از دختران حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام همسری اختیار نکرده بود. با فراق و هجران برادر و ناکام از دنیا رفت؛ دور از وطن، با حزن و اندوه بسیار که بعداً تذکر خواهم داد.

اما مادر حضرت فاطمه معصومه ظاهراً همان مادر حضرت علی بن موسی الرضا نجمه مغربیه می‌باشد. من برای اثبات این مدعا چند شاهد و قرینه از مدارک معتبره متذکر می‌شوم. بعد از تشریف‌بردن حضرت رضا علیه السلام به خراسان به حرکت اجباری از مدینه طیبه و انتشار پیدا کردن به اینکه آن حضرت مورد تعظیم و تکریم واقع شده، مأمون خلیفه وقتی که حضرت رضا را ولیعهد خود قرار داده، علویین [اعم] از برادران و عموزادگان، مطلع شده، حرکت به عزم خراسان کردند؛ اما از خواهران حضرت رضا علیها السلام در تاریخ ندارد که به عزم ملاقات برادر به طرف خراسان سیر کرده باشند. انساب مجدی می‌نویسد: یکی از خواهران بی‌بی همراه بوده، غیر از حضرت فاطمه معصومه که به عزم زیارت و دیدار برادر حرکت کردند. تمام اشتیاق و علاقه‌اش ملاقات برادر عزیزش بود. از میان نوزده یا بیست [و] یک خواهر فقط این یک خواهر قصد ملاقات می‌کند، با مسافت طولانی و مشقات زیاد. واضح است خصوصیت علاوه‌ای در بین بوده. ظاهراً آن خواهر امی و ابی بودن آن بی‌بی است. این شاهد بزرگی است بر اثبات مطلب.

در تاریخ قم می‌نویسد: وقتی که حضرت رضا علیه السلام را از مدینه طیبه به مرو بردند در سال دویست و یک، خواهرش فاطمه استثنائاً به قصد ملاقات برادر به جانب خراسان حرکت کرد. این هم خصوصیت دیگری است که شاهد واضحی است بر مدعا.

سوم در کتاب *ریل الأنساب* میرزا محمد خان ملک الکتاب در صفحه ۱۶۰ می‌نویسد: فاطمه معصومه با پنج نفر برادران خود حرکت به خراسان نمودند که تفصیل آن را در ضمن همراهان آن بی‌بی خواهم نوشت.

احتمال قوی است که این پنج نفر پسرهای حضرت موسی بن جعفر، برادرهای ابی و امی حضرت رضا علیه السلام بودند. شاهد این نظر این است که یکی از کنیه‌های مادر مکرمه آن حضرت ام‌البینین بوده. دلیل بر آن، تصریح شیخ مفید رحمته الله و فوائد الرضویه در رجال است و تاریخ قم، هر سه کتاب، نوشتند. مسلم است عرب زنی [را] که یک پسر داشته باشد، مکنی به ام‌البینین نمی‌کند؛ یعنی مادر پسرها بود. نجمه والده ماجده حضرت رضا علیه السلام و پنج نفر برادران آن حضرت (فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید) از مدینه طیبه حرکت به خراسان کردند به قصد ملاقات برادرشان.

با شواهدی که ذکر کردم، آن پنج نفر مذکور، برادران ابی و امی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خواهری که همراه خود برداشتند از میان نوزده خواهر، باید قاعدتاً ابوینی باشد، و یا جهت دیگری داشته، آن جهت معلوم نیست. البته با دقت در مقدمات فوق، ملازمه عادی و نتیجه به دست می‌دهد که ظاهراً مادر حضرت فاطمه معصومه همان نجمه خاتون مکنی به ام‌البینین می‌باشد.

موضوع دوم: در تاریخ تولد آن بی بی مجلله

با تحلیل و تجزیه تاریخی سال تولد حضرت فاطمه معصومه در سال صد و هفتاد و نه هجری قمری کمتر تصور ندارد؛ زیرا مطابق گفته ارشاد مفید، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به دستور هارون الرشید در سال صد و هفتاد و نه، هفتم ماه ذی‌الحجه، در بصره زندانی کردند. مدتی قریب یک سال در زندان بصره بود. بعداً به بغداد فرستادند. سه سال هم در حبس فضل بن ربیع و سندی بن شاهک بود. چهار سال تمام در زندان به سر برد. بعد از گذشتن این مدت، به سال صد و هشتاد و سه مسموماً از دنیا رفت.

حضرت فاطمه معصومه در سال دویست و یک هجری در قم وفات کرد. از صد و هشتاد و سه تا دویست و یک هجری هیجده سال می‌شود. چهار سال هم مدت توقف زندان، مجموعاً بیست و دو سال. بالتتبعه، سن شریف فاطمه معصومه بیست و دو سال کمتر ممکن نیست باشد. پس حداقل سال تولد آن بی بی منطبق با

صد و هفتاد و نه می شود. با این حساب تاریخی که از کتب معتبره نقل کردم، نتیجه واضحی به دست آمد؛ اما ماه تولد و روز آن را بعضی از وقایع نگاران از کتاب نزهة الأبرار فی نسب أولاد الأئمة الأطهار روز اول ماه ذی القعدة الحرام ضبط کرده اند در مدینه منوره بوده است. البته در امری که اصل آن قطعی است، در فروع آن تقدیماً و تأخیراً بحث کردن فایده ندارد؛ چون اثر خارجی مترتب نمی شود. یک ماه و یک روز جلوتر یا دیرتر فرقی ندارد. اینکه در تاریخ سال تولد تحقیق مختصری کردم، برای تصور عقلایی آن بود.

پس با شواهد مذکوره، فاطمة معصومه بنت موسی بن جعفر علیه السلام در سال یک صد و هفتاد و نه در مدینه منوره متولد شده، با تقریبی که ذکر کردم؛ اما نسبت به روز و ماه تولد آن بی بی اظهار عقیده نمی کنم؛ زیرا مأخذ صحیح به دست نیامده، ممکن است همان روز اول ماه ذی القعدة بوده.

بجاست همه دوستان و علاقه مندان خانواده پیغمبر صلی الله علیه و آله خاصه آنهایی که افتخار خدمت بارگاه معظم مقبره مجلله فاطمة معصومه را دارند، مانند جناب آقای مصباح التولیه و خدام عالی مقام و سادات عظام و اهالی محترم قم که حق بزرگی بی بی معصومه علیه السلام به گردن آنها دارد و از خیرات و برکات که به واسطه وجود آن مجلله رسیده، قدردانی از آن به اظهار سرور و شادی برای تولد بی بی بنمایند.

موضوع سوم: در وفات فاطمة معصومه

چون مقید هستم با مدارک هر موضوعی را بنویسم، لذا ناگزیرم اکتفا به عین مدرک کنم به اختصار بکوشم بعد از مراجعه به کتب انساب و تواریخ و تفحص زیاد در کتابخانه های بزرگ، برخوردارم به نسخه خطی نقل از کتاب *ریض منسوب* به شیخ حر عاملی به نام رساله العربية العلویة تاریخ فوت فاطمة معصومه را روز هشتم ماه شعبان المعظم سال دویست و یک هجری در قم منزل موسی خزر ج بوده. و محل قبر باغ بابلان است. و در سنه ۲۰۵ دختران حضرت جواد، زینب و میمونه، آن بقعه را تشکیل دادند و هر دو در همان مکان مدفون اند. عین عبارت کتاب مذکور تمام شد.

کتاب روضات الجنات و الغدير امینی در ترجمه حالات محمد بن حسن شیخ حر عاملی، هر دو، می نویسند: شیخ وقتی که در مشهدالرضا ساکن شد، تألیفاتی نمود؛ از جمله آنها معروف به فوائد الطوسیه که ده رساله بود. یکی از آنها رساله العریبة العلویة است. مطابق مدرک مذکور، تاریخ فوت فاطمه معصومه در هشتم شعبان المعظم سال دویست و یک می باشد. خیلی سزاوار است که تمام مؤمنین و مؤمنات، خاصه اهالی قم که همیشه بهره کامل از آن بی بی برده و می برند، روز وفات آن مجلله را احترام کنند. از باب تعظیم شعائر مذهبی، مجالس سوگواری تشکیل بدهند.

مملکت ایران از وجود دو شخصیت بزرگ حضرت علی بن موسی الرضا، حجت خدا، و خواهرش فاطمه معصومه که اخبار و احادیث اشاره به آثار وجود آنها فرموده، استفاده زیادی بردند. چه بلاهایی از این کشور دفع شده و چه خیرات و تفضلات از طرف پروردگار عالم شامل حالشان گردیده. می توان گفت برای خاطر آن دو بزرگوار می باشد که از شرح آنها خودداری می کنم. بنابراین، لازم هست تمام اهالی ایران قدردانی بکنند از آن دو نعمت بزرگ؛ یعنی وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام و خواهرش فاطمه معصومه به تجلیل و احترام در ایام ولادت و وفات آنها و تقرب جستن به زیاراتشان و توسل به برآمدن حاجتشان و رفع گرفتاری هاشان.

موضوع چهارم: همراهان فاطمه معصومه

در کیفیت مسافرت آن سیده جلیله و همراهان آن بی بی کمتر دقت شده [است]. دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و خواهر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با آن فضیلتی که قبلاً حضرت صادق علیه السلام خبر می دهد دارا بوده. برادرش به حسب ظاهر ولیعهد خلیفه وقت باشد. علاوه آن، مسافت طولانی را از مدینه تا خراسان سیر کردند با آن وسایل آن زمان که مسافرت ها با خطر و بسیار با مشقت. آیا به حسب عادت تصدیق می کنید یک دختر با آن جهات فوق که تذکر دادم تنها آن مسافرت بعیده را از کشوری به کشور دیگر حرکت کند، آن هم با یک خادم که بعضی از مورخین نوشتند؟

مدتی تتبع کردم تا کیفیت مسافرت آن بی بی را به دست بیاورم؛ تا برخوردارم به کتاب *رضل الأنساب و مجمع الأعیاب* که در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید موجود است. داستان مسافرت بی بی و قضیه واقعه را در ساوه می نویسد که عین عبارت کتاب نقل می شود، بدون کم و زیاد:

در سال دویست و یک فاطمه معصومه، دختر موسی بن جعفر علیه السلام با برادران خود: فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید، و بعضی برادرزاده ها و چند نفر خدمه، از مدینه طیبه به عزم دیدار برادر به طرف خراسان حرکت نمودند. چون به شهر ساوه رسیدند، مخالفین این خانواده خبر شدند. در صدد اذیت برآمدند. محاربه نمودند. تمامی امامزادگان کشته شدند. عده کشته شدگان ۲۳ نفر مرد بودند. اهالی قم خبر شدند. شتافتند. وقتی رسیدند که همه مردها شهید شده بودند. دفن نمودند. سستی فاطمه را با خدم و حشم وارد قم کردند، در خانه موسی خزرج. در اثر حزن و مصیبت وارده مریضه شد. بعد از شانزده روز از دنیا [ی] فانی به دار باقی رحلت فرمود.

در باغ بابلان که ملک موسی خزرج بود دفن شد. زینب دختر حضرت جواد الائمه، امام نهم، قبه ای ساخت؛ بعد از مقبره ای که موسی خزرج بالای قبر آن از بوریا بنا کرده بود.

در دفن جنازه شریفه فاطمه اختلاف شد بین دوستان. تا بنا شد خادم پیر باتقوایی میان طایفه اشعری ها بود به نام قادر، او وارد سردابه شود و آن بدن طیبه را به خاک بسپارند. در این مذاکره بودند، دو سوار از جانب رمله رسیدند؛ نقاب بر رو انداخته، نزدیک جنازه رسیده، پیاده شدند. به جنازه نماز گزاردند. وارد سرداب شدند. بدن بی بی را دفن کردند، بیرون آمدند، رفتند. کسی از حاضرین آنها را نشناخت.

پس از وفات فاطمه معصومه سال هایی که گذشت، مطابق تصریح تاریخ قم، ام محمد و میمونه، هر دو دختران موسی مبرقع، را در همان بقعه دفن کردند. از بعضی از مآخذ، مثل بحار الأثوار و بدر مشعش حاجی نوری علیه السلام به دست می آید عده ای از مجلات فاطمیه در آن بقعه متبرکه دفن شدند. تا شش نفر نام برده شد که فعلاً از تفصیل آن خودداری می کنم. رجوع به اصل موضوع بکنیم.

غرض از موضوع سوم، همراهان آن مجلله بود که از رطل الأنساب نقل کردم. و این گفته، منافات با تاریخ قم ندارد؛ زیرا تاریخ قم کیفیت از ساوه تا قم را نوشته، رطل الأنساب آن عده‌ای که همراه بی بی بودند و قضیه واقعه در ساوه را نوشته؛ قضیه به آن مهمی که قبلاً نوشتیم تا مدرکی در دست نداشت، داعی بر ذکر امر غیر واقع چیزی نبود. خصوص تاریخ قم را دیده، مطالعه کرده بود. هرگاه مطلبی بدون مأخذ می نویسند، مورد تخطئه واقع می شوند.

با مقدماتی که برای مسافرت آن بی بی ذکر نمودم، همراهان آن مکرمه معلوم شد. شاهد بر وقوع آن قضیه اینکه سه نفر از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به همان اسامی که گذشته، در ساوه مشهور است. در عمدة الطالب ذکری از آنها شده که در ساوه مدفون اند.

شاهد دیگر اینکه تاریخ قم و دیگران دو قول نوشتند برای آمدن فاطمه معصومه علیها السلام از ساوه تا قم را قول به اینکه اهالی قم خبر شدند، ترجیح می دهد محدث قمی. آل سعد و طایفه اشعری ها و دیگران حرکت کردند به طرف ساوه، آن بی بی محترمه را با کمال اعزاز و احترام وارد قم نمودند. از جمله همراهان آن مخدره، خواهرش میمونه بوده؛ مطابق کتاب انساب مجدی که تصریح می کند.

موضوع پنجم: در فضیلت خود بی بی علیها السلام و ثواب زیارت او

از طریق ائمه روایات زیادی در فضیلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و ثواب زیارت آن از کتب صحیح به دست آمده است. فرمایشات امام درباره آن مخدره کشف از فضیلت روحی و کمال نفسانی و دلیل بر تقوا و مجسمه عفت و عصمت و حق پرستی می نماید؛ چون ائمه در گفتار خود اشاره و اخبار از واقعیات می نمودند، و الا حضرت موسی بن جعفر نوزده الی بیست و یک دختر دیگر داشت، درباره آنها اخباری از امام نرسیده. البته از جهت اینکه آنها هم دختر امام اند محترم اند، تعظیمشان لازم است؛ اما فاطمه معصومه علیها السلام علاوه از آن جهت، مزیت و فضیلت روحی و نفسانی دارا بوده.

پیغمبر اسلام ﷺ دارای چهار دختر از خدیجه بوده، اما در حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خصوصاً روایات متعدده از ائمه در فضیلت اخلاقی و تقوایی او رسیده. دلیل واضح بر فضیلت فاطمه معصومه علیها السلام اینکه حضرت صادق علیه السلام می فرماید: خدای را حرمی است آن مکه، و پیغمبر صلی الله علیه و آله را حرمی است آن مدینه طیبه، و علی علیه السلام را حرمی است آن کوفه، و ما را حرمی است آن قم. و زود باشد که دختری از فرزندان من، فاطمه نام، در آنجا به خاک سپرده شود که هر کس او را زیارت کند و عارف به حق او باشد، بهشت بر او واجب می شود.

این حدیث را تاریخ قم از مشایخ و محدثین قم روایت کرده که عده ای از اهل ری خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدند در مدینه. گفتند ما از اهل ری هستیم. حضرت فرمود: مرحبا به اهل قم. تا چند مرتبه تکرار شد، بعداً این حدیث را فرمود که ذکر کردم.

حضرت رضا علیه السلام به سعد بن سعد فرمود: نزد شما قبری هست از ما. سعد اشعری عرض کرد: فدایت شوم، قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرمایید؟ فرمود: بلی، هر که او را زیارت کند و حق او را بشناسد، برای او هست بهشت.

حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «من زار عمته فاطمة بقم فله الجنة؛ یعنی هر کس زیارت کند عمه ام فاطمه را در قم، پس برای او بهشت است.»

این سه روایت از سه امام رسیده، در کتب معتبره بحارالانوار و غیر آن. و روایت دیگری هم نقل شده در فضیلت بی بی و ثواب زیارت آن که از تفصیل خودداری می کنم.

برای فضیلت آن مخدره کافی هست که سه امام تصریح بکنند به مقام و منزلت او، و اجر زیارت او را قرار بدهند بهشت؛ همان طوری که در برابر زیارت امام بهشت وعده داده شده. چه فضیلت و مقامی بالاتر از اینکه ثواب زیارت او را با ثواب زیارت امام یکسان قرار داده در اجر و مزد. البته واضح است امام از باب ترغیب شیعیان و دوستان است که این فرمایشات را فرمودند.

یک جهت دیگر باقی ماند که لازم است متعرض شوم که تاکنون متذکر نشدند؛ [و] آن، در اتصاف و لقب بی بی است به معصومه. مسلم است تا مأخذ صحیح در دست مردم، یعنی دوستان، نبود، اختصاص نمی دادند به این صفت معینه.

خصوص عرب‌ها اسم‌ها و صفات را با تناسب آن معنی و آن صفت می‌نامند. در حجاز الآن هم معروف است می‌گویند معصومه قم و اسم فاطمه را کمتر می‌گویند. معلوم می‌شود از اول این صفت عصمت زیادتر ظاهر و بارز در آن بی‌بی بوده. دلیل معتبر اینکه در تعبیر امام هم به همین لقب و صفت یاد شده.

در کتاب ناسخ التواریخ روایت می‌کند از حضرت رضا علیه السلام که فرمود: «من زار المعصومة بقم کمن زارنی؛ هر کس زیارت کند معصومه را در قم، مثل کسی [است] که مرا زیارت کرده.» از فرمایش امام سه چیز استفاده می‌شود: اول اینکه نامیدن خواهرش فاطمه را به لقب و یا صفت معصومه، دلیل واضحی است که فاطمه خواهرش مزیت و برتری در آن صفت داشته [و] برای اثبات آن بوده؛ دوم دلیل بر فضیلت روحی و اخلاقی آن مخدره؛ سوم شاهد بر ثواب زیارت آن بی‌بی می‌باشد. چنانچه درباره حضرت فاطمه، دختر پیغمبر، صدیقه و طاهره و زهرا گفته شده، متصف کردن آن مجلله را به آن صفات، اشاره به این است که حقیقتاً مزیت و برتری در آن سه صفت داشته. یا درباره حضرت زینب، دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از لسان امام رسیده «عقیلة الهاشمية» نامیده. و یا حضرت سجاد عمه‌اش زینب علیه السلام را عالمه غیر معلمه تعبیر فرموده. از باب جزاف نیست، بلکه حقیقتی را بیان کرده.

مسلم است امام اشاره می‌کند به کمال عقل و نیروی روحی و علم و دانش فطری حضرت زینب علیه السلام همان طوری که حضرت رضا علیه السلام و حضرت جواد الائمه علیهم السلام اشاره و یا تصریح بر عظمت مقام خواهر و عمه‌اش فاطمه معصومه علیه السلام می‌کنند. حضرت زینب علیه السلام دختر و خواهر و عمه امام بود؛ همان‌طور حضرت فاطمه معصومه علیه السلام دختر و خواهر و عمه امام می‌باشد.

بنا بر روایت *ریض الأئساب ملک الکتاب* که قضیه و مصیبت واقعه به آن بی‌بی را در ساوه می‌نویسد، پنج نفر از برادران و برادرزادگان - تا بیست و سه نفر را ذکر کرده - شهید شده‌اند. شباهت تامی از جهت مصیبت وارد به عمه‌اش حضرت زینب هم دارد. کرامات زیادی از آن مخدره ظاهر شده که بعضی از آن را کتاب *أنوار المشعشعین* ضبط کرده که در کتابخانه آستانه مقدسه موجود است. اشخاصی که بخواهند اطلاع

پیدا کنند، رجوع به آنجا بنمایند. به تجربه هم ثابت شده که از روی اخلاص هر کس توسل جسته به آن بی بی، حاجت و مهمش برآمده. البته دختر باب الحوائج است، به پدر و برادر خود اقتدا نموده در آثار وجودی.

یکی از شعرای قم در مقام عصمت فاطمه معصومه علیها السلام شعرهایی سروده، بسیار لطیف گفته:

بضعة موسى بن جعفر فاطمه كز روی قدر خاك درگاهش عبير و عنبر ساراستی
هست یکتا گوهری از فرط عفت بی بدیل زهره ای از آسمان عصمت زهراستی
از فضیلت های بزرگ فاطمه معصومه علیها السلام اینکه محدثه بوده؛ یعنی روایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام نقل می کرده. لازمه این معنی عالمه بودن است. پس آن مخدره، عالمه هم بوده. برای نمونه، دو روایت نقل می کنم: یکی از کتاب خاصه، یعنی شیعه؛ دیگری از عامه، یعنی سنی ها.

اول، مجلسی در بحارالانوار، جلد ۱۵، در باب ۱۵ که در فضائل شیعه، صفحه ۱۲۲ از کتاب مسلسلات، روایت می کند: حدیثنا محمد بن علی بن الحسین - که به پنج واسطه می رسد به آن بی بی - قالت: حدثتني فاطمة بنت موسى بن جعفر علیها السلام تا به پنج واسطه می رسد به فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: لما أسرى بي إلى السماء دخلت الجنة؛ فإذا أنا بقصر من درة بيضاء مجوفة وعليها باب مكلل بالدر والياقوت. روایت مفصل است. فاطمه معصومه علیها السلام به پنج واسطه از حضرت فاطمه علیها السلام دخت پیغمبر، جده اش، حدیث می کند که پیغمبر فرمود وقتی که مرا سیر به آسمان دادند شب معراج، داخل بهشت شدم. قصری دیدم از در سفید. دری داشت به در و یاقوت زینت داده شده بود و دارای پرده آویخته که در آن پرده نوشته بود: «شيعة علي علیها السلام هم الفائزون؛ پیروان علی علیها السلام را نجات و رستگاری است»، تا آخر حدیث.

حدیث دوم روایت شده از محمد غماری شافعی به دوازده واسطه از فاطمه معصومه بنت موسی بن جعفر علیها السلام به هفده واسطه از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام:
«قالت بنت رسول الله صلی الله علیه و آله. قال أبي رسول الله: ألا من مات علي حب آل محمد مات

شهیذا؛ فرمود پدرم پیغمبر ﷺ آگاه باشید: هر کس بمیرد با دوستی خاندان پیغمبر، از دنیا رفته در حالی که شهید بوده.»

باز از فضائل آن سیده جلیله معظمه، زیارتی است از حضرت رضا علیه السلام. مجلسی از کتب زیارات روایت می کند [که] علی بن ابراهیم از پدرش، آن از سعد اشعری قمی، آن از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «من زارها عارفاً بحقها فله الجنة؛ هر که او را زیارت کند و حق او را بشناسد، برای او ست بهشت.» بعداً دستور زیارت آن بی بی را می دهد؛ تا آنجا که می فرماید: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فان لك عند الله شأناً من الشأن.» گرچه دستور زیارت به ماهاست، اما از لسان امام علیه السلام است. آن سیده مجلله نزد پروردگار مقام بلندی را داراست که شفیعۀ روز جزا می نامند. اینها قسمتی از فضائل حضرت فاطمه معصومه علیه السلام بود که ذکر کردم. از خداوند متعال خواستارم که به همه دوستان خانواده پیغمبر صلی الله علیه و آله به حرمت آن بی بی، جزای خیر در دنیا و آخرت مرحمت فرماید. این مختصر خاتمه پیدا کرد در شب بیست و ششم شعبان المعظم هزار و سیصد و هفتاد و نه. ●

حضرت معصومه علیها السلام و قم

سید مهدی صفی

چکیده: گزارشی مختصر از تاریخ شهر قم، و همچنین زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به کتاب بحارالانوار و سفینه البحار، سیمای شهر قم و جایگاه آن را در بیان ائمه اطهار، بویژه احادیث امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام ترسیم کرده است.

مباحث پایان بخش این مقاله، شخصیت و فضائل آن حضرت است که در آن، گزارش کوتاهی از ولادت، سفر و رحلت ایشان در قم آمده است. از دیدگاه نویسنده، شهر مذهبی قم، از جمله اماکن مقدّسی است که از دیرباز تاکنون دارای مزایا و امتیازات خاصی بوده و هست. هم‌اکنون این شهر مقدّس از سه جهت منور و روشن است: یکی نور ولایت که از حرم مطهر دخت گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ساطع و لامع است؛ و دیگر نور علم و دانش که از دانشگاه حضرت امام صادق علیه السلام (حوزه مقدّس علمیّه) نورافشانی می‌کند و از این شهرستان نور علم به سایر شهرها و نقاط دوردست می‌تابد و دل‌ها را منور و روشن می‌نماید؛ و دیگری مسجد مقدّس جمکران.

کلید واژه: حضرت معصومه، تاریخ قم.

*

از جمله اماکن مقدّسه، شهر مذهبی قم است که از دیر زمان دارای مزایا و امتیازات خاصی بوده است و هم‌اکنون این شهر مقدّس از سه جهت منور و روشن است: یکی

نور ولایت که از حرم مطهر دخت گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ساطع و لامع است، و دیگر نور علم و دانش که از دانشگاه حضرت امام صادق علیه السلام (حوزه مقدس علمیه) نورافشانی می‌کند و از این شهرستان نور علم به سایر شهرها و نقاط دوردست تابش می‌کند و دل‌ها را منور و روشن می‌نماید. و دیگری مسجد مقدس جمکران. اینک شرافت قم و مردم آن را از نظر روایات و اخبار خاندان وحی علیه السلام ملاحظه می‌نمایید:

۱. حضرت صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: «در شب معراج که به سوی آسمان می‌رفتم، جبرئیل مرا بر کتف راستش نشانده بود. در زمین جبل بقیعه ای دیدم از مشک خوشبوتر و از زعفران خوش‌رنگ‌تر. ناگاه پیرمردی که کلاه درازی بر سر داشت دیدم. به جبرئیل گفتم: این بقیعه کیست؟ گفت: جایگاه شیعیان تو، شیعیان وصی تو علی علیه السلام است. گفتم: این پیرمرد کیست؟ گفت: شیطان است. گفتم: از ایشان چه می‌خواهد؟ گفت: می‌خواهد تا آنان را از دوستی و ولایت امیرالمؤمنین باز دارد و به نافرمانی و گناه دعوتشان کند. گفتم: ای جبرئیل! مرا به آن مکان ببر. با حرکتی سریع‌تر از برق مرا به آنجا رسانید. گفتم: «یا ملعون! قم» یعنی ای ملعون! برخیز و برو، زیرا به راستی تو را بر شیعیان من و شیعیان علی سلطنتی نیست. از این رو آن مکان قم نامیده شد.»^۱

۲. در ضمن خبری نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «... وَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا وَسَيَاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةَ قُمْ وَأَهْلِهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمًا علیه السلام إِلَى ظُهُورِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا

۱. سفینه البحار، ج ۲، درباره کلمه قم و اینکه ریشه و اصل آن چه بوده، گفتارهایی و بعضی توجیهاتی نقل شده است که مثلاً گفته شده قم در اصل دهی بوده به نام کمیدان و عرب‌های اشعری چهار حرف آن را انداخته و آن را کم و سپس آن را قم گفتند، ولی بعض اهل تحقیق به برهان قاطع و لسان العجم استناد نموده‌اند، سراسر این جلگه را کم می‌گفتند تا هنگامی که شهری در آن بنا کردند و آن را به همان نام «کم» نامیدند و چون اشعری‌ها عرب بودند و در آنجا سکونت گرفتند و شیوه آنها تصرف در صورت کلمات بیگانه است کاف را به قاف تبدیل نموده و گفتند قم.

وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قَوْمٍ وَأَهْلِيهِ وَمَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمٌ
الْجَبَّارِينَ وَشَغَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٍ أَوْ مُصِيبَةٍ أَوْ عَدُوٍّ وَيُنْسِي الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذِكْرَ قَوْمٍ
وَأَهْلِيهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ.^۱

قم و اهل قم از بلاها محفوظ می‌باشند و زمانی می‌آید که شهر قم و اهلس حجت باشند بر خلائق (به واسطه آنها عذر بر دیگران بسته می‌شود) و این موضوع در زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌باشد تا ظهور آن حضرت، اگر نه چنین باشد، اهل زمین هلاک می‌شوند و ملائکه بلاها را از قم و اهل قم می‌گردانند و هیچ جبار و ستمگری قصد سوئی نسبت به آن نمی‌کند مگر آنکه خدای توانا او را در هم می‌شکند و او را به پیشامد ناگواری یا مصیبتی یا دشمنی گرفتار نماید و خداوند جباران را از یاد قم و اهل آن غافل سازد که قم را فراموش کنند همان طوری که خدا را فراموش کرده و از یاد او غافل گشته‌اند.

۳. «عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ ذَكَرَ الْكُوفَةَ وَقَالَ سَتَخْلُو الْكُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْرُزُ عَنْهَا الْعِلْمَ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةَ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمَ بِبَلَدِهِ يُقَالُ لَهَا قَوْمٌ وَتَصِيرُ مَعْدَنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ.»^۲

از امام صادق علیه السلام روایت است که آن حضرت از کوفه یاد نمود، فرمود: در آینده کوفه از مؤمنین خالی شود و علم و دانش در آنجا ناپدید گردد همان طوری که مار در سوراخش پنهان می‌شود. سپس علم و دانش در شهری که آن را قم گویند ظاهر شود و آنجا معدن علم و فضل گردد.

بحمدالله این خبر غیبی صدقش نمایان گردید و قم مرکز علم و دانش شده و از کشورهای مجاور و شهرهای دوردست، جمعیت حق پرست و جویندگان حقیقت، طالبین علم و دانش جوار حضرت معصومه علیها السلام را اختیار نموده و برای نیل به سعادت دو جهان و کسب علوم دینی و تأمین حیات جاوید در سایه قرآن و تعالیم

۱. همان کتاب.

۲. همان کتاب.

عالی اسلام، از بسیاری از مزایای زندگی امروزی چشم پوشیده و در حوزه‌های علمیه در راه رسیدن به هدف عالی خود کوشش دارند و از معدن علم، استفاده نموده، سپس در خارج کشور، شهرها و روستاهای دوردست مردم را به رمز سعادت و تعالیم عالی اسلام توجه می‌دهند، در ماه رمضان و محرم و صفر دو ماه سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام خدمات ارزنده دانشگاه حضرت صادق علیه السلام بیشتر مشهود و محسوس همگان می‌گردد.

۴. همچنین از آن حضرت نقل است که فرمود: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانِ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بَقْمِ وَحَوَالِيهَا وَنَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا»^۱ وقتی که فتنه‌ها تمام شهرها را فرا گرفت، بر شما لازم است که به قم و اطراف آن بروید، زیرا بلا از آنجا دور شده است. از جمله فتنه‌ها و بلیات نغمه‌های موسیقی است که مقدمه بی‌عفتی و پاکدامنی است و به فرموده آن بزرگمرد روحانی، مرحوم آیت‌الله بروجردی، باعث فساد اخلاق است که بحمدالله این اصوات در شهرستان قم کمتر به گوش می‌رسد.

۵. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شُبَّانِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَالْإِسْتِخْفَافِ وَالسُّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَمَشَايِخِهِمْ وَمَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَكُلِّ سُوءٍ»^۲

از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت است که فرمود: قم آشیانه آل محمد علیه السلام و جای شیعیان ایشان می‌باشد و لکن عده‌ای از جوانان آن هلاک خواهند شد به واسطه نافرمانی از پدرانشان و سبک شمردن و مسخره نمودن آنان نسبت به بزرگان خود، ولی با این حال، خداوند شر هر بدی را از آنها دور می‌گرداند.

آری صفت زشت مردم‌آزاری اقسامی دارد: دشنام دادن، مسخره کردن، سر به سر بعضی اشخاص سبک مغز گذاشتن، همه از گناهان بزرگ است که دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام باید خود و دیگران را از آن برکنار دارند.

۱. سفینه البحار، ج ۲.

۲. سفینه ج ۲، ص ۴۴۶.

۶. «عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعِنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ... وَسَيَأْتِي زَمَانٌ يَنْفَرُ أَوْلِيَاءُنَا وَمُحِبُّونَا عَنَّا وَيَبْعُدُونَ مِنَّا وَذَلِكَ مَصْلِحَةٌ لَهُمْ لِكَيْلَا يَعْرِفُوا بِوَلَايَتِنَا وَيَحْتَقِنُوا بِذَلِكَ دِمَائَهُمْ وَأَمْرًا لَهُمْ وَمَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَأَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ.»^۱

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هرگاه بلیه و رنج و سختی به شما رسید بر شماست که به قم روید، زیرا که قم جایگاه فاطمیین و محل استراحت مؤمنین است و زمانی می آید که دوستان ما از ما دوری می جویند و مصلحت آنان در همین است که به دوستی ما شناخته نشوند و جان و مالشان محفوظ بماند و هیچ کس نسبت به قم و اهل آن قصد سوئی نمی کند مگر آنکه خدایش خوار نموده و از رحمت خود دور گرداند.

۷. «وَعَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلاهِلِّ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ.»^۲ از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود: برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم است، پس خوشا به حال اهل قم. و این کلام را سه مرتبه ادا فرمود.

۸. «وَعَنِ الصَّادِقِ علیه السلام إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ.»^۳ همچنین از امام صادق علیه السلام روایت است که قم به این نام نامیده شده است چون اهل قم با قائم آل محمد علیه السلام می باشند و با آن حضرت قیام می کنند و بر آن استقامت دارند و حضرتش را یاری می نمایند. خدایا، فرج امام زمان علیه السلام را نزدیک فرما و ما را از بهترین یاوران آن بزرگوار قرار ده، بجای محمد و آله الطاهرين.

۹. «عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلَكًا زَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحِيهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا آذَابَهُ اللَّهُ كَذُوبِ الْمَلِحِ فِي الْمَاءِ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ قُمْ يَسْقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ

۱. سفینه، ج ۲.

۲. سفینه، ج ۲.

۳. سفینه، ج ۲.

وَيَنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَيُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ
وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَالرَّوَايَةِ وَحُسْنِ
الْعِبَادَةِ»^۱ از وجود اقدس امام صادق ۷ نقل است که فرمود: به راستی بر قم
فرشته‌ای موکل است که بال‌های خود را بر آن بگسترد، هیچ جبار و گردنکشی
سوء قصدی درباره آن نمی‌کند مگر آنکه خداوند مانند نمکی که در آب
مستهلک و نابود می‌شود، او را هلاک گرداند. سپس فرمود: سلام خدا بر اهل
قم، خدا شهرهایشان را از باران رحمتش سیراب گرداند و برکاتش را بر آنان فرود
آورد و گناهانشان را به خوبی‌ها و حسنات مبدل فرماید. مردم قم اهل رکوع و
سجود و قیام و قعود هستند، آنان فقیهان و دانشمندان و فهیمان می‌باشند، آنها
اهل بینش و عبادت نیکو هستند.

از این خبر شریف، رمز ستایش از قمی‌ها دانسته می‌شود که آن دانش، بینش و
علم و عمل به دستورات دین است.

۱۰. شخصی حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد یابن رسول الله می‌خواهم از شما
پرسشی کنم که پیش از من کسی آن را نپرسیده باشد و پس از من هم این سؤال را
نمایند. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شاید می‌خواهی از حشر و نشر و برانگیخته شدن پس از
مرگ بپرسی! گفت: آری قسم به آن خدایی که حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بحق،
بشارت‌دهنده و ترساننده فرستاد سؤال همین است. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «... مَحْشَرُ
النَّاسِ كُلُّهُمْ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِلَّا بَقْعَةَ بَارِضِ الْجَبَلِ يُقَالُ لَهَا قُمْ فَإِنَّهُمْ يُحَاسِبُونَ فِي
حَفْرِهِمْ وَيُحْشَرُونَ مِنْ حَفْرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ»^۲ جایگاه حشر تمام مردم به سوی بیت
المقدس است، مگر قطعه‌ای و بقعه‌ای که در زمین جبل است که آن را قم می‌گویند.
مردم آنجا در قبرهایشان به حسابشان رسیدگی می‌شود و از قبرهایشان به سوی
بهشت محشور می‌شوند.

۱. سفینه، ج ۲.

۲. سفینه، ج ۲، ص ۴۱۲، در ماده قدس.

۱۱. «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام تُرِبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَأَهْلُهَا مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ نَارَ جَهَنَّمَ.»^۱ و نیز آن حضرت می فرماید: تربت قم پاک است و اهلش از ما هستند. ما از آنها می باشیم، هیچ سرکشی اراده بدی به آنها نمی کند مگر آنکه بزودی به کیفر خود که آتش جهنم است می رسد.

۱۲. «وَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام قُمْ بَلَدُنَا وَبَلَدُ شِيعَتِنَا مُطَهَّرَةٌ مُقَدَّسَةٌ قَبِلَتْ وَلاَ يَتِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُرِيدُهُمْ أَحَدٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ. أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَدُعَاةُ حَقِّنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَنَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.»^۲ نیز از آن بزرگوار روایت است که فرمود: قم شهر ما و شهر شیعیان ماست، پاک و مقدس است، ولایت ما را پذیرفته است، هیچ کس اراده بدی به آنها نمی کند مگر آنکه در مجازاتش تعجیل خواهد شد، این امتیاز تا زمانی است که اهل قم به برادران خود خیانت نمی کنند، اما وقتی که نسبت به برادران خود خائن شدند خداوند جباران بدرفتار را بر آنان مسلط فرماید، آگاه باش که قمی ها یاران قائم ما می باشند و حق ما را رعایت می کنند. سپس امام علیه السلام سر به سوی آسمان بلند نمود و عرض کرد خدایا اینان را از هر فتنه ای محفوظ بدار و از هر هلاکت و بلایی نجاتشان ده.

۱۳. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُؤُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُونُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.»^۳

از هفتمین پیشوای مسلمانان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت است که فرمود: مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می کند، جمعی با او همراه

۱. همان کتاب.

۲. سفینه، ج ۲.

۳. سفینه، ج ۲.

می‌شوند که مانند قطعه‌های آهن دارای استقامت و استحکام باشند، تندبادهای حوادث آنها را نلغزاند و از نبرد ملول و خسته نشوند و ترس و خوف به خود راه ندهند و بر خدا توکل و اعتماد کنند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران و متقین است (ممکن است ناظر به امام خمینی علیه السلام بوده باشد).

۱۴. از جماعتی از اهل ری نقل شده است که به خدمت حضرت امام صادق علیه السلام مشرف شدند، عرض کردند: ما از اهل ری هستیم، حضرت فرمود: مرحبا به برادران ما از اهل قم، گفتند: ما از اهل ری هستیم، باز امام علیه السلام فرمود مرحبا به برادران ما از اهل قم. این گفت‌وگو چند مرتبه تکرار شد، آن‌گاه امام علیه السلام فرمود: به راستی برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است، بزودی دختری از فرزندان من که نامش فاطمه است در آنجا دفن می‌شود، کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب می‌شود.^۱ (تتمه روایت در ضمن بیان شخصیت حضرت معصومه علیه السلام نقل خواهد شد).

۱۵. «رَوَى عَنِ الْأَيْمَةِ: لَوْلَا الْقَمِيُونَ لَصَاعَ الدِّينُ.»^۲ از ائمه طاهرين علیهم السلام روایت است که فرمودند: اگر قمی‌ها نمی‌بودند دین ضایع و خراب می‌شد.

۱۶. «وَرَوَى أَنَّ بَقْمَ قَدَمَ جِبْرِئِيلَ وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي نَبَعُ مِئَةِ الْمَاءِ»^۳ و روایت شده است که در قم جای پای جبرئیل است و آن جایگاهی است که از آن آب بجوشد.

۱۷. از بعضی اصحاب روایت است که گوید: در حضور حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم، آن‌گاه امام علیه السلام این آیه را خواندند: «فَإِذَا جَاءَ وَعَدَّ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعَدًّا مَفْعُولًا»: هنگامی که نخستین وعده فرا رسد ما گروهی از بندگان بسیار نیرومند خود را به سوی شما

۱. إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةَ وَلِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةَ وَلَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةَ وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ

وَسَتَدْفَنُ فِيهِ امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. سفینه، ج ۲.

۲. سفینه، ج ۲.

۳. سفینه، ج ۲.

می فرستیم (تا به کیفر اعمالتان شما را در هم کوبند) و در درون خانه‌های شما جست‌وجو کنند و این یک وعده‌ای است قطعی^۱ خدمت حضرت عرض کردم: فدایت شوم این بندگان چه کسانی هستند؟ سه مرتبه فرمود: والله اینها اهل قم می‌باشند (که از یاران قائم علیه السلام می‌باشند).^۲

آری مفاخر شهر قم و اهل آن بسیار است. از جمله آن تشرف قدوم مبارک حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام و آن چنان است که سید عبدالکریم بن طاووس نقل نموده است که آن حضرت از مدینه به بصره تشریف فرما شدند و از آنجا به سوی بغداد و سپس به جانب قم رهسپار گردیدند. مردم قم که از جریان اطلاع یافتند با یکدیگر به گفت‌وگو و مباحثه پرداختند، یکی می‌گفت امام باید به ما افتخار دهد و خانه ما را صفا بنخشد، دیگری می‌گفت این شرافت باید نصیب من شود. حضرت فرمودند: شتر من مأمور است، شتر آمد تا به در خانه‌ای زانو زد و صاحب آن خانه در خواب دیده بود که فردا امام رضا علیه السلام میهمان او می‌باشد. حضرت در خانه او نزول اجلال فرمودند و در زمانی کوتاه آن منزل موقعیتی بزرگ پیدا کرد و هم‌اکنون مدرسه و جایگاه تدریس علوم دینی است. محدث قمی می‌فرماید: از این نقل استفاده می‌شود که بلده طیبه ما دارالایمان قم که حرم اهل بیت و آشیانه آل محمد و موضع قدم جبرئیل است با قدم‌های مبارک مولای ما ابی الحسن علیه السلام شرافت یافت و بر شرافتش افزوده گردید و آمدن امام هشتم به قم، مانند وارد شدن رسول خداست به مدینه طیبه.

از سلمان روایت است هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد می‌شدند مردم مدینه مهار ناقه‌اش را گرفته بودند و هر کدام جدیت می‌کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خانه خود ببرند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شتر را رها کنید که او مأمور است و در خانه هر کس زانو زند من بر او وارد می‌شوم. مهار شتر را رها کردند، شتر آمد تا به

۱. سوره اسراء، آیه ۵.

۲. بحار، ج ۶۰.

شهر مدینه وارد شد و رفت تا به در خانه ابوایوب انصاری که از تمام مردم مدینه فقیرتر بود رسید و همانجا زانو زد، رسول خدا ﷺ بر او وارد گردیدند. البته این شباهت باید در میان باشد، زیرا که امام هشتم علیه السلام پاره تن رسول خداست و از همه کس به آن حضرت شبیه تر بود.

افتخار دیگر اهل قم آن است که مزارع و آب و زمین های بسیاری را بر ائمه طاهرین علیهم السلام وقف کردند و در فرستادن خمس اموالشان برای امامان بر دیگران سبقت گرفتند و ائمه طاهرین برای بسیاری از آنان هدایا و تحفی فرستادند، مانند زکریا بن ادريس و زکریا بن آدم و عیسی بن عبدالله و جمعی دیگر که با ذکر نامشان کلام طولانی می شود. اهل قم بودند که لباس حضرت رضا علیه السلام را از دعبل^۱ به هزار دینار طلا خواستار شدند و چون آن داستان دارای لطافت و افزایش بصیرت و ارادت به خاندان رسالت صلی الله علیه و آله می باشد در اینجا ثبت می گردد:

شیخ صدوق روایت می کند که دعبل در مرو بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شده، عرض کرد: یابن رسول الله من قصیده ای برای شما گفته ام و قسم خورده ام که قبل از شما آن را برای کسی نخوانم. فرمود: آن را بخوان. دعبل قصیده خود را که بعداً به نام قصیده «مدارس آیات» معروف شد خواند، تا رسید به این بیت:

أَرَى فَيْئَهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَّفَسِّمًا وَأَيِدِيهِمْ مِنْ فَيْئِهِمْ صَفَرَاتٍ

مفهوم این شعر این چنین است: می بینم مال اختصاصی فرزندان رسول الله در بین مخالفین تقسیم شده و عزیزان پیامبر دستشان از اموالشان خالی است.

حضرت گریست و فرمود: راست گفתי خزاعی. و چون به این بیت رسید:

وَقَبْرٌ بِبَعْدَادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَصَمَّنَهَا الرَّحْمَانُ فِي الْعُرْفَاتِ

امام علیه السلام فرمود: آیا اضافه نکنم به این موضع از قصیده تو دو بیت که تمامیت قصیده تو به آن باشد؟ عرض کرد: اضافه فرما یابن رسول الله. حضرت فرمود:

۱. دعبل ابن خزاعی دارای مقامی شامخ و منزلتی عظیم است. از فصحا و شعرای نامی اسلامی است. اشعاری شیوا در مصیبت سیدالشهدا علیه السلام نیز دارد. در شوش از دنیا رفت. داستان هایی با بعض جنیان دارد که محدث قمی در سفینه البحار به آن اشاره فرموده است.

وَقَبْرِ بَطْوَسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ أَلَحَّتْ عَلَيَّ الْأَحْشَاءُ بِالزَّفَرَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

دعبل گفت: یابن رسول الله این قبری را که فرمودید در طوس می باشد، قبر کیست؟ فرمود: قبر من است. شبها و روزها نمی گذرند تا آنکه طوس محل رفت و آمد شیعیان و زائرین من گردد، آگاه باش هر کس مرا در غربت به طوس زیارت کند روز قیامت آمرزیده شده و با من در درجه من خواهد بود. دعبل که از خواندن قصیده اش فارغ گردید، حضرت فرمود: همین جا باش و خود داخل خانه شد، پس از ساعتی خادمی خارج شد و صد دینار از دینارهایی که به نام حضرت رضا علیه السلام سکه زده بودند برای دعبل آورد و گفت: مولایم فرموده که این را در نفقه و مخارج خود قرار بده.

(در خبر دیگر است که مأمون پنجاه هزار درهم به دعبل داد و حضرت رضا علیه السلام هم همان قدر به او انعام دادند و ممکن است بدره زر نیز عطیه علاوه ای باشد که امام علیه السلام به او عنایت فرموده است.) دعبل گفت: به خدا قسم این قصیده را برای طمع مال نگفته ام و آن زرها را نپذیرفت و خواهش کرد که حضرت برای تبرک یکی از لباس های خود را به او لطف فرماید. امام علیه السلام جبهه خزی با کیسه زری برایش فرستاد و پیام داد که کیسه زر را قبول کن که به آن نیازمند می شوی.

دعبل با بدره زر و جبهه خز مرخص شد. در مراجعت بین هرات و نیشابور عده ای از راهزنان به میان قافله ریختند و بازوهایشان را بستند و اموال اهل قافله را گرفته و مابین خود قسمت کردند. یکی از دزدان به مناسبت این شعر دعبل را خواند:

أَرَى فَيئُهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَّفَسِّمًا وَأَيِدِيهِمْ مِنْ فَيئِهِمْ صَفَرَاتِ

دعبل پرسید که این شعر از کیست؟ گفت: مردی از خزاعه که نامش دعبل است. دعبل گفت: آن منم که قصیده را گفته ام. رئیس دزدها بالای تلی بود، آن مرد به نزد او رفته و قصه دعبل را باز گفت. رئیس دزدان به نزد دعبل آمد و گفت: دعبل تویی؟ گفت: آری، گفت: قصیده را بخوان. دعبل قصیده را خواند، پس با احترام فرمان داد تا دست های اهل قافله را باز کردند و اموالشان را به آنها برگرداندند و بدرقه شان نموده تا آنها را به محل امن رساندند.

ورود دعبل به قم

چون دعبل از آن بلا نجات یافت و به شهر قم رسید، شیعیان قم به نزد او آمدند و تقاضا کردند که قصیده خود را برای آنان بخواند، دعبل ایشان را به مسجد جامع آورد و به منبر رفت و قصیده را برایشان خواند.

اهل قم مالها و خلعت‌های بسیاری را برای او آوردند و چون خبر جبّه مبارک حضرت رضا علیه السلام را که به دعبل عطا فرموده بود، شنیدند از او خواهش کردند که آن جبّه را به ایشان به مبلغ هزار دینار بفروشد. دعبل قبول ننمود. گفتند: برای تبرک قسمتی از آن هزار دینار به ما بده. باز هم نپذیرفت. همین که دعبل از شهر قم خارج شد عده‌ای از جوانان خودرأی خود را به او رسانده و به زور و جبر، جبّه را از او گرفتند. دعبل افسرده حال به قم بازگشت و با خواهش و تمنا جبّه را طلب نمود. جوانان از دادن آن امتناع ورزیدند و به گفته بزرگان خود گوش ندادند و به دعبل گفتند از جبّه چشم‌پوش که دیگر جبّه به دست تو نخواهد رسید، اگر می‌خواهی همان هزار دینار حاضر است بگیر و برو. دعبل قبول نکرد، اما وقتی ناامید شد و دید حرف حسابی به گوش آنها نمی‌رود التماس کرد که قطعه‌ای از آن جبّه را به او بدهند. خواهش او پذیرفته شد. قسمتی از آن جبّه را با هزار دینار گرفته و به سوی وطن خود بازگشت. وقتی به منزل رسید دید دزدان خانه و اثاث او را غارت کرده‌اند، چون هنگام جدایی از خدمت حضرت رضا علیه السلام امام بدره زری که صد دینار در آن بود به او عطا نموده و فرموده بود که این را نگاه‌دار که به آن محتاج می‌شوی. دعبل آن دینارها را که به نام مبارک حضرت رضا علیه السلام سکه ضرب شده بود به شیعیان عراق هدیه نمود، آنها هم در عوض هر دیناری صد درهم به او دادند که مجموعاً به جای صد دینار، ده هزار درهم به دست آورد.

۱. چون مسجد احکام ویژه و موقعیت خاصی دارد، به ظاهر همین مسجد جامع فعلی قم می‌باشد و بسیار بعید است که مسجد جامع شهر ویران و به کلی نابود شده باشد.

دعبل کنیزی داشت که بسیار مورد علاقه و توجه خاص او بود و دچار درد چشم سختی شد. دکترها چشم او را معاینه کرده گفتند چشم راستش معیوب شده و ما نمی‌توانیم آن را علاج کنیم، ولی چشم چپ او را معالجه می‌نماییم و امیدواریم که خوب شود. دعبل بسیار ناراحت و غمگین شد، ناگاه به یک داروی سریع‌التأثیر توجه نمود، از قطعه جبهه امام علیه السلام یاد کرد، شبانه آن را آورد و به چشمان کنیز مالید. قسمتی از آن را به روی چشمان او بست، صبح شد دیدند که به برکت لباس امام علیه السلام چشمانش صحیح و سالم و بهتر از قبل شده است.^۱

شخصیت و فضائل حضرت معصومه علیها السلام

امامزاده معظمه و بانوی مکرمه، دخت هفتمین خورشید آسمان امامت، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به ستودگی صفات روحانیت، عبادت، بزرگی منزلت و تقوا ممتاز بود. به تعبیر مرحوم سپهر (نویسنده ناسخ التواریخ)، حضرت ولیة الله و صفتیه، عابده زاهده متقیه، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام موسی کاظم علیه السلام را مقامی عالی و منزلتی متعالی و شأنی رفیع و مکانی منیع است که خداوند به او عطا نموده است. مزار کثیر الانوارش در مدینه المؤمنین، قم است و حرمش مسلماً زائرین و مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات و بروز کرامات و ثواب زیارتش چون اجر و مزد زیارت ائمه هدی علیهم السلام با بهشت برین معادل است.

آقای ابوالقاسم سحاب، در کتاب خود زندگانی موسی بن جعفر علیه السلام برای حضرت کاظم علیه السلام ۱۹ دختر شمرده است و می‌نویسد: از دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تنها حضرت فاطمه علیها السلام ملقب به معصومه است که در قم مدفون است. مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی می‌نویسد: از دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر حسب آنچه به ما رسیده است افضل آنها سیده جلیله،

۱. تمام داستان در جلد دوم عیون أخبار الرضا علیه السلام چاپ دارالعلم قم موجود است که یکی از تألیفات مرد علم و تقوا مرحوم صدوق (ابن بابویه) است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد که مزار شریفش در قم و دارای قبه عالی، ضریح و صحن های متعدد، خدمه و موقوفات بسیار و روشنی چشم اهل قم است. در هر سال مردم بسیاری از شهرهای دور و نزدیک برای درک فیوضات از زیارت آن معظمه رنج و سختی سفر را می کشند. چندین سال پیش از آنکه آن حضرت از مادر متولد شود حضرت صادق علیه السلام از مقام و منزلت او خبر داد:

۱. فرمود: زنی از فرزندان من که نامش فاطمه است در آنجا دفن می شود، کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب می شود. راوی گفت: این سخن را هنگامی امام صادق علیه السلام فرمود که هنوز فرزندش کاظم متولد نشده بود.

۲. قاضی نورالله از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت می کند که فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَلَا مِيرَالْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ إِلَّا وَإِنَّ قُمْ الْكُوفَةَ الصَّغِيرَةَ إِلَّا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمْ، تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَتَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ.»^۱ به راستی برای خدا حرمی است و آن مکه است، بدانید برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، آگاه باشید به راستی برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، بدانید به راستی به قم کوفه کوچک است، آگاه باشید به طور تحقیق، برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم باز می شود. زنی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسی علیه السلام در آنجا از دنیا می رود که به شفاعت او تمام شیعیان من در بهشت داخل می شوند.

۳. «عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ.»^۲ سعد بن سعد گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام درباره فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم. فرمود کسی که او را زیارت کند بهشت برای اوست.

۱. سفینه، ج ۲.

۲. سفینه، ج ۲.

۴. «عن ابن الرضا علیه السلام قَالَ مَنْ زَارَهَا عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ.»^۱ از حضرت جواد علیه السلام روایت است که فرمود: کسی که قبر عمه مرا در قم زیارت کند برای اوست بهشت.

۵. «عَنْ سَعْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ زَارَ قَبْرَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قُلْتُ جُعِلَتْ لِي ذَاكَ قَبْرًا فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى علیه السلام قَالَ نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ.»^۲ سعد گوید حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: ای سعد از ما نزد شما قبری هست، گفتم: قربانت شوم قبر فاطمه دختر موسی را می فرمایی؟ فرمود: آری، کسی که او را زیارت کند و حق او را بشناسد برای اوست بهشت، و آن گاه کیفیت زیارت بی بی را بیان فرمود....

۶. «وَرَوَى أَنَّ زِيَارَتَهَا تُعَادِلُ الْجَنَّةَ.»^۳ روایت است که زیارت آن بی بی معادل و هم وزن بهشت است.

ولادت

ولادت آن بانوی با عظمت را بعضی اول ماه ذی القعدة سال ۱۷۳ قمری نوشته اند.^۴ روشن نیست آیا ولادت با سعادت آن بی بی در زمانی واقع شد که پدر بزرگوارش در مدینه آزاد می زیسته و از دیدار چهره نورانی و آغوش پر مهر پدر عزیزش بهره مند می گردید، یا هنگامی دیده به دنیا گشوده که پدر معصومش گرفتار زندان بود و برای همیشه از دیدار پدر محروم بود؟

آنچه مسلم است آن معظمه مظلومه، عمرش با مصیبت فراق و هجران پدر بزرگوار و سپس با جدایی و دوری از برادر و الامقامش با غم و اندوه به پایان رسید. از علاقه فراوانی که به حضرت رضا علیه السلام داشت و به اشتیاق دیدار برادر به سوی مرو هجرت نمود. از همین ابراز علاقه چنین به نظر می رسد که با امام هشتم علیه السلام از یک مادر بوده باشند.

۱. همان کتاب.

۲. همان کتاب.

۳. همان کتاب.

۴. به نقل از کتاب نزهة الابرار و لواقع الانوار: ثلاث و سبعین و مئة.

ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم

علامه مجلسی از تاریخ قم به نقل از بزرگان قم روایت نموده است که چون حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری بنا به دعوت مأمون به خراسان تشریف فرما شدند، سال بعد خواهر والا گوهرش حضرت معصومه علیها السلام شور دیدار برادر بر سرش افتاد و با شوقی تمام حرکت کرد تا به شهر ساوه رسید. در آنجا مریض و بیمار گردید.^۱ پرسید: از اینجا تا قم چه مقدار مسافت است؟ گفتند: ده فرسنگ. خادم خود را فرمود که مرا به قم برسان. خیر ورود آن بانوی معظمه به آل سعد رسید. از میان پسران سعد اشعری، موسی بن خزرج گوی سبقت را ربوده، شبانه به استقبال آن حضرت بیرون شتافت. چون به خدمت آن مکرمه رسید، مهار ناچه آن حضرت را گرفت و به جانب قم آورد و آن سیده جلیله را به سرای خود وارد نمود و شرط خدمت بجای آورد، لیکن حضرت معصومه علیها السلام بیمار و ناتوان بود و پس از هفده روز^۲ با دل شکسته و خاطر افسرده با غم هجران و دوری برادر، روح مقدسش به شاخسار جنان پرواز نمود و از جهان درگذشت. جسد پاکش را غسل داده کفن کردند و در باغ بابلان همانجا که اکنون قبر آن بانوی معظمه است و ملک موسی بن خزرج بود آن حضرت را دفن کردند.

صاحب تاریخ قم می‌گوید: خبر داد مرا حسین بن علی بن بابویه^۳ که محمد بن حسن بن ولید گفت: چون فاطمه وفات نمود، جسد پاکش را غسل داده، کفن کردند و آن بدن مطهر را به بابلان بردند و آن را در سردابی که برای حضرت کنده

۱. از کتاب دریای سخن آقای سقزاده تبریزی (ضمیمه جزوه منصور) نقل شده است که در سال ۲۰۱ هجری هنگامی که حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار برادرش از مدینه به سوی طوس حرکت نمود، بیش از هزار نفر سید و سیده علوی در التزام رکابش بودند؛ ولی مدرک آن را ما ندیدیم. والعلم عندالله.

۲. در مدت توقف و کسالت حضرت اختلاف جزئی دیده می‌شود.

۳. برادر شیخ صدوق است که او نیز مانند برادرش از بزرگان محدثین شیعه است.

بودند نهادند، سپس آل سعد با هم به گفت‌وگو پرداختند که آیا کیست که داخل سرداب شود و جنازه حضرت را دفن نماید؛ یعنی برای این امر شایستگی کافی را داشته باشد. پس از گفت‌وگوها رأیشان بر آن قرار گرفت که خادمشان به نام قادر که مردی سالمند، صالح و شایسته بود بیاید و آن بدن پاک و مطهر را به خاک بسپارد. فرستادند که آن مرد برای دفن بی‌بی حاضر شود، ناگاه دیدند دو سوار با شتاب و عجله از طرف ریگزار پیدا شدند و آمدند تا نزدیک جنازه آن معظمه رسیده و پیاده شدند و بر بدن مطهر نماز گزاردند و سپس به سردابی که برای دفن حضرت آماده کرده بودند داخل شدند و بدن شریفش را به خاک سپرده، خارج شدند. آن‌گاه سوار شدند و رفتند تا از نظرها پنهان گردیدند و کسی آنها را نشناخت. آیا آن دو سوار، دو سید جوانان بهشت، حسن و حسین علیهما السلام بودند، یا حضرت موسی بن جعفر و امام هشتم علیهما السلام بودند و یا دیگری بودند؟ والعلم عندالله. موسی بن خزرج از بوریا و حصیر سقفی روی قبر مطهر قرار داد، تا آنکه زینب دختر امام جواد علیه السلام بر روی قبر شریف قبه‌ای نهاد سپس جماعتی از دختران حضرت زهرا علیها السلام مدفون گردیدند، مانند زینب، ام حمیده، میمونه دختران حضرت جواد علیهما السلام و بریهه دختر موسی مبرقع و دو کنیز از این خاندان جلیل، رضوان الله علیهم اجمعین.

۱. همان بانویی است که اولین قبه را روی قبر حضرت معصومه علیها السلام بنا کرد. محدث قمی از سید نسابه مدنی نقل کرده است که گوید: دختران امام جواد علیهما السلام فاطمه، خدیجه، ام کلثوم و حکیمه بودند. و از تاریخ قم ظاهر می‌شود که زینب و ام کلثوم و میمونه نیز دختران حضرت جواد علیهما السلام بوده‌اند. با این اختلافات آیا در سلسله انساب، پس از گذشتن چند پشت می‌توان به صحت وسایط اطمینان پیدا کرد؟ مگر آنکه معصوم علیهما السلام از آن خیر دهد. حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از پدر بزرگوارش روایت فرموده است که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل مسجد شدند. جماعتی را دیدند که به اطراف مردی حلقه زده‌اند. فرمود: این شخص کیست؟ گفتند: علامه است، فرمود: علامه چیست؟ گفتند: در علم انساب و تاریخ زمان جاهلیت و اشعار و عربیت از همه داناتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این علمی است که اگر کسی آن را نداند زیانی به او نمی‌رساند و به کسی هم که آن را بداند نفعی نمی‌رساند....

روی قبر مطهر

کاشی‌های مرقد شریف دارای اشکال گوناگون و بر آن پنج کتیبه است که در جدار آن به خط کوفی و نسخ آیات شریفه قرآنی و سوره مبارکه تبارک نوشته شده است و در روی آنکه به صورت محراب است اطرافش آیه‌الکرسی و در وسط آن نوشته شده است: «تُؤَفِّيْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُوسَى فِي سِنَةِ إِحْدَى وَمِائَتَيْنِ كَتَبَهُ وَعَمِلَهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ»؛ فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام در دهم ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ هجری درگذشت، و بانی صندوق مبارکه را به نام مظفر بن احمد اسماعیل ثبت نموده است که به دست محمد بن طاهر در روز دوم ماه رجب سال ۶۵۲ هجری نوشته شده است. •

• سید مهدی صفی، زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم (چاپ هفتم: قم، کتابفروشی صفی، ۱۳۸۴).

در زندگی در زندگی حضرت معصومه علیها السلام

محمد محمدی اشتیاردی

چکیده: گزارشی مفصل از زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به منابع مهم، سیمای جامعی از زندگی، فضائل و شخصیت معنوی آن حضرت ارائه کرده است. شناخت پدر و مادر و برادران حضرت، ولادت، سفر و رحلت در قم، از آغازین مباحث این مقاله است که در طی آن، گزارشی مستند از زندگی این بانوی گرامی ارائه شده است. نگاهی به فضائل حضرت معصومه، بخش دیگر این مقاله است که با عناوینی چون مقام عصمت، طهارت حضرت، پیش‌گویی امام صادق علیه السلام قبل از ولادت، عالمه و محدّثه بودن حضرت، حرم حضرت تجلیگاه مرقد حضرت زهرا، زیارت‌نامه مخصوص، القاب پیام آور، شفاعت وسیع و پاداش عظیم زیارت وی آمده است.

از دیدگاه نویسنده، یکی از شواهد عظمت استثنایی حضرت معصومه، زیارت‌نامه‌ای است که بخصوص، حضرت رضا علیه السلام در شأن او صادر فرموده است؛ زیرا بعد از فاطمه زهرا علیها السلام تنها زیارتی که از امام معصوم برای او نقل شده، زیارت حضرت معصومه علیها السلام است. حضرت زینب علیها السلام با آن همه مقام و منزلت، زیارت مخصوص - نقل شده از معصوم - ندارد، و همچنین بانوان ارجمند دیگر از خاندان عصمت و طهارت.

علامه مجلسی از بعضی از کتب زیارات، از علی بن ابراهیم، و او از پدرش، و او از سعد اشعری قمی نقل می‌کند که گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم، به من فرمود: «ای سعد! از برای ما در نزد شما - در قم - قبری وجود دارد.» سعد عرض کرد: قربانت گردم، آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟ امام رضا علیه السلام فرمود:

«آری کسی که با معرفت به شأن او، او را زیارت کند، بهشت برای اوست.»
کلید واژه: حضرت معصومه، ولادت، رحلت، زیارت‌نامه.

*

پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام

پدر حضرت فاطمه معصومه امام هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که او را ابوالحسن اول نیز می‌گویند، و از القاب مشهور آن حضرت کاظم، باب الحوائج و صالح می‌باشد.

آن بزرگوار روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در روستای ابواء که بین مکه و مدینه واقع شده، دیده به جهان گشود.

آن حضرت بیش از سایر امامان علیهم السلام فرزند داشته است که بعضی سی، و برخی شصت فرزند برای او نام برده‌اند.

عالم بزرگ، شیخ مفید رحمته الله (وفات یافته سال ۴۱۳ ه. ق) می‌نویسد: آن بزرگوار سی و هفت فرزند از همسران متعدد داشت که نام‌های آنها به این ترتیب بود:

۱. پسران:

۱. حضرت علی بن موسی الرضا ۲. ابراهیم ۳. عباس ۴. قاسم ۵. اسماعیل ۶. جعفر
۷. هارون ۸. حسن ۹. احمد ۱۰. محمد ۱۱. حمزه ۱۲. عبدالله ۱۳. اسحاق ۱۴. عبیدالله
۱۵. زید ۱۶. حسن ۱۷. فضل ۱۸. حسین ۱۹. سلیمان.

۲. دختران:

۱. فاطمه کبری ۲. فاطمه صغری^۱ ۳. رقیه ۴. حکیمه ۵. ام‌ابیها ۶. رقیه صغری
۷. ام‌جعفر ۸. لبابه ۹. زینب ۱۰. خدیجه ۱۱. علیه ۱۲. آمنه ۱۳. حسنه ۱۴. بُریهه
۱۵. عایشه ۱۶. ام‌سلمه ۱۷. میمونه ۱۸. ام‌کلثوم.

۱. مطابق نقل سبط ابن جوزی در تذکره، حضرت امام کاظم علیه السلام دارای چهار دختر به نام‌های فاطمه کبری، فاطمه و سبطی، فاطمه صغری و فاطمه آخری بود (بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷). در اینکه حضرت معصومه علیها السلام کدام یک از اینها بوده، بعضی تردید نموده‌اند، ولی از قرائن و عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام نسبت به دیگران استفاده می‌شود که او همان فاطمه کبری علیها السلام بوده است.

آن بزرگوار در سال ۱۴۸ هجری قمری زمان خلافت منصور به امامت رسید و در زمان خلافت مهدی عباسی و هادی عباسی نیز امام بود، وقتی که هارون الرشید به خلافت رسید پس از پانزده سال، در زندان بغداد شهید شد. مشهور بین تاریخ‌نویسان آن است که آن بزرگوار در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری از دنیا رفت.^۱ هارون الرشید آن بزرگوار را در سال ۱۷۹ هجری قمری در مدینه دستگیر کرده و به طرف عراق آورد و از آن وقت تا آخر عمر در زندان به سر می‌برد.

مادر حضرت معصومه علیها السلام

آن طور که از شواهد و قراین استفاده می‌شود، مادر حضرت معصومه علیها السلام همان مادر حضرت رضا علیه السلام است. برای مادر حضرت رضا علیه السلام نام‌های متعددی ذکر کرده‌اند، مانند خیزران، ام‌البینین، نجمه و... روایت شده پس از آنکه حضرت رضا علیه السلام از او متولد شد، به او «طاهره» گفتند.^۲

روز ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

مطابق پاره‌ای از مدارک، حضرت معصومه علیها السلام در روز اول ماه ذی‌قعدة سال ۱۷۳ هجری قمری، در مدینه چشم به جهان گشود. محدث گرانقدر مرحوم آیت‌الله شیخ علی‌نمازی (وفات یافته در دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ه. ق که مرقدش در یکی از حجره‌های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار دارد) در کتاب پر بار مستدرک سفینه البحار (که ده جلد است) در جلد هشتم چنین می‌نویسد: فاطمة المَعصومة المُولودة في غرة ذي القعدة سنة ۱۷۳؛ فاطمه معصومه علیها السلام در آغاز ماه ذی‌قعدة سال ۱۷۳، دیده به جهان گشود.^۳

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۴۹.

۲. مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۳۶۷.

۳. مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

مرحوم فیض در کتاب انجم فروزان و گنجینه آثار قم از کتاب لواقح الانوار فی طبقات الاخبار [تألیف عبدالوهاب شعرانی شافعی، وفات یافته در سال ۹۳۷ هـ. ق] و کتاب نزهة الابرار فی نسب اولاد الائمة الاطهار [تألیف سید موسی برزنجی شافعی مدنی] چنین نقل می‌کند:

وِلَادَةُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، فِي مَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ غَرَّةِ ذِي الْقَعْدَةِ الْحَرَامِ، سَنَةَ ثَلَاثٍ وَثَمَانِينَ وَمِئَةً بَعْدَ الْهَجْرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَتُوْفِّيتُ فِي الْعَاشِرِ مِنْ رَبِيعِ الثَّانِي فِي سَنَةِ إِحْدَى وَمِائَتَيْنِ فِي بَلَدَةِ قُمْ؛ حضرت فاطمه (معصومه) دختر امام کاظم علیه السلام در مدینه منوره، در آغاز ماه ذیقعده سال ۱۸۳ هـ. ق دیده به جهان گشود، و در دهم ماه ربیع الاول سال ۲۰۱ در قم وفات یافت.^۱

مدارک دیگری نیز در مورد روز ولادت آن حضرت (در آغاز ذیقعده) در دسترس

است؛ مانند:

۱. عوالم العلوم، تألیف علامه بحرانی، ج ۲۱، ص ۳۲۸؛
۲. حیاة الست، تألیف شیخ مهدی منصوری، ص ۱۰؛
۳. فاطمة بنت موسی الامام موسی الکاظم، تألیف دکتر محمد هادی امینی (فرزند علامه امینی صاحب الغدیر) ص ۲۱ و ۵؛
۴. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، تألیف عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵.

بررسی و شرح کوتاه

در بعضی از مدارک فوق، سال ۱۸۳ ذکر شده که صحیح چنانکه در مستدرک سفینه آمده ۱۷۳ است، زیرا با توجه به اینکه امام کاظم علیه السلام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ. ق در

۱. انجم فروزان، ص ۵۸؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۶؛ آقای فیض در کتاب گنجینه مدعی است که حجت الاسلام آقای شیخ جواد مجتهد، در سفر حج، در کتابخانه مدینه طیبه، دو کتاب مذکور (لواقح و نزهة) را با زحمت یافته، و این مطالب را از آن دو کتاب دیده است (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۶).

زندان هارون در بغداد به شهادت رسید، و کمترین مدت زندانش، چهار سال بود، در این مدت از خانواده‌اش که در مدینه ساکن بودند، دور بود، بنابراین ممکن نیست ولادت حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۸۳ رخ داده باشد، و ظاهراً در این شماره اشتباه شده و به جای ۱۷۳، ۱۸۳ نوشته شده است.

از این رو محقق کاوشگر، مرحوم عمادزاده اصفهانی، بدون ابهام می‌نویسد: «حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذی‌قعدة سال ۱۷۳ متولد شد، و در ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ (در قم) دیده از جهان فرو بست.»^۱

بنابراین باید پرونده این مطلب را در همینجا بست، و از باب تسامح در ادله سنن، تاریخ ولادت حضرت معصومه علیها السلام را همان آغاز ذی‌قعدة سال ۱۷۳ هـ. ق اعلام کرد، چنان‌که اخیراً آستانه مقدسه قم همین اعلام را نموده است، به امید آنکه با توجه به ولادت با سعادت حضرت رضا علیه السلام که در روز ۱۱ ذی‌قعدة سال ۱۴۸ در مدینه رخ داد، این ده روز بین روز ولادت حضرت معصومه علیها السلام و روز ولادت حضرت رضا علیه السلام را به عنوان دهه نور یاد نماییم و از آن دو بزرگوار یاد کنیم، و خاطره سازنده و پر بار زندگی درخشان آنها را تجدید نماییم.

شادی و سرور ولادت

آغاز ماه ذی‌قعدة برای حضرت رضا علیه السلام و دودمان نبوت، پیام‌آور شادی مخصوص و پایان یک انتظار عمیق و استثنایی است، زیرا حضرت نجمه علیها السلام فرزندی جز حضرت رضا علیه السلام نداشت، و مدت‌ها پس از حضرت رضا علیه السلام صاحب فرزندی نشد [زیرا حضرت رضا علیه السلام در سال ۱۴۸ هـ. ق متولد گردید، ولی حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۷۳، یعنی با ۲۵ سال فاصله] با توجه به اینکه امام صادق علیه السلام به ولادت چنین بانویی، بشارت داده بود، بنابراین پس از آنکه حضرت معصومه علیها السلام دیده به جهان گشود، آن روز برای حضرت نجمه علیها السلام و حضرت رضا علیه السلام روز شادی و سرور

۱. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵.

وصف ناپذیر و روز مهم از ایام الله بود، چرا که دختری از آسمان ولایت و امامت، طلوع کرده بود که قلبها را جلا و صفا می داد و چشمها را روشن می کرد و کانون مقدس اهل بیت علیهم السلام را گرم می نمود.

به راستی توصیف عظمت هلهله و غریو شادی از دودمان رسالت را به خاطر اینکه امام رضا علیه السلام دارای خواهری شده که سالها قبل در خبرهای غیبی به وجود او مژده داده شده بود، نمی توان ترسیم کرد، چرا که فروغی از کوثر، و گلی تابناک از گلشن آل محمد، چشم به جهان گشوده بود، و جهان ملکوت و معنی را صفای دیگری بخشیده بود.

تاریخ وفات حضرت معصومه علیها السلام

مدارک متعددی وجود دارد که حضرت معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ هـ. ق در قم، وفات نموده است،^۱ چنانکه از کاشی کاری های اطراف حرم که از قرن ها پیش به جای مانده مرقوم شده است، ولی در مورد روز و ماه وفات آن حضرت، اختلاف است که تا سه قول گفته شده است:

۱. طبق پاره ای از مدارک، دهم ربیع الثانی بوده است؛^۲
 ۲. مطابق بعضی از مدارک، دوازدهم ربیع الثانی بوده است؛^۳
 ۳. و بر اساس مدرک دیگر، هشتم شعبان بوده است.^۴
- هیچ یک از این سه قول، آن گونه که باید، مورد اطمینان نیست.

۱. تاریخ قدیم قم، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، ص ۲۱۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۲؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۴۲؛ مرآة المعارف، ج ۲، ص ۱۶۳؛ دایرة المعارف شیعیه (سید حسن امین)، ج ۳، ص ۲۳۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۴.

۲. وسیلة المعصومین، میرابوطالب واعظ تبریزی، ص ۶۵؛ لواقح الانوار، طبق نقل انجم فروزان، ص ۵۸؛ زندگانی حضرت معصومه، تألیف مهدی منصوری (متوفای ۱۱۴۶ هـ. ق)، ص ۳۷؛ کریمه اهل بیت علیهم السلام ص ۱۰۵.

۳. مستدرک سفینه البحار، علامه شیخ علی نمازی، ج ۸، ص ۲۵۷.

۴. رساله العربیة العلویة واللغة المرویة، تألیف شیخ حر عاملی، طبق نقل کتاب حیاة الست، مهدی منصوری، ص ۱۱.

ولی همانگونه که بعضی از بزرگان گفته‌اند: انصاف این است که برای جمع بین قول اول و دوم، برای بزرگداشت مقام آن بزرگ بانوی دو جهان، سه روز (روز ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ماه ربیع الثانی) را به عنوان سوگواری معصومیه، مراسم سوگواری برقرار کرد، چنان‌که در سال‌های اخیر مسئولین و دست‌اندرکاران آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام همین کار را شروع نموده، و این سنت خوب به جریان افتاده است، و این سه روز به عنوان ایام معصومیه جا افتاده است، به امید آنکه در این ایام در آستانه مقدسه قم، و در سایر مساجد و محافل، از آن بانوی با عظمت، تجلیل شایان گردد، و خاطره زندگی درخشان آن شفیعه روز جزا، تجدید شود.

از آنچه در بالا خاطر نشان شد نتیجه می‌گیریم که سن حضرت معصومه علیها السلام هنگام وفات، در حدود ۲۸ سال بوده است (از سال ۱۷۳ تا ۲۰۱ ه. ق) پس اینکه در زبان عوام، آن حضرت به عنوان ۱۸ یا ۲۲ ساله، معروف شده، مدرک و سندی ندارد.

چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرده است؟

تقریباً قطعی است که حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرد. در این صورت این سؤال پیش می‌آید که سنت ازدواج از مستحبات مؤکد اسلامی است، تا آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام در پیشگاه خدا بنایی برپا نشده که محبوب‌تر و عزیزتر از بنای ازدواج باشد.^۱

نیز فرمود:

النِّكَاحُ سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت و برنامه من است، پس کسی که از سنت من دوری کند از من نیست.^۲

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۲. همان مدرک، ص ۷ و ۸.

در عصر امام باقر علیه السلام بانویی به خاطر ریاضت و کسب فضیلت، ازدواج نمی‌کرد، امام باقر علیه السلام به او فرمود: «اگر در ترک ازدواج، فضیلتی به دست می‌آید، حضرت فاطمه علیها السلام سزاوارتر از تو بود که به خاطر کسب فضائل اخلاقی ازدواج نکند، زیرا هیچ بانویی در کسب کمالات، از فاطمه علیها السلام پیشی نگرفته است.»^۱

پاسخ: در پاسخ به این سؤال، دو مطلب گفته شده که هر کدام، یا یکی از آنها، دلیل شایسته‌ای است که موجب ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام شده است:

۱. دختران امام کاظم علیه السلام بویژه حضرت معصومه علیها السلام در سطحی از کمالات بودند که برای خود کفو و همسر مناسبی نیافتند، تا با او ازدواج کنند، امام کاظم علیه السلام به آنها سفارش کرده بود که با رأی و مشورت برادرشان حضرت رضا علیه السلام ازدواج کنند.^۲ این سفارش و قرائن دیگر بیانگر آن است که باید برای آنها همسر مناسبی باشد. با توجه به اینکه در مورد حضرت زهرا علیها السلام امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال، علی علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی‌آفرید، در سراسر زمین، از حضرت آدم گرفته تا هر انسانی بعد از او، همسر همتا و مناسبی برای فاطمه علیها السلام پیدا نمی‌شد.^۳

۲. ترس و وحشت حکومت پر از خفقان و اختناق هارون، به گونه‌ای بود که کسی جرأت نمی‌کرد با دختران امام کاظم علیه السلام ازدواج نماید و داماد آن حضرت شود، زیرا دامادی آن حضرت، از نظر دستگاه طاغوتی هارون، موجب خطر شدید برای آن داماد می‌شد. به این ترتیب، حضرت معصومه علیها السلام و بعضی از خواهرانش، از ازدواج صرف نظر کردند.

در ضمن نباید این مطلب را از نظر دور داشت که امام کاظم علیه السلام در زندان به سر می‌برد، و اطلاع امام رضا علیه السلام از آینده (در مورد شهادت پدر، و هجرت اجباری او به خراسان) شاید دلیل دیگری برای ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام باشد.

۱. همان مدرک، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱.

و این نیز از مصائب و رنج‌های روزگار نسبت به خاندان نبوت است که ستمگران کینه‌توز، با ایجاد شرایط نامساعد، آنها را از مواهب زندگی محروم ساختند.

حرکت حضرت معصومه علیها السلام از حجاز به ایران

مأمون عباسی در سال ۲۰۰ هجری قمری، با نامه‌ها و پیام‌های بسیار، حضرت رضا علیه السلام را به خراسان دعوت کرد. آن بزرگوار، از روی اکراه، این دعوت را پذیرفت و با کاروانی که مأمون فرستاده بود، به سوی خراسان آمد.

یک سال بعد (سال ۲۰۱) حضرت معصومه علیها السلام به شوق دیدار برادرش حضرت رضا علیه السلام عازم خراسان گردید و با همراهان حرکت کردند، تا به ساوه رسیدند. در مورد آمدن حضرت معصومه علیها السلام از ساوه به قم، مطالب مختلفی گفته شده که در اینجا به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم:

وقتی که خبر ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام به مدینه رسید، آل علی علیهم السلام که مدت‌ها همواره تحت سختگیری و فشار حکام جور بودند، با شنیدن این خبر مسرت‌بخش و به عنوان دیدار حضرت رضا علیه السلام از مدینه به قصد خراسان رهسپار شدند، این گروه در حدود چهارصد نفر بودند که در رأس آنها حضرت معصومه علیها السلام بود، این کاروان گرانقدر به ساوه رسیدند، مأمورین مأمون در ساوه جلو آنها را گرفتند، در نتیجه گروهی متواری، و گروهی اسیر، و در حدود ۲۲ نفر کشته شدند، و در ضمن نقل شده که حضرت معصومه علیها السلام را عمال بنی عباس در ساوه مسموم کردند. آن حضرت در حال بیماری قم را اختیار کرد چون قم مرکز شیعیان بود از این رو رهسپار قم شد.^۱

ولی در این باره بهترین و اصیل‌ترین مدارک، تاریخ قدیم قم است که در قرن چهارم نگاهشته شده و مرحوم علامه مجلسی و محدث قمی و بزرگان از علما به آن اعتماد

۱. اقتباس از زندگانی حضرت موسی بن جعفر (عمادزاده) ج ۲، ص ۳۸۴، این نقل حاکی از آن است که حضرت رضا علیه السلام در این زمان از دنیا رفته بود، ولی طبق قرائن و شواهد بسیاری، فوت حضرت معصومه علیها السلام پیش از شهادت حضرت رضا علیه السلام بوده است.

می‌کنند، آنچه که «حسن بن محمد نویسنده تاریخ قدیم قم» به گفته محدث قمی در سفینه البحار^۱ در این باره نظر می‌دهد، چنین است:

حضرت رضا علیه السلام به دعوت مأمون در سال ۲۰۰ هجری از مدینه به خراسان آمد، حضرت معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ به خاطر دیدار برادر، از مدینه رهسپار خراسان شد (ناگفته پیداست که در این سفر دور، گروهی از برادران و خدمتکاران به همراه حضرت معصومه علیها السلام بوده‌اند) وقتی که به ساوه رسیدند، حضرت معصومه علیها السلام بیمار شد، پرسید از این مکان تا قم چقدر راه است؟ عرض کردند: ده فرسخ. به خدمتکار دستور داد که به جانب قم رهسپار گردند، به این ترتیب به قم آمد و به منزل موسی بن خزرج بن سعد اشعری که از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، وارد شد.

اما روایت صحیح‌تر این است که: چون خبر ورود آن بانوی با عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آل سعد رسید، همگی به اتفاق به استقبال او رفتند تا او را به قم دعوت کنند، در میان آنها موسی بن خزرج به کاروان حضرت معصومه علیها السلام رسید، زمام شتر حضرت را گرفته و به طرف قم آورد و در منزل خود با کمال افتخار از آن بانو پذیرایی کرد، ولی پس از ۱۶ روز یا ۱۷ روز آن بانوی ارجمند، رخت از جهان بریست و پسران سعد را در سوگ خود نشانید.^۲

آری خاطر حضرت معصومه علیها السلام خیلی آزرده بود، آرزوی دیدار پدر و برادر در دلش ماند، و با دنیایی از غم و اندوه با این جهان وداع گفت.

در این چند روزی که حضرت معصومه علیها السلام در قم بود از فراق برادر می‌گریست و محزون و غمگین بود، در سرای موسی بن خزرج عبادتگاهی داشت که هنوز باقی است و هم‌اکنون آن مکان شریف با بنایی مجلل و جالب مشخص است،

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶ (فطم)؛ بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.

۲. همان مدرک - با توجه به سالروز وفات حضرت معصومه (دهم یا دوازدهم ربیع‌الثانی سال ۲۰۱) که قبلاً ذکر شد، و ۱۶ روز در قم زیست، نتیجه می‌گیریم که ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم تقریباً در روز ۲۳ ربیع‌الاول سال ۲۰۱ بوده است.

دارای حجره‌هایی است که در آن طلاب علوم دینی هستند، و در جنب آن، مسجد باشکوهی ساخته‌اند. اینک آنجا به نام مدرسه ستیه در محله میدان میر قم، معروف می‌باشد.^۱

ماجرای ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم در دو روایت دیگر

امام کاظم علیها السلام وقتی که زندانی شد، به فرزندش امام رضا علیها السلام وصیت کرد تا سرپرستی دخترانش (که خواهران حضرت رضا علیها السلام باشند) را عهده‌دار گردد، و به آنها سفارش کرد که در همه امور از برادرشان حضرت رضا علیها السلام اطاعت کنند. حضرت معصومه علیها السلام هنگام شهادت پدر (که در سال ۱۸۳ ه. ق رخ داد) ده سال داشت و بیشتر دوران کودکی را با روزگار تلخ فراق پدر (که در زندان بسر می‌برد) گذراند.

حضرت معصومه علیها السلام در پناه برادرش زندگی می‌کرد، زیرا پدرش در زندان بود، هنگامی که یگانه برادر و پناهگاهش از روی اکراه به خراسان رفت، یک سال در مدینه بدون برادر زندگی کرد، ولی کاسه صبرش لبریز شد، تصمیم گرفت به خاطر دیدار برادر، سفر دور و دراز بین مدینه و خراسان را بپیماید، سرانجام همراه کاروانی از بستگانش، مدینه را به قصد خراسان ترک کرد، با یک جهان اشتیاق و امید، بلکه پس از یک سال دوری برادر و سرپرستش، به فیض زیارت او نایل گردد، ولی در ساوه بیمار گردید....

بعضی علت بیماری آن حضرت را چنین نوشته‌اند: مردم ساوه در آن عصر از دشمنان سرسخت خاندان نبوت بودند، از این رو وقتی که موکب حضرت معصومه علیها السلام و همراهانش به ساوه رسید، به آن حمله کردند و جنگ سختی در گرفت، برادران و برادرزادگان حضرت معصومه علیها السلام در این جنگ به شهادت

۱. سستی در لغت به معنای خانم و بانوست، این مدرسه را از این رو که به بانوی جلیل‌القدر حضرت معصومه علیها السلام منسوب است ستیه می‌گویند، اما اینکه در افواه برخی از عوام افتاده که در آنجا تنور حضرت بوده، اصلی ندارد و به هیچ وجه درست نیست، و گفتن بیت‌النور (خانه نور) به خاطر مقدس بودن مکان، بسیار شایسته است. گویا بعضی بر اثر ناآگاهی، به جای بیت‌النور، بیت‌التنور گفته‌اند.

رسیدند، حضرت معصومه علیها السلام همچون عمه‌اش زینب علیها السلام وقتی که بدن‌های پاره پاره آنها را که ۲۳ تن بودند دید، به شدت غمگین گشته و بر اثر آن بیمار شد^۱ و سپس روانه قم گردید، و در قم بیماری او ادامه یافت و پس از ۱۶ یا ۱۷ روز رحلت کرد.

و در روایت دیگر آمده: هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام همراه ۲۲ نفر از بستگانش که یکی از آنها خواهرش حضرت معصومه علیها السلام بود، در یک کاروانی وارد ساوه شدند، دشمنان اهل بیت علیهم السلام به هارون که در حال غذا خوردن بود، حمله کردند و او را به شهادت رساندند و افراد دیگر کاروان را مجروح و پراکنده ساختند. نقل شده: در غذای حضرت معصومه علیها السلام زهر ریختند.^۲ و آن بانوی گرامی، مسموم گشته و بستری شد، و طولی نکشید که در قم به شهادت رسید.^۳ مطابق نقل بعضی، مسموم نمودن آن حضرت توسط زنی در ساوه انجام شد.

داغ پر سوز فراق

نظر به اینکه این ماجرا در سال ۲۰۱ هجری قمری، حدود دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام رخ داده است (زیرا امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ شهید شد) این نیز از مصائب دیگر حضرت رضا علیه السلام است، مصیبتی جانسوز که خواهر مهربانش در نیمه راه وصال، مظلومانه و غریبانه به شهادت رسید، و دیدار و ملاقات، به فراق و جدایی، تبدیل می‌گردد و داغ جانسوز شهادت حضرت معصومه علیها السلام قلب مبارک حضرت رضا علیه السلام را جریحه دار کرده و برای همیشه غمبار می‌کند، حضرت معصومه علیها السلام نیز با دلی پر از سوز فراق و امید دیدار برادر، و با چشمی گریان از دوری برادر شهید شده است، شاعر معاصر آقای چایچیان متخلص به «حسان» در این راستا گوید:

۱. رطل الانساب، ص ۱۶۰، مطابق نقل کتاب حیاة السنت، تألیف مرحوم منصوری (متوفای سال ۱۴۰۶) ص ۵۰.

۲. الحیاة السیاسیة للامام الرضا، تألیف جعفر مرتضی عاملی، ص ۴۲۸؛ قیام سادات علوی، ص ۱۶۱ و ۱۶۸.

۳. وسیلة المعصومین، تألیف میرزا ابوطالب بیوک، ص ۶۸.

از مدینه به قصد خطه طوس	رهروی خسته پاست معصومه
تا زیارت کند برادر خویش	فکر و ذکرش دعاست معصومه
روز و شب عاشقی بیابان گرد	خواهری با وفاست معصومه
یا مگر اوست زینب دگری	کز برادر جداست معصومه
تا بدانی که نیمه ره جان داد	بنگر اکنون کجاست معصومه
از وطن دور و از برادر دور	حسرتش غم فزاست معصومه
گرچه نشکسته سینه و پهلوش	در دلش داغ هاست معصومه
داغ زهرا و داغ اجدادش	وارث کربلاست معصومه
هر حسینیه بیت اوست «حسان»	چون که صاحب عزاست معصومه

قطعاً حضرت رضا علیه السلام نیز هنگام شهادت، همان گونه که از یگانه فرزندش حضرت جواد علیه السلام یاد کرده، از خواهر مهربانش، حضرت معصومه علیها السلام نیز یاد کرده است. محقق دانشمند آقای قرنی در این راستا چنین سروده است:

ز بس فراق کشیدم سفید شد مویم	جریحه دار شد از اشک دیده گان رویم
به انتظار پدر، روز و شب به سر بردم	ولی دریغ نشد تا گل رخس بویم
سپس به هجر برادر، فلک دچارم کرد	گشود باب فراق دگر زکین سویم
خزان بگشت گلستان و گل ز دستم رفت	به حیرتم که گل گمشده کجا جویم
مدینه تا به خراسان هزار فرسنگ است	ره وصال برادر، به صد شعف پویم
که شاید آنکه ببینم دوباره رخسارش	به نزد یوسف گم گشته راز دل گویم ^۱

ماجرای دفن جنازه حضرت معصومه علیها السلام

زمینی که آستانه حضرت معصومه علیها السلام در آن واقع است، بابلان نام داشته، و این زمین پیش از آنکه مرقد مطهر آن حضرت شود، بنایی نداشته است، فقط ملکی از ملک های موسی بن خزرج بوده است. این زمین را موسی بن خزرج که هم

مهمان دار حضرت معصومه علیها السلام بود و هم در عصر خود رئیس و محترم بود، برای مدفن آن حضرت معین کرد.

آل سعد در این سرزمین سردابی حفر کردند تا آن را مقبره حضرت معصومه علیها السلام قرار دهند، پس از آنکه جنازه مطهر آن بی بی بزرگوار را غسل داده و کفن نمودند، آن را به آن سرزمین آوردند، در این وقت میان آل سعد گفت و گو شد که چه کسی داخل قبر شده، و جنازه را در سرداب به خاک بسپارد، سرانجام اتفاق کردند که شخصی به نام قادر که پیرمرد پرهیزگار و صالحی بود داخل قبر شود و آن گوهر پاک را دفن کند.

چون به سراغ آن مرد رفتند، ناگاه از جانب صحرا دو سوار نقاب دار پیدا شدند، همین که به نزدیک رسیدند، از مرکب خود پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه علیها السلام نماز گزارند، سپس داخل سرداب شده و جنازه را دفن کردند، آن گاه بیرون آمده و رفتند، و کسی نفهمید که آنها چه کسی بودند.

آن گاه موسی بن خزرج سقف و سایبانی از بوریا بر سر قبر برافراشت تا هنگامی که حضرت زینب دختر امام نهم وارد قم گردید و قبه ای بر آن مرقد مطهر بنا کرد.^۱ بعد از مدتی ام محمد دختر موسی پسر امام جواد علیه السلام وفات کرد، جنازه او را در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند.

مدتی بعد، میمونه خواهر ام محمد وفات کرد، او را نیز در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند و قبه ای جداگانه بر روی قبر آن دو بانو، بنا نمودند سپس بریهه دختر موسی بن امام جواد علیه السلام وفات نمود، او را نیز در آنجا به خاک سپردند.^۲

مرحوم محدث قمی، غیر از بانوان فوق، از بانوان دیگری نیز نام برده که در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون هستند، مانند: زینب دختر امام

۱. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۹. بعضی احتمال داده اند که آن دو نقاب دار، حضرت رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بوده اند.

۲. همان مدرک، ص ۲۲۹ و ۲۲۰.

جواد علیها السلام ام اسحاق کنیز محمد بن موسی مبرقع علیها السلام و ام حبیب کنیز محمد بن احمد بن موسی مبرقع علیها السلام.^۱

بنابراین در مجموع شش تن از امامزادگان، و منسوبین به امامان علیهم السلام در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه دفن شده‌اند.^۲

بنابراین شایسته است آنان که مرقد شریف حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می‌کنند، از آنها نیز یاد کنند، گرچه با این جمله کوتاه باشد:

السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَکَاتُهُ؛ سلام بر شما ای دختران رسول خدا، سلام و رحمت و
برکات خدا به شما باد.

پیکرهای تر و تازه، پس از هزار و چند سال

از گفتنی‌های عجیب و معجزه‌آسا که در عصر ناصرالدین شاه (متوفای ۱۳۱۳ ه. ق) رخ داده اینک: مرحوم آیت الله حاج آقا حسین مجتهد [کوچه حرمی جد پدری حرم پناهی‌ها و جد مادری اشراقی‌ها که قبرش به صورت مرتفع در صحن نو، مقابل قبر مرحوم آیت الله شیخ فضل الله نوری است] نقل کرد: هنگام فرش کردن حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام با سنگ‌های مرمر، در قسمت پایین پای حضرت، روزنه‌ای به سرداب باز شد، ضروری به نظر رسید که افرادی انتخاب شوند و داخل سرداب بروند و وضع آنجا را بررسی کنند که اگر نیاز به تعمیر داشت، تعمیر نمایند.

دو نفر بانوی صالحه انتخاب شدند، چراغی برداشته داخل سرداب شدند، دیدند قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام در آن سرداب نیست، بلکه آن سرداب

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۲. و در کتاب تاریخ قم، صفحه ۲۱۸ آمده: «ام اسحاق و ام حبیب، در بقعه چسبیده به مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن شده‌اند.»

محدث قمی در جای دیگر گوید: «از تاریخ قم، استفاده می‌شود که: زینب و ام محمد و میمونه، دختران امام جواد علیها السلام بوده‌اند.» (منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۳۵).

۲. علاوه بر اینها، نه امامزاده دیگر، در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن شده‌اند.

در پایین قبر مطهر آن حضرت است، در آنجا سه پیکر مطهر تر و تازه را دیدند که گویی همان روز، روح از بدنشان جدا شده بود یک تن بانو، و دو تن دیگر کنیز و سیاه چهره بودند.^۱

از بررسی کتب فهمیده می شود که آن بانوی ارجمند میمونه دختر موسی مبرقع ابن امام جواد علیه السلام بوده، و آن دو کنیز، ام اسحاق و ام حبیب، بوده اند. آری پس از گذشت یازده قرن از وفاتشان، بدن مبارکشان، هیچ تغییر نکرده بود، و مصداق این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله شدند که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ لِحُومَنَا عَلَى الْأَرْضِ فَلَا يَطْعَمُ مِنْهَا شَيْئاً؛ خداوند گوشت های ما را بر زمین حرام کرده، هرگز زمین چیزی از گوشت ما را نمی خورد.^۲

نگاهی به فضائل حضرت معصومه علیها السلام

از آنجا که شناخت پایه دین است، و اظهار عقیده و انجام کارهای نیک از روی شناخت، به عقیده و اعمال، ارزش چندان برابر می دهد، و از آنجا که امیرمؤمنان علی علیه السلام به کمیل فرمود:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو به شناخت خیر و شر آن نیازمند هستی.^۳

و حضرت رضا علیه السلام در مورد پاداش زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام فرمود:

مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که او را در حالی که حقش را شناخته، زیارت کند، برای او بهشت است.^۴

و در فرازی از زیارتنامه حضرت معصومه علیها السلام که از حضرت رضا علیه السلام نقل شده می خوانیم:

۱. اقامه البرهان در اصول دین، تألیف میرزا موسی فراهانی، ص ۴۷۹ (این کتاب در سال ۱۳۰۲ ه. ق تألیف یافته است).

۲. الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ بحار، ج ۲۲، ص ۵۵۰؛ اقتباس از کتاب کریمه اهل بیت، ص ۱۸۳ - ۱۸۷.

۳. تحف العقول (ترجمه شده)، ص ۱۸۳.

۴. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ؛ از خدا می خواهیم که معرفت به شأن شما را از ما سلب نکند، او سرپرست تواناست.

نتیجه می گیریم که قبل از هر چیز باید امامان علیهم السلام و شخصیت های بزرگی چون حضرت معصومه علیها السلام را شناخت، و درک پاداش و درجات ارزش، بستگی به شناخت آنها دارد، از این رو در اینجا نظر شمارا به ده نمونه از فضائل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که موجب شناخت بیشتر است، جلب می کنیم:

۱. دختر روح و جسم پیامبر صلی الله علیه و آله

در زیارتنامه ای که در شأن حضرت معصومه علیها السلام از حضرت رضا علیه السلام نقل شده، حضرت معصومه علیها السلام به عنوان دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دختر فاطمه و خدیجه علیها السلام دختر امیر مؤمنان علی علیه السلام دختر حسن و حسین علیهم السلام دختر ولی خدا (امام کاظم علیه السلام) خواهر ولی خدا، (حضرت رضا علیه السلام) و عمه ولی خدا (امام جواد علیه السلام) خوانده شده است.

این تعبیرات، تنها بیانگر شرافت خانوادگی نیست، بلکه علاوه بر آن، بیانگر آن است که حضرت معصومه علیها السلام از نظر معنوی و مقامات عالی ملکوتی، به راستی فرزند روح و جسم پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا و خدیجه کبری علیهم السلام و امامان معصوم علیهم السلام است.

۲. مقام عصمت و طهارت حضرت معصومه علیها السلام

روایت شده: حضرت رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي؛ کسی که معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، مانند آن است که مرا زیارت کرده است.^۱

گرچه شواهد و قرائن در مورد مقام عصمت حضرت معصومه علیها السلام بسیار است، ولی سخن فوق از امام معصوم حضرت رضا علیه السلام صراحت دارد که حضرت معصومه علیها السلام

۱. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸؛ ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵.

دارای مقام عصمت بوده است، ضمناً این سخن بیانگر آن است که: این لقب را حضرت رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام داده است، وگرنه نام حضرت معصومه علیها السلام فاطمه کبری علیها السلام است از سوی دیگر، به فرموده حضرت رضا علیه السلام پاداش زیارت حضرت معصومه علیها السلام همانند پاداش زیارت حضرت رضا علیه السلام است. یکی از قرائنی که بیانگر مقام عصمت حضرت معصومه علیها السلام است، اینکه (چنانکه خاطر نشان شد) دو نفر نقاب دار از عالم غیب آمدند و جنازه آن حضرت را به خاک سپردند.

با توجه به اینکه: ما معتقدیم، معصوم را باید معصوم دفن کند، به احتمال قوی، آن دو نفر، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بوده‌اند.

سؤال: مگر غیر از پیامبران و چهارده معصوم، معصوم دیگری نیز داریم؟

پاسخ: مقام عصمت که عالی‌ترین مقام معنوی و پاکی است، درجاتی دارد، و در وهله اول بر دو گونه است: ۱. معصوم از خطا ۲. معصوم از گناه، حضرت معصومه علیها السلام همانند حضرت زینب علیها السلام در یکی از درجات عصمتند، گرچه در درجات چهارده معصوم علیهم السلام نباشد، زیرا چهارده معصوم علیهم السلام علاوه بر عصمت از گناه عصمت نیز دارند.

به هر حال وجود ذیجود حضرت معصومه علیها السلام که بانویی بسیار ارجمند، و گلی باشکوه از گلستان نبوت و امامت است، همچون روحی در پیکر سرزمین مقلس قم است، او با نورانیت معنوی خود، سرزمین قم را رونقی دیگر بخشیده است، و قدم مبارکش در قم، هزاران چندان بر عظمت قم افزوده است. او سلاله پاک از خزائن امامت و ولایت، و گوهری گرانبه‌تر و تابناک از صدف ملک امکان است که روز به روز و ساعت به ساعت بر شکوه و شرافت قم، می‌افزاید، به گفته شیخ زکی باغبان در قصیده معروف خود:

قسم گشته از شرافت معصومه باصفا چون روضه بهشت برین گشته پر ضیا
شاهان به درگهش همه آورده التجا بی شک که می‌رود به بهشت از ره عطا
بر نعل مجرمی که نشیند غبار قم

نگارنده نیز در حد بضاعت اندک خود، در این راستا چنین سروده‌ام:

ای سرزمین قم تو کن از روی افتخار
بر سایر اراضی عالم ز عز و جاه
برگو به آسمان که مناز از ستارگان
کاو خواهر امام بود دختر امام
همواره شیعه از ره صدق می کند خطاب
ای گوهر یگانه عصمت، در شرف
خاک درت بُدی و بود توتیای چشم
دارند فرشتگان ز سرالتجا و صدق
قربان شوند و چاکر درگاہت ای مهین
از فر تو است حوزه علمیه باشکوه
اندر حوادث و خطر و پستی و فراز
از نور تو است دیده خفاش بی قرار
زیبد کنی شفاعت ما را ز روز حشر
ز آن رو شفیعہ بود مر تو را لقب
دارد «محمدی» ز سر صدق و بندگی

ز آن گوهر خجسته و آن اخت شهریار
فخر و سرور، هر دم و هر لحظه بی فکر
در من ستاره شرف است و خور نهار
هم عمه امام وز عصمت چو هشت و چار
بر دخت مصطفی و نگه دار ذوالفقار
وی منبع فضائل و معنا و اعتبار
مهر رخت حکایت و مرآت نور یار
اندر سرای تو سر تعظیم و روی خوار
ای گوهر نه صدف عفت و وقار
از لطف تو است رونق آن جمله برقرار
باشی پناه و یاور این یار از جدار
از کوی تو است دیده اعدا، تار و مار
ای شافع شکسته دلان نزد کردگار
بهر دلیل در زیارت او «اشفعی» بیار
صبح و مساء در کنف لطف تو بهار

آری حضرت رضا علیه السلام به ما یاد داده که در زیارت او چنین بخوانیم:

یا فاطمۃ اشفعی لی فی الجنۃ، فإنّ لک عند الله شأناً من الشان؛ ای
فاطمه معصومه! در مورد رفتن به بهشت، مرا شفاعت کن، چرا که
تو در پیشگاه خداوند، دارای مقام و منزلتی بس ارجمند هستی.^۱

۳. پیشگویی امام صادق علیه السلام قبل از ولادت حضرت معصومه علیها السلام

از اموری که به روشنی بیانگر عظمت مخصوص مقام حضرت معصومه علیها السلام است،
اینکه امام صادق علیه السلام قبل از ولادت او، حتی قبل از ولادت پدر او، از او یاد کرده
است، این موضوع بیانگر آن است که این بانوی خاندان نبوت، از امتیازات و

ویژگی‌های عمیق و ارجمندی برخوردار بوده است، و در سطح بالایی از شخصیت و ارزش‌های انسانی و ملکوتی قرار داشته است، به عنوان مثال:

۱. یکی از شیعیان به محضر امام صادق علیه السلام آمد، دید آن حضرت در کنار گهواره کودکی، با آن کودک گفت‌وگو می‌کند، تعجب کرد و گفت: آیا با کودک نوزاد سخن می‌گویی؟

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر تو هم مایل هستی نزد این کودک بیا و با او گفت‌وگو کن. او می‌گوید: کنار گهواره آن کودک نوزاد رفتم، سلام کردم، جواب سلام داد، به من فرمود: نامی که برای دختر تازه متولد شده‌ات برگزیده‌ای عوض کن، زیرا خداوند آن نام را دشمن دارد.

چند روز قبل او دارای دختر شده بود و نامش را حمیرا گذاشته بود. آن شخص می‌گوید: سخن گفتن نوزاد، و اطلاع او از اخبار پنهان، و نهی از منکر او، مرا بیشتر به تعجب واداشت، بهت‌زده شدم، امام صادق علیه السلام به من فرمود: تعجب نکن، این کودک فرزندی موسی است خداوند از او دختری به من عنایت کند که نامش فاطمه است، او در سرزمین قم به خاک سپرده می‌شود، و هر کس (مرفد) او در قم زیارت کند، بهشت بر او واجب است.^۱

۲. نیز امام صادق علیه السلام قبل از ولادت حضرت معصومه علیها السلام در ضمن گفتاری در شأن قم، فرمود:

وَسْتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةً، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ و بزودی در قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن شود، پس هر کس او را زیارت کند، بهشت برای او واجب می‌گردد.

در ذیل این روایت آمده امام صادق علیه السلام این سخن را قبل از ولادت امام کاظم علیه السلام فرمود.^۲

۱. منهاج الدعوى، ص ۴۴۱.

۲. بحار، ج ۶۰، ص ۱۱۷.

با توجه به اینکه امام کاظم علیه السلام در سال ۱۲۸ هـ. ق چشم به جهان گشوده است، و تولد حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۷۳ رخ داده، نتیجه می‌گیریم که امام صادق علیه السلام این سخن را ۴۵ سال قبل از تولد حضرت معصومه علیها السلام فرموده است. این پیشگویی امام صادق علیه السلام در سخن دیگری نیز آمده که فرمود: در قم بانویی از فرزندانم رحلت می‌کند که به شفاعت او همه شیعیانم وارد بهشت می‌گردند.^۱ این پیشگویی‌ها دلالت ضمنی و در عین حال عمیق و آشکاری بر عظمت جلال و مقام رفیع حضرت معصومه علیها السلام دارد، و در ضمن دعوت شیعیان به توجه بیشتر به مقام این بانو، و آرمان‌های مقدس اوست. این مطلب نیز به نوبه خود حاکی از فضائل مخصوص حضرت معصومه علیها السلام و مقام ارجمند و ممتاز اوست.

۴. پدرش به فدایش

یکی از فضائل حضرت زهرا علیها السلام این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در موارد متعدد، در شأن او فرمود:
فداها أبوها؛ پدرش به فدایش باد.^۲

این تعبیر بیانگر اوج مقام ارجمند حضرت زهرا علیها السلام است که پیامبر معصوم در شأن او گفته است.

در مورد حضرت معصومه علیها السلام نیز نظیر این مطلب از پدرش امام کاظم علیه السلام روایت شده، در این راستا به ماجرای جالب زیر توجه کنید:

مرحوم آیت الله مستنبط (داماد اول مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی) از کتاب کشف اللثالی که نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتری‌های نجف اشرف موجود است، و از تألیفات دانشمند محقق صالح بن عرندس دانشمند قرن نهم هجری می‌باشد) چنین نقل می‌کند:

۱. همان، ص ۲۲۸.

۲. این مطلب از جمله در بحارج ۴۳، ص ۸۶ و ۸۸ نقل شده است.

عصر امام کاظم علیه السلام بود. روزی جمعی از شیعیان برای دریافت پاسخ به سؤال‌های خود، به مدینه وارد شدند تا به محضر امام کاظم علیه السلام برسند. آن حضرت در مسافرت بود. نظر به اینکه آنها ناگزیر به مراجعت بودند، پرسش‌های خود را نوشتند و به افراد خانواده امام کاظم علیه السلام تحویل دادند تا در سفر بعد، به آن نائل شوند. هنگام خداحافظی، دیدند حضرت معصومه علیها السلام پاسخ پرسش‌های آنها را نوشته و آماده کرده است، آنها شادمان شدند و آن پاسخ‌ها را دریافت کردند و به سوی وطن رهسپار شدند، در مسیر راه به امام کاظم علیه السلام برخورد نمودند، و ماجرا را به عرض آن حضرت رساندند، امام کاظم علیه السلام آن نوشته را از آنها طلبید و مطالعه کرد، پاسخ‌های حضرت معصومه علیها السلام را درست یافت، سه بار فرمود:

فداها أبوها؛ پدرش به فدایش باد.

با اینکه حضرت معصومه علیها السلام در آن هنگام خردسال بود، این ماجرای جالب نیز، ما را به عظمت ویژه حضرت معصومه علیها السلام از نظر علم و معرفت آشنا می‌کند، و در جای خود بی‌نظیر و استثنایی است.^۱

۵. عالمه و محدثه و حجت و امین امامان علیهم السلام

از ویژگی‌های حضرت معصومه علیها السلام این بود که به علوم اسلام و آل محمد صلی الله علیه و آله آگاهی داشت، و آن را برای دیگران و آیندگان، نقل می‌کرد، و از راویان و محدثان به شمار می‌آمد، چنان‌که روایت قبل بیانگر این مطلب است. از این رو امام کاظم علیه السلام فرمود: «پدرش به فدایش باد»، در حدی که وجود شریفش حجت و امین پدرش امام کاظم علیه السلام بود، چنان‌که در فرازی از زیارتنامه غیر معروفه او آمده:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَحُجَّتِهِ وَآمِينِهِ؛ سلام بر تو ای

فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام و حجت و امین موسی بن جعفر.^۲

۱. اقتباس از کتاب کریمه اهل بیت، تألیف علی اکبر مهدی‌پور، ص ۶۳ و ۶۴.

۲. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۱۱.

بنابراین حضرت معصومه علیها السلام حجت و امانت دار پدرش امام کاظم علیه السلام بود که در این صورت، حجت و امین خدا بود، حجت و نشانه اسلام و حافظ امانت الهی بود. گرچه روایات آن حضرت به دست ما نرسیده، ولی اندکی از آن روایات را که به دست ما رسیده در اینجا می آوریم:

۱. در کتاب ارزشمند الغدير، به نقل از کتب متعدد اهل تسنن، حدیث غدیر و

حدیث «مَنْزِلَت» از آن بانوی بزرگوار نقل شده است، به این ترتیب:

... حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَسَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَرَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ:

أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْئِ مَوْلَاهُ» وَقَوْلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ دختران امام کاظم علیه السلام فاطمه (معصومه) و زینب و ام کلثوم گفتند: روایت کرد ما را فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او گفت: روایت کرد مرا فاطمه دختر امام باقر علیه السلام و او گفت: روایت کرد مرا فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام و او گفت روایت کردند مرا فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و آنها گفتند، روایت کرد ما را ام کلثوم دختر فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و او از مادرش فاطمه زهرا دختر گرامی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که آن بانو در برابر غاصبین خلافت علی علیه السلام فرمود:

آیا فراموش کردید سخن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر خُم را که فرمود: هر کس که من مولا و رهبر او هستم، پس علی علیه السلام مولا و رهبر اوست؟ و نیز به علی علیه السلام فرمود: نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است.^۱

۲. حضرت معصومه علیها السلام به همان سند روایت بالا، از حضرت زهرا علیها السلام نقل می‌کند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، وارد بهشت شدم، در آنجا قصری از دُر سفید میان‌خالی دیدم که در آن قصر، به دُر و یاقوت آراسته شده بود، و بر آن در، پرده‌ای آویخته بود، سرم را به سوی آن بلند کردم، دیدم بر روی آن در چنین نوشته است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ الْقَوْمِ؛ خدایی جز خدای
یکتا نیست، محمد رسول خداست، علی رهبر قوم است.

و به آن پرده نگاه کردم دیدم در آن چنین نوشته شده است:

بَخُّ بَخٌّ مَنْ مِثْلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ؟ به به! چه کسی همانند شیعه علی علیه السلام
(دارای مقامات عالی) است؟

وارد آن قصر شدم، در میان آن، قصری از عقیق سرخ میان‌خالی دیدم، دارای دری از نقره، آراسته به زبرجد سبز بود، و بر آن در، پرده‌ای آویخته بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر روی آن در چنین نوشته شده:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَصِيُّ الْمُصْطَفَى؛ محمد رسول خداست،
علی وصی مصطفی صلی الله علیه و آله است.

سپس در آن پرده دیدم چنین نوشته بود:

بَشْرُ شِيعَةِ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوْلَدِ؛ شیعه علی علیه السلام را مژده بده که
پاکزاد است.

در میان آن قصر رفتم، دیدم قصر دیگری از زمرد سبز میان‌خالی است که زیباتر از آن ندیده بودم، دارای دری از یاقوت سرخ، آراسته به دُر بود، پرده‌ای بر آن آویخته بود، سرم را بلند کردم دیدم روی آن پرده چنین نوشته شده است:

شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمْ الْفَائِزُونَ؛ شیعیان علی علیه السلام کسانی هستند که
رستگار می‌باشند.

به جبرئیل گفتم: حبیبم جبرئیل، این قصر از آن کیست؟ گفت: این قصر از آن پسر
عمو و وصی تو علی بن ابیطالب علیه السلام است، همه مردم در روز قیامت پابره‌نه و عریان

محشور می شوند جز شیعیان علی علیه السلام در آن روز مردم به نام‌های مادرانشان خوانده شوند، جز شیعه علی علیه السلام که به نام‌های پدرانشان خوانده می شوند، گفتم: ای حبیبم جبرئیل! منظور چیست؟ گفت:

لَا تَهُمُّ أَحْبُوا عَلِيًّا فَطَابَ مَوْلِدُهُمْ؛ زیرا شیعیان، علی علیه السلام را دوست داشتند از این رو پاکزاد شدند.^۱

۳. حضرت معصومه علیها السلام با چند واسطه از صفیه، عمه رسول خدا، نقل می‌کند: وقتی که امام حسین علیه السلام چشم به جهان گشود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای عمه! فرزندم را نزد من بیاور، عرض کردم: هنوز او را پاکیزه نکرده‌ام، فرمود: ای عمه! آیاتو می‌خواهی او را پاکیزه کنی؟ همانا خداوند متعال او را پاک و پاکیزه نموده است.^۲

۴. حضرت معصومه وقتی که در ساوه بیمار شد، فرمود: مرا به قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «قم مرکز شیعیان ما می‌باشد».^۳

۵. در کتاب اللؤلؤ الثمینة فی الآثار المعننة المرویه (که در سال ۱۳۰۶ ه. ق در مصر چاپ شده) چنین روایت شده:

... عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ السَّجَّادِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً؛ فاطمه (معصومه) دختر امام کاظم، و او از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او از فاطمه دختر امام باقر، و او از فاطمه دختر امام سجاد، و او از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام و او از زینب

۱. بحار، ج ۶۸، ص ۷۶ و ۷۷.

۲. الامالی، ص ۸۲، مطابق نقل کتاب فاطمة بنت الامام کاظم علیه السلام تألیف دکتر محمد هادی امینی، ص ۶۱؛ فروغی از کوثر، ص ۴۸.

۳. فروغی از کوثر، ص ۴۹ به نقل از دریای سخن تألیف سقازاده.

دختر علی علیه السلام و او از فاطمه زهرا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید کسی که با حب آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، شهید از دنیا رفته است.^۱

توجه به مضمون این پنج روایت بیانگر آن است که حضرت معصومه علیها السلام با پیام‌های خود حقانیت تشیع را ابلاغ می‌کند، و نسبت به شیعیان علی علیه السلام ابراز علاقه می‌نماید، و پاداش‌های آنها را بیان می‌کند تا آنها در راستای آرمان‌های مقدس تشیع، استوار باشند.

۶. حرم حضرت معصومه علیها السلام تجلیگاه مرقد حضرت زهرا علیها السلام

مرجع عظیم‌الشان مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله فرمود: پدرم مرحوم آیت‌الله علامه سید محمود مرعشی رحمته الله که در نجف اشرف می‌زیست، بسیار علاقه‌مند بود که به طریقی، محل قبر شریف جدش حضرت زهرا علیها السلام را بیابد، برای این مقصود، ختم مجربی (یعنی یکی از دعاهایی که استجاب آن به تجربه رسیده که با تکرار آن با حضور قلب و خلوص و شرایط دیگر، موجب رسیدن به مقصود است) انتخاب نمود، چهل شب به آن مداومت کرد، تا شاید از طریقی از محل مرقد شریف حضرت زهرا علیها السلام آگاه گردد.

شب چهلم بعد از انجام ختم و توسل فراوان، به بستر خواب رفت، در عالم خواب به محضر امام باقر علیه السلام (یا امام صادق) رسید، امام به او فرمود:

عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ به دامن کریمه اهل بیت علیهم السلام چنگ بزن.

ایشان تصور کرد منظور امام علیه السلام از این جمله، حضرت زهرا علیها السلام است، عرض کرد: «آری قربانت گردم، من نیز ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را دقیق‌تر بدانم و زیارتش کنم.»

۱. اللؤلؤ الثمینة، ص ۲۱۷ مطابق نقل کتاب گنجینه دانشمندان (تألیف شیخ محمد رازی) ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷ و آثار

الحجّه، ج ۱، ص ۸.

امام علیه السلام فرمود: «منظور من قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام در قم است.» سپس افزود: به خاطر مصالحتی، خداوند اراده نموده که قبر حضرت زهرا علیها السلام برای همیشه برای همگان مخفی باشد، از این رو قبر حضرت معصومه علیها السلام را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است، اگر قرار بود قبر حضرت آشکار باشد همان شکوه و عظمت مرقد حضرت زهرا علیها السلام را خداوند برای قبر حضرت معصومه علیها السلام قرار داده است.

مرحوم آیت الله سید محمود مرعشی، وقتی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت که به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم مهاجرت کند. او بی درنگ با همه اعضای خانواده اش از نجف اشرف، عازم قم شد و به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام پرداخت.^۱

آن مرحوم، سرانجام به نجف بازگشت و در سال ۱۳۳۸ ه. ق در آنجا درگذشت، ولی فرزند برومندش آیت الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی به قم آمد و در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می زیست تا اینکه پس از ۶۶ سال درس و بحث و خدمات فقهی، فرهنگی، سیاسی و

۱. اقتباس از کتاب ارزشمند کریمه اهل بیت علیهم السلام ص ۴۳ - ۴۵ - ماجرای فوق را مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی به طور مکرر برای افراد مختلف نقل کرده است. یکی از شاگردان آیت الله نجفی می گفت: ایشان در درس خود فرمود: علت آمدن من به قم، همین مطلب بود، پدرم، چهل شب در حرم حضرت علی علیه السلام بیتوته نمود، شبی علی علیه السلام (در حال مکاشفه) به پدرم فرمود: «سید محمود چه می خواهی؟» پدرم عرض می کند: قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کجاست تا زیارت کنم، حضرت علی علیه السلام می فرماید: من که نمی توانم بر خلاف وصیت آن حضرت، قبر او را معلوم کنم. پدرم عرض کرد: پس من در هنگام زیارت او چه کنم؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند مقام و شکوه حضرت فاطمه علیها السلام را (در این مورد) به حضرت معصومه علیها السلام داده است. هر کس می خواهد زیارت حضرت زهرا علیها السلام را درک کند، به زیارت فاطمه معصومه علیها السلام برود.»

آیت الله مرعشی می فرمود: پدرم به من سفارش می کرد که به زیارت حضرت معصومه علیها السلام بروم، من از نجف اشرف به این قصد، و قصد زیارت امام رضا علیه السلام آمدم، سپس در قم به اصرار مؤسس حوزه علمیه، آیت الله حائری رحمته الله ماندگار شدم، شصت سال است که هر روز من نخستین زائر حضرت معصومه علیها السلام هستم.

اجتماعی بسیار، در هشتم صفر سال ۱۴۱۱ ه. ق (مطابق با ۷ شهریور ۱۳۶۹ شمسی) در ۹۶ سالگی در قم به ملکوت اعلی پیوست، مرقد شریفش در جنب کتابخانه عظیم و بی نظیرش، در قم در خیابان آیت الله مرعشی (ازم سابق) قرار گرفته است.

این فراز عجیب و استثنایی نیز بیانگر ورق دیگری از مقام با عظمت حضرت معصومه علیها السلام است که گویی آینه تمام‌نمای وجود مبارک جدّه اش حضرت زهرا علیها السلام است که مرقدش در این رؤیای صادقانه همچون مرقد حضرت زهرا علیها السلام دارای همان شکوه و جلال معنوی شده است.

با توجه به اینکه مرجع تقلیدی این رؤیا را از پدر مجتهدش نقل می‌کند، و خواب دیدن امام معصوم علیه السلام دلیل بر صدق آن خواب است.

۷. زیارتنامه مخصوص

یکی از شواهد عظمت استثنایی حضرت معصومه علیها السلام زیارتنامه‌ای است که بخصوص، حضرت رضا علیه السلام در شأن او صادر فرموده است، زیرا بعد از فاطمه زهرا علیها السلام تنها زیارتی که از امام معصوم علیه السلام برای او نقل شده زیارت حضرت معصومه علیها السلام است، حضرت زینب علیها السلام با آن همه مقام و منزلت زیارت مخصوص (نقل شده از معصوم) ندارد و همچنین بانوان ارجمند دیگر از خاندان عصمت و طهارت.

علامه مجلسی رحمته الله از بعضی از کتب زیارات، از علی بن ابراهیم، و او از پدرش، و او از سعد اشعری قمی نقل می‌کند که گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم، به من فرمود: «ای سعد از برای ما در نزد شما (در قم) قبری وجود دارد: سعد عرض کرد: قربانت گردم آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟ امام رضا علیه السلام فرمود:

نَعَمْ مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ آری کسی که با معرفت به شأن او، او را زیارت کند، بهشت برای اوست.

سپس حضرت رضا علیه السلام چگونگی زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام را برای سعد، چنین بیان کرد: وقتی کنار قبرش رفتی در نزد بالای سر آن حضرت رو به قبله بایست، و ۳۴ بار اللَّهُ أَكْبَرُ و ۳۳ بار سُبْحَانَ اللَّهِ و ۳۳ بار الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو، آن‌گاه بگو: السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ. تا آخر زیارت.^۱

از ویژگی‌های این زیارت این است که مطابق دستور حضرت رضا علیه السلام در آغاز آن ۳۴ بار تکبیر، و ۳۳ بار تسبیح، و ۳۳ بار حمد گفته می‌شود، چنین دستوری در مورد زیارت‌های دیگر دیده نشده.

آری این سرآغاز توحیدی، برای آن است که زائر هنگام زیارت آن خاتون ارجمند دو سرا، با توجه و حضور قلب، و توحید و تنزیه و شکر خدا وارد گردد، و با این حالت ملکوتی با حضرت معصومه علیها السلام ارتباط برقرار نماید که چنین حالتی، عالی‌ترین حال بنده خدا در برابر عظمت مقام اولیای خداست تا با روحی پاک و قلبی صاف و دور از شوائب و آلودگی‌ها به زیارت بپردازد و نتیجه خوب بگیرد.

۸. القاب پیام‌آور

در مورد حضرت معصومه علیها السلام دو زیارتنامه نقل شده، یکی همان زیارتنامه معروف است که علامه مجلسی آن را از حضرت رضا علیه السلام نقل نموده است.^۲ دیگری زیارتنامه‌ای است که صاحب کتاب انوارالمشعشعین (شیخ محمدعلی بن حسین کاتوزیان، در همین کتاب، جلد ۱، چاپ سنگی)^۳ نقل کرده است، در فرازی از این زیارتنامه، خطاب به حضرت معصومه علیها السلام چنین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْحَمِيدَةُ الْبَرَّةُ الرَّشِيدَةُ، التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ
الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ؛ سلام بر تو ای پاک‌سرشت و پاک‌روش، ای

۱. بحار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۲. همان مدرک.

۳. این کتاب در سال ۱۳۲۵ هجری قمری تألیف شده.

ستوده، ای نیکوکار، ای بانوی رشد یافته و پاک و پاکیزه، ای بانوی شایسته و پسندیده.^۱

در این فراز به هشت لقب از القاب حضرت معصومه علیها السلام تصریح شده که هر کدام پیام آور و بیانگر یکی از ابعاد ارزش های والای زندگی درخشان اوست. هر یک از این القاب و صفات کافی است که ما را به مقام های عالی و درجات ممتاز معنوی او رهنمون گردد، شخصیتی که همه ابعاد روش و منش و فکر و ذکر و عمل او بر اساس پاکی، صداقت، شایستگی، تفکر و رشد دینی و عرفانی، و مورد پسند خدا و رسول و امامان علیهم السلام پی ریزی شده، و در این راستا قرار گرفته است، و به طور خلاصه، این صفات بیانگر مقام عصمت و طهارت ذاتی و اکتسابی اوست که هر کدام، چون آینه نشان دهنده جمال و کمال او می باشند.

۹. شفاعت وسیع حضرت معصومه علیها السلام

در ذیل روایتی که قبلاً در مورد پیشگویی امام صادق علیه السلام از تولد حضرت معصومه علیها السلام و وفات او در قم ذکر شده آمده:

... وَاسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتُنَا الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ نام او فاطمه دختر موسی علیه السلام است که با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می گردند.^۲

این روایت حاکی از عظمت مقام فوق العاده حضرت معصومه علیها السلام است که شفاعت او شامل همه شیعیان خواهد شد. این مطلب نیز شاهد گویایی بر فضائل استثنایی حضرت معصومه علیها السلام است.

یکی از علمای دولت آباد اصفهان، حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ناصری

۱. انوارالمشعین، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. بحار، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

دولت آبادی، از پدرش مرحوم آیت الله شیخ محمدباقر ناصری (وفات یافته سال ۱۴۰۷ ه. ق) نقل می‌کند: در سال ۱۲۹۵ هجری قمری، در اطراف قم، قحطی و خشکسالی شد، مردم به ستوه آمدند، در میان آنها چهل نفر از افراد متدین، انتخاب شده و به قم آمدند و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به بست نشستند، تا شاید با عنایات و دعای آن بزرگوار، خداوند باران بفرستد.

پس از سه شبانه روز، در شب سوم یکی از آنان، مرحوم آیت الله العظمی میرزای قمی (وفات یافته سال ۱۲۳۱ ه. ق)^۱ را در خواب می‌بیند، میرزا می‌پرسد: شما چرا در اینجا به بست نشسته‌اید؟

او عرض می‌کند: مدتی است در منطقه ما بر اثر نیامدن باران، خشکسالی و قحطی به وجود آمده است، برای رفع خطر، به اینجا پناه آورده‌ایم. میرزای قمی می‌فرماید: برای همین، در اینجا جمع شده‌اید؟ اینکه چیزی نیست این مقدار از دست ما نیز ساخته است، در چنین نیازها به ما مراجعه کنید، ولی اگر شفاعت همه جهان را خواستید، دست تو سل به طرف این شفیعۀ روز جزا (حضرت معصومه) دراز کنید.^۲

۱۰. پاداش عظیم زیارت مرقد حضرت معصومه علیها السلام

در مورد پاداش زیارت مرقد شریف حضرت معصومه علیها السلام روایات متعددی از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که نظر شما را به هفت روایت زیر که هر کدام پیام ویژه‌ای از عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام می‌دهد، جلب می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری فرمود:

... مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که او را زیارت کند، بهشت بر او

واجب می‌گردد.^۳

۱. مرقد شریف این عالم ربانی در قبرستان شیخان قم، همواره موجب کرامت‌ها بوده است.

۲. کریمه اهل بیت، ص ۵۸ - ۵۹.

۳. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۲. نیز فرمود:

إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ؛ همانا زیارت او برابر با کسب بهشت است.^۱

۳. سعد بن سعد اشعری می‌گوید: در مورد پاداش زیارت قبر حضرت

معصومه علیها السلام از امام رضا علیه السلام پرسیدم، فرمود:

مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که او را زیارت کند، پاداش او

بهشت است.^۲

۴. و در مورد دیگر فرمود:

مَنْ زَارَهَا عَارِفًا يَحَقُّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که او را از روی معرفت به

شأن و مقامش، زیارت کند، پاداش او بهشت است.^۳

۵. نیز فرمود:

مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي؛ کسی که معصومه علیها السلام را در قم

زیارت کند، مانند آن است که مرا زیارت کرده است.^۴

۶. یکی از شیعیان به زیارت مرقد منور حضرت رضا علیه السلام رفت و پس از زیارت،

عازم کربلا شد، و از مسیر همدان به سوی کربلا رفت، در بین راه در عالم خواب،

حضرت رضا علیه السلام را دید، آن حضرت به او فرمود: چه می‌شد که اگر از قم عبور

می‌کردی و قبر خواهرم را زیارت می‌کردی؟^۵

۷. مولی حیدر خوانساری در کتاب زبدة التصانیف^۶ می‌نویسد: روایت شده،

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری

(یعنی امامزاده حمزه را که در کنار مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام قرار گرفته

۱. در بعضی از روایات به جای تَعْدِلُ، تُعَادِلُ آمده (بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۹).

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۷.

۳. بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۴. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵.

۵. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۱۲.

۶. ج ۶، ص ۱۵۹.

است) یا خواهرم (حضرت معصومه) را در قم زیارت کند که به همان ثواب زیارت من می‌رسد.^۱

شرح کوتاه

گرچه همه این احادیث، بازبان گویا، بیانگر اوج عظمت مقام حضرت معصومه علیها السلام است، ولی نکاتی در این روایات هست که در اینجا اشاره می‌شود: وجوب بهشت، معادل بهشت، مالک شدن بهشت که از کلمه «لَهُ» فهمیده می‌شود، و هم‌تراز بودن زیارت او با زیارت حضرت رضا علیه السلام و بازخواست حضرت رضا علیه السلام از شیعه‌ای که به زیارت مرقد منور حضرت معصومه علیها السلام نرفته است.

زیارت حضرت معصومه علیها السلام را تنها یک امام سفارش نکرده، بلکه سه امام (امام صادق، امام رضا و امام جواد علیهم السلام) سفارش نموده‌اند، و جالب اینکه امام صادق علیه السلام این سفارش را قبل از تولد حضرت معصومه علیها السلام بلکه قبل از تولد پدر حضرت معصومه علیها السلام امام کاظم علیه السلام نموده است.

نکته جالب دیگر، روایت پنجم است که در آن، پاداش زیارت قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام برابر پاداش زیارت حضرت رضا، امام معصوم علیه السلام قرار داده شده است. زید شحام از امام صادق علیه السلام پرسید: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت می‌کند چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ؟ مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت

نموده است.^۲

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛
آگاه باشید، کسی که مرا در حالی که غسل کرده زیارت کند، به

۱. کریمه اهل بیت، ص ۱۳۳.

۲. عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۶۲.

گونه‌ای از گناه بیرون می‌آید و پاک می‌شود که هنگام تولد از مادرش از گناه پاک بود.^۱

آن همه مقام، چرا؟

سؤال: با اینکه حضرت معصومه علیها السلام چندین خواهر داشت، چرا بر آنها برتری داشت؟
پاسخ: این سؤال در مورد حضرت زهرا علیها السلام نیز مطرح است که باید در پاسخ گفت: این دو بانو علاوه بر شرافت خانوادگی و ذاتی، در عرصه‌ها و میدان‌های ایمان و عمل، ممتاز بودند و در این راستا با گزینش خود، درجات عالی ارزش‌های والای انسانی را پیمودند، و با عرفان و عمل خود آن گونه درخشیدند.

حضرت معصومه علیها السلام در صحنه‌های علم، عرفان، ایمان، سیاست، و حمایت از مقام رهبری، بسیار ممتاز بود و سرانجام در این راستا به شهادت رسید.
او در اقامت هفده روزه خود در قم، به عبادت و راز و نیاز با خدا اشتغال داشت، چنان‌که عبادتگاه او که آن را «بیت‌النور» گویند (و اکنون در مدرسه ستیه قم در محله میدان میر قرار گرفته و گواه نورانیت و صفای ممتاز او در ارتباط با خداست).

به گفته یکی از دانشمندان: «از پر باری ۲۸ ساله حضرت معصومه علیها السلام همان بس که در اقامت هفده روزه‌اش در قم حوزه علمیه قم را بقای جاودانه بخشید، و ده‌ها هزار فرهیخته و دانش‌پژوه را به جهان تشیع ارزانی داشت، بزرگانی بسان زکریا بن آدم از اصحاب امام رضا علیهم السلام و احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم تا وجود مراجع تقلید و اندیشمندان متفکری چون: میرزای قمی، آیت‌الله حائری، آیت‌الله صدر، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله حجت، آیت‌الله بروجرودی، آیت‌الله سید احمد خوانساری، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله اراکی، علامه طباطبایی، استاد

شهید مرتضی مطهری و حضرت امام خمینی (اعلی الله مقامهم الشریف) همه از برکت وجود عالمه آل عبا حضرت معصومه علیها السلام است که به حوزه علمیه مرکزیت داده، و با پرتوافشانی خویش، آن را به مدینه فاضله اسلامی تبدیل نموده است... انقلاب اسلامی ایران در حقیقت فرزند پاک این سرزمین مطهر و فیضیه فیض گرفته از درگاه بی بی فاطمه معصومه علیها السلام است که اینک با رهبری های حکیمانه ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله خامنه ای - مد ظله العالی - به مسیر خود ادامه می دهد.^۱

رحمت خدای بزرگ، و درود خالصانه همه پیامبران، امامان، اولیای خدا و مجاهدان راستین بر این بانوی بزرگ باد که همواره می درخشد و نورافشانی می کند. کوتاه سخن اینکه: آنچه انسان را به مقامات ارجمند می رساند، ایمان و عمل است، چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ؛ سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزگار بوده و از خدا اطاعت کند.^۲

نیز فرمود:

لَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛ به ولایت و دوستی ما جز از راه انجام دادن عمل نیک و پرهیزگاری نمی توان رسید.^۳

توجه اسلام و مسلمانان به ارزش زن

در همه تاریخ و در تمام ادیان، با افراط و تفریط، به زنان ظلم شده است، ولی اسلام حقوق زن را به طور کامل و عادلانه به آنها داده است، و آنها را از هرگونه انحطاط های ساختگی رهایی بخشیده است. یکی از نمونه های این حقیقت

۱. جزوه محدثه آل طه، از نشریات واحد تبلیغات آستانه مقدسه قم، ص ۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴.

۳. همان مدرک، ص ۷۵.

اینکه مسلمانان، بانوانی همچون: حضرت خدیجه، حضرت فاطمه، حضرت زینب و حضرت معصومه - علیهن السلام - را به عنوان اینکه آنها دارای عالی‌ترین مقام‌ها هستند می‌ستایند، و با بهترین و عمیق‌ترین روش، از آنها تجلیل و احترام و نسبت به آنها ابراز احساسات می‌نمایند، و با این روش خود، اعلام می‌دارند که میزان در رسیدن به مقامات عالی، تقوا و عمل است، نه زن و مرد، سیاه و سفید و....

و این عظمت و احترام که در بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که همچون نگین در شهر مقدس قم جلوه دارد، بهترین دلیل و گواه به احترام اسلام به شخصیت زنان و الامقام است، و همین نمونه عملی می‌تواند جواب کوبنده‌ای باشد برای آنهایی که می‌گویند اسلام برای زن چندان ارزشی قائل نیست.

برادران و خواهران حضرت

باقر شریف قرشی

ترجمه محمدرضا عطائی

چکیده: تحقیق مستندی درباره شناخت فرزندان امام کاظم علیه السلام است. نویسنده با استناد به منابع معتبر تاریخی و حدیثی، برادران و خواهران حضرت معصومه را معرفی می‌کند، و گزارش کوتاهی از زندگی آنها را نیز ارائه می‌نماید. نویسنده از بین اقوال مختلف درباره تعداد فرزندان آن حضرت (قول ۳۷ فرزند، ۳۸ فرزند، ۴۸ فرزند، ۶۰ فرزند)، و اقوال دیگر، یک قول را قبول کرده، و به معرفی آنها می‌پردازد.

پسران: امام رضا علیه السلام اسماعیل، جعفر، هارون، حمزه، محمد، احمد، قاسم، عباس، ابراهیم، حسن، عبدالله، زید، حسین، فضل، سلیمان، سالم، سعید، عقیل، ابراهیم، اکبر و....

دختران: ام عبدالله، قسیمه، لبابه، ام جعفر، امامه، کلثوم، بریهه، ام قاسم، محموده، امینه کبری، علیّه، رقیّه، حسنه، عائشه، ام سلمه، اسماء، ام فروه، آمنه، ام اییها، حلیمه، رمله، میمونه، امینه صغری، اسماء کبری، زینب، زینب کبری، فاطمه کبری، فاطمه، ام کلثوم کبری، ام کلثوم وسطی، ام کلثوم صغری و....

از دیدگاه نویسنده، تمام فرزندان آن بزرگوار در آن زمان، از نظر تقوا، درستی، راستی، پرهیزگاری و دوری از گناهان و بیهوده کاری‌های زندگی، از بهترین فرزندان اسلام و مردم مسلمان بوده‌اند، و با دیانت کامل رشد کرده‌اند؛ زیرا که امام علیه السلام آنها را

در جهت صحیح و شایسته‌ای هدایت کرده بود، و در روح آنها بزرگ‌منشی، ایمان به خدا در راه عقیده و فعالیت در راه خدمت به حق ریشه دوانده بود.

کلید واژه: امام کاظم، فرزندان، امام رضا، حضرت معصومه.

✱

امام موسی علیه السلام فرزندان پاک و نسلی پاکیزه از خود به جا گذاشت؛ به طوری که تمام فرزندان آن بزرگوار در آن زمان، از نظر تقوا، درستی، راستی، پرهیزگاری و دوری از گناهان و بیهوده‌کاری‌های زندگی، از بهترین فرزندان اسلام و مردم مسلمان بودند. با دیانت کامل رشد کردند؛ زیرا که امام علیه السلام آنها را در جهت صحیح و شایسته‌ای هدایت کرده بود و در روح آنها بزرگ‌منشی، ایمان به خدا در راه عقیده و فعالیت در راه خدمت به حق ریشه دوانده بود. ابن صباغ درباره آنها می‌گوید: «به راستی که هر کدام از اولاد ابوالحسن موسی علیه السلام از برتری و فضیلت محسوسی برخوردار بودند.»^۱ شیخ طبرسی می‌گوید: «محققاً هر یک از اولاد ابوالحسن موسی علیه السلام دارای فضیلت و منقبت مشهوری بودند.»^۲

البته آنان فضیلت و شرف و بزرگی را از پدران خود به ارث برده و در اخلاق و رفتارشان نمونه‌های برجسته‌ای از فضیلت و کمال بودند. برخی از آنها، به خاطر خوش‌بختی و نجات مسلمین از ظلم و استبداد عباسیان اعلام مخالفت کرده و علناً قیام کردند؛ به طوری که ذیلاً خواهیم گفت. اما پیش از بیان شرح حال آنها باید بگوییم که نسب‌شناسان و راویان اخبار در تعداد فرزندان امام اختلاف زیادی به شرح ذیل دارند:

اول: جمع آنان سی و سه تن، شانزده پسر و هفده دختر می‌باشد؛^۳

دوم: سی و هفت تن، هیجده پسر و نوزده دختر می‌باشند؛^۴

۱. فصول المهمه، ص ۲۵۶، چاپ ایران.

۲. اعلام الوری.

۳. تحفة الأزهار و زلال الأنهار.

۴. صحاح الأخبار، ص ۴۶؛ فصول المهمه، ص ۲۵۶؛ بحار.

سوم: سی و هشت تن، بیست پسر و هیجده دختر؛^۱
چهارم: چهل تن، هیجده پسر و بیست و دو دختر؛^۲
پنجم: شصت تن، بیست و سه پسر و هفت دختر.^۳
و اقوال دیگری نیز وجود دارد؛ اما نام پسران و دختران آن حضرت به شرح
زیر است:

پسران

امام رضا علیه السلام اسماعیل، جعفر، هارون، حمزه، محمد، احمد، قاسم، عباس،
ابراهیم، حسن، عبدالله، زید، حسین، فضل، سلیمان، سالم، سعید،^۴ عقیل، ابراهیم،
اکبر و عبدالله.^۵

دختران

ام عبدالله، قسیمه، لبابه، ام جعفر، امامه، کلثوم، بریهه، ام قاسم، محموده، امینة
کبری، علیه، رقیه، حسنه، عائشه، ام سلمه، اسماء، ام فروه، آمنه، ام ابیها، حلیمه،
رمله، میمونه، امینة صغری، اسماء کبری، زینب، زینب کبری، فاطمة کبری، فاطمه،
ام کلثوم کبری، ام کلثوم وسطی، ام کلثوم صغری.

اشنانی اسامی دیگری را افزوده است که عبارت‌اند از: عطفه، عباسه،
خدیجه کبری، خدیجه^۶ و صرحه.^۷ به این ترتیب، تعداد دختران از اولاد امام علیه السلام

۱. کشف الغمه، ص ۲۴۳؛ تذکرة الخواص، ص ۸۴.

۲. سرالسلسلة العلویة.

۳. المجدی؛ عمدة الطالب؛ مناهل الضرب فی أنساب العرب.

۴. عمدة الطالب.

۵. أحسن الکبار.

۶. المجدی.

۷. تحفة الأزهار.

سی و هفت تن می‌گردد که شیخ افتونی در قصیده خود، اسامی بعضی را به شعر آورده و می‌گوید:

یتلوه ابراهیم وعباس	ولده علی النبراس
هارون، اسماعیل ثم احمد	وقاسم وجعفر، محمد
زید، سلیمان، عبیدالله	وحمزة اسحاق وعبدالله
زینب، ام سلمة فاستبصرن	رقیتان، حسن، ثم حسن ^۱
والکل اولاد سراری لاقعد ^۲	ام ابیها وبهاتم العدد

افتونی در اشعار خود، فقط بیست و دو تن را نام برده است و از جمله کسانی است که عقیده دارد این شمار کل فرزندان امام است؛ در صورتی که این عقیده کاملاً نادرست است؛ زیرا شمار آنان خیلی بیشتر از اینها می‌باشد. و اینک شرح حال مختصری از کسانی را که از شرح حال آنان اطلاع داریم، بیان می‌داریم:

۱. امام رضا علیه السلام

وی هشتمین امام از امامان اهل بیت علیهم السلام است که خداوند پلیدی را از آنان برکنار ساخته و کاملاً پاکیزه داشته است. و خداوند به وسیله او اسلام را زنده کرده و مسلمانان را عزت بخشیده است. و آن بزرگوار - سلام خدا بر او - از کسانی است که حیات دوباره‌ای به این دین داده و از مدافعان و مجاهدان در راه دین است.

۱. احتمالاً حسین باشد و یا به اعتبار مثنی و یا ضرورت شعری، حسن آمده باشد. م.

۲. این اشعار را به خط براقی، در حاشیه نفحة العنبریه دیدم. یعنی: فرزندان امام علیه السلام عبارت‌اند از: علی علیه السلام امام رضا که چون مشعل فروزانی بود. پس از او ابراهیم و عباس، قاسم و جعفر، محمد، هارون، اسماعیل. و پس از او احمد، حمزه، اسحاق و عبدالله، زید، سلیمان، عبیدالله. دو رقیه‌نام، حسن و حسین، زینب، ام سلمه. پس توجه کن. دیگری، ام ابیها که به وی اسامی ایشان پایان می‌یابد. و تمام این بزرگواران، از مادران ام‌ولد (کنیزانی که به همسری می‌گرفتند) بوده‌اند و از زنان غیر کنیز نبودند.

۲. ابراهیم اکبر

چیزی که ما را به این بحث و بررسی وا می‌دارد، آن است که گروهی از مورخان بر آن اند که تنها یک شخص از فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام ابراهیم نام دارد، و امام فرزند دیگری به این نام ندارد. و دیگران معتقدند که چند تن از فرزندان امام به این نام می‌باشند. این مورخان، به صراحت می‌گویند که آنان دو تن می‌باشند: یکی ملقب به اکبر و دیگری اصغر هستند. و آیت‌الله مرحوم سید مهدی بحرالعلوم در کتاب رجال خود، به شرح زیر، تحقیق و بررسی می‌کند: «ظاهر قول اکثریت، مانند مفید در ارشاد، طبرسی در الاعلام، و سروی در مناقب، و اربلی در کشف الغمه، آن است که ابراهیم نام یک تن از اولاد ابوالحسن موسی علیه السلام می‌باشد؛ زیرا آنان تعداد زیادی از اولاد امام را نام می‌برند، و جز یک تن را با این نام ذکر نمی‌کنند.»

سپس می‌گوید: «ظاهراً ابراهیم، نام بیش از یکی است؛ همان طوری که صاحب عمده و دیگر علمای انساب تصریح دارند؛ زیرا ایشان از دیگران به انساب آشنا ترند. و در سخن دیگران، عبارتی که صراحت در یک تن بودن باشد، وجود ندارد. پس با تعدد ابراهیم، منافات ندارد...»^۱

و نظر سید بحرالعلوم نظر موثقی است؛ زیرا بزرگانی که از ابراهیم نام برده‌اند، به صراحت نگفته‌اند که بیش از یکی نیست؛ همان طوری که ایشان از تمام فرزندان امام علیه السلام نام برده‌اند، بلکه از بعضی نام برده‌اند. به علاوه آنکه علمای انساب، بیش از یک ابراهیم را نام برده‌اند؛ در حالی که آنها آگاه‌تر و در این امور از دیگران دقیق‌ترند. پس از این مطلب، ما به بحث و گفت‌وگو در احوال این سید بزرگوار، ابراهیم، باز می‌گردیم: آقای بزرگوار، گران قدر و از دانشمندان برجسته زمان بود، و از پدران بزرگوارش حدیث نقل کرده است.^۲

۱. رجال بحرالعلوم، ۴۲۶/۱ - ۴۳۲.

۲. غایة الاختصار، تألیف تاج‌الدین.

ابن شدقم از جدش نقل می‌کند که ابراهیم، دانشمندی فاضل و برجسته از رهبران زیدیه است. او پیرمردی بزرگ و بزرگوار بود.^۱ و شیخ مفید می‌گوید: ابراهیم پیرمرد بزرگواری بود.^۲ و از چیزهایی که بر عظمت مقام او دلالت دارد، آن است که امام موسی علیه السلام او را، به حسب ظاهر، از جمله اوصیای خود، به خاطر شهرت نام وی و بزرگداشت و بالابردن مقام او، قرار داد.

۳. ابراهیم اصغر

ملقب به مرتضی، کوچک‌ترین فرزند امام، و مادر وی اهل نوبه به نام نجیه^۳ می‌باشد.

عبیدلی، نسب‌شناس، نقل می‌کند که ابراهیم اصغر پسر امام کاظم علیه السلام مردی عالم عابد بوده است و او همکار ابوالسرایا نبوده است، و آنکه همراهی ابوالسرایا بود، برادرش ابراهیم اکبر است.^۴ بعضی از منابع، تصریح کرده‌اند که وی در ایام ابوالسرایا در یمن خروج کرد^۵ و او اولاد زیادی داشته و جد مرتضی و رضی و سادات موسوی می‌باشد.^۶ این بود تمام اطلاعات ما در شرح حال او.

بدن او را به فاصله شش ذراع به طرف پشت قبر جدش امام حسین علیه السلام دفن کرده‌اند.^۷ و بعضی گفته‌اند: در بغداد، در سمت مشرق، میان مقبره باب راز، دفن شده است.^۸

۱. تحفة الأزهار.

۲. ارشاد.

۳. تحفة الأزهار؛ عمدة الطالب، ص ۱۹۰.

۴. أعيان الشيعة، ۴/۵۸۲.

۵. النفحة العنبرية.

۶. أعيان الشيعة.

۷. همان مصدر، به نقل از عبیدلی.

۸. مناهل الضرب في أنساب العرب، ص ۳۹۷.

۴. احمد

مادرش ام‌ولد که مادر دو برادر دیگرش محمد و حمزه نیز بوده و از جمله بانوان محترم که به نام ام‌احمد موسوم بوده است و امام موسی علیه السلام به این بانو محبت زیادی داشت و وقتی که از مدینه راهی بغداد شد، مواریث امامت را نزد او به امانت نهاد و فرمود: «هر کس در هر زمانی آمد و این امانت‌ها را از تو خواست، بدان که من در همان وقت به شهادت رسیده‌ام، و آن شخص، جانشین من و امام واجب‌الاطاعه برای تو و برای دیگر مردم است.»

و به فرزندش رضا علیه السلام نیز نگه‌داری خانه را سپرد. وقتی که هارون امام کاظم علیه السلام را در بغداد مسموم کرد، امام رضا نزد ام‌احمد آمد و امانت‌ها را طلبید. ام‌احمد گفت: پدرت از دنیا رفته است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: «آری، هم‌اکنون از دفن او فارغ شدم. امانتی را که پدرم موقع رفتن بغداد به تو سپرده بود به من بده که من خلیفه و امام بحق بر تمام انس و جن هستم.» ام‌احمد سر کیسه را شکافت و امانت را به امام رضا علیه السلام داد و با وی به امامت بیعت کرد.^۱

۵. اسحاق

ملقب به امیر^۲ و امین^۳ شیخ او را در رجال خویش از جمله اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده است.^۴ و کلینی در کافی درباره او حدیثی از عمویش از قول جد بزرگوارش امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

وی چند دختر داشته است؛ از جمله: بانورقیه که عمر طولانی کرده و در بغداد از دنیا رفته است. از جمله نوادگان پارسای او ابوطالب ملهوس و ابوجعفر محمد صورانی است که در شیراز به شهادت رسید.^۵

۱. تحفة العالم، ۲/ ۸۷.

۲. المجدی؛ عمدة الطالب.

۳. بحر الأنساب.

۴. تنقیح المقال، ۱/ ۱۳۲.

۵. جامع الأنساب، ص ۴۷.

این بانو، رقیه، در مدینه منوره از دنیا رفت و در آنجا به خاک سپرده شد. حمدالله مستوفی می‌گوید: او در شهر ساوه از دنیا رفته و در آنجا مدفون شده است.^۱

۶. اسماعیل

از جمله بزرگان علمای عصر خود و در رأس پرهیزگاران و صالحان بوده است. وی از طرف ابوالسرایا فرمانروای فارس بود.^۲ و پس از آنکه نهضت وی از هم پاشید، اسماعیل مقیم مصر شد، و بعد از او، فرزندان و نوادگانش نیز ساکن آنجا شدند. و از جمله دلایل بزرگواری و پارسایی وی، آنکه چون صفوان بن یحیی از دنیا رفت، امام ابو جعفر علیه السلام او را مأمور کرد تا بر جنازه وی نماز بخواند و از آن بزرگوار نیابت کند.^۳

اسماعیل کتاب‌هایی تألیف کرده و از پدران بزرگوارش روایت نقل کرده است:
 ۱. کتاب طهاره؛ ۲. کتاب صلاة؛ ۳. کتاب زکاة؛ ۴. کتاب صوم؛ ۵. کتاب حج؛ ۶. کتاب جنازه؛ ۷. کتاب طلاق؛ ۸. کتاب نکاح؛ ۹. کتاب حدود؛ ۱۰. کتاب دعاء؛ ۱۱. کتاب سنن و آداب؛ ۱۲. کتاب رؤیا.^۴

و از مهم‌ترین تألیفات او که مورد اعتماد و مرجع است، کتاب جعفریات می‌باشد.^۵ نوری نقل می‌کند که جعفریات از جمله کتاب‌های قدیمی معروف و مورد اعتماد است.^۶

دانشمندان بزرگ شیعه، از روی تألیفات فراوان وی بر ستایش و وفور علم

۱. جامع الأنساب، ص ۴۷.

۲. همان مصدر.

۳. رجال کشی.

۴. رجال نجاشی، ص ۲۱؛ فهرست؛ معالم این شهر آشوب.

۵. اشعئیات و علویات نیز می‌نامند.

۶. مستدرکات وسائل. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی - خدایش بیامرز - بر این کتاب اعتماد زیادی داشت.

و فضیلت او استدلال کرده‌اند.^۱ اسماعیل در مصر از دنیا رفت و در آنجا به خاک سپرده شد.^۲ اما حمدالله مستوفی می‌گوید: او را در یکی از نواحی شیراز دفن کردند.^۳

۷. جعفر

مکنی به ابوالحسن. مادرش امولد بوده است.^۴ معروف به خواری، منسوب به خوار، یکی از روستاهای مکه معظمه، می‌باشد. چون بیشتر اوقات ساکن آنجا بوده، از این رو وی و پسرانش منسوب به آنجا گردیدند و به آنها خواریون گفتند. به آنان شجریون نیز می‌گفتند؛ چون در جاهای پُردرخت منزل می‌گرفتند.^۵ از او چهارده فرزند، شش پسر و هشت دختر، باقی ماندند.^۶

۸. حسن

مادرش امولد بوده، و از وی فرزندان اندکی باقی مانده است. ابونصر بخاری می‌گوید: حسن بن موسی عنه السلام فرزندی از امولد، به نام جعفر، داشته است. بعضی می‌گویند: او بازماندگانی داشته است و بعضی جز این را گفته‌اند. ابن طباطبا و ابوالحسن عمری می‌گویند: حسن بن موسی تنها یک پسر به نام جعفر داشته، و از جعفر سه پسر به نام‌های محمد، حسن و موسی باقی ماند.^۷ کتاب‌های تاریخ و انسابی که امروز در دسترس ماست، زمان فوت و محل دفن او را تعیین نکرده‌اند.

۱. تعلیقه، رجال ابن داوود.

۲. تحفة العالم، ۲/۳۴.

۳. جامع الأنساب.

۴. تحفة الأزهار.

۵. مناهل الضرب، ص ۵۶۷.

۶. المجدی.

۷. عمدة الطالب و بحر الأنساب.

۹. حسین

ملقب به سید علاءالدین.^۱ سیدی جلیل‌القدر و والامقام بوده است. از آنچه دلیل بر علو مقام اوست، روایتی است که بزنتی نقل کرده و در آن روایت آمده است که از امام جواد علیه السلام پرسیدند: کدام یک از عموهایت نسبت به تو نیکوکارترند؟ فرمود: «حسین». وقتی که امام رضا علیه السلام شنید، فرمود: «به خدا سوگند راست گفته است. وی نسبت به او از همه نیکوکارتر و خیرخواه‌تر بود.»^۲

حسین، خود، نقل کرده و می‌گوید: ما، گروهی از جوان‌های بنی‌هاشم، در اطراف برادرم ابوالحسن الرضا علیه السلام جمع بودیم. ناگهان جعفر بن عمر علوی با هیئت ژولیده از آنجا عبور کرد. به یکدیگر نگاه کردیم و به هیئت جعفر خندیدیم. امام رضا علیه السلام رو به ما کرد و فرمود: «بزودی او را خواهید دید که دارای ثروت و پیروان زیادی می‌شود.»^۳

حسین می‌گوید: بیش از یک ماه نگذشته بود که وی والی مدینه شد و کارش سروسامانی گرفت و با خدم و حشم رفت‌وآمد می‌کرد.^۴

براقی می‌گوید: حسین بن موسی در کوفه از دنیا رفت و در عباسیه به خاک سپرده شد، و قبرش نزدیکی ام‌البعور است، و مجاوران، آنجا را آرامگاه حسن می‌دانند.^۵

مرحوم سید جعفر آل بحر العلوم می‌گوید: قبر وی در شیراز است. این مطلب را شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین در تاریخ معروف به شیرازنامه آورده است و خلاصه گفتار او چنین است:

۱. تحفة العالم، ۳۱/۲.

۲. بحار الأنوار، ۴۵/۱۳.

۳. بحار الأنوار، ۶۶/۱۳.

۴. تاریخ کوفه، ص ۵۶.

۵. تاریخ کوفه، ص ۵۶.

«قتلغ، والی شیراز، باغی داشت که در داخل باغ مرقد سید نام برده بوده است. و محافظ باغ مرد دین دار و جوان مردی بود. شب‌های جمعه می دید نوری در میان باغ از بالا می تابد. تا اینکه حقیقت قضیه را به امیر قتلغ ابراز کرد، و پس از آنکه قتلغ نیز آنچه را که محافظ دیده بود، با چشم خود دید، در صدد تجسس و کشف مطلب برآمد. در آنجا قبری ظاهر شد که داخل قبر جسد مطهری در نهایت شکوه و جلال و شادابی و زیبایی که به یک دست قرآن و در دست دیگرش شمشیر برهنه بود، از روی علامات و قرائن دانست که آنجا قبر حسین بن موسی است و روی آن گنبد و رواقی بنا کرده. و ظاهراً این قتلغ خان غیر از آن امیری است که با برادرش سید احمد نبرد کرد. و ممکن است که این باغ به نام او باشد، و والی‌ای که دستور بنای آرامگاه را داده، کس دیگری باشد؛ چون قتلغ، مانند ابوبکر بن سعد زنگی، لقب سلسله‌ای است.»

و نیز می‌گوید: «بعضی نوشته‌اند که سید علاءالدین حسین، به این باغ رفت و شد می‌کرده و او را شناخته‌اند که از بنی هاشم است و در همان جا کشته‌اند. و پس از گذشت مدت‌زمانی و از میان رفتن آثار باغ، به طوری که جز تل بلندی در آنجا نمانده بود، قبر او را از روی آن علاماتی که گفتیم شناختند. و این جریان در زمان صفویه اتفاق افتاده است.»

«مردی از اهل مدینه به نام میرزا اعلی آمد و در شیراز ساکن شد. او مردی ثروتمند بود و گنبد مجللی روی قبر حسین بنا کرد و املاک و باغ‌هایی را وقف آنجا نمود. و چون خود او نیز از دنیا رفت، در کنار همان بقعه به خاک سپرده شد و تولیت موقوفات آنجا نیز در دست پسر وی، میرزا نظام‌الملک، یکی از وزرای دولت، و پس از او در دست فرزندان و نوادگان او قرار داشت. سلطان خلیل که از طرف شاه اسماعیل صفوی حاکم شیراز شد، آن بقعه مبارکه را مرمت کرد و در سال ۸۱۰ هـ عمارت سابق آنجا را توسعه داد.»^۱

۱۰. حمزه

مکنی به ابوالقاسم. مادرش ام ولد، مردی عالم، فاضل، کامل، باشکوه و جلال، والامقام، عالی مرتبه، و پیش همه کس محترم بوده است. با برادرش امام رضا علیه السلام به خراسان مسافرت کرد و در خدمت او بود و همواره در انجام اوامر او کوشا و در پی جلب رضای وی و مجری فرمان او بوده است. وقتی که به سوسعد یکی از روستاهای تستر،^۱ رسید، گروهی از پیروان مأمون او را دیدند و به قتل رساندند. قبرش در بستان می باشد. از او دو پسر به نام های علی و ابومحمد قاسم - نسب سادات صفویه به او می رسد - باقی ماند.^۲ بعضی از مصادر به صراحت نوشته اند که قبر وی در ری، نزدیک قبر سید جلیل القدر حضرت عبدالعظیم است.^۳ و بعضی نیز گفته اند در قم مدفون است.^۴

۱۱. زید

مادرش ام ولد است. وی معروف به زیدالنار بوده و به مذهب زیدیه - تنها در این عقیده که باید با سلطه حاکم مبارزه کرد - معتقد بوده است، نه آنکه در امامت عقیده زیدیه را داشته باشد. زید مردی شوخ طبع بوده است.^۵ نویسندگان شرح حال زید، درباره تاریخ وفات وی اختلاف نظر دارند. بعضی گفته اند که او در زمان مأمون و به وسیله او مسموم شد و از دنیا رفت.^۶

۱. احتمالاً تستر، همان شوشتر باشد که از شهرهای خوزستان است و به بستان که مدفن وی در آنجاست نزدیک است.

۲. تحفة الأزهار.

۳. فلک النجاة، ص ۳۳۷، زندگانی حضرت موسی بن جعفر (فارسی).

۴. ناسخ التواریخ (فارسی).

۵. عیون.

۶. عمدة.

و بعضی گفته‌اند که او تا آخر خلافت متوکل زنده بود و در سامرا از دنیا رفت.^۱ و بعضی گفته‌اند که وی در زمان مستعین از دنیا رفته است.^۲ اما قبر زید، بنا به قول اول در صلهد، یکی از روستاهای اصفهان، است و دارای گنبد و بارگاه می‌باشد.^۳

۱۲. عباس

شیخ در رجال خود او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام دانسته و فرموده است: او ثقه می‌باشد. و بعضی، نظر به مخاصمه وی با امام رضا علیه السلام و منازعه بناحق با آن حضرت، وثاقت و عدالت او را مردود شمرده‌اند.

۱۳. عبدالله

مادرش ام‌ولد، معروف به عوکلانی، بوده و به فرزندانش نیز عوکلانیه می‌گفتند. علی بن ابراهیم از وی نقل کرده، می‌گوید: همین که امام رضا علیه السلام وفات کرد، ما به حج رفتیم و بر ابوجعفر امام جواد علیه السلام وارد شدیم و گروه زیادی از شیعیان از تمام شهرها برای دیدن ابوجعفر حضور داشتند. در این بین، عمویش عبدالله بن موسی علیه السلام وارد شد. عبدالله پیرمرد بزرگواری بود. جامه‌های خشنی بر تن داشت و در پیشانی‌اش آثار سجده بود. نشست و ابوجعفر از اندرون بیرون آمد و بر تنش پیراهن و ردایی نازک از جنس کتان و در پاهایش نعلین سفیدی داشت. عبدالله از جا بلند شد و از او استقبال کرد و پیشانی‌اش را بوسید و شیعیان نیز به خاطر بزرگداشت و احترام او بلند شدند. ابوجعفر روی صندلی نشست و مردم به خاطر خردسال بودن امام به یکدیگر نگاه کردند. عمر حضرت جواد علیه السلام آن روز نُه سال بود. مردی از حاضران رو به عبدالله کرد و گفت:

۱. عیون الأخبار، ص ۳۴۷.

۲. جمهرة أنساب العرب، ص ۵۵.

۳. تحفة الأزهار.

خداوند شما را تن درست بدارد؛ چه می‌فرمایید درباره کسی که با حیوانی آمیزش کرده است؟ عبدالله گفت: دست راستش را می‌برند و حد زده می‌شود. امام جواد علیه السلام چون این فتوا را که مطابق با شریعت اسلام نبود شنید، خشمناک شد و فرمود:

«عمو، از خدا بترس که بسی گران است. تو را در روز قیامت مقابل پروردگار نگه دارند و بگویند: چرا فتوایی را به مردم دادی که نمی‌دانستی؟ عبدالله گفت: مگر پدر تو این طور نگفت؟»

امام جواد علیه السلام فرمود: از پدرم درباره مردی که زنی را نبش قبر کرده و با او آمیزش نموده بود، پرسیدند. پدرم فرمود: دست راستش را برای نبش قبر می‌برند، و حد زنا هم می‌زنند؛ چون حرمت مرده مثل زنده است.»

عبدالله عرض کرد: راست گفتمی سرورم. از خداوند طلب آمرزش می‌کنم. مردم تعجب کردند و رو به امام آورده، مسائلی می‌پرسیدند و او پاسخ می‌داد.^۱ و این روایت، هرچند که بر شتاب زدگی و خطای عبدالله در مسئله فقهی دلالت دارد، اما اظهار پشیمانی و کوچکی کردن او در برابر امام علیه السلام این اشکال را از او برطرف می‌کند و او را به مرتبه اولیا و پارسایان می‌رساند. این بود شرح حال عبدالله. اما مصادری که در اختیار ماست، زمان وفات و محل دفن او را تعیین نکرده‌اند.

۱۴. عیدالله

مادرش ام‌ولد است. و از وی سه دختر به نام‌های اسماء، زینب و فاطمه، و هشت پسر به نام‌های محمدیمامی، جعفر، قاسم، علی، موسی، حسن، حسین و احمد باقی ماند.^۲ و نسب بسیاری از خاندان‌های والامقام و جلیل‌القدر علوی به وی می‌رسد. وی در کوفه از دنیا رفت و در همان جا مدفون شد.^۳

۱. المجدی.

۲. المجدی.

۳. تاریخ کوفه، ص ۵۶.

۱۵. قاسم

شاخه‌ای پاک و مطهر از شاخسارهای امامت و نسیمی قدسی از نسیم‌های نبوت؛ در تقوا و درستی و رنج و گرفتاری، یکتای روزگار بوده است.

امام موسی علیه السلام علاقه و محبت زیادی در دل نسبت به فرزندش قاسم، به خاطر رشد و صلاحی که از او می‌دید، داشت، و امام به خاطر فضیلت‌ها و صفات برجسته‌ای که در وی بود او را می‌ستود و بر سایر پسرانش جز امام رضا علیه السلام مقدم می‌داشت. یزید بن سلیط می‌گوید: از امام موسی علیه السلام درخواست کردم که امام پس از خودش را تعیین کند، فرمود: «ای ابوعمار! به تو خبر دهم که چون از منزل بیرون آمدم، به پسر علی وصیت کردم اگر اختیار با من بود، امر امامت را به پسر قاسم واگذار می‌کردم؛ چون او را دوست دارم و علاقه‌مندم، اما این امر با خداست...»^۱

امام موسی علیه السلام این محبت را نسبت به قاسم ابراز نداشت مگر به خاطر آنکه او را از بهترین پسران خود در تقوا، پارسایی و دین‌داری اش می‌دید. و از جمله دلایل بزرگداشت وی این است که او را برای اجرای بعضی کارهای مهم فرا می‌خواند.

۱۶. محمد

با کنیه ابوابراهیم. شخصی بزرگوار، جلیل‌القدر، متین، معروف به عابد، به خاطر کثرت وضو و نمازش، بوده و همه شب وضو می‌گرفت و نماز می‌خواند و اندکی می‌خوابید. آن‌گاه برای عبادت خدا بلند می‌شد تا وقتی که سپیده صبح می‌دمید. یکی از شیعیان پدرش نقل کرده است که هرگز او را ندیدم مگر به یاد این آیه مبارکه افتادم: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ»^۲.

۱. اصول کافی.

۲. سوره ذاریات، آیه ۱۷.

۳. فصول المهمه، ص ۲۵۶.

راویان نقل کرده‌اند که وی وارد شیراز شد و در آنجا پنهان می‌زیست و قرآن کریم را استنساخ می‌کرد و از دستمزد این کار هزار برده را آزاد کرد.^۱

هفت فرزند از او باقی ماند: چهار دختر به نام‌های بانو حکیمه، کلثوم، بریهه و فاطمه، و سه پسر به نام‌های جعفر، محمد و ابراهیم^۲ که معروف به مجاب بود، و به طوری که مورخان گفته‌اند، علت ملقب شدن وی به این لقب آن بود که او به قبر جدش امام حسین علیه السلام سلام داد و از قبر شریف آن بزرگوار صدا آمد: سلام بر تو ای پسرم!^۳ او بر ضد عباسیان قیام کرد و بر جزیره تسلط یافت و سرانجام در جوار جدش امام حسین علیه السلام دفن شد و یکی از فرزندان او درباره‌ی وی از باب افتخار به او و به جدش امام موسی علیه السلام می‌گوید:

من این للناس مثل جدی موسی وابنه المجاب
اذ خاطب السبط وهورمس اجابه اکرم الجواب^۴

از ابراهیم مجاب فرزندی به نام محمد باقی ماند^۵ که در شهر شیراز از دنیا رفت و در آنجا مدفون شد و قبرش تا زمان اتابک بن سعد بن زکی پنهان بود. و او در محله باغ قتلغ گنبدی را بنا کرد که چند بار در زمان سلطنت نادرخان تجدید بنا شد. و در سال ۱۲۹۶ هـ نواب اویس بن نواب، اعظم شاهزاده فرهاد قاجاری، آن را ترمیم کرد.^۶ و در زمان حاضر مزاری دارد که مردم به آن تبرک می‌جویند و سادات بزرگوار و صالحان نیکوکار ساکن آنجا شده و نذوراتی به آن ضریح مقدس تقدیم می‌کنند.^۷

۱. تحفة العالم، ۳۱/۲.

۲. تنقیح المقال، ۱۹۲/۳.

۳. غایة الاختصار؛ اعیان الشیعه، ۴۶۳/۵؛ تذکرة الأنساب.

۴. اعیان الشیعه، ۴۶۳/۵، یعنی: کجا مردم همانند جدم موسی و پسرش ابراهیم مجاب نیایی دارند؟ که جدم ابراهیم، نواده پیامبر صلی الله علیه و آله را که مدفون بود، مخاطب قرار داد، و امام حسین علیه السلام به او بهترین جواب را داد.

۵. تنقیح المقال، ۱۹۲/۳.

۶. تحفة العالم، ۳۱/۲.

۷. جامع الأنساب، ص ۱۰۸.

۱۷. هارون

مادرش ام ولد بود و هشت فرزند داشته است که از آنها کسی جز احمد^۱ باقی نماند. و بعضی گفته‌اند او نیز پس از پدر زنده نماند.^۲

نقل کرده‌اند که حکومت عباسی بر وی سخت گرفت و بین او و پلیس برخوردی شد که باعث مجروح شدن او گردید و به «شهرستان» متواری شد و به روستایی رفت و در میان مزارع آنجا ضعف بر او مستولی شد. صاحب مزرعه برای معالجه او اقدام کرد تا بهبود یافت. مدت‌زمانی در آنجا ماند تا اینکه آوازه او پیچید. و روزی در بین غذا خوردن مأموران مأمون بر او حمله بردند و او را به قتل رساندند و در همان جا دفن شد.^۳

مشهور آن است که وی در یکی از روستاهای طالقان از دنیا رفت و در همان جا مدفون شده است و مرقدی دارد که زیارتگاه مردم است که در سال ۸۵۳ هـ بنا گردیده و بر ضریح وی نوشته شده است: «این قبر امامزاده هارون فرزند سلطان پرهیزگاران و امام اولیا، موسی کاظم علیه السلام است.»^۴

این بود تمام آنچه از شرح حال برخی از اولاد امام علیه السلام که در کتاب‌های موجود ما به آن دست یافتیم. و شرح حال دیگران را نقل نکرده بودند. اما برخی از مصادر بعضی از اولاد دیگر امام را نام برده‌اند که از ذکر نام و شرح حال آنها بسیاری از کتب انساب صرف‌نظر کرده‌اند و ما در ذیل نام آنها را با مختصر شرح حالی از آنان می‌آوریم:

۱۸. عون

شبلنجی او را نام برده و می‌گوید: نسب آقا و مولای ما، بزرگوار، مقرب درگاه خدا، جامع الشرفین، شرافت نسب و شرافت خدانشناسی و ادب،

۱. المجدی.

۲. جامع الأنساب، ص ۵۵.

۳. همان مصدر.

۴. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، ص ۲۶۰.

صاحب کرامات ظاهره، ابوالحسن و ابوالاشبال، علی اهدل بن عمر بن محمد بن سلیمان بن عبید بن عیسی بن علوی بن محمد بن حمحام بن عون بن موسی الکاظم بن جعفر صادق بن محمدباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به او می‌رسد. و یکی از فضلا این را به شعر درآورده است:

علی بن فاروق ابومحمد	ثم سلیمان الرضا المسدر
عبید عیسی علوی محمد	حمحام عون کاظم المؤید
جعفر الصادق قل محمد	زین حسین و علی السید ^۱

۱۹. ادیس

نسب سید خواجه معین الدین سنجری به او منتهی می‌شود.^۲

۲۰. شمس

نسب شناس، احمد بن محمد گیلانی نجفی، او را نام برده^۳ و آقای روضاتی نیز برای فرزندان وی شجره‌نامه‌ای فراهم آورده است.^۴

۲۱. شرف الدین

سلسله سادات خلخالی به او می‌رسد و شجره‌ای برای ایشان نوشته‌اند.^۵

۱. نورالابصار، ص ۱۳۸، به نقل از: بغیة الطالب سید محمد بن طاهر یمانی. و نیز در ایضاح المکتون، کشف الظنون، ۱/۱۸۸، آمده است. یعنی: ابومحمد علی بن فاروق و پس از آن سلیمان ملقب به رضا، نستوه، عبید بن عیسی علوی فرزند محمد بن حمحام بن عون بن کاظم مؤید (از طرف خدا)، فرزند امام جعفر صادق، بگو: فرزند محمدباقر بن زین العابدین فرزند امام حسین پسر آقا و مولا علی بن ابی طالب علیه السلام.

۲. کتذ الأنساب، ۷۴.

۳. سراج الأنساب، ص ۴۴.

۴. جامع الأنساب، ص ۹.

۵. جامع الأنساب، ص ۴۴.

۲۲. صالح

سادات مشهور به شجعان از اولاد او هستند و آنان شجره‌ای دارند. وی در تجریش از دنیا رفته است و آرامگاه مجلل و ساختمان بزرگی دارد.^۱

تا اینجا سخن از شرح حال پسران امام کاظم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به پایان می‌رسد. و آنچه باقی مانده است، آن است که ما به شرح حال برخی از دختران امام اشاره نماییم:

۱. آمنه

این بانو در مصر از دنیا رفت و قبرش در آنجا زیارتگاه مردم است و کلیددار حرم مطهرش کراماتی نقل کرده است؛ از جمله می‌گوید:

کسی مقداری روغن زیتون آورد و از او درخواست کرد که برای روشنایی یک شب از آن استفاده کند. کلیددار روغن‌ها را میان جاچراغی‌ها ریخت، دید نمی‌سوزد. تعجب کرد. در خواب بانو آمنه را دید که می‌فرماید: روغن او را باز گردان و از او بپرس از کجا آورده است؟ من جز مال حلال نمی‌خواهم. وقتی که صبح شد، صاحب روغن آمد. کلیددار حرم گفت:

- روغن را بگیر.

- برای چه؟

- برای اینکه چیزی از آن مصرف نشد، و من بانو آمنه را در خواب دیدم، فرمود:

جز مال حلال پذیرا نیستم.

- راست گفته است؛ چون من مأمور دولتم و مالیات نامشروع از اجناس بازار

می‌گیرم. و بعد روغن‌ها را گرفت و رفت.^۲

۱. کنز الأنساب.

۲. نور الأبصار، ص ۱۸۰.

۲. حکیمه

امام رضا علیه السلام به این بانو دستور داد تا کنار خیزران، مادر حضرت جواد، به هنگام ولادت آن بزرگوار، باشد. از این رو، کیفیت ولادت و معجزاتی که در آن وقت اتفاق افتاده است، این بانو نقل کرده است.^۱

۳. فاطمه (حضرت معصومه)

مشهور به بانو معصومه. این بزرگوار و خواهرانش زینب و ام‌کلثوم حدیثی را در فضیلت جدشان امیرالمؤمنین و در فضیلت شیعیان آن حضرت نقل کرده‌اند.^۲

این بانو به برادرش حضرت رضا علیه السلام محبت زیادی داشت. وقتی که مأمون او را به مرو احضار کرد تا ولیعهد خود قرار دهد، فاطمه علیها السلام نیز در پی او حرکت کرد. و این جریان در سال ۲۰۱ ق^۳ اتفاق افتاد. و چون به ساوه رسید، بیمار شد و از مسافت بین ساوه و قم پرسید. گفتند ده فرسخ است. دستور داد او را به قم ببرند. به آنجا که رسید، در خانه موسی بن خزرج اشعری فرود آمد.

بعضی نقل کرده‌اند که مردم قم از آن بانو استقبال کردند و چون موكب حضرت بدان‌جا رسید، موسی بن خزرج مهار ناقه را گرفت و به خانه خود برد و آن بزرگوار هفده روز در خانه وی بود تا از دنیا رفت. و موسی دستور داد او را غسل دادند و کفن کردند و خود بر او نماز خواند و در زمینی که متعلق به خود وی بود دفن کردند و روی مزارش سقفی از بوریا ساختند، تا وقتی که زینب دختر محمد بن علی جواد علیه السلام گنبدی روی مزار حضرت معصومه علیها السلام بنا کرد.^۴

۱. معالم ابن شهر آشوب.

۲. سفینة البحار، ۷۲۹/۱.

۳. تاریخ قم سال ۲۰۰ ق [را] ثبت کرده است و مرحوم مجلسی و محدث قمی و دیگران نیز همین را نقل کرده‌اند. م.

۴. بحار الأنوار، ۳۱۲/۲.

حسن بن محمد قمی درباره فضیلت زیارت این بانو نوشته است: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، فرمود: «برای خداوند متعال حرمی است و آن مکه است؛ و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه می باشد؛ و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است؛ و برای ما اهل بیت حرمی است و آن شهر قم است. و بزودی در آنجا بانویی از اولاد من به نام فاطمه دفن خواهد شد. هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد.»

امام علیه السلام این سخنان را پیش از ولادت امام موسی علیه السلام فرمود.^۱ و در بعضی از کتب تاریخ آمده است گنبدی که بالای ضریح مقدس آن بزرگوار است، در سال ۵۲۹ هـ به امر مرحومه بانو شاه بیگم، دختر عماد بیگ، ساخته شده است. و اما طلاکاری گنبد با بعضی جواهرات روی قبر از آثار سلطان فتحعلی شاه قاجار است.^۲

۴. فاطمه صغری

قبر این بانو در بادکوبه وسط مسجدی قرار گرفته و ساختمان قدیمی دارد.^۳

این بود مجموع اطلاعات ما از شرح حال آقایان و بانوان از اولاد امام هفتم علیه السلام.

به راستی که انسان با اصل هر فضیلت و منقبتی، در سیره فرزندان امام علیه السلام روبه رو می شود. و زندگی بعضی از آنها سراسر قیام و هجوم در برابر ستمگران است که اینان از آن رو به میدان های مبارزه و پیکار شتافتند تا امت را از آن گرفتاری های تلخ و استبداد ناروایی که حاکم بر تمام شئون زندگی آنها بود نجات

۱. تحفة العالم، ص ۳۶؛ بحارالانوار.

۲. تحفة العالم، ص ۳۷.

۳. تحفة العالم، ص ۳۷.

بخشند. اما روزگار با آنان سازگار نشد و فرو پاشیدند؛ جز اینکه مأمون موضع خصمانه‌ای با آنان نگرفت و به خاطر خشنودی توده‌های مردم که علاقه فراوانی نسبت به اولاد پیامبرشان داشتند و دلبستگی و محبت فوق‌العاده‌ای می‌ورزیدند، آنان را مورد عفو قرار داد.^۱

● باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام کاظم علیه السلام ترجمه محمد رضا عطائی (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام)، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۳۵ - ۵۰۱، با تلخیص.

تاریخ آستانه حضرت معصومه علیها السلام

حسین مدرّسی طباطبایی

چکیده: گزارش مختصری از تاریخ ساخت آستانه مقدّسه حضرت معصومه در قم است. نویسنده با استناد به منابع تاریخی، گزارشی از تدفین حضرت در قبرستان بابلان، و ساخت اولین قبه بر تربت ایشان به دست زینب، نواده امام جواد علیه السلام در سال ۲۵۶ق و سیر تغییر و تحوّل این آرامگاه در طول تاریخ ارائه کرده است. از دیدگاه نویسنده، این تربت شریف با ترغیب و تشویق پیشوایان دین از روز نخست زیارتگاه پیروان و دوست‌داران خاندان پاک پیغمبر بوده، و در قرن سوم و چهارم از شهرهای دیگر، مانند ری نیز برای زیارت بدان می‌رفته‌اند. از همان روزگاران، بسیاری از علویان و بزرگان نیز در مجاورت این تربت منور مدفون شده‌اند که از آن جمله در فاصله میانه دو قرن سوم و چهارم، چند تن از نوادگان امام جواد علیه السلام که برای برخی از ایشان قبه‌ای پیوسته به قبه حضرت ستمی فاطمه بنیاد نهاده‌اند. با استیلای صفویان بر تاج و تخت - در آغاز قرن دهم - همان‌گونه که دیگر مظاهر تشیع در ایران به یک‌باره راه‌کمال گرفت، مشاهد متبرک منسوب به خاندان گرامی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز تحولاتی بسیار - در جهت آبادانی و رواج و رونق و تجدید و تعمیر - یافت. در دهه سوم این قرن، شاه بیگم همسر شاه اسماعیل صفوی، قبه پیشین حرم را برداشت و تجدید نمود، و ایوان شمالی را بنیاد نهاد، و املاکی بسیار بر آن وقف نمود. شاه طهماسب دومین پادشاه این سلسله نیز نسبت به این مزار شریف توجه بسیار نمود، و علاوه بر موقوفاتی که برای آن قرار داد، در سفرهای خود به قم، در ترویج و عمارت آن کوشش بسیار کرد.

کلید واژه: مزارات قم، آستانه و حرم، حضرت معصومه.

✱

در سال ۲۰۱ هجری که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مرو بودند یکی از خواهران حضرتش به نام «فاطمه» - که از پرهیزگارترین و دانشمندترین بانوان خاندان پاک پیغمبر^۱ و در تقوا و فضائل معنوی نمونه‌ای والا به شمار بود - به عزم دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان عزیمت نمود، لیکن در میان راه نزدیک ساوه بیمار شده، ناگزیر به قم آمد و در این شهر پس از توفقی هفده روزه درگذشت و در زمینی که میزبان وی «موسی بن خزرج» در نقطه‌ای بیرون شهر آن روز به نام «بابلان» داشت مدفون گردید. آنجا که امروز روضه مقدس اوست.^۲

نخست بر سر تربت حضرت سنی فاطمه از بوریها سایه‌ای ساخته بودند^۳ و این شکل همچنان بود تا در نیمه دوم قرن مزبور «زینب» نواده امام جواد علیه السلام که پس از سال ۲۵۶ به قم آمد قبه‌ای بر تربت منور بنیاد کرد^۴. این بنا تا پیرامون میانه قرن پنجم بر جای

۱. منتهی الآمال قمی ۲: ۱۶۱-۱۶۲ چاپ کتابفروشی علمیه اسلامیة - تهران.

حضرت فاطمه معصومه بانویی عالم و محدث بوده و روایاتی متعدد از طریق او در کتاب‌های حدیث شیعه و اهل سنت آمده است. از جمله:

* روایتی در المسلسلات ابو محمد جعفر بن علی قمی از آثار قرن چهارم: ص ۱۰۸ (نیز سفینه البحار ۱: ۲۷۹ و ۲: ۳۷۷).

* روایتی دیگر در اسنی المطالب ابن جزری شافعی در گذشته ۸۳۳: ص ۵ (نیز الغدير ۱: ۱۹۷ و قاموس

الرجال تستری ۱: ۲۸).

* روایتی دیگر در اللؤلؤة الثمينة فی الآثار المعنونة المروية، چاپ ۱۳۰۶ مصر: ص ۲۱۷ (نیز آثار الحجج ۱: ۸-۹).

۲. از نظر تاریخی هیچگونه تردیدی در مدفون بودن حضرت سنی فاطمه دختر امام کاظم علیه السلام در قم نمی‌توان کرد چه این مطلب در چندین مأخذ بسیار معتبر - عربی و فارسی - نقل شده است. از آن جمله این چند کتاب که همه از موثق‌ترین مصادر قرن چهارم است:

* کامل الزیارات، جعفر بن قولویه قمی در گذشته ۳۶۸-۳۶۹، چاپ ۱۳۵۶ ق نجف: ص ۳۲۴.

* عیون اخبار الرضا، صدوق محمد بن علی بن بابویه در گذشته ۳۸۱، چاپ ۱۳۷۷ ق قم ۲: ۲۶۷.

* ثواب الاعمال همو، چاپ سنگی تبریز: ص ۵۶.

* کتاب قم حسن بن محمد بن حسن قمی نگاشته شده در ۳۷۹، ترجمه فارسی، چاپ ۱۳۱۳ تهران:

ص ۲۱۳-۲۱۵.

۳. کتاب قم، ترجمه: ۲۱۳.

۴. مأخذ پیش: ۲۱۳ و ۲۱۶.

بوده است، جز آنکه در گاه غربی بنا را - که برابر رودخانه بود - ابوالحسین زید بن احمد بن بحر اصفهانی عامل قم در سال ۳۵۰ توسعه داد و بالا برد و دری بر آن نصب نمود^۱. این تربت شریف با ترغیب و تشویق پیشوایان دین از روز نخست زیارتگاه پیروان و دوست داران خاندان پاک پیغمبر بوده و در قرن سوم و چهارم از شهرهای دیگر ماندیری نیز برای زیارت بدان می‌رفته اند^۲. از همان روزگاران بسیاری از علویان و بزرگان نیز در مجاورت این تربت منور مدفون شده‌اند که از آن جمله در فاصله میانه دو قرن سوم و چهارم چند تن از نوادگان امام جواد علیه السلام که برای برخی از ایشان قبه‌ای پیوسته به قبه حضرت سنی فاطمه بنیاد نهادند^۳ و سادات حمزیه^۴ که دو قبه در نزدیک تربت منور از آن ایشان بوده است^۵، قبه‌ای نیز سادات شجریه^۶ داشته‌اند^۷ و بعضی دیگر^۸.

۱. مأخذ پیش: ۲۱۴.

۲. مأخذ پیش: ۲۱۳.

۳. مأخذ پیش: ۲۱۴ و ۲۱۷.

۴. نقباء سادات قم در قرن‌های چهارم تا ششم. تاریخ قم، صفحات یاد شده در متن و موارد الاتحاف فی نقباء الاشراف عبدالرزاق کمونه حسینی، چاپ ۱۳۸۸ نجف، ۲: ۸۴-۸۷ و مصادر آن دیده شود.

۵. کتاب قم، ترجمه: ۲۲۶-۲۲۷.

۶. منسوب به دیه «شجره» بیرون مدینه که میقات حج گزاران است (کتاب قم: ۲۳۲) نوادگان عمر بن علی بن الحسین علیه السلام که در آغاز قرن چهارم به قم آمده (همان مأخذ: ۲۳۲ و ۲۳۸) و در این شهر مقاماتی از جمله گاه نقابت سادات را عهده‌دار بوده‌اند (ایضاً: ۲۳۳).

نسخه‌ای از قواعد علامه در دانشگاه هست (شماره ۱۸۵۷ کتابخانه مرکزی) که آن را سلطان بن حسن بن سلطان حسینی علوی شجری قمی در نیمه ربیع الثانی ۸۲۱ نوشته و بر علی بن حسین استرآبادی فقیه شیعی این قرن خوانده، و این دانشمند اجازه‌ای در ۸۲۳ برای او نوشته که بر همین نسخه دیده می‌شود. در این نسخه خط دانشمند قمی دیگری از این قرن (محمد بن حسن حسینی قمی) با تاریخ اواخر صفر ۸۲۵ هست. از این بر می‌آید که نسب سادات شجری قم تا این دوره محفوظ بوده است (نیز بنگرید به خلاصه البلدان). همین سلطان بن حسن شجری قمی نسخه‌ای از التفتیح مقداد سیوری (ش ۱۳۰۲ کتابخانه ملک) را در غره ربیع الاول ۸۳۴ نوشته است (فهرست عربی ملک: ۱۷۶). نیز گویا هموست که نسخه جوامع الجامع ش ۱۹۷۸ کتابخانه مرحوم آیت الله حکیم نجف را - که در ۸۳۸ مقابله شده و در پایان آن رقم «سلطان بن حسن حسینی قمی در قم» هست - استنساخ نموده است (مجله معهد المخطوطات العربیه، مجلد ۲۰، شماره ۱: ص ۱۹).

۷. کتاب قم، ترجمه: ۲۳۲-۲۳۳.

۸. همان مأخذ: ۲۱۳.

در پیرامون میانه قرن پنجم امیر ابوالفضل عراقی از رجال دوره طغرل اول سلجوقی (۴۲۹ - ۴۶۵) بنای روضه مقلس را تجدید نمود. این بنا تا نیمه دوم قرن ششم بر جای بوده و گویا تا آغاز دوره صفوی پاییده است. عالم جلیل شیعی شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب شریف النقض - که پیرامون سال ۵۶۰ به نگارش در آمده است - در شمار امرا و بزرگان شیعی که عهده دار مناصب حکومتی بوده اند می نویسد:

«امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب و محترم بود. باروی شهریاری او کرد و باروی قم او نهاد. به مسجد جامع عتیق قم مناره ها او فرمود. مشهد و قبه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام او کرد و خیرات بی مر که به ذکر همه کتاب بیفزاید»^۱

در همین کتاب اطلاعاتی نفیس و منحصر درباره وضع آستانه قم در قرن ششم آمده است. از آن بر می آید که در نیمه دوم این قرن مشهد حضرت سنی فاطمه «با اوقاف و مدرسه و فقها و ائمه به زینت تمام و قبولی عظیم»^۲ بوده و «نور و زهت و برکت مشهد سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر ظاهر و باهر، و امرا و وزرای آن را معتقد - به آثار خیرات و انوار برکات که دیده اند و شنیده اند -»^۳، و «اهل قم به زیارت فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر که ملوک و امرای عالم - حنفی و شافعی - به زیارت آن تربت تقرب نمایند»^۴ می شتافته اند.

در آغاز قرن هفتم امیر مظفر بن احمد بن اسماعیل نواده مختص الملوک ابونصر احمد بن فضل بن محمود کاشی وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی^۵ مرقد شریف را باخشت های

۱. النقض، ص ۲۲۰.

۲. النقض، ص ۱۶۴.

۳. همان مأخذ، ص ۱۶۵.

۴. النقض، ص ۶۴۳.

۵. شرح حال این وزیر بزرگ در همه کتاب های تاریخ این دوره و مصادر دیگر از جمله: تاریخ آل سلجوق عماد کاتب: ۲۶۷؛ سلجوق نامه نیشابوری: ۵۲ و جز آن؛ تلخیص مجمع الاداب ابن فوطی ۱: ۴۴۹ - ۴۵۰؛ نسانم الاسحار: ۶۴ - ۶۹؛ آثار الوزراء سیف الدین حاجی عقیلی؛ خریدة القصر عماد کاتب؛ دستور الوزراء خواندمیر: ۱۹۴ - ۱۹۹؛ بحیره فرونی استرآبادی: ۳۸۴ - ۳۸۸؛ مجالس المؤمنین و جز اینها (نیز نام او و برخی از اوصافش

کاشی زرفام این عهد تزیین نموده است. از وقف‌هایی که بعضی امرای بزرگ این دوره بر تربت منور نموده‌اند آگاهی‌هایی در دست است که پس از این خواهیم دید. در این قرن‌ها تا آغاز فرمانروایی سلسله صفوی آستانه قم از حرمت و عظمتی بسیار برخوردار بوده است. خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان هنگامی که از ترس جان به هر سو گریزان بود به قم آمده، در این مشهد شریف فرود آمد و در آن مزار متبرک معتکف شد^۱ و امیری که توانسته بود خواجه را از پناه تربت منور بیرون برد مورد توجه و رعایت قرار گرفت^۲ و این نیک می‌رساند که این مزار در آن عهد از چه مایه حرمت و تقلس برخوردار بوده است.

در دوره تیموریان و ترکمانان و پیش از آن تولیت آستانه قم مقامی برجسته و بزرگ بود که - چنان‌که در جای خود خواهد آمد - با «نشان‌ها» و فرمان‌هایی مخصوص و مجلل از پادشاهان وقت تعیین می‌گردید.

با استیلای صفویان بر تاج و تخت در آغاز قرن دهم به همان گونه که دیگر مظاهر تشیع در ایران به یک باره راه کمال گرفت، مشاهد متبرک منسوب به خاندان گرامی

→ در النقص: ۹۶ و ۹۷ و ۲۲۲ و ۴۷۳ و جز آن؛ دیوان ابیوردی: ۷ و ۲۹۵؛ دیوان ارجانی: ۱۲۹؛ دیوان سنائی: ۳۷۰-۳۷۲؛ دیوان امیر معزی: ۶۸-۷۰ و ۱۵۷ و ۵۶۴-۵۶۸ و غیر اینها) دیده می‌شود. او را باطنیان در سه شنبه ۲۹ صفر ۵۳۱ کشته بوده‌اند.

فرزند او فخرالدین ابوطاهر اسماعیل در گذشته ۵۶۴ نیز تا پایان زندگی وزارت سلجوقیان کرده است: سلجوق نامه، ص ۸۰-۸۱؛ نسائم الاسحار: ۸۸-۸۹؛ دستور الوزراء ۲۱۸؛ آثار الوزراء؛ نیز دیوان راوندی: ۱۰۹، ۱۶۲. فرزند او معین‌الدین ابونصر احمد دوم وزیر طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی بوده و در محرم ۵۹۰ از وزارت عزل شد: العراضة فی الحکایة السلجوقیة، ص ۱۷۵؛ راحة الصدور، ۳۷۰؛ نسائم الاسحار، ۹۲-۹۳؛ دیگر مصادر پیش و دیوان راوندی ۱۱۰-۱۱۱.

در نسائم الاسحار است (ص ۶۹) که این معین‌الدین احمد دوم را دو پسر بود: معین‌الدین مسعود و صدرالدین مظفر که از او دختری ماند شرف خاتون نام، و این بزرگان که اکنون در کاشانند از ذریه معین‌الدین وزیر، از اسباط همین شرف خاتون دختر مظفر ابن احمد بن اسماعیل هستند.

شرح حال همگی این بزرگان و دیگر رجال این خاندان را آقای محدث ارموی در تعلیقات دیوان سید ابی‌الرضا راوندی (ص ۲۲۱-۲۴۲) گردآورده است که بهترین مأخذ تحقیق درباره این خاندان شمرده می‌شود.

۱. جامع التواریخ: ۸۰۹.

۲. منتخب التواریخ معینی: ۴۵ / نسائم الاسحار: ۱۰۵ و جز اینها.

پیامبر خدا ﷺ نیز تحولاتی بسیار در جهت آبادانی و رواج و رونق و تجدید و تعمیر یافت. در دهه سوم این قرن شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل صفوی قبه پیشین حرم را برداشت و تجدید نمود و ایوان شمالی را بنیاد نهاد و املاکی بسیار بر آن موقوف داشت که وقفنامه او را پس از این خواهیم دید.^۱ شاه طهماسب دومین پادشاه این سلسله نیز نسبت به این مزار شریف توجه بسیار نمود و جز موقوفاتی که برای آن قرار داد در سفرهای خود به قم در ترویج و عمارت آن - چنانکه دیگر مزارات این شهر - کوشش بسیار کرد. در سفر سال ۹۴۹ «همگی اوقاف فرخنده ساعات به زیارت مشاهد متبرک و اماکن مشرفه که در آن بلده فاخره واقع است مصروف داشتند و در عمارت و رواج و رونق و نظم و نسق هر یک از آن مزارات با برکات توجه فرموده، مبلغ‌های کلی از خزانه عامره به جهت اخراجات آن شفقت کردند و بر بعضی امکانه و مزارات املاک وقف فرموده، بر ما بقی سیور غالات تعیین کردند...»^۲. او همه ساله چند هزار تومان زر نقد از خزانه عامره به آستانه معصومه قم و مشهد مقدس رضوی و حضرت عبدالعظیم و اردبیل می‌فرستاد^۳ همچنانکه هر ساله مبلغ‌های کلی زر به سادات قم و مشهد انعام می‌نمود.^۴

در همین دوره اعتماد الدوله قاضی جهان حسینی وزیر طهماسب^۵ دیواره کاشی گرد مرقد را بنا نهاد. سر در شمالی صحن عتیق نیز به عهد طهماسب بنیان شد. دفن شاهزاده سلطانم خواهر کوچک او به سال ۹۶۹ در جوار آستان مقدس قم^۶ و پس از او دیگر شاهزادگان صفوی مانند شاهزاده زین العابدین میرزا فرزند طهماسب در

۱. شاه اسماعیل در قشلاق سال ۹۲۴ خود در قم اوقات به زیارت مزارات متبرکات می‌گذرانیید (خلاصه التواریخ: برگ ۵۳ عکس ۵۵۶۵ دانشگاه).

۲. خلاصه التواریخ: برگ ۱۱۳ عکس ۵۵۶۶ دانشگاه.

۳. ایضاً: برگ ۲۲۹.

۴. ایضاً: همان برگ.

۵. زاده بامدادان پنج‌شنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ در قزوین و در گذشته شامگاهان جمعه ۱۷ ذی‌القعده الحرام ۹۶۰ (خلاصه التواریخ: همان نسخه). وزیر دیوان اعلی از آغاز سلطنت طهماسب (ایضاً: ۵۷ و ۵۹ و جز اینها).

۶. خلاصه التواریخ: ۱۶۲ - ۱۶۵ همان نسخه.

۱۹۸۰، گوهر سلطان خانم فرزند دیگر او^۲ و دیگران^۳ نموداری از توجه خاص دربار صفوی به این مزار است که بخصوص به خاطر سلطه عثمانی بر مشاهد عراق عرب و ترکنازی‌های اوزبک بر مشهد رضوی پیوسته رو به فزونی بود.

پس از طهماسب، شاه خدا بنده که مادر او حدود نیم قرن یا بیشتر ساکن قم بود^۴ در آغاز جلوس بر تخت سلطنت به قم آمده، به زیارت آستانه مقدسه منوره سمیه سیده النساء فی العالمین سرافراز گشت^۵. توجهات خاص دربار صفوی و اعتبار و حرمت آستان مقدس قم پس از این دوران نیازمند ذکر نیست و شواهد آن را از موارد مختلف تواریخ این عهد چون خلاصه التواریخ و عالم آرا و ذیل آن و خلد برین و نقاوة الآثار و روضة الصفویه و جز اینها می‌توان دریافت.

دفن شاه صفی به سال ۱۰۵۲ در جوار حرم مطهر^۶ بنایی در جهت جنوب بر ابنیه حرم افزود و آن را بیش از پیش منظور نظر دستگاه فرمانروایی آن عصر ساخت که این خود در پیشرفت و توسعه و تکامل آستانه قم تأثیری بسزا داشت. عباس دوم چندین بار به قم آمد^۷ و از گرده راه به زیارت حرم مقدس و مضجع صفی می‌شتافت و در ایام اقامت خود در این شهر که گاه از دو ماه در می‌گذشت^۸ مکرر سعادت زیارت آستانه مقدس می‌یافت و به اطعام و انفاق بر عموم فقرا و مجاوران فرمان می‌داد^۹. در دوره او بنا بر آنچه از وصف شاردن سیاح فرانسوی^{۱۰} مستفاد می‌شود بناهایی چند بر آستانه قم افزوده شده که برخی از آنها

۱. مأخذ پیش: ۲۳۳.

۲. ایضاً: ۲۴۷.

۳. ایضاً: ۲۲۶ - ۳۵۰ و جز اینها.

۴. ببینید: مقاله «سندی از قرن دهم» در مجله وحید: ش ۱۰ سال ۱۱.

۵. خلاصه التواریخ: ۲۵۲ نسخه پیش.

۶. ذیل عالم آرا: ۲۵۷.

۷. عباس‌نامه: ۲۰ / ۱۸۵ - ۱۸۷، ۲۶۴ - ۲۶۵.

۸. همان مأخذ: ۱۸۷.

۹. ایضاً: ۲۶۴ - ۲۶۵.

۱۰. سیاحتنامه شاردن ۳: ۶۳ - ۶۴.

در تعمیرات فتحعلی شاهی از میان رفته است. وصف‌هایی که همین سیاح^۱ و تاورنیه^۲ و پیتر و دلاواله^۳ و جملی کاری^۴ و دیگران از آستانه مقدس در این قرن و اندکی پس از آن نموده‌اند چهره‌ای روشن از وضع و حال آن عهد آستانه به دست می‌دهد.

شاه عباس دوم برای خود مدفنی در جنوب غربی حرم مطهر تهیه دید^۵ که پس از درگذشت به سال ۱۰۷۷ در آنجا به خاک رفت. موقوفات شاه سلیمان و وزرا و بزرگان درگاه او بر آستان مقدس و مضجع شاهان صفوی پس از این بسیار است. شاه سلیمان نیز برای خود مدفنی در همان جهت حرم تدارک دید که در سال ۱۱۰۵ در آنجا مدفون شد^۶. به این ترتیب آستانه قم در دوره صفوی با این تحولات تغییراتی بسیار و دگرگونی آشکار یافت و مرافق و بیوتاتی بر آن افزوده شد.

افغان‌ها بنابر آنچه نوشته‌اند همچنان‌که بر قم صدمه بسیار وارد آوردند از آستانه و قبور شاهان صفوی نیز مال بسیار یافته و به یغما برده‌اند. در این دوره جسد شاه سلطان حسین نیز در جوار حرم مطهر به خاک سپرده شد^۷ و مقبره‌ای دیگر نیز از اجساد سی و یک تن شاهزادگان صفوی که به فرمان محمود افغان کشته شدند بر مقابر صفویان در جوار آستانه مزید گردید^۸ پس از این دوره نیز بسیاری از بازماندگان دودمان صفوی در این مزار مدفون شده‌اند که از جمله آنهاست همسر شاه سلطان حسین و مادر طهماسب دوم که در ۱۱۸۰ درگذشت^۹.

در سال ۱۱۶۲ میر سید محمد مرعشی که آن هنگام در قم بود و پس از آن از این

۱. همان مأخذ ۳: ۶۲-۷۸.

۲. کتاب تاورنیه: ۱۳۷-۱۴۰.

۳. سفرنامه: ۴۳۵-۴۳۶.

۴. سفرنامه: ۵۴-۵۶.

۵. کتاب تاورنیه: ۷۷۰.

۶. وقایع السنین: ۵۴۹.

۷. روضة الصفا ۸: ۵۰۵.

۸. همان مأخذ ۸: ۵۰۴.

۹. وقایع السنین خاتون آبادی: ۵۷۱.

شهر به مشهد رفته، با نام شاه سلیمان دوم تاج گذاری کرد و مقرنس قبه مطهر را تجدید نمود و عمارت حرم را اصلاح و تعمیر کرد.^۱

از این پس تا پایان قرن دوازدهم آستانه قم تحولات و تغییراتی دیگر نیز یافته است. این نکته نیز باید گفته شود که در دوره صفوی و پس از آن جز آنچه گذشت بیواتی دیگر نیز گرد مزار احداث شد و جز شاهان رجال دیگر این دوره هم در تعمیر و توسعه آستانه مقدس سهمی بسزا داشته‌اند.

فتحعلی شاه دومین پادشاه دودمان قاجار در دوران فرمانروایی خویش نسبت به قم و آستانه مقدس آن توجهی خاص داشت و در آبادانی آن دو کوششی بسیار نمود به طوری که باید گفت عظمت و توسعه آستانه مقدس در دو جهت تزیینات و مرافق و بیوات، و آبادانی و تجدید حیات قم پس از ویرانگری و کشتار افغانان^۲ و غارتگری و چپاول ابراهیم خان ابدالی^۳ و حمله و محاصره آقا محمد خان قاجار در نیمه دوم ربیع الأول ۱۱۹۹^۴ تا حدودی بسیار مرهون توجهات و اهتمام خاص این پادشاه بوده است.

او در آغاز سلطنت خود نذر نموده بود که مبلغ یکصد هزار تومان زر در تجدید بنا و افزودن مرافق و آراستن آستانه مقدس قم مصروف دارد^۵ و از این رو در نخستین سال سلطنت خویش «حکم همایون به تذهیب قبه فیض توأمان دره طاهره نبوی و بقعه طیبه بضعه موسوی یعنی معصومه قم صادر فرمود و اشارت رفت که قبل از اتمام تذهیب در زرین بر آن آستانه کروی آشیانه نصب کردند. به خسرو دین پرور چراغ علی خان نوایی در خورشید پیکر را به دار الایمان قم برده در جای خویش نصب گردید^۶. تذهیب قبه منوره هم به نحو مقرر کما هو حقه به عمل آمده، نقود کثیر و وجوه خطیر صرف این کار

۱. مجمع التواریخ مرعشی: ۹۸؛ زیور آل داوود: برگ ۳۵ عکس ۵۸۷۰ دانشگاه.

۲. مجمع التواریخ مرعشی: ۹۹-۱۰۴؛ تبصرة المسافین: ۱۲-۱۳ نسخه ش ۱۴ ب دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

۳. دره نادره: ۷۱۵ چاپ انجمن آثار ملی.

۴. مآثر سلطانیه: ۱۹؛ روضة الصفا ۹: ۱۹۰ با اختلافی؛ سفرنامه قم افضل الملک: ۹۸-۱۰۱؛ کتابچه تفصیل و حالات دار الایمان قم همو (ش ۵۵۱۴ دانشگاه): ۳۷-۳۸؛ تاریخ گیتی گشا، چاپ سعید نفیسی، ۱۳۱۷ ش.

۵. تاریخ نو: ۲۱۸؛ روضة الصفا ۱۰: ۹۱.

۶. مقصود در طلای روضة منور است که پشت ضریح سیمین قرار گرفته و تاریخ ۱۲۱۳ دارد.

فرخنده آثار شد»^۱ و در سال بعد (۱۲۱۴) «لوی فلک فرسا از دارالسلطنه تهران به سمت دارالایمان قم به عزم زیارت مضجع مطهر گوهر درج نبوت و رسالت فاطمه بنت موسی بن جعفر - علیهم صلوات الله الملك الاکبر - جهان آرا گردید. بعد از ورود به آن مکان فیض بنیان شرایط زیارت و خشوع و لوازم استکانت و خضوع بجای آورده، از حضرت ایشان استمداد همت و طلب شفاعت کردند و چند شب متوالی در آن بقعه مبارکه به تلاوت آیات و حفظ مواقیت صلوات عزت دارین و رستگاری نشأتین مسألت، و دامن عجزه و مساکین را از سیم و زر رشک دامن کان و علما و سادات آن مکان را به رواتب مقرر و انعامات متکثره و احسان بی پایان مسرور و شادمان فرمودند و معماران هنر پیشه و مهندسان اقلیدس اندیشه را به تعمیر بقاع و مساجدی که به مرور شهر و اعوام صفت اندراس و انهدام یافته بود اشارت رفت و حکم قضا آیین بر بنای مدرسه جدید معروف به فیضیه و تذهیب قبه میمونه حضرت معصومه و تعمیر مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و تجدید دار الشفا و کاروانسرای وقفی آستانه مقدسه و حمام و بازار به جهت زوار و مجاورین آستان ملایک آشیان شرف نفاذ یافت که نگاشتن شرح آن ابنیه سپهر بنیان بر صفحه بیان امکان نخواهد داشت»^۲.

در بهار سال ۱۲۱۵ به دستور او «به تذهیب قبه پاک بضعه طیبه علت غایی آفرینش آب و خاک حضرت معصومه - صلوات الله علیها - و بنای مدرسه شروع رفت. معماران دانا و بنایان صنعت نما طاق قدیم را برداشتند و قبه استواری از نو بر نه رواق بلند طاق افراشتند و سدی محکم بر رودخانه قم که از سمت غربی آن روان است بسته و ساحت دو صحن کهن را به یکدیگر پیوسته، مدرسه روح فزا از اشکال هندسه با عرصه خلد معادل جنت مشاکل مشتمل بر حجرات و حیاض و جداول پرداخته اند هر حجره ای از آن غرفه ای از بهشت و انوار قدسش پیدا از گل و خشت مبنی بر چهار ایوان. در غربی آن - که از یک طرف مشرف بر فضای مدرسه است و از یک جهت به رودخانه - بالا خانه مخصوصه برای تمکن شهریار یگانه ساخته گشت و بر یک سمت صحن بالا که متصل به روضه عرش اساس است حجره های زرنگار و بر سمت دیگر آب انباری که سمک بر روی آن ایستاده و عقلاهی دورین از خوض در

۱. مآثر سلطانیه: ۴۶. نیز ناسخ التواریخ قاجاریه ۱: ۵۹ چاپ امیر کبیر و روضه الصفا ۹: ۳۴۶.

۲. مآثر سلطانیه: ۶۲ - ۶۳.

آن سر به زانوی فکرت نهاده ترتیب یافت و قبه منوره به آیینی از خشت‌های زر اندود زینت گرفت که آسمان را خشت زرین مهر از طاق دل افتاد و در صبح و مسا چرخ خمیده پشت با عینک مهر و ماه دیده به نظاره آن گشاد و بر حسب حکم اشرف طلبه علوم دین و عارفان معالم یقین که قوانین ملت از ایشان برجاست و لمعه شرایع از مصباح بیانشان برپاست از هر دریچه چون ملک بر دریچه‌های فلک در تسبیح خوانی و بر هر منظره چون مذکران کروی بر مناظر روحانی در حل اسرار معانی با یکدیگر در مناظره و سخنرانی است»^۱.

به اجمال پوشش زرین گنبد مطهر و دو در زرپوش و بنای صحن عتیق و مأذنه زرین آن واصل بنای مسجد بالاسر و مدرسه فیضیه و دار الشفا و تجدید تزین حرم و ایوان شمالی و آغاز تذهیب همین ایوان^۲ و آینه کاری حرم^۳ از آثار فتحعلی شاه قاجار است^۴ که همه از همان وجه نذر انجام یافته است. جهانگیر میرزا قاجار ذیل وقایع سال ۱۲۵۰ در شرح ماجرای آخرین سفر فتحعلی شاه به قم می‌نویسد: «در دار الایمان که مدفن بضعه موسی بن جعفر - صلوات الله و سلامه علیها و علی آبائها - است خاقان مغفور خرج‌ها کرده و مدرسه و دار الشفا در کمال تنقیح ساخته و گنبد مقدس را در کمال خوبی به خشت‌های طلا و درهای طلا و نقره آراسته‌اند و آنچه از اسباب زینت مثل قندیل طلا و نقره و زیارتنامه‌های مکمل به جواهر به قدر امکان در آنجا گذاشته‌اند. و در ایام سابق نذر فرموده بودند که صد هزار تومان در آن مکان مقدس خرج نمایند در این وقت که بدان مکان مقدس رسیدند بعد از زیارت و آستان بوسی محاسبه وجه نذریه را فرموده، هفده هزار تومان باقی مانده بود. قدری را نقد تحویل فرمودند که خشت طلا ساخته شده در رواق مبارک مصروف شود و قدری را هم مقرر فرمودند که از اصفهان روانه فرمایند تا تمام تنخواه نذر پرداخته آید...»^۵.

۱. مآثر سلطانیه: ۶۹ - ۷۰.

۲. که به وسیله ناصرالدین شاه تکمیل شد و در سال ۱۲۷۶ پایان گرفت (تاریخ نو: ۳۴۴ و دیوان سروش).

۳. که وسیله کیکاوس میرزا فرزند وی - حکمران قم و کاشان - در آغاز فرمانروایی محمد شاه پایان گرفت (کتابه دو بغله شرقی و غربی درگاه ورود حرم از ایوان طلا).

۴. ذکر و وصف آثار و مآثر فتحعلی شاه در قم در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و مذهبی و تذکره‌های دو قرن ۱۳ و ۱۴ و همه تواریخ متأخر قم آمده است که نشان دادن یکایک آنها به درازا می‌انجامد.

۵. تاریخ نو: ۲۱۸.

در دارالشفایی که کنار مدرسه فیضیه برای آستانه مقدس ساخته بود جراح و طبیبی را مرسوم سالیانه از سرکار خسرو گیتی مدار معین رفت که مرضای زوار و غربای آن مزار کثیر الانوار را معالجه نموده و مطالبه حق العلاج ننماید^۱. قریه تبرته از روستاهای بلوک ساروق اراک را «از حکام شرع خریده وقف آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها السلام کرد که حال در تصرف خدام آستانه مزبور است»^۲. در رمضان ۱۲۴۴ دیه سر تومن از روستاهای بلوک فراهان را نیز بر آستانه قم وقف داشت که وقفنامه آن در دفتر آستانه مقدس نگاهداری می شود^۳. وقفنامه ای دیگر از او مربوط به هفت نسخه از مصحف شریف که در ۱۹ رمضان ۱۲۱۶ بر همین آستانه مقدس نیاز داشته بود در اسناد پایان همین مجموعه^۴ هست. در اواخر شوال سال ۱۲۴۲ قندیلی که به هزار و دویست مثقال زر احمر و انواع لثالی و گوهر موزون و مشحون بود و مقومان آن را به پنج هزار تومان قیمت کرده بودند به مضجع بضعه معصومه محترمه احمدی به شهر قم ایفاد رفت^۵. متن وقفنامه این قندیل مورخ به همین تاریخ نیز در اسناد پایان این مجموعه هست^۶.

او برای خود مقبره ای نیز در جوار حرم مطهر در ضلع شمالی صحن عتیق بنیاد نهاد. در آغاز کار «وقتی که فخر الدوله به عتبات عالیات رفت، مقرر فرمود که به قدر پنجاه من از خاک پاک تربت عالی رتبت حضرت امام همام حسین بن علی علیه السلام مخصوص محل مرقد خاقانی آورده باشد و در بارگاه معصومه قم مضجعی لطیف ساختن فرموده، آن تربت پاک رازینت مرقد خود قرار داده و سنگی مرمر را به حجاری و نقاری امر کرد و اشارت راند که نقش پیکر بی مثال خاقانی را بر روی آن مرمر بر وجهی اشبه منقوش و منبت کردند و اشعاری چند بر این حالت از طبع جناب صاحب دیوان میرزا

۱. زینة المدایح میرزا صادق وقایع نگار (ش ۲۸ ب دانشکده ادبیات تهران).

۲. کتابچه ثبت موقوفات و خالصه جات کشور در دوره ناصری: برگ ۷۹ ر (نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی در قم).

۳. سند ش ۴۳.

۴. سند ش ۳۸.

۵. روضة الصفا ۹: ۶۶۲؛ جنة النعیم: ۴۵۹، چاپ ۱۲۹۶ تهران.

۶. سند ش ۴۲.

محمدتقی علی‌آبادی صادر و بر آن صفحه محکوک و مثبت افتاد^۱. او در طول روزگار سلطنت خود مکرر به قم آمد^۲ و از بناهای خویش در آستانه و شهر و از همین مقبره خود دیدار کرد. آخرین دیدار در روز دوشنبه ۱۸ جمادی الأول ۱۲۵۰ بود که برای سه روز در قم توقف داشت^۳ و سپس به اصفهان رفت و در شب ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۵۰ در آنجا در گذشت و در روز پنج‌شنبه ۴ رجب جسد او به قم رسید و در همین مقبره به خاک رفت^۴. محمد شاه قاجار هم به اقتضای پدر بقعه‌ای برای خود در ضلع غربی همان صحن فراهم آورد که اکنون مدفن اوست. او در سفر اخیر خود به قم که در اواخر زندگی انجام داد در تزیین و آرایش این بقعه اهتمام تمام مبذول داشت^۵.

در نیمه دوم قرن سیزدهم و سپس قرن حاضر تغییرات بسیار در آستانه پدیدار شده و بیوتاتی نو افزوده شده است که شرح آنها در کتاب‌های مربوط - بخصوص راهنمای قم - آمده و نیازی به بازگو کردن آنها نیست. مهم‌ترین این تغییرات بنای صحن نو به وسیله میرزا ابراهیم و میرزا علی اصغر خان امین السلطان در سال‌های ۱۲۹۹ - ۱۳۰۵ و ملحقات آن از ایوان آینه و مأذنه‌ها و جز آن است. آغاز بنای این صحن را ماجراهاست که در جای خود باید نقل شود و در برخی مصادر نیز به اجمال از آن یاد رفته است^۶.

۱. روضة الصفا ۱: ۹۱ و بنگرید به ناسخ قاجاریه ۱: ۳۰۹ چاپ امیرکبیر و تاریخ نو: ۲۱۸.

۲. از متن برخی نامه‌های او به میرزای قمی بر می‌آید که وی معمولاً سالی یک بار به قم می‌آمده است. موارد آن را در کتاب‌های تاریخ این دوره می‌توان یافت از جمله سفرهایی در اواسط ربیع الثانی ۱۲۱۳، سال ۱۲۱۴ و پنج‌شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۱۶، سال ۱۲۲۲ و ذی‌القعدة الحرام ۱۲۲۴ و ربیع الأول ۱۲۳۱ و اواخر جمادی الأول ۱۲۳۵ و اواسط جمادی الأول ۱۲۴۴ و پنج‌شنبه ۶ ذی‌القعدة الحرام ۱۲۴۶ و دوشنبه ۱۷ جمادی الأول ۱۲۴۷ و دوشنبه ۱۸ جمادی الأول ۱۲۵۰ (مآثر سلطانیه: ۴۴، ۶۲-۶۳ و ۸۰؛ ناسخ التواریخ قاجاریه ۱: ۶۷، ۱۵۲، ۱۸۷، ۲۴۸، ۳۰۹ چاپ امیرکبیر؛ روضة الصفا ۹: ۳۷۳، ۴۴۰، ۶۴۷، ۵۱۹، ۵۷۹، ۷۰۳، ۷۴۱، ۷۴۷ و ۱۰: ۹۰؛ تاریخ نو: ۲۱۸؛ موارد مختلف رطب اللسان، جهان آرا، وقایع نگار و جز اینها).

۳. روضة الصفا ۱۰: ۹۰ و ۹۲.

۴. روضة الصفا ۱۰: ۹۷.

۵. مآثر سلطانی، ابراهیم بن عبد الجلیل تبریزی: برگ ۷۶ ر- ۷۹ ر نسخه قم؛ تاریخ نو جهانگیر میرزا: ۳۳۱-۳۳۲.

۶. نشریه آستانه قم در سال ۱۳۱۷ ش: ۳۷-۴۰.

- از این دوره نوشته‌های مورخ بر بناها و درها و جز آن در حرم و ملحقات آن بسیار دیده می‌شود که این بحث را با فهرست اجمالی برخی از آنها - که مربوط به خود حرم نه مقابر و بقاع و بیوتات وابسته به آن است - به پایان می‌بریم:
- ۱۲۷۴ پایان کتابه ضریح سیمین حاکی از ساخت و نصب آن در این سال
(ماده تاریخ در دیوان سروش: ۱۲۷۶).
- ۱۲۷۶ تاریخ درهای خاتم تقدیمی میرزا نصر الله فراهانی.
- ۱۲۷۸ تاریخ ساعت اهدایی مشکوة الملک.
- ۱۲۸۵ تاریخ بنای مأذنه‌های ایوان طلا به وسیله حسین خان شهاب الملک شاهسون.
- ۱۲۹۳ انجام کتابه در خاتم تقدیمی عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه.
- ۱۲۹۶ انجام کتیبه سردر کریاس راهرو میان دو صحن.
- ۱۳۰۱ انجام کتیبه ایوان شمالی صحن عتیق.
- «تاریخ تذهیب قبه مأذنه‌های ایوان طلا به وسیله کامران میرزا نایب السلطنه.
۱۳۰۲-۱۳۰۵ پایان کتیبه‌های صحن نو و ایوان‌ها و سر درهای آن.
- ۱۳۰۵ تاریخ پوشانیدن ازاره حرم با سنگ مرمر به وسیله اسماعیل خان امین الملک برادر امین السلطان (تحفة الفاطمیین ۱: ۱۴۲).
- ۱۳۱۰ پایان کتابه در سیمین تقدیمی حسینقلی خان نظام السلطنه.
- ۱۳۱۴ کتابه در سیمین دیگر از همو.
- ۱۳۱۸ پایان کتیبه رواق جنوبی حرم حاکی از تعمیر آن با افزودن همین کتیبه
به دستور امین السلطان. ●

آستانه حضرت معصومه علیها السلام

پرویز ورجاوند

چکیده: گزارش مختصری از تاریخ ساخت آستانه حضرت معصومه در قم است. نویسندگان با استناد به منابع تاریخی، گزارشی از ساخت اولین قبه بر تربت ایشان به دست زینب، نواده امام جواد، در سال ۲۵۶ق تا آخرین تغییر و تحولات این آرامگاه در طول تاریخ ارائه کرده است.

از دیدگاه نویسندگان، آستانه حضرت معصومه علیها السلام مدفن حضرت فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام واقع در قم، مجموعه‌ای با شکوهی است که بعد از آستان قدس رضوی، مهم‌ترین زیارتگاه شیعیان ایران در داخل کشور به شمار می‌رود. در ادامه مقاله، توصیف معماری حرم و گنبد طلا، مرقد مطهر، ضریح کاشی، درهای طلا و نقره، ایوان طلا، ایوان آئینه، مسجد بالاسر، رواق غربی و شرقی و ایوان‌ها و صحن‌های حرم مطهر به طور مختصر، اما مستند و جامع آمده است. نقل قول‌هایی از سیاحان اروپایی، مانند شاردن و تاورنیه که در سفر خود از شهر قم و آستانه حضرت بازدید کرده‌اند، از نکات قابل توجه این مقاله است. شاردن در توصیف حرم چنین می‌نویسد: «عمارت آستانه حضرت معصومه در مقابل قرار دارد، و عبارت از سه بارگاه با عظمتی می‌باشد که در کنار یکدیگر واقع شده‌اند. مدخل بارگاه وسطی که به عمق ۱۸ پا می‌باشد، فوق العاده معظم و باشکوه است. سردر آن از سنگ مرمر شفاف عقیق مانند بنا شده است. سطح خارجی بالای سردر که نیمه گنبد عظیمی می‌باشد، با کاشی‌های بسیار زیبایی پوشیده شده، و سطح

داخلی آن کاملاً زرین و لاجوردی است. خود در که به ارتفاع ۱۲ پا و به پهنای ۶ پا می‌باشد، از مرمر بلورین حاکی ماورایی (که نور از آن می‌گذرد) تعبیه گشته است.»
کلید واژه: آستانه، حرم، حضرت معصومه.

✱

آستانه حضرت معصومه علیها السلام مدفن حضرت فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام واقع در قم، مجموعه با شکوهی که بعد از آستان قدس رضوی، مهم‌ترین زیارتگاه شیعیان ایران در داخل کشور به شمار می‌رود. سال درگذشت حضرت فاطمه علیها السلام را ۲۰۱ ق در قم ثبت کرده‌اند. جنازه را در باغ «بابلان» واقع در کنار رودخانه در خارج شهر که به موسی بن خزرج، مهمان‌دار حضرت تعلق داشت دفن کردند. این محل از آن پس به «مقبره بابلان» شهرت می‌یابد و تعدادی از امامزادگان و بسیاری از مشایخ در طی چند قرن در آنجا به خاک سپرده می‌شوند و بقعه‌هایی نیز بر مزارشان برپا می‌گردد.

گفته شده که تعدادی از امامزادگان در جوار حضرت فاطمه علیها السلام به خاک سپرده شده‌اند که بر روی نام پنج تن آنها: ام محمد و میمونه دختران موسی مبرقع، ام اسحاق جاریه محمد بن موسی مبرقع، ام حبیب جاریه ابوعلی محمد بن احمد بن موسی مبرقع و ام قاسم دختر علی کویلی، تأکید شده است.

بنای نخستین بقعه را به حضرت زینب دختر امام جواد علیه السلام نسبت می‌دهند. درباره شکل نخستین بقعه حضرت فاطمه علیها السلام اطلاع روشنی در دست نیست، ولی احتمال آنکه طرحی برج گونه داشته دور به نظر نمی‌رسد.

تاریخ قم به قبه حضرت فاطمه علیها السلام و قبه مجاور آن اشاره دارد که مزار ام محمد و ام اسحاق نیز در زیر قبه حضرت فاطمه علیها السلام قرار داشته است. کهن‌ترین اشاره روشن درباره بنای بقعه مربوط است به کتاب معتبر النقص (سال تألیف ۵۵۶ ق).

در این کتاب در بحث مربوط به وزیران قمی در ذکر میر ابوالفضل عراقی وزیر طغرل سلجوقی و آثار او می‌نویسد: «باروی شهر ری او فرمود و باروی قم او نهاد و مسجد جامع عتیق و مناره‌های آن در قم او کرد و مشهد و قبه منوره فاطمه بنت

موسی بن جعفر علیه السلام او نمود.» تاریخ بنا را می‌توان میان سال‌های ۴۴۷ و ۴۵۷ ق دانست. در این تجدید بنا دو قبه کوچک را خراب کرده بقعه وسیع‌تری به جای آنها بر پا کردند. اساس حرم کنونی در سال ۵۲۹ ق به شاه بیگم دختر عماد بیک نامی که شخصیت تاریخی او روشن نیست نسبت داده شده است. طرح هشت ضلعی حرم با توجه به آثار برج‌های زیبای آرامگاهی قرن ششم و هفتم موجود در قم که بیشتر آنها به گونه هشت ضلعی و گنبد‌های هرمی بنا شده‌اند و بالاخره کاشی‌های نفیس و کم نظیر روی مرقد و دیواره‌های آن از ۶۰۵ تا ۶۱۳ ق، روشنگر آن است که هسته مرکزی حرم باید از آثار قرن ششم باشد. به احتمال زیاد با انجام لایه‌برداری در زیر آئینه کاری حرم، احتمال کشف کتیبه اصلی وجود دارد.

نکته قابل توجه اینکه به تغییرات اساسی شاه بیگم در حرم، در کتاب معتبر النقض اشاره‌ای نرفته است و این شک وجود دارد که شاید اساس حرم موجود همان گنبد عراقی قرن پنجم باشد.

نکته مهم آنکه بعد از حمله ویرانگر مغول و انهدام شهر قم، بازماندگان فاجعه متوجه حرم مطهر حضرت فاطمه علیها السلام که در خارج شهر قرار داشت می‌شوند و اساس شهر کنونی قم در پیرامون حرم طرح ریزی می‌شود و شبکه‌های ارتباطی و واحدهای مسکونی و بازار و بناهای عمومی به تدریج ایجاد و شهر جدید بنا می‌گردد. بنای حرم در آغاز دوران صفویه و به همت شاه اسماعیل صفوی و به اعتباری دیگر دختر او شاه بیگم دستخوش تغییرات اساسی می‌شود. در کتیبه معرق ایوان طلا، بنای «ایوان» و «روضه مقدسه» به سال ۹۲۵ ق و زمان شاه اسماعیل ذکر شده و با توجه به پیوندی که میان بنای حرم و ایوان وجود دارد، می‌رساند که گنبد فراز حرم و ایوان با حفظ اساس پیشین برپا شده و گنبد هرمی کهن به گنبد پیازی شکل کنونی تبدیل یافته است.

در ۹۳۹ ق ایوان کنونی مدرسه فیضیه که در کتیبه از آن «عتبة العلیة السنیة الفاطمیة» یاد شده است، در زمان شاه طهماسب در مدخل شمالی صحن عتیق بر پا می‌شود. در ۹۵۰ ق به دستور شاه طهماسب مهمانسرا یا «مضيف» آستانه ساخته

می‌شود. در ۹۶۵ ق برای حفاظت از کاشی‌های نفیس مرقد، ضریح کاشی کنونی و در برابر آن ضریح فولادی توسط شاه طهماسب نصب می‌گردد.

مجموعه بناهای آستانه بعد از شاه طهماسب همچنان در جهت توسعه و شکوه هر چه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که خوشبختانه آگاهی‌های جالبی در دو سه سفرنامه معتبر درباره آن وجود دارد. در دست بودن سه طرح از دورنمای شهر قم مربوط به قرن هفدهم میلادی (قرن یازدهم هجری)، مدارک تصویری قابل توجهی را درباره آستانه حضرت معصومه علیها السلام در اختیار قرار می‌دهد. کهن‌ترین آن مربوط به اولئاریوس و سال ۱۶۳۷ م / ۱۰۴۷ ق است. ۳۰ سال بعد گولو در تصویر خود از قم، بنای آستانه را گنبدی بزرگ در وسط تصویر عرضه می‌کند. ۳۵ سال بعد برون تصویر جالب‌تری از آستانه را عرضه می‌دارد که عبارت است از بنایی سترگ با گنبد پیازی شکل بر روی یک گردنی کشیده و قبه‌ای بلند مرکب از چند گوی بر فراز آن. ولی جالب‌ترین و استثنایی‌ترین و مستندترین سند، تصویری است از هنرمند نقاش فرانسوی ژوزف گولو، دستیار شاردن سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۶۷ م از مجموعه آستانه حضرت معصومه علیها السلام تهیه کرده است.

در این تصویر مجموعه آستانه به صورت چهار صحن بزرگ مستطیل پی در پی در حالی که در یک سوی آن رودخانه و در سوی دیگر قبرستان قرار دارد، به تصویر کشیده شده است. صحن اول با سردر آجری قوس دار بزرگ میانی و دو طاق‌نما در دو سوی آن، تنها ورودی مجموعه را تشکیل می‌دهد. گرداگرد صحن را حجره‌هایی با پوشش گنبدی عرقچینی فرا گرفته و سطح صحن به صورت باغی منظم و زیبا نموده شده است که شاردن از آن با صفت «فرحبخش» یاد می‌کند.

شاردن ترجمه کتیبه سردر را که در ده بیت با آب طلا بوده و بنا را از آثار عهد شاه عباس دوم معرفی می‌کند، نقل کرده است و ماده تاریخ آن را «مشتاق درک» یا ۱۰۶۵ ق ذکر کرده است. از راه یک سردر واقع در وسط ضلع مقابل، به صحن دوم وارد می‌شویم که چهارسوی آن دارای نماسازی ساده با طاق‌نماهای آجری است. از سردر واقع در انتهای صحن دوم به صحن سوم راه می‌یابیم. حوض مستطیل بزرگی

در وسط و چهار درخت در چهارگوشه آن و پلکانی پهن از سنگ مرمر در برابر سردر بزرگ و مجموعه بناهای انتهای صحن قرار دارد.

شاردن درباره سردر می نویسد: «سردر مرتفع این حیاط بسیار عالی و با شکوه می باشد. قسمت سفالی آن با مرمرهای سپید شفاف که همچون عقیق و سنگ سماق می درخشد مستور شده است. قسمت علیای سردر که نیمه گنبد عظیمی می باشد، با قطعات لاجوردی و زرین ضخیمی مزین گشته است.»

صحن چهارم، صحنی است که بقعه اصلی را در بر دارد. در سه سوی صحن حجره های ایوان دار طلاب و متولیان و فضلالی حوزه مقدسه قرار داشته است. بنای حرم مرکب است از یک ایوان بزرگ در جلو و گنبد پیازی شکل با قبه های طلا در پشت آن. در دو سوی ایوان با شکوه بقعه آرامگاه های شاه عباس دوم و شاه صفی با نماسازی ساده تر و ورودی های مستقل قرار داشته است.

شاردن در توصیف حرم چنین می نویسد: «عمارت آستانه حضرت معصومه در مقابل قرار دارد و عبارت از سه بارگاه با عظمتی می باشد که در کنار یکدیگر واقع شده اند. مدخل بارگاه وسطی که به عمق ۱۸ پا می باشد، فوق العاده معظم و باشکوه است. سردر آن از سنگ مرمر شفاف عقیق مانند بنا شده است. سطح خارجی بالای سردر که نیمه گنبد عظیمی می باشد، با کاشی های بسیار زیبایی پوشیده شده و سطح داخلی آن کاملاً زرین و لاجوردی است. خود در که به ارتفاع ۱۲ پا و به پهنای ۶ پا می باشد، از مرمر بلورین حاکی ماورایی (که نور از آن می گذرد) تعبیه گشته است. سطوح تخته های در با صفحات سیمین مستور است و با تزیینات طلایی و قلم کاری و صیقلی خاتم کاری فوق العاده نفیس به وجود آمده است. بارگاه هشت ضلعی می باشد و گنبد مرتفعی آسمانه آن را پوشانیده است. قسمت سفالی بارگاه به اندازه ۶ پا با صفحات عظیم سنگ های سماق، منقش به ازهار زرین و رنگین که از فرط تالو چشم تماشاگران را خیره می سازد، پوشیده شده است. قسمت علیای آن با صفحات زرین و لاجوردی فوق العاده درخشانی که عبارات و کلمات ادعیه و احادیث بر روی آنها مسطور می باشد، مستور گشته است. متن سطح داخلی گنبد نیز

بعینه همین طور می‌باشد. این گنبد بسیار عظیم و بی‌نهایت عالی است و سطح خارجی آن مثل سردر خاتم‌کاری شده است. در بالای گنبد رأس مناره‌ای افراشته شده است (منظور قبه‌ها و گوی‌های فراز گنبد است) که بر سر آن هلالی تعبیه گشته. این دستگاه که عظمت آن بخصوص قابل توجه می‌باشد، از گلوله‌هایی به اندازه‌های مختلف که بر روی هم قرار گرفته است، درست شده و به ارتفاع ۲۰ پا به نظر می‌آید. تمام آن از طلای ناب است.»

تاورنیه سیاح ایتالیایی نیز با اختصار بیشتر این مجموعه را به همین وضع معرفی کرده است.

با توجه به آنچه که گذشت ملاحظه می‌گردد که فضابندی‌های موجود مجموعه آستانه با آنچه که در عهد صفویه ایجاد شده بود متفاوت است، چنان‌که صحن‌های چهارگانه عهد صفوی و تعدادی از بناهای آن مجموعه دگرگون و یا از میان رفته بوده است. صحن اول به مجموعه «دارالشفاء» تبدیل گشته و صحن دوم و سوم در هم ادغام و مدرسه فیضیه را تشکیل داده‌اند و صحن چهارم به صورت صحن عتیق بدون تغییر عمده با حفظ اختلاف سطح نسبت به صحن سوم همچنان بر جای مانده است. با ایجاد مدرسه فیضیه و سازماندهی آن به عنوان یک مرکز مهم آموزش علوم دینی به تدریج ارتباط زوار با حرم از راه مدرسه فیضیه مشکل می‌گردد و در نتیجه در آغاز قرن چهاردهم با ایجاد صحن وسیع اتابکی (صحن جدید) و ایجاد سه ورودی در سه جانب آن، راه ورود اصلی زوار تغییر داده می‌شود و صحن جدید نقش اساسی را در جلب و جذب زائران بر عهده می‌گیرد و در نتیجه به گونه‌ای منطقی ایوان آئینه به عنوان چشم‌گیرترین نمای حرم، جانشین ایوان طلا در صحن عتیق می‌گردد.

اینک با آنچه که گفته شد به اختصار به معرفی آثار مجموعه موجود در آستانه می‌پردازیم:

حرم و گنبد طلا: حرم به عنوان هسته مرکزی و کهن‌ترین بخش آستانه بر اساس طرح هشت‌گانه و دهانه‌ای به طول ۸/۵۰ متر بنا شده است. در اصل در وسط هر

یک از صفت‌های هشت‌گانه دری به پیرامون حرم وجود داشت که در حال حاضر تنها از درهای طلا و نقره میان حرم و ایوان شمالی و حرم و رواق شرقی بر جای مانده است. ازاره حرم از مرمر خوش نقش شفاف پوشیده شده و بر فراز آن حاشیه‌ای کمربندی از کاشی معرق و سپس کتیبه‌ای به خط ثلث از کاشی معرق به رنگ طلایی و سفید (سفیدها تعمیریه هستند) بر روی زمینه لاجوردی شامل چندین حدیث نقش بسته است. از آن به بعد به بلندی ۳ متر سطح دیوارها با قاب و آینه‌های نقش دار رنگین زینت شده که بانی آن کیکاوس میرزا می‌باشد. او در ۱۲۵۱ ق کاشی‌های صفوی را به آینه‌کاری تبدیل کرد. فراز آینه‌کاری‌ها کتیبه گچ‌بری به عرض ۶۰ سانتی‌متر تمامی بدنه حرم را پوشانیده که بخش عمده آن بازمانده عصر صفوی است. متن کتیبه عبارت است از: سوره مبارکه دهر، از آیه ۲۰ سوره مبارکه حشر تا پایان آن، آیه شریفه از سوره فتح. در بالای کتیبه در گوشه‌ها با ایجاد ترنیه‌ها طرح هشت ترک بدنه به شانزده ترک تبدیل یافته است. سپس دوره پطاق سقف بر روی آنها استوار شده است. مقرنس زیر سقف در ۶ ردیف و هر ردیف در ۱۶ قفسه انجام گرفته و با مهارتی خاص به مقرنس‌های پوشش صفت‌ها و ترنیه‌ها متصل گردیده است. مقرنس‌بندی طاق را باید از آثار دوران صفویه دانست که همزمان با آینه‌کاری بدنه‌ها، آنها را آینه‌پوش کرده‌اند. در مرکز سقف، فلکه گچ‌بری با طرح یک شمسه شانزده ضلعی از آینه‌های نقش دار رنگین نظر را به خود جلب می‌نماید.

گنبد خارجی بنا با طرح پیازی شکل به ارتفاع ۱۶ و محیط ۳۵/۶۰ متر بر روی گردنی بلند به ارتفاع ۶ متر بنا شده است. سطح گنبد که در زمان صفویه با کاشی‌های معرق پوشیده شده بود، در ۱۲۱۸ ق در عهد فتحعلی شاه با خشت‌های زراندود پوشانده شد. گردنی گنبد از سطح بام تا ۹۰ سانتی‌متر از آجر تراش و بعد به ارتفاع یک متر از کاشی فیروزه‌ای است. در بالای گردنی و در زیر پاکار گنبد کتیبه‌ای به عرض ۶۰ سانتی‌متر مرکب از ۱۲ ترنج کشیده و ۱۲ ترنج چهارپر شامل شش بیت از فتحعلی خان صبا ملک الشعرا با مطلع:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا که زرین بارگاه بضعه موساستی

بر جلوۀ گنبد افزوده است. بر تارک گنبد میله‌ای به ارتفاع ۶ متر مرکب از چند قبه زرین استوار شده است.

مرقد مطهر: این مرقد به اعتبار کاشی‌های نفیس و استثنایی آن از ارزشمندترین آثار هنر دوران اسلامی ایران به شمار می‌رود. طول مرقد ۲/۹۰، عرض آن ۱/۲۰ و ارتفاع آن ۱/۲۰ متر است. سطح مرقد با ۱۵ پارچه خشت‌های مستطیل ۵۹ × ۴۰ سانتی‌متر کتیبه‌دار پوشش شده است. طرح کلی مجموعه محراب‌گونه‌ای است با یک حاشیۀ کتیبه‌دار دور تا دور و طرح‌های گیاهی پرکار در وسط. خط کتیبه‌ها کوفی، ثلث و نسخ و به رنگ‌های طلایی، قهوه‌ای و شنجرفی در زمینه‌های رنگارنگ است. کتیبه‌ها عبارتند از آیه‌الکرسی و آیاتی دیگر از قرآن مجید. کاشی‌های بدنه‌ها به صورت خشتی لب‌برگردان، دوال ساده، هشت ضلعی، کوکبی‌های شانزده ضلعی، هشت ضلعی‌های پایبونی و مربع با طرح‌های زیبای گیاهی و کتیبه‌هایی به رنگ طلایی در زمینه لاجوردی، مشککی، در زمینه شنجرفی بر آنها نقش بسته است. کتیبه‌ها شامل سوره‌هایی از قرآن مجید، احادیث نبوی، نام سازندۀ کاشی و تاریخ رحلت حضرت معصومه علیها السلام است. واقف کاشی‌های مرقد، امیر مظفر احمد بن اسماعیل سردودمان ملوک آل مظفر، از امیران دولت سلجوقیان است. نام هنرمند خطاط و سازندۀ این کاشی‌های نفیس محمد بن ابی‌طاهر بن ابی‌الحسین ثبت شده که آثار نفیس او در آستان قلس رضوی، در بهشت در قم معروف است. سال ساخت کاشی‌ها میان ۶۰۵ و ۶۱۳ ق ثبت شده است. این کاشی‌ها گذشته از ارزش هنری از نظر جنبه‌های فنی و نحوه‌ی لعاب‌دادن بویژه در زمینه ترکیب طلا و لاجورد و حفظ شفافیت رنگ آنها با درجه حرارت‌های مختلف کوره نیز از اعتباری بالا برخوردار است.

ضریح کاشی: از آثار شاه طهماسب در سال ۹۵۰ ق است. طول آن ۴/۸۰، عرض ۴/۴۰ و ارتفاع ۲ متر، پوشش آن از کاشی‌های معرق با زمینه فیروزه‌ای و ترکیبی از طرح‌های گیاهی دوران صفویه می‌باشد. در بالا، دور تا دور، کتیبه‌ای به خط نسخ و به رنگ سفید بر روی زمینه لاجوردی شامل صلوات کبیره نقش بسته است. در بالای جانب شمالی این ضریح مربوط به سال ۱۲۱۳ ق و زمان فتحعلی شاه قاجار

است. ضریح نقره کنونی ضریحی است که در سال ۹۵۱ ق به دستور شاه طهماسب از فولاد ساخته شده بود و در ۱۲۳۰ ق به دستور فتحعلی شاه آن را نقره پوش ساخته و تاکنون چند بار دستخوش تغییرات اساسی شده است.

درهای طلا و نقره حرم: در طلای حرم که متصل به رواق ایوان طلا نصب شده، دارای ۳/۲۰ متر بلندی و ۲/۸۰ متر پهنا می باشد. صفحه زیرین آن نقره و روی آن با ورقه های طلا، طرح های مختلف اژدر درهم و کوبی آراسته شده است. اشعاری از دانش نیز بر آن نقش بسته است. سال ساخت آن ۱۲۲۱ ق است. در نقره در ضلع شرقی حرم به ارتفاع ۲/۷۵ متر و عرض ۱/۷۰ متر کار گذارده شده است. کنده کاری های زیبا و اشعاری از شوریده شیرازی در آن نقش بسته است. بانی آن حسینقلی خان مافی، نظام السلطنه و سال وقف ۱۳۱۰ ق است.

واحدهای پیوسته به حرم: با توجه به اعتبار و اهمیت هسته مرکزی حرم، در طول زمان، واحدهای مختلفی برای پذیرفتن زیارت کنندگان و یا آرامگاه هایی برای شخصیت ها بنا گردیده و در گذشت زمان نیز تغییراتی در آنها به وجود آمده است. واحدهای عمده موجود عبارتند از: ایوان طلا، ایوان آینه، مسجد بالاسر، رواق شرقی، رواق جنوبی، دارالحفاظ، مقبره شاه صفی، مقبره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی، مقبره شاه عباس دوم، مقبره میرزا علی اصغر خان اتابک، مقبره قائم مقام و موزه.

ایوان طلا: واقع در صحن عتیق، از بناهای زمان شاه اسماعیل صفوی شامل ایوان بزرگ میانی و دو ایوان کوچک تر قرینه جانبی. دهانه ایوان بزرگ ۹ و ارتفاع آن ۴/۸۰ متر است. ازاره آن از کاشی های ساده و هشت گوش فیروزه فام عهد صفوی و بالای آن کتیبه ای با کاشی معرق از عهد فتحعلی شاه و سال ۱۲۲۵ ق به خط سفید بر روی زمینه لاجوردی شامل احادیثی چند است. بالای کتیبه سطح دیوارها با کاشی های معرق زمینه لاجوردی خوش نقش صفوی پوشش شده و بر روی آن کتیبه معرق صفوی به خط طلائی و به عرض ۶۰ سانتی متر به تاریخ ۹۲۵ ق قرار گرفته است. از کتیبه به بالا را در زمان ناصرالدین شاه با خشت های زراندود پوشش کرده اند. سقف

نیم طاق گنبد نیز با مقرنس طلا پوشش شده است. گلدسته‌های دو جانب ایوان به بلندی ۱۷/۴۰ متر از سطح بام و قطر ۱/۵ متر با پوشش کاشی به شیوه‌گره‌سازی پیچ زینت شده است. در بالا در گلوگاه کتیبه‌ای از کاشی سفید قرار دارد که آیه مبارکه: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً» در روی آن خوانده می‌شود. روی کتیبه مقرنسی خوش قطار در سه ردیف اجرا شده و سپس گلدسته‌ای زیبا با پوشش چتری طلایی بر روی ۱۲ ستونچه چوبی از چوب ساج بر فراز آن استوارگشته است. اساس مناره‌ها مربوط به عهد صفوی و زمان بنای ایوان است. در ۱۱۹۸ ق این دو گلدسته به دستور لطفعلی خان زند که حکمران اصفهان و قم و کاشان بود بازسازی می‌شود، ولی باز دچار شکست می‌گردد و در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه بعد از تذهیب ایوان، محمد حسین خان شاهسوند (شهاب الملک) گلدسته‌های کنونی را برپا می‌کند و در سال ۱۳۰۱ ق کامران میرزا پوشش کاشی آنها را زراندود می‌سازد.

ایوان آینه: واقع در نمای شرقی حرم، یکی از چهار ایوان صحن جدید و پر جاذبه‌ترین منظره در مجموعه آستانه. این ایوان ترکیبی است از یک پیش ایوان ستون‌دار با سقف صاف در جلو که از آن به عنوان تالار یاد می‌شود و ایوان اصلی با پوشش قوس‌دار در پس آن. ستون‌ها از سنگ یکپارچه به بلندی ۱۰ متر با قلمه‌های پیچ و پایه ستون و سرستون‌های حجاری شده از نمونه‌های استثنایی به شمار می‌روند. طول این پیش ایوان ۱۲ و ارتفاع آن ۱۴/۸۰ متر است. در دو سوی آن دو کفشکن و بالای آنها هر یک تالارچه‌ای زیبا بنا شده است. پوشش زیر سقف پیش ایوان و تالارچه‌ها به گونه قاب‌بندی و آلت‌سازی مثبت تخته‌پوش و با آینه و نقش‌های رنگی زینت شده است. چهار نقش برجسته حجاری شده در روی ازاره کفشکن‌ها که تصویری از کفش‌داران قدیم را نشان می‌دهد، از کارهای زیبای حجاری دوران قاجار است. ایوان اصلی به دهانه ۹ و بلندی ۱۴/۸۰ متر بنا شده است. ازاره آن با تخته مرمرهای بزرگ و خوش نقش محلات به طول ۳/۲۵ و ۳ متر پوشش شده است. دو تخته جلو از نظر حجاری و ریزه‌کاری و تنوع طرح‌های گیاهی و پرند از

شاهکارهای دوران قاجار به شمار می‌روند. بالای ازاره به کمک قاب آئینه‌های قدی و کوچک با طرح‌های زیبا و نقاشی‌های رنگین پوشش شده و سپس کتیبه‌ای به عرض ۳۰ سانتی‌متر و به طول ۲۳/۴۰ متر به خط نسخ از سنگ مرمر قرار دارد که با «الله نور السموات و الارض...» آغاز شده و مربوط به بنای ایوان در عهد ناصرالدین شاه، توسط امین السلطان است. بدنه بالای کتیبه و جدار شاه‌نشین‌ها و مقرنس‌های سقف، صفت‌ها و ایوان بزرگ همه آئینه‌کاری شده است. آویزهای پا بلند مقرنس سقف از جلوه‌ای چشم‌گیر برخوردارند. دارالحفاظ واقع در مدخل رواق آئینه نیز از نظر مقرنس سقف اثری ممتاز به شمار می‌رود. بر فراز جرزهای ایوان دو مناره به ارتفاع ۲۸ متر از سطح بام و قطر ۲/۳۰ متر با پایه هشت ترک و بعد دوازده ترک شکم دار و سپس استوانه‌ای شکل بنا شده است. بر فراز آن گلدسته خوش تناسبی استوار گشته است. سراسر بدنه مناره‌ها با کاشی‌هایی در طرح‌های مختلف از جمله نقش شیر و خورشید تزیین شده است. راه پله دو زوجی داخل مناره‌ها از نظر معماری کاری ارزنده به شمار می‌رود. استاد معمار ایوان و گلدسته‌ها استاد حسن معمار قمی و سال بنای آن ۱۳۰۳ ق است.

مسجد بالاسر: این بنا در سال ۱۲۳۶ ق توسط شاهزاده حسام السلطنه به جای عمارت «مضیف» دوران شاه طهماسب (۹۴۵ ق) شامل سه گنبد پی در پی با ازاره کاشی و تزیینات گچ‌بری و محرابی زیبا بنا گردید. در ۱۳۳۸ ق آیت الله فیض خرابه غرب بنا را به عرض ۸ و طول ۴۸ متر بدان افزود که فضایی شد به عرض ۱۴ و طول ۴۸ متر با شش چشمه روی پوش. این بنا را در قرن چهاردهم شمسی مرحوم سید ابوالفضل تولیت (متولی آستانه مقدسه) خراب کرد و به جای آن رواق وسیع کنونی را با سطح صاف تیرآهنی بنا نهاد. ازاره رواق کنونی از مرمر سنندج و دارای طاق‌نماهای تزیینی از کاشی معرق است.

رواق شرقی: اساس آن همزمان با بنای ایوان آئینه در ۱۳۰۰ ق در محل «مسجد پایین پا» گذارده شد. بعدها با انجام تغییراتی در پیرامون حرم و افزودن حجره کشیک‌خانه و دو محوطه خزانه شمالی و جنوبی حرم بدان، وسعت یافت. میان رواق و حرم سه درگاه ایجاد شده که در نقره حرم به گونه تزیین در درگاه میانی قرار

دارد. مقابل این در، در سمت شرقی نیز در نقره دیگری قرار دارد که به ایوان آئینه راه می‌دهد. طول رواق ۲۳ و عرض آن ۳/۵۰ متر است با ازاره سنگ مرمر و پوشش آئینه کاری گنبد رواق واقع میان دو در نقره با توجه به ستون‌های هشت‌گانه آئینه کاری و سرستون‌های گچ‌بری زیر گنبد و پوشش مقرنس آئینه کاری ۱۶ آویز آن، از نظر تزئینی از جلوه خاصی برخوردار است.

رواق جنوبی: به طول ۸ و عرض ۳/۵۰ متر با ازاره مرمر و پوشش آئینه کاری. بخشی از این رواق عبارت بود از بنایی که در ۱۰۵۳ ق شاه سلیمان به عنوان آبدارخانه برای آرامگاه شاه صفی ساخت و بعدها به کشیک خانه خدام تبدیل شد. در ۱۳۸۰ ق قائم مقام رشتی رواق کنونی را ایجاد کرد.

دار الحفظ: ایوانچه‌ای واقع در بالای ورودی حرم در ایوان طلا، با تزئیناتی از کاشی معرق زمینه لاجوردی. در کمرگاه آن کتیبه‌ای است از کاشی معرق شامل حدیثی در فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام: «قال مصنف عیون اخبار الرضا فیما جاء عن الرضا فی زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر علیه السلام حدثنا ابی عن محمد بن موسی بن متوکل قال حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابی الحسن الثالث عن الرضا سئل من زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر فقال من زارها فله الجنة صدق ابن رسول الله، صلی الله علی محمد خاتم النبیین و آله الطیبین و عترته الطاهرین.»

صحن عتیق: از آثار دوران صفویه، طرح کنونی عبارت است از هشت ضلعی مختلف الاضلاع، طول جهات اصلی شمالی - جنوبی ۳۴/۳۰ و شرقی - غربی ۳۳/۳۰ متر و چهار ضلع کوچک به پخ ۳/۴۰ متر می‌باشد. گذشته از ایوان طلای جنوبی و ایوان شمالی (واقع در پشت مدرسه فیضیه) بقیه بناها و آرامگاه‌های پیرامون صحن از سال ۱۲۴۵ ق به بعد بنا شده‌اند که عمده آنها عبارتند از: گنبد فتحعلی شاه، گنبد محمد شاه، مقبره مهدعلیا، گنبد معتمد، گنبد نظام الدوله، مقبره قهرمان میرزا، مقبره صدراعظم، کتابخانه آستانه، دفتر تولیت آستانه.

ایوان شمالی صحن عتیق: شامل ایوان بزرگ میانی و دو ایوان جانبی. ایوان میانی با ۸/۷۵ متر دهانه و بلندی ۱۲/۵ متر از آثار دوران صفوی (۹۲۵ ق) است که در سال

۱۳۰۱ ق مرمت و تزیین شده است. ازاره و جرزه‌های دو طرف از کاشی هفت رنگ و لچکی‌ها از کاشی معرق با کتیبه‌ای به خط نستعلیق بر روی کاشی خشتی لاجوردی است. زیر پوشش ایوان تزیینات مقرنس آویزدار گچی اجرا شده است. روی بام، وسط ایوان، نقاره‌خانه‌ای قرار دارد که سقف آن بر روی هشت ستون چوبی زیبا استوار شده است. سقف آن هر می شکل و با خشت‌های زراندود پوشش شده که از تزیینات دوران فتحعلی شاه است. بر روی جرزه شرقی ایوان ساعت بزرگ «کوبنده» و منجنیقی که زنگ و چکش سنگین بدان متصل است، نصب شده‌اند. این ساعت در سال ۱۲۷۸ ق توسط مشکوة الملک اهدا شده است. در این ایوان کتیبه و قفنامه قنات ناصری که برای مصرف مردم قم توسط ناصرالدین شاه در ۱۲۷۸ ق وقف گردیده و ده محله شهر را سیراب می‌ساخته نیز نصب می‌باشد. در برابر کلیه حجره‌های دو سوی شرقی و غربی صحن ایوان‌های زیبایی با تزیینات کاشی و مقرنس گچی وجود دارد که به مجموعه صحن جلوه خاصی می‌بخشد.

صحن اتابکی: بنای این صحن بزرگ از سال ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۳ ق به طول انجامید. این صحن از ترکیب دو مستطیل بزرگ (۴۹/۸۰ × ۸۶/۶۰ متر) و کوچک (۱۰ × ۳۰ متر) با گوشه‌های پخ به وجود آمده است. در میان چهار جهت صحن، چهار ایوان ایجاد شده که زیباترین آنها، ایوان آینه، در جانب شرقی حرم مطهر است.

ایوان شمالی: به دهانه ۷ و بلندی ۱۲ متر. ازاره آن از سنگ‌های حجاری با گل‌های برجسته و اسپرهای کاشی است. کتیبه کمربندی آن از کاشی معرق با دو خط نسخ و کوفی به تاریخ ۱۳۰۳ ق حدیثی است درباره قم که در آن مردم ری نیز اهل قم خوانده شده و از مزایای قمیین برخوردار بوده‌اند. پوشش ایوان به شیوه رسمی سازی با کاشی‌هایی به شیوه گره زینت یافته که نام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به نسخ با کاشی معرق در میانشان خوانده می‌شود. بر روی نمای جرزه‌های دو طرف طرح نیم ستون‌های تزیینی برجسته با سرستون‌هایی زیبا اجرا شده که بر فراز آنها دو گلدسته به بلندی ۶ متر استوار گشته است. کتیبه پیشانی ایوان به خط نستعلیق سفید بر روی زمینه لاجوردی حاوی شش بیت سروده «پروانه» جلوه مطلوبی به ایوان بخشیده است.

ایوان شرقی: روبروی ایوان آیینه به دهانه ۷/۸۰ و بلندی ۱۳/۶۰ متر. ازاره آن از سنگ سیاه حجاری شده و نمای بالای آن دارای پوشش کاشی به شیوه گره‌سازی هفت رنگ است. کتیبه کمربندی آن از کاشی خشتی به خط سفید روی متن لاجوردی است که در آن به بنای قبه نخستین توسط زینب بنت الجواد (ع) اشاره شده است. در بالای کتیبه کمربندی پطاق پوشش مقرنس ایوان بالا آمده است. مقرنس سقف ایوان که از چند گروه هشت قطاری ترکیب یافته، از نمونه‌های بسیار جالب مقرنس‌بندی به شمار می‌رود که از آن جمله است ترنج‌های کاشی معرق آن. بر فراز جرزهای جانبی دو مناره به بلندی ۹ متر با تزیینات کاشی بر پا شده است. کتیبه پیشانی ایوان از کاشی معرق به خط نسخ با رنگ سفید روی متن لاجوردی حاوی آیات قرآنی است. روی تیزه ایوان ساعتی بزرگ نصب شده است.

ایوان جنوبی: به اندازه ایوان شمالی و تزییناتی همانند آن. در فاصله ایوان‌های چهارگانه اصلی، پیرامون صحن ۳۵ بقعه با ایوانی در برابر هر یک وجود دارد که ازاره نماسازی دورادور صحن با سنگ حجاری و سپس فراز آن با پوششی از کاشی تزیین شده است. زیر هره سنگی لب بام کتیبه‌ای از کاشی خشتی به طول ۲۵۸/۸۰ متر به خط نستعلیق از «خوشنویس تبریزی» حاوی دو قصیده از «میرزا فتح الله شیبانی کاشانی» بر روی هم ۸۹ بیت که مصرع اول به رنگ سفید و مصرع دوم به رنگ طلایی نوشته شده نقش بسته است.

حوض مرمر: در وسط صحن حوض بیضی مرمرپوش بزرگی به طول ۲۰ متر قرار دارد که با انعکاس نمای چشمگیر ایوان آیینه در آن، جلوه‌ای کم نظیر به صحن با روح آستانه می‌بخشد.

سردرهای ورودی: در پشت ایوان‌های شرقی، شمالی و جنوبی به خارج صحن سه سردر بزرگ قرار دارد که گروه فراوان زواران آستانه به وسیله آنها به درون راه می‌یابند. نقشه و هیئت کلی و تزیینات آنها به جز برخی اختلاف‌ها به هم شباهت بسیار دارند که از آن میان سردر شرقی را معرفی می‌کنیم: این سردر به دهانه ۲ و بلندی ۱۲ متر است. ازاره سنگی حجاری شده با بغله‌ها و سپر و جرزهای کاشی

کاری در مایه‌گره می‌باشد. کتیبه کمربندی آن از کاشی خشتی به خط نستعلیق سفید بر روی زمینه لاجوردی حاوی چهار بیت از میرزا صادق پروانه است. پوشش زیر نیم طاق به شیوه رسمی سازی با تزیینی از کاشی صورت گرفته است. بر فراز آن چهار گلدسته شبیه به هم با پایه هشت ترک به ارتفاع ۶ متر بر پا شده است. در پیشانی سردر کتیبه‌ای است سروده «سید غمخوار» به تاریخ ۱۳۰۴ ق. بانی صحن جدید میرزا علی اصغر اتابک صدراعظم دوران ناصری است و معمار آن استاد حسن معمار قمی که از دیگر آثار مهم او می‌توان مسجد سپهسالار تهران و تیمچه معروف قم را یاد کرد. کاشی‌کاران و بنایان معتبر مجموعه نیز عبارت بوده‌اند از: استاد محمد باقر قمی، حاج غلامعلی و استاد محمد شیرازی. موزه آستانه به اعتبار آثار هنری پر ارزش آن، بویژه مجموعه‌ای از نفیس‌ترین آثار کاشی، قالی و قالیچه، قرآن‌های خطی و آثار فلزی، از جمله موزه‌های معروف ایران به شمار می‌آید.

شخصیت‌های دفن شده: از شخصیت‌های معروفی که در داخل و پیرامون آستانه به خاک سپرده شده‌اند و قبر برخی از آنها شناخته شده است، به افراد زیر می‌توان اشاره داشت: محمد بن حسن صفار قمی مؤلف بصائر الدرجات؛ ابوعبدالله محمد بن خالد برقی؛ مولی عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض، صاحب شوارق الالهام؛ قاضی سعید قمی؛ ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، پدر رئیس محدثین شیخ صدوق؛ زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی، از اصحاب حضرت رضا علیه السلام ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه، استاد شیخ مفید در فقه و صاحب تاریخ شهر و حوادث؛ علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، صاحب تفسیر القرآن و الشرایع؛ محمد طاهر بن محمد حسین قمی، صاحب اربعین در فضائل امیرالمؤمنین؛ قطب‌الدین سعد بن هبة الله راوندی، صاحب الخرائج و الجرائح و المغنی؛ آدم بن اسحاق بن آدم اشعری قمی؛ ابوجریر زکریا ابن ادیس؛ میرزا حسن فرزند مولی عبدالرزاق لاهیجی، صاحب شمع الیقین؛ ابوالقاسم بن محمد حسن جیلانی مشهور به میرزای قمی، صاحب قوانین الاصول و بالاخره حاج شیخ عبدالکریم حائری، گسترش دهنده حوزه علمیه قم و حضرت آیت الله بروجردی.

موقوفات آستانه از زمان صفویه فزونی گرفته و در نتیجه تشکیلات اداری و تولیت آن گسترش یافته است. شاه طهماسب، سید حبیب الله، پسر میر سید حسین خاتم المجتهدین را به تولیت آستانه گماشت و او به توسعه تشکیلات آستانه پرداخت و مشاغل زیر را به وجود آورد: ۱. مستوفی، مسئول امور متولی؛ ۲. مشرف، مسئول ثبت اسناد و هدایای آستانه؛ ۳. خازن، مسئول نگه‌داری نفایس؛ ۴. ضابط، مسئول اموال خارج از خزانه؛ ۵. سرکشیک، مسئول انتظام داخلی آستانه؛ ۶. خطیب، کسی که هر شب با حضور خدام خطبه‌ای شامل حمد و ثنای پیامبر ﷺ و دعای سلطان وقت می‌خواند؛ ۷. خادم، تحت نظر سرکشیک، عهده‌دار نگهبانی بود.

در سال ۱۳۱۴ ش آیین‌نامه‌ای برای آستانه تدوین و امور آن به چهار شعبه تقسیم گردید: دفتر آستانه، موزه، کشیک خدام، تنظیف. مسئولان دفتر عبارتند از: معاون تولیت، مدیر دفتر و محاسب، مباشر تعمیرات و وصول عایدات. کشیک آستانه بر عهده ۹۰ نفر خادم گذارده شد که در سه کشیک انجام وظیفه می‌کردند. هر گروه شامل یک سرکشیک، یک ضابط، دو پلیس و ۲۶ خادم. کار تنظیف مجموعه آستانه بر عهده «فراشان» است. اعتبار مورد مصرف از محل آستانه و آرامگاه‌های پادشاهان، فروش بلیط موزه و نذورات تأمین می‌گردد. مجموعه آستانه مقدسه حضرت معصومه به شماره ۱۲۸ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

منابع: راهنمای قم، ۴۱-۱۰۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۱؛ تاریخ قم؛ آثار تاریخی تهران، ۳۶۷-۳۶۹؛ سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۳/۶۵-۶۶؛ اسناد مصور اروپاییان از ایران، ج ۲؛ بارگاه معصومه، بیژن سعادت، فلورانس ۱۹۷۷؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ۲۳۴-۲۳۵.

● احمد صدر حاج سید جوادی و کامران فانی و بهاء الدین خرماهی (زیر نظر)، دایرة المعارف تشیع (چاپ

قم، حضرت معصومه علیها السلام و تولیت آستانه

علی اصغر فقیهی

چکیده: گزارش مفصلی از تاریخ شهر قم و زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به مهم‌ترین منابع تاریخی (النقض، تاریخ قم، ناسخ الواریخ) و منابع حدیثی (بحارالانوار و کافی) تاریخ شهر قم و زندگی پربرکت حضرت معصومه را از ولادت تا رحلت به تصویر کشیده است.

نویسنده، ابتدا از وضعیّت شهر قم مقارن آمدن حضرت معصومه سخن گفته، و در ادامه درباره نام، القاب، تاریخ تولّد و وفات بحث می‌کند.

از دیدگاه نویسنده، آوازه تشیّع مردم قم در آن زمان تا به مدینه رسیده بوده، و حضرت معصومه علیها السلام از وجود این شهر و ارادت و محبت مردم آن نسبت به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله اطلاع داشته است، زیرا چون به ساوه رسید و بیمار شد، پرسید از اینجا تا قم چند فرسنگ فاصله است؟ و دستور فرمود وی را بدان شهر برند.

مردم قم در آن وقت نسبت به خلفا نافرمان بودند، و از این ره‌گذر خسارات فراوان دیدند. این نافرمانی در صورتی شدّت می‌یافت که والی غیر شیعه برای قم معین می‌شد.

از نوشته شیخ عبدالجلیل رازی، چنین برمی‌آید که اهل تسنن نیز همواره به زیارت مرقد فاطمه معصومه علیها السلام می‌آمده‌اند، عبارت وی در این خصوص، چنین است: «اهل قم به زیارت فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر علیه السلام روند که ملوک و امرا، و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت تقرّب نمایند.»

از این عبارت می‌توان دریافت که در قرن ششم، علمای تسنن از شهرهای سننی‌نشین آن روز از قبیل ری و اصفهان و ساوه و همدان، برای زیارت به قم می‌آمده‌اند، و وقتی علمای تسنن بیایند، مسلماً عوام آنان هم می‌آمده‌اند.

کلید واژه: فضیلت زیارت، تولیت آستانه، اهل تسنن و زیارت.

✱

وضع شهر قم مقارن آمدن حضرت معصومه علیها السلام

گویا آوازه تشیع مردم قم در آن زمان تا به مدینه رسیده بوده و حضرت معصومه علیها السلام از وجود این شهر و ارادت و محبت مردم آن نسبت به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله اطلاع داشته است، زیرا چون به ساوه رسید و بیمار شد، پرسید از اینجا تا قم چند فرسنگ فاصله است؟ و دستور فرمود وی را بدان شهر برند.

مردم قم در آن وقت نسبت به خلفا نافرمان بودند و از این رهگذر خسارات فراوان دیدند، این نافرمانی در صورتی شدت می‌یافت که والی غیر شیعه برای قم معین می‌شد؛ طبق مدارک موجود مردم قم والی و قاضی‌ای را که دارای مذهب ایشان نبود نمی‌پذیرفتند. حتی در زمان شاه اسماعیل صفوی که سلطان مراد عثمانی مدتی بر ایران غلبه کرده و یک نفر به نام *اسلمس* بیک را حاکم قم قرار داده بود، آن مرد به علت مخالفت اهالی، مذهب شیعه را پذیرفت و کلمه یا علی را بر روی سینه خود نقش کرد....^۱

طبق نوشته بلادری مردم قم در زمان مأمون، نافرمانی کردند و از پرداخت خراج سر باز زدند. مأمون علی بن هشام مروزی را فرستاد و با سپاه او را مدد داد تا با قمی‌ها جنگ کرد، یحیی بن عمران را که رئیس قم بود به قتل رسانید، باروی شهر را با خاک یکسان نمود و خراج قم را (که از زیادی آن، شکایت داشتند) بیش از سه

۱. تفصیل مطلب در کتاب خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی: ج ۱، ص ۷۶.

برابر کرد^۱ (دو میلیون درهم را به شش میلیون بالا برد) این موضوع را ابن اثیر نیز در ضمن وقایع سال دویست و ده نوشته است.^۲

چهل - پنجاه سال بعد، باز در زمان معتز عباسی پسر متوکل، مردم قم نافرمانی کردند، موسی بن یغیا عامل بلاد الجبل (بلاد الجبل تقریباً همان عراق عجم است که قم هم جزء آن بود) به قم حمله برد، جمع کثیری را کشت و جمعی دیگر را به فرمان معتز، تبعید کرد.^۳

و اما وضع قم از نظر شهری آن طور که یعقوبی در حدود پنجاه سال بعد از آمدن فاطمه معصومه علیها السلام نوشته است، دو قسمت بوده که به مجموع این دو قسمت قم می‌گفته‌اند (در حالی که مقارن آمدن اشعری‌ها، هفت قسمت بوده است) و رودخانه از میان آن دو می‌گذشته است (امروز هم رودخانه شهر قم را به دو قسمت کرده است) و پل‌های سنگی آن دو را به یکدیگر مربوط می‌ساخته است.^۴ قسمت بزرگ‌تر به نام منیجان در سمت راست رودخانه قرار داشته و یک‌هزار خانه در آن بوده است و در داخل منیجان قلعه‌ای از آن ایرانیان قدیم وجود داشته است؛ قسمت کوچک‌تر به نام کمیدان در سمت چپ رودخانه واقع بوده است.

مردم قم در آن وقت دو دسته بودند، یکی عرب‌های بنی‌الاشعر و آل‌مذحج، دیگری مردم بومی که از نژاد ایرانی بودند. منیجان همان شهر اصلی قم است و در

۱. فتوح البلدان: ص ۳۸۶.

۲. به موجب نوشته تنوخی (المستجد: ص ۱۵۶) و ابن‌البار (أعتاب الكتاب: ص ۱۲۰) اعمال ضیاع و خراج قم در زمان مأمون عباسی به عهده علی بن عیسی قمی بود و باز طبق نوشته قدامة بن جعفر (كتاب الخراج: ص ۲۵۰) خراج قم و کاشان در اواخر قرن سوم سه هزار هزار درهم (سه میلیون) بوده که معلوم می‌دارد، مأمون دوباره مبلغ خراج قم را به حال اول برگردانیده است (با توجه به اینکه کاشان چون از قم کوچک‌تر بوده، مبلغ کمتری به آن تعلق می‌گرفته است). مؤید این مطلب گفته ابن‌خردادبه (المسالک و الممالک: ص ۴۱) می‌باشد که خراج قم (در اواخر قرن سوم) دو هزار هزار درهم است که همان مبلغ پیش از کشتار مأمون است.

۳. فتوح البلدان: ص ۳۸۶.

۴. البلدان: ص ۴۰ چاپ نجف.

تاریخ قم به نام بلده ممجان آمده^۱ و تصریح شده است به اینکه ممجان نفس قم است و در جای دیگر چنین ذکر شده که کمیدان قصبه و محلت‌های قم است.^۲

توضیح درباره محل منیجان و کمیدان

کمیدان هنوز باقی است، ولی تبدیل به زمین مزروعی شده و اثری از ساختمان در آن دیده نمی‌شود. اراضی کمیدان در سمت شمال غربی خاک‌فرج و قبرستان وادی‌السلام فعلی و طرف مغرب رودخانه است، بنابراین منیجان در روبروی آن، در سمت مشرق رودخانه و در اطراف چهار امامزاده تا امامزاده شاه سیدعلی و تا حدود راه سراج و قنوات ادامه داشته و امروز در همین حدود آثار و اطلالی دیده می‌شود و قبرستان این قسمت شهر که به نام مالک آباد بوده و بعداً از آن سخن خواهد رفت، هنوز باقی و همان قبرستان متروکی است که در مابین شاهزاده سیدعلی و شاهزاده ابواحمد (به تعبیر مردم قم، امامزاده میانی) دیده می‌شود^۳ و پل سنگی علی القاعده محاذی خاک‌فرج و وادی‌السلام بوده است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در قم

درباره عبور علی بن موسی الرضا علیه السلام از قم، هنگام رفتن به مرو، بنا به دعوت مأمون، در بیشتر مأخذها اشاره نشده است، اما قرائن و مدارکی، آمدن آن حضرت را به قم تأیید، بلکه ثابت می‌کند.

نخست آنکه امروز در قم محله‌ای است به نام شاه خراسان در اواسط خیابان آذر که قبلاً کوچه‌ای بود و هنگام احداث خیابان آذر، جزء خیابان شد، ولی هنوز این نام به محل مزبور اطلاق می‌شود و مسجدی هم در همان محل و به نام

۱. صفحه ۴۳.

۲. تاریخ قم: ص ۲۳.

۳. امروز در این زمین متروک، تأسیسات عام المنفعة از قبیل درمانگاه و مدرسه بنا شده است.

مسجد شاه خراسان وجود دارد و اکنون در کنار خیابان قرار گرفته و در سال‌های اخیر بنای آن تجدید شده است.

در همین محل مدرسه‌ای است به نام مدرسه رضویه که مردم قم از قدیم معتقد بوده‌اند به اینکه علی بن موسی الرضا علیه السلام زمانی که به قم آمد، در همین محل نزول اجلال فرمود و از چاهی که هم اکنون در آن مدرسه موجود است، آب نوشید و غسل کرد و وضو ساخت و این امر سینه به سینه تا به امروز رسیده است.

دیگر روایتی است که ابن الفقیه از امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر کرده و در ضمن آن آبی در قم وصف شده که حضرت رضا علیه السلام در آن غسل خواهد کرد.^۱
سوم: نوشته تاریخ قم است که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از آب مزبور نوشید و در آن غسل کرد.^۲

در تاریخ قم همچنین نوشته شده است که حضرت رضا علیه السلام در صحبت رجاء بن الضحاک، به راه بصره و فارس و اهواز (ظاهراً صحیح، اهواز و فارس باشد) به طوس آمد؛^۳ اما از چه راهی به قم آمد و آمدن او به چه نحوی بود، متعرض نشده است. دلیل چهارم: ابن طاووس از علمای معروف شیعه در قرن هفتم، کیفیت ورود علی بن

موسی الرضا علیه السلام را به قم در کتاب «فَرَحَةُ الْعَرَى» شرح داده و چنین گفته است:
لَمَا طَلَبَهُ الْمَأْمُونُ مِنْ خُرَاسَانَ تَوَجَّهَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى الْبَصْرَةِ وَلَمْ يَصِلِ الْكُوفَةَ وَمِنْهَا تَوَجَّهَ عَلَى طَرِيقِ الْكُوفَةِ إِلَى بَغْدَادٍ ثُمَّ إِلَى قُمٍّ وَدَخَلَهَا وَتَلَقَّاهُ أَهْلُهَا وَتَخَاصَمُوا فِيمَنْ يَكُونُ ضَيْفُهُ مِنْهُمْ فَذَكَرَ أَنَّ النَّاقَةَ مَأْمُورَةٌ فَمَا زَالَتْ حَتَّى بَرَكَتْ عَلَى بَابٍ وَصَاحِبُ ذَلِكَ الْبَابِ رَأَى فِي مَنَامِهِ أَنَّ الرُّضَا يَكُونُ ضَيْفُهُ فِي غَدٍ فَمَا مَضَى إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى صَارَ ذَلِكَ الْمَوْضِعُ مَقَامًا شَامِخًا وَهُوَ الْيَوْمَ مَدْرَسَةُ مَطْرُوقَةَ.^۴

۱. مختصر البلدان: ص ۲۶۴.

۲. تاریخ قم: ص ۹۱.

۳. در نسخه چاپی تاریخ قم در میان دو قلاب «به طوس آمد» چاپ شده که به جای طوس گویا مرو صحیح است، ص ۱۹۹.

۴. فرحة العری: ص ۱۰۵.

چون مأمون از خراسان، حضرت رضا علیه السلام را طلب کرد، آن حضرت از مدینه به بصره آمد و در راه خود به کوفه نرسید و از بصره از راه کوفه به بغداد رفت و از آنجا روانه قم شد و به این شهر ورود فرمود، اهل قم به دیدن وی آمدند و در اینکه کدامیک افتخار مهمان‌داری آن حضرت را پیدا کند، با یکدیگر به بحث و نزاع برخاستند؛ امام فرمود که شتر من خود مأمور است که در کجا فرود آید، شتر در مقابل خانه‌ای زانو زد، صاحب آن خانه در خواب دیده بود که فردا رضا علیه السلام مهمان او خواهد بود، دیری نپایید که خانه مزبور مقام شامخی پیدا کرد و امروز (قرن هفتم) مدرسه‌ای است که رهگذر است.

به احتمال قوی مدرسه مزبور همین مدرسه رضویه فعلی است که در اثر مرور زمان بنای اصلی به کلی از میان رفته و تجدید بنا شده و قسمتی از آن جزء خیابان گردیده است.

قرائنی که ذکر شد، همه دلالت دارد بر اینکه علی بن موسی الرضا علیه السلام به قم آمده و شاید چند روزی در این شهر اقامت فرموده ولی شیخ صدوق، تصریح کرده است به اینکه مأمون دستور داده بود که حضرت رضا علیه السلام در راه خود به خراسان، از کوفه و قم عبور نکند عبارت صدوق در این باره چنین است:

فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْمَأْمُونُ لَا تَأْخُذْ عَلَى طَرِيقِ الْكُوفَةِ وَقُمْ فَحُمِلَ عَلَى طَرِيقِ الْبَصْرَةِ
والاهوازِ وفارسِ حتى وافى مَرْوً.^۱

مأمون به رضا علیه السلام نوشت که از راه کوفه و قم نیاید، بنابراین از راه بصره و اهواز^۲ و فارس به مرو رسید.

ظاهراً مقصود مأمون این بوده که علی بن موسی الرضا علیه السلام از کوفه و قم یعنی دو مرکز عمده شیعه و دوست‌داران اهل بیت، عبور نکند.

حضرت از کوفه عبور نکرد و از همین جهت، بنا بر نوشته ابن طاووس به زیارت

۱. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۱۴۹.

۲. مقصود از اهواز خوزستان است، در کتب قدیم بیشتر از اهواز همه خوزستان را اراده می‌کرده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام نائل نشد^۱. ولی آیا طبق دستور مأمون به قم هم نیامد، یا رجاء بن الضحاک که مأمور بردن آن حضرت از مدینه به مرو بود، نگذاشت که از قم عبور فرماید، گویا در این باره سندی در دست نباشد.

بنابراین تشریف فرمایی علی بن موسی الرضا علیه السلام به قم تقریباً مسلم می شود.

قم در آن وقت سر راه نبوده است

راه‌هایی که در آن روزگار از اطراف به قم منتهی می شد، همچنین راه‌هایی که از قم به شهرهای مجاور قم می رسید، در کتب مسالک و ممالک ذکر شده، اما آن طور که معلوم می شود، قم مانند امروز سر راه نبوده است که مثلاً هر کس از خراسان یا از ری می خواست به فارس و خوزستان و کرمان و عراق، برود ناگزیر باشد از قم عبور کند. کسی به قم می آمد که یا مقصدش قم بود یا به مناسبت و علتی ترجیح می داد از این شهر عبور نماید.

از ری به اصفهان راهی بود که گویا از حاشیه کویر می گذشت و کاشان و قم در کنار این راه قرار نداشت.

از جمله قرائن این امر داستان خروج مُطَرَف بن مَغیرَة بن شُعْبَة است بر حجاج بن یوسف در سال ۷۷ هجری. مطرف، قم را پایگاه خود قرار داد، حجاج به عدی بن وتاد فرمانروای ری نوشت که با سه چهارم از سپاهی که در اختیار دارد به جی (اصفهان) برود و از آنجا با سپاه براء بن قُبَيْصَة، رهسپار جنگ با مطرف (در قم) بشود.^۲

مسلم است که عدی هنگام رفتن از ری به اصفهان از قم عبور نکرد و نمی توانست عبور کند، زیرا قم و کاشان و این حدود در اختیار مطرف قرار داشت.

۱. نجف در هفت هشت کیلومتری کوفه واقع است. فَرَحَةُ الغری: ص ۱۰۵.

۲. تاریخ طبری حلقه دوم (خلاصه): ص ۹۹۶.

راهی که عدی از آن عبور کرد به احتمالی تا زمان صفویه هم باقی بوده است و باز بنا بر احتمالی، شاه عباس اول در سفر پیاده خود به مشهد از همین راه رفته و از کاشان و قم نگذشته است و مورخان دوره صفویه، از جمله اسکندر بیک منشی در عالم آرای عباسی، عبور وی را از قم، متعرض نشده‌اند.

عبور شاه عباس از طبرس و ترشیز (کاشمر فعلی) تقریباً مسلم است، اما آیا از راه یزد بوده که با خرابی و دشواری آن راه بعید به نظر می‌رسد، یا از راه معمولی که از سمنان و دامغان می‌گذشته، بوده است؟ (به تازگی سندی جغرافیایی به دست آمده که شهرها و نواحی مسیر شاه عباس را در سفر مشهد (ظاهراً همین سفر پیاده) معین کرده است؛ به موجب این سند، وی از قم نیز گذشته است).

سند مزبور، نقاط بین راه شاه عباس را در سفر مشهد چنین نوشته است: کاشان، قم، ساوه، قزوین، خار (خوار از توابع ری)، سمنان، ییلاق، دامغان، سبزوار، مزینان ملک جام گریلو، طبرس، خراسان (مشهد).^۱

از این گذشته در نقشه و صورتی که ابن حوقل از ناحیه جبال رسم کرده، کاملاً مشخص است که قم و کاشان در سر راه معمولی ری به اصفهان نبوده است^۲ این رسته و ابن خردادبه نیز در شرح منازل میان راه بغداد به ری، نامی از قم نبرده‌اند.^۳

باز هم در مورد علاقه شدید مردم قم به خاندان پیغمبر ﷺ

مردم قم از آغاز فتح آن شهر به دست مسلمانان و پذیرفتن دین مبین اسلام، به دوست‌داری اهل بیت پیغمبر ﷺ شهره بوده‌اند و قومی همواره مثال کاملی بوده است برای یک شیعه متعصب و علاقه‌مند به مذهب خود و این علاقه و محبت در

۱. مجله وحید شماره ۲، سال ۸، متن سند مزبور در این شماره چاپ شده است.

۲. صورة الأرض: ص ۳۰۴.

۳. الأعلاق النفیسه: ص ۱۶۳، و المسالک و الممالک: ص ۲۲. برای اطلاع از وضع راه‌ها در آن زمان و منازل بین راه می‌توان به دو کتاب مزبور و دیگر کتب مسالک و ممالک مراجعه کرد.

مقصود ما از بحث فوق بیان یکی از علت‌های عمده آمدن قبائل عرب و بعداً سادات و آل علی، به قم است که همان دور افتادگی قم و کنار بودن آن از شاهراه‌های مهم بوده است.

طول تاریخ یک هزار و سیصد ساله قم در عصر اسلام، پیوسته در آنان وجود داشته و با وسائل و کیفیات گوناگون آن را به ثبوت رسانیده‌اند.

قمی‌ها در زمان ائمه اطهار علیهم السلام آنچه از ملک و عقار داشتند حتی خانه و بعضی از ایشان تمام مایملک خود را وقف ائمه کردند و هر سال خمس اموال خود را برای امامان علیهم السلام می‌فرستادند.^۱

دیگر آنکه اولاد علی علیه السلام را گرامی داشتند و به آنان مقام و مسکن دادند و آب و ملک به ایشان بخشیدند.^۲

شهرت مردم قم در دوست‌داری اهل بیت در زمان ائمه به حدی بود که به گوش مأمون خلیفه معروف عباسی نیز رسیده بود، زیرا وی در ضمن جریان مفصلی که در آن از علت تفویض ولایت عهد به علی بن موسی الرضا علیه السلام برای زیان بن الصلت شرح داده، گفته است که:

«ما أَجِدُ أَحَدًا يُعِينِنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَجْعَلَ أَهْلَ قُمَّ شِعَارِي وَدِثَارِي»^۳
کسی را نمی‌یابم که در این کار (تفویض خلافت به آل علی علیهم السلام) مرا یاری دهد، به راستی تصمیم گرفتم که اهل قم را شعار و دثار خود یعنی (یاران باطنی و ظاهری خود) قرار دهم.

داستان دَعْبِل

یکی دیگر از علائم شدت علاقه مردم قم نسبت به اهل بیت اطهار داستان دَعْبِل است: دَعْبِل بن علی^۴ خُزاعی، در عداد شاعران بزرگ شیعه است که با مأمون عباسی معاصر بوده است، وی در هجو خلفای عباسی و وزیرانشان، اشعاری دارد که مشهور است و در کتب ادب ثبت شده است.

۱. تاریخ قم: ص ۲۷۹.

۲. مدرک سابق.

۳. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۱۵۲.

۴. دَعْبِل به کسر دال و سکون عین و کسر باء.

ابوالفرج اصفهانی در کتاب «آغانی» شرح حال دَعْبِل را به تفصیل نوشته است، علت عمده شهرت دَعْبِل در نزد شیعه، قصیده تائیه او می باشد، قصیده مزبور را قصیده مدارس آیات نیز می نامند؛ ظاهراً از لحاظ اینکه بهترین ابیات آن، این بیت است:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ عَنْ تِلَاوَةِ وَمَنْزُلٍ وَحَيٍّ مُقْفَرٍ الْعَرَصَاتِ

دَعْبِل پس از سرودن قصیده مدارس آیات، به خراسان رفت و خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام رسید و قصیده را برای آن حضرت انشاد کرد و همانطور که معروف است، حضرت بیتی به آن افزودند، این در موقعی بود که حضرت رضا علیه السلام عنوان ولیعهدی مأمون را داشت و به نام او سکه زده بودند.

حضرت به رسم جایزه و صله ده هزار درهم از همان درهم هایی که نام وی بر روی آن نقش بسته بود به دَعْبِل عطا فرمود، او در مراجعت از خراسان عبورش به شهر قم افتاد مردم از او هر درهم را به ده درهم خریدند.^۱

به نقلی دیگر، حضرت علاوه بر ده هزار درهم یکی از جامه های بُرد خود را نیز به دَعْبِل عطا فرمود؛ چون دَعْبِل به قم رسید قمی ها از او خواستند که سی هزار درهم بگیرد و جامه را بدهد، وی نپذیرفت و به راه خود ادامه داد هنگامی که از حدود قم خارج شد جمعی از جوانان قم که در راه او کمین کرده بودند جلو راهش را گرفتند تا جامه را بگیرند و سی هزار درهم بدهند دَعْبِل قسم یاد کرد که جامه را نمی فروشد مگر اینکه قطعه ای از آن را به وی دهند تا در کفن خود قرار دهد قمی ها یک آستین لباس را به او دادند.^۲

و به روایت دیگر خبر قصیده و جبه مخصوص حضرت قبلاً به مردم قم رسیده بود، هنگام آمدن دَعْبِل به قم، مردم از او خواستند که قصیده را برایشان

۱. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. معجم الادباء: ج ۴، ص ۱۹۴، در معجم البلدان یاقوت در کلمه قم چند شعر از دَعْبِل در هجو مردم قم و نفرین به آنان ذکر شده است که گویا با داستان مزبور بی ارتباط نباشد.

بخواند دعبل در مسجد جامع حضور یافت و قصیده را انشاد کرد، اهل قم مال و خلعت بسیار به او بذل کردند و خواهش کردند جبه را به هزار دینار به ایشان بفروشد و او حاضر نشد^۱ الی آخر.

نویسنده «تاریخ قم» گوید که: هر یک از مردم قم، پاره‌ای از آن جبه را برای تیمن و طلب شفا برگرفتند.^۲

قم از نظر ائمه اطهار علیهم السلام

روایات بسیار از ائمه علیهم السلام درباره قم و مردم آن در کتب احادیث و اخبار ذکر شده است که از همه آنها قدیم‌تر تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد روایتی است از امیرالمؤمنین علیه السلام که آن حضرت در این روایت فرموده است: «سالم‌ترین مکان‌ها هنگام بروز فتنه و فساد شهر قم است.»^۳

مؤلف «تاریخ قم» نخست روایت مزبور را نقل کرده، سپس چند روایت در فضیلت قم آورده است که در یکی از آنها حضرت صادق علیه السلام فرموده است که: «شهر قم، شهر ماست.»^۴

علامه مجلسی در مجلد چهاردهم بحار قسمتی از روایات مربوط به قم را نقل کرده است؛ و مرحوم شیخ حسین مفلس، در ابتدای کتاب قم خود به نام «تحفة الفاطمیین» که هنوز به چاپ نرسیده است چهل حدیث درباره قم آورده است.^۵ ظاهراً آن اندازه اخبار و احادیث که درباره قم از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده، درباره هیچ یک از شهرهای ایران روایت نشده است.

۱. روضات الجنات: ج ۳، ص ۳۱۱.

۲. تاریخ قم: ص ۲۷۹.

۳. ابن الفقیه: ص ۲۶۴.

۴. تاریخ قم: از صفحه ۹۰ به بعد.

۵. نویسنده کتاب مرحوم شیخ حسین را سال‌ها قبل با خط خود او دیده و مطلب مزبور را (چهل حدیث درباره قم) در حضور خود او با مطالب دیگری از آن، در مدت چند ساعت یادداشت کرده است. و تا آنجا که به خاطر مانده، وی در مورد احادیث مذکور، سندی به دست نداده است.

امامان معصوم علیهم‌السلام گذشته از سخنان خود در خصوص قم، مردم آن را به طرق دیگر نیز مباهی و مفتخر می‌کردند، و برای جمعی از ایشان هدایا و تحف می‌فرستادند، از جمله برای ابی‌جریر زکریا بن ادريس، و زکریا بن آدم، و عیسی بن عبدالله و چند نفر دیگر، کفن فرستادند؛ و چند نفر دیگر را به عطا کردن انگشتری و جامه، قرین مباحات فرمودند.^۱

آمدن حضرت معصومه علیها‌السلام به قم

در سال دویست هجری، مأمون علی بن موسی الرضا علیه‌السلام را از مدینه به مرو دعوت کرد، تا او را ولیعهد خود قرار دهد، آن حضرت به مرو آمد و ضمن جریان‌های مفصلی که در کتب اخبار و تاریخ ذکر شده با شرایطی ولیعهدی مأمون را پذیرفت یا ناچار شد بپذیرد. تقریباً یکسال گذشت و ظاهراً در این مدت، اطلاع زیادی از آن حضرت، به خاندانش در مدینه نرسیده بود، فاطمه معصومه علیها‌السلام خواهر وی برای اطلاع از حال برادر در سال دویست و یک از مدینه به طرف خراسان حرکت کرد.^۲

حرکت وی به چه ترتیبی بود و همراهان او چه کسانی بودند، همچنین از چه راهی وارد ایران و شهر ساوه شد^۳ بر نویسنده معلوم نیست، چون به ساوه رسید بیمارگشت؛ از وجود قم در نزدیکی «ساوه» اطلاع داشت و از همین جهت پرسید تا قم چند فرسنگ فاصله است؟ گفتند: ده فرسنگ^۴. به خادم مخصوص خود فرمود وی را به قم که می‌دانست مرکز شیعه علی علیه‌السلام است، ببرد.

۱. تاریخ قم: ص ۲۷۹.

۲. در سفرنامه صفاء السلطنه مشتاقی به نام «تحفة الفقراء» که در سال ۱۲۹۹ قمری نوشته شد به نقل از بعض کتب چنین آمده که: فاطمه معصومه علیها‌السلام از جانب برادرش علی بن موسی الرضا علیه‌السلام مأمور حرکت از مدینه به خراسان شد، در سفرنامه مزبور، نام آن کتاب معتبر ذکر نشده است.

۳. با توجه به وضع راه‌ها در آن روز، مسافری که از حجاز و عراق به ایران و خراسان سفر می‌کرد، یا از راه بصره و خوزستان و فارس و اصفهان و ساوه عبور می‌کرد، یا از راه کرمانشاه و نهاوند و همدان و ساوه، و یا نهاوند و کرج ابی‌دلف (نزدیک اراک فعلی) و ساوه.

۴. راه ساوه به قم در آن وقت از روستاهای آوه و تقرود به طور مستقیم و در حدود ده فرسنگ بوده است.

مؤلف «تاریخ قم» گوید که: قول درست این است که خبر ورود فاطمه علیها السلام به ساوه و به مردم قم رسید، آل سعد اشعری اتفاق کردند که قصد (خدمت) سیتی^۱ فاطمه کنند و از او درخواست نمایند که به قم آید، از میان ایشان، موسی بن خزرج بیرون آمد، و به شرف ملازمت سیتی فاطمه رسید، زمام ناقه او را گرفت و به جانب شهر کشید و به سرای خود فرود آورد.

تولیت آستانه حضرت معصومه علیها السلام

در اینکه حضرت «فاطمه معصومه علیها السلام» از ابتدا دارای موقوفاتی بوده و متولیان داشته، سخنی نیست، دلیل این امر، نخست این است که قم مرکز عمده شیعه در ایران به حساب می آمده و اینطور که معلوم می شود وضع مردم این شهر از لحاظ مالی و درآمد، خوب بوده و زندگی مرفهی داشته اند، با توجه به خلوصی که نسبت به فاطمه معصومه علیها السلام دارا بوده اند و احادیثی که درباره آن حضرت و زیارت مرقد مطهرش از ائمه اطهار نقل شده و همه از آن آگاهی داشتند مسلم است که املاک و مستغلاتی وقف او کرده بودند، و رقبات موقوفه بدون متولی نمی شود.

دیگر آنکه باب پانزدهم کتاب تاریخ قم به ذکر ضیاع و حصص موقوفه در قم و ذکر مبلغ خراج آن و عدد سهام آن و ذکر بائر و خراب از آن و ذکر متولیان از اهل قم از عرب و عجم که عددشان چهل نفر بوده است، اختصاص داشته و در همین باب پانزدهم ذکر شده بوده است که وضع خلفا و والیان نسبت به این حصص موقوفه و متولیان به چه نحو بوده است، و چگونه این موقوفات بعداً به صورت اقطاع درآمد است.

گرچه باب پانزدهم تاریخ قم امروز در دست نیست ولی از فهرستی از آن که در مقدمه پنج باب ترجمه شده وجود دارد، معلوم می شود که وضع حرم حضرت

۱. کلمه سیتی ظاهراً مخفف سیدی است و اکنون مردم قم و زوار دیگری از شهرها و حتی کشورهای دیگر به محل سکونت و عبادتگاه حضرت معصومه علیها السلام که در محله میدان میر واقع و زیارتگاه است سیتی می گویند.

معصومه علیها السلام تا قرن چهارم و در قرن چهارم که سال تألیف تاریخ قم است، بسیار باشکوه و مفصل بوده، و موقوفات فراوان داشته و تا آن قرن، چهل نفر به عنوان متولی از ایرانیان و عرب‌های مقیم قم، به رتق و فتق امور موقوفات مشغول بوده‌اند.

باید در نظر داشت که قبل از دفن «حضرت معصومه علیها السلام» در قم و بعد از دفن آن حضرت، رقبات موقوفه بسیاری در قم وقف ائمه بوده است و وکلای وقف از طرف ائمه علیهم السلام در قم می‌زیسته‌اند که با توجه به مطالبی که آورده شد، تقریباً شکی باقی نمی‌ماند در اینکه قسمتی از این موقوفات، متعلق به حضرت معصومه علیها السلام بوده است.

مطلب دیگر اینکه در فاصله میان وفات فاطمه معصومه علیها السلام که اوایل قرن سوم اتفاق افتاده و سال تألیف تاریخ قم که سال ۳۷۸ است (یعنی مدتی در حدود یک صد و هفتاد و پنج سال)، چهل نفر عنوان متولی موقوفات قم را داشته‌اند و علی القاعده از سال‌های اول وفات آن حضرت، آستان مقدس وی، دارای موقوفه و متولی بوده است.

البته نمی‌توان گفت که این متولیان همه به موقوفات «حضرت معصومه علیها السلام» تعلق داشته‌اند، زیرا رقبات موقوفه دیگری در قم بوده اما چون از موقع دفن «حضرت معصومه علیها السلام» در قم، امور مذهبی این شهر، تقریباً در اطراف حرم آن حضرت دور می‌زده، از این روی وقتی به طور مطلق، از موقوفات و متولیان قم سخن می‌رود، متبادر به ذهن موقوفات و متولیان حضرت معصومه است.

از قرن چهارم تا قرن نهم، نویسندگان درباره موقوفات و وضع تولیت آستانه قم مطلب روشن و مفصلی نیافته است جز اینکه طبق مندرجات کتاب النقص شیخ «عبدالجلیل رازی» (از آثار قرن ششم) آستانه «حضرت معصومه علیها السلام» وضع باشکوهی داشته و زیارتگاه عموم (از سنی و شیعه) بوده است و رجال آن روز قم از

قبیل «ابوالفضل عراقی» در آن بناهایی کرده‌اند^۱ و حرم آن حضرت موقوفات و متولیانی داشته است.

در قرن‌های هفتم و هشتم در ایران رقبات موقوفه، فراوان بود و متولیان در آنها خودسرانه تصرفاتی می‌کرده‌اند که گویا ملک خودشان است، اولیای امور هم به این امور توجهی نداشتند. این مطالب از خلال نوشته «هندوشاه نخجوانی» به خوبی معلوم می‌شود^۲. در این نوشته، از پادشاهان و متصدیان امور خواسته شده است که به امور موقوفه و متولیان و متصدیان توجه بیشتری بنمایند.

در عصر صفویه از جمله مشاغل دولتی، مستوفی موقوفات وجود داشته است و وظیفه او این بوده که صورت حساب رقبات موقوفه را از متصدیان و متولیان و مباشران دریافت دارد، محاسبات را خط‌گذارد و اسناد خرج را نسخه بکشد و به هر یک از متولیان مُفاصحا حساب بدهد^۳. در این دوره بودجه آستانه حضرت معصومه علیها السلام و قبور سلاطین صفویه سه هزار و دویست تومان بوده است^۴.

آن طور که از سفرنامه شاردن و تاورنیه و سفرنامه‌های دیگر مربوط به دوره صفویه، معلوم می‌شود، حرم فاطمه معصومه علیها السلام دارای چهار صحن بوده که در طول قرار داشته و از یکی وارد دیگری می‌شده‌اند، در ورودی صحن اول در انتهای خیابان حضرتی فعلی واقع بوده و به همین مناسبت، این خیابان را، حضرتی نامیده‌اند، صحن اول همان دارالشفای امروزی است، با این تفاوت که توسعه یافته و بناهای بسیاری در آن کرده‌اند. صحن دوم، ضمیمه صحن سوم که مدرسه بوده، شده است. و از هر دو صحن با هم، مدرسه فیضیه به وجود آمده

۱. النقض: ص ۲۲۰. این ابوالفضل عراقی که معلوم است از رجال موجه و معروف عصر سلجوقی بوده، طبق نوشته النقض، گنبد باشکوهی بر روی مرقد فاطمه معصومه بنا کرده است که گویا همان گنبدی است که تا دوره صفویه و اوایل قاجاریه برپا بود سپس به جای آن گنبد طلا قرار گرفت.

۲. دستور الکاتب چاپ شوروی: از ص ۱۷۵ به بعد.

۳. تذکره الملوک (درباره مشاغل دوره صفویه): ص ۴۴.

۴. شاردن: ج ۳، ص ۷۶.

است صحن چهارم همین صحن کهنه یا صحن طلای فعلی می‌باشد که برای رفتن از صحن سوم به آن، مانند امروز از چندین پله بالا می‌رفته‌اند، در فضای صحن‌ها درخت‌کاری و گل‌کاری بوده و در سمت مغرب صحن‌ها و خیابان حضرتی رودخانه قرار داشته که اکنون نیز هست و دیوار کوتاهی برای حفاظ در این سمت بنا شده بوده است و در طرف مشرق قبرستان وسیعی وجود داشته که از حدود خیابان موزه فعلی تا جلو مسجد امام ادامه داشته است صحن زنانه (مسجد موزه کنونی) گویا قبرستان خانوادگی صفویه بوده است. در ورودی حرم از طرف شمالی در وسط قرار داشته و گنبد، کاشی و به سبک مخصوصی بوده است.

نخستین متولی و نخستین فرمان تولیت

«احمد بن اسحاق اشعری» وکیل وقف قم از طرف امام عسکری علیه السلام نخستین کسی است در قم که نام او به عنوان وکیل وقف که همان متولی و متصدی موقوفات است، در تاریخ قم ذکر شده است.^۱

در آن وقت، املاک بسیاری در قم وقف ائمه و املاکی هم وقف حضرت معصومه علیها السلام و احتمالاً دیگر امامزادگان بوده است و احمد بن اسحاق آیا تصدی همه این موقوفات را داشته یا تنها متصدی موقوفات ائمه بوده است، درست معلوم نیست. ظاهراً احتمال دوم صحیح‌تر باشد.

و اما نخستین فرمان تولیت آستانه قم که اکنون موجود می‌باشد، تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، فرمانی است با امضای «جهانشاه قره قویونلو» به تاریخ جمادی الاولی سال ۸۶۷. این فرمان که به خط تعلیق نوشته شده، در سرلوحه آن به خط ثلث مطلا چنین رقم رفته است:

۱. تاریخ قم: ص ۲۱۱، از وظایفی که برای نقیبان ذکر شده و قسمتی از آن در فصل مربوط به نقابت گفته شد، معلوم می‌شود که نقیبان متصدی و متولی موقوفات هم بوده‌اند.

بِالْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ الْأَخْدِيَّةِ وَالْقُوَّةِ الشَّامِلَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ، ابوالْمُظَفَّرِ جِهَانِشَاهِ
بِهَادِرِ سُوزْمَز.^۱

و در متن فرمان مزبور نام صاحب فرمان این طور ذکر شده است:
الْمُرْتَضَى الْأَعْظَمُ الْأَكْرَمُ - مَلِكُ السَّادَاتِ وَالتُّقْبَاءِ - سَلِيلُ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى
الرُّضَا - السَّيِّدِ أَحْمَدَ نِظَامُ الدِّينِ....

و نیز در متن فرمان آمده است که به موجب احکام سلاطین ماضیه مخصوصاً
«خاقان سعید شاهرخ میرزا» که امضای فرمان سلطان مرحوم «امیر تیمور» گورکان،
منصب نقابت سادات و ولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده
«معصومه علیها السلام» به آباء عظام و اجداد کرام جناب مشارالیه مفوض بوده است.

در آخر فرمان تاریخ صدور آن چنین است: تَحْرِيرِ فِي سَابِعِ وَعِشْرِينَ
جُمَادَى الْأُولَى سَنَةِ ۸۶۷. و در ذیل مهر جهان شاه زده شده و پشت فرمان
مهرهایی چند دارد.^۲

از فرمان مزبور و از فرمان‌های دیگری که از دوره صفویه به بعد باقی است، معلوم
می‌شود که فرمان تولیت آستانه قم را همواره پادشاهان وقت صادر می‌کرده‌اند
و اینکه نقابت سادات قم تا قرن نهم وجود داشته و متولیان سِمَتِ نقابت
هم داشته‌اند.

در اینجا یادآوری این معنی مناسب است که پس از مقتول شدن سلطان محمد
تیموری که قم را پایتخت خود قرار داده بود، قره قویونلوها قم را متصرف شدند
و اغلب زمستان‌ها و گاهی در حدود نیمی از سال را در این شهر اقامت داشتند و
در حقیقت، قم پایتخت زمستانی ایشان بود، این امر همانطور که در ضمن بحث از
پایتخت شدن قم اشاره شد معلوم وضع خاص جغرافیایی و سوق‌الجیشی قم در آن
زمان بوده است.

۱. سوزمز، ترکیبی است مغولی، معادل: فرمان ما در فارسی (قم در قرن نهم، ص ۲۷۱).

۲. نقل از مقاله آقای شاه حسینی در مجله کاویان شماره ۵۲، مورخ ۲۲ آبان سال ۱۳۳۱ عکس سرلوحه فرمان مزبور،
در کتاب از سعدی تا جامی (ترجمه جلد سوم تاریخ ادبیات ایران، تألیف ادوارد براون) چاپ شده است.

گذشته از این، در مورد قره قویونلوها، می‌توان برای علاقه آنان به قم، به علت دیگری نیز توجه کرد و آن تمایل امرای قره قویونلو به مذهب شیعه است و حتی آنان را جزء امرای شیعه به حساب می‌آورند که شاید این امر باعث شده بوده است که بیشتر به قم که شهر شیعه مشخص آن روز بود، بیایند و در آن توقف نمایند و از برکات مرقد مطهر فاطمه معصومه علیها السلام برخوردار شوند.

علی القاعده، فرمان مزبور باید در یکی از توقف‌های جهان‌شاه قره قویونلو در قم، صادر شده باشد.

در زمان صفویه، پس از آنکه شاه عباس دوم و شاه صفی در قم مدفون شدند سه نفر از رجال معتبر ایران، یکی متولی آستانه فاطمه معصومه علیها السلام دو نفر دیگر هر یک متولی قبر یکی از آن دو پادشاه بود.

شاردن گوید: عنوان رسمی سه متولی مذکور، تربت‌دار است و انتصاب و انتخاب مقامات ذیل از طرف آنها صورت می‌گیرد: کسانی که متصدی قرائت ادعیه و اذکار اسلامی می‌باشند (ظاهراً مقصود خدام آستانه می‌باشد) مؤذن قن‌دیچی، آبکش (تهیه کننده آب برای وضو و تطهیر) متولی کنونی آستانه (در زمان شاردن) که حکومت قم نیز با وی است پیرمرد عالی مقامی است که سابقاً قورچی‌باشی یعنی فرمانده کل نیروی مسلح بوده است.^۱

هنگام درگذشت شاه صفی (در سال ۱۰۵۲) و حمل جنازه او به قم، متولی حضرت معصومه علیها السلام میرزا محمد مهدی بوده است.

اسکندر بیک منشی در این باره چنین گفته است: بعد از تجهیز و تکفین، نعش محفوف به مغفرت آن سفرگزین علیین را از دولت‌خانه به دارالمؤمنین قم، روانه گردانیدند و یگانه گوهر بحر سیادت میرزا محمد مهدی خلیف اکبر صدر عالی‌نشان میرزا حبیب‌الله که متولی روضه منوره مطهره و بقعه معطره معصومه علیها السلام علی ساکنها ألف ألف تحیه بود، بدرقه آن بقعه معمور رسانیده در جوار فایض الانوار مدفون گردانیدند.^۲

۱. سیاحتنامه شاردن: ج ۳، ص ۷۷.

۲. ذیل عالم‌آرای عباسی: ص ۲۵۷.

این مهدی بن حبیب الله، مدتی هم صدراعظم شاه عباس دوم بوده است و فرمانی به انشای او در سفرنامه شاردن آمده است.^۱

عموم مسلمانان از شیعه و سنی، مرقد فاطمه معصومه علیها السلام را زیارت می‌کرده‌اند از نوشته شیخ عبدالجلیل رازی، چنین برمی‌آید که اهل تسنن نیز همواره به زیارت مرقد فاطمه معصومه علیها السلام می‌آمده‌اند، عبارت وی در این خصوص، چنین است: اهل قم به زیارت فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر علیه السلام روند که ملوک و امرا، و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت تقرب نمایند.^۲ از این عبارت می‌توان دریافت که در قرن ششم، علمای تسنن از شهرهای سنی‌نشین آن روز از قبیل ری و اصفهان و ساوه و همدان برای زیارت به قم می‌آمده‌اند و وقتی علمای تسنن بیایند، مسلماً عوام آنان هم می‌آمده‌اند.

زیارتنامه و زیارتنامه خوان

زیارتنامه خوانی در اعتاب مقدسه به ترتیبی که اکنون معمول است، ازکی و به چه کیفیت شروع شد، بر نویسنده معلوم نیست. آنچه مسلم است این است که این رسم از قرن‌ها پیش معمول بوده است.

در مورد زیارت فاطمه معصومه علیها السلام می‌توان گفت که از قرن سوم به بعد برای آن حضرت زیارتنامه می‌خوانده‌اند زیرا به موجب نوشته علامه مجلسی در مجلد مزار بحار الانوار، متن زیارتی از علی بن موسی الرضا علیه السلام برای خواهرش معصومه روایت شده است.^۳ معلوم است که مردم قم با ارادت شدیدی که همواره نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله داشته‌اند و اینکه شهر قم مرکز علما و فقها و محدثان شیعه بوده است.

۱. شاردن: ج ۲، ص ۲۲۶. در بخش مربوط به آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام از تاریخچه تولیت آستانه و فرمان‌های مربوطه به آن سخن خواهد رفت.

۲. النقض: ص ۶۴۳.

۳. مزار بحار: ج ۱۰۲، ص ۲۶۵ (چاپ جدید).

مسئله‌ای از این زیارت اطلاع داشته‌اند و هنگام زیارت مرقد مطهر، آن را می‌خوانده‌اند؛ اما به چه کیفیت؟ و آیا مثل امروز متن زیارت را در لوحه‌هایی می‌نوشته و از دیوار حرم آویزان می‌کرده‌اند؟ و عده‌ای به نام زیارتنامه خوان وجود داشته‌اند؟ نویسندگان اطلاعی ندارد.

آنچه در این مورد قطعی به نظر می‌رسد، وجود زیارتنامه و زیارتنامه خوان از عصر صفویه به بعد است که جهانگردانی که در آن زمان به قم آمده‌اند به این موضوع اشاره کرده‌اند.

از جمله شاردن جهانگرد معروف فرانسوی که در عهد شاه صفی به ایران آمده چنین گوید: بر طارمی مزار (مزار حضرت معصومه علیها السلام) نوشته‌هایی آویخته شده است، اینها ادعیه و اذکاری است که با آب طلا بر روی صفحات دباغی شده ضخیمی به قطر اوراق بزرگ کاغذی، نگاشته شده است و مخصوص حضرت معصومه و خاندان مبارک ایشان است. صفحه‌ای که در مقابل مدخل روبروی واردین قرار دارد، زیارتنامه این بارگاه معلی به شمار می‌رود، هر زائری هنگام ورود سه بار بر آستان مبارک و نرده مزار بوسه می‌زند، سپس راست می‌ایستد و به مزار مبارک نگاه می‌کند، آن‌گاه مآلی که یکی از خدمتگزاران دائم آستانه مبارکه است، به نزدیک زائر می‌آید و کلمه به کلمه وی را به قرائت زیارتنامه یاری می‌کند. زائر پس از خواندن ادعیه و اذکار لازم، طارمی مدفن و آستانه بارگاه را می‌بوسد، آن‌گاه مبلغی وجه به مآلی مزبور می‌دهد.^۱

بست نشینی

بست نشینی از چه وقت معمول شده بوده است؟ نگارنده اطلاع دقیق و مستندی ندارد. به احتمال قوی در ایام قدیم که قانون و مقرراتی برای رسیدگی به اتهامات و اختلافات وجود نداشت و اغلب اراده افراد حاکم بر سرنوشت مردم بود، هرکس

۱. سیاحتنامه شاردن: ج ۳، ص ۶۹.

مورد تهمت یا اعمال غرض قرار می‌گرفت، به درون مسجد یا امامزاده یا مکان محترمی پناه می‌برد تا خشم‌ها فرونشیند و از شدت و حدت طرف کاسته شود و بی‌گناهی او معلوم گردد.

مقررات اجتماعی، این رسم را پذیرفته بود، حتی اگر متهم یا فرد مورد تعقیب به مسجد یا مقبره امامزاده‌ای دسترسی نداشت، مکان‌های دیگری بود که می‌توانست در آنها بست نشیند. به تدریج از بست‌نشینی سوء استفاده شد و مجرمین و جنایتکاران هم برای رهایی از مجازات، بست می‌نشستند تا مورد عفو قرار گیرند، از این جهت مردان اصلاح طلب همواره با بست‌نشینی مخالف بودند و آن را لغو می‌کردند.

نخستین کس در ایران که بست‌نشینی را از میان برد، تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود.^۱

بست‌نشینی در آستانه فاطمه معصومه علیها السلام ظاهراً از قرن‌های هفتم و هشتم معمول بوده است. جلوتر، به نقل از جامع رشیدی، گفته شد که خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان در اوایل عصر مغول چون جان خود را در خطر دید، از اصفهان به قم آمد و در حرم حضرت معصومه علیها السلام که در آن وقت خارج شهر بود، معتکف نشست تا او را با لطایف الحیل از آنجا خارج کردند. اتابک یوسف شاه که توانسته بود خواجه را از حرم قم خارج سازد، مورد تشویق ارغون‌خان قرار گرفت.^۲

در زمان صفویه، بست‌نشینان حرم حضرت معصومه علیها السلام بیشتر کسانی بودند که قدرت پرداخت قروض خود را نداشتند یا نمی‌خواستند قرض‌های خود را پرداخت نمایند.

۱. ناسخ التواریخ، مجلد مربوط به قاجاریه. نظریه‌ای که در متن نسبت به منشأ بست‌نشینی ذکر شد، اقتباس از همین کتاب است.

۲. منتخب التواریخ معینی: ص ۴۵.

کاربری که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده و قم را دیده، به موضوع بست‌نشینی اشاره کرده و چنین گفته است:

در اطراف حرم چند حجره است که اشخاص قرض‌داری که نتوانند از عهده پرداخت دین خود برآیند در آنجا متحصن می‌شوند و در طول تحصن به هزینه اوقاف مسجد (مقصود حرم حضرت معصومه است) امرار معاش می‌کنند و طلبکاران نیز راه و اختیاری برای مطالبه طلب خود ندارند.^۱

تاوَرَنیَه که در زمان شاه صفی به ایران و قم آمده، در زمینه بست‌نشینی چنین گوید:

اشخاصی که برای عدم بضاعت از دست طلبکار بستی می‌شوند، مثل مسجد اردبیل (مقصود مقبره شیخ صفی‌الدین جد صفویه است) در همان اتاق‌ها (اتاق‌های اطراف حیاط اول آستانه حضرت معصومه علیها السلام) منزل می‌کنند و محل پناه آنها می‌شود.

محل‌های بست ایران مثل بست‌گاه‌های ما نیست که شخص متحصن باید کفیل مخارج خود شود، در ایران هر کس داخل بست می‌شود، تمام حوایج او را از موقوفات می‌دهند و او ابداً به خیال خوراک و لوازم زندگی نیست و در کمال فراغت خاطر بدون نگرانی در بست می‌ماند تا دوستانش در فرصت مناسب، اصلاحی در کار او به عمل بیاورند.^۲

در زمان قاجاریه، جنایتکاران و متمردان نیز بست می‌نشستند. هانری رنه دالمانی در ضمن وصف قم می‌گوید:

بزهکاران و جانان برای فرار از مجازات به این شهر (شهر قم) می‌آیند و در زیر دیوارهای مقبره پناهنده می‌گردند.^۳

۱. سفرنامه کاری: ص ۵۵.

۲. سفرنامه تاوَرَنیَه: ص ۸۲.

۳. از خراسان تا بختیاری: ص ۸۵۷ مربوط به شصت هفتاد سال پیش.

دوران انگلیسی که در حدود هفتاد سال پیش در ایران بوده چنین گفته است:
قم برای پناهنده شدن و به قول خود ایرانی‌ها، بست نشستن، مکان جالب
توجهی است و سنت بست‌نشستن در این کشور توسعه عجیبی دارد.^۱

اشتباهی از لسترنج

لسترنج مؤلف کتاب معروف سرزمین‌های خلافت شرقی چنین گفته است: این نکته
شایان توجه است که نه مستوفی (مقصود حمدالله مستوفی قزوینی است) و نه
هیچکدام از مؤلفان قدیم، ذکری از مزار فاطمه معصومه در آنجا (در قم) نکرده‌اند؛ با
اینکه این شهر همیشه به عنوان یکی از مراکز شیعه، شهرت داشته است...^۲

این سخن از لسترنج که مستشرقی است مشهور، دلیل است بر اینکه وی در این
زمینه تتبع کافی نکرده و دلیل دیگری است بر اینکه مستشرقان آنچه درباره
کشورهای شرقی می‌نویسند از روی تتبع و دقت لازم نیست و نباید آنچه گفته و
نوشته‌اند بی‌چون و چرا پذیرفت. اشتباهات آنان، اگر بررسی شود کم نیست؛ این
خود ما هستیم که باید در زمینه تاریخ کشور خود، با اتکا به مدارک اصیل و دست
اول، تتبع و بررسی صحیح و دقیق بکنیم.

اما در مورد اشتباه لسترنج، نخست اینکه وی به کتاب *نزهة القلوب مستوفی*
مراجعه کرده و در آنجا ذکری از مزار فاطمه معصومه نیافته، اما به کتاب
دیگر مستوفی یعنی تاریخ گزیده که به مراتب معروف‌تر از *نزهة القلوب* است
و از مدارک مهم و معتبر تاریخ ایران به حساب می‌آید، مراجعه نکرده است
که مستوفی در آن کتاب چنین نوشته که از دختران موسی الکاظم، سنی فاطمه
به قم مدفون است.^۳

۱. سفرنامه دورانند: ص ۳۱.

۲. ص ۲۲۷ ترجمه فارسی.

۳. تاریخ گزیده: ص ۲۰۵.

دیگر آنکه در تاریخ قدیم قم (تألیف در سال ۳۷۸ هجری) در موارد متعدد از سنی فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام و آمدن او در قم و دفن وی در آن شهر و دیگر خصوصیات به تفصیل، سخن رفته است.^۱

همچنین شیخ صدوق (متوفای سال ۳۸۱) در عیون اخبار الرضا^۲ و ابن قولویه (متوفای سال ۳۶۷) در کامل الزیارات^۳، دفن فاطمه معصومه علیها السلام در قم و ثواب زیارت آن حضرت را ذکر کرده‌اند. و نیز شیخ عبدالجلیل رازی (از نویسندگان بزرگ قرن ششم) در چند مورد از کتاب النقض از مزار سنی فاطمه در قم و اینکه شیعه و سنی آن را زیارت می‌کنند و دارای موقوفاتی است نام برده است.^۴

قبلاً هم به نقل از جامع رشیدی، معتکف شدن خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان را مزار مقدس فاطمه که در آن وقت خارج از شهر بوده، ذکر شده است در صورت تتبع کافی، مدارک بسیاری در این زمینه می‌توان ارائه کرد.

بدون تردید باید گفت که از قرن سوم تا امروز، مرقد فاطمه معصومه علیها السلام همواره زیارتگاه عموم بوده و بعد از مشهد مقدس رضوی، مزار درجه اول ایران محسوب می‌شده است.^۵

۱. از جمله در صفحه‌های ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲. ج ۲، ص ۲۶۷.

۳. ص ۳۲۴، نویسنده اطلاع از ذکر نام و مزار فاطمه علیها السلام را در کامل الزیارات مرهون لطف دانشمند ارجمند جناب آقای رضا منجمی است، به طوری که ایشان در یادداشت خود مرقوم داشته‌اند، فاطمه معصومه علیها السلام جزء راویان حدیث نیز می‌باشد و حدیثی که آن حضرت در سند آن قرار دارد در کتاب مسلسلات (ص ۱۰۸) تألیف ابومحمد جعفر بن علی قمی، معاصر صدوق، ذکر شده است.

۴. از جمله در صفحه‌های ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۲۲۰ و ۶۴۳.

۵. وقتی مستشرقی معروف بدون تتبع چنین مطلبی را بنویسد، دیگر از جهانگردان بی‌اطلاع چه انتظاری می‌توان داشت؟ و اگر مثلاً کاری که در زمان شاه سلیمان به ایران و قم آمده بنویسد که مقبره متعلق است به فاطمه بنت امام حسین علیه السلام فرزند امام علی و فاطمه زهرا دختر محمد صلی الله علیه و آله (ص ۵۴ سفرنامه) یا اوژن فلاندن و دیگران نظیر این اشتباهات را مرتکب شده باشند، نباید تعجب کرد. با تأسف باید گفته شود که گاهی بوی

قم، شهری مذهبی

قم از قرون اولیه هجری عنوان شهری مقدس و مذهبی را داشته است. ظاهراً اصل این عنوان روایاتی باشد که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن شهر و مردم آن نقل شده، عامل دیگر این است که مردم قم تحت تأثیر مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام و دیگر امامزادگان و مساجد و جوامع بزرگ و علمای متبحر که همواره در این شهر وجود داشته‌اند، از ابتدا نسبت به رعایت احکام دین، و به پا داشتن شعارهای مذهبی، مقید و علاقه‌مند بوده‌اند.

قمی‌ها نسبت به ائمه علیهم السلام تا آن حد خلوص داشتند که تمام اموال و املاک و حتی اثاث البیت خود را وقف آنان می‌کردند، همچنین علاقه آنان نسبت به سادات و آل علی علیهم السلام شرح داده شد.

شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب پر ارزش النقص، در موارد گوناگون، مردم قم را به دین‌داری و اقامه شعائر مذهبی ستوده است؛ از جمله گوید:

در قم مسجدهای بی‌شماری است با قاریان آشنا به قرائت و قرآن و مفسران عارف به منزلات و مؤولات و علمای صرف و نحو و لغت و شاعران بزرگ و فقها و علمای کلام و شب زنده‌داران و زاهدان و عابدان و زائران بی‌شمار خانه خدا و کسانی که سه ماه روزه دارند (رجب، شعبان، رمضان) و خاندان‌های شریف و بزرگ و علوی و رضوی و عرب و دیلم و خاندان‌های دیگر، در هر سحرگاه از چند مسجد و مناره آواز موعظه و بانگ نماز بلند است و هر روز در مساجد بزرگ و کوچک و مدرسه‌های معروف و سرای‌های بزرگان ختم قرآن، معتاد و معهود، و مال‌های فراوان که هر سال از جوه حلال به متابعت شریعت در جوه

→ غرض‌ورزی از نوشته‌های پاره‌ای از خاورشناسان استشمام می‌شود، از باب نمونه، فصل مربوط به شیعه را در کتاب تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری تألیف مستشرق با اطلاع از تاریخ اسلام، آدم میتز را ملاحظه بفرمایید و ببینید درباره عقاید شیعه چه نوشته است؟ و چطور نیمی از یک حدیث را به ضرر شیعه ملاک قرار داده است. و نویسندگان در یکی از شماره‌های مجله مکتب تشیع که سابقاً در قم منتشر می‌شد به تفصیل جواب او را داده است.

زکوات و اخماس و صدقات، صرف شود، به نظر امینان و متدینان و محتسب عارف علوی که بی‌ریا و سمعه دَرّه^۱ بر دوش نهاده و آنچه شعار شریعت و تمهید قواعد اسلام است از درس و مناظره و مجلس وعظ و حلقه ذکر معین و مقرر و نور و نزهت و برکت مشهد سستی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام ظاهر و باهر و امرا و وزرا آن را معتقد، به آثار خیرات و انوار برکات که دیده‌اند و شنیده‌اند.^۲ این شمه‌ای از وضع مذهبی قم در قرن ششم هجری بود.

در زمانی که «اوزون حسن قره قویونلو» در قم اقامت داشت، در سال ۸۷۴، هر شب جمعه مجلس وعظ تشکیل می‌داد و از سادات و علما و اکابر و اشراف دعوت می‌کرد تا در مجلس مزبور حضور یابند. ●

۱. دره - به کسر دال و تشدید راء - نوعی تازیانه که محتسبان برای نهی از منکر بر دوش می‌گرفته یا از دکه خود آویزان می‌کرده‌اند.

۲. النقض: ص ۱۶۴.

● علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم (چاپ دوم: قم، انتشارات زائر، ۱۳۷۸)، ص ۷۹-۹۳ و ۲۰۹-۲۳۴.

آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

چکیده: گزارش مختصری از تاریخ ساخت آستانه مقدسه حضرت معصومه در قم است. نویسنده با استناد به منابع تاریخی، گزارشی از ساخت اولین قبه بر تربت ایشان به دست زینب، نواده امام جواد، در سال ۲۵۶ق و سیر تغییر و تحول این آرامگاه در طول تاریخ ارائه کرده است.

توصیف مرقد مطهر، معماری مسجد طباطبایی، صحن عتیق، ایوان طلا، ایوان جنین، ایوان آئینه، ضریح حرم و گلدسته‌های حرم، از دیگر مباحث این مقاله است.

از دیدگاه نویسنده، ساختمان بارگاه و مرقد حضرت معصومه علیها السلام در اواسط قرن سوم هجری آغاز، و در طی قرون چهارم و پنجم و ششم هجری دارای قبه و گنبد و تزئیناتی گردید. اما آبادی و شکوه این آستانه مربوط به دوران سلسله صفوی می‌باشد. مرقد مطهر به طول ۲/۹۰ متر و عرض و ارتفاع ۱/۲۰ متر می‌باشد. پنج جانب آن مزین به کاشی‌های نفیسی از نوع کاشی‌های مربع شکل است. این کاشی‌ها دارای لعاب عالی و نقوش و طرح‌های رنگین گوناگون است.

روی مرقد آراسته به پانزده پارچه خشت‌های کاشی مربع مستطیل بزرگی است که عرضشان در عرض مرقد، و طولشان در طول مرقد نصب گردیده است. کلید واژه: آستانه حرم، حضرت معصومه، معماری.

این مقاله، بر مبنای مطالعاتی است که در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران درباره آستانه مقدسه قم به عمل آمده و در آن با نهایت ایجاز، آنچه که باید در مورد این آستانه مقدسه دانسته شود، آورده شده.

قم که یکی از شهرهای مشهور ایران محسوب می‌شود، ارتفاعش از سطح دریا ۹۳۰ متر می‌باشد و تقریباً ۲۷۰ متر از تهران پست‌تر است. این شهر در ۱۴۷ کیلومتری جنوب تهران در محل انشعاب راه‌های شوسه تهران، اراک، اصفهان، کاشان واقع است. حوزه شهرستان قم مساحتی تقریباً بیست فرسنگ در دوازده فرسنگ دارد.

قم تا اواخر قرن دوم هجری قمری، تابع اصفهان بوده ولی از زمان هارون الرشید از اصفهان جدا شد و تا چند سال پیش، جزء استان مرکزی بود. امروزه چند رشته از راه‌های اصلی و راه آهن سرتاسری کشور از قم می‌گذرد. از این لحاظ دارای اهمیت خاصی است.

قم به سال ۲۳ ه. ق به دست ابوموسی اشعری سردار اسلام فتح شد و آیین اسلام در آنجا نفوذ پیدا کرد. در زمان خلافت عباسی که بیشتر اوقات آل علی را تعقیب می‌کردند، بسیاری از سادات به قم پناه آوردند و از همین موقع عقاید شیعه در اذهان ساکنان قم رسوخ پیدا کرد و به تدریج یک شهر شیعه‌نشین شناخته شد. از این رو خاندان صفویه که مذهب شیعه را کیش رسمی ایران قرار داده بودند نسبت به قم توجه مخصوصی ابراز داشتند. در این دوره بود که این شهر رو به آبادی گذاشت و دارای ساختمان‌های نسبتاً زیبایی گردید.

سابقه شهر قم به پیش از اسلام می‌رسد، مورخان قدیم و شعرا از این شهر در آثار خود نام برده‌اند. گرچه این نوشته‌ها از لحاظ تاریخی چندان معتبر نیستند، ولی با توجه به محل اصلی شهر قم که خرابه‌های آن اکنون در یک کیلومتری مشرق شهر مشاهده می‌گردد و همچنین از نام خود شهر و نام‌های قرای اطراف و وضع زندگانی سکنه این دهکده‌ها معلوم می‌گردد که شهر قم بر

خلاف گفته «یاقوت حموی» که آن را از مستحدثات دوره اسلام می‌داند، سابقه‌ای بس طولانی داشته است.

در اواخر قرن دوم ه. ق حضرت فاطمه معصومه خواهر حضرت رضا علیه السلام که برای دیدار برادر گرامی خویش از مدینه به مرو می‌رفت چون به ساوه رسید، بیمار شد، خادم خود را امر فرمود که او را به قم برد و پس از هفده روز وفات یافت. پیروان آن حضرت جسد مطهر آن بانوی گرامی را در گورستان آنجا به خاک سپردند. از آن تاریخ به بعد مردم به تدریج مساکن خود را به حوالی مرقد او نزدیک کردند تا به مدفن وی نزدیک باشند و از زیارت قبر وی برخوردار گردند. در اثر مرور زمان ساختمان‌های شهر در قسمت‌های مشرق متروک ماند و مردم متوجه اطراف غربی شدند.

پس از دفن آن حضرت پسران سعد اشعری سایبانی از بوریا بر روی مزار او ترتیب دادند، مدتی بعد زینب دخت حضرت جواد علیه السلام گنبدی بر روی قبر ساخت. در سال ۴۳۱ ه. ق مرقد حضرت معصومه با خشت‌های کاشی زیبا آراسته گردید، و در سال ۹۲۵ ه. ق شاه بیگم صفوی (دختر شاه اسماعیل صفوی) گنبد سابق را خراب کرده و بقعه و قبه فاطمیه را به صورت کنونی بنیان ساخت. ایوان صحن و گلدسته‌هایی بر آن افزود و جدار آنها را با کاشی‌های معرق بیاراست. اکنون مساحت تمام مجموعه بناهای آستانه که شامل حرم مطهر، صحن عتیق و جدید، مسجد زنانه، موزه و سایر ساختمان‌های وابسته به آن است در حدود ۱۳۵۲۷ متر مربع می‌باشد که از این مساحت ۱۹۱۴ متر مربع آن زیربنای گنبد و ایوان‌های شمالی و جنوبی و شرقی و مسجد بالاسر و مقابر شاهان صفوی را دربر دارد.

چهار در به حرم مطهر باز می‌شود: یکی از مسجد طباطبایی (جنوب) دیگری از جنوب شرقی (مقابر سلاطین صفوی) سومی از شرق (ایوان آینه) و آخری از شمال (ایوان طلا).

مسجد طباطبایی

در جانب جنوب روضه مطهره و به جای صحن زنانه ساخته شده است. چون سابقاً گورستان بود به همین جهت مسجد نامیدن آن خلاف واقع می‌باشد. بانی گنبد ثقه الاسلام مرحوم حاج آقا محمد طباطبایی می‌باشد. گنبد مسجد را بر فراز ده پایه آجری به قطر 2×2 و ارتفاع $3/30$ متر بنا کرده‌اند.

قاعده گنبد بازدن چهار نیم‌طاق در چهار گوشه، از شکل مربع به صورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع درآمده است. از ضلع شمالی گنبد سه در یکی به رواق کشیک‌خانه، دومی در وسط به حرم زنانه (مقبره شاه صفی) و آخری به گنبد شاه عباس ثانی باز می‌شود، از جهت شرقی آن دری به کریاس مجاور صحن جدید باز می‌شود، از گوشه جنوب غربی هم دری به حوزه آستانه باز می‌گردد.

موزه آستانه از طرف آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف و اوقاف به جهت حفاظت و نگهداشت از بقایای نفیسی که در مشاهد متبرکه وجود داشت در این شهرستان تأسیس گردید. نفایس موزه متنوع و شامل سری‌های کامل و یا ناقص می‌باشد از قبیل سری جامعی از مسکوکات اسلامی از عصر خلفا تا حال اعم از طلا و نقره و مس و شمعدان‌های جوراجوری از طلا و مرصع بزرگ و کوچک، ۷۴ مجلد قرآن‌های خطی نسخ و ثلث کوفی از طلا و لاجورد از مذهب و غیر مذهب، قالی و قالیچه‌های عصر صفوی، دو سری کامل از کاشی‌های مختلف الشکل، چندین سری شمعدان‌های طلای مرصع و بخورسوزها و قندیل‌های زرین و مینا و یک سری اسلحه سرد و اشیای متفرقه فردی است.

و همچنین مقابر سلاطین صفوی از جمله مقابر شاه سلیمان و شاه صفی که رواق جنوبی حرم مطهر را تشکیل می‌دهد، از این رواق دری به مقبره شاه عباس ثانی باز می‌شود و برابر آن دری است که به خزانه آستانه گشوده می‌شود.

مسجد بالای سر، در غرب حرم مطهر واقع است. این مسجد وسیع‌ترین بیوتات آستانه و مرکز تشکیل مجالس عمومی سوگواری و نماز جماعت است.

در سمت شمال هم صحن عتیق، ایوان طلا و مدرسه فیض و ایوان آن قرار گرفته است که به توصیف آن در ذیل می‌پردازم:

صحن عتیق

ساختمان مربع شکل بوده که در اضلاع جنوبی و شمالی آن سه ایوان و در دو ضلع شرقی و غربی آن دیواری ساده و بدون ایوان و حجره بوده و صحن به صورت مشتم کنونی از عصر فتحعلی شاه و در سال ۱۲۴۵ هـ. ق در اثر مستحذات وی شکل گرفت. صحن مزبور که به نام صحن کوچک خوانده می‌شود، این صحن به شکل هشت ضلعی مختلف الاضلاع نامنظم بنیان گردیده است که جهات اصلی آن از شمال به جنوب ۳۴/۳۰ متر است.

ایوان شمالی داخلی

در مدخل صحن از جهت شمالی ایوانی است بسیار پرکار و بدیع با ازاره سنگی ابزارزده فتیله‌دار که در متن آن گل‌های برجسته حجاری شده است. این ایوان به عرض ۴/۵۰ و ارتفاع ۱۲ متر در کمر بندش کتیبه‌ای است از کاشی معرق با دو خط ثلثی نسخ و کوفی می‌باشد. پشت ایوان کریاسی است دارای دو مناره که پوشش آن آراسته به کاشی‌های معرق است. جلوی در ورودی شمالی صحن از خارج ایوانی است که از هر جهت مانند سردر شرقی است، با این تفاوت که سردر شمالی فاقد صفت‌های طرفین است و دو گلدسته روی جرزه‌های جانبین دارد و قسمت پایین آنها مخروطی و روی آن قلمه مسلسل می‌باشد. در کمر بند ایوان کتیبه‌ای است از کاشی خشتی به خط نستعلیق نوشته است.

ایوان شمالی صحن عتیق

جهت اصلی ضلع شمالی صحن عتیق را سه ایوان زیبا فرا گرفته که بنیان‌گذار آنها شاه بیگم (دخت شاه اسماعیل صفوی) در سال ۹۲۵ هـ. ق بوده است. این ایوان به دهانه ۸/۷۵ و عرض ۲/۵۰، ارتفاع ۱۲/۵ و ازاره‌اش به ارتفاع ۱/۵۰ متر

که مزین به کاشی‌های منقش رنگی و بدنه‌اش سفیدکاری و پوشش آن مقرنس آویزدار مشبک گچی و جرزهای طرفینش آراسته به کاشی‌های الوان گرهی و لچکی‌هایش مزین به کاشی‌های معرق در کمرگاهش کتیبه‌ای است از کاشی خشتی لاجوردی که ابیاتی روی آنها نوشته شده است. در سطح بام ایوان روی طاقبند گلدسته‌ای زیبا شبیه نقاره‌خانه ساخته شده است، بر بالای جرز شرقی ایوان غرفه کوچکی است به دهانه نزدیک ۲ در ۳ متر که دستگاه ساعت درون آن نصب شده است.

در شمال غربی صحن هم مقابر سلاطین قاجار قرار دارد؛ از جمله مقبره محمد شاه قاجار، مقبره مهدعلیا مادر و همسر دختر شاه می‌باشد. در ضلع شمالی جانب شرقی صحن عتیق مقبره «مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک آشتیانی» قرار دارد. در ضلع جنوبی صحن مقبره نظام‌الدوله می‌باشد.

ایوان طلا

ایوان طلا و ایوان‌های دوطرفش که در جهت شمالی روضه واقفند از مستحدثات سیده شاه بیگم صفوی می‌باشد. این شاه ایوان تاریخی که ایوان شاه نیز نامیده می‌شود، مزین به کاشی‌های کوچک قالب ساده و هشت ترکی فیروزه خام عصر صفوی است که در تعمیرات بعدی از تعداد کاشی‌ها کاسته و در عوض کتیبه‌ای معرق بر روی ازاره افزوده گردیده است. روی کتیبه آراسته به کاشی‌های معرق زمینه لاجوردی خوش نقش از عصر صفویه و بر بالای آن کتیبه دیگری است به خط ثلث سفید از کاشی معرق که به آن اهمیت خاصی بخشیده است.

ایوان جنبین

در طرفین ایوان طلا دو ایوان که ازاره تازه‌سازشان سنگ مرمر صیقلی است، مقرنس زرین‌پوش ایوان در زیبایی، در بین همه ایوان‌های زرین مشاهد متبرکه عالی و در نقطه مرکزی آن نیمه شمس‌ه‌ای از طلای برجسته با اشعه‌های زیبا کنده‌کاری شده است.

مدرسه فیض

مولانا فیض کاشانی در سال ۱۰۵۳ مدرسه‌ای در نزدیکی صحن عتیق بنا نهاد. امروزه مدرسه سابق را خراب کرده و به جای آن مدرسه‌ای به صورت مربع بنا نهاده‌اند.

ایوان مدرسه فیض

این ایوان در ضلع جنوبی مدرسه فیض قرار دارد. در آغاز ساختمان سردری ساده بود. این در در کنار گورستان قرار داشت که عتبه فاطمیه خوانده می‌شد و تنها راه ورودی به صحن عتیق بود که با دو ایوانچه جنبین چهار متر پیش‌آمدگی داشت و بعدها در طرفین آن حجره‌هایی ساخته شد و ضلع جنوبی مدرسه را فراگرفت، دارای تزئینات کاشی‌کاری و گچ‌بری آن می‌باشد و معرقی عالی و مقرنس و مفرسی خوش ردیف و بی‌نظیر است، و مختصر شکافی در ابتدای آن بالای درگاه مدخل کریلس وجود دارد با اینکه تا به حال مرمتی از آن به عمل نیامده، اصالت خود را حفظ کرده است. این ایوان به دهانه ۶/۵۰ و عرض ۴ و ارتفاع ۱۴/۵۰ و ضخامت جرزهای جنبین ۲/۴۰ متر که به وسیله راه پله وسط و دو سکوی طرفین جلوه خاصی یافته است.

تزئینات ازاره ایوان با کاشی‌های منقش هفت رنگ دوره قاجاریه می‌باشد. در طرفین درگاه مقابل هم در هر طرف نقشه‌بند اسلیمی از کاشی معرق است. در بالای قاب کتیبه‌ای است که روی آن به خط نستعلیق طلایی در زمینه مشکی که در نهایت ظرافت تراش‌کاری شده است.

در شرق حرم مطهر ایوان شرقی و ایوان آینه واقع است و در ذیل به توصیف هر کدام می‌پردازم:

ایوان شرقی با مقرنس آویزدار کاشی

ایوان شرقی با پوشش مقرنس آویزدار از کاشی در صحن جدید برابر ایوان آینه از اهمیت خاصی برخوردار است. این ایوان با کاشی‌های معرق و پوشش معرق مطبق دارای آویزهای معلق و مزین به دو کتیبه سراسر کمربندی است. ایوان

دارای محرابی پنج ترکی تمام کاشی کاری می باشد. جرزهای طرفین ایوان دارای ازاره‌ای است به ارتفاع دو متر از سنگ یکپارچه حاشیه ابزار زده که در متن آن گلی برجسته حجاری شده است.

ایوان آینه

ایوان آینه یکی از ایوان‌های صحن جدید می باشد. ایوان آینه تالار سراسری جلو و تالارچه‌های دو طبقه جنبین و گلدسته‌های بلند و زیبای طرفین آن، که دارای سبکی خاص و یکی از شاهکارهای فن معماری می باشد. ازاره ایوان آینه به اندازه ۱/۲۰ متر سنگ مرمر خوش نقش دلپذیر است که در بین آنها دو تخته بلند به طول ۳/۲۵ متر طرفین ایوان رازینت بخشیده است. در گوشه‌های ازاره داخلی مجموعه هشت نبشی، برجی شکل ماریچچ چون هشت ستون مرمر دارای ته ستونی گلدانی و سرستونی مقرنس ظریف مرمری بسیار جالب می باشد. بالای ازاره قسمت داخلی ایوان تمام جدار قاب آینه‌های قدی و غیرقدی با نقشه‌های زیبا و بعضی از آنها تابلوی نفیسی از نقاشی قلمی، و دارای کتیبه‌های متنوع می باشد.

تالار و تالارچه‌های طرفین ایوان

در جلوی ایوان آینه تالار زیبایی است که در کار ساختمان آن نهایت سلیقه و هنرمندی به کار گرفته شده است. این تالار از جلو بر بالای چهار ستون سنگی بلند استوانه‌ای مرکب از قلمه ماریچچی و ته ستون چند ضلعی گل برجسته و سرستون‌های زیبا با قوسی‌های طاقبند و از پشت بر روی هر ه بام ایوان حمل شده است.

در توصیف حرم مطهر

بنایی است به شکل کثیرالاضلاع غیر متساوی دارای هشت صغه می باشد. ساختمان زیبایی است با کاشی‌های معرق و خشتی چینی ماندنی آراسته است. از تزیینات قدیمی جز کتیبه کمربندی روی ازاره با حاشیه آن چیزی باقی نمانده

است، بقیه جدار داخلی حرم با آینه کاری تزیین شده است. منظره آینه کاری آن هم در برابر اشعه چراغ‌های متنوع و امواج منعکس شده از نورهای مختلف بی‌نهایت جالب توجه است. سابقاً از هر صدف به جز صدف جنوبی دری به خارج باز می‌شد، وسط حرم با مقبره شاه صفی مشبکی برنجی و گودار نصب بود، ولی اکنون پنجره را برداشته محوطه مزبور را جزء فضای حرم ساخته‌اند که به حرم زنانه شهرت یافته است. فعلاً دو دری یکی طلا و دیگری نقره وسط حرم مطهر با ایوان شمالی و رواق شرقی باقی مانده است.

ضریح حرم مطهر

قرن‌ها تربیت فاطمیه در وسط حرم مرقدی مزین به کاشی‌های ثمین و بدون تزیین بود. سلاطین صفوی ضمن تقویت مبانی دینی به تعمیر مشاهد متبرکه پرداختند. دختر شاه اسماعیل صفوی بقعه و قبه فاطمیه را به صورت کنونی بنیان ساخت.

بعدها به فرمان شاه طهماسب اطراف مرقد را ضریحی مزین به کاشی بنا نهادند و بعداً هم ضریحی از فولاد شفاف و مشبک در جلو آن نصب نمودند تا از حسن منظر بیشتری برخوردار گردد.

در عصر سلاطین قاجاریه به فرمان فتحعلی شاه قاجار ضریح مزبور را نقره‌پوش ساخته، بر فراز پایه‌ای از مرمر صیقلی نصب کردند. ضریح نقره به مرور فرسوده و جدار مشبک آن از هم گسسته گشت، و در زمان ناصرالدین شاه در تهیه ضریحی بهتر و کامل‌تر از سابق برآمدند. این ضریح هم از وسط محوطه به جانب جنوب غربی نصب گردید. ضریح دارای بیست درگاه مشبک گودار بود و روی پایه‌های فاصل با صفحاتی از نقره کنده کاری پوشانده شده روی صفحه‌های نقره را هم صفحاتی زرین به اشکال ترنج و مضلع میخ‌کوب کرده بودند.

در چندین سال قبل شکل ضریح را تغییر دادند و قسمت بالای آن را تجدید کردند، ضریح کنونی را با طول ۵/۲۵ متر و عرض ۴/۷۳ متر و ارتفاع ۳ متر آماده و نصب نمودند. پوشش ضریح با مخمل سبز رنگ و گل داری است که بر روی دو کمان گسترده شده است.

در طلای ضریح کاشی

قبلاً در سمت شمال ضریح کاشی درگاهی چوبی برای ورود به محوطه مرقده باز بود تا اینکه در سال ۱۲۱۳ ه. ق به دستور فتحعلی شاه قاجار در طلای کنونی به جای در چوبی نصب گردید. این دو لنگه نفیس و زیبا به عرض ۱/۲۰ و ارتفاع ۱/۷۰ متر ابتدا با صفحاتی از نقره کنده کاری شده پوشانده‌اند و سپس صفحه‌هایی از طلای خالص بر روی آن میخکوب کرده‌اند. در دارای چندین کتیبه به خط نستعلیق عالی و برجسته آیاتی از قرآن و ابیاتی از منشآت فتحعلی خان صبا قالب‌ریزی شده است.

مرقد مطهر

ساختمان بارگاه مرقده حضرت معصومه علیها السلام در اواسط قرن سوم هجری آغاز و در طی قرون چهارم و پنجم و ششم هجری دارای قبه و گنبد و تزییناتی گردید. اما آبادی و شکوه این آستانه مربوط به دوران سلسله صفوی می‌باشد. مرقده مطهر به طول ۲/۹۰ متر و عرض و ارتفاع ۱/۲۰ متر می‌باشد. پنج جانب آن مزین به کاشی‌های نفیسی از نوع کاشی‌های مربع شکل است. این کاشی‌ها دارای لعاب عالی و نقوش و طرح‌های رنگین گوناگون است.

روی مرقده آراسته به پانزده پارچه خشت‌های کاشی مربع مستطیل بزرگی است که عرضشان در عرض مرقده و طولشان در طول مرقده نصب گردیده است. در چهار بدنه مرقده کتیبه‌های چهار جانبی و سه جانبی وجود دارد که پنج کتیبه آن

روی خشت‌های دوبر ردیف اول قرار دارند. کتیبه سوم به خط کوفی می‌باشد و به صورت محراب درآمده، قسمت محرابی شکل آن روی کاشی متن آمده است. مرقد مطهر در مرکز حرم قرار ندارد بلکه کمی متمایل به جنوب غربی می‌باشد، انحراف مرقد در عصر صفوی موجب شد که به فرمان شاه طهماسب اطراف مرقد را ضریحی مزین به کاشی نمایند، و برای آن منافذی بازگذاشتند تا مرقد شریف در پرتو انوار شمعدان‌ها در پشت آن قابل رؤیت باشد. در عصر سلاطین قاجار ضریح مزبور را نقره‌پوش ساختند. گنبد را زرین و جدار داخلی روضه را آینه‌کاری و پوشش ایوان را هم با خشت‌های زراندود تزیین کردند.

گنبد حرم

اولین گنبد وسیع را برفراز تربت «فاطمه معصومه»، میر ابوالفضل عراقی وزیر سلطان طغرل کبیر سلجوقی بنا نهاد، و در طول یک قرن هیچ‌گونه تحول و تغییری در آن رخ نداده است. سطح بیرونی گنبد کاشی و سطح درونی آن به طلا و لاجورد مزین بوده است، قاعده گنبد کثیرالاضلاع منظم بوده و هشت گوشه تشکیل می‌داده به طوری که در چهار ضلع موازی آن چهار در از چوب گردو بوده است.

گلدسته‌های آستانه مقدس

شش گلدسته با تالارچه زیبا وجود دارد که دو به دو با هم مشابه‌اند. گلدسته‌های متوسط با طلا، از آثار شاه بیگم صفوی (دختر شاه اسماعیل صفوی) می‌باشد که همزمان با بنای ایوان ساخته شده است. این گلدسته‌ها از لحاظ سبک ساختمان ساده و به شکل مناره‌ای استوانه‌ای است. ارتفاع آنها از سطح بام ۱۷/۴۰ متر، از کف صحن ۳۲/۲۰ متر و قطر ۱/۵۰ متر به جز نیم متر پایین آنکه آجری و چند ضلعی

است، بقیه جدار آن تازیر تالارچه آراسته به بهترین کاشی‌های گره‌سازی خوش نقش و رنگ پیچ مزین به ترنج‌هایی که در وسط آنها اسامی «جلاله» و نام‌های «محمد و علی» به خط بنائی چیده شده است.

منابع:

۱. گنجینه آثار قم: چاپ اول، سلسله تألیفات فیض، سال ۱۳۴۹، قم.
۲. تاریخ قم: تألیف ناصر الشریعه، چاپ حکمت، قم.

آستانه معصومه و گرداگرد آن

سید علی اکبر برقی

چکیده: گزارش مفصّلی از حوادث تاریخی و زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به مهم‌ترین منابع تاریخی (النقض، تاریخ قم، ناسخ الواریخ) و منابع حدیثی (بحارالانوار و کافی) زندگی پربرکت حضرت معصومه و تاریخچه آستانه مقدّسه ایشان را به تصویر کشیده است.

ثبت کتیبه‌های موجود در آستانه، از مهم‌ترین ویژگی‌های این مقاله است که شامل ثبت اشعار و متن‌های کتیبه‌های گنبد مطهر، حرم، ضریح، کتیبه بالای سر، ایوان طلا، مسجد بالاسر، مقابر سلاطین صفویّه، صحن‌ها، مدرسه فیضیه و دارالشفاست.

مباحث پایانی درباره نفایس آستانه، شامل قالی‌ها و قالیچه‌ها، کاشی‌ها، زری‌ها و اشیای متفرقه و معرفی رجالی است که در اطراف آستانه مدفونند: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی، پدر بزرگوار رئیس محدّثین، شیخ صدوق؛ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه؛ علی بن ابراهیم بن هاشم القمی؛ زکریّا بن آدم بن عبدالله بن سعد الأشعری القمی؛ قطب‌الدین سعد بن هبة الله الرّاوندی؛ ابوجریر زکریّا بن ادريس؛ آدم بن اسحاق بن آدم الأشعری القمی؛ میرزا حسن فرزند مولی عبدالرزاق لاهیجی و حاج شیخ عبدالکریم حائری.

از دیدگاه نویسنده، یقین است که تا پیش از طلوع خاندان صفوی، و ظهور سلطنت این سلسله، آستانه با همان وضعی که نگاشته گشت، بوده است؛ دیگر نه

ضریحی در آن نصب بوده، و نه ایوان‌های باشکوهی که اکنون دیده می‌شود، و نه صحن‌های سه‌گانه. در زمان سلطنت خاندان صفوی - به سال ۹۰۶ به بعد - تعمیرات مهمی در آستانه دیده می‌شود.

کلید واژه: آستانه حضرت معصومه، کتیبه‌ها، اشعار در منقبت، رجال مدفون در آستانه.

*

حضرت معصومه و تاریخچه آستانه

سرزمینی را که آستانه حضرت معصومه در آن واقع است، در قدیم الایام آن را بابلان می‌گفتند و در تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی که در سال ۳۷۸ آن را به رشته تحریر کشیده است، در دو موضع نام بابلان را برده است. زمین بابلان ملک موسی بن خزرج اشعری بوده و پیش از آنکه حضرت معصومه در آن مدفون گردد، بنایی نداشته است و اول بنایی که در آن شده، همان مرقد مطهر است و این زمین را برای مدفن آن حضرت، موسی بن خزرج معین نمود که هم مهمان‌دار آن حضرت و هم در عصر خود رئیس و محترم بوده است. برای اینکه درست با تاریخچه آستانه آشنا شویم، لازم است اول شرح مختصری از کیفیت ورود حضرت معصومه به قم تا زمانی که از دنیا رحلت فرموده، نگاشته شود.

حضرت معصومه که فاطمه نام داشته است، دختر موسی بن جعفر علیه السلام بوده و به ستودگی صفات و روحانیت و عبادت و بزرگی منزلت و تقوا ممتاز بوده است و پیش از اینکه از مادر متولد گردد، حضرت صادق علیه السلام از مقام و منزلت او خبر داد؛ آنجا که قم را به فضیلت یاد نمود و فرمود: خدای را حرمی است و آن مکه است و رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است و امیرالمؤمنین را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن شهر قم است. بدانید که زود باشد که به شهر قم زنی از فرزندان من، فاطمه نام، دفن شود، و هر کسی که به زیارت او رود، بهشت او را واجب شود.

راوی گوید: این سخن [را] حضرت صادق علیه السلام فرمود و هنوز موسی کاظم در شکم مادرش پیدا نشده بود و مادرش بدو حامله نگشته،^۱ و شیخ اجل صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا و نیز در کتاب ثواب الاعمال سند را به سعد بن سعد می‌رساند و او پرسید از حضرت رضا علیه السلام از فاطمه بنت موسی بن جعفر، فرمود: کسی که او را زیارت کند، بهشت او را باشد.

و در فضل و ثواب زیارتش سه حدیث دیگر است.

حضرت معصومه علیها السلام در مدینه بود تا آن زمان که مأمون حضرت رضا را از مدینه به مرو طلبید تا ولایت عهدی را بدو تفویض نماید و این قضیه در سال دویست هجری روی داد. حضرت معصومه سال دیگر (۲۰۱) شور دیدار برادر بر سرش افتاد و با شوقی تمام به راه افتاد و همی راه در نوردید تا به شهر ساوه رسید و در آنجا مریض و بیمار گردید. پرسید میان ساوه و قم چه مسافت است، گفتند ده فرسنگ. خادم خود را فرمود شتاب کن و مرا به قم برسان.

از میان پسران سعد اشعری، موسی بن خزرج شبانه به استقبال آن حضرت بیرون شتافت. چون به شرف خدمت آن حضرت رسید، زمام ناقه او بگرفت و به جانب شهر کشید و او را به سرای خود فرود آورد و شرط خدمت بجای آورد، لکن حضرت معصومه بیمار و ناتوان بود و پس از هفده روز از این جهان درگذشت و به سرای جاودانی شتافت، به سال ۲۰۱ هجری، و پسران سعد را در سوگ خود نشانید.

حضرت معصومه علیها السلام اختری بود تابان و به زیور تقوا و عفاف آراسته و درست آن است که پس از وفاتش تابنده‌تر و جهان‌افروزتر گردید و صحنه قم را از روحانیت خود عبیرافشان کرد و بر عظمت و اعتبار شهر صد چندان بیفزود.

محرابی که حضرت معصومه علیها السلام در خانه موسی بن خزرج در آن نماز خوانده بود، برجای آن مسجدی بساختند و هنوز برجاست و سرایی که در آن نزول فرموده بود، معروف است به سِتیّه.^۲

۱. ترجمه تاریخ قم، ص ۲۱۵.

۲. سِتی در لغت عرب به معنی بانو و خانم است و سِتیّه خانه‌ای است که به بانو منسوب است.

این بود تاریخ مختصری از حضرت معصومه. اکنون باید دانست که در زمینی که مدفون گردید، از آن پس چه تغییری روی داده است.

پسران سعد اشعری بر سر تربت او سایبانی از بوریا ترتیب دادند. این بود تا آن‌گاه که زینب دختر حضرت جواد علیه السلام گنبدی بر سر تربت او بنا نهاد و در جنب قبر وزیر قبه حضرت معصومه دو بانوی دیگر مدفون گردید؛ یکی ام محمد، دختر موسی مبرقع، و یکی ام اسحاق، جاریه محمد بن موسی، و سه بانوی دیگر در جنب ایشان مدفون شد که گنبدی جداگانه بر سر تربت ایشان بنا نهادند؛ اول میمونه، دختر موسی مبرقع، دوم ام حبیب، جاریه ابوعلی محمد بن احمد بن موسی، سوم ام القاسم، دختر علی کوبی.^۱

از اینها که گفته شد، وضع بنای قدیمی آستانه معلوم گردید و اینکه قبل از این همه ساختمان‌های باشکوه در ابتدای امر دو قبه بیش نبوده و در زیر آن دو قبه فقط شش تن مدفون بوده‌اند.

قبه حضرت معصومه علیه السلام دری داشته که به طرف رودخانه باز می‌شده است و این در هم کوچک و هم کوتاه بوده است. ابوالحسین زید بن احمد بن بحر اصفهانی که در قم عامل بود، در سال ۳۵۰ هجری آن در را برداشت و برجای آن دری بزرگ‌تر نصب کرد.

بنابراین، بنای آستانه تا سال ۳۵۰ به همان وضع نخستین بوده و فقط تغییری که در آن راه یافته است، همان در کوچک بود که برداشته‌اند و بزرگ‌تر کرده‌اند. در سال ۵۲۹ هجری شاه بیگم دختر عماد بیک که از زنان بلندهمت و نیکوسیرت و ثروتمند بوده است، گنبدی باشکوه بنیان نهاد^۲ و آن دو قبه کوچک را برداشت و به یک گنبد بلندتر و بزرگ‌تر تبدیل کرد. اطلاعاتی که از وضع این گنبد داریم، این است که سطح بیرونی گنبد کاشی بوده است، لکن از چگونگی

۱. ترجمه تاریخ قم، ص ۲۱۴.

۲. روح و ریحان، ص ۴۵۹.

کاشی‌های آن اطلاع درستی نداریم، و سطح درونی گنبد از طلا و لاجورد نقش و نگار بوده است و قاعده گنبد کثیرالاضلاع منظم بوده و هشت گوشه تشکیل می‌داده؛ به طوری که در چهار ضلع موازی آن چهار در از چوب گردو بوده است که با رنگ زرد و بخور براق کرده بودند.

یقین داریم تا پیش از طلوع خاندان صفوی و ظهور سلطنت این سلسله آستانه با همان وضعی که نگاهشسته گشت، بوده است؛ دیگر نه ضریحی در آن نصب بوده و نه ایوان‌های باشکوهی که اکنون دیده می‌شود و نه صحن‌های سه‌گانه. در زمان سلطنت خاندان صفوی به سال ۹۰۶ به بعد تعمیرات مهمی در آستانه می‌بینیم که در فصل سوم ذکر می‌شود.

تجدید بنای آستانه

پیش از ظهور صفویه آستانه دارای همان گنبد کاشی می‌بود که شاه‌بیگم در سال ۵۲۹ هجری قمری بنا نهاده بود. پس از آن از سال ۴۰۵ تا سال ۴۱۳ مظفر بن احمد بن اسماعیل مرقد مطهر را با خشت‌های مختلف‌الشکل کاشی از مربع و کوبی بیاراست - به شرحی که در نغایس آستانه بیاید - دیگر نه ایوان طلای شمالی بود و نه ایوان شرقی آینه و نه مسجد بالای سر و نه دارالسیاده و نه صحن عتیق و نه صحن جدید و نه صحن زنانه و نه ضریح فولادین و یا نقره و نه بقاع و مقابر سلاطین صفویه، و کلیه تغییراتی که در این آستانه بلکه کلیه آستان‌های مقدس شیعه پیدا شده، از زمان صفویه به بعد بوده است که اکنون گزارش می‌شود.

اول کسی که تغییری در وضع آستانه داد، شاه اسماعیل صفوی بود که ایوان قسمت شمالی را در سال ۹۲۵ بساخت و با کاشی‌های معرق فیروزه‌فام آن را بیاراست و صحن عتیق را شالوده ریخت و این ایوان، یگانه مدخل (راهرو) آستانه گردید.

بعد از شاه اسماعیل، شاه طهماسب برای مرقد مطهر ضریحی از کاشی بساخت و این کار به دست اعتمادالدوله که از رجال اول مملکت بوده است، به سال ۹۵۰

انجام یافت و نیز شاه طهماسب بنای تاریخی دیگر به یادگار گذاشت و آن بنای ایوان جنوبی مدرسه فیضیه می باشد که به صحن عتیق چسبیده است و چنانکه گفتیم، پس از بنای ایوان شمالی آستانه راهرو حرم صحن عتیق و همان ایوان باشکوه شاه اسماعیل بوده است و شاه طهماسب می خواست زائرین آستانه از دو ایوان باشکوه عبور نموده، وارد حرم گردند، نه اینکه ایوان را برای مدرسه فیضیه ساخته باشد - چنانکه بعضی گمان برند - و در جای خود گوئیم که این مدرسه کوچک بوده و بعدها آن را بزرگ کرده اند و در آن ایام گنجایش چنان ایوان رفیع و باشکوهی را نداشته است. بنای این ایوان با کاشی های لاجوردی رنگ آن به سال ۹۳۹ به پایان رسیده است.

و شاه صفی اول صحن زنانه را که در قسمت جنوبی آستانه است، در سال ۱۰۷۷ بنا نهاد. این صحن برای مقبره شاه عباس و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین راه مخصوصی شد؛ چنانکه می بینیم مدخل آنها در این صحن واقع است، و شاه عباس ضریحی از فولاد سفید ترتیب داد^۱ و مرقد مطهر را به طوری که ضریح کاشی را نیز فرا می گرفته، بدان آرایش داد و ضریح نقره که اکنون دیده می شود، همان فولادین است؛ فقط صفحه هایی از نقره بر آن افزوده اند - به شرحی که سپس نگاشته می گردد.

و در قسمت جنوب غربی آستانه، شاه صفی ثانی بنایی بیفزود. این بنا که به سال ۱۰۷۷ بسی ماهرانه ساخته شده و از بناهای تاریخی است، مقبره شاه عباس ثانی می باشد؛ چنانکه سیاح شهیر، تاورنیه، در موقعی که آن را می ساختند، تماشا کرده و این جمله را درباره آن نوشته است:^۲

«متصل در مقبره شاه عباس کار می کنند و می خواهند آن را یک بنای خیلی عالی بنمایند. اهالی مسجد (مقصود از مسجد، آستانه است) به من گفتند گنبد آن از طرف

۱. این ضریح به قدری سفید و براق بوده است که تاورنیه را در اشتباه انداخته و بدون تردید آن را نقره انگاشته است.

۲. تاورنیه، ص ۱۴۰.

داخل نقره پوش خواهد شد. دیوارهای داخلی آن سنگ مرمر است به ارتفاع ۳/۷ متر و روی آن را از گل و بوته نقش و نگار کرده‌اند.»

و در سمت غربی آستانه، متصل به مقبره شاه عباس، بنایی دیگر شاه سلطان حسین به سال ۱۱۰۷ بیفزود که مقبره پدرش شاه سلیمان در آن واقع است. مرتضی قلی خان پسر علی خان ملقب به صفی قلی خان که از رجال دولت صفویه بوده است، ایوان آستانه را مرمت نمود.^۱

اینها که نگارش یافت، قسمت‌هایی بود که سلاطین صفویه افزوده‌اند و یا در زمان سلطنت ایشان افزوده گردیده است، اما قسمت‌هایی که از این تاریخ به بعد افزوده شده است، بدین ترتیب می‌باشد:

در سال ۱۲۱۸ از طرف سلطان وقت گنبد مطهر را طلا نمودند؛ بدین قرار که کاشی‌های گنبد را برداشته و به جای آن خشت‌های زراندود به کار بردند و سپس مسجد بالای سر را به سال ۱۲۳۶ بنا نهادند و نیز در سال ۱۲۴۹ مقرر شده بود سقف و پایه ایوان شاه اسماعیل صفوی را از خشت‌های زر بیارایند،^۲ ولیکن این مهم انجام نگرفت، مگر در سال ۱۲۶۶ که آن را به پایان رسانیدند و هم در آن اوقات صحن عتیق را وسعتی دادند و در سمت شمال غربی آن بقعه‌ای برای مدفن فتحعلی شاه اختصاص داده شد و نیز مأذنه صحن عتیق را که در شمالی صحن عتیق واقع است، بنا نهادند و آن را با خشت‌های طلا بیاراستند و هم در سال ۱۲۲۱ درب طلای ضریح را به پای داشتند و نیز در سال ۱۲۲۱ کف حرم مطهر و همچنین زیر پای ضریح را سنگ مرمر نمودند و نیز در سال ۱۲۲۱ دری ساختند و از شمش‌ها و پارچه‌های طلا آن را بیاراستند و در هر مصراع اشعاری بنگاشتند و آن را در ضلع شمالی رواق متصل به ایوان طلا نصب نمودند.

کیکاوس میرزا در زمانی که حکومت قم و کاشان داشت و در قم متوقف بود،

۱. آثار الشیعة، ص ۲۰۹.

۲. ناسخ التواریخ، جلد قاجاریه، ص ۶۷.

سقف گنبد مطهر را در سال ۱۲۱۵ مقرنس نمود و سپس آنرا با آیینه بیاراست و کتیبه‌ای گرداگرد گنبد بنگاشت.

و نیز در سال ۱۲۷۶ ایوان شاه اسماعیل را با خشت‌های طلا آرایش دادند و در سال ۱۲۷۵ ضریح فولادین را نقره نمودند؛ بدین ترتیب که صفحه‌هایی از نقره بر روی فولاد به کار بردند و با کتیبه‌ای دور تا دور آن را مزین نمودند.

شهاب‌الملک گلدسته‌های ایوان طلا را بنا نهاد و آن را با خشت‌های کاشی ترتیب داد. کامران میرزا قسمت بالای آن دو میل گلدسته را طلا نمود. میرزا شفیع در زمانی که حکومت یزد داشت، از یزد سنگ‌های مرمری برای آستانه بفرستاد و رواق را با آن سنگ‌ها فرش کردند و سنگ‌های قدیمی را برداشتند و در ایوان بزرگ (ایوان طلا) به کار بردند.^۱

امین السلطان صحن جدید را بنا نهاد و شالوده آن را آقا ابراهیم امین السلطان بریخت و با عزمی متین به این مهم دست زد و قبرستان را تا حدود صحن فعلی از هر طرف پی‌برداری نمود، لکن روزگار فرصتش نداد و مرگش فرا رسید و این مهم بر دست فرزند ارجمند نیکوسیرتش امین السلطان، وزیر اعظم، انجام یافت.

نقشه بنای این صحن را استاد حسن معمار قمی طرح نمود. استاد حسن در عصر خود از معماران مشهور بلکه از همسران و همکاران برتر بوده است. این مرد همان کسی است که طاق مسجد سپهسالار حاج میرزا حسین خان را در تهران بنا نمود و تیمچه بزرگ بازار قم را که بر چهار ستون به پا داشته و حیرت‌انگیز است، بساخت و بهترین گواه استادی و مهارتش همان بناهای اوست.

امین السلطان در طرف غربی صحن جدید و شرقی رواق، ایوان باشکوه بنا نمود و سقف آن را مقرنس کرد و آن را با قطعه‌های آیینه بزرگ و کوچک بیاراست و دو گلدسته کاشی‌کاری دو طرف ایوان به پای داشت و برابر این ایوان، ایوان مقرنس باشکوهی که از کاشی‌های منقش آرایش یافته، بساخت و گرداگرد داخلی صحن،

۱. سفرنامه قم (خطی)، ص ۵۱.

حجرات بنا نهاد که بعد از آن مقابر اشراف گردید و کتیبه کاشی که بر آن اشعار به خط نستعلیق نوشته‌اند، در تمام دیوارهای صحن وضع نمود و حوضی در وسط صحن احداث نمود و خلاصه، بر شکوه و جلال آستانه بسی افزود.

میرزا صادق خان پروانه، پسر حاج میرزا حسین نواده دختری سیدالوزرا قسائم مقام فراهانی، ماده تاریخ بنای آن را چنین آورده «نصرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» و در سال ۱۳۰۳ بنای آن به پایان رسید.

میرزا علی اصغر خان اتابک در آستانه اصلاحی نمود و کتیبه‌ای گرداگرد دیوار حرم که بر آن چند حدیث نگاشته‌اند، به سال ۱۳۱۸ قمری نصب نمود.

آقای سید محمدباقر، متولی فعلی آستانه، ایوان صحن زنانه را به سال ۱۳۴۶ از نو تعمیر نمود و خائف اشعاری نغز بسرود و بر کتیبه آن نگاشته‌اند و هم در سال ۱۳۰۹ شمسی خزانه آستانه را تعمیر و بر سر در آن کتیبه‌ای از کاشی نصب نمود.

حاج مهدی سلامت دارالسیاده را به مسجد بالای سر افزود و پیش‌تر محلی که اکنون دارالسیاده است، خانه‌ای بوده است معروف به خانه جبرئیلی.

نظام السلطنه، حسین قلی خان مافی، در سال ۱۲۱۰ قمری و هم در سال ۱۲۱۴ در ضلع غربی حرم دو در از نقره نصب نمود و شوریده شاعر، اشعاری نظم نمود و در اطراف آن کتیبه‌ای نگاشته‌اند.

عزت الدوله در سال ۱۲۹۳ قمری دری از خاتم ترتیب داد و در ضلع شمال غربی رواق متصل به مسجد زنانه برپای داشت.

میرزا نصرالله فراهانی دو در از خاتم بر آستانه وقف نمود، در سال ۱۲۷۶؛ یکی را در ضلع غربی متصل به مسجد بالای سر نصب نمود و دوم را در ضلع جنوب غربی؛ جایی که به مقبره شاه عباس ثانی باز می‌شود، برپای داشت. اینها که نگاشته گشت، تعمیراتی بود که در آستانه روی داده و به طور خلاصه ذکر شد.

اما تغییراتی که در بناهای پیرامون آستانه رخ داده است، از این قرار است:
در صحن زنانه طرف غربی در سال ۱۳۱۴ شمسی موزه آستانه بنا نهاده شد؛ به شرحی که جداگانه نگاشته آید.

در مدرسه فیضیه تغییراتی داده شد. این مدرسه ابتدا کوچک بوده و با همه کوچکی بزرگانی از آن برخاسته‌اند، و عالم جلیل و حکیم شهیر مولی عبدالرزاق لاهیجی روزگاری در آن مدرس بوده و به یاد دادن علوم مشغول بوده است.^۱ در سال ۱۲۲۳ به فرمان سلطان وقت آن را خراب [کردند] و بر جای آن مدرسه کنونی را بنا نهادند. گفتیم که ایوان باشکوه شاه طهماسب صفوی در این مدرسه واقع است. بدین مناسبت در سه ضلع دیگر این مدرسه، شمالی و شرقی و غربی، سه ایوان بنا نهادند و با خشت‌های کاشی بیاراستند، لکن چیزی نگذشت که خشت‌های کاشی آن بریخت. در صورتی که خشت‌های کاشی ایوان شاه طهماسبی با آنکه چهارصد و هفده سال از عمر آن می‌گذرد، هنوز برجاست و از تالو و صفای آن کاسته نگردیده است. در اطراف ایوان‌ها حجراتی ساخته شد و در عصر دانشمند شهیر حاج شیخ عبدالکریم حائری به شماره حجرات تحتانی حجرات فوقانی نیز در آن بساختند و کلیه بنای مدرسه را مرمت نمودند. مدرسه دارالشفا مریض‌خانه آستانه و کوچک بوده است. بعدها نیز آن را بزرگ گردانیدند و اکنون مدرسه و نشیمنگاه طلاب است.

توصیف ابنیه آستانه و اطراف آن

با صورت کتیبه‌ها و ذکر مکان و طول و عرض و نوع خط و مضمون آن و تاریخ نگارش و نام نویسنده و مختصات معماری و ارتفاع و عرض و طول بناها و نام معماران و کاشی‌سازان و شعرا.

اسلوب ساختمان ابنیه آستانه

اسلوب ساختمان کلیه ابنیه آستانه از صحن جدید و صحن قدیم و صحن زنانه و رواق و حرم مطهر و مقابر سلاطین صفویه و مسجد بالای سر، به طوری که در نقشه دیده می‌شود، شبیه به مقطع عمودی گنبد شلجمی شکل است؛ یعنی اگر گنبد

شلجمی شکلی را همچون گنبد مطهر حضرت معصومه از نوک آن تا مقطع استوانه‌ها به دو نیمه کنند، عیناً شکل ابنیه آستانه به شکل یک نیمه آن خواهد بود و البته نظری مخصوص در انتخاب این شکل داشته‌اند که ابنیه آستانه شباهتی کامل با گنبد مطهر داشته باشد و این قسمت یکی از شاهکارهای مهندسی و مختصات معماری و شایسته توجه مخصوص و شایان تقدیر می‌باشد.

اکنون باید دانست که چگونه ابنیه آستانه به شکل مقطع عمودی گنبد است. چنان‌که در نقشه مشاهده می‌شود، درب ورودی صحن جدید و قسمت شرقی آن از طرف خیابان ارم نوک گنبد را تشکیل می‌دهد و ضلع غربی آن محل اتصال گنبد با بدنه آن می‌باشد و قسمت صحن قدیم و حرم مطهر و صحن زنانه بدنه آن را تشکیل می‌دهد و مساحت آن از نوک ابنیه تا ساقه یعنی از درب ورودی خیابان ارم تا ایوان آیینه بیست برابر قطر و دهانه گنبد است و به عبارت دیگر، هر یک از مساحت و قطر دهانه گنبد مطهر یک بیستم مساحت نوک تا ساقه و قطر دهانه ابنیه است.

مساحت کلیه زمینی که ابنیه آستانه از حرم مطهر و رواق‌ها و ایوان‌ها و مسجد بالای سر و مقابر سلاطین صفویه و صحن قدیم و جدید و زنانه و موزه در آن قرار گرفته (۱۳۵۲۷) متر مربع می‌باشد. از این مقدار ۱۹۱۴ متر مربع مساحت زمینی است که زیر بنای گنبد و ایوان‌های شمالی و جنوبی و شرقی و مسجد بالای سر و مقابر شاهان صفوی است.

گنبد مطهر

گنبد مطهر شلجمی شکل می‌باشد و قاعده آن مثمن (هشت ترک) و فاصله هر ضلعی از ضلع دیگر ۲/۷۰ متر و طول هر ضلع ۳/۸۰ متر می‌باشد. در تمام اضلاع آن دری از طلا و نقره و خاتم یا ساده به کار رفته است - به شرحی که بعد از این باز نموده می‌شود - مگر ضلع جنوب شرقی که در آن دری نصب نیست و پیش‌تر شباکی داشته که جلوی مقبره شاه صفی بوده است و اکنون آن را برداشته و پیش روی ایوان صحن زنانه نصب نموده‌اند.

ارتفاع گنبد مطهر از سطح بام شانزده متر می‌باشد و محیط استوانه آن از داخل ۲۸/۶۶ متر و از خارج ۳۵/۶۰ متر می‌باشد. یک قسمت از آن از سطح بام به ارتفاع ۰/۹۰ آجری و بالاتر از آن به ارتفاع یک متر کاشی خشتی فیروزه و بالاتر از آن به ارتفاع ۴ متر که ساقه گنبد به آن تمام می‌شود، طلا و به ارتفاع ۰/۶۰ مقرنس طلا می‌باشد و کتیبه‌ای به عرض ۰/۶۰ به خط نستعلیق طلایی در ساقه آن است و گنبد نیز با خشت‌های طلا آراسته شده است.

بانی طلاکاری سلطان وقت بوده و سراینده اشعار کتیبه فتحعلی خان صبا، و معمار آن استاد محمود معمار قمی، و نویسنده محمد الحسینی، و سال بنا ۱۲۱۸ می‌باشد، و در میان اشعار یا دیوان ویا منان و غیره نوشته شده است، و اشعار کتیبه این است:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا که زرین بارگاه بضعه موساستی
 بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طره حوراستی
 نوگلی رنگین ز طرف گلشن یس بود آیتی روشن به صدر نامه طهاستی
 پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی
 پستی از صحن حریمش را به پطاق حرم کاین مکان عزت و آن مسکن غبراستی
 حاج محمدصادق اصفهانی که ناطق تخلص داشته و در فن ماده تاریخ‌گویی،
 سرآمد شعرای عصر خود بلکه شعرای هر عصری بوده، شصت و دو بیت اشعار
 آب‌دار به رشته نظم کشیده است که هر مصراعی از آن ماده تاریخ تذهیب گنبد مطهر
 است که مجموعاً یک صد و بیست و چهار ماده تاریخ است و اشعار دیگر نیز در ماده
 تاریخ بنای مدرسه فیضیه گفته است که آنها هم نهایت قدرت و توانایی او را نشان
 می‌دهد. چون این اشعار در کتیبه‌ای نگارش نیافته و کمتر در دسترس است، برای
 نمونه چند شعری از آن مذکور می‌گردد.^۱

۱. نسخه‌ای از این اشعار نزد آقای عبدالعلی (معاون دیوان سابق) که از ادبای قم می‌باشد، موجود بود و ایشان برای نگارنده فرستادند.

این قبه گلبُنی است به زیور برآمده
 این دوحه‌ای است کامده از جنة العلی
 این قبه راست جای به جایی که پایه‌اش
 این قبه رفیع به جایی رسانده قدر
 از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو
 دل در جواب گفت که اینک در این سؤال
 بهتر بود به حسن و علو از جنان در آن
 معصومه‌ای که در ره ایوان اقدسش
 یا پاک گوهری است پر از زیور آمده
 یا کوکبی است سعد و منور برآمده
 از اوج مهر و ماه و زُحل برتر آمده
 کز قدر با سپهر برین همسر آمده
 کاین صحن از چه روز جنان برتر آمده
 عقل طویل قاصر و هم اقصر آمده
 مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده
 از قدر و صدق، حور و پری چاکر آمده

حرم مطهر

گفتیم که قاعده گنبد، مثنی (هشت ضلعی) است و در هر ضلعی از آن دری باز می‌شود؛ مگر ضلع جنوب شرقی. اکنون به شرح آن می‌پردازیم.

اول، در طلا که در قسمت شمال شرقی متصل به رواق ایوان طلا نصب شده است به ارتفاع ۳/۲۰ متر و عرض ۲/۸ متر. صفحه زیرین آن را از نقره مزین نموده‌اند و روی آن را با پارچه‌های طلا به اشکال مختلف اژدر درهم و کوکبی و مُضَلَع منظم و غیرمنظم آراسته‌اند و هم در آن نام‌های خدا کنده و نگاشته‌اند و دانش که یکی از شعرای آن دوره بوده، اشعاری نظم کرده و بر آن نگاشته‌اند. عدد اشعار بیست و چهار [است] و چند شعری از آن انتخاب می‌شود:

تسبارک الله از این در که زائرانش را
 چه در در حرم بنت موسی جعفر
 گل ریاض امامت که طائران حرم
 خور از رواق فلک سرنهد به پای درش
 به شوق آنکه در این در نهند جایگهش
 نخست روی بر این آستان نهاد هر کس
 نگاشت خامه دانش برای تاریخش
 ز هر صریر شود کشف هر نهانی راز
 که از شرافت او یافت بزم قُرب، طراز
 حریم گلشن او را شدند زمزمه‌ساز
 به هر سحر که کنند این رواق را در باز
 چه رنجه‌ها که طلا را رسید از دم‌گاز
 که رستگاری انجام خواهد از آغاز
 که سوی جنت اعلی در جنان شد باز

سال بنا ۱۲۲۱ هجری قمری است.

دوم، در نقره که در ضلع شرقی حرم واقع است به ارتفاع ۲/۷۵ متر و عرض ۱/۷ متر و آن را از صفحات نقره پوشانیده‌اند و هم بر روی صفحات نقره کنده کاری‌های زیبا کرده‌اند و در جوانب آن کتیبه‌ای است به خط نستعلیق که از نقره کنده‌اند و نام‌های خدا و اشعار در آن نگاشته‌اند. بانی آن حسین قلی خان مافی نظام‌السلطنه، و ناظم اشعار شوریده که یکی از شعرای زبردست شیراز بوده، و نویسنده محمدابراهیم شهیر به میرزا محمود، و عمل محمدتقی، و سال وقف ۱۳۱۰، و عدد اشعار هیجده، و چند شعری از آن انتخاب می‌شود:

تبارک‌الله از این بقعه بهشت طراز	که برگزیده نشیمن سپهر را ز فراز
فضای او چو فضای ارم نشاط‌افزای	هوای او چو هوای بهشت غم‌پرداز
به خاک اوست نهان طرفه گوهری کز قدر	ز هفت گوهر این نه صدف بود ممتاز
به نام فاطمه، معصومه آفتاب حیا	که اُخت خسرو طوس است و دخت شاه حجاز
به دور باش حیا آفتاب گردون را	ز پیش رانده همی تا به چرخ چارم باز
نظام سلطنت آن میر سرفراز، دری	ز نقره کرد در این کاخ دل‌فروز فراز
پی سرودن تاریخ این در سیمین	صلا زدند به شوریده شاعر شیراز
سرود منقش شوریده سال تاریخش	در این رواق همایون در جنان شد باز

۱۳۱۰

نظام‌السلطنه غیر از این در، یک در نقره دیگری به ارتفاع ۳/۱۵ متر و عرض ۴ متر بر آستانه وقف نموده است و در رواقی که مابین ایوان آئینه و حرم مطهر می‌باشد، نصب نموده است. در روی صفحات سیمین این در نیز نام‌های خدا و اشعار به خط نستعلیق نوشته شده است و هم کنده کاری‌های زیبا دارد. ناظم اشعار شوریده شیرازی، نویسنده محمدابراهیم تهرانی شهیر به میرزا محمود، عمل محمدتقی، عدد اشعار چهارده، سال وقف ۱۳۱۴، و چند بیتی از اشعار آن مذکور می‌گردد:

دری ز سیم به قم برگشاد از نو میر	که در شرف ز زمین بر شد از سپهر اثیر
خجسته حضرت معصومه آنکه بر مه و خور	دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر

نیعال خادم او گوشواره گوش سپهر غبار درگه او توتیای چشم بصیر
ز شرم این در سیمین شگفت می نبود که سر به بوته خجالت فرو برد اکسیر
سرود منطق شوریده سال تاریخش دری ز سیم به قم برگشاد از نو میر
۱۳۱۴

بر سنگ مرمر پایین در نقره این دو شعر به خط نستعلیق نوشته شده است:
ای سجده گاه خلق جهان آستان تو باریده فیض حق به جهان ز آسمان تو
در حادثات هر دو جهان انس و جان همه بنهاده سر به درگه دارالامان تو
سیم، در خاتم به ارتفاع ۲/۵ متر و عرض ۱/۵ متر که در ضلع شمال غربی
[است] و به مسجد زنانه گشوده می شود. این در از دو در دیگر خاتم که در دو ضلع
دیگر حرم مطهر است، بهتر و خاتم کاری آن مهم تر است و اطراف آن کتیبه ای دارد.
واقف عزت الدوله، ناظم اشعار وفا، عمل استاد حیدر شیرازی، سال وقف ۱۲۹۳،
عدد اشعار هشت، و چند شعری از آن گزیده می گردد:

حَبْدًا زین بقعه عالی که از مجد و شرافت

قبله ابدال گشت و کعبه امد آمد

خوابگاه بضعه موسی بن جعفر کز فروغش

جلوه موسی عیان از چشم اهل حال آمد

عصمت کبری و ناموس نبی همنام زهرا

کاسمانی از حیا و عزت و اقبال آمد

گفت مصراعی وفا از طبع و شد تاریخ این در

کاین در و درگه مطاف عزت و اقبال آمد

۱۲۹۳

چهارم و پنجم، درهای خاتمی که به مسجد بالای سر و مقبره شاه عباس ثانی
گشوده می شود و ارتفاع و عرض این دو در نیز مانند ارتفاع در خاتم مسجد زنانه
است و اطراف [آن] کتیبه ای است. در قسمت بالای آن نوشته شده است: اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ تا آخر سلامی که در زیارت

عاشورا است. بعد از آن بیست و دو شعر از اشعار محتشم کاشانی به خط نستعلیق در اطراف آن نوشته شده است. مطلع اشعار این است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

و بیت آخر آن این است:

نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند
واقف میرزا نصرالله فراهانی در ماه ربیع الثانی ۱۲۷۶ قمری.

ششم و هفتم، درهایی که در دو طرف راست و چپ در نقره است و ساده و بدون کتیبه است. ازاره قاعده گنبد مطهر از داخل حرم سنگ مرمر است به ارتفاع ۱/۷۵ متر و بالای ازاره مرمر کتیبه‌ای است از کاشی معرق و زمینه آن لاجوردی است و کتیبه آن به خط ثلث به عرض ۰/۵۳ و با مرکب سفید و زرد، احادیث ذیل بر آن نوشته شده است:

بِسْمِهِ تَبَيَّنَتْ بِذِكْرِهِ رُويَ عَنِ الْأَمَامِ الَّذِي هُوَ بِالْحَقِّ نَاطِقٌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ
الْصَادِقِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - مُسْتَنَدًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى
مُنَادٍ أَيُّهَا الْخَلَائِقُ أَنْصِتُوا فَإِنَّ مُحَمَّدًا يُكَلِّمُكُمْ فَيَنْصِتُ الْخَلَائِقُ فَيَقُولُ النَّبِيُّ يَا مَعْشَرَ
الْخَلَائِقِ مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَوْ مِئَةٌ أَوْ مَعْرُوفٌ فَلْيَقُمْ حَتَّى أَكْفِيَهُ فَيَقُولُونَ يَا بَائِنَا
وَأُمَّهَاتِنَا أَيُّ يَدٍ أَوْ مِئَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ لَنَا إِلَيْكَ وَالْمِئَةُ وَالْمَعْرُوفُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ عَلَى جَمِيعِ
الْخَلَائِقِ فَيَقُولُ بَلَى مَنْ أَوْى أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَرَوَاهُمْ وَكَسَاهُمْ مِنْ عُرِيٍّ وَأَشْبَعِ
جَاءَهُمْ فَلْيَقُمْ حَتَّى أَكْفِيَهُ فَيَقُومُ أَنَاسٌ قَدْ فَعَلُوا ذَلِكَ فَيَأْتِي النِّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَا
مُحَمَّدُ يَا حَبِيبِي قَدْ جَعَلْتُ مُكَافَأَتَهُمْ إِلَيْكَ الْجَنَّةَ فَاسْكِنَهُمْ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ فَيَسْكِنُهُمْ
الْجَنَّةَ * قَالَ النَّبِيُّ ﷺ شِبَعَةُ عَلِيٍّ هُمْ الْفَائِزُونَ * قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ
سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ * قَالَ النَّبِيُّ
وَأَنِّي أَوْشِكُ أَنْ أَدْعِيَ فَأُجِيبُ وَأَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ
السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تُخَلَّفُونَنِي فِيهِمَا صَدَقَ * قَالَ
النَّبِيُّ ﷺ الْجَنَّةُ حُرِّمَتْ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَأَذَانِي وَعِزَّتِي وَمَنْ اضْطَنَّعَ صَنِيعَةَ

إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَلَمْ يُجَازِهِ عَلَيْهَا فَأَنَا أُجَازِيهِ عَلَيْهَا إِذَا لَقِينِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 صَدَقَ * قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ
 سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوِلَايَتِي وَوِلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي * وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ
 أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا صَدَقَ
 رَسُولُ اللَّهِ * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ اتَّوَنُوا بِذُنُوبِ أَهْلِ
 الْأَرْضِ الْمَكْرُمِ لِذُرِّيَّتِي وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمُ وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَمَا
 اضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ.

این کتیبه در ضلع شمالی دیوار خزینه سابق تمام می شود و بعد از آن است:

«حسب الامر حضرت میرزا علی اصغر خان صدراعظم اتمام یافت ۱۳۱۸.»

بالای کتیبه مرمر تازیر سقف به ارتفاع ۳ متر آئینه کاری، پس از آن کتیبه ای است
 به خط ثلث به عرض ۰/۶۰ که بر آن سوره «هَلْ آتَى» نوشته شده است. پس از آن
 پنج آیه از آخر سوره «حشر» که ابتدایش این است: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ
 وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ» الخ. بعد از آن یک آیه از آخر سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» که اولش این است:
 «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» الی آخر، و بعد از آن این است: صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَدَقَ
 رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلِيُّ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَالشَّاكِرِينَ. بانی مقرنس آئینه
 کیکاوس میرزا، سال بنا ۱۲۵۱.

در دو طرف راست و چپ ضلع شمال غربی متصل به استوانه درب طلا در داخل حرم

کتیبه ای است مشتمل بر نام بانی آن کیکاوس میرزا و تاریخ بنا که سنه ۱۲۵۱ می باشد.

ضریح مطهر

مرقد مطهر با خشت های مختلف شکل کاشی از مربع مستطیل و مُضَلَّع کوبی و
 نیم کوبی ۱/۲۰ متر و طول ۲/۹۵ متر و عرض ۱/۲۰ متر زمینه لاجوردی و نقره ای
 و قهوه ای و فیروزه ای آراسته شده و کاشی های اطراف مرقد خشتی لب برگردان و
 کاشی های بدنه مرقد کوبی و نیم کوبی است و بانی کاشی های مرقد مظفر بن
 احمد بن اسماعیل است.

کاشی ساز و نویسنده آن محمد بن طاهر بن ابی‌الحسین و نویسنده دیگر آن ابوزید است. خطوط آن کوفی و نسخ و برجسته و ساده است و تاریخ آن از سال ۶۰۵ تا سال ۶۱۳ می‌باشد و کاشی‌های روی مرقد مطهر پانزده پارچه، طول هر خشتی ۵۹٪ و عرض آن ۴۰٪ می‌باشد و بر آن پنج کتیبه است.

کتیبه اول به خط نسخ برجسته شنجرفی آیه‌الکرسی است. دوم به خط نسخ طلائی آیات متعددی از قرآن. کتیبه سوم به خط کوفی برجسته شنجرفی آیات مختلفه قرآن. کتیبه چهارم به خط نسخ طلائی سوره «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» کتیبه پنجم آیه «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات» الایه. در پایین کتیبه پنجم به خط نسخ برجسته شنجرفی نوشته شده است: کتبه وعمله محمد بن ابی‌طاهر بن ابی‌الحسین و در وسط یک مربع‌الشکلی نوشته شده است: الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ و در کاشی‌های اطراف مرقد مطهر از بالا تا پایین سوره قرآن «یس» و «الرحمن» و «تبارک» و «هل اتی» و سوره «قدر» نوشته شده است با خطوط نسخ برجسته شنجرفی و ساده و در کاشی‌های کوچک و نیم‌کوکی احادیث بسیاری به خط نسخ طلائی و شنجرفی و سفید نوشته شده است و تیمناً چند حدیث ذکر می‌شود: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ * مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدَةٍ وَوَلَدِهَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ * حَسَنُ السُّؤَالِ نَصْفُ الْعِلْمِ * أَلْزَمْنَا يُورَثُ الْفَقْرَ * اللَّهُ تَعَالَى عَوْنُ الْعَبْدِ مَا دَامَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ.

مرقد مطهر با ضریح محاذات ندارد، بلکه درست مابین دو زاویه شمالی و جنوبی ضریح است و این انحراف از جهت آن است که ضریح کاملاً مسامت قبله نیست. در پشت ضریح نقره ضریح کاشی است و زمینه آن لاجوردی است و کتیبه‌ای دارد به خط ثلث، بانی کاشی‌های ضریح، شاه طهماسب صفوی است به سال ۹۵۰، نویسنده آن علی‌الحسینی، و کتیبه این است:

اللهم صل على النبي محمد المصطفى وصل على الامام علي المرتضى (جملة بعد از این در پشت درب طلا واقع شده) و صل على الامام زين العابدين علي وصل على الامام الباقر وصل على الامام الصادق جعفر وصل على الامام موسى وصل

عَلَى الْأَمَامِ عَلِيِّ الرِّضَا وَصَلَّى عَلَى الْأَمَامِ مُحَمَّدِ النَّقِيِّ وَصَلَّى عَلَى الْأَمَامِ عَلِيِّ الرِّضَا وَصَلَّى عَلَى الْأَمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ وَصَلَّى عَلَى الْأَمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَصَلَّى عَلَى الْأَمَامِ الْهُمَامِ الْمَهْدِيِّ الْهَادِي مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ الْقَائِمِ بِالْحَقِّ الدَّاعِي إِلَى الصُّدُقِ الْمَطْلُوقِ - صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ - اِتَّفَقَ عِمَارَةٌ هَذِهِ الرُّوضَةِ الْمُنُورَةِ الْمَقْدَسَةِ الَّتِي شَرَفَهَا سَمِيٌّ بِنْتِ النَّبِيِّ فَاطِمَةٌ بِنْتُ مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا اِبْنِي اِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ اخُوهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ اِبْنِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَمَةٌ مُحَمَّدِ النَّقِيِّ وَعَلِيِّ النَّقِيِّ وَالْحَسَنِ الزَّكِيِّ وَمُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ^۱ بِاسْطِ مِهَادِ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ مَاجِي الْكُفْرِ وَالطُّغْيَانِ نَاشِرِ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ هَادِي الْخَلَائِقِ إِلَى أَشْرَفِ الْأَدْيَانِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ اِبْوَالْمُظَفَّرِ طَهْمَاسِبِ بَهَادِرْخَانِ خَلْدِ اللَّهِ تَعَالَى مُلْكَهُ وَسُلْطَانَهُ وَأَفَاضَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ بِدَوَامِ إِحْسَانِهِ وَإِبْدَ ظِلَالِ مَعْدَلْتِهِ عَلَيَّ مَفَارِقِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ كَتَبَهُ عَلِيُّ الْحُسَيْنِيُّ سَنَةَ ۹۵۰.

بعد از ضریح کاشی خشتی فیروزه ضریح نقره است به ارتفاع ۲/۱۰ متر (دو متر و ده سانتی متر) و طول ۵/۲۵ متر و عرض ۴/۸۳ متر. این ضریح فولادین بوده و روی آن را با صفحات نقره آراسته‌اند و دارای جدارهای مُشَبَّک و غیرمُشَبَّک می‌باشد. جدارهای مُشَبَّک آن میان جدارهای ساده واقع شده و مفصل آنها مانند سیب کروی است، اما در جدارهای ساده آن روی صفحات نقره صفحه‌های سیمین مُضَلَّعی به کار برده‌اند که بر آنها نام‌های خداوند، یادیان و یاسبحان و یامنان و غیر آنها نوشته شده است و بالای آن کتیبه‌ای است به خط نستعلیق که از نقره بیرون آورده‌اند و بر آن اشعاری نوشته شده است. ناظم اشعار کتیبه بالای سر خادم، و ناظم اشعار کتیبه پایین پامحرم، عدد اشعار چهل، و سال بنا ۱۲۷۵ می‌باشد، و از اشعار از هر قسمت بیتی چند گزیده می‌گردد:

۱. ظاهراً عبارتی از کتیبه افتاده.

کتیبه اول بالای سر

یارب این خلدِ برین یا جنَّة المأواستی
یا همایون بارگاه بضعه موساستی
این مهین بانو که در دُرَج شرافت اختری است
نسل پاکِ زاده انسیه الحوراستی
فاطمه أخت الرضا سلطان دین روحی فداه
خاک درگاه تو از عرش عُلا اعلاستی
مرجع اهل زمان و شافع یوم المعاد
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی
گو بیاید تا ببیند این همایون بارگاه
آنکه منکر بر وجود جنت دنیاستی
چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
در پی تاریخ این استاد خادم زد رقم
جنت عدن این بنا یا بزم او آدناستی

کتیبه دوم پایین پا

این مرقد منوره و این ضریح پاک
بر خاک بانویی است که از فرش درگهش
هر کوبه دل نکارد تخم ولای تو
بی شُبّه تخم او ز حرام است شُبّه ناک
چون شد محیط گوهر خاتون تاج بخش
از جود شاه تاج بخش این دُرَج تابناک^۱
محرم کمینه داعی مداح بر سرود
بادا همی ز جود ملک این ضریح پاک
ضریح نقره را روی پایه‌هایی از سنگ مرمر به قطر ۰/۳۰ نصب نموده‌اند و

[۱. این مصراع خارج از وزن است.]

اشعاری در آن کنده‌اند. ناظم اشعار فتحعلی خان صبا، عدد اشعار بیست، سال بنا ۱۲۴۰، و چند شعری از آن گزیده می‌گردد:

تسبارک‌الله از این بارگاه عرش آهنگ	نه بلکه عرش بر فرشت آبگینه و سنگ
ز شرم قبه زرینت عرش را گویند	که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ
بلی چو در دل تو گوهرگران سنگی است	سزد بدارد اگر باوی آفرینش سنگ
همان خجسته گهر نیست موسی جعفر	که آمد از گهر آرا چنین به فرو به هنگ
ز نه رواق فلک هفت بانوی عذرا	به دامن شرفش افتخار را زده چنگ
به آستانش همواره خسروان زمین	به سجده خاصه شهنشاه آسمان اورنگ
فشانند زرو گهر خوارتر ز خارو ز خاک	به خاک کردش رشک نگارخانه تنگ
به سنگ مرمر آراست آن حرم پایان	که مانند آینه چین ز شرم او در رنگ
نوشت کسک صبا از برای تاریخش	به بوم این حرم از شاه آسمان فر، سنگ

ایوان طلا

ایوان طلا در صحن عتیق واقع شده و از بناهای شاه اسماعیل صفوی است و از کاشی‌های معرق لاجوردی که در نهایت خوبی و نفاست است، بنا شده است. ارتفاع آن ۱۴/۸۰ متر و عرض آن تا دارالحفاظ ۸/۷۰ متر و سقف آن مقرنس [است] و با خشت‌های طلا آراسته‌اند. بانی ایوان شاه اسماعیل صفوی، سال بنا ۹۲۵، و طلاکاری ایوان در سال ۱۲۷۶ شده. طاق‌بند جلوی ایوان به عرض ۱/۲۰ متر کاشی معرق زمینه لاجوردی و مابین آن و سقف طلا کتیبه‌ای است به خط ثلث و مرکب سفید و زمینه لاجوردی که بر آن سطور ذیل نوشته شده است. نویسنده ولی‌الحسینی.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ أما بعد فَقَدْ اتَّفَقَ بِنَاءُ هَذِهِ الْعِمَارَةِ الرَّفِيعَةِ وَالرَّوَضَةِ الْمَنِيَعَةِ الْمُقَدَّسَةِ فِي زَمَنِ خِلَافَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْدَلِ خَلِيفَةِ اللَّهِ فِي الْعَالَمِ مَالِكِ الرَّقَابِ مَوْلَى الْمُلُوكِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ حَامِي الْأَيْمَانِ مَاجِي أَثَارِ الْكُفْرِ وَالطُّغْيَانِ نَاشِرِ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ بِاسِطِ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ هَادِي الْخَلَائِقِ إِلَى

أَشْرَفِ الْأَدْيَانِ الْمَخْصُوصِ بِعِنَايَةِ الْمَلِكِ الدَّيَّانِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ
 أَبُو الْمَظْفَرِ شَاهِ اسْمَاعِيلِ بِهَادِرْخَانَ اللَّهِمْ خَلَّدَ مَيَامِينَ مَعْدَلْتِهِ وَأَثَارَ رَحْمَتِهِ عَلَيَّ مَفَارِقِ
 الْمُسْلِمِينَ وَأَبَدَ وَشَيَّدَ قَوَاعِدَ أَرْكَانِ خِلَافَتِهِ وَسَلْطَنَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ بِإِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْحَقِّ
 وَتَرْوِجِ مَذْهَبِ الْمُعْصُومِينَ بِالنَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ
 الْمُرْسَلِينَ وَسَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا
 أَبَدًا سَرْمَدًا الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلًا وَأَخْرًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا فِي تَارِيخِ شَهْرِ رَجَبِ الْمُرْجَبِ سَنَةِ
 خَمْسِ وَعِشْرِينَ وَتِسْعِمِئَةَ هِجْرِيَّةً نَبَوِيَّةً كَتَبَهُ وَلِيُّ الْحُسَيْنِيِّ.

زیر ابروی ایوان طلا کتیبه ای است به خط ثلث. نویسنده نور اصفهانی، و عمل

حسن القمی، و کتیبه این است:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ تا آخر آیه نور. پس از آن
 است: ﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾ تا آخر آیه. بعد از آن است:
 صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلِيُّ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ
 وَالشَّاكِرِينَ، عمل حسن القمی کتبه نور الاصفهانی و نیز در وسط آیات در محل تلاقی
 دو طاق نوشته شده است: عمل استاد محمد معمار قمی ۱۲۲۵، کاتبه رضا
 الرضوی، عمل استاد حسن قمی.

معلوم می شود که در تاریخ ۱۲۲۵ از ایوان شاه اسماعیل مرمتی شده و معماران
 استاد محمد و استاد محمود بوده اند و نویسندگان یک قسمت نور اصفهانی و
 قسمت دیگر رضای رضوی بوده است.

در پیش روی ایوان طلا به خط نستعلیق از طلا نام سلطان وقت و سال ۱۲۷۶ نوشته شده.
 بدنه ایوان، کاشی معرق زمینه فیروزه ای به ارتفاع ۱/۸۰ متر و دارای کتیبه ای
 است از کاشی معرق زمینه لاجوردی به خط ثلث که حدیث ذیل نوشته شده است.
 رَوَى الزَّمْخَشَرِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ الْمَوْسُومِ بِالْكَشَافِ وَالتَّعْلِيْقِ فِي تَفْسِيرِهِ الْمَوْسُومِ
 بِكَشْفِ الْبَيَانِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا أَلَا
 وَمَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ
 مُؤْمِنًا مُتَكَمِّلًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَشْرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ وَنَكِيرُ

وَمُنْكَرًا بِالْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ زَفَّ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَتَحَّ اللَّهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَيْنِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارًا مَلَائِكَةَ الرَّحْمَةِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَنَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ صَدَقَ. بعد از آن است: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَالْمُرْتَضَى عَلِيِّ وَابْتُولِ فَاطِمَةَ وَالسُّبُّطَيْنِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَزَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ وَالْبَاقِرَ مُحَمَّدَ وَالصَّادِقَ جَعْفَرَ وَالْكَاطِمَ مُوسَى وَالرِّضَا عَلِيَّ وَالتَّقِيَّ مُحَمَّدَ وَالتَّقِيَّ عَلِيَّ وَالتَّوَكِّلِيَّ الْحَسَنَ وَالتَّوَكِّلِيَّ مُحَمَّدَ صَاحِبِ الزَّمَانِ الْأَيَّمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى بِهِمْ أَنْوَلَى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ.

جرزها با دو ایوان جنبین آن کاشی معرق زمینه لاجوردی و منتها الیه ایوان طلا متصل به حرم مطهر دارالحفاظ است و دارای کتیبه‌ای است به خط ثلث و بر آن حدیث ذیل نوشته شده است:

قَالَ مُصَنِّفُ عُبُودِ أَخْبَارِ الرِّضَا فِيمَا جَاءَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام فِي زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام حَدَّثَنَا أَبِي وَمُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ مُتَوَكَّلٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ (این قسمت از کتیبه در موقع نصب در طلا از میان رفته است) عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّلَاثِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام سُئِلَ مِنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ^۱ صَدَقَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَنْزَتِهِ الطَّاهِرِينَ.

اطراف در طلا سنگ‌های مرمر به کار رفته است و اشعاری بر آن کنده‌اند ناظم اشعار فتحعلی خان صبا، سال بنا ۱۲۲۱، عدد اشعار ده، و چند شعری از آن گزیده می‌گردد:

[۱. از امام رضا عليه السلام در مورد زیارت قبر حضرت معصومه عليها السلام سؤال شد، در جواب فرمود: هر که او را زیارت کند، بهشت برای اوست.]

این آستان بضعیه موسی بن جعفر است کز افتخار، روی سلاطین بر این در است
 این آستان و آن حرم آمد که جبرئیل در بام عرش پایه آن چون کبوتر است
 لَبَّيْكَ زَائِرَانِ وَ خِرُوشِ مَعْلَمَانِ صدره ز صوت شهپر جبریل خوش تر است
 این زیب و فرکه زیب و فر از این حرم گرفت هم از ارادت مَلِکِ دادگستر است
 میخی فُتاده کو به تک از لعل پاره اش زان دیده ستاره بدین در مُسَمَّر است
 کَلِکِ صَبَاشِ از پی تاریخ زد رقم کز دل مدام چهر سلاطین بر این در است
 ماده تاریخ فوق با سال بنا مطابق نیست و شاید تغییری در آن راه یافته باشد و در

سنگ مرمر پایین در به خط نستعلیق این دو بیت نوشته شده است:

این در که بر این درگه بی شبه و نظیر آید ز گشودن زوی آهنگ صریر
 گویی ملکی بود که از بهر طواف چون بال گشاید زند از شوق صفریر
 گلدسته های ایوان طلا که در جنین ایوان واقع است، ارتفاع آن از سطح صحن
 ۳۲/۲۰ متر و قطر آن ۱/۵ متر و به شکل استوانه می باشد و از کاشی های
 گره سازی به شکل ماریچ بنا شده است و در وسط پیچ ها الله و محمد و علی به
 خط کوفی است. زمینه کاشی ها فیروزه ای، زیر طارمی چوبی (مأذنه) مقرنس
 کاشی است و سر مأذنه ها طلاکاری است. بانی گلدسته ها شهاب الملک، و بانی
 طلاکاری کامران میرزاست.

ایوان آینه

ایوان آینه از شاهکارهای ابنیه و از ایوان های باشکوه می باشد و گذشته از زیبایی بنا
 استادان فن و معماران هنرمند مهارت هایی در آن به کار برده اند و می توان گفت
 ساختمان آن از زیر تا به بالا از مختصات معماری است. ارتفاع این ایوان از سطح
 صحن ۱۴/۸۰ متر و عرض آن ۷/۸۷ متر و طول آن ۹ متر می باشد. دارای چهار
 ستون سنگ سیاه به ارتفاع ۱۱ متر که جلوی ایوان نصب شده است و دو ستون دیگر
 که در امارت تالارچه دو طبقه جنین ایوان است. ازاره ایوان به ارتفاع ۱/۸ متر سنگ
 مرمر است. بدنه ایوان با آینه تزئین شده است و سقف آن مقرنس آینه دو قطعه

شلجمی شکل است. زیر سقف مقرنس کتیبه‌ای است از سنگ مرمر که به خط ثلث بر آن نوشته شده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» الآية.

بعد از آن نام سلطان وقت و بانی آن نوشته شده. کاتب کتیبه رجب‌علی خادم مشهدی، و تاریخ کتیبه سال ۱۳۰۳ می‌باشد. در دو طرف شمال و جنوب ایوان دو کفش‌کن و دو تالارچه فوق آنها ساخته شده است. عرض هر یک از آنها ۳/۶۵ متر می‌باشد و چهار ستون سنگ سیاه که دو ستون آن در زیر و دو ستون در بالا قرار گرفته است به ارتفاع ۴/۵۰ متر. جرزها و پشت بغل و طاق‌بند و بدنه کفش‌کن‌ها تا زیر طاق کاشی معرق زمینه لاجوردی می‌باشد. پشت بغل تالارچه و کتیبه آن سنگ‌تراش است و سقف تالارچه و کفش‌کن‌ها گره‌سازی است از چوب و آئینه. بانی میرزا علی اصغر خان اتابک، و معمار استاد حسن معمار قمی، و نجار ملا حسین نجاری‌باشی، و بنا استاد ابراهیم می‌باشد.

مابین ایوان آئینه و حرم مطهر رواقی است به طول ۱۴/۶۰ متر و عرض ۳/۷۰ متر. این رواق نیز مانند ایوان آئینه از سنگ مرمر و آئینه تزیین شده است و درب نقره نظام السلطنه در این رواق نصب شده است. ازاره آن به ارتفاع ۱/۱۵ متر سنگ مرمر و بالای آن تازیر سقف آئینه‌کاری و سقف آن مقرنس آئینه است و در قسمت فوقانی این رواق بالاخانه‌ای است که هشت ستون آئینه در آن به کار رفته است.

گلدسته‌های ایوان آئینه که بلندترین گلدسته‌های آستانه است، از دو جنبه اسلوب ساختمان و ارتفاع آنها دارای اهمیت می‌باشد. ارتفاع آنها از سطح بام ۲۸ متر و محیط آن ۳/۳۰ متر و اسلوب ساختمان به اشکال مختلف می‌باشد. یک قسمت از آن از سطح بام به ارتفاع ۳ متر مُضَلَعٌ مُثَمَّنٌ (هشت ترک)، بعد از آن به ارتفاع ۰/۵۰ مقرنس، بعد از آن به ارتفاع یک متر مُدَوَّرٌ، بعد از آن به ارتفاع ۲/۵۰ متر مَثَمَنٌ (هشت ترک) و بعد از آن تازیر طارمی چوبی به شکل استوانه و زیر طارمی کتیبه‌ای است به خط کوفی به ارتفاع ۰/۸۰ و بعد از آن به ارتفاع یک متر مقرنس و بدنه آنها از سطح بام تا سر میله تمام کاشی‌کاری و از جنس کاشی گره‌سازی و زمینه آن فیروزه‌ای است. بانی امین السلطان، و معمار استاد حسن معمار قمی است.

مسجد بالای سر

مسجد بالای سر دو قسمت می‌باشد. یک قسمت آنکه دارالسیاده است، به طول ۱۸/۸ متر و عرض ۱۴/۶۰ متر دارای سه ستون آجری و بدنه آنها را گچ‌اندود کرده‌اند و عرض ستون‌ها مختلف می‌باشد. عریض‌ترین آنها ۲/۵ متر، ازاره آن سنگ سفید و کاشی خشتی، بدنه و سقف آن گچی است و در ضلع جنوبی آن پهلوی مقبره شاه سلیمان صفوی عمارتی است به طول ۱۱/۴۱ متر و عرض ۶/۱۰ متر که پیش‌تر مدرّس آقای حاج شیخ عبدالکریم بوده و اکنون مدفن ایشان است. سقف آن یزدی بندی و بدنه و سقف گچی است و بانی آن حاج مهدی سلامت می‌باشد و قسمت دیگر مسجد بالای سر آن است که به حرم مطهر متصل می‌باشد به طول ۸/۷۰ متر و عرض ۶/۷۰ متر. سقف آن مقرنس گچی است و زیر طاق‌بند کتیبه‌ای است به خط نستعلیق که از گچ بریده‌اند. ناظم اشعار اشراقی، عدد اشعار ۳۲، سال بنا ۱۲۳۴، و چند شعری از آن گزیده می‌گردد:

تا کند در بزم گردون، گردش این زرینه جام

دورگردون باد یا رب شاه عالم را به کام

آنکه آمد در حریم احترامش مهر و ماه

این یکی رومی کنیز و آن یکی زنگی غلام

حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست

آفتاب آسمان حضرت خیر الانام

در جوار مرقد پاکش همایون مسجدی است

کاهل طاعت راست روز و شب در آن مسجد مقام

الغرض، چون شد مقیم این کعبه اهل صفا

در جوار این همایون مرقد عرش احترام

کَلْبِ گوه‌ر زای اشراق از پی تاریخ او

زدرقم کامد مقیم این حرم بیت‌الحرام

در محراب مسجد روی خشت کاشی دو شعر زیل نوشته شده است به خط نستعلیق:

از حکم تقی شاه سلیمان اقبال بر پا چو شد این مسجد فردوس مثال
گفتم پی تاریخ که باد این مسجد تا روز جزا قبله ارباب کمال

مقابر سلاطین صفویه

مقبره شاه عباس ثانی در ضلع جنوب غربی حرم مطهر واقع است و دری نیز از حرم به آن گشوده می شده است. اسلوب ساختمان مقبره به شکل کثیرالاضلاع منظم و دوازده ضلعی است و ارتفاع آن ۱۲ متر و طول و عرض آن هر یک ۸/۱۰ متر می باشد. سطح زمین مقبره از کاشی خشتی ساده فیروزه‌ای است. ازاره آن به ارتفاع ۳/۷ متر سنگ مرمر می باشد که بر روی آن گل و بوته نقش کرده‌اند و در نهایت نفاست است و زیر طاق بند کتیبه‌ای است از سنگ مرمر و به خط نسخ بر آن کنده‌اند: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿يَسْبِيحُ لِيهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾* تا آخر سوره *﴿جمعه﴾*. پس از آن است: *كُتِبَ مُحَمَّدٌ رَضًا أَلَمَامِي سَنَةَ ۱۰۷۷* و صندوق قبر از مس ساخته شده است و پارچه‌های فولاد کثیرالاضلاع منظم و غیر منظم با میخ‌های طلا بر آن کوبیده‌اند و بر آن نقش و نگارهای زیبا کرده‌اند.

این صندوق بر روی پایه‌هایی از سنگ مرمر نصب شده است و بر آن اشعاری به خط نستعلیق کنده‌اند. اشعارش سست و برای نمونه چند بیت می‌گردد:

جمشید باخلاص ز شاه اسلام چون منصب تولیت گرفت از انعام
بر مرقد پاک پدر آن زبده ناس یعنی صفی ثانی افلاک اساس
صندوق چو ساخت عقل تاریخش گفت صندوق مزار شاه عالم عباس
بقعه شاه سلیمان صفوی در شمال موزه و جنوب دارالسیاده واقع شده است به طول ۸/۱۰ متر و عرض ۵/۱۰ متر و مقبره دارای صندوق چوبین و کنده کاری است. ازاره هر دو بقعه به ارتفاع ۱/۳۰ متر سنگ مرمر می باشد و روی سنگ‌های مرمر را با گل و بوته تزیین کرده‌اند و در چهار زاویه چهار ستون سنگ مرمر است که حجاری شده است و در بالای سنگ‌های مرمر ازاره گچ‌بری کرده‌اند. عرض گچ‌بری‌ها ۰/۷۲ می باشد و گچ‌بری‌ها را رنگ آمیزی کرده‌اند.

زیر طاق بند کتیبه‌ای است که از گچ بریده‌اند. عرض گچ‌بری کتیبه ۰/۴۷ و به خط ریحان بر آن نوشته‌اند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ تا آخر سوره ﴿حشر﴾. بعد از آن: كَتَبَهُ ابُو طَالِبِ الْحَسَنِ الْخَطِيبِ الْقَمِي فِي سَنَةِ ۱۱۰۷.

بقعه شاه صفی در ضمن توصیف صحن زنانه مذکور می‌گردد.

صحن عتیق

صحن عتیق که سابقاً یگانه بنای بیرونی حرم مطهر بوده و ایوان شاه اسماعیل در جنوب آن واقع است، فضای آن طولاً ۳۵/۷۰ متر و عرضاً ۳۴/۷۰ متر می‌باشد. دیوارهای این صحن به ارتفاع ۰/۵۵ از سنگ و بقیه آن کاشی‌کاری است. در ضلع مقابل ایوان طلا ایوانی است به طول ۸/۷۵ و عرض ۲/۵ متر و ارتفاع ۱۳ متر. ازاره آن ۱/۵۰ متر کاشی‌خشتی و بدنه آن گچی و سقف آن مقرنس آویزی می‌باشد. در زیر سقف مقرنس کتیبه‌ای است کاشی‌زمینه لاجوردی به طول ۱۲ متر و عرض ۰/۳۰ متر که به خط نستعلیق اشعاری بر آن نوشته شده است. بانی سید حسین متولی‌باشی، شاعر آقای مجید قمی متخلص به سید، نویسنده میرزا عمو، سال بنا ۱۳۰۱ هجری قمری، عدد اشعار هفت.

و جبهه و ابروی ایوان کاشی‌خشتی لاجوردی است. سردر ایوان سنگی از مرمر می‌باشد به طول ۱/۲ متر و عرض ۰/۵۳ که بر آن صورت وقف‌نامه قنات ناصری را به خط نستعلیق کنده‌اند. عدد سطور ۱۶ سطر، سال وقف ۱۲۷۸، نویسنده ابوالفضل بن فضل‌الله.

و در بام ایوان مذکور مأذنه‌ای است به شکل هیرم مربع‌القاعده که آن را با خشت‌های طلا تزیین کرده‌اند و در ضلع شرقی ایوان ساعتی بزرگ نصب کرده‌اند. بانی میرزا علی مشکوة المُلک و بر سردر آن به خط نستعلیق نام سلطان وقت نوشته شده است.

ایوان مذکور مدخل صحن عتیق از مدرسه فیضیه است و مدخل آن به طول

۵/۶۰ متر و عرض ۳/۵۰ متر می‌باشد و در زاویه جنوب غربی صحن عتیق یک هشتی واقع است به طول ۱۴/۴۰ و عرض ۷/۲۰. این هشتی راهرو مدرسه محمدشاه است که در قسمت غربی صحن عتیق افتاده است و از آن هشتی دو در به دارالسیاده و مسجد بالای سرگشوده می‌شود و مدرسه محمدشاه دارای هشت حجره و هشت دالان راهرو می‌باشد.

و در ضلع شرقی آن وسط صحن حوضی بنا شده است و فضای مدرسه طولاً ۱۶/۶۰ متر و عرضاً ۱۲/۸۰ متر می‌باشد و در ضلع شمال شرقی آن فضایی است بدون بنا که درب آب انبار صحن عتیق می‌باشد و در ضلع غربی صحن عتیق بقعه‌ای است که مقبره محمدشاه در آن است به شکل هشت ضلعی که چهار ضلع جهات اصلی آن ۳/۵ متر و چهار ضلع جهات فرعی آن ۱/۹ متر می‌باشد. طول بقعه ۶ متر و عرض آن ۶ متر، و راهرویی که به مقبره مهد علیا متصل است، این بقعه کثیرالاضلاع را بیضی مانند نموده است و سقف بقعه محمدشاه مقرنس آئینه و بدنه آن گچ‌بری است و در وسط بقعه مقبره واقع شده است و سقف مقبره مهد علیا گچ‌بری و آئینه است و بدنه گچ‌بری.

و در ضلع شمال غربی صحن بقعه دیگری است که مقبره فتحعلی شاه در آن واقع است. طول آن ۶/۲۰ متر و عرض آن ۵/۵۰ متر می‌باشد. این بقعه نیز کثیرالاضلاع هشت ضلعی است که چهار ضلع شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن به طول ۳ متر و چهار ضلع جهات فرعی آن به طول ۲ متر می‌باشد. ازاره آن سنگ مرمر و بدنه و سقف گچ‌بری است و در ضلع شمال شرقی صحن عتیق مقبره مستوفی الممالک است؛ آن هم کثیرالاضلاع هشت ضلعی که جهات اصلی آن به طول ۳ متر و جهات فرعی آن به طول ۲ متر می‌باشد و طول بقعه ۶ متر و عرض ۵/۵۰ متر. ازاره آن سنگ مرمر و بدنه و سقف گچ‌بری است و بر سر در مقبره مستوفی الممالک زیر طاق‌بند ایوان کتیبه‌ای است به خط نستعلیق که اشعاری بر آن نوشته شده که مطلعش این است:

تَبَارَكَ اللهُ از این روضه بهشت سرشت

که سر زند ز شرف خاکش از سرشت بهشت

و در ضلع شرقی صحن عتیق راهرویی است که مدخل صحن جدید به صحن عتیق می‌باشد. طول آن ۹/۱۰ متر و عرض ۶/۹۲ و سقف آن یزدی‌بندی با آجر و کاشی است.

صحن جدید

صحن جدید از بناهای باشکوه آستانه و با اسلوب دل‌پذیری ساختمان شده است؛ یعنی از درب‌های ورودی خیابان موزه به طور هشت ضلعی منظم مستطیل است. اضلاع شرقی و غربی آن هر یک ۷۶/۶ متر و اضلاع شمالی و جنوبی آن هر یک ۴۶/۸ متر می‌باشد و چهار ضلع آنکه در جهات فرعی واقعند، هر یک به طول ۳/۷ متر می‌باشد و از درب ورودی خیابان ارم شکم‌دریدگی پنج ضلعی که اضلاع شمالی و جنوبی آن ۱۰ متر و دو ضلع فرعی آن ۵/۸ متر می‌باشد و دارای چهار ایوان می‌باشد شرقی و غربی و شمالی و جنوبی که شرح هر یک جداگانه می‌آید؛ مگر ایوان غربی که آیینه است و شرحش گذشت.

و اطراف صحن را سی و یک حجره و ایوان زینت بخشیده است طول هر یک از ایوان‌ها ۳ متر و عرض ۲ متر می‌باشد؛ مگر هشت ایوان که هر کدام دارای دو ستون و دو نیم ستون سنگ سیاه می‌باشد به ارتفاع ۳ متر و طول هر یک از این ایوان‌های هشت‌گانه ۶/۶۰ متر و عرض ۳/۲۰ متر می‌باشد. ازاره کلیه ایوان‌ها از سنگ سیاه است به ارتفاع ۰/۵۵ و ازاره پایه‌های صحن نیز از سنگ سیاه می‌باشد به ارتفاع ۱/۵ متر و بدنه و سقف ایوان‌ها و جرزها کاشی‌کاری است به اشکال مختلف، و سردرب ایوان‌های چهارگانه را میله‌ها و گلدسته‌های بزرگ و کوچکی قشنگ و زیبا کرده است و در وسط قسمت شرقی صحن حوضی بنا شده است به شکل بیضی و طول آن ۱۹/۵ متر و عرض آن ۱۲/۶۰ متر می‌باشد.

اما ایوان‌ها آنکه در جهت شرقی واقع شده است، برابر ایوان آیینه، بسیار مهم و از صنایع بزرگ معماری به شمار می‌رود و مخصوصاً مقرنس آویزی کاشی آنکه خیلی مهم و جالب توجه می‌باشد. طول این ایوان ۷/۸۰ متر و عرضش ۷/۳۰ متر و

ارتفاعش ۱۳/۶۰ متر می‌باشد. سقف مقرنس کاشی‌کاری و طاق‌بند و جزرها کاشی گره‌سازی زمینه فیروزه‌ای و زرد دارای حاشیه کاشی‌کاری بسیار دل‌پذیر و کتیبه آن نیز کاشی است، زمینه لاجوردی. بانی امین‌السلطان، معمار استاد محمدباقر قمی، نویسنده رجب‌علی خراسانی، سال بنا ۱۳۰۳، و کتیبه این است:

رَوَى فِي السَّمَاءِ وَالْعَالَمِ مِنَ الْبِحَارِ أَنَّهُ لَمَّا أَخْرَجَ الْمَأْمُونُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاءِ إِلَى مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى الْمَرُورِ سَنَةَ مِائَتَيْنِ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ أُخْتُهُ فِي سَنَةِ إِحْدَى وَمِائَتَيْنِ بِطَلْبِهِ فَلَمَّا وَصَلَتْ إِلَى سَاوَةِ مَرَضَتْ فَسُئِلَتْ كَمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قُمْ قَالُوا عَشْرَةَ فَرَسَخٍ فَأَمَرَتْ خَادِمَهَا فَذَهَبَ بِهَا إِلَى قُمْ وَأَنْزَلَهَا فِي بَيْتِ مُوسَى بْنِ خَزْرَجِ بْنِ سَعْدٍ وَالْأَصْحُ أَنَّهُ لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى آلِ سَعْدِ اتَّفَقُوا وَخَرَجُوا إِلَى أَنْ يَطْلُبُوا مِنْهَا النُّزُولَ فِي أَرْضِ قُمْ فَسَبَقَ بَيْنَهُمْ مُوسَى بْنُ خَزْرَجٍ فَلَمَّا وَصَلَ إِلَيْهَا أَخَذَ بِرِمَامِ نَاقَتِهَا وَجَرَّهَا إِلَى قُمْ وَأَنْزَلَهَا فِي دَارِهِ فَكَانَتْ فِيهَا سِتَّةَ عَشَرَ يَوْمًا ثُمَّ قُبِضَتْ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ فَدَفَنَهَا مُوسَى بْنُ خَزْرَجٍ بَعْدَ التَّغْسِيلِ وَالتَّكْفِينِ فِي أَرْضِ لَهُ وَهِيَ الَّتِي الْآنَ مَدْفُونُهَا وَبَنَى عَلَى قَبْرِهَا مِنَ الْبُورِي سَقْفًا إِلَى أَنْ بَنَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ الْجَوَادِ قُبَّةً عَلَيْهَا وَرَوَى فِي الْبِحَارِ أَنَّ زِيَارَتَهَا تُعَادِلُ الْجَنَّةَ قَدْتُمْ فِي سَنَةِ ۱۳۰۳ كَتَبَهُ خَادِمُ الرُّوضَةِ الرِّضْوِيَّةِ رَجَبِ عَلِيٍّ.

و در دو طرف این ایوان دو دالان بنا شده است که راهرو و صحن از خیابان ارم می‌باشد و در بالای دالان‌ها دو غرفه ساخته‌اند و در بالای ایوان ساعتی نصب نموده‌اند و بر سر درب ورودی مُحَازِی خیابان ارم کتیبه‌ای است کاشی که به خط نستعلیق اشعاری از پروانه بر آن نوشته شده است. بعضی از اشعار این است:

برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق سپهر سوده به خاک درش همواره جبین
امین السلطان علی اصغر ابن ابراهیم عیان نمود به سطح زمین بهشت برین
چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه
بنای صحن (۱۳۰۲)

و پایین‌تر از آن کتیبه‌ای است کاشی که بر آن اشعار ذیل نوشته شده است. ناظم

اشعار سید غم‌خوار، نویسنده میرزا آقای تبریزی:

ز بهر حضرت معصومه ساخت اندر قم امین السلطان این صحن آسمان مقدار
سرود سید غم‌خوار بهر تاریخش ز بعد هجرت احمد هزار و سیصد و چهار

و در ذیل آن به خط نستعلیق نوشته شده است نَمَقَهُ میرزا آقا. و در دو طرف شمالی و جنوبی شکم دریدگی پنج ضلعی متصل به قسمت هشت ضلعی منظم مستطیل دو گلدسته به شکل هشت ترک ساخته شده است. ارتفاع آن از سطح صحن ۱۳/۵ متر و محیط آن ۹/۹۰ متر و قطر آن ۳ متر می باشد و بدنه آن تازیر طارمی چوبی از کاشی گره سازی است. ایوان شمالی که درب صحن از خیابان آستانه می باشد، به ارتفاع ۱۲/۸۰ متر و طول ۷ متر و عرض ۴/۴۰ متر و بدنه و جرزها کاشی گره سازی و سقف رسمی با کاشی هفت رنگ است. در زیر طاق بند کتیبه ای است کاشی و به خط ثلث، حدیث ذیل بر آن نوشته شده است. بانی امین السلطان، نویسنده رجب علی خراسانی، سال بنا ۱۳۰۳، و حدیث این است:

رُوِيَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَقَالَ مَرَحَبًا بِأَخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ فَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَأَعَادَ الْكَلَامَ قَالُوا ذَلِكَ مِرَارًا فَأَجَابَهُمْ بِمِثْلِ مَا أَجَابَ بِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَأَنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَأَنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ كُوفَةُ وَأَنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَتَسْتَدْفِنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ مِنْ زَارِهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَرُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ رَأَى إِبْلِيسَ بَارِكًا بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا مَلْعُونُ فَسَمَّيْتَ بِذَلِكَ وَرُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا أَضَابْتَكُمْ بِلَيْتِهِ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَمُسْتَرَاخُ الْمُؤْمِنِينَ وَرُوِيَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا. قَدْ فَرَّغَ مِنَ التَّسْوِيدِ الْخَادِمِ الْمَشْهَدِيِّ رَجَبَ عَلِي فِي سَنَةِ ۱۳۰۳.

در جبهه ایوان کتیبه ای است که اشعار ذیل به خط نستعلیق بر آن نوشته شده است. ناظم اشعار میرزا صادق خان پروانه، نویسنده میرزا آقای تبریزی.

گشت امین شه و صدر مهین بانی این صحن خوش و دل فریب

صادق پروانه به تاریخ گفت نصرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ

در نیم ستون های دو طرف نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿إِنَّا فَتَحْنَا

لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ تاریخ ۱۳۰۲.

در کتیبه سردرب همین ایوان از خارج صحن به خط نستعلیق اشعار ذیل نوشته شده است. ناظم اشعار پروانه، نویسنده میرزا آقای تبریزی:

بنا نهاد به توفیق کردگار این صحن وزیر اعظم علی اصغر ابن ابراهیم
چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق امین سلطان آراست این ستوده حریم
برای مصدر تاریخ گفت پروانه سیاق کعبه ثانی ز پور ابراهیم
۱۳۰۳

ایوان جنوبی که مدخل صحن جدید است، از خیابان موزه در ارتفاع و عرض و طول و کاشی کاری مانند ایوان شمالی است؛ جز اینکه در کمر بند ایوان کتیبه ای است به خط ثلث که حدیث ذیل بر آن نوشته شده است. کاتب رجب علی مشهدی، سال بنا ۱۳۰۳:

رَوَى عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كُنْتُ ذَا يَوْمٍ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِلَيَّ إِلَى تَمَّ اعْتَنَقَهُ وَقَبَّلَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ عَرَضَ وَلَا يَتَبَكَ عَلَى السَّمَوَاتِ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ السَّابِعَةُ فَرَزَّتْهَا بِالْعَرْشِ تَمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ الرَّابِعَةُ فَرَزَّتْهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ تَمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا فَرَزَّتْهَا بِالْكَوَاكِبِ تَمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا مَكَّةُ فَرَزَّتْهَا بِالْكَعْبَةِ تَمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَرَزَّتْهَا بِي تَمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَرَزَّتْهَا بِكَ تَمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا قُمْ فَرَزَّتْهَا بِالْعَرَبِ وَفَتَحَ اللَّهُ لَهُمْ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَرَوَى صَفْوَانُ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذْ جَرَى ذِكْرُ قُمْ وَأَهْلِهِ وَمَيْلِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ فَتَرَحَّمَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - تَمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَهُمْ مِنْ خِيَارِ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا يَتَنَا فِي طَيْبَتِهِمْ وَرَوَى عَنِ الصَّادِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلَكًا رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحَيْهَا لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا آذَابَهُ اللَّهُ كَذُوبِ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ. قَدْ فَرَّغَ مِنَ التَّحْرِيرِ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الثَّانِي الْخَادِمِ رَجَبِ عَلِي.

در سردرب ایوان اشعاری از میرزا صادق خان پروانه به خط نستعلیق نوشته شده است که ماده تاریخش این است:

سرود صادق پروانه بهر تاریخش بین به ملک قم اینک در بهشت به پای
۱۳۰۳

در ایوان مدخل صحن عتیق جدید کتیبه‌ای است کاشی زمینه لاجوردی و حدیث ذیل به خط ثلث بر آن نوشته شده است. بانی سید حسین متولی باشی، نویسنده علی اکبر فیض، سال بنا ۱۲۹۶.

رَوَى صَاحِبُ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ الْفَاخِرَةِ فِي الْعَتْرَةِ الطَّاهِرَةِ بِسَنَدِهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ إِلَى الْبَابِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَأَنْتَ الْبَابُ كَذَبَ الَّذِي زَعَمَ أَنْ يَصِلَ إِلَى الْمَدِينَةِ لَا مِنْ الْبَابِ بَنَى هَذِهِ نِظَامُ الْمَجْدِ تَاجِ الْحَاجِّ مِيرْزَا سَيِّدِ حُسَيْنِ مُتَوَلَى بَاشِي. حَرَّرَهُ مِيرْزَا عَلِيُّ اكْبَرِ الْفَيْضِ فِي سَنَةِ ۱۲۹۶، بِه سَعْيِ وَاهْتِمَامِ مِيرْزَا عَلِيِّ مُحَمَّدِ بِه اِتْمَامِ رَسِيدِ.

در سر در ایوان مدخل صحن زنانه کتیبه‌ای است کاشی و حدیث ذیل به خط ثلث بر آن نوشته شده است. بانی اتابک، نویسنده رجب‌علی مشهدی، سال بنا ۱۳۰۳.

رَوَى فِي الْبَحْرِ عَنْ وَاسِطِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا أَنَّهُ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلِأَهْلِ قَوْمٍ وَاحِدٍ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَرَوَى رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام بِمَا سُمِّيَ قَوْمٌ لِأَنَّهُ لَمَّا وَصَلَتِ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانِ نُوحٍ قَامَتْ وَهُوَ قَطَعَهُ مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَرَوَى عَنِ الْأَيْمَةِ لَوْلَا الْقُمَّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ. كَتَبَهُ الْخَادِمُ الْمُشْهَدِيُّ رَجَبِ عَلِيٍّ ۱۳۰۳.

گرداگرد صحن جدید کتیبه‌ای است از کاشی به طول ۲۵۸/۸ که به خط نستعلیق به عرض ۰/۶۰ اشعاری بر آن نوشته شده است. یک مصراع با مرکب سفید و یک مصراع با مرکب زرد و استادان خط برآند که از بهترین خطوط نستعلیق می‌باشد. نویسنده میرزا آقای تبریزی، ناظم اشعار میرزا فتح‌الله کاشانی متخلص به شیبانی، و اشعار کتیبه دو قسمت می‌باشد یکی نونیه و آن ۵۳ بیت است و دیگری راثیه که سی و شش شعر می‌باشد، و از هر قسمت چند بیتی مذکور می‌گردد:

زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین یکی بنای خلیل و یکی بنای امین
خلیل رحمان گشت آن بدان بنای قدیم امین سلطان گشت این بدین بنای متین
بدان نماز برد هر که راست دین درست بدین نیاز برد هر که راست رأی رزین

ولی نه چونین محکم نهاد و خوب آیین زمین و خاکش بر فرق فرقد و پروین چنین اثر نه به چین ایدر و نه در ماچین کسی که کرد ایاصوفیه به قُسطُنطین به باد رفت همه نام آذر برزین در این بنا همه شب ذکر مالک الارضین فلک درود فرستد ملک کند تحسین بهشت طُرفه نگاری است می کند کابین صفی به سوی یَسار و صفی به سوی یمین خدای، حافظ آن کرد جبرئیل امین به پای خواهد بود این بنای نغز چنین کشد به رشته سر کُکش این لئالِ ثَمین نه هم ثنایی از این گونه محکم و شیرین و نیز چند بیت از قافیه دوم مذکور می‌گردد:

چنین بماند از او در جهان چنین آثار کجا به سایه او آسمان بر د زنهار به دست خویش همی خوار، درهم و دینار از او به جای بماند چنین اثر بسیار به پر خویش بر د گردش از در و دیوار به دیده بر کشد از فخر گنبد دوار فرو کشیدش اندر زمیئش داده قرار عمادهاش چو البرز محکم و ستوار نه کعبه است چو کعبه است قبله ابرار علی بن ابراهیم فخر آل تبار امین یزدان است او به حکمت و اسرار

به روزگار، بناها بسی نهادستند رواق طاقش بر آسمان نهاد اساس چنین اثر نه به خُلج درست و نی به طراز گر این بنا نگرَد سخت شرمسار شود بدین بنا که ز آب و گل این وزیر نهاد در آن بنا سخن از آفتاب و آذر بود کجا به بانی او این بنا که ماند به جای بنا مگو که عروس است کاسمان بلند دو صف فرشته شب و روز اندر او پیدا است بنای او چو به آخر رسید و گشت تمام بدین دلیل همی تا جهان به جای بُود در این کتیبه هم از بهر طبع، شیبانی که نه بنایی به زین کسی تواند کرد و نیز چند بیت از قافیه دوم مذکور می‌گردد:

چو مرد پر هنر افتاد و بخت بودش یار کجا به درگه او برنهد فرشته جبین به روزگار نگردد عزیز هر که نکرد کسی که درهم و دینار، خوار مایه گرفت کدام اثر که همه روز جبرئیل امین کدام اثر که غباری کز او بلند شود بنا مگوی که یک لخت، از بهشت برین رواقهاش چو افلاک بی فساد و خَلل نه جنت است چو جنت مقام رحمت حق به پاک تربت دخت رسول کرده است این اگر به مملکت ایدون امین سلطان است

ایا کسی که بر این کاخ بگذری روزی یکی به رحمت از این رفتگان به یاد بیار
 هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت به آخر آمد، این قصر و این بلند حصار
 در پایان اشعار نوشته شده است: «به سعی و اهتمام مقرَّب الحضرة العلیه آقا
 میرزا عبدالمولی به اتمام رسید. راقمه میرزا آقا.»

بانی کلیه ابنیه صحن جدید میرزا علی اصغر خان اتابک امین السلطان، مباشر
 ساختمان میرزا عبدالمولی، و معمار ابنیه استاد حسن معمار قمی، و کارگران مهم
 کاشی کاری و ساختمان استاد محمدباقر قمی و حاج غلام علی و استاد محمد ابراهیم و
 استاد محمد شیرازی، نویسنده خطوط نستعلیق میرزا آقای تبریزی و خطوط ثلث
 رجب علی خراسانی، و ناظم اشعار میرزا فتح الله شیبانی کاشانی و میرزا صادق خان
 پروانه فرزند حاج میرزا حسین نواده دختری سید الوزرا قائم مقام فراهانی.

صحن زنانه

صحن زنانه در ضلع غربی صحن جدید و در قسمت جنوبی حرم مطهر واقع شده
 است. فضای آن طولاً ۲۴ متر و عرضاً ۱۹/۶۰ متر می باشد. این صحن ساده و
 جرزهای آن آجری و بدنه آن گچی است و ایوانی در آن بنا شده است به طول ۸/۶۰
 متر و عرض ۷/۷۰ متر جرز آجرتراشی و در وسط ایوان کتیبه ای است به خط
 نستعلیق که اشعار ذیل بر آن نوشته شده است و در وسط اشعار به خط نسخ یا دافع
 البلیات یا غافر الخطیئات نوشته شده است. بانی تعمیر ایوان سید محمدباقر متولی،
 و شاعر خائف می باشد، و اشعار این است:

[.....]	چون به تخت شهشهی بنشست
سَمیِ پَنجمین امام هُدا	تولیت آن سَمیِ پاک سرشت
دید درگاه بنت موسی را	از مرور زمانه ریخته خشت
کرد تعمیر جمله طاق و رواق	نام نیکی برای خویش بهشت
سال تاریخ آن ز خائف جست	به جنابش چنین جواب نوشت
قبر را بوس و سر به سای و بگو	زائر قبر او رود به بهشت

ایوان مذکور به رواق جنوبی حرم متصل است. رواق تا ستون متصل به حرم به طول ۸/۷۰ متر و عرض ۵/۷۰ متر می‌باشد. ازاره آن به ارتفاع ۱/۸۰ متر سنگ مرمر است و بالای ازاره کتیبه‌ای است از کاشی معرق زمینه لاجورد و دنباله کتیبه حرم مطهر است که شرحش گذشت و بالای کتیبه تا سقف کاشی معرق و اسلوب ساختمان بند رومی و اسلیمی و رسمی‌سازی است. از این رواق دری به مقبره شاه عباس ثانی باز می‌شود و برابر آن دری است که به خزانه سابق آستانه گشوده می‌شده است و بر سر در خزانه اشعار ذیل به خط نستعلیق روی کاشی نوشته شده است:

[.....] [.....]
 به سال شمسی بعد از هزار و سیصد و نه شد این خزانه به دستور تولیت تعمیر
 مطاف اهل یقین منظر خدای اینجاست خزانه حرم و خانه خدا اینجاست
 ز فیض حضرت معصومه بضعه موسی همان زمین که کند فخر بر سما اینجاست
 مقبره شاه صفی در همین رواق بوده، لکن صندوق آن را برداشته‌اند و اکنون با
 سطح زمین رواق برابر است.

از صحن زنانه جنب ایوان راهرویی است که مدخل مقابر سلاطین صفویه است و هم‌اکنون مدخل موزه آستانه از صحن مذکور است و کتیبه‌ای دارد از کاشی لاجوردی که به خط نستعلیق با مرکب زرد اشعاری بر آن نوشته شده است و اشعار بر دو قافیه می‌باشد، لکن قسمتی از این اشعار مربوط به دوره صفویه است و قسمتی مربوط به دوره بعد است و شاید قسمت دوم در جایی دیگر بوده و در اینجا به کار برده‌اند. عدد اشعار قسمت اول ۱۲ بیت و عدد ابیات قسمت دوم هفت بیت می‌باشد، و قسمتی از ابیات ذیلاً نقل می‌شود:

هَذِهِ جَنَّاتٌ عَدْنٍ فَاَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ

زائر آن را از صریر در رسد برگوش جان

خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه

صحن ایوان رفیعش مهبط کروبیان

زَالْتِغَاتِ پادشاه صورت و معنی صفی
 شد سرافراز مهم تولیت جمشید خان
 شد تمام از معجز اقبالِ شاهی این بنا
 تا مگر همچون حرم گردد مَطَافِ انس و جان
 کرد بنیان اساسی بارگاهی کز شکوه
 باد یارب تا ابد از عمر و شاهی کامران
 این رقم زد از پی تاریخ، معمار قضا
 مَهْبِطِ صَفْحِ الهی مَرْقِدِ ضَا حِبِّ قِرَانِ

موزه

موزه آستانه دو قسمت می‌باشد؛ یک سالن به طول ۱۷/۶۰ متر و عرض ۴/۹۰ متر و سالن دیگر به طول ۱۶/۲۰ متر و عرض ۵/۵۰ متر می‌باشد. ازاره آن کاشی خشتی، سقف و بدنه گچی و از صحن زنانه دری بدان گشوده می‌شود؛ چنان‌که مدخل آن طرف شمالی صحن و درب آن در بقعه شاه سلطان حسین می‌باشد، و غیر از این در درب مخصوص دیگری از خیابان موزه دارد که ازاره آن از سنگ و بدنه و سقف آن را از خشت‌های کاشی تزیین کرده‌اند و در کمر بند ایوان آن کتیبه و اشعار زیر نوشته شده [....].

مدرسه فیضیه

مدرسه فیضیه پیش‌تر مدرسه کوچکی بوده که بعدها بر وسعت آن افزوده شده است. طول آن ۷۰/۶۰ متر، و عرض آن ۵۰ متر می‌باشد و در قسمت جنوبی آن ایوان باشکوهی است به طول ۱۱/۲۰ متر و عرض ۴ متر و ارتفاع ۱۲/۵۰ متر، جرزها و کتیبه و طاق‌بند کاشی معرق زمینه لاجوردی و سقف ایوان مقرنس گچی و ازاره آن با بدنه به ارتفاع ۱/۵۰ متر کاشی خشتی و کتیبه آن کاشی معرق لاجوردی به خط ثلث. بانی ایوان شاه طهماسب صفوی، معمار استاد سلطان قمی، سال بنا ۹۳۹ می‌باشد، و صورت کتیبه این است:

بِسْمِهِ تَيْمُنًا بِذِكْرِهِ

قَدْ اتَّفَقَ بِنَاءُ هَذِهِ الْعِمَارَةِ الشَّرِيفَةِ وَالْعَتَبَةِ السَّيِّدَةِ الْعَلِيَّةِ [كذا] الْفَاطِمِيَّةِ فِي زَمَانِ دَوْلَةِ سُلْطَانِ أَعْظَمِ السَّلَاطِينِ بُرْهَانَ أَكْرَمِ خَلْفِ الْخَوَاقِينِ خَلِيفَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ مُشَيِّدِ مَبَانِي الشَّرِيعَةِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ مُؤَسِّسِ آسَاسِ الْمِلَّةِ الرَّضَوِيَّةِ زَافِعِ الْوَيْةِ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ أَبُو الْمُظْفَرِ شَاهِ طَهْمَاسِبِ بَهَادِرِ خَانَ أَيَّدَ اللَّهُ تَعَالَى بِالنُّصْرَةِ وَالتَّأْيِيدِ سُلْطَنَتَهُ وَشَوْكَتَهُ وَبِالْخُلُودِ وَالتَّأْيِيدِ لَا زَالَ مُسْتَنًا لَهُ فِي هَزْمِهِ عَمَّا أَفَادَ الدِّينَ الْمُبِينُ فَقَامُوا لِمَا بَرَزَ إِمَارَتُهُ مَنِ التَّشْرِيفِ فِي إِعْلَاءِ مَعَالِمِ الشَّرْعِ الْمُبِينِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ تِسْعًا نَقَاوَةً أَكَابِرِ السَّادَاتِ بِالنُّقْبَاءِ وَالْأَشْرَافِ امِيرِ الدِّينِ بِالشَّرَفِ الْمَوْسَوِيِّ فِي سَنَةِ ٩٣٤^١.

در بالای طاق نوشته شده: عمل تقی سلطانی قمی، و در ذیل آن اشعاری است لایققرء و در اضلاع شمالی و شرقی و غربی آن سه ایوان دیگر است و هر یک به ارتفاع ۱۲/۵ متر و طول ۹ متر و عرض ۶ متر می باشد. بدنه تازی سقف، کاشی خشتی زمینه زرد و سقف ایوان شرقی و شمالی مقرنس گچی و سقف ایوان غربی گچی ساده و در عقب ایوان غربی مسجدی است و در قسمت فوقانی مسجد مدرّس واقع شده به طول ۹ متر و عرض ۶ متر و کتیبه ای از کاشی خشتی داشته و اشعاری بر آن نگاشته است که اکنون خشت های آن ریخته و اشعار غیر منظم است.

در دور تا دور مدرسه چهل و یک حجره بنا شده. ارتفاع هر حجره از سطح زمین تا بام ۴ متر می باشد. جرزها آجرتراش و جبهه ایوان های حجرات کاشی خشتی زمینه لاجوردی است و در زمان آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری در قسمت فوقانی حجرات حجراتی ساخته شده است و اکنون تمام مدرسه دو طبقه است.

۱. جمله های آخر کتیبه ظاهراً مغلوپ است.

دارالشفای

دارالشفای پیش‌تر مریض‌خانه آستانه و کوچک‌تر از بنای فعلی بوده است. فضای حالیه آن طولاً ۷۰/۵ متر و عرضاً ۳۲ متر می‌باشد و سی و دو حجره در آن بنا شده است. ایوانی در قسمت جنوبی آن است که از آنجا به مدرسه فیضیه متصل می‌گردد. ارتفاع آن ۱۲ متر و طول آن ۱۳ متر و عرض آن ۴ متر می‌باشد. بدنه آن کاشی‌خشتی زمینه زرد و جرزهای آن آجری و سقف مقرنس بوده است. دارای کتیبه‌ای می‌باشد به خط نستعلیق و اشعار ذیل بر آن نوشته شده است:

این همایون‌درگه فرخ‌پی گردون‌همال

درگه علم است و باب فضل و کز یاس کمال

این مفرّس طاق‌چه بود این منور شمسه چیست

آسمانی باشکوه و آفتابی بی‌زوال

این حرم حرمت حریم و این عرش فرشی بارگاه

گشت بسنیاد از مثال پادشاه بی‌مثال

باد یارب بخت بیدارش چو حئی لاینام

باد یارب مُلک و اقبالش چو مُلک لایزال

در قسمت علیای آن سنگ مرمر کبود رنگی مشتمل بر تاریخ آن، در قسمت

شمالی دارالشفای ایوانی است به عرض ۱ متر و طول ۱۱/۵ متر و ارتفاع ۸ متر.

جرزهای آجری و اطراف جرزها کاشی‌گره‌سازی و سقف آن با آجر و کاشی و دارای

کتیبه کاشی می‌باشد به خط ثلث و حدیث نبوی که زمخشری در کشف و ثعلبی در

کشف الیابان نقل کرده است. بر آن نوشته شده است و حدیث مذکور را در جزو

کتیبه‌های ایوان طلا نوشتیم تا هر کس خواهد، به آن رجوع کند.

در زاویه شرقی آن آب انباری است که در سال ۱۰۵۵ بنا شده است. سر درب آن به

ارتفاع ۸ متر و طول ۶ متر و عرض ۲/۷۰ متر می‌باشد. سقف آن مقرنس و کتیبه آن کاشی

خشتی به خط ثلث. بانی آن میرزا تقی اعتمادالدوله از وزرای سلاطین صفویه بوده

است. نویسنده محمدرضای امامی اصفهانی، سال بنا ۱۰۵۵، و صورت کتیبه این است:

فِي أَيَّامِ الدَّوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ وَالْخَاقَانِ الْأَكْرَمِ وَمَرْوَجٍ مَذْهَبِ أَيْمَةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ وَالْخَاقَانِ بْنِ الْخَاقَانِ أَبُو الْمُظَفَّرِ شَاهِ عِبَّاسِ
الثَّانِي الصَّفْوِيُّ الْمُوسَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ بِهَادِرِ خَانَ خَلْدَالَهُ مُلْكُهُ وَسُلْطَانُهُ تَوْفِيقِ اِتِّمَامِ يَافِتِ.
عمارت این برکه خادمُ الأمراءِ مَخْدُومُ الْفُقَرَاءِ تَوْفِيقِ آثَارِي، ایران مدیری، اعتمادُ
الدَّوْلَةِ الْعَلِيَّةِ الْعَالِيَةِ الْخَاقَانِيَّةِ مِيرْزَا مُحَمَّدِ تَقِي الْمَشْهُورِ بِالسَّوْرَتَقِي خَالِصًا إِلَى اللَّهِ
تَعَالَى فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ خَمْسَةِ وَخَمْسِينَ بَعْدَ الْأَلْفِ، اَكْتَبَهُ مُحَمَّدٌ رِضَا
الْإِمَامِيُّ الْإِصْفَهَانِيُّ، و نیز اشعار ذیل به خط نستعلیق بر کاشی نوشته شده است:

زین برکه دستور که بادا جاوید بر یاد حسین هر آنکه یک قطره چشید
فی الحال ز بهر سال تاریخش گفت لعنت به یزید باد و برگور یزید
میرزا تقی از بهر صفی شاه جهان این برکه نمود خیر بر عالمیان
جُستم ز خرد حساب تاریخش گفت این برکه بسنا کرده وزیر ایران
در سال ۱۲۴۰ تقی خان بروجردی برکه مذکور را مرمت نموده و در سنگی که در
قسمت فوقانی سردرب برکه نصب نموده، هفت عدد شعر بر آن کنده است و سه
شعر از آن مذکور می‌گردد:

مظهر لطف حق تقی خانا	در بروجرد و در زمانه وحید
بانی کارهای خیر و صواب	ایزدش داده است بخت سعید
جرعه‌ای آب خورد وانگه گفت	سب و لعنت به شمر باد و یزید

نفایس آستانه

الف: قالی‌ها و قالیچه‌ها

۱. قالی بزرگ ابریشمین مقبره شاه عباس ثانی دو تخته که با هم تشکیل کثیرالاضلاع
دوازده ضلعی منظم را می‌دهند که فاصله هر ضلع از ضلع مقابل ۸/۲۲ متر است.
قسمت وسط آن به طول ۲/۶ متر و عرض ۱/۲۱ متر جای صندوق مقبره خالی

[۱. کلماتی از متن افتاده است.]

است. زمینه متن کرم نقره رنگ و دارای چهار حاشیه است: حاشیه اول عنابی، حاشیه دوم نقره، حاشیه سوم عنابی، حاشیه چهارم زنگاری با نقش درختان سرو و کاج و گل‌های مختلف، بافنده آن استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۸۲.

۲. قالیچه ابریشمین روی صندوق مقبره شاه عباس به طول ۲/۸۷ متر و عرض ۱/۷۱ متر که با گلابتون و ابریشم بافته شده است، دارای گل‌های برجسته مختلف. یک ترنج در وسط و چهار گلدان گل، زمینه متن کرم و حاشیه آبی آسمانی، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.^۱

۳. قالیچه ابریشمین هشت ضلعی به طول ۱/۹۰ متر و عرض ۸۰ سانتی‌متر، زمینه متن نخودی دارای شش سرو و نقش شش مرغ و شاخه‌های گل مختلف و حاشیه باریک به رنگ زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، سال ۱۰۸۲، واقف شاه سلیمان صفوی.

۴. قالیچه ابریشمین هشت ضلعی به طول ۱/۹۰ متر و عرض ۱/۱۳ متر، زمینه متن آبی دارای پنج سرو کوچک و شاخه‌های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۵. قالیچه ابریشمی هشت ضلعی به طول ۱/۸۹ متر و عرض ۱/۳۰ متر، زمینه متن آبی آسمانی، دارای نقش چهار سرو و دو صورت آدم و چهار ماهی و هشت مرغ که در دهان دو ماهی از آنها دو عنکبوت می‌باشد و هفت پروانه و یک درب عمارت و شاخه‌های گل مختلف، زمینه حاشیه رنگ زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۶. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۹۳ متر و عرض ۷۰ سانتی‌متر، زمینه متن آبی دارای نقش پنج سرو و ده مرغ و شاخه‌های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان.

۱. قالیچه مزبور به امر دربار شاهنشاهی به نمایشگاه لندن ارسال و حائز درجه یک در دنیاگردید (روزنامه اطلاعات).

۷. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۹۳ متر و عرض ۷۳ سانتی‌متر، زمینه متن آبی دارای نقش سه سرو و شاخه‌های گل مختلف و زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۸. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۹۳ متر و عرض ۷۱ سانتی‌متر، زمینه آبی دارای نقش پنج سرو و نه مرغ و چهار ماهی و شاخه‌های گل مختلف، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۹. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۸۷ متر و عرض ۶۹ سانتی‌متر، زمینه متن آبی دارای نقش شش سرو و دو مرغ و زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۰. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۹۱ متر و عرض ۶۹ سانتی‌متر، زمینه متن آبی دارای نقش پنج سرو و دو مرغ و شاخه‌های گل مختلف، زمینه حاشیه زرد و قرمز، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۱. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۹۱ متر و عرض ۷۴ سانتی‌متر، زمینه متن آبی آسمانی دارای نقش سه سرو و شاخه‌های گل مختلف، زمینه حاشیه زرد و قرمز و گل‌های آبی، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۲. قالیچه ابریشمین به طول ۱/۸۶ متر و عرض ۶۹ سانتی‌متر، زمینه آبی آسمانی دارای نقش هشت سرو و دو پروانه و شاخه‌های گل مختلف، حاشیه زرد و قرمز با گل‌های آبی، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

۱۳. قالیچه جانمازی ابریشمین به طول ۱/۳۸ متر و عرض ۱/۰۵ متر، زمینه متن لاکه دارای نقش شاخه و گل‌های مختلف و در وسط قالی اسماء‌الله و آیات قرآن، قسمت حاشیه طرف پایین زمینه سبز با نقش گل و بوته و قسمت حاشیه بالا زمینه قرمز مشتمل بر آیات قرآن، بافنده استاد نعمت‌الله جوشقانی، واقف شاه سلیمان صفوی.

ب: کاشی‌ها

۱۴. کاشی‌های مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام که از سال ۶۰۵ تا سال ۶۱۳ ساخته شده است و از چند قسمت مرکب می‌باشد. روی مرقد مطهر را پانزده پارچه خشت کاشی به طول ۲/۹۵ متر و عرض ۱/۲۰ متر فراگرفته است که طول هر یک از خشت‌ها ۰/۵۹ سانتی‌متر و عرض ۰/۴۰ سانتی‌متر می‌باشد. بدنه قبر را سه قسم کاشی پوشانیده است: کاشی‌های خشتی لب برگردان که با شکل مخصوصی به کاشی‌های روی قبر متصل می‌گردد و کاشی‌های تمام کوبی و نیمه کوبی که زیر کاشی‌های خشتی قرار گرفته است و کاشی‌های خشتی که زیر کاشی‌های کوبی است.

ارتفاع قبر مطهر ۱/۲۰ متر می‌باشد و این اندازه کاشی‌های مذکور است. کتیبه‌های آنها مختلف می‌باشد؛ بعضی دارای کتیبه برجسته شنجرفی به خط نسخ بوده و بعضی کتیبه برجسته شنجرفی به خط کوفی و برخی دارای کتیبه طلایی به خط نسخ می‌باشد و زمینه آنها نیز مختلف می‌باشد از لاجوردی و قلم طلا و قهوه‌ای و نقره‌ای و نقوش آنها نیز یکسان نیست؛ بعضی برجسته و بعضی ساده می‌باشد و کتیبه‌ها عبارت از سوره «یس» و سوره «الرحمن» و سوره «تبارک» و سوره «هل اتی» و آیات مختلفه قرآن و بعضی احادیث است. بانی آن مظفر بن احمد بن اسماعیل، و نویسنده و سازنده آن محمد بن ابی‌طاهر بن ابی‌الحسین و نویسنده دیگر آن ابوزید است.

کاشی‌های علی بن جعفر

۱۵. کاشی‌های محراب علی بن جعفر مرکب از چهل و پنج پارچه، کتیبه چهارده پارچه و نیم خشت مثلث دو تکه، خشت نازک هشت دانه و نیم، کاشی با خط کوفی یک دانه خشت بزرگ که دور آن سوره «اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» نوشته، یک دانه خشت بزرگ که دور آن اللهم صل علی محمد المصطفی نوشته، یک دانه خشت کاشی گل برجسته، یک دانه محراب شکسته، ۱۶ قطعه که خطوط آنها برجسته و ثلث و زمینه

آنها لاجوردی و طلائی می باشد که از تاریخ ۷۱۰ تا ۷۴۰ هجری در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده است.

۱۶. کاشی های ازاره علی بن جعفر هشت ترک دارای نقش حیوانات و طیور و گل و بوته طلائی است که استاد جمال نقاش در کاشان ساخته است.

۱۷. کاشی های کتیبه علی بن جعفر که در کارخانه سیدرکن الدین در کاشان توسط استاد جمال نقاش ساخته شده است، زمینه لاجوردی، دارای گل و بوته طلائی، خشت ها مربع ۳۲ سانتی متر در ۳۲ سانتی متر، دارای حاشیه ای به اندازه هشت سانتی متر که به گل و بوته طلائی مزین می باشد.

۱۸. کاشی های روی قبر علی بن جعفر که اندازه خشت آن ۷۵ در ۷۰ سانتی متر می باشد، زمینه لاجوردی، دارای اشکال ترنج و شاخه های افشان، حاشیه ده سانتی متر آیه الکرسی نوشته شده، برجسته و در طرف راست لوحه محمد بن موسی الکاظم است و طرف چپ لوحه علی بن جعفر است.

کاشی های امامزاده اسماعیل

۱۹. کاشی امامزاده اسماعیل که در سال ۶۶۱ هجری ساخته شده، به شکل کوبی، زمینه قهوه ای طلائی دارای گل و بوته و سه سوار مغول، حاشیه دو سانتی متر، زمینه سفید، اندازه خشت ۳۰ در ۳۰ سانتی متر می باشد و از کاشی های امامزاده اسماعیل سه خشت دیگر در موزه آستانه می باشد؛ یکی زمینه آن فیروزه ای دارای نقش یک اژدهای برجسته و دوم زمینه بنفش دارای صورت شکار و سه مرغ و سیم زمینه قهوه ای طلائی با نقش اژدهای برجسته.

ج: زری ها

۲۰. پرده زری زمینه اطلس عنابی دارای گل های برجسته به طول ۳ متر و ۱۵۰ سانتی متر و عرض ۱/۵ متر.

۲۱. زری اطلس کهنه، متن بوته برجسته، زمینه مینایی، طول ۱/۷۶ متر.

۲۲. زری مرغی گل دار زمینه صورتی، طول ۱ متر و عرض ۰/۶۷ سانتی متر، عمل احمد.

۲۳. زری گل دار زمینه قهوه‌ای دارای گل‌های زرد، طول ۱/۳۵ متر عرض ۶۷ سانتی متر.

۲۴. پرده زری، عمل سیفی در وسط صورت یک سرو و یک درخت، زمینه زریفت، طول ۲ متر، عرض ۵۹ سانتی متر.

۲۵. قسمتی از زری نقشه چین، کار استادان اصفهان، دارای گل و بوته و نقش دو عقاب و یک اژدها در وسط، طول ۶۵ سانتی متر عرض ۵۳ سانتی متر.

د: قرآن‌ها

۲۶. قرآن مجید خط میر سنجری به خط ثلث، جلد سوخته‌ای اعلا، کاغذ ترمه، ورق اول مذهب با طلا، لاجوردی و شنجرف، خطوط وسط هر ورق به خط ثلث با آب طلا نوشته شده، حاشیه اوراق با تذهیب مینا و طلا منقش گردیده، طول هر ورق ۳۵ سانتی متر، عرض ۲۵ سانتی متر، واقف فخرالملوک، سال وقف ۱۲۳۰؛ وقف بر آستانه حضرت معصومه.

۲۷. قرآن خطی جلد سوخته‌ای از طرف رو روغنی و از طرف پشت سوخته‌ای، ورق اول هر سوره مذهب با طلا و لاجورد خیلی عالی، در تمام صفحه‌ها بین سطور سه سطر با طلای اشرفی و خط ثلث نوشته شده، این قرآن شبیه به خط یاقوت است، ولی تاریخ ندارد، عدد اوراق ۳۲۱ ورق، طول ۳۶ سانتی متر، عرض ۲۱ سانتی متر، واقف شاه سلیمان صفوی، سال وقف ۱۰۸۵.

۲۸. قرآن خطی جلد روغنی زمینه عنابی، وسط ترنج، اغلب سر سوره‌ها به خط کوفی نوشته شده است، این قرآن خیلی قدیمی است، تاریخ کتابت آن ۵۹۰ می‌باشد، کاتب ابن مقلة بن سلیمان محمود و دارای مهر شاه سلطان حسین صفوی، جلد عوض شده و تازه است و دور جلد خط ثلث قدیم و کوفی به خط احمد نیریزی، سال ۱۱۱۸، عدد اوراق ۲۸۰، طول ۲۸ و عرض ۱۶ سانتی متر است.

۲۹. قرآن خطی جلد سوخته‌ای اعلا، کاغذ ترمه، ورق اول و دوم تذهیب خیلی عالی، سوره ﴿حمد﴾ و اول سوره ﴿بقره﴾ با مرکب سفید روی طلای اشرفی نوشته شده است، سایر صفحات و اوراق قرآن تمام حاشیه‌ها زرافشان با طلاست، هر صفحه ده سطر دارد، یک سطر با مرکب مشک، یک سطر با طلای اشرفی، عدد اوراق ۳۵۱، کاتب حاج غیاث‌الدین محمد بن احمد الحسینی التبریزی، تاریخ کتابت ۹۹۲، طول ۳۰ و عرض ۲۰ سانتی متر می‌باشد، واقف فاطمه مادر شاه سلیمان صفوی، سال وقف ۱۰۹۸.

۳۰. قرآن خطی جلد سوخته‌ای اعلا، کار قدیم، دور جلد آیه‌الکرسی، تمام اوراق تذهیب شده با آب طلای اشرفی در کاغذ خانباتق و حاشیه آن لاجوردی و طلا، هر صفحه سه سطر به خط درشت ثلث که دو سطر بالا و پایین خط لاجوردی و خط وسط طلای اشرفی، کاتب یاقوت، عدد اوراق ۳۷۲، طول ۳۲ و عرض ۲۰ سانتی متر، واقف شاه سلیمان، سال وقف ۱۰۷۷.

۳۱. قرآن خط کوفی روی پوست آهو صفحه اول قرآن پشت صفحه تذهیب و نقاشی کار خیلی قدیم، سر سوره نقاشی قدیم با طلای اشرفی، عدد اوراق ۲۳۹ و صفحه آخر با طلا منقش می‌باشد و این علائم قدمت آن را می‌رساند، ولی جلد قدیمی قرآن نیست، فعلاً جلد چرمی دارد؛ به علاوه، تمام قرآن یک ورق خط کوفی در روی پوست که از طرف عرض پوست نوشته شده، در جوف قرآن است و بقیه اوراق حاضر نیست، طول هر ورق ۲۵ سانتی متر، عرض ۱۹ سانتی متر، کتابت قرن سیم است.

۳۲. قرآن کوفی خیلی اعلا، کار قدیم، یک ورق از آن تذهیب خیلی قدیمی دارد و روی یک صفحه آن پنج سطر که به خط سبز و قرمز و ماشی در روی جلد نوشته شده، این یک ورق بر اوراق دیگر ترجیح دارد، کلیه اوراق موربانه خورده، طول یک صفحه درست ۲۲ و عرض ۱۸ سانتی متر است.

ه: اشیای متفرقه

۳۳. صندوق خاتم مقبره شاه صفی که دور آن با خط ثلث برجسته سوره ﴿یس﴾ است و هنرها در ساختن آن به کار رفته است و فعلاً در موزه و جزو نفایس است.

۳۴. قندیل طلای مُرْصَع به جواهرات دارای شش تَرک پایین و شش ترک بالا و چهارده ترک وسط و مُکَلَّل به دانه‌های یاقوت و زمرد درشت و ریز و الماس، وزن یک من و یک چارک که از طرف سلطان وقت در سال ۱۲۴۲ وقف شده.

۳۵. قندیل طلای میناکاری برجسته اعلا مصور با گل و بوته، ارتفاع آن ۲۱ سانتی‌متر است.

۳۶. شمشیر و غلاف آن، دسته شمشیر شیرماهی و طلاکوب و ته غلاف چهار انگشت باز از طلای منبت ساخته شده، بند غلاف در یک رشته متصل به دو بست، دارای دوازده دانه یاقوت و زمرد که در طلای مینا نصب شده، بند چرم، دارای شیر و قلاب طلا در وسط بند دو بازوبند یشم مرصع به یاقوت و دارای ۶۶ دانه یاقوت درشت و روی تیغه بسم الله تعالی، واقف حسین علی خان قاجار، سال وقف ۱۲۱۶.

۳۷. سپر مرصع روی پوست منبت به گل‌های برجسته و دارای یک حاشیه و وسط سپر دارای یک گل چهار پر که دور آن نیز حاشیه دارد و شش دانه قبه طلا که روی آنها مینا بوده و ریخته و قدر کمی باقی است، واقف حسین قلی خان قاجار.

۳۸. ساعدبند فولاد دو لنگه، دست راست روی ساعدبند پنج ترنج دارد و دست چپ روی ساعدبند هفت ترنج برجسته، واقف حسین علی خان قاجار.

۳۹. تبرزین که سر آن فولاد و پایین و بالای آن روی طلا مینای برجسته، وسط دسته تیماج سیاه که روی آن مفتول طلا به شکل ماریچ پیچیده شده است و در جلو تبرزین دانه‌های یاقوت بوده که حالیه خرد شده است، واقف حسین علی خان قاجار.

۴۰. قمه، دسته قمه شیرماهی روی تیغه با طلا، نقش غلاف قمه طلای مینای برجسته و منقوش، واقف حسین علی خان قاجار.

۴۱. شمشیر مرصع، دسته شمشیر دارای ۱۳۴ تخمه است که عبارت از الماس و یاقوت درشت و ریز و زمرد است و متن دسته طلای مینا و مرصع به دانه‌های مزبور است، غلاف شمشیر دارای دو بسته طلای مینای مرصع پشت دو صورت مینا دارای ۲۴ دانه یاقوت کوچک و چهار دانه یاقوت درشت و دو دانه زمرد درشت، بند غلاف دارای ۷۴ عدد یشم و روی یشم‌ها یاقوت ریز هر کدام نه دانه و دو عدد از یشم‌ها بزرگ‌تر

و هر یک دارای بیست و چهار دانه یاقوت می‌باشد و دارای یک دانه شیر قلاب طلا که در انتها الیه بند غلاف است و در پایین غلاف طلای مینا با گل و بوته می‌باشد، تیغه شمشیر فولاد و به خط طلا وقف صاحب‌الزمان دارد، واقف حسین‌علی خان قاجار.

۴۲. بخورسوز نقره مشبک متعلق به قرن هفتم هجری، ارتفاعش ۴۵ سانتی‌متر.

۴۳. شمعدان برنجی دو شاخه که شاخه‌های آن از سر و گردن دو اژدها تشکیل یافته، متعلق به سال ۱۰۷۷ هجری، ارتفاعش ۲۷ سانتی‌متر.

۴۴. چراغ برنجی روغنی متعلق به قرن دهم هجری، کبوتری است که در داخل آن مخزن روغن قرار داده‌اند، پس از سوختن روغن از لوله‌ای که در سینه کبوتر است، مجدداً روغن به طرف زیر پای کبوتر ریخته و سوختن را ادامه می‌دهد، طول ۱۸ و عرضش ۱۶ سانتی‌متر است.

۴۵. رحل روغنی دارای نقاشی بسیار عالی مرکب از اقسام حیوانات و پرندگان، زمینه مشکی، ارتفاعش ۴۸ و عرضش ۱۷ سانتی‌متر است.

۴۶. درب طلا که صفحه زیرین آن نقره و روی نقره پارچه‌های طلا با نقش اژدر در هم کوبیده‌اند و نیز صفحه‌های طلا به اشکال مختلف مصلع کوبی و غیرکوبی که در آنها نام‌های خداوند و اشعار نوشته و کنده شده است در متن و حاشیه آن جای داده‌اند، طول آن ۳/۲۰ متر عرض ۱/۴ متر که از طرف سلطان وقت وقف شده و سال وقف ۱۲۲۱ هجری قمری است.

۴۷. درب نقره که سراپای صفحه سیم است و در وسط قسمت فوقانی و تحتانی هر مصرع مانند بیضی شکل بیرون آورده‌اند و اطراف آن کتیبه و اشعاری به خط برجسته نوشته‌اند، واقف حسین‌قلی خان مافی (نظام‌السلطنه)، سال وقف ۱۳۱۰ هجری قمری می‌باشد.

تنبیه: چنانچه مذکور گردید، اشیای نفیسه آستانه منحصر به اشیای نامبرده نیست و اشیای مزبوره به لحاظ اهمیتی که از حیث نفاست یا قدمت در درجه اول بوده، اختصاص به ذکر یافت و برای سایر آثار نفیسه باید به گراورها و شرحی که زیر هر یک نوشته شده، مراجعه نمود.

رجالی که در اطراف آستانه مدفونند

پیش‌تر گفتیم که در آستانه حضرت معصومه علیها السلام تغییراتی روی داده و به تدریج بر بناهای آن افزوده شده است و قطعی است که در این تغییرات قبور بسیاری از اعظام از طبقه دانشمندان و رجال بزرگ از میان رفته است و تعیین آرامگاه آنان دشوار می‌باشد؛ از آن جمله: قبر محمد بن حسن صفار قمی مؤلف کتاب بصائر الدرجات می‌باشد که فقیه و محدث بارعی بوده و از صحابه حضرت عسکری است، و از آن جمله: قبر ابو عبدالله محمد بن خالد برقی است که در علوم غریبه نیز احاطه داشته و مؤلفاتش بسیار است، و از آن جمله قبر حکیم بلندپایه و دانشمند گرانمایه مولی عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض، صاحب تألیفات رشیه مانندشوارق الالهام در شرح تجرید الکلام و گوهر مراد و غیر اینها، و از آن جمله: قبر مُشید کاخ عرفان و حکیم کوچک قمیان، قاضی سعید قمی و غیر اینان از فقها و ادبا و شعرا و وزرا که قبورشان مجهول می‌باشد و از بزرگانی که قبورشان معلوم است، بعضی از آنان را یاد می‌کنیم تا رشته نگارش به طول نینجامد:

ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی پدر بزرگوار رئیس محدثین، شیخ صدوق می‌باشد. قبرش در قسمت شرقی قبرستان واقع است؛ جایی که به ابن بابویه معروف است و دارای صحن کوچک و گنبد شلجمی شکل کاشی‌کاری و بقعه و ضریح چوبین می‌باشد. ابوالحسن از فقهای معتبر قم به شمار می‌رفته و عهد همایون حضرت عسکری را دریافته و توقیعی از آن حضرت به افتخار به وی رسیده است و دارای مصنفاتی می‌باشد؛ از آن جمله: کتاب التوحید، کتاب الامامة، کتاب التبصرة من الحيرة، کتاب الاملاء، کتاب المنطق، کتاب التفسیر، کتاب الاخوان، کتاب الطب، کتاب المعراج. وفاتش در سال ۳۲۹ هجری اتفاق افتاد.

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه در زمان غیبت صغری متولد گردید و در فقه و حدیث مهارتی بسزا داشت و شیخ مفید که از اعظام فقهای امامیه است، فقه را از وی آموخت. مصنفاتش بسیار است؛ از جمله: کتاب تاریخ شهور و حوادث، کتاب قضا و آداب احکام، کتاب الشهادات، کتاب کامل الزیارة. وفاتش در سال ۳۶۹ واقع شده و قبرش در شرقی شیخان جایی که اکنون حاشیه باغ ملی است، می‌باشد.

علی بن ابراهیم بن هاشم القمی از فقهای شهیر شیعه امامیه است و کتبی تصنیف فرموده است؛ از جمله: کتاب تفسیر القرآن، کتاب قرب الإسناد، کتاب التوحید و الشرك، کتاب الشرایع، کتاب المغازی، و سال وفاتش معلوم نیست و قبرش نزدیک قبر ابن قولویه و در شمال آن می باشد.

زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی از اصحاب کبار حضرت رضا علیه السلام است و در نزد آن حضرت منزلتی داشت و دو کتاب تصنیف فرمود: یکی در حدیث و دیگر در مسائلی که از حضرت رضا علیه السلام شنیده است. سال وفاتش معلوم نیست و قبرش در شیخان زیر قبه کوچکی که به نام اوست، می باشد.

قطب الدین سعد^۱ بن هبة الله الراوندی فقیهی بزرگ مایه بوده است و پدر و جد و اولاد او همگان در شمار علما و محدثین اند و مصنفاتی دارد؛ از جمله: کتاب الخرائج و الجرائح، کتاب الایجاز، کتاب المغنی در ده جلد، کتاب خلاصة التفسیر، کتاب المستقصی، کتاب ضیاء الشهاب، کتاب حل العقود فی شرح الجمل و العقود، کتاب غریب الاحکام، کتاب منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، کتاب تهافت الفلاسفه، کتاب نغمة المصدور، کتاب فقه القرآن، کتاب قصص الانبیاء، کتاب البحر. وفاتش در چهاردهم شوال سال ۵۷۳ واقع شد و قبرش در قسمت جنوبی صحن جدید می باشد و مزاری مشهور است.

ابوجریر زکریا بن ادیس محدثی بارع و جلیل القدر است و از حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیه السلام احادیث فراگرفته است و کتابی تصنیف نمود و قبرش در غربی شیخان واقع است.

آدم بن اسحاق بن آدم الاشعری القمی از فقها و محدثین بزرگ امامیه است و کتابی تصنیف فرمود و قبرش در غربی شیخان واقع است.

محمد طاهر بن محمد حسین القمی از فقهای مشهور قم می باشد و معاصر فیض و فیاض بوده و با فرق صوفیه سخت تعصب می ورزیده است و با علمایی که نماز جمعه را ترک می کردند، پیوسته در کشاکش بوده است و با مولی خلیل قزوینی

۱. در تمام کتب رجال، سعد بن هبة الله ضبط شده است، مگر در نسخه اقبال که سعید است و گویا اشتباه از نسخ باشد.

داستان‌ها دارد و بعضی از مصنفاتش مذکور می‌گردد: کتاب اربعین در فضائل امیرالمؤمنین، کتاب بهجة الدارین، کتاب حکمة العارفين، کتاب شرح تهذیب الحدیث، کتاب حجة الاسلام فی اصول الفقه و الکلام، کتاب الفوائد الدینیة فی الرد علی الحکماء و الصوفیة. قبرش در قم در زاویه شمال بقعه زکریا بن آدم است.

میرزا حسن فرزند مولی عبدالرزاق لاهیجی از علمای جلیل‌القدر است و در قم تدریس می‌نموده و از مصنفاتش یکی شمع الیقین است در امامت و دیگری جمال الصالحین در ادعیه، و قبرش در جنوب شرقی قبرستان قم واقع است.

ابوالقاسم بن محمد حسن الجیلانی مشهور به میرزای قمی محقق گرانمایه و فقیهی بلندپایه بوده است و از فنون ادبیه نیز بهره کافی داشته و از اخلاق ستوده‌اش داستان‌ها گویند. ریاست شیعه به وی رسید و الحق بجای بود و مصنفاتش بسیار است؛ از جمله: قوانین الاصول و کتاب غنائم در ابواب عبادات و کتاب مناهج و کتاب جامع الشئات در اجوبه مسائل و دیوان شعر فارسی و عربی در حدود پنج‌هزار بیت و منظومه‌ای در علم معانی و بیان. ولادتش در سال ۱۱۵۲ و وفاتش در سال ۱۲۳۱ واقع شد و در ماده تاریخ وفاتش گفته شده است: از این جهان به چنان صاحب قوانین رفت. و بر روی لوحه قبرش ماده تاریخ وفاتش غزال است: «نقطه مشکین گشا از ناف مشکین غزال»

حاج شیخ عبدالکریم حائری دانشمند شهیر قرن اخیر و مفتی دیار شیعه بود. ولادتش در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در قریه مهرجرد یزد واقع شد و پس از تحصیل و تکمیل علوم عربیه و ادبیه به عتبات رفت و از دروس اساتید بزرگ بهره‌ای بسزا گرفت و از آن پس چندی در کربلا تدریس می‌نمود و در سال ۱۳۳۲ آغاز جنگ عمومی به ایران بازگردید و در سلطان‌آباد عراق زیستن نمود و حوزه علمیه تأسیس فرمود و در سال ۱۳۴۰ به عزم زیارت به قم آمد و بر اثر درخواست علما در قم توقف نمود و حوزه علمیه را وسعت داد و فضلا و دانشمندان گردش انجمن شدند و مقارن این تاریخ قم یکی از بزرگ‌ترین شهرهای علمی و دینی گردید، و اخلاقش ستوده و صفاتش پسندیده بود و مریض‌خانه‌ای در قم تأسیس نمود.

و از مصنفاتش که به طبع رسیده، یکی در الاصول است و دیگری کتاب الصلوة، و وفاتش در شب شنبه هفدهم شهر ذی القعدة سال ۱۳۵۵ قمری واقع شد و عالم جلیل سید صدرالدین صدر در ماده تاریخ وفاتش گفته است: «لَدَى الْكَرِيمِ حَلِّ ضَيْفًا عَبْدُهُ» و قبرش در بقعه‌ای که در طرف جنوبی دارالسیاده است، می‌باشد و چنان‌که پیش‌تر گفتیم، علاوه بر مشاهیر مزبور اشخاص جلیل‌القدر دیگری نیز در قم بخصوص در شیخان مدفون می‌باشند.

و اما شاهانی که در قم مدفونند، شش تن می‌باشند؛ چهارکس از شاهان صفوی و دو تن از سلاطین قاجار، به ترتیبی که نگاشته می‌گردد:

شاه صفی اول پسر صفی میرزا پسر شاه عباس بزرگ و نامش سام میرزا بوده و چون او را به سلطنت برداشتند، نام شاه صفی را بر خود نهاد و در سن هفده سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۵۲ در سن سی و یک سالگی وفات نمود و جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در ضلع جنوبی حرم مطهر دفن نمودند و چون قبرش در مدخل حرم مطهر از طرف صحن زنانه بود، صندوق قبرش را برداشتند و اکنون قبرش با سطح رواق مساوی است و صندوق قبرش که کنده کاری و منتهای مهارت را در آن به کار برده‌اند، در موزه آستانه می‌باشد.

شاه عباس ثانی پسر شاه صفی است و در سن ده سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۷۷ در خسرو آباد دامغان وفات نمود و جنازه‌اش را به قم حمل نمودند و در ضلع جنوب غربی حرم، جایی که اکنون بقعه مخصوص اوست، دفن نمودند.

شاه سلیمان پسر شاه عباس ثانی است و در سال ۱۱۰۵ در سن چهل و نه سالگی از دنیا برفت و جنازه‌اش را به قم آوردند و در بقعه‌ای که در جنوبی مسجد بالای سر و شمالی موزه آستانه است، به خاک سپردند.

شاه سلطان حسین پسر شاه سلیمان است که در سرای سلطنتی به دست اشرف افغان کشته شد و جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در بقعه‌ای که در طرف شرقی بقعه شاه سلیمان است، دفن نمودند.

فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ در سن شصت و هشت سالگی در اصفهان وفات نمود و جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در طرف شمال صحن عتیق در بقعه مخصوص دفن نمودند.

محمد شاه قاجار در سال ۱۲۶۴ در تجریش وفات یافت و جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در قسمت غربی صحن عتیق در بقعه‌ای که جنب راهرو مدرسه محمدشاه است، دفن نمودند.

و اما رجال و بزرگان دیگر از طبقه وزرا و سفرا و حکام که در پیرامون آستانه مدفونند، بدون رعایت ترتیب از این قرار است:

علی اصغر اتابک پسر محمدابراهیم امین السلطان که صدارت اعظم ایران در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به وی مفوض بوده و صحن جدید قم از آثار خیریه او است، در سال ۱۳۲۵ قمری وفات یافت و قبرش در بقعه‌ای که جنب ایوان آینه است، می‌باشد.

کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه که نیابت سلطنت و نیز حکومت تهران را داشته است، در سال ۱۳۴۷ قمری وفات یافت و در بقعه فتحعلی شاه واقع در صحن عتیق مدفون گردید.

حسن مستوفی فرزند کاظم که مستوفی دیوان و از مشاهیر این فن است. وفاتش در سال ۱۲۶۰ واقع شد و ماده تاریخ فوتش این مصراع است (طُوبَى وَتَبَارَكَ لَكَ بِالْجَنَّةِ مَأْوَاكَ) و قبرش در صحن عتیق در بقعه‌ای که در قسمت شمالی است، واقع می‌باشد.

عین‌الملک داماد محمدشاه بوده و گویند وقتی شغل وزارت را نیز داشته است. سال وفاتش به طور تحقیق معلوم نیست و از روی قراین ۱۲۸۷ می‌باشد و قبرش در صحن عتیق در بقعه‌ای که روی آب انبار واقع شده، می‌باشد.

محمدحسن حاجب‌الدوله فرزند محمدرحیم خان که امیر نظام و وزیر دربار ناصرالدین شاه بوده است، وفاتش در سال ۱۳۰۵ قمری واقع شد و قبرش در صحن جدید در بقعه طرف غربی ایوان آینه است به نام بقعه حاجب‌الدوله.

احمد مشیرالسلطنه وزیر دربار و پیش‌کار ولیعهد مظفرالدین شاه در تبریز بوده است و چندی نیز وزیر خزانه بوده و در سال ۱۳۳۰ وفات یافت و قبرش در صحن جدید در بقعه‌ای که طرف جنوبی است، واقع می‌باشد. مشیرالسلطنه از مردان نیکوسیرت بوده و از آثار او یکی بنای مدرسه و مسجد مشیرالسلطنه است در تهران و دیگر طبع کتب از قبیل *مرآة العقول* و معتبر محقق، و املاکی بر مدرسه و مسجد مذکور وقف نموده است.

فرخ امین‌الدوله وزیر ناصرالدین شاه بوده و در سال ۱۲۹۰ قمری وفات یافت و ماده تاریخ فوتش این مصراع است (فرّ فرخ زد او به اوج جنان) و قبرش در صحن عتیق در بقعه‌ای است که در قسمت غربی واقع می‌باشد.

عبدالصمد عزالدوله فرزند محمدشاه ثانی که شغل سفارت داشته و مرد ادیبی بوده و زبان عربی و انگلیسی را خوب می‌دانسته است. وفاتش در سال ۱۳۴۸ بوده و قبرش در صحن عتیق در بقعه محمدشاه است.

جهانگیر ناظم‌الملک بیشتر عمر را در سفارت و کنسولگری گذرانیده است و به خوبی از عهده برآمده و زمانی نیز کفیل وزارت خارجه بوده و چندین کتاب تصنیف نموده است؛ از جمله: حقیقت‌نامه که در استانبول به طبع رسیده و وصیت‌نامه و دیوان شعری دارد. مردی پاک‌دل و نیکوسیرت و دانشمند دوست بوده است. وفاتش در سال ۱۳۵۲ قمری واقع شد و قبرش در بقعه جنوبی رواق شرقی است، متصل به حرم مطهر.

منوچهر معتمد حاکم اصفهان بوده و در زمان محمدشاه در جنگ خوزستان فرمانده بوده است. وفاتش در سال ۱۲۶۳ و در صحن عتیق در بقعه طرف غربی مدفون است. نقی رکن‌الدوله فرزند تقی و نواده محمدشاه ثانی است و نایب‌الایاله خراسان و فارس و طبرستان و لرستان بوده و در سال ۱۳۳۵ قمری وفات نمود و قبرش در صحن عتیق در بقعه محمدشاه می‌باشد.

ملک منصور شعاع‌السلطنه فرزند مظفرالدین شاه حاکم شیراز بوده است. وفاتش در سال ۱۳۳۹ واقع شد و قبرش در کفش‌کن صحن جدید، جنب بقعه اتابک می‌باشد.

مهدی اعتضادالدوله فرزند سپهسالار، حکومت قم و کاشان و ساوه را داشته و در سال ۱۳۰۷ در کاشان فوت کرده است و قبرش در صحن عتیق در بقعه جنب مسجد بالای سر واقع شده است.

ابراهیم معتمدالسلطنه پسر قوامالدوله، حکومت تبریز و قزوین را داشته است و در سال ۱۳۳۵ فوت کرده و قبرش در صحن عتیق در بقعه طرف شرقی است.

اسدالله نظامالدوله فرمان‌فرمای فارس بوده و در سال ۱۳۱۹ فوت نموده است و قبرش در صحن جدید در بقعه قائم‌مقام تُرک جنب کفش‌کن جنوبی ایوان آیینه می‌باشد.

علی‌نقی بهاءالملک فرزند امان‌الله از ایل قراگوزلوست. در اوایل جوانی داخل در خدمت دولت گردید و مورد لطف ناصرالدین شاه گشت و موفق به دریافت مأموریت‌های بزرگ گردید و بارها مأموریت اروپا یافت و در سال ۱۳۳۲ در پاریس وفات یافت و قبرش در صحن جدید می‌باشد.

باقر سعدالسلطنه حکومت قزوین و زنجان را داشته و در سال ۱۳۲۵ فوت کرده است و قبرش در صحن جدید در بقعه طرف شمالی است.

عبدالرحیم قائم‌مقام ترک نائب‌الحکومه تبریز بوده و در سال ۱۳۱۹ قمری فوت کرده است و قبرش در صحن جدید در بقعه جنب کفش‌کن جنوبی ایوان آیینه است.

محمد اقبال‌الدوله پسر هاشم امین‌الدوله، حکومت کرمان را داشته و در سال ۱۳۴۲ وفات نموده است و قبرش در صحن عتیق در بقعه امین‌الدوله است.

زین‌العابدین امیر افخم همدانی حکومت شهرهای بزرگ را داشته و در صحن عتیق در بقعه جنب بقعه عین‌الملک مدفون است. ●

قم و بارگاه معصومه

بیژن سعادت

چکیده: گزارش مفصّلی از تاریخ شهر قم و حوادث تاریخی زندگی حضرت معصومه است. نویسنده با استناد به مهم‌ترین منابع تاریخی، تاریخچه شهر قم و زندگی پربرکت حضرت معصومه و تاریخچه آستانه مقدّسه ایشان را به تصویر کشیده است. نویسنده، ابتدا از تاریخچه شهر قم سخن می‌گوید، و در ادامه، از وجه تسمیه، بنای آستانه، روضه منوره، صحن‌ها و ابنیه در دوران‌های مختلف بحث می‌کند، و به توصیف معماری بناهای آستانه می‌پردازد.

از دیدگاه نویسنده، شهر قم که تربت مقدّس حضرت معصومه علیها السلام دختر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و خواهر والاتبار حضرت امام رضا علیه السلام به آن رونق و صفایی ملکوتی بخشیده، و حرم مطهرش را زیارتگاه صاحب‌دلان ساخته، از دیرباز به خاطر وجود منور آن بانوی بزرگوار و به سبب آنکه مولد و موطن بسیاری از بزرگان علم و ادب و فقه و حدیث بوده، مورد توجه همگان قرار داشته، و یکی از شهرهای مهم کشور ما به شمار می‌رفته است.

رونق بازار اقتصاد و ایجاد وسایل مسافرت و بالا رفتن سطح درآمد، بخصوص در سال‌های اخیر، موجب گردید که زائران بسیاری از اطراف و اکناف کشور و ممالک هم‌جوار، با پای شوق به سوی قم روی آورند، و به زیارت مشغول گردند. کثرت مسافران در بادی امر هر چند که موضوعی عادی تلقی می‌شده، ولی به مرور، اولیای آستانه دریافتند که رواق‌ها و اطراف حرم و مساجد گرداگرد ضریح مبارک

نمی‌تواند آن همه جمعیت را تحمل کند. این بود که توسعه رواق‌ها و مسجدها و استفاده از اماکنی که قبلاً بلااستفاده مانده و یا به صورت انبار درآمده بود، برای گسترش حرم در رواق‌ها لازم به نظر رسید.

کلید واژه: تاریخ قم، آستانه معصومیه، معماری بناها.

*

در مغرب کویر لوت، شهری نشسته است که چون نگینی درخشان بر حلقه انگشتری آن کویر بزرگ می‌درخشد و مطاف و قبله دل و جان خاندان عصمت و طهارت - علیهم السلام اجمعین - است. شهر قم که تربت مقدس حضرت معصومه علیها السلام دختر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و خواهر والاتبار حضرت امام رضا علیه السلام به آن رونق و صفایی ملکوتی بخشیده و حرم مطهرش را زیارتگاه صاحب‌دلان ساخته، از دیرباز به خاطر وجود منور آن بانوی بزرگوار و به سبب آنکه مولد و موطن بسیاری از بزرگان علم و ادب و فقه و حدیث بوده، مورد توجه همگان قرار داشته و یکی از شهرهای مهم کشور ما به شمار می‌رفته است.

محلی که آن را قم می‌نامند و به طوری که در تواریخ مسطور است، موسی بن خزرج اشعری در کنار آن باغ و سرایی داشته، در روزگاران گذشته آن سرا و باغ و ملک به اهمیت امروز نبود و از زمانی گام در طریق آبادانی و بزرگی نهاده که جسد مطهر حضرت معصومه علیها السلام در آن مدفون شده و آن پیکر منور به آن دیار، شرف و افتخاری جاودانه عطا کرده است.

این شرف و افتخار، پیش از آنکه آن بانوی باتقوا و امامزاده شریف به جانب قم آید و در آنجا لبیک حق را اجابت گوید و به جانان پیوندد و حتی قبل از آنکه از مادر زاده شود، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ضمن خبر دادن از مقام و منزلت آن بانو بدین نکته اشارت فرمود که: «خدای را حرمی است و آن مکه است و رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است و امیرالمؤمنین علی را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن شهر قم است. بدانید زود باشد که به شهر قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن شود، و هر کسی به زیارت او رود، بهشت او را واجب گردد.»

توجه به این نکته لازم است که در زمان خلافت امویان و عباسیان، چون نسبت به خانواده رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظلم و ستم می شد و اختناقی که حکومت زمان پدید آورده بود، عرصه را بر آن بزرگواران تنگ می کرد، به ناچار به جانب ایران که مردمش با اولاد پیامبر اسلام دوستی و روشی احترام آمیز داشتند و به آنها ارادتی کامل نشان می دادند، رو آوردند و جمعی از آنان شهر قم را برای اقامت برگزیدند و در آنجا امن و آسایشی یافتند و به همین جهت در این دارالامان از آزار بنی امیه و بنی عباس آسوده شدند و وجود گرامی آن امامزادگان و مردم باتقوا و ایمان به قم شهرت و عظمتی بخشید و هر چند که قم از نظر طبیعی و آب و هوا و وجود آب کافی به مناسبت نزدیکی به کویر، محروم مانده است، اما به خاطر اینکه جایگاه و مأوای مقدسان شد، از معنویت و شکوه ایمان بهره تام و تمام یافت و مطمح نظر اهل ایمان گردید.^۱

بحث درباره اینکه شهر قم در چه زمانی بنا گردیده و آیا از شهرهای پیش از اسلام است و یا پس از اسلام، در ایران بنا شده و رونق و عظمتی یافته است. اقوال مختلف است و در کتاب گنجینه آثار قم با ذکر این نکته که قم از بلاد اسلامی است، به طور قاطع اظهار نظر شده است که قم پس از نزول عرب اشعری در سال ۹۴ هجری به این سرزمین و سکونت در خیمه‌هایی که از مو ساخته شده بوده و در فاصله چند حصار برپا داشته بودند، موجودیت یافته است.

ولی استاد رشید یاسمی در مقدمه‌ای که بر کتاب راهنمای قم نوشته است، دلایلی بر قدمت و باستانی بودن شهر قم آورده و می نویسد:

«قدمت این شهر به پایه‌ای است که بنای آن را به یکی از پادشاهان پیشدادی یعنی طهمورث نسبت داده‌اند (ر.ک: نزهة القلوب، ص ۶۷، چاپ اروپا) ... شک نیست که در زمان ساسانیان قم معروف بوده است. در کتابی که از آن عهد به خط پهلوی باقی مانده و

۱. شهر قم نظر به اهمیت مذهبی و تاریخی پناهگاه رجال دین و سیاست بوده و در آن شهر بست نشینی رواج داشته و به القاب دارالمؤمنین، دارالعباده، دارالموحدين، خیرالمقدمین، دارالعلم، خاک فرج، مدینه المؤمنین، بلدة المؤمنین و دار مدینه المؤمنین شهرت یافته است.

عنوانش خسروکودان و ریزکی است (یعنی خسرو پسر قباد و غلامی) نام قم ذکر شده است. ثعالبی در کتاب *غرر اخبار الملوک الفرس* می‌نویسد که در آن کتاب خسرو از غلام خود موسوم به ریزک خوش‌آرزو پرسید که بوی بهشت چگونه است؟ جواب داد: «اگر بوی شراب خسروانی و سیب شامی و گل فارسی و شاهپرم سمرقندی و ترنج طبری و نرگس مسکی و بنفشه اصفهانی و زعفران قمی و بونی و نیلوفر سیروانی و ند (مخلوطی از عود هندی، مسک تبتی و عنبر شجری) را فراهم آوری، از بوی بهشت بویی توانی برد.»

در شاهنامه فردوسی هم سه بار نام شهر قم به میان آمده که دلیلی بر شهرت آن شهر در دوران ساسانیان بوده است. مؤلف گنجینه آثار قم که با نظری انتقادی بر نوشته مرحوم رشید یاسمی می‌نگرد، به دلایلی عقیده‌وی را مبنی بر باستانی بودن شهر قم مردود می‌داند و گفته حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* را که معتقد به بنای شهر قم به وسیله طهمورث پیشدادی است، یک حکایت و داستان به شمار می‌آورد که از افسانه‌های باستانی سینه به سینه نقل و اقتباس گردیده و این گونه داستان‌ها از جنبه تاریخی سندیت ندارد. ما در مطالعه تاریخ قم و دقت در اسناد و منابعی که مربوط به گذشته این شهر مذهبی است به این نکته برمی‌خوریم که «نام قم در سال ۱۸۹ در خلافت هارون الرشید پس از تجزیه شهر قم از اصفهان و استقلال یافتن آن بر این شهرستان اطلاق گردیده است.»

و این شهر نوینیان اسلامی را «براوستان» می‌گفته‌اند و حوزه رستاقی آن «کمیدان» و مرکز رستاق را به نام «کُم» می‌خوانده‌اند و نزدیک یک قرن نام این شهر اسلامی را «کم» گفته و سپس به «قم» مبدل شده است و بنا به نظریه مؤلف کتاب *گنجینه آثار قم* واژه «کُم» باستانی و از اسامی پیشدادی است که نام مرکز رستاق کمیدان از رساتیق اصفهان بوده که زعفرانش معروفیت داشته و در عصر ساسانی در سرزمین آباد آن روز شهری به نام «قُم» نبوده است.

این نظریه به طور صریح می‌خواهد بگوید که «قم» یک شهر مستحدث در عصر اسلام است و هر چند در اطراف شهر فعلی قم حصار و آثار از دوران باستان به دست

آمده و حتی در جنگ بین‌الملل دوم در سال ۱۳۱۹ خورشیدی مجسمه سر و گردنی پیدا شد که هم‌اکنون در موزه ایران باستان است و روش و سبک آن مجسمه نشان می‌دهد که از آثار دوره مادهاست و دیگر آثار به دست آمده ثابت می‌کند که شهری معتبر در بیست کیلومتری شهر فعلی قم به نام «کم» بوده که نباید با «قم» اشتباه شود.^۱

نام عموم محله و کوچه‌ها و گذرگاه‌ها و باغ‌های قم فارسی است و نیز نام همه قرا و روستاهای قم فارسی است و بسیاری از آنها فارسی اصیل و قدیمی است... اگر

۱. درباره قدمت باستانی شهر قم و یا اینکه از زمان اعراب ساخته شده، از مطالعه کتب مختلف چنین برمی‌آید و این‌طور برهان آورده می‌شود: چند تن از نویسندگان درباره قم دچار اشتباه شده و این شهر را تازه‌ساز و از آثار قرن اول هجری دانسته‌اند. قدیمی‌ترین اثری که در آن به این مطلب تصریح شده و آن‌طور که نویسنده کتاب تاریخ مذهبی قم می‌نویسد، سفرنامه منسوب به ابی‌دلف است. نسخه منحصراً به فرد این سفرنامه به زبان عربی در کتابخانه آستان قدس رضوی به ضمیمه کتاب البلدان ابن الفقیه و سفرنامه ابن فضلان در جزو نسخه‌های خطی مضبوط است و آقای ابوالفضل طباطبایی آن را به فارسی ترجمه کرده است. ابودلف خزرچی آن‌طور که از یتیمه الدهر ثعالبی معلوم می‌شود مردی ادیب و شاعر بوده... در سفرنامه مزبور که از آثار نیمه اول قرن چهارم می‌باشد، چنین آمده که قم شهری جدید اسلامی است و اثری از غیر عرب در آن دیده نمی‌شود. پس از سفرنامه ابی‌دلف در انساب سمعانی و بعد از آن در معجم البلدان یاقوت حموی همین مطلب قدری مفصل‌تر ذکر شده است. از دو کتاب اخیر به بنای قم در زمان حجاج بن یوسف به وسیله افرادی از آل اشعر و اینکه اثری از ایرانیان در آن وجود ندارد، اشاره شده است. بعد از یاقوت، نویسنده معجم البلدان نیز همین مطلب را تکرار کرده و بنای آن را در سال ۸۳ هجری نوشته است. نویسنده کتاب تاریخ مذهبی قم به اتکالی دلایلی بدون کمترین تردید، قم را هنگام حمله مسلمانان به ایران، شهری معتبر و معروف و پرجمعیت دانسته که هنگام آمدن اشعریان آثار قبل از اسلام، از قبیل آتشکده‌ها و قلعه‌های متعدد در آن وجود داشته که هنوز هم پاره‌ای از آثار مزبور، باقی می‌باشد. امروز در قسمت مغرب قم محلی است به نام قلعه گبری که بیرون شهر واقع است که آثار و خرابه‌های آتشکده و قلعه دختر (قصر دختر) و قلعه دختر شهر ستانک هنوز دیده می‌شود. از این گذشته، نام‌های کنونی مزارع بیرون شهر که بیشتر آنها به جای شهر قدیم قرار دارد، همه فارسی است که از قدیم به آنها اطلاق شده و بسیاری از نام‌های مزبور در کتاب تاریخ قم (تألیف سال ۳۷۸ هجری) آمده است از جمله «گمر» (بر وزن هنر) که این کلمه در تاریخ قم به صورت جمر ذکر شده و این بدان جهت است که متن تاریخ قم به عربی بوده و گمر در تعریب جمر، گردیده است، لفظ جمر در پاره‌ای از احادیث نیز دیده می‌شود. گمر، امروز نام قسمتی از زمین‌های مزروعی سمت شمال قم می‌باشد. دیگر جمکران که امروز دهی است در پنج کیلومتری جنوب شهر قم.

شهر قم طبق نوشته سمعانی و یاقوت از شهرهای جدید اسلامی است که در سال ۸۳ در زمان حجاج به وسیله آل اشعر بنا شده و اثری از اعاجم در آن دیده نمی‌شود، باید تمام اسامی محلات و مزارع و قرای اطراف عربی باشد. این کاری است که در شهرهای جدید اسلامی انجام یافته و نام‌های غیر عربی به عربی تغییر داده شده است.

از اسناد موجود برمی‌آید که این شهر در سال ۲۳ هجری به دست مسلمانان به سرداری ابوموسی اشعری فتح شد. پس مقارن ظهور اسلام و دوره ساسانیان شهر قمی وجود داشته که مسلمانان آن را فتح کرده‌اند.

یعقوبی مورخ معروف قرن سوم هجری، قم را جزو شهرهای عصر ساسانی نام برده است. حمزه اصفهانی در کتاب سنی ملوک الاہن والانباء درباره بناهای قم قبل از اسلام شرحی داده است. در شاهنامه فردوسی در این بیت نام قم جزو شهرهای عصر پیشدادیان و کیانیان آمده است:

بفرمود عهد قم و اصفهان نهاد بزرگان و جامی مہان

نوشتن ز مشک و ز عنبر دبیر یکی نامه از پادشا بر حریر

گیو و گودرز را به موجب این فرمان که پادشاه به توصیه گودرز صادر کرده بود، مقام و موطن در قم بوده (تاریخ طبرستان).

در دهی از ده‌های قم به نام مزدگان آتش آتشکده آذرگشسب قرار داشته است. دینوری در اخبار الطوال می‌گوید که یزدگرد پس از شکست در مقابل مسلمانان به قم و کاشان فرود آمد.

آمدن نام قم در منظومه ویس و رامین که از داستان‌های پهلوی است.

ز گزرگان و ری و قم و صفهان که رامین را ندیدی نیک خواهان

بنابراین، از آنچه نویسنده گنجینه آثار قم از حاصل تحقیقات خود به دست آورده و آنچه دیگر محققان تتبع کرده‌اند. این نکته برمی‌آید که شهر قم «کم» پیش از اسلام وجود داشته و بعد به عللی خراب شده و نزدیک آن به دست اعراب اشعری شهری دیگر بنا گردیده است، و اینکه بنا به عقیده نویسنده گنجینه آثار قم بخوایم یک باره

وجود شهر قم باستانی را منکر شویم و آن را از مستحدثات اعراب بدانیم، بدون شک اندکی به راه تعصب رفته‌ایم.

وجه تسمیه قم

درباره وجه تسمیه «قم» نیز اقوال مختلف است و ما از آنجا که در این کتاب لازم نمی‌دانیم به مسأله فقه اللغة پردازیم و با وسواس و دقت یک لغت‌شناس درباره اینکه چرا به این شهر «قم» گفته‌اند، بحث کنیم، تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که امکان دارد که نام «قم» مأخوذ از همان «کم» باشد که عرب آن را «قم» نامیده است و یا بنا به قول مؤلف گنجینه آثار قم، این شهر جای گرد آمدن آب رودخانه کمره و انار بوده است و در زبان عرب جای جمع شدن آب را «قم» گویند؛ لذا آنجا را «قم» نامیده‌اند و در این زمینه اقوال و نظریات دیگری وجود دارد که همان‌طور که گفته شد، ما را با آنها کاری نیست و می‌توان پذیرفت که چون آن ناحیه را در قدیم «کم» می‌گفته‌اند، این لفظ در زبان اعراب «قم» نامیده و همچنان به جای مانده است.

شهری که پیکر مقدس حضرت معصومه علیها السلام را مایه شرف و افتخار خودش می‌داند، در سال ۹۴ هجری مرکز تجمع و زندگی عرب اشعری شده و در طول تاریخ حوادثی بر وی گذشته است.

اشعری‌ها یکی از قبایل یمن بودند که در عصر پیامبر اسلام دین اسلام را پذیرفتند و به مناصب عالی نایل آمدند و از بین آنها سعد بن مالک اشعری نامی بلند در تاریخ تشیع به دست آورد و یکی از بانیان شهر قم به شمار می‌آید. در کتاب تاریخ دارالایمان قم نوشته آقای محمدتقی بیگ ارباب، درباره آمدن اعراب اشعری به قم نوشته‌اند، اعراب اشعری که مقیم کوفه بودند، همه از شیعیان و موالیان ائمه اطهار بوده و با خلفای بنی‌امیه مخالفت داشتند. چون زید بن علی بن الحسین در کوفه ظهور کرد، احوص بن سعد بن مالک اشعری با او بیعت کرد و زید او را امیر لشکر خود کرد و چون زید به درجه شهادت رسید، حجاج بن یوسف ثقفی احوص را گرفته، محبوس نمود و او چهار سال در زندان حجاج بماند تا شبی حجاج با حضار مجلس خود گفت که اشراف

عراق کیستند. از اشراف عراق عبدالله سعد اشعری است که مدت چهار سال است برادر او احوص را حبس نموده‌ام و به من اظهار نکرده است. هرگاه اظهار شود، او را اجابت مقرون است، به وجود آنکه از اکثر اهل کوفه توسط کرده و من قبول کرده‌ام، حاضرین مجلس که بیرون آمدند، احوص را از گفت‌وگوی مجلس اطلاع دادند. احوص گفت دور نیست مرا رها کنند. روز دیگر حجاج او را از مجلس بیرون آورده، خلعت داده، رها کرد... حجاج از رها کردن احوص پشیمان شد و خواست او را زندانی کند که احوص با اهل و عیال و متعلقان به طرف بصره فرار کرد و از آنجا به قم، و عبدالله ضیاع و غفار خود را فروخته، به قم آمد و بهای ضیاع آنها ۵۰۰۰۰ دینار زر سرخ بوده است.

در راهنمای قم درباره ورود عرب اشعری به قم چنین آمده است که اشعریین از لشکر عبدالرحمان بن محمد بودند و میان عبدالرحمان و حجاج بن یوسف والی عراقین آتش جنگ شعله‌ور بود و در بیشتر جنگ‌ها فتح نصیب عبدالرحمان بود تا اینکه در دیرالجمام عبدالرحمان شکست یافت و لشکر حجاج چیره گشتند و عبدالرحمان بگریخت و لشکریانش فرار کردند. از آن میان عبدالله و احوص و اسحاق و نعیم و عبدالرحمان پسران سعد بن مالک اشعری در سال ۹۴ قمری به ناحیت قم آمدند و چون به قم رسیدند، یزدان‌فاذار (یزدان‌پایدار) رئیس ابرشتجان ایشان را بناخت و اکرامی تمام نموده و در منزلی مخصوص ایشان را جای داد و در سال ۹۹ دیه لمجان را برای مسکن ایشان تعیین کرد و هم در این سال دیه جمر را به اقطاع به ایشان داد و نیز ابزار کشت و زرع ایشان آماده نموده تا کار زراعت بر ایشان راست آمد نیز دیه فرایه به ایشان داد تا چراگاه شتران و اسبان و گوسفندان ایشان باشد و همواره بنیان دوستی در میان ایشان استوار بود تا در سال ۱۱۴ که یزدان‌فاذار را مرگ فرا رسید و اشعریین با کوشش هرچه تمام‌تر در اشتغال خود کوشیدند، آن اندازه که توانستند، قم را شهری آباد کنند.

این بود به اختصار آنچه از تواریخ و اسناد و تحقیق محققان درباره بنای شهر قم و ساکنان اولیه آن اقتباس گردیده و در این مختصر آمد.

پس از آنکه شهر قم به دست اعراب اشعری روی به آبادانی گذاشت و با سرعتی شگرف توسعه یافت. به صورت یک سرزمین نیمه خودمختار در حکومت اسلام

در آمد و در آغاز ظهور خلفای عباسی و ابتدای خلافت ابوالعباس، عبدالله سفاح، در سال ۱۳۲ هجری تا پایان دوره خلافت هارون الرشید حتی از دادن خراج امتناع کردند و قم همان طور که گفته شد، مرکز و مأوای فرزندان ائمه اطهار و بخصوص صحابه و موالی امام موسی کاظم علیه السلام شد و قم به صورت یک کانون ضد خلفای اسلامی درآمد؛ به طوری که هارون الرشید در سال ۱۸۴ در صدد برآمد که مردم قم را به خاطر دوستی با پیروان و دوستان علی علیه السلام و فرزندانش گوشمال دهد.

این بود که عبدالله بن کوشید قمی را به حکومت اصفهان منصوب و به وی دستور داد که خراج پنجاه و چند ساله قم را وصول نماید و عبدالله برادر خود عاصم را عامل قم نمود و او مردم قم را تحت شکنجه قرار داد و مردم ستم دیده قم که حاضر به دادن خراج نبودند، بر او حمله کردند و او را قطعه قطعه کردند و سپس حوادثی اتفاق افتاد که هارون حاضر به تجزیه قم از اصفهان در سال ۱۸۹ گردید و قم به صورت شهر مستقلی درآمد و روی به آبادانی گذاشت و جایگاه پرورش دانشمندان و فقیهان شد و در دوران آل بویه شهر قم توسعه کامل یافت و در عصر پادشاهان سلجوقی و با بودن وزیری چون میرزا ابوالفضل عراقی مساجد و مناره‌ها و مدارس مهمی در قم بنا شد و قبه منوره حضرت معصومه تجدید بنا گردید و به جمعیت شهر اضافه شد و بعد از او هم خدمات تاج‌الملک وزیر قمی و مجدالملک براوستانی و کمال‌الدین ثابت محمد خازن موجب شد که شهر قم رونقی بسزا یابد و در عداد شهرهای آباد درآید، ولی چه حیف که در عصر مغول و حمله آنان، شهر قم مانند دیگر شهرهای ایران ویران و قتل عام شد و از قم تلی خاک به جای ماند و باقی مردم که پس از آن قتل عام و خرابی حاضر نبودند به خانه خود بازگردند، به طرفین رودخانه در مجاورت آستانه مبارکه روی آوردند و شهری بنا کردند که همین شهر فعلی است و در حقیقت تا اوایل قرن هفتم هر جا نام قم به میان آید، مقصود شهر اسلامی براوستانی است و از سال ۶۱۷ به بعد هر جا نام قم ذکر شود، منظور شهر مجاور آستانه می‌باشد و با این حساب، مسکن حضرت فاطمه معصومه علیه السلام که در خانه ییلاقی موسی بن خزرج بوده، در خارج شهر قبل از حمله مغول قرار داشته است.

خرابه قم قدیم را «قم درویش» گویند و در آنجا آثاری مخروبه از عظمت شهری که به دست مغولان خراب شد، دیده می‌شود. پس از حمله مغول سلطان محمد خدابنده (الجاتو) که پادشاهی دین دار و باایمان بوده و در مرمت بقاع متبرکه اهتمام خاصی نشان می‌داد، در راه آبادی قم همت گماشت، ولی هنوز خاطر هجوم شوم مغولان از خاطر مردم قم نرفته بود که امیر تیمور گورکانی این خونریز سفاک بر قم حمله آورد و چون مردم قم حصار شهر را بر روی لشکریان خونخوار وی بستند و به مقاومت پرداختند، تیمور حصار شهر را منهدم ساخت و مردم را غیر از دانشمندان و هنرمندان قتل عام کرده و بار دیگر قم را از جمعیت خالی نمود.^۱

جان کارترایت سیاح انگلیسی که در سال ۱۶۰۰ میلادی (حدود ۹۸۴ هجری) از قم عبور کرده، در یادداشت‌های خود می‌نویسد که خرابی‌های تیمور، شهر قم را به نصف مساحت تقلیل داده است. سال ۱۱۰۰ هجری هنوز باروی خراب شهر مرمت نشده و توماس هربرت در سال ۱۷۱۸ میلادی (۱۱۰۶ هجری) شهر قم را در آسیا، شهری بدون حصار و دیوار به شمار آورده است. حصار شهر قم در دوران شاه صفی از نو ساخته شد و فتحعلی شاه قاجار آن را تکمیل کرد.^۲ در عصر صفویه شهر قم از عمران و آبادی نصیب وافر یافت و پادشاهان صفوی در راه تعمیر و مرمت بقعه و

۱. قم در عصر تیموریان مدتی مقر حکومت و دارالسلطنه بوده؛ به این معنی که در سال ۸۴۶ هجری میرزا سلطان محمد پسر بایسنقر چون از طرف جدش شاهرخ به حکومت عراق تعیین شد، قم را پایتخت خود قرار داد (نقل از جامع مفیدی) و به همین مناسبت سید ظهیرالدین به شهر قم دارالسلطنه اطلاق کرده است (تاریخ گیلان) صاحب تاریخ جدیدیزد، در این باره نوشته است که سلطان محمد بهادر از طرف شاهرخ به سلطنت قم و سلطانیه و همدان و قزوین و ری و مازندران رسید و چون به حوالی قم نزدیک شد، سادات و قضات و مشایخ و اکابر و اهالی از قم و کاشان و ساوه و ری با نثار و پیشکش به استقبال آمدند و قم خراب، معمور شد و رعایا مرفه‌الحال گشتند.

در دوره سلسله قره‌قوینلو شهر قم تقریباً پایتخت زمستانی پادشاهان معروف آن سلسله بوده است.
۲. صفویه به قم توجه بسیار داشتند و این شهر در آن دوره به دنبال زمان تیموریان و قره‌قوینلو که در آن وقت سخت رو به آبادانی نهاده بود، راه کمال پیمود و شاه اسماعیل زمستان‌ها را در قم توقف می‌کرد. شاه عباس دوم نیز مدتی از سال را در قم توقف داشت.

بارگاه حضرت معصومه علیها السلام و آبادی شهر همت ورزیدند و توان گفت که بیشتر آثار آبادی قم در عصر صفویه صورت گرفته و بنیه اقتصادی قم در این دوره روی به ترقی گذاشته و سیاحان خارجی تعداد خانه‌های قم را در آن عصر دوازده هزار نوشته‌اند. متأسفانه عمران و آبادی شهر قم که در دوره صفویه به ظهور پیوست، با حمله و هجوم افغان‌ها بار دیگر روی به زوال گذاشت و سربازان افغانی آثار مذهبی و علمی را خراب کردند و تمام نفایس و اشیای گران‌بهای حرم مطهر را غارت نمودند و حتی طلاهای مرصع صندوق روی قبر شاه عباس را کنندند و به نفع خود ضبط کردند. نادر افشار نیز به جای آنکه به جبران خرابی‌ها بپردازد، به کشتن اهالی قم پرداخت و صدماتی به شهر قم وارد نمود و آقا محمد خان قاجار هم که از حاکم زندیه قم عصبانی بود، سرانجام با حيله و نیرنگ وارد قم شد و چون حاکم شهر از ممر زیرزمینی فرار کرد، خان قاجار به ایذا و آزار مردم مشغول شد و عده‌ای را بکشت؛ به طوری که شاعری در این باره گفت:

قم با غم و غم به قم قرین است بیچاره کسی که قم‌نشین است
فتحعلی شاه قاجار که متوجه بدبختی مردم قم شده بود، برای آنکه به قول آن شاعر قم را از غم رهایی بخشد، در تمام سلطنت خود به عمران آستانه مبارکه و شهر قم پرداخت، ولی آقا محمد خان قاجار چنان خرابی بر این شهر وارد کرده بود که به قول شاعر:

شهر قم فخرالبلاذ ام القری کاسمانش کرد یکسان با زمین
شد چنان ویران که نه بامی خراب تا در او بومی شود منزل‌گزین^۱

۱. بر قم حوادثی بسیار و مخرب گذشته که به طور اجمال عبارت است از:

۱. قتل عام و تخریب قم در زمان مأمون که اهل قم از دادن خراج امتناع کردند و مأمون علی بن هشام مروزی را با سپاهی به قم فرستاد، وی با قمی‌ها جنگ کرد و باروی شهر را با خاک یکسان کرد و بسیاری را کشت.
۲. در زمان معتز خلیفه عباسی پسر متوکل نیز مردم قم سر از فرمان بیرون بردند و موسی بن بغا عامل خلیفه در عراق عجم به قم حمله آورد و جمع کثیری را کشت.
۳. در زمان مغولان و تیموریان نیز قمی‌ها قتل عام شدند.

که آن اقدامات به جایی نرسید تا اینکه در دوران [...] پنجاه ساله سلطنت دودمان پهلوی، شهر قم دوباره عمران و آبادی پیدا کرد و در عداد شهرهای آباد ایران قرار گرفت.

قم در عصر قاجاریه شهرکی بود با سی هزار جمعیت و دور از عمران و آبادی، ولی امروز با دویست و پنجاه هزار جمعیت و اینکه یکی از مراکز ارتباطی است و به وسیله راه آهن و راه‌های درجه اول به دیگر شهرها ارتباط می‌یابد، به صورت یک شهر پرتحرک اقتصادی درآمده و از نظر مذهبی نیز شایان توجه و احترام عموم شیعیان است و وجود چاه‌های نفت در منطقه البرز (چند کیلومتری قم) این شهر را بزودی در ردیف یکی از شهرهای مهم صنعتی و تولیدی کشور بیرون خواهد آورد. شهر قم از دیرباز محل نشو و نما و پرورش دانشمندان و فقیهان بزرگ بوده و نظر به موقعیت ممتازی که داشته و سادات علوی و منسوبان به خاندان عصمت و طهارت در این شهر اقامت کرده‌اند، به صورت دارالعلم درآمده و پناهگاه رجال علم و ادب و فقه شده است. در این شهر رجالی مانند عبدالله بن سعد بن مالک اشعری از صحابه دانشمند حضرت امام باقر علیه السلام که زمان امامت حضرت امام صادق علیه السلام را نیز درک کرده و ابوجریز زکریا بن ادريس بن عبدالله اشعری، محمد بن یعقوب کلینی (کلین از توابع قم بوده است)، صاحب کافی، شیخ صدوق که از نوادر زمان خود بوده و گویند که حدود ۳۰۰ کتاب تألیف و تصنیف کرده است، شیخ جلیل و فقیه محدث بزرگ ابن قولویه (صدوق اول)، خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی قهرودی قمی، قطب راوندی، شیخ منتجب‌الدین قمی، سید صدرالدین رضوی قمی، جعفر شاعر، حسن منجم، قاضی سعید قمی، محقق قمی و جمعی دیگر از شیوخ و بزرگان علم و ادب و حدیث و فقه زیسته‌اند و آثاری پراچ از خود به جای گذاشته‌اند و وجود این رجال گران‌قدر موجب شده که قم یکی از مراکز علمی جلوه‌گر شود و مدارس بزرگی در آن احداث گردد که هم‌اکنون نیز مرکز تربیت و تعلیم طلاب علوم دین هستند و دانشمندان و فقهای معروفی در این مدارس به تعلیم و تدریس اشتغال دارند.

علاوه بر رجال علم و ادب، از شهر قم وزیران و رجال سیاست نیز برخاسته‌اند که از جمله نام گروهی از آنان مانند امیرابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل، مجدالملک اسعد محمد بن موسی البراوستانی قمی، استاد ابن عمید قمی، ابوالفتح بن استاد، تاج الملک قمی، عبدالله بن عزیز قمی، کمال‌الدین ثابت قمی، شرف‌الدین ابوطاهر قمی، مؤیدالدین قمی، سعدالملک آوه‌ای قمی، بسیار معروفند و ترجمه احوال و زندگی آنان در کتاب گنجینه آثار قم، تاریخ مذهبی قم و دیگر کتب به تفصیل آمده و علاقه‌مندان می‌توانند به آن کتاب‌ها مراجعه نمایند.

همان‌طور که در مباحث گذشته اشارت رفت، شهر قم از دیرباز مرکز نشو و نمای عالمان و محققان و فقیهان بوده و از همه مهم‌تر آنکه، پناهگاه فرزندان ائمه و کسانی می‌شده که از جور و ظلم امویان و عباسیان به جان آمده و برای حفظ جان خود و تبلیغ دین و اثبات حقانیت مذهب تشیع به این شهر روی می‌آوردند و آنجا را دارالامان خود می‌ساختند. علاوه بر این چون مزار مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این شهر واقع شده، مردم مسلمان که پیوسته به خاندان عصمت و طهارت ارادتی تام و تمام داشته و دارند، برای زیارت تربت پاک آن حضرت و طواف به گرد حرم مطهرش، قم را قبله دل و روح می‌ساختند و در قم اقامت می‌گزیدند و روی همین اصل، شهر قم به صورت یک شهر روحانی و مذهبی جلوه کرده و اهالی قم با شوق و ذوقی خاص مقدم فرزندان ائمه را گرامی می‌داشتند.

شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب معروف النقص دین‌داری و ایمان مردم قم را ستوده و می‌گوید: در قم مسجدهای بی‌شماری است. قاریان آشنا به قرائت قرآن و مفسران عارف به منزلات و مؤولات و علمای صرف و نحو و لغت و شاعران بزرگ و فقها و علمای کلام و شب‌زنده‌داران و زاهدان و عابدان و زائران بی‌شمار خانه خدا و کسانی که سه ماه روزه دارند و خاندان‌های شریف و بزرگ علوی و رضوی و عرب و دیلم و خاندان‌های دیگر. در هر سحرگاه از چند مسجد و مناره آواز موعظه و بانگ نماز بلند است و هر روز در مساجد بزرگ و کوچک و

مدرسه‌های معروف و سرای‌های بزرگ ختم قرآن و نور و نزهت و برکت مقدس فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام ظاهر و باهر.

دیولافوا جهانگرد معروف درباره قم می‌نویسد: شرب خمر در قم ممنوع است و هر کس بنوشد، حاکم او را چوب می‌زند. دوران در سفرنامه خود به این موضوع صریحاً اشاره می‌کند که شراب در قم به فروش نمی‌رسد. هنگامی که در سال ۲۰۰ هجری مأمون، خلیفه عباسی، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه به مرو دعوت کرد و آن وجودگرامی را به مقام ولایت‌عهدی خویش برگزید، گروهی از فرزندان و خویشان آن حضرت برای دیدار و تقرب به آستان مبارک وی و از آنجا که ایران را کشوری امن می‌دیدند و مردمش را علاقه‌مند و ارادتمند به خاندان رسول اکرم می‌دانستند، به این سرزمین روی آوردند و از جمله حضرت فاطمه خواهر والاتبار حضرت امام رضا علیه السلام برای دیدار برادر عازم ایران گردید. این واقعه در سال ۲۰۱ هجری اتفاق افتاد. حضرت معصومه که درباره نحوه مسافرت و همراهانش، در کتب مختلف اقوال گوناگون ذکر شده است، وقتی وارد شهر ساوه شدند، مبتلا به بیماری گردیده و در بستر افتادند و چون از وجود شهری به نام «قم» مطلع بودند و می‌دانستند مردم این شهر به خاندان پیامبر بزرگ اسلام ارادت دارند و امامزادگان را محترم می‌دارند، این بود به اتفاق خادم خود از ساوه به قم عزیمت کردند.

عده‌ای چنین عقیده دارند که چون خبر ورود حضرت فاطمه به قم رسید، مردم آن شهر که وجود ذی‌جود آن بانوی گرامی را برکت و فیضی عظمی برای خود می‌دانستند، خواستار شدند که آن حضرت را به قم دعوت کنند و موسی بن خزر ج که از شیعیان بود و خانه‌اش پیوسته جایگاهی برای اهل تشیع به شمار می‌رفت، این مهم را بر عهده گرفت و حضرت فاطمه را از ساوه به قم دعوت کرد.

سرای موسی بن خزر ج در خارج شهر قدیم واقع بود (در منتهی‌الیه سمت جنوب غربی) زیرا اعیان و اشراف معمولاً خانه و باغ و سرای خود را در خارج از شهرها می‌ساختند و موسی بن خزر ج نیز سرای خویش را از خارج ساخته بود. حضرت سنی فاطمه (گویا مخفف سیدتی باشد)، در سرای خزر ج فرود آمدند و

پس از هفده روز اقامت در قم، چون بیمار بودند، دار فانی را بدرود گفته و جسد مطهر آن بانوی بزرگ را پس از تغسیل و تکفین در باغ بابلان که جزو املاک موسی بن خزرج بود، دفن کردند، و این واقعه در سال ۲۰۱ هجری اتفاق افتاد.

در مورد اینکه باغ بابلان قبرستان عمومی بود یا خصوصی، اقوال مختلف است، ولی می‌توان چنین حدس زد آن جایگاه، قبرستان خصوصی خانواده موسی بن خزرج بوده و وی به خاطر احترامی که به آن حضرت می‌گذاشته، جسد مقدسش را در همان قبرستان به خاک سپرده است. آن طور که از کتب مربوط به تاریخ قم مستفاد می‌شود، موسی بن خزرج پس از آنکه زمین باغش (باغ بابلان) به شرف دربرگرفتن جسد مطهر حضرت سستی فاطمه علیها السلام مفتخر گردید، آن جایگاه را وقف کرد و به صورت قبرستان عمومی درآورد که هم‌اکنون محل صحن و رواق و ابنیه آستان مبارک حضرت معصومه می‌باشد و نیز گروهی دیگر از مشایخ و امامزادگان در آنجا دفن شدند و به طوری که از نقشه‌های ترسیمی سیاحان خارجی در عصر صفویه برمی‌آید، در آن گورستان نوزده قبه کوچک و بزرگ وجود داشت که بعدها به صورت دیگری درآمده و ما در مباحث آینده به این دگرگونی‌ها اشاره خواهیم کرد.

در مباحث گذشته به طور اجمال بدین نکته اشاره شد که پس از حمله و هجوم مغولان به شهر قم و خراب کردن و قتل عام شدن مردم که از شهر مخروبه خویش خاطراتی تلخ داشتند و در زیر هر دیوار و خرابه‌ای جسدها از عزیزان خود را مدفون می‌دیدند، دیگر رغبتی به زندگی در آن شهر نیافتند و برای اقامت، اندک اندک شهر قدیم را فراموش کرده و در قسمت دیگری که در جوار بقعه منوره حضرت سستی فاطمه علیها السلام بود به شهرسازی پرداختند.

باغ بابلان و سرای موسی بن خزرج در خارج از شهر قم قدیم بنا شده بود و پس از آنکه جسد مطهر حضرت فاطمه معصومه در آنجا به خاک سپرده شد و وقف بر گورستان عمومی گردید و گروهی از امامزادگان و مشایخ و علما در آن گورستان مدفون شدند، در اطراف آنجا، خانه‌هایی برای اقامت احداث گردید و این از رسوم متداوله در کشور است که معمولاً اکثر مردم ترجیح می‌دادند که در اطراف بقاع

متبرکه خانه داشته باشند؛ زیرا این اماکن علاوه بر جذب آبادی و مرکزیت برای معاملات و تجارت از نظر وجود زائران، از جنبه ایمانی نیز این ویژگی را داشت که مردم خود را در پناه و سایه امام و امامزاده می دیدند و این تقرب را ثواب به شمار می آوردند و مایه اجر اخروی می دانستند. بنابراین، خانه سازی در اطراف حرم مطهر سنی فاطمه امری معمول و متداول بوده و قبرستان آن روزی که در کنار شهر قرار داشته، به مرور زمان در مرکز شهر واقع و گرداگرد آن را خانه ها و سرای ها و خیابان ها احاطه کرده است.

باید گفت که در اطراف حرم مطهر تا ۵۰ سال پیش هنوز قبرستان بوده و مردم به قصد ثواب و اینکه دفن اموات در جوار حرم های مطهر، موجب آمرزش روح می شده است، ترجیح می دادند که اموات را در این اماکن و یا در قبرستان های گرداگرد آنها به خاک بسپارند و حتی از شهرهای دیگر مردگان را به قم می آوردند و دفن می کردند و هنوز هم این روش و سنت مذهبی رایج است، ولی در حال حاضر چون اطراف حرم خیابان بندی شده و مغازه هایی احداث گردید و قبرستان های قدیمی متروک شد، به ندرت مرده ای را در آنجا دفن می کنند، مگر اینکه خانواده ها در اطراف صحن ها آرامگاه هایی دارند و بسیاری از رجال سیاست و ادب و پادشاهان را می بینیم که در آنجا مدفون گشته اند، مانند شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین و شاه طهماسب ثانی و شاه عباس ثالث و فتحعلی شاه قاجار، مهد علیا، مستوفی الممالک، اتابک اعظم، محمد شاه قاجار و بانو پروین اعتصامی شاعر معروف و عده ای از رجال ادب و شعر.

بنای آستانه مبارکه

آنچه از فحوای نوشته ها و تحقیقات برمی آید، هنگامی که در سال ۲۰۱ هجری حضرت سنی فاطمه معصومه علیها السلام رحلت فرمود و در باغ بابلان ملک موسی بن خزرج به خاک سپرده شد، در اطراف مزار شریف آن بانوی بزرگوار ابنیه ای وجود نداشته و اگر بود، چندان مورد توجه نبوده است.

پس از آنکه آن حضرت به خاک سپرده شد، موسی بن خزرج بر مزار مطهر وی سایبانی از بوریا برپاداشت و چون بوریا در برابر گرما و سرما و برف و باران مقاومت نداشت، به مرور زمان خراب شد و چون چنان سایبانی در خور مقام آن بانو نبود و مردم دوست داشتند که گنبد و بارگاهی در خور برای پیکر مطهرش بسازند، این بود که بنا به عقیده و نظر مؤلف گنجینه آثار قم، برای بار اول سیده زینب بنت الجواد قبه‌ای از آجر و گچ به صورت برج بر تربت وی بنا کرد و این امر باعث شد که هرگاه یکی از زنان خاندان موسی مبرقع وفات می‌یافت، در جوار مرقد و تربت منور سنی فاطمه علیها السلام دفن می‌گردید.

اولین نفر از این به خاک سپردگان ام اسحاق، جاریه محمد بن موسی مبرقع، و دیگری ام محمد، دختر موسی مبرقع، بودند و بعد میمونه، خواهر فاطمه، هم در جوار وی دفن شد و تعداد دفن شدگان در زیر آن قبه چهار نفر شدند. در کنار قبه اولیه که چهار نفر در زیر آن قبه بودند، قبه دیگری به نام محمدیه بنا شد که دو تن از زنان در آن دفن شدند و دختر دیگر موسی مبرقع هم در زیر گنبد دوم به خاک سپرده شده، آن‌گاه سومین قبه هم در کنار دو قبه اولی احداث گردید که در زیر آن هم سه زن دفن بودند. پس در سال ۴۴۷ وزیر طغرل به نام میرابوالفضل عراقی که مردی دین‌دار و باایمان بود، قبه‌ای بر فراز سه قبه مذکور بنا نهاد که طبق تحقیقات محققان این گنبد وسیع و بلند، به قطر داخلی ۱۱ و ارتفاع ۱۴ بود و دارای پوششی عرق‌چینی و قبه‌ای کلاه‌خودی با گردنی بلند و آراسته که پوشش روی آن به روش مُعَقِل؛ یعنی آجر و کاشی، زینت شده بود و از داخل و خارج به شکل برج و بدون ایوان به نظر می‌رسیده است و چون به مرور زمان سطح زمین‌های گورستان بابلان در حدود سه متر بالا آمده بود و سطح روضه مبارکه نسبت به زمین قبرستان گودتر شده بود، لذا در ساق بنای روضه منوره پوششی اضافه کردند و حرم فاطمه در سردابه‌ای قرار گرفت و برای آنکه سیلاب رودخانه خشک و طغیان آن، باعث خرابی ابنیه آستانه و خانه‌های اطراف آن نشود، در سال ۹۴۴ شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی، مجرای احتیاطی برای لحظات طغیان سیل ایجاد کرد و متأسفانه چون این مجرا به

مرور زمان از زباله و خاشاک پر شده بود، در سال ۱۰۴۴ و در دوره سلطنت شاه صفی سیل به شهر سرازیر گردید و عمارات قم را خراب کرد و سپس در زمان شاه عباس چون مجرای رودخانه به مسیر جنوبی شمالی در غربی آستانه تغییر کرد و این موضوع با نظر مولا محسن فیض هم‌زمان با احداث مدرسه فیضی و مدرسه‌های شادقلی خان و ساروتقی انجام گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که در نقشه اولئاریوس که در سال ۱۰۱۸ ترسیم شده است، مسیر رودخانه خشک قم غربی شرقی و به شکل مارپیچ در وسط شهر بوده و رشته فرعی آن هم از جنوب به شمال کشیده شده، در جای خیابان پشت به آب تا برسد به کوچه ارگ و جلو خان بیمارستان و به همان مجرای احتیاطی مذکور برای احتیاط ایجاد شده بوده است و در نقشه شاردن پل زیبایی در محاذات آستانه مبارکه پیداست که تنها مدخل شهر بوده است.

روضه منوره

همان‌طور که گفته شد، میرزا ابوالفضل عراقی در سال ۴۵۷ سه قبه‌ای را که بر مزار حضرت سستی فاطمه و دیگر بانوان بنا شده بود، خراب کرد و به جای سه قبه یک قبه بزرگ ساخت که با کاشی‌های معرق و کاشی و آجر آراسته شده بود و سپس در سال ۹۲۵ شاه بیگم صفوی، دختر شاه اسماعیل صفوی، آن گنبد را تجدید بنا کرد و به صورت هشت صغه‌ای درآورد و جلو آن گنبد و بارگاه ایوانی رفیع و زیبا با دو مناره ایجاد کرد. جدار آنها را با کاشی‌های بسیار زیبا پوشانده و بر فراز بقعه قبه‌ای به طرح شلجمی بنیان گذاشت که بعدها پوشش طلا یافت. طلاکاری گنبد مطهر در سال ۱۲۱۸ به وسیله فتحعلی شاه قاجار همراه با دیگر بازسازی‌ها و مرمت‌ها انجام گرفت که شرح آن خواهد آمد.

بنابراین، با یک نظر اجمالی می‌توان گفت که از آغاز، قبر مطهر حضرت سستی فاطمه به وسیله بوری پوشیده شده و سپس به وسیله میرزا ابوالفضل عراقی یک گنبد بزرگ به جای سه قبه‌ای که جانشین بوری شده بود، ساخته شد و چون در آن عصر و

زمان کشور، همواره با آشوب مغولان و تیموریان رو به رو بود، مردم که گرفتار جان خود بودند و در اندیشه حفظ ناموس، چندان توجهی به عمران و آبادی بقاع متبرکه نمی‌کردند؛ زیرا بنا به تجربه ثابت شده و مسلم گردیده که مرمت و آراستن بقاع متبرکه و ایجاد مساجد عالی بنیان و هنرمندانه در زمان رفاه و آسایش مردم و دوران صلح و راحتی صورت می‌گرفته و چه بسیار در بحران‌ها و آشوب‌ها، آنچه مردم پدید آورده بودند، روی به انهدام گذاشته و خراب گردیده است.

در قم نیز پس از اقدامات میرزا ابوالفضل عراقی می‌بینیم که تا دوره صفویه، توجهی به مرمت و بازسازی و آرایش و بنای ابنیه مبارکه در قم نشده و این امر مهم، در عصر سلاطین صفویه که مردم را به زیارت اماکن مقدسه از جمله مشهد و قم ترغیب می‌کردند، رواج و رونق گرفته و آنان که خود به امور مذهبی علاقه‌ای نشان می‌دادند و تقرب به آستان مبارکه حضرت رضا علیه السلام و خواهر و الاثبارش را یکی از دلایل ایمان خود به شمار می‌آوردند، در تجدید گنبد و احداث مناره و ایوان و رواق اهتمام ورزیده، در دور حمله افغان‌ها و افشاریان و زندیان بار دیگر این مهم در بوتۀ اجمال افتاده و عنایتی به آرایش ظاهری و مرمت و ایجاد رواق و ابنیه جدید در قم نشده و بعدها در زمان سلطنت قاجاریان، بعضی از سلاطین این سلسله و امرا و وزرا بار دیگر تعمیر و طلاکاری و آیینه‌کاری ابنیه مقدسه را در سراسر ایران و جبهه همت ساخته و آثاری از خود به جای گذاشتند.

وضع صحن‌ها و ابنیه مقدسه در دوران‌های مختلف

آنچه امروز به نام صحن‌ها و بیوتات و ابنیه آستان مقدسه حضرت سستی فاطمه معصومه علیها السلام می‌بینیم، با گذشته فرق بسیار دارد؛ چون در روزگاران قدیم نقشه‌برداری و عکاسی وجود نداشته و معماران، طرح و نقشه ساختمان‌ها به طور واضح شهر را ترسیم نمی‌کرده‌اند و در اسناد و کتب نیز اشاره‌ای به چگونگی ساختمان‌های مقدس این آستانه نشده نمی‌توانیم با دقت بنویسیم و شرح دهیم که ابنیه مقدس چگونه بوده است. آنچه مسلم است در اوایل مدفون شدن آن حضرت

در باغ بابلان و ایجاد سایبانی از بوریا و پس از آنکه قبه‌ای بر سر قبه موجود ساخته شده و گنبد عراقی بنا گردیده است، در اطراف این بقعه و بارگاه قبرستان بوده و از صحن و رواق چیزی به چشم نمی‌آمده است. گنبد عراقی با همان وضع سابق تا زمان صفویان وجود داشته و پس از آنکه شاه بیگم در سال ۹۲۵ اقدام به تجدید قبه می‌کند، دیگر پادشاهان صفوی به نوسازی و مرمت و ایجاد صحن‌هایی می‌پردازند. خوشبختانه در عصر صفویه شاردن نقشه‌ای از وضع ابنیه آستانه مقدسه و صحن‌ها ترسیم کرده که در دسترس است. آن‌طور که از سفرنامه شاردن و تاورنیه و سفرنامه‌های دیگر مربوط به دوره صفویه برمی‌آید، حرم فاطمه معصومه علیها السلام دارای چهار صحن بوده که در طول پشت سر هم قرار داشته و از یکی وارد و از دیگری خارج می‌شده‌اند. در ورودی صحن اول در انتهای خیابان حضرتی فعلی واقع بوده و به همین مناسبت این خیابان را حضرتی نامیده‌اند. صحن اول، همان دارالشفای امروزی است، با این تفاوت که توسعه یافته و بناهای بسیاری در آن ایجاد کرده‌اند. صحن دوم ضمیمه صحن سوم که مدرسه بوده، شده است (به احتمال قریب به یقین مدرسه جنب مرقد سنی فاطمه علیها السلام همین مدرسه فیضیه فعلی است، ولی قرن یازدهم به نام مدرسه آستانه بوده و مردم آن را مدرسه صحن می‌گفته‌اند). و از هر دو صحن با هم مدرسه فیضیه به وجود آمده است. صحن چهارم همین صحن کهنه یا صحن طلای فعلی می‌باشد که برای رفتن از صحن سوم به آن مانند امروز از چند پله بالا می‌رفته‌اند. در فضای صحن‌ها درخت‌کاری و گل‌کاری بوده و در سمت مغرب صحن‌ها و خیابان حضرتی رودخانه قرار داشته که اکنون نیز هست و دیوار کوتاهی برای حفاظ در این سمت بنا شده بود. و در طرف مشرق قبرستان وسیعی وجود داشته که از حدود خیابان موزه فعلی تا جلو مسجد امام ادامه داشته است. صحن زنانه (مسجد موزه کنونی) گویا قبرستان خانوادگی صفویه بوده و در ورودی حرم از طرف شمال در وسط قرار داشته و گنبد گاشی به سبک مخصوصی بوده است. در نقشه شاردن گنبد و ایوان دیده می‌شود، ولی از دو گلدسته طرفین ایوان طلا که امروز در صحن عتیق وجود دارد، چیزی دیده نمی‌شود و معلوم می‌گردد که این دو گلدسته

بعدها احداث شده است؛ بدین معنی که چون این گلدسته از کمرگاه شکسته و خراب شده بوده در سال ۱۱۹۸ لطفعلی خان، فرزند جعفرخان، به تجدید بنای دو گلدسته اقدام کرده و روی همین اصل در نقشه دیولافوا نیز، این دو گلدسته دیده نمی‌شود. نقشه شاردن نشان می‌دهد که در اطراف صحن اول که مشجر بوده، حجره‌هایی با طاق‌های گنبدی وجود داشته و دیوارها از آجر ساخته شده و در وسط صحن سوم حوضی بزرگ ساخته بودند که چهار درخت در چهار گوشه آن دیده می‌شود.

دگرگونی در ابنیه آستانه حضرت معصومه علیها السلام

در فصل‌های پیش این موضوع را مورد توجه قرار دادیم که صحن‌های ابنیه آستانه مقدس معصومه علیها السلام در عصر صفویان به صورت مربع مستطیل و پشت سر هم قرار داشته و این وضع از نقشه شاردن به خوبی مشهود است.

دگرگونی‌های بنیادی و ظاهری در آستانه قم تا اواخر دوره صفویه پدید آمده و بعداً خواهیم گفت که پادشاهان صفوی در ایجاد ایوان‌ها و قبه و رواق‌ها و گلدسته‌ها و صحن‌ها اقدام کرده‌اند و چون با حمله افغان‌ها و خرابی‌هایی که آن قوم به شهر قم و آستانه مبارک وارد نمودند و نظر به وضع سیاسی و بحران‌های ناشی از جنگ و جدال، چون مردم گرفتار حفظ جان و مال خود بودند، در دوره افغان‌ها و حتی در زمان سلطنت پادشاهان افشاریه و زندیه، توجهی به مرمت و بازسازی و توسعه صحن‌ها و رواق‌ها و تزیین ظاهری بناها به عمل نیامده تا اینکه در دوره قاجاریه بار دیگر خدماتی صورت گرفته و در عصر ما نیز، مسائل مربوط به عمران و مرمت و توسعه ابنیه با طرزی شکوهمند انجام یافته و همچنان دوام دارد.

در حال حاضر، به طوری که از نقشه‌های موجود در همین دوره کتاب برمی‌آید، ابنیه آستانه مبارکه شامل دو صحن اتابکی و عتیق است و صحن موزه سابق در تحولات اخیر، مبدل به مسجدی زیبا سرپوشیده شده که از لحاظ هنری بخصوص هنر کاشی‌کاری در خور کمال توجه بوده و ذوق و هنری که در ساختمان آن به کار رفته، بسیار جالب و دیدنی است.

در این مقال، ذکر این نکته لازم است که دگرگونی و تغییراتی که در این بناها راه می‌یابد، از علل عمده‌ای سرچشمه می‌گیرد که به طور اجمال به آنها اشاره می‌شود:

۱. پادشاهان و امیران و اهل ایمان، نظر به ارادت خالصانه و علاقه و ایمان مشفقانه‌ای که به اماکن متبرک بخصوص حرم مطهر حضرت سنی فاطمه علیها السلام داشته و دارند، ایجاد بناهای جدید در گرد حرم و ساختن ایوان‌ها و رواق‌ها و تزیین صحن‌ها و توسعه بناها را یکی از راه‌های تقرب به آستان باجلال آن امامزادگان می‌دانسته‌اند و به همین جهت برای نذر و نیاز و ادای دین مذهبی، در فرصت‌های مناسب از محل اموال و درآمد خویش و یا از طریق وقف املاک به این امر هم اقدام کرده و ایجاد آثاری را در این بناها، یکی از مظاهر ایمان و علاقه خود محسوب می‌داشتند، به این کار متعجب دست می‌زدند؛ چنان‌که در آستانه مبارکه قم، آثاری از امیران و وزیران دوره سلجوقی و پادشاهان صفوی و قاجاریه و پهلوی مشاهده می‌کنیم.

۲. بناهای مقدس، هرچند با استحکام ساخته شده باشند و روبنا و تزیینات آنها هر قدر طبق اصول فنی ترکیب پذیرفته باشد، باز به مرور زمان در ارکان بناها خللی وارد می‌آید، کاشی‌ها سست می‌شوند و می‌افتند و جلا و رنگشان زوال می‌پذیرد و ابنیه که روسیاه شده و نیاز به تعمیر و بازسازی پیدا می‌کنند. بنابراین، حفظ و حراست این آثار که مورد توجه عموم است، ایجاب می‌نماید که در شالوده و ظاهر و روسازی بناها تعمیراتی حاصل شود و مرمت‌هایی صورت گیرد و این تغییرات ظاهری و بنیادی که امری لازم است، گرچه در اصالت بناها اثر می‌گذارد، به هر حال از انجام آنها چاره نیست.

۳. رونق بازار اقتصاد و ایجاد وسایل مسافرت و بالارفتن سطح درآمد بخصوص در سال‌های اخیر، موجب گردید که زائران بسیاری از اطراف و اکناف کشور و ممالک هم‌جوار با پای شوق به سوی قم روی آورند و به زیارت مشغول گردند. کثرت مسافران در بادی امر هر چند که موضوعی عادی تلقی می‌شده، ولی به مرور اولیای آستانه دریافتند که رواق‌ها و اطراف حرم و مساجد گرداگرد ضریح مبارک

نمی‌تواند آن همه جمعیت را تحمل کند. این بود که توسعه رواق‌ها و مسجدها و استفاده از اماکنی که قبلاً بلااستفاده مانده و یا به صورت انبار درآمده بود، برای گسترش حرم در رواق‌ها لازم به نظر رسید [...]...

چنان‌که صحن موزه که قبلاً در قسمت جنوبی حرم مطهر قرار داشت، برای ساختمان یک مسجد بسیار شکوهمند در نظر گرفته شد و اتاق‌هایی که اختصاص به موزه یافته بود، طبق اصول فنی ضمیمه صحن موزه گردید و مسجدی در آنجا احداث شد.

۴. کثرت زائران و مسأله نظافت حرم مطهر و رواق‌ها و ایوان‌ها، یک سلسله اقدامات بهداشتی را ایجاب می‌کرد؛ زیرا در گذشته، کف بناها را با قالی فرش می‌کردند و چون قالی خاک می‌گرفت و نظافت آنها مشکل و از لحاظ بهداشتی گرد و خاک برای زائران زیان‌بخش بود به مرور زمان کف بناها را با سنگ مرمر فرش کرده و قالی‌ها را برچیدند. روی هم رفته این عوامل در حالت اولیه بناها دگرگونی‌هایی پدید می‌آورد که هرچند از نظر هنری و حراست آثار باستانی جای تأمل و بحث است، ولی چه باید کرد که انجام آن اقدامات ضرورت داشته و از این پس نیز با توجه به عوامل زمان باز هم ضرورت خواهد یافت.

توصیف بناهای آستانه مبارکه

آستانه مبارکه حضرت سنی فاطمه علیها السلام قبلاً دارای سه صحن بوده است؛ صحن عتیق و صحن اتابکی و صحن موزه، ولی اکنون صحن موزه از بین رفته و تنها دو صحن عتیق و اتابکی به جا مانده است.

صحن عتیق: بنا به تحقیق محققان صحنی که امروز به نام «عتیق» معروف است، در عهد صفویه به شکل مربع بوده که در ضلع شمالی و جنوبی آن سه ایوان و در ضلع شرقی و غربی آن دیواری ساده و بدون ایوان و حجره وجود داشته است، ولی اکنون صحن عتیق به شکل هشت گوشه است و این تغییر شکل در دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار صورت گرفته و با توجه به طول اضلاع صحن عتیق حیاطی

هشت گوشه و نامنظم می‌باشد که چندان به چشم نمی‌آید و شانزده آرامگاه از سلاطین و رجال در اطراف آن احداث و کتابخانه آستانه و مهمانسرای حضرتی در دو ضلع شمالی آن واقع شده‌اند. صحن کهنه به وسیله یک راهرو به صحن اتابکی و از طریق یک راهرو دیگر به مسجد اعظم راه دارد و از ایوان شمالی آن به مدرسه معروف فیضیه رفت و آمد می‌شود.

ایوان طلا در این صحن ساخته شده و در دو طرف این ایوان دو ایوان دیگر از آثار دوره صفویه باقی است که از نظر هنر کاشی‌کاری بسیار ممتاز و کاشی‌های آن با زمینه آبی، روشنگر هنرمندی کاشی‌کاران عصر صفوی به شمار می‌آید و مایه تحسین و اعجاب می‌گردد.

ایوان‌های شمالی و جنوبی این صحن از آثار شاه بیگم دختر باایمان شاه اسماعیل اول است که در سال ۹۲۵ ساخته شده و ایوان‌های شرقی و غربی از آثار فتحعلی شاه قاجار است که به سال ۱۲۴۵ بنا گردیده است.

در گرداگرد این صحن حجره‌هایی ساخته‌اند که جلو آنها در دو ضلع شرقی و غربی ایوان‌هایی خوش ترکیب و زیبا دیده می‌شود که دارای پوشش مقرنس گچی است و نهایت ذوق در ساختن آن مقرنس‌ها به کار رفته است. جرزهای حدفاصل بین ایوان‌ها با ازاره سنگی و کاشی‌کاری گرهی زینت یافته و چند جرز آن به صورت معرق کاشی‌کاری شده است.

در ازاره بالای این صحن در سال ۱۳۳۴ کتیبه‌ای به خط ثلث که به رنگ سفید در زمینه لاجوردی است و چهارده بیت از قصیده معجزیه‌ای که در تاریخ تذهیب گنبد مطهر سروده شده، در این گنبد آمده است (در مورد قصیده معجزیه در قسمت گنبد مطهر بحث خواهد شد). مهم‌ترین ایوان این صحن ایوان طلا است که به حرم مطهر راه دارد و در جنوب صحن بنا شده و از نفایس طلاکاری و کاشی‌کاری است. این ایوان را شاه بیگم فرزند شاه اسماعیل ساخته (سال ۹۲۵) و به طور حتم با گنبد و گلدسته‌های طرفین در یک زمان ایجاد گردیده و هنگامی که مادام دیولافوا به قم آمده و نقشه‌ای از قم و بیوتات آستانه ترسیم کرده، این دو گلدسته در

نقشه ترسیمی وی دیده نمی‌شود؛ زیرا دو مناره طرفین ایوان طلا هر چند که از آثار شاه بیگم است، ولی چون در اثر زلزله خراب شده بود، از نو تجدید ساختمان شده و سرگلدسته‌ها طلاکاری گردیده است.^۱ دهانه این ایوان ۹ متر و عرض شش متر و ارتفاع ۱۴/۸۰ متر است. ازاره این ایوان که با کاشی ساخته شده و ۱/۸۰ متر بلندی دارد، از نظر حسن ترکیب زیباست.

یک کتیبه کمربندی بر روی این ازاره وجود دارد و روی کتیبه به ارتفاع دو متر با کاشی‌های معرق زیبا و دلپذیر دوره صفویه زینت یافته و بر بالای آن کتیبه دیگری دیده می‌شود که به خط ثلث است و نام شاه اسماعیل به خط طلائی بر فراز دارالحفاظ در آن کتیبه به چشم می‌آید.

بالای این کتیبه تا سقف مزین به خشت‌های طلاست که به صورت مقرنس در سال ۱۲۷۶ طلاکاری شده و نام ناصرالدین شاه را در پیشانی آن به خط نستعلیق نوشته‌اند. دو قوسی طاقبند جلو ایوان به عرض دو متر با کاشی‌کاری‌های معرق زینت یافته و در حاشیه پوشش‌کاری کتیبه‌ای است به شکل عمودی و به خط ثلث ممتاز و عالی، و لب ایوان به صورت پخ و مورب تا نيزه طاقبند ایوان با کاشی‌های معرق پوشیده شده و به ایوان طلا شکوه و جلال خاصی بخشیده است.

در سال‌های اخیر در دو طرف این ایوان دو کفش‌کن با پوشش کاشی ساخته‌اند که گرچه در کاشی‌کاری و احداث آن ذوقی به کار رفته است، ولی این دو کفش‌کن بخصوص با توجه به کاشی‌کاری ممتاز دو ایوان طرفین ایوان طلا و صله‌ای ناجور و ناهماهنگ است و چه بهتر که برای کفش‌داری جای دیگری مهیا گردد و این دو کفش‌کن برچیده شود. برای آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز باید تذکر داده شود که در ایوان طلا که مهم‌ترین و زیباترین و قدیمی‌ترین ایوان‌های موجود در آستانه مبارکه است، چند کتیبه وجود دارد که چون از نظر هنری و خطاطی قابل توجه است، اجمالاً به ذکر آنها می‌پردازیم:

۱. بنا به نوشته مؤلف کتاب راهنمای قم، سرگلدسته را کامران میرزا طلا اندود کرده است.

۱. کتیبه معرق کمربندی اول به عرض نیم متر و طول ۱۴ متر از آثار فتحعلی شاه قاجار می‌باشد که به خط ثلث سفید در زمینه لاجوردی نوشته شده و نویسنده خط کتیبه، خطاط عصر قاجار سید رضارضوی است. در روی این کتیبه احادیث معتبر نوشته شده است.

۲. کتیبه دوم کمربندی که معرق است، از آثار دوره شاه اسماعیل بوده و هم‌زمان با احداث ایوان نصب گردیده و عرض آن ۶۰ سانتی‌متر و طولش ۱۴ متر است.

۳. کتیبه سوم که به صورت عمودی است، از آثار فتحعلی شاه قاجار و تاریخ نگارش و نصب آن ۱۲۲۵ هجری است و احتمالاً به خط نور اصفهانی می‌باشد. در این کتیبه نقش‌های گل و بوته به طرزی هنرمندانه نقاشی شده و بر روی آن آیاتی از قرآن مجید نوشته‌اند.

۴. کتیبه چهارم که روی قسمت طلاکاری قرار دارد با «یا حنان» شروع می‌شود و نام ناصرالدین شاه در وسط است و بعد از آن «یا منان» کنده‌کاری شده است. طلاکاری ایوان طلا از هر جهت جالب و نفیس بوده و به وسیله استاد اسدالله فرزند استاد مهدی زرگر ساخته شده است.

در محل ورود ایوان به حرم مطهر ایوان کوچکی است که آن را دارالحفاظ می‌نامند. دهانه این ایوان کوچک سه متر و عرض آن ۱/۵ متر است و چهار متر ارتفاع دارد و با کاشی‌های معرق زینت داده شده است.

در کمرگاه این ایوان کوچک کتیبه‌ای است از کاشی معرق نفیس که به دو قسمت تقسیم می‌شود. در حرم این کتیبه را از هم جدا می‌کند و روی آن حدیثی در فضیلت مقام حضرت فاطمه علیها السلام نوشته شده است و در چهار طرف در طلا قابی از مرمر سفید و شفاف نصب گردیده که روی آن قصیده فتحعلی خان صبا ملک الشعرا را به خط آقا مهدی ملک الکتاب با شعری به مطلع زیر حجاری کرده‌اند. سال بنا ۱۲۲۱ است.

این آستان بضعه موسی بن جعفر است کز خاک پاک، عبرت گوگرد احمر است

از مختصات دیگر صحن عتیق آنچه باید تذکر داده شود، این است که صحن مذکور ۳۵/۷۰ متر طول و ۳۴/۸۰ متر عرض دارد. دیوارهای صحن به ارتفاع نیم متر از سنگ و بقیه تا ازاره بام کاشی کاری است.

در ضلع مقابل ایوان طلا، ایوانی است به طول ۸/۷۵ و عرض ۲/۵ متر و ارتفاع ۱۳ متر و ازاره پایین این ایوان از کاشی خشتی است و بدنه اش با گچ اندود گردیده و سقف آن مزین به مقرنس کاری گچی آویزدار است. در زیر این سقف مقرنس کتیبه ای است در زمینه لاجوردی که ۱۲ متر طول و سی سانتی متر عرض دارد و به خط نستعلیق اشعاری بر روی آن نوشته اند. بانی این ایوان سید حسن متولی باشی و سراینده اشعار متن کتیبه آقای مجید قمی است که سید تخلص می کرده است. این اشعار به خط میرزا عمو نوشته شده و ایوان در سال ۱۳۰۱ هجری قمری بنا گردیده است. بر سر در این ایوان، سنگی از مرمر است که بر آن متن وقفنامه ناصرالدین شاه را به خط نستعلیق نوشته و حجاری نموده اند. در ضلع شرقی این ایوان ساعتی نصب است که بانی آن میرزا علی مشکوة الممالک می باشد و ایوان مذکور به مدرسه فیضیه راه می یابد.

در ضلع شرقی صحن عتیق راهروی است که این صحن را به صحن اتابکی مربوط می سازد و دارای سه درگاه است که سقف آنها مقرنس گچی آویزدار است. در ورودی کتابخانه در این راهرو قرار گرفته و سقف اصلی راهرو یزدی بندی با آجر و کاشی است. در صحن عتیق مقبره محمدعلی شاه، محمد شاه، فتحعلی شاه، منوچهرخان معتمدالدوله و مستوفی الممالک و عده ای از رجال دیگر به طرزی باشکوه ساخته شده که از نظر هنری و گچ کاری و آینه کاری بسیار جالب و ممتاز است؛ بخصوص آرامگاه فتحعلی شاه از این لحاظ دیدنی و در خور توجه می باشد.

صحن اتابکی: صحن اتابکی از ابنیه باشکوه و بسیار زیبای آستانه مبارکه است. این صحن در اصل به صورت مربع مستطیل می باشد که در قسمت شرقی آن یک تورفتگی ایجاد شده که دو زاویه آن در قسمت داخلی پیش آمدگی دارد و آن را به صورت یک پنج ضلعی جلوه می دهد.

اضلاع شرقی و غربی این صحن هر یک ۷۶/۶ متر و دو ضلع شمالی و جنوبی آن ۴۶/۸ متر است و چهار ضلع آن در جهتهای فرعی واقع شده و هر یک ۳/۷ متر طول دارند و تورفتگی همانطور که گفته شد، از نظر شکل پنج ضلعی است. ضلعهای شمالی و جنوبی این تورفتگی ۱۰ متر و دو ضلع فرعی آن ۵/۸ متر می باشد. در این صحن زیبا و بزرگ که از نظر کاشی کاری و طرز ساختمان از شاهکارهای معماری می باشد، چهار ایوان بسیار زیبا و دیدنی ساخته اند.

این ایوانها که در عین حال مدخل ورود به صحن می باشند، در طرف شرق و غرب و شمال و جنوب واقع و در اطراف صحن سی و یک حجره و ایوان کوچک وجود دارد. طول هر یک از این ایوانها ۳ متر و عرض آنها ۲ متر است. در هشت ایوان کوچک دو ستون و دو نیم ستون از سنگ سیاه طاق ایوانچه را استوار می دارند که هر یک ۳ متر است و این ایوانچهها ۶/۲۰ متر طول و ۳/۲۰ متر عرض دارند. ازاره صحن جدید (اتابکی) همه از سنگ است و کف صحن نیز با سنگ فرش شده و در وسط آن حوضی بزرگ قرار داشت که چون باگذشت زمان نیاز به مرمت یافته بود، در سال [۱۳۵۵ ...] از نو تجدید بنا گردید.

تمام رونمای این صحن زیبا و بزرگ با کاشی آراسته شده و در ازاره فوقانی صحن کتیبه ای است از کاشی که بر زمینه آن اشعاری نوشته اند که یک مصرع به رنگ سفید و یک مصرع به رنگ زرد است و خط نستعلیق متن کتیبه از میرزا آقای تبریزی است و اشعار کتیبه را میرزا فتح الله کاشانی که در شعر «شیبانی» تخلص می کرده است، سروده و اشعار کتیبه یکی «نونیه» و دیگری «رائیه» است که چند بیت از هر دو قصیده نقل می شود.

زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین	یکی بنای خلیل و یکی بنای امین
خلیل رحمان گشت آن بدان بنای قدیم	امین سلطان گشت این بدان بنای چنین
بدان نماز برد هر که راست دین درست	بدین نیاز برد هر که راست رأی رزین
به روزگار بناها همی نهادستند	ولی نه چونین محکم نهاد و خوب آیین
رواق طاقش به آسمان نهاد اساس	زمین خاکش بر فرق فرق و پروین

و قصیده «رائیه» با این اشعار شروع می‌شود:

چو مرد پر هنر افتاد و بخت بودش یار چنین بماند از او در جهان چنین آثار
کجا به درگه او پر زند فرشته چنین کجا به سایه او آسمان برد زنه‌ار
به روزگار نگرده عزیز هر که نکرد به دست خویش همی خوار درهم و دینار
کسی که درهم و دینار خوار مایه گرفت از او به جای بماند چنین اثر بسیار
هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت به آخر آمد این قصر و این بلند حصار
در پایان کتیبه این جمله دیده می‌شود: «به سعی و اهتمام مقرب الحضرة العلیه
آقا میرزا عبدالمولی به اتمام رسید. راقمه میرزا آقا.»

این صحن را میرزا علی اصغر خان اتابک (امین السلطان) ساخته و معمار این
صحن استاد حسن معمار قمی و کاشی‌کاران و بنایان استاد محمدباقر قمی و حاج
غلامعلی و استاد محمد شیرازی بوده‌اند.

ایوان آئینه: صحن جدید دارای ایوان‌های رفیع و باشکوهی است که نهایت ذوق
و سلیقه در احداث آنها به کار رفته و قدرت ایمان و هنر در هم آمیخته‌اند و چنین آثار
جاودانه‌ای را که مبین عشق و ارادت هنرمندان به مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
بوده، به وجود آورده‌اند.

ایوان آئینه با تالار سراسری جلو و تالارهای کوچک طرفین تالار اصلی که دو
طبقه هستند، به آن گلدسته‌های بلند و خوش نقش و زیبا به واقع از نظر معماری و
تزیینات در حد ظرافت و هنرمندی است که به وسیله استاد حسن معمار قمی که
آثار دیگری هم از او به جای مانده، ساخته شده است.

دهانه ایوان آئینه ۹ متر و عرض آن ۷/۸۷ و ارتفاعش ۱۴/۸۰ متر است. ازاره
ایوان به بلندی ۱/۲۰ از سنگ مرمر است و ازاره جلو ایوان که نقوش زیبا بر آن
حجاری شده، خود نمونه‌ای بدیع از هنر حجاری می‌باشد.

ایوان آئینه که از نظر آئینه‌کاری در خور کمال توجه است، به تالار جلو متصل است و
سقف آن بر ۴ ستون بلند سنگی یکپارچه با نقوش ماریچی استوار گردیده و این چهار
ستون که ده متر طول دارند، از نظر حجاری بسیار جالب و هنرمندانه از کار درآمده‌اند.

در طرفین تالار و ایوان آئینه دو ایوانچه دو طبقه ساخته شده که دو مناره کوتاه توپر روی دو جرز جانبی آن احداث شده که با توجه به دو مناره بلند ایوان این دو مناره کوتاه شش متری ترکیبی دلپذیر ایجاد کرده‌اند. کفش‌کن مردانه و زنانه در طبقه زیرین این دو ایوانچه قرار دارد و برای ورود به تالار باید از چهار پله بالا رفت. جلو ایوان، ازاره‌ای از سنگ ابراززده و منقش می‌باشد و ازاره بالا، طاقبندهای قوسی است که از سنگ حجاری شده ساخته شده و دارای نقش‌های برجسته و زیبایی می‌باشد.

پوشش زیرین تالار بزرگ و چهار تالار کوچک با قاب‌های چوبی منبت تخته‌پوش شده و همه قاب‌ها را با نقش‌های رنگی و آینه آراسته‌اند که خود نمونه‌ای از هنر سقف‌بندی و آراستن سقف در ایران است. آئینه‌های ایوان در سال‌های اخیر از نو تعمیر و بازسازی و جرم‌گیری شده است.

ایوان شرقی

در صحن اتابکی، رو به روی ایوان آئینه که به وسیله یک در طلا به حرم مطهر می‌پیوندد، ایوان دیگری احداث شده که از لحاظ هنر کاشی‌کاری و مقرنس‌سازی آویزدار، شاهکاری بدیع و بی‌بدیل است.

این ایوان که در قسمت تورفتگی صحن به چشم مشتاقان می‌آید و در دل آنان شوقی از آن همه شکوه و جلال پدید می‌آورد، از شاهکارهای هنری استاد محمدباقر قمی است که گویا در مقام رقابت با استاد حسن معمار، موجد ایوان آئینه، آن را ساخته است. ایوان شرقی که طول دهانه‌اش ۷/۸۰ و عرض آن ۷/۵ و ارتفاعش ۱۳/۶۰ متر است، به کاشی‌های گرهی و معرق و مطبق با آویزهای زیباست با دو کتیبه که یکی به صورت سراسری و کمربندی و دیگر در پیشانی ایوان است. ازاره ایوان مذکور از سنگ سیاه ساخته شده و تمام نمای آن مزین به زیباترین و نفیس‌ترین کاشی‌های عصر قاجار است.

آنچه در این ایوان جلب توجه می‌کند، مقرنس‌کاری آویزدار سقف ایوان است که از نظر هنری در آن ریزه‌کاری بسیاری شده و در چندگروه هشت قطاری به طور مرتبه

مرتبه گسترش پیدا کرده و در هر یک از این نقشه‌ها مقرنس گل ترنجی از کاشی معرق دیده می‌شود که روی آنها اسامی جلاله نقش بسته است.

این ایوان دارای صفت محراب ماندی است که از لحاظ کاشی‌کاری ممتاز می‌باشد و بر بالای دو جرز طرفین ایوان دو گلدسته به ارتفاع ۹ متر ساخته‌اند که ترکیبی بدیع به این ایوان می‌بخشد. در جبهه ایوان زیر هر ۵ لب بام کتیبه‌ای از کاشی معرق دیده می‌شود که ۸ متر طول و ۶۰ سانتی‌متر عرض دارد و آیاتی از قرآن مجید به خط ثلثی نسخ رجبعلی مشهدی بر آن نوشته شده است. بر بالای این ایوان و بین دو گلدسته برجی وجود دارد و ساعت‌هایی در بالای آن دیده می‌شود.

این ایوان شرقی که یکی از محل‌های ورود به صحن جدید است، در قسمت ورودی از خیابان حضرتی نیز مزین به کاشی‌کاری و تزیینات جالب است. دهانه ایوان خارجی ۵ متر و عرض آن ۲ و ارتفاعش ۱۲ متر است و در کمر بند آن کتیبه‌ای است که بر کاشی خشتی لاجوردی اشعاری به خط میرزا آقا خوشنویس نوشته شده و سراینده اشعار میرزا صادق پروانه است و متن اشعار چنین می‌باشد:

به عهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین که نازد از سر انگشت وی گلاه و نگین
برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق سپهر سوده به خاک درش هماره جبین
امین شاه علی اصغر بن ابراهیم عیان نموده به سطح زمین بهشت برین
چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه بنای صحن به کلی بهشت روی زمین
و همچنین در جبهه خارجی ایوان شرقی زیر سره سنگی کتیبه دیگری است
که اشعار آن را شاعری به نام سید غمخوار سروده و تاریخ بنا را در شعر
آورده است:

سرود سید غمخوار بهر تاریخش ز بعد هجرت احمد هزار و سیصد و چهار
این ایوان از مدخل ورودی خارجی وارد یک هشتی می‌شود و سپس از دو راهرو
به صحن جدید می‌پیوندد.

ایوان شمالی

ایوان شمالی که یکی دیگر از محل‌های ورودی به صحن جدید است، در قسمت داخل دهنه‌ای به طول ۷ متر و عرض ۴/۴۰ متر و ارتفاع ۱۲ متر دارد و در کمربند آن کتیبه‌ای است از کاشی معرق با دو خط ثلثی نسخ و کوفی از رجبعلی مشهدی که به روش متداخل نوشته شده است.

این ایوان از داخل صحن و خارج بسیار بدیع و دارای ریزه‌کاری‌های دقیقی است و بر بالای آن دو گلدسته دیده می‌شود. سردر شمالی در قسمت خارج که از خیابان حضرتی دیده می‌شود، از نظر ظاهر مانند سردر شرقی است؛ با این تفاوت که این سردر فاقد دو صفت جانبی است و در کمربند ایوان کتیبه‌ای از کاشی خشتی به خط نستعلیق میرزا آقا خوشنویس تبریزی که بر روی آن اشعاری نوشته شده و در جبهه ایوان کتیبه دیگری است که میانه دو گلدسته را آراسته و بر روی آن اشعاری دیده می‌شود.

ایوان جنوبی

ایوان جنوبی نیز که به خیابان موزه راه می‌یابد، مانند ایوان شمالی است؛ جز اینکه قسمت خارجی آن بدون کتیبه می‌باشد و در طرفین آن صفت‌های ایجاد نکرده‌اند. این ایوان از داخل صحن جدید نیز زیاد دلپذیر است و دارای یک هشتی است که بدنه و سقف آن کاشی‌کاری شده و در کمرگاه آن کتیبه‌ای است از کاشی معرق به طور متداخل ثلثی و کوفی. همچنین در جبهه ایوان مزبور کتیبه دیگری است از کاشی‌های خشتی لاجوردی که به خط نستعلیق میرزا آقا تبریزی اشعاری در وصف ناصرالدین شاه نوشته شده است.

علاوه بر ایوان‌های مذکور در صحن جدید دو ایوانچه وجود دارد که به خاطر داشتن چند کتیبه مورد توجه است. در دو گوشه تورفتگی صحن جدید، دو مناره ساخته‌اند که با کاشی‌های زیبا آراسته شده و هر دو مناره کاملاً قرینه و مانند هم هستند.

مناره‌ها

باید گفت که آستانه مبارک حضرت سستی فاطمه علیها السلام از نظر تعداد مناره‌های کوچک و بزرگ در تمام ابنیه مذهبی ایران و جهان نمونه است و علاوه بر چهار مناره بلند که در دو طرف ایوان طلا و ایوان آینه ساخته‌اند، جا به جا بر فراز ایوان‌ها و صحن جدید و در دو طرف ایوانچه‌های جانبی تالار ایوان آینه نیز مناره‌های توپری که اکثر به ارتفاع شش متر و مزین به کاشی هستند، احداث شده و این مناره‌های کوچک و بزرگ زیبایی خاصی به این ابنیه داده است.

دو گلدسته طرفین ایوان طلا همزمان با احداث ایوان بنا گردیده و به طوری که از نقشه آدام اولئاریوس برمی‌آید، و مربوط به سال ۱۱۰۸ قمری است، بدون ایوانچه بوده و چون در اثر زلزله یا حوادث دیگر از کمرگاه شکسته شده بود، در سال ۱۱۹۸ از طرف لطفعلی خان زند والی اصفهان و قم و کاشان تجدید بنا گردید و هاتف شاعر معروف در قصیده خود به این موضوع اشاره می‌کند که:

کهن گلدسته قم را که ویران بود بنیادش مجدد شد به حکم او اساس و تازه شد بنیان
متن کامل این قصیده گویا در جبهه ایوان طلا به صورت کتیبه نوشته شده بود و طبق تحقیقات مؤلف گنجینه آثار قم، آقا محمد خان قاجار در موقع حمله به قم و تصرف آنجا دستور داد که آن کتیبه را برچینند. این دو گلدسته تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پابرجا بود و چون دوباره در آنها شکستی راه یافته بود، پس از تذهیب ایوان طلا به فرمان ناصرالدین شاه گلدسته‌ها از طرف محمدحسین خان شاهسون معروف به شهاب‌الملک از نو ساخته شد. ارتفاع این گلدسته‌ها از روی بام تانوک مناره ۱۷/۴۰ و از کف صحن عتیق ۳۲/۲۰ متر و قطرشان ۱/۵ متر است. در گلوبند این گلدسته‌ها کتیبه‌ای است به عرض ۸۰ سانتی‌متر که روی آن آیه‌ای از قرآن مجید نوشته شده است.

گلدسته‌های کوتاه که در دو نبش تورفتگی صحن عتیق ساخته شده، هر یک ۱۳/۵۰ متر ارتفاع دارد و قطرشان ۳ متر و محیط ۹/۹۰ متر است و به شکل هشت ضلعی ساخته شده و در نوک آن مأذنه قرار گرفته و بر بالای مأذنه یک

مناره کوچک دیگر است. این گلدسته‌ها به وسیله یک راه‌پله مارپیچ به مأذنه راه می‌یابد و از نظر کاشی‌کاری زیباست.

گلدسته‌های ایوان آینه که بلندترین گلدسته‌های موجود در ابنیه آستان مبارک قم است، هر یک دارای دو پله مارپیچی می‌باشد که تا مأذنه ادامه دارد و تعداد پله‌ها ۸۰ عدد است. از سطح بام تا نوک مناره ۲۸ متر ارتفاع دارد و محیط آن ۳/۳۰ متر و از پایین تا نوک مناره به اشکال مختلف ساخته شده و بالا رفته است. قسمتی از این مناره‌ها از سطح بام به ارتفاع ۳ متر هشت ضلعی و سپس به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر مقرنس شده و بعد از مقرنس به ارتفاع یک متر به صورت مدور درآمده و آنگاه به ارتفاع ۲/۵۰ متر دوباره هشت ترک شده و تازیر طارمی به شکل استوانه بالا رفته و زیر طارمی چوبی قبل از مقرنس‌کاری کتیبه‌ای نصب گردیده که ارتفاعش ۸۰ سانتی‌متر است و به خط کوفی است. این دو مناره با پوشش کاشی بسیار زیبایی آراسته شده‌اند و بانی آنها امین‌السلطان سازنده صحن جدید است و معمار آن استاد حسن معمار قمی می‌باشد. دو مناره طرفین ایوان طلا که کوتاه‌تر از دو مناره ایوان آینه است و چون نوک آن طلا است، معروف به مناره طلا شده است، و روی هم رفته در ابنیه آستانه قم ۲۲ مناره کوچک و بزرگ دیده می‌شود.

گنبد مطهر

به هنگام روز، وقتی آفتاب بر شهر قم می‌تابد، چشم مشتاق مردم بر تالو گنبدی طلایی و باشکوه می‌افتد و شب هنگام که خورشید در آسمان نیست، این گنبد رفیع در پرتو چراغ‌ها و نورافکن‌ها درخشندگی خاصی به دست می‌آورد و دل و روح اهل ایمان و زائران را به معراج می‌کشاند.

همان‌طور که در تحقیقات گذشته یادآور شدیم، بانی گنبد اولیه بر تربت مقدس حضرت معصومه علیها السلام میرابوالفضل عراقی وزیر طغرل بود که در سال ۴۴۷ ساختمان گنبد را آغاز و در سال ۴۵۷ به اتمام رسانده است. این گنبد تا دوران سلطنت شاه اسماعیل وجود داشته و به طوری که از نقشه‌های سیاحان خارجی که در آن عصر به

ایران سفر کرده و از قم گذشته‌اند، برمی‌آید، شکل گنبد عراقی به صورت کلاه‌خودی با گردنی بلند و کاشی‌کاری معقل، آمیخته‌ای از آجر و کاشی بوده و سپس در سال ۹۲۵ گنبدی که هم‌اکنون دیده می‌شود، به همت شاه بیگم دختر باایمان شاه اسماعیل صفوی بنا گردیده است.

گنبد مطهر شلجیمی شکل است و قاعده آن هشت ضلعی است که فاصله هر ضلع از ضلع دیگر ۳/۷۰ متر و طول هر ضلع ۳/۸۰ متر است. ارتفاع گنبد از سطح بام ۱۶ متر و محیط استوانه آن از داخل ۲۸/۶۶ و از خارج ۳۵/۶۰ متر می‌باشد. یک قسمت از این گنبد از سطح بام به ارتفاع ۹۰ سانتی‌متر از آجر ساخته شده و از روی قسمت آجری به بالا تا ارتفاع یک متری با کاشی فیروزه‌ای زینت یافته و سپس به ارتفاع ۴ متر که ساقه گنبد تمام می‌شود، تمام از خشت‌های طلا زینت یافته و طلاکاری پس از ساقه ابتدا به صورت مقرنس آغاز می‌گردد و آن‌گاه به طور ساده بالا می‌رود تا به نوک گنبد برسد. در ساقه گنبد کتیبه‌ای است به عرض ۶۰ سانتی‌متر که اشعار متن آن را فتحعلی خان صبا سروده و استاد محمد معمار قمی گنبد را بنا کرده و نویسنده خط کتیبه محمد الحسینی است. این گنبد در اصل با کاشی پوشیده شده بود و سپس در زمان فتحعلی شاه (سال ۱۲۱۸) پوشش گنبد طلاگردیده و می‌گویند که ۱۲۰۰۰ خشت طلا در تذهیب آن به کار رفته است.

در تاریخ تذهیب گنبد یکی از شاعران به نام محمدصادق پروانه کاشی که در شعر «ناطق» تخلص می‌کرده است، قصیده‌ای سروده که از نظر ماده تاریخ‌سازی بسیار استادانه است. ناطق این قصیده را که معروف به «معجزیه» است، در ستایش حضرت معصومه و فتحعلی شاه ساخته و هر مصرع آن به حساب جمل با ۱۲۱۸ برابر می‌باشد و همچنین نام قصیده (قصیده معجزیه) و عبارات حاکی از تعداد بیت‌ها و مصرع‌ها و آن هم به طور جداگانه ماده تاریخ دیگر است و ما چند بیت از قصیده ناطق را در اینجا می‌آوریم و یادآوری می‌کنیم که: بسم الله الرحمن الرحیم باسم موجود کریم، این قصیده مسمی به قصیده معجزیه است. شصت و دو بیت و یکصد و چهار مصرع همه به حساب ابجد (جمل) برابر است با عدد ۱۲۱۸ که تاریخ تذهیب گنبد می‌باشد.

این قبه گلبنی است به زیور برآمده
 این روضه‌ای است کامده از جنه العلا
 این زیب عرش یا که بود کوی آفتاب
 این قبه را چه اوج که با ارتفاع آن
 وین قبه راست جای به جایی که پایه‌اش
 کین قبه رفیع به جایی کشانده سر
 وین قبه و زمین ز همین رفعت و جلال
 وین صحن به ز صحن جنانست بهر آنک
 از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو
 قسمتی از این قصیده در اطراف صحن عتیق به صورت کتیبه‌ای در زیر ازاره
 بالای صحن نوشته شده است.

اشعاری که بر کتیبه گنبد در زیر مقرنس طلا نوشته شده، به مطلع زیر است.
 آتش موسی عیان از سینۀ سیناستی یا که زرین بارگاه بضعه موساستی
 بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طرّه حوراستی
 این کتیبه به خط نستعلیق آقا محمد مهدی ملک الکتاب قالب ریزی شده و در
 فواصل اشعار ترنج‌هایی دیده می‌شود که در روی آنها اسامی جلاله به خط ثلث
 سید محمد حسینی نقش بسته است.^۱

۱. استفاده از خط نسخ و ثلث در تزیینات آثار مذهبی از قدیم الایام در ایران رواج داشته و جبهه ایوان‌ها و دور
 حرم‌ها و رواق‌ها و ازاره فوقانی مساجد را با نگارش خطوط می‌آراسته‌اند و علاوه بر نگارش آیات ربانی و
 احادیث نبوی و قدسی بر جدار ابنیه، خط‌های پخته و زیاد تو در تو را وسیله‌ای برای آراستن و زینت دادن این
 ابنیه به شمار می‌آوردند و روی همین اصل در بیشتر ابنیه مذهبی ایران خط یکی از عوامل تزیین و زیبا ساختن
 ایوان‌ها و رواق‌ها و حرم‌ها بوده و خطاطان معروف به کمک کاشی‌سازان و استادان کاشی‌کار، جلوه‌های بدیعی از
 هنر خط بر دیوار ابنیه به جا گذاشته‌اند که نمونه‌ای از ذوق و هنر هنرمندان و خطاطان محسوب می‌گردد.
 کتیبه‌ها بیشتر به خط ثلث و نسخ که امکان ایجاد شکل‌های زیبا در آنها زیادتر بوده، آراسته شده‌اند و
 نوعی خط به نام خط بنائی نیز در ایوان ابتکار کرده‌اند که با آجر و کاشی در زمینه جرز و اسپرها و جبهه ایوان‌ها

حرم مطهر

حرم مطهر حضرت سستی فاطمه معصومه علیها السلام دارای قدمتی تاریخی است و از اصل پایه و شالوده محکمی داشته تا بتواند سنگینی گنبد را تحمل کند. این حرم بدون شک از بناهای میرابوالفضل عراقی است که گنبد اولیه را بر آن استوار داشته و گنبد دوم بر همان شالوده اولیه بنا نهاده شده است.

حرم مطهر ابتدا با کاشی آراسته شده بود و از تزیینات گذشته به جز کتیبه کمربندی روی ازاره و حاشیه آن چیزی باقی نمانده و طبق روش و سلیقه امرای عصر آن کاشی‌ها را بر چیده و با آینه زینت داده‌اند که البته از نظر هنری کار درستی نبوده؛ زیرا کاشی‌کاری که از هنرهای اصیل ایرانی است، برای

→ نقش بسته و از قرون گذشته به یادگار مانده است. استفاده از خط کوفی در ساختمان‌های مذهبی بیشتر رواج داشته و خطاطان معروفی چون علیرضا عباسی و محمدرضا امامی و دیگران نمونه‌هایی از هنر خود را بر کتیبه مساجد و بقاع متبرکه ثبت نموده‌اند که مایه تحسین و اعجاب است. خطوط معروف عبارتند از خط کوفی، خط بصری، خط حمیر، خط سجلات، خط دیباج، خط طومار کبیر، حزفاح، ثلث صغیره، ثلث ثقلیل خطوط ریاسی، ریاسی کبیر، نصف ریاسی، ثلث ریاسی، ربع ریاسی، خط ثلث، خط نسخ.

خط ثلث برای کتیبه محراب‌ها و جدار مساجد انحصار یافت، ولی چون از منظر و مرعی دور بودند، علاوه بر درشتی خط برای زیبایی کتیبه حروف آن را تا سه مرتبه روی گچ بزرگ می‌کردند و تمام جاهای خالی روی حروف کشیده را با حروف دیگر پر می‌ساختند و این خط را که برادر خط ثلث بوده، از دو جهت دنباله ثلثی خواندند؛ یکی از آن جهت که به خط ثلث منسوب بوده و دیگری به واسطه قابلیتش برای آنکه با سه حرف روی هم نوشته شود و گچ‌بری گردد، در صورتی که در خط ثلث که با قلم دودانگی نوشته می‌شد، تداخل حروف در یکدیگر معمول نبوده و در خط درشت ثلثی تداخل هنر بوده است.

خطوط معروف به نام مناشیر، محقق، نسخ، ریحان، رفاع، ثلث، تعلیق می‌باشند. خط نستعلیق نیز در نگارش کتیبه‌های اماکن مقدس به کار رفته است. این خط که از پیوند و آمیختن خط نسخ و تعلیق به وجود آمده، از ابداعات ایرانیان است و ذوق و ظرافت روح ایرانی در آن مشاهده می‌شود و هنرشناسان خط نستعلیق را ظریف‌ترین خطوط می‌دانند. از عمر خط نستعلیق بیش از ۶ قرن می‌گذرد و اولین کتابی که به این خط نوشته شده، بوستان سعدی است که میرعلی تبریزی خطاط معروف، برای امیر تیمور نوشته و تاریخ کتابت آن ۷۷۹ است.

پوشش داخلی و خارجی بقاع متبرکه صدچندان بهتر از آئینه است که دوام ندارد و با همه ریزه کاری‌ها و دقت نظرهایی که در انجام آن به عمل می‌آید، یک کار هنری و اصیل نیست.

قاعده گنبد مطهر کثیرالاضلاع است که به طور غیرمساوی می‌باشد و ضریح مطهر در وسط آن قرار گرفته است. حرم مطهر از نظر تزیینات داخلی بسیار جالب و هنرمندانه است.

وقتی زائران از صحن جدید وارد ایوان آئینه می‌شوند، پس از عبور از یک در طلا وارد رواقی می‌شوند که به شکل مربع مستطیل است و از این رواق وارد حرم مطهر شده و به زیارت می‌پردازند و هرگاه زائران از صحن عتیق و ایوان طلا به شرف آستان بوسی نایل آیند، پس از عبور از دارالحفاظ وارد حرم می‌گردند.

یک در طلا دارالحفاظ را به حرم مطهر متصل می‌کند. این در ۳/۲۰ متر طول و ۳/۸ متر عرض دارد و صفحه زیرین آن را با نقره آراسته‌اند و روی آن را با طلا به اشکالی گوناگون درآورده و شعری از دانش به مطلع «تبارک الله از این در که زائرانش را / ز هر صریر شود کشف هر نهانی راز» دیده می‌شود.

مؤلف گنجینه آثار قم در توصیف از حرم مطهر می‌نویسد: تزیینات داخلی حرم متنوع و قسمتی مرمری و روی آن کاشی‌کاری با کتیبه معرق و بالای آن آئینه‌کاری دارای کتیبه کمربندی گچ‌بری است. بدین تفصیل که ازاره‌اش به ارتفاع ۱/۵ متر از سنگ مرمر شفاف خوش نقش و قسمت بالای آن هره‌ای از مرمر است که ۵ سانتی‌متر پیش‌آمدگی دارد و این سنگ‌ها به قطر ۲۰ سانتی‌متر جلو جرز آجری قرار دارد و جای آنها سابقاً کاشی‌های کوکبی عصر صفوی بوده است که در عصر فتحعلی شاه در تعمیرات کیکاوس میرزا به مرمر تبدیل گردیده است. و بر زیر ازاره مرمری حاشیه‌ای است کمربندی به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر از کاشی معرق خوش نقش که به طور مورب از لبه هره سنگی به جانب جدار به طور متمایل به کار رفته و بالای آن کتیبه‌ای کمربندی به خط ثلثی غلیظ از کاشی معرق به دو رنگ طلایی و سفید در زمینه لاجوردی به عرض ۰/۳۵ سانتی‌متر. این

کتیبه چون به درگاه‌های هشت‌گانه می‌رسد، توالی از هم قطع می‌گردد و بر روی این کتیبه احادیثی دیده می‌شود. وجود نام میرزا علی اصغر خان صدراعظم و تاریخ ۱۳۱۸ قمری در ذیل این کتیبه نشان می‌دهد که وی تعمیراتی در حرم مطهر انجام داده است.

بر بالای کتیبه مذکور حاشیه‌ای است از کاشی معرق که از آثار دوره صفوی است و ارتفاعش ۱۵ سانتی‌متر است و بالای آن به ارتفاع سه متر آینه‌کاری شده و روی آن کتیبه کمربندی دیگری است که از آثار دوره صفوی می‌باشد و بر آنها به خط ثلث برجسته آیات و عباراتی گچ‌بری شده است.

سقف حرم به طور کلی مقرنس آینه‌کاری است و از تالو چراغ‌ها در شب و روز جلوه و جمالی روحانی دارد. بانی مقرنس آینه‌کاری کیکاوس میرزا است که در سال ۱۲۵۱ انجام یافته و در بغله‌های دو جرز شمالی دو طرف در طلا در هر طرف لوحه زرینی به اندازه یک متر در یک متر نصب شده که به خط نستعلیق برجسته طلایی عباراتی بر آن نوشته شده که حاکی از آینه‌کاری حرم مطهر به وسیله کیکاوس میرزا است.

حرم مطهر که قاعده هشت‌تَرکی دارد، با هماهنگی خاصی به شکل شانزده ترکی درمی‌آید و سپس مقرنس آینه‌کاری شروع می‌شود و به بالای حرم می‌رسد. در سال‌های اخیر آینه‌کاری حرم مطهر تعمیر و رنگ‌آمیزی خط اطراف حرم تجدید گردیده است.

ضریح مطهر

مرقد اصلی که با کاشی ساخته شده و اینک مرقد نقره‌ای با پوشش طلا بر روی آن قرار گرفته است، از شاهکارهای هنر کاشی‌سازی است و دارای کتیبه‌هایی است که هر یک در خور توجه و تعمق بسیار می‌باشد. این مرقد با خشت‌های کاشی که اشکالی گوناگون دارند، بنا گردیده و کاشی‌ها مربع مستطیل و کوبی و نیم‌کوبی هستند. زمینه آنها لاجوردی و نقره‌ای و قهوه‌ای و فیروزه‌ای است و

کاشی‌های گِرداگرد مرقد مطهر خشتی لب برگردان و کاشی‌های بدنه مرقد به صورت کوکبی و نیم‌کوکبی می‌باشد.

این کاشی‌ها را امیر مظفر بن احمد بن اسماعیل سردودمان آل مظفر به آستان مبارک تقدیم کرده و هنرمند کاشی‌ساز محمد بن الطاهر ابی‌الحسین آنها را ساخته و خط کاشی به قلم او و خطاط دیگری به نام ابوزید است و خطوطی که بر این مرقد نگاشته‌اند، کوفی و نسخ و برجسته و ساده است و تاریخی که بر روی آنها به چشم می‌خورد، سال ۶۰۵ تا ۶۱۳ می‌باشد و کاشی‌هایی که بر روی مرقد قرار گرفته ۱۵ پارچه است و طول هر یک از کاشی‌ها ۵۹ سانتی‌متر و عرض ۴۰ سانتی‌متر می‌باشد که بر آنها ۵ کتیبه شامل آیه‌الکرسی و آیاتی از قرآن مجید نوشته شده است. کاشی‌های اطراف مرقد نیز به آیات قرآنی آراسته گردیده است.

این کاشی‌های چینی با آنکه هشت قرن از تاریخ ساختن آنها می‌گذرد، نظر به جنس و مصالح و دقتی که در ساختن آنها به کار رفته، هنوز شفافیت خود را حفظ کرده‌اند و مرور زمان بر زیبایی و نفاست آنها لطمه‌ای وارد نیاورده است و با آنکه در قرن‌های گذشته و پیش از نصب ضریح کاشی و نقره‌ای در اطراف مرقد کاشی، پیوسته با دست و لباس زائران تماس داشته، خوشبختانه این گنجینه هنری کمتر دستخوش خلل گردیده و حتی تماس دست مردم با این کاشی‌ها که به قصد تیمن و تبرک انجام می‌گرفته، موجب شده که سطح آنها صیقلی شود و چون آینه بدرخشد.

مرقد مطهر به طول ۲/۹۰ و عرض ۱/۲۰ و ارتفاع ۱/۲۰ است که اینک به واسطه وجود ضریح کاشی و نقره دیده نمی‌شود. این مرقد گران‌قدر که ابتدا در وسط ساختمان برج مانند قرار داشت، با خط قبله تطبیق نمی‌کرد، ولی در عصر شاه طهماسب محقق ثانی هنگام توقف چندروزه در قم قبله دقیق را تعیین کرد و چون مرقد نیاز به مرمت داشت، نقشه جدید بنای آن را طرح و ساختمان مرقد در نتیجه این اقدامات از سمت اضلاع اصلی ساختمان روضه مبارک منحرف شد و مواجه با اضلاع فرعی گردید و حسن منظر آن نقصانی یافت. لذا شاه

طهماسب دستور داد که یک ضریح کاشی بسازند و ضریح فولادی را که انحرافش از قبله بلامانع بود. به تبع روضه، شمالی جنوبی کردند تا حسن منظر این مجموعه نفیس همچنان بر جای بماند.

در عصر پادشاهان قاجار ضریح شاه طهماسبی را با نقره پوشاندند و اینک زائران از شبکه‌های ضریح نقره‌ای می‌توانند ضریح کاشی را که مزین به کاشی‌های معرق و کتیبه و گل و بوته‌ها و نقوش زیباست، بنگرند. این ضریح به ارتفاع ۲ و طول ۴/۸۰ و عرض ۴/۴۰ متر است و هشت منفذ به شکل مربع مستطیل در چهار طرف آن برای مشاهده مرقد ایجاد کرده‌اند.

باید گفت که ضریح نقره‌ای با پوشش طلائی که هم‌اکنون بر مرقد مطهر نصب شده است، در سال ۱۳۶۸ قمری (۱۳۴۸ شمسی) به وسیله آقای محمد مهران، نایب التولیه وقت، تهیه گردید. این ضریح از نظر زیبایی و شکوه در خور اهمیت است. این ضریح دارای ۲۰ درگاه مشبک‌گودار است که گل‌های زرین برجسته دارد و یک در دو لنگه که از لحاظ هنری جالب است برای ورود به داخل ضریح در آن کار گذاشته‌اند و دو کتیبه بر ازاره بالای ضریح دیده می‌شود که به خط نستعلیق مرحوم میرزا علی‌رضا مستوفی است و ۴۰ بیت از دو قصیده یکی از مرحوم ادیب شیخ محمدرضا معروف به شیخ استاد و دیگری از استاد خادم بر آن کتیبه‌ها قالب‌ریزی شده است.

مطلع قصیده شیخ استاد چنین است:

یا رب این خلد برین یا جنة المأواستی یا همایون بارگاه بضعة موساستی
و در آخرین بیت قصیده ماده تاریخ چنین آمده است:

در پی تاریخ این استاد خادم زد رقم جنت عدن این بنا یا قاب او ادناستی
که مطابق است با سال ۱۲۹۰ و قصیده دیگر که سست می‌نماید با مطلع زیر است:
بر خاک بانویی است که از فرش درگهش بر عرش افتخار نماید بسیط خاک
باید توجه داشت که ضریح مرقد مطهر چندبار عوض شده و در ضریح جدید همان قصاید حک شده و بر ضریح قبلی قالب‌ریزی گردیده، ولی در بین ابیات، تاریخ ساختن و نام استاد و بانی افزوده شده است.

در بالای ضریح کنونی کتیبه‌ای است به خط ثلث نسخ و برجسته طلایی که در زمینه آن سوره مبارکه «دهر» و «هل اتی» دیده می‌شود.

در بالای ضریح ۷۲ کنگره برگ درخت نصب شده که گل بوته میناکاری در زمینه هر یک از آنها به چشم می‌آید. در چهار گوشه ضریح چهار قندیل طلایی مشبک نصب کرده‌اند که شب‌ها روشن می‌گردد و روی ضریح در سال‌های اخیر با طلا پوشیده شده است.

بناهای اطراف حرم مطهر

رواق شرقی - در قسمت شرقی حرم از طرف ایوان آئینه رواقی است که بانی آن میرزا علی اصغر اتابک است و در سال ۱۳۰۰ قمری ساخته شده و نظر به اینکه کثرت زائران ایجاب می‌کرد که این رواق توسعه یابد، به مرور زمان تصرفاتی در آن به عمل آمده و حجره کشیک‌خانه محوطه دو خزانه به آن افزوده شد و از طرف جنوب پس از یک پیچ و خم و گذشتن از یک درگاه به مسجد سرپوشیده طباطبایی متصل می‌گردد و از سوی دیگر به بقعه شاه صفی راه پیدا می‌کند. این رواق ۲۳ متر طول و ۳/۰ متر عرض و پنج متر ارتفاع دارد و مزین به آئینه کاری بسیار ممتاز و مقرنس آئینه است.

برای توسعه این رواق چند سال پیش کشیک‌خانه بین مقبره شاه صفی و رواق شرقی را هم به آن افزوده‌اند و این تغییرات بر وسعت و زیبایی رواق مذکور اضافه کرده است.

رواق غربی - که مشتمل بر سه گنبد از آثار شاهزاده تقی میرزا حسام السلطنه فرزند فتحعلی شاه است که در سال ۱۲۳۶ به عنوان مسجد بالاسر به جای عمارت مهمانخانه‌ای که شاه طهماسب صفوی در سال ۹۴۵ ساخته بود، ایجاد گردید. این سه گنبد حدفاصل میان حرم مطهر و مسجد بالاسر است که با فضایی باز و روشن در غرب حرم مطهر ساخته شده است.

مقبره شاه صفی - مقبره شاه صفی سابقاً ایوانی بود که در دو طرف آن دو مناره
آجری قرار داشت و چون شاه صفی در سال ۱۰۵۲ در دامغان وفات یافت، جسد
وی را بنا به فرمان شاه عباس دوم به قم حمل کردند و در این ایوان به خاک سپردند و
روی آن گنبدی ساختند و بین آن با حرم مطهر پنجره‌ای مشبک و گودار که سه درگاه
داشت، نصب نمودند، ولی اینک آن شبکه را برداشته و در صحن آن هم مسجد
طباطبایی بنا شده است. بر گور شاه صفی صندوقی بود بسیار نفیس که هم‌اکنون در
موزه آستانه نگه‌داری می‌شود.

گنبد شاه صفی از آثار شاه عباس ثانی است که به مباشرت سلیمان خان در سال
۱۰۵۲ بنا گردیده و قاعده‌اش هشت ضلعی نامنظم است و ازاره آن به ارتفاع ۱/۸۵
با سنگ مرمر پوشیده شده است و بر بالای ازاره کتیبه‌ای است معرق که به خط
محمد رضا امامی از بزرگان خط‌نویس بر آن احادیثی نوشته شده.

گنبد شاه عباس ثانی

بدون شک گنبد شاه عباس ثانی از نفایس معماری و هنری است که به صورت یک
گنجینه گران‌قدر در جنوب غربی حرم مطهر واقع شده و زائران پس از زیارت حرم
مطهر، وقتی به این گنبد می‌رسند، چنان مبهوت هنر هنرمندان عصر صفوی
می‌شوند که پای رفتنشان سست شده و ساعت‌ها دیده را از دیدار آن اثر نفیس،
لذت و بهره می‌بخشند.

این گنبد از ابنیه تاریخی است که در سال ۱۰۷۷ به وسیله شاه سلیمان
ساخته شده است. گنبد آن شانزده تَرَکی مساوی‌الاضلاع است و ۱۶ صفه در آن
دیده می‌شود و بدنه گنبد همه از سنگ مرمر است که روی آن را کنده‌کاری کرده
و سپس با طلا و لاجورد پر ساخته‌اند. دهانه هر صفه گنبد شاه عباسی ۳ متر و
عرض آن ۶۰ سانتی‌متر می‌باشد و هر صفه از ۶ تخته سنگ درست شده و در
نبش هر جرزی ستونی زیبا به ارتفاع دو متر تا زیر طاقبند صفه حجاری شده که ته
ستون‌ها گلدانی و قلمی و مارپیچی است. این گنبد دارای چهار در است که یکی به

گنبد طباطبایی و دیگری به مقبره شاه صفی و حرم زنانه و سومی به حرم مطهر و چهارم به رواق غربی متصل می‌شود.

بالای پوشش صفت‌ها گنبدی است کمربندی که به خط محمدرضا امامی خطاط معروف عصر صفوی سوره جمعه به طور برجسته و در پایان سوره، عبارت «فی سنة سبع و سبعین و الف کتبه محمدرضا الامامی» کنده شده است. بر فراز طاقچه‌های شانزده‌گانه گنبد کتیبه‌ای به خط ثلث گچ‌بری و برجسته طلایی است که روی آنها سوره قیامت دیده می‌شود.

آرامگاه شاه عباس در وسط گنبد قرار گرفته که بدون لوح است، ولی در حاشیه مرقف در چهار طرف اشعاری بر روی آن حجاری گردیده است.

مسجد جدید بالاسر

مسجد بالاسر بزرگ‌ترین ابنیه آستان حضرت معصومه است که در دوره صفویه ۳۵ متر طول و ۶ متر عرض داشت و به مرور زمان دگرگونی‌هایی در آن راه یافت و در سال ۱۳۳۸ که در اندیشه توسعه آن برآمدند، خرابه‌ای که در جهت غربی آن بود خریداری کردند و اکنون فضایی وسیع و سرپوشیده و زیباست که ۴۸ متر طول و ۱۴ متر عرض دارد و فاقد ستون می‌باشد و دارای دو پوشش است.

گنبد شاه سلیمان و مدفن شاه سلطان حسین در قسمت جنوبی این مسجد واقع شده و همچنین جسد شاه طهماسب ثانی هم در همین گنبد مدفون گردیده است. قاعده این گنبد مربع نامنظم است و اهمیت آن از نظر تزییناتی چون حجاری و گچ‌بری است و در آن نفایس زیادی می‌توان دید.

گنبد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین در این مسجد از نظر حفظ آثار باستانی نگه‌داری می‌شود و شک نیست که مسجد بالاسر را از شکل کامل مربع مستطیل خارج می‌نماید.

مسجد بالاسر دارای تزیینات و کتیبه‌هایی است که روی یکی از این کتیبه‌ها که کاشی معرق است، سوره «یس» نوشته شده و دومین و سومین کتیبه ساق‌بندی

است و در قسمت پایین بدنه دو نورگیر گنبد نصب شده است. این کتیبه‌ها روی جدار ۱/۵ متر پایین نورگیرهاست که روی آنها آیاتی از قرآن مجید نوشته شده و کتیبه چهارم در سینه جدار شمالی زیر دریچه‌های پنج‌گانه قرار گرفته و از کاشی معرق است و به خط نستعلیق درشت این عبارت بر آن نقش بسته است:

«به سال بیست و هفتم سلطنت [...] محمدرضا شاه پهلوی [...] بنای این مسجد به پایان رسید.»

کتیبه پنجم در سه جانب محراب صورت عمودی و افقی از کاشی به خط ثلث سفید است که روی آن آیاتی از سوره «بقره» خوانده می‌شود.

گنبد طباطبایی - این گنبد از نظر ساختمان و کاشی‌کاری از نفایس جدیدی است که در سال‌های اخیر به مجموعه ابنیه آستان حضرت معصومه علیها السلام اضافه شده و نهایت ذوق و سلیقه و ابتکار در بنای آن و تزیینات داخلی گنبد به کار رفته است. گنبد طباطبایی در سمت جنوب حرم مطهر بنا شده و به صورت یک مسجد سرپوشیده درآمده است که بعضی آن را رواق جنوبی نیز می‌گویند. بانی این گنبد وسیع و عالی مرحوم حاج آقا محمد طباطبایی است.

این گنبد پنجاه ستونی را بر فراز ده پایه آجری به قطر ۲×۲ و ارتفاع ۲/۳۰ ساخته‌اند و سپس چهار نبش کلیه پایه‌ها را تراشیده و در چهار گوشه هر یک ستون استوانه‌ای بنا نموده و بعد درون چهار ستون را برچیدند و بار گنبد را بر ۳۲ تا ۴۰ ستون گذاشته و روی این ستون‌ها را با قطعاتی از مرمر صیقلی تزیین داده و ساق‌های ستون‌ها را زیور بخشیده‌اند و ترکیبی بدیع به وجود آورده‌اند.

قاعده این گنبد مربع است که چون چهار نیم طاق در ۴ زاویه آن احداث شده، به صورت ۸ ضلعی جلوه می‌کند و روی پوشش نیم طاق‌ها و شاه‌نشین‌ها ۱۶ ترکی است. گنبد طباطبایی به وسیله یک در طلایی چهار لنگه به گنبد شاه صفی راه می‌یابد. اخیراً برای آنکه گنبد مذکور دارای قسمت نمازخانه زنانه شود، اتاق‌های موزه را برچیده و ضمیمه این گنبد کرده‌اند و در نظر دارند که برای موزه و حفظ نفایس آن عمارت جدید احداث نمایند.

سقف گنبد طباطبایی از نظر عظمت و کاشی‌کاری و احداث و نورگیرها بسیار جالب و هنرمندانه است. و به طرز عرق‌چینی می‌باشد و گنبد مانند قدحی از چینی گل‌دار است که وارونه بر پایه‌ها گذاشته باشند.

این گنبد به وسیله پنجره‌هایی نور می‌گیرد و در زیر پنجره‌ها دو کتیبه سراسری و بر بالای پنجره‌ها یک کتیبه سراسری دیگر نصب گردیده که به خط ثلث آیاتی از قرآن مجید بر آن نقش بسته است و بر آراستگی و زیبایی این گنبد از لحاظ استفاده از خط در تزیینات می‌افزاید.

محراب این گنبد نیز از نظر وجود کاشی‌کاری معرق که در آن نصب شده، بسیار نفیس و زیباست و نمونه‌ای از ذوق هنرمندان کاشی‌ساز و کاشی‌کار عصر ما به شمار می‌رود.

آرامگاه پادشاهان و رجال

آرامگاه فتحعلی شاه - مقبره فتحعلی شاه در قسمت شمالی صحن عتیق قرار دارد و از آثار شاه بیگم صفوی است و فتحعلی شاه در زمان حیات خود از سال ۱۲۴۵ آن را برای آرامگاه خود آماده نموده و به تعمیر و تزیین آن پرداخت. قاعده این گنبد هشت ضلعی نامنظم است و در سال ۱۲۸۰ ناصرالدین شاه تزیینات آینه‌کاری آن را به گچ‌بری تبدیل کرده است. ازاره آن از سنگ مرمر است و لوحه مرمر زمینه طلاکوب که تاریخچه زندگی فتحعلی شاه بر آن نوشته شده، روی اسپر صغه نصب گردیده است.

آرامگاه محمدشاه - آرامگاه محمدشاه در ضلع غربی صحن عتیق جنب در ورودی مسجد بالاسر واقع است. تزیینات داخلی این گنبد متنوع و مجموعه‌ای از گچ‌بری و آینه‌کاری است و لوح مرمر مرقد از نظر حجاری نفیس می‌باشد. مقبره مهدعلیا - مقبره مهدعلیا در جهت غربی و عقب گنبد محمدشاه قرار گرفته است. این آرامگاه به شکل مربع مستطیل است و آراسته به گچ‌بری‌های برجسته و زیباست.

آرامگاه مستوفی - آرامگاه مستوفی در ضلع شمالی طرف شرقی صحن عتیق می باشد که بنای آن از شاه بیگم صفوی است و در سال ۱۲۴۵ از طرف فتحعلی شاه قاجار تعمیر و ایوان آن تزیین گردیده و گچبری آن را به صورت نفیس، میرزا یوسف خان مستوفی فرزند مستوفی انجام داده است.

گنبد منوچهرخان معتمدالدوله - گنبد منوچهر خان معتمدالدوله در ضلع غربی صحن عتیق است و سبک ساختمان آن با گنبد محمدشاه یکسان به نظر می رسد و در آن نقایسی از هنر گچبری و حجاری دیده می شود.

گنبد نظام الدوله - گنبد نظام الدوله در مجاورت شرقی ایوان طلا در ضلع جنوبی صحن عتیق و آرامگاه قهرمان میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه در سکوی غربی در مدرسه فیضیه می باشد و همچنین آرامگاه اتابک در زاویه جنوبی صحن عتیق واقع شده و مقبره در وسط چهار ستون قطور ساخته شده که بر لوح مزار مجسمه نیم تنه اش را حجاری کرده اند.

کتابخانه آستانه

کتابخانه آستانه مقدس قم بر روی حجره های شرقی صحن عتیق احداث شده و اینک دارای ۱۲ هزار جلد کتاب است که تعدادی از آنها از کتب خطی می باشد. در نظر است که برای کتابخانه آستانه محلی وسیع و مدرن ایجاد گردد و کتابخانه به آنجا منتقل شود.

اقدامات نوسازی در سال های اخیر

در سال های اخیر از طرف دفتر تولیت آستانه اقدامات وسیعی در راه مرمت و نوسازی و توسعه ابنیه آستانه به عمل آمده که ذیلاً به قسمتی از آنها اشاره می شود:

۱. تکمیل ساختمان مسجد بالاسر حرم مطهر و نصب سنگ های مرمر در آن و کاشی کاری اطراف مسجد و ایجاد سقف فلزی و نصب شیشه های رنگی، تعمیر سقف و ساختن محراب کاشی جنب مقبره شاه سلطان حسین، فرش کردن کف

مسجد از سنگ مرمر و کانال‌کشی و لوله‌کشی آب، تعمیرات روی مقبره شاه سلطان حسین و نصب سنگ‌های تراورتن اطراف مقبره در مسجد بالاسر، رنگ‌آمیزی کلیه درهای مسجد و نصب شیشه.

۲. ساختمان دفتر انتظامات حرم مطهر و شعبه هدایا در مسجد بالاسر و نصب درهای فلزی و نصب شیشه و سفیدکاری و رنگ‌آمیزی و ساختن جایگاه قرآن‌ها و چراغ‌های نفیس.

۳. تعمیرات آئینه‌کاری در رواق‌های حرم مطهر و رنگ‌آمیزی خط اطراف حرم.

۴. آئینه‌کاری رواق بالاسر حرم مطهر.

۵. تعمیرات آئینه‌کاری ایوان آئینه، تعمیرات کاشی‌کاری دو کفش‌خانه اطراف ایوان.

۶. تعمیرات کاشی‌کاری ایوان طلا و نصب کاشی‌های ازاره اطراف ایوان.

۷. تعمیرات کاشی‌کاری عتیق و تأسیس مهمانسرای حضرتی در سه طبقه در

طبقه فوقانی صحن عتیق، سنگ فرش کف راهرو صحن عتیق به مسجد اعظم،

تعمیرات کاشی‌کاری‌های ازاره صحن عتیق، سنگ‌فرش مرمر مسجد بالاسر.

۸. تعمیرات اساسی حوض صحن اتابکی و تأسیس شمع‌خانه.

۹. تعمیرات کاشی‌کاری اطراف صحن نو و سردر شمالی و جنوبی، تعمیرات

گلدسته‌های کوچک در صحن نو و کاشی‌کاری آنها، کاشی‌کاری در صحن اتابکی

و ساختن چهار گلدسته روی آنکه خراب بوده و از نو ساخته شده و کاشی‌کاری

گردیده است.

● بیژن سعادت، بارگاه معصومه علیها السلام: مجموعه مطالعاتی ابنیه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

(فلورانس، مؤسسه ایل کاندلیو دیتسیونه، ۱۹۷۷)، ج ۱، ص ۱-۵۵.

تاریخچه بنای آستانه مبارکه قم

ابوالقاسم مشیری

چکیده: گزارش مختصری از تاریخ ساخت آستانه مقدسه حضرت معصومه در قم است. نویسنده با استناد به منابع تاریخی، گزارشی از تدفین حضرت در قبرستان بابلان، و ساخت اولین قبه بر تربت ایشان به دست زینب، نواده امام جواد، در سال ۲۵۶ق و سیر تغییر و تحول این آرامگاه در طول تاریخ ارائه کرده است.

از دیدگاه نویسنده، حضرت معصومه علیها السلام اختری تابان و به زیور تقوا و عفاف آراسته بود، و در حقیقت پس از وفاتش تابنده تر و جهان افروزتر گردید، و صحنه قم را از روحانیت خود عبیرافشان کرد، و بر عظمت و اعتبار شهر صد چندان بیفزود. محرابی که حضرت معصومه علیها السلام در خانه موسی بن خزرج در آن نماز خوانده بود، برجای آن مسجدی بساختند که هنوز برجاست، و سرایی که در آن نزول فرموده بوده به سینه معروف است.

کلید واژه: آستانه حضرت معصومه، مزارات و مقابر قم.

*

در قدیم سرزمین قم را «بابلان» می گفتند، به طوری که در تاریخ قم، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی که در سال ۳۷۸ هجری قمری به رشته تحریر در آمده، دو جا، نام «بابلان» را ذکر کرده است. این سرزمین ملک طلق موسی بن خزرج اشعری بوده و پیش از آنکه حضرت معصومه علیها السلام در آن مدفون گردد، ساختمانی

نداشته است و اولین بنایی که در آن ایجاد شده همان مرقد مطهر است و در حقیقت این سرزمین را موسی بن خزرج که مهمان دار حضرت معصومه بوده برای آن حضرت معین نموده است.

حضرت معصومه که فاطمه نام داشته دختر موسی بن جعفر علیه السلام است و در زمان حیات به ستودگی صفات و روحانیت و عبادت و بزرگی منزلت و تقوا ممتاز بوده است و قبل از آنکه از مادر متولد گردد، حضرت صادق علیه السلام از مقام و منزلت او خبر داد تا آنجا که قم را به فضیلت یاد نمود و فرمود خدای را حرمی است و آن مکه است و رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است و امیرالمؤمنین علی را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن شهر قم است. بدانید زود باشد که به شهر قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دفن شود و هر کسی که به زیارت او رود بهشت او را واجب گردد.^۱

حضرت معصومه علیه السلام در مدینه بود، تا سال دویست هجری قمری یعنی آن زمان که مأمون خلیفه عباسی حضرت رضا علیه السلام را از مدینه به مرو طلبید تا مقام ولایت عهدی بدو تفویض نماید. حضرت معصومه سال بعد شور دیدار برادر بر سرش آمد و با شوقی تمام به راه افتاد تا به شهر ساوه رسید و در آنجا مریض و بیمار شد، پرسید میان ساوه و قم چقدر راه است؟ گفتند ده فرسنگ، سپس خادم خود را فرمود شتاب کن و مرا به قم برسان، از بین پسران سعد اشعری، موسی بن خزرج شبانه به استقبال آن حضرت بیرون شتافت و چون به خدمت رسید زمام ناقه او بگرفت و به جانب شهر کشید و او را به سرای خود آورده شرط خدمت بجای آورد. لکن حضرت معصومه بیمار و ناتوان بود و پس از هفده روز از این جهان درگذشت و در سال ۲۰۱ هجری قمری به سرای جاودانی شتافت و پسران سعد را در سوگ خود نشانید.

حضرت معصومه علیه السلام اختری تابان و به زیور تقوا و عفاف آراسته بود و در

حقیقت پس از وفاتش تابنده‌تر و جهان افروزتر گردید و صحنه قم را از روحانیت خود عبیرافشان کرد و بر عظمت و اعتبار شهر صد چندان بیفزود.

محرابی که حضرت معصومه علیها السلام در خانه موسی بن خزرج در آنجا نماز خوانده بود، برجای آن مسجدی بساختند و هنوز برجاست و سرایی که در آن نزول فرموده بوده به ستیه^۱ معروف است.

پسران سعد اشعری بر سر تربت او سایبانی از بوریا ترتیب دادند، تا آن‌گاه که زینب دختر حضرت جواد علیه السلام گنبدی بر سر تربت او بنا نهاد و در جنب قبر وزیر قبه حضرت معصومه دو بانوی دیگر مدفون گردید: یکی ام محمد دختر موسی مبرقع و یکی ام اسحاق جاریه محمد بن موسی. و سه بانوی دیگر در جنب ایشان مدفون شد که گنبدی جداگانه بر سر تربت آنان بنا نهادند: اول میمونه دختر موسی مبرقع، دوم ام حبیب جاریه ابوعلی محمد بن احمد بن موسی، سوم ام القاسم دختر علی کوبی.^۲

قبة حضرت معصومه علیها السلام دری داشته که به طرف رودخانه باز می‌شده است و این در هم کوچک و هم کوتاه بوده است. ابوالحسن زید بن احمد بن بحر اصفهانی که در قم عامل بوده در سال ۳۵۰ هجری آن در را برداشت و بر جای آن دری بزرگتر نصب کرد. بنابراین بنای آستانه تا سال ۳۵۰ به همان وضع نخستین بوده و فقط تغییری که در آن راه یافته همان در کوچکی بوده است که برداشته و بزرگتر کرده‌اند.

در سال ۵۲۹ هجری شاه بیگم دختر عماد بیک، که از زنان بلند همت و نیکو سیرت و متمکن بوده است، گنبدی باشکوه بنیان نهاد^۳ و آن دو قبه کوچک را برداشت و به یک گنبد بلندتر و بزرگتر تبدیل کرد. اطلاعاتی که از این گنبد داریم این است که سطح بیرونی آن کاشی بوده است، لکن از چگونگی

۱. ستی در لغت عرب به معنی بانوست و ستیه خانه‌ای است که به بانو منسوب است.

۲. ترجمه تاریخ قم، ص ۲۱۴.

۳. کتاب روح و ریحان، ص ۴۵۹.

کاشی‌های آن اطلاع درستی نداریم و سطح درونی گنبد از طلا و لاجورد نقش و نگار بوده است و قاعده آن به شکل کثیرالاضلاع منظم ۸ ضلعی بوده و در چهار ضلع موازی آن چهار در از چوب گردو بوده است که با رنگ زرد و بخور براق کرده بودند.

به طور یقین تا قبل از ظهور سلسله صفویه، آستانه با همان وضعی که ذکر شد باقیمانده است و دیگر نه ضریحی در آن نصب بوده و نه ایوان‌های باشکوه و صحن‌های سه‌گانه که اکنون دیده می‌شود در آن به وجود آمده است.

از زمان سلطنت سلسله صفوی به سال ۹۰۶ به بعد تعمیرات و تغییرات مهمی در آستانه روی داده است؛ از جمله اولین کسی که تغییری در وضع آستانه داد شاه اسماعیل صفوی بوده که ایوان قسمت شمالی را در سال ۹۲۵ هجری قمری بساخت و با کاشی‌های معرق فیروزه‌فام آن را بیاراست و صحن عتیق را شالوده ریخت و این ایوان یگانه مدخل آستانه گردید.

بعد شاه طهماسب در سال ۹۵۰ ضریحی از کاشی برای مرقد مطهر بساخت و این کار به دست اعتمادالدوله انجام گرفت و همچنین او بنای تاریخی دیگری به یادگار گذاشت و آن بنای ایوان جنوبی مدرسه فیضیه می‌باشد که به صحن عتیق متصل است و شاه طهماسب می‌خواست زائرین آستانه از دو ایوان باشکوه عبور نموده وارد حرم گردند؛ نه اینکه ایوان را برای مدرسه فیضیه ساخته باشد؛ چنان‌که بعضی گمان برند. و به طوری که در جای خود خواهد آمد، در آن زمان این مدرسه کوچک بوده و بعدها آن را بزرگ کرده‌اند و در آن ایام گنجایش چنان ایوان رفیع و باشکوهی را نداشته است. بنای این ایوان با کاشی‌های لاجوردی رنگ آن به سال ۹۳۹ به پایان رسیده است.

شاه صفی اول در سال ۱۰۷۷ صحن زنانه را که در قسمت جنوبی آستانه است بنا نهاد. این صحن برای مقبره شاه عباس و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین راه مخصوصی شد. چنان‌که مشاهده می‌شود مدخل آنها در این صحن واقع است و شاه

عباس ضریحی از فولاد سفید ترتیب داد^۱ و مرقد مطهر را به طوری که ضریح، کاشی را نیز فرا می‌گرفته بدان آرایش داد.

همچنین در قسمت جنوب غربی آستانه، شاه صفی ثانی بنایی بیفزود. این بنا که به سال ۱۰۷۷ بسی ماهرانه ساخته شده و از بناهای تاریخی است، مقبره شاه عباس دوم می‌باشد؛ چنان‌که تاورنیه سیاح مشهور موقعی که آن را می‌ساختند، مشاهده کرده و جملات زیر را درباره آن نوشته است:^۲

«متصل در مقبره شاه عباس کار می‌کنند و می‌خواهند آن را یک بنای خیلی عالی بنمایند، اهالی مسجد (مقصود از مسجد آستانه است) به من گفتند گنبد آن از طرف داخل نقره‌پوش خواهد شد، دیوارهای داخلی آن سنگ مرمر است به ارتفاع ۳/۷ متر و روی آن را از گل و بوته نقش و نگار کرده‌اند.»

در سمت غربی آستانه متصل به مقبره شاه عباس بنایی دیگر شاه سلطان حسین به سال ۱۱۰۷ بیفزود که مقبره پدرش شاه سلیمان در آن واقع است.

مرتضی قلی خان پسر علی خان ملقب به صفی قلی خان که از رجال دولت صفویه بوده است ایوان آستانه را مرمت نمود.^۳

بعد از صفویه در سال ۱۲۱۸ هجری قمری از طرف سلطان وقت گنبد مطهر را طلا نمودند؛ به این ترتیب که کاشی‌های گنبد را برداشته و به جای آن خشت‌های زرانود به کار بردند و سپس مسجد بالای سر را به سال ۱۲۳۶ بنا نهادند و نیز در سال ۱۲۴۹ مقرر شده بود سقف و پایه ایوان شاه اسماعیل صفوی را از خشت‌های زر بیارایند^۴، ولی این مهم انجام نگرفت تا اینکه در سال ۱۲۶۶ آن را به پایان رسانیدند و آن زمان بود که صحن عتیق را وسعت دادند و

۱. این ضریح به قدری سفید و براق بوده که تاورنیه سیاح مشهور را به اشتباه انداخته و بدون تردید آن را نقره انگاشته است.

۲. تاورنیه، ص ۱۴۰.

۳. آثار الشیعه، ص ۲۰۹.

۴. ناسخ التواریخ، جلد قاجاریه، ص ۶۷.

در سمت شمال غربی آن بقعه‌ای برای مدفن فتحعلی شاه اختصاص داده شد و نیز مأذنه صحن عتیق را که در سمت شمال صحن قرار دارد بنا نهادند و آن را با خشت‌های طلا بیاراستند و هم در سال ۱۲۲۱ در طلای ضریح را کار گذاردند و کف حرم مطهر و همچنین زیر پای ضریح را سنگ مرمر نمودند و دری ساختند که از شمش‌ها و پارچه‌های طلایی آن را بیاراستند و در ضلع شمالی رواق متصل به ایوان طلا نصب نمودند.

کیکاوس میرزا در زمانی که حکومت قم و کاشان را داشت سقف گنبد مطهر را در سال ۱۲۱۵ مقرر نمود و سپس آن را با آینه بیاراست و کتیبه‌ای گرداگرد گنبد بنگاشت.

در سال ۱۲۷۶ ایوان شاه اسماعیل را با خشت‌های طلا آرایش دادند و در سال ۱۲۷۵ ضریح فولادین را نقره نمودند؛ بدین ترتیب که صفحه‌هایی از نقره بر روی فولاد به کار بردند و با کتیبه‌ای دورادور آن را مزین نمودند. شهاب الملک گلدسته‌های ایوان را بنا نهاد و آن را با خشت‌های کاشی ترتیب داد. کامران میرزا قسمت بالای آن دو میل گلدسته را طلا نمود.

میرزا شفیع در زمانی که حکومت یزد را داشت از یزد سنگ‌های مرمری برای آستانه فرستاد و رواق را با آن سنگ‌ها فرش کردند و سنگ قدیمی آن را برداشته و در ایوان طلا به کار بردند.^۱

امین‌السلطان صحن جدید را بنا نهاد و شالوده آن را آقا ابراهیم امین‌السلطان بریخت و قبرستان را تا حدود صحن فعلی از هر طرف پی‌برداری نمود، لکن اجل مهلتش نداد و بعد از او این مهم به دست فرزندش امین‌السلطان وزیر اعظم انجام یافت. نقشه بنای این صحن را استاد حسن معمار قمی که در عصر خود از معماران مشهور بود بنا نمود. این مرد همان کسی است که طاق مسجد سپهسالار حاج میرزا حسن خان را در تهران بنا نمود و تیمچه بزرگ بازار قم را که بر چهار ستون به پا داشته

۱. سفرنامه قم، خطی، ص ۵۱.

و حیرت‌انگیز است بساخت و بهترین گواه استادی و مهارتش همان بناهایی است که به دست او آفریده شده است.

امین‌السلطان در طرف غربی صحن جدید و شرقی رواق، ایوان باشکوه بنا نمود و سقف آن را مقرنس کرد و آن را با قطعه‌های بزرگ و کوچک آئینه بیاراست و دو گلدسته کاشی‌کاری دو طرف ایوان به پای داشت و برابر این ایوان، ایوان مقرنس باشکوهی که از کاشی‌های منقش آرایش یافته بساخت و گرداگرد داخلی صحن حجراتی بنا نهاد که بعدها مقابر اشراف گردید و کتیبه کاشی که بر آن اشعاری به خط نستعلیق نوشته‌اند در تمام دیوارهای صحن وضع نموده و حوضی در وسط صحن احداث نمود و خلاصه بر شکوه و جلال آستانه بسی افزود. میرزا صادق خان پروانه پسر حاج میرزا حسین نواده دختری سیدالوزرا قائم مقام فراهانی ماده تاریخ بنای آن را چنین آورده است: "نصر من الله و فتحاً قریب" که سال ۱۳۰۳ هجری قمری می‌شود و در این سال بنای آن به پایان رسیده است.

میرزا علی اصغر خان اتابک نیز اصلاحاتی در آستانه به وجود آورد؛ از جمله کتیبه‌ای گرداگرد دیوار حرم که بر آن چند حدیث نگاشته‌اند به سال ۱۳۱۸ هجری قمری نصب نمود.

سید محمد باقر متولی آستانه مبارکه قم صحن زنانه را به سال ۱۳۴۶ از نو تعمیر نمود و خائف اشعاری نغز بسرود که بر کتیبه آن نگاشته‌اند و در سال ۱۳۴۹ خزانه آستانه را تعمیر و بر سر آن کتیبه‌ای از کاشی نصب نمود.

حاج مهدی سلامت دارالسیاده را که قبل از آن خانه‌ای بوده است معروف به خانه جبرئیلی به مسجد بالای سر بیفزود.

نظام السلطنه حسینقلی خان مافی در سال‌های ۱۲۱۰ و ۱۲۱۴ هجری قمری دو در نقره در ضلع غربی حرم نصب نموده و شوریده شاعر اشعاری سروده و در اطراف آن کتیبه نگاشته‌اند.

عزت‌الله در سال ۱۲۹۳ قمری دری از خاتم ترتیب داد و در ضلع شمال غربی رواق متصل به مسجد زنانه برپای داشت.

در سال ۱۲۷۶ میرزا نصرالله فراهانی دو در از خاتم بر آستانه وقف نموده یکی را در ضلع جنوب غربی متصل به مسجد بالای سر نصب نمود و دیگری را در ضلع جنوب غربی جایی که به مقبره شاه عباس دوم باز می‌شود برپای داشت. همچنین در طرف غربی صحن زنانه در سال ۱۳۱۴ شمسی موزه آستانه بنا نهاده شد و کلیه هدایا و اشیای نفیسه در آن گردآوری شد. در مدرسه فیضیه تغییراتی داده شد. این مدرسه ابتدا کوچک بوده و با همه کوچکی بزرگانی از آن برخاسته‌اند و عالم جلیل و حکیم شهیر مولی عبدالرزاق لاهیجی روزگاری در آن مدرسه بوده است. در سال ۱۲۲۳ قمری آن را خراب و برجای آن مدرسه کنونی بنا نهاده شد.^۱

وضع فعلی آستانه

در صفحات پیش شرح بسیار مختصری از تاریخ آستانه مبارکه قم به استحضار خوانندگان رسید، اما باید قبول کرد آنچه که گذشتگان با اتکا به اعتقادات مذهبی و ایمان پاک خود بر جای گذارده بودند بر اثر مرور زمان و عدم توجه در نگاه‌داری آنها یا خراب شده و یا به صورت مخروبه‌ای باقیمانده بودند؛ تا اینکه [...] به مرمت بناهای آستانه مبارکه اقدام گردید و متولیان انتخاب شده هر یک قدم‌هایی در راه تعمیر و نوسازی این درگاه قدسی برداشتند ولی با همه تلاش‌هایی که تا سال ۱۳۴۱ به عمل آمده بود، نتیجه کارها در خور [...] ایران نبود و لذا با تفکیک اوقاف از وزارت فرهنگ سابق و تشکیل سازمان اوقاف در اردیبهشت سال ۱۳۴۳ به موازات اقدامات همه‌جانبه‌ای که در راه تعمیر بقاع متبرکه در سراسر کشور به عمل آمد، کوشش‌های پیگیری هم برای نوسازی و تعمیرات اساسی آستانه مبارکه قم صورت گرفت که برای اطلاع بیشتر خوانندگان شمه‌ای از این اقدامات ذیلاً درج می‌گردد:

۱. از کتاب راهنمای قم استفاده شده است.

۱. تکمیل آئینه کاری ایوان آئینه در سال ۱۳۴۵ [...]؛
۲. ضریح جدید حرم مطهر که در سال ۱۳۴۷ از طلا و نقره ساخته شده است در روز ششم آبان ۱۳۴۷ [...] پرده برداری گردید؛
۳. مسجد بالاسر حرم مطهر در سال ۱۳۴۶ بنا گردیده است؛
۴. در طلای رواق حرم مطهر از طرف ایوان آئینه روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۴۹ نصب گردید؛
۵. بتون آرمه کف کلیه رواق‌ها و ایوان‌های طلا و آئینه برای حفظ بنا و سنگ‌فرش آن از بهترین سنگ‌های مرمر؛
۶. در طلا از طرف ایوان طلا (صحن عتیق) روز ۲۳ آبان ماه ۴۹ نصب گردید؛
۷. در چوبی صحن مطهر از طرف میدان آستانه روز ۲۰ آبان ماه ۴۹ نصب گردید؛
۸. در چوبی صحن مطهر از طرف خیابان ارم روز ۹ اسفند ۴۹ نصب گردید؛
۹. در چوبی صحن مطهر از طرف خیابان موزه روز ۹ اسفند ماه ۴۹ نصب گردید؛
۱۰. در طلای رواق مطهر از طرف ایوان آئینه روز ۱۳ آبان ۱۳۵۰ نصب گردید؛
۱۱. در چوبی از خیابان موزه به مسجد طباطبایی روز ۱۰ اسفند ۱۳۵۰ نصب گردید؛
۱۲. ساختمان پاساژ و حمام و هتل در میدان آستانه از سال ۱۳۵۰ شروع شده و در حال حاضر قسمت پاساژ و حمام آستانه مورد استفاده قرار گرفته است؛
۱۳. ساختمان مهمانسرای آستانه در صحن عتیق آذر ماه سال ۱۳۴۸ افتتاح شد؛
۱۴. نوسازی حمام غیاثیه و مستغلات جنب آن در سال ۱۳۴۹؛
۱۵. ساختمان مسجد طباطبایی؛
۱۶. کاشی کاری نمونه‌های فوقانی صحن عتیق در سال ۱۳۴۹؛
۱۷. کاشی کاری راهرو بین صحن عتیق و مسجد اعظم در سال ۱۳۵۱؛
۱۸. کاشی کاری سقف راهرو اتابکی سال ۱۳۵۱؛
۱۹. در منبت کاری مقبره شاه عباس ثانی سال ۱۳۵۱؛
۲۰. سنگ‌فرش کف صحن مطهر عتیق در سال ۱۳۴۹؛
۲۱. ساختن ۳۰ باب مغازه؛
۲۲. نوسازی مغازه‌های قسمت شرقی صحن اتابکی در سال ۱۳۵۳؛

۲۳. سنگ‌فرش کف صحن اتابکی در سال ۱۳۵۵؛
۲۴. احداث باغ جدید الاحداث در اراضی قهپان و درخت‌کاری آن در حدود
چهل هزار متر مربع و ساختمان چند باب اتاق؛
۲۵. واگذاری شصت هزار متر اراضی موقوفه قهپان برای ایجاد استادیوم ورزشی؛
۲۶. واگذاری چهار هزار متر اراضی گردن شتر برای احداث مهد کودک؛
۲۷. واگذاری یک صد و ده هزار متر از اراضی گردن شتر برای احداث بیمارستان
پانصد تخت‌خوابی [...]؛
۲۸. واگذاری ۳۵۰۰ متر از اراضی گردن شتر به اداره آموزش و پرورش برای
احداث دبستان و مدرسه راهنمایی؛
۲۹. حفر دو حلقه چاه نیمه عمیق در قرای والیجرده و علی‌آباد موقوفه بخش ۴ قم.
از اقدامات مفید دیگری که در سال جاری [...] صورت می‌گیرد انتشار کتابی زیر
عنوان شرح قرآن‌ها و کتب خطی آستانه است که بزودی منتشر خواهد شد.
- باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از طلایه سحر است •

کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام

و حظیره های اطراف آن

دکتر منوچهر ستوده

چکیده: تحقیق مفصلی در معماری حرم مطهر حضرت معصومه، بویژه در بازخوانی کتیبه های حرم و حظیره های اطراف آن است. پژوهشگر با دقت و وسواس، متن کتیبه های حرم و بناهای اطراف آن را آورده که شامل آیات، روایات و اشعار بسیار زیاد از شاعران منقبت سرایی همچون محتشم کاشانی، فتحعلی خان صبای کاشانی، شوریده شیرازی و ریاضی یزدی است.

متن این کتیبه ها برگرفته از آیات قرآن کریم، کتب حدیثی و دیوان های شاعران مذهبی، و حاوی اطلاعات تاریخی بسیاری از نام پادشاهان، وزیران، حاکمان شهرها، رجال سیاسی، عالمان، معماران و هنرمندان است. اطلاعاتی که جز در این کتیبه ها، در هیچ کتابی ثبت نشده است، از جمله در مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا:

منم گذشته جوان قهرمان بن عباس

که تاخت مرگ به من آن چنان که نحس به سعد

به ناز بس نگران رفتم از کنار جهان

چو خسرو از بر شیرین رباب از بر رعد

به نابه کامی من دان سرشک راندن ابر

به ناامیدی من دان خروش کردن رعد

از دیدگاه نویسنده، کاشی‌های روی مرقد، بهترین و نفیس‌ترین و کهن‌ترین شاهکار هنر کاشی‌سازی ایران، در دوران اسلامی است، و به تمام معنی گنجینه‌نابیدایی از این هنر ارزنده ایران است که درون دیواری از کاشی معرق، در پشت ضریح نقره حرم مطهر قرار دارد.

کلید واژه: حرم حضرت معصومه، کتیبه‌ها، شعر فارسی.

*

آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام

در فهرست آثار و ابنیه تاریخی کشور این آستانه را به شماره ۱۲۸ ثبت کرده‌اند. ساختمان بارگاه و مرقد شریف از اواسط سده سوم ه. ق شروع شد و در طول سده چهارم و پنجم و ششم ه. ق قبه و گنبد داشت و تزییناتی در آن شده بود. در دوران سلاطین صفوی صورت آبادانی بیشتری پیدا کرد و آستانه عظمت و جلال و شکوهی که در خور آن بود یافت. به دستور شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ ه. ق ایوان شمالی بنا شد. در زمان شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ ه. ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۸ ه. ق) بنای آستانه سر و صورتی یافت و داخل آن را بسیار تزیین کردند.

بنای آستانه دارای دو صحن قدیم و جدید، ایوان آینه با گلدسته‌های آن، رواق، ضریح، مرقد مطهر، مسجد بالاسر، صحن زنانه و ایوان و گنبد طلاست. چند درِ زرین و سیمین و خاتم در این ابنیه به کار رفته است.

ناظم اشعار کتیبه‌های منظوم آستانه مقدسه، محتشم کاشانی، فتحعلی خان صبای کاشانی و شوریده شیرازی هستند.

کاشی‌های روی مرقد مطهر حضرت معصومه، بهترین و نفیس‌ترین و کهن‌ترین شاهکار هنر کاشی‌سازی ایران، در دوران اسلامی است و به تمام معنی گنجینه‌نابیدایی از این هنر ارزنده ایران است که درون دیواری از کاشی معرق، در پشت ضریح نقره حرم مطهر، قرار دارد.

هنگامی که شخص وارد حرم مطهر حضرت معصومه می‌شود و در کنار ضریح آن حضرت قرار می‌گیرد، با مختصر دقتی در می‌یابد که پشت ضریح نقره و تقریباً چسبیده به آن، دیواری از کاشی معرق وجود دارد که طبق کتیبه آن به فرمان شاه طهماسب اول صفوی، به سال نهصد و پنجاه هجری قمری ساخته شده است.

این دیوار کاشی معرق به کلی بسته بود و به جایی راه نداشت. فقط در انتهای شرقی ضلع شمالی آن، دری چوبین وجود داشت که آن را هم چفت و قفل می‌کردند و هر وقت می‌خواستند برای غبارروبی، درون ضریح کاشی‌کاری بروند، قسمتی از ضریح نقره را که مقابل در چوبین بود، به وسیله نجار و زرگر و سایر استادکاران، از محل خود خارج کرده و قفل آن را باز می‌کردند و پس از گشودن در چوبین، به درون محوطه ضریح کاشی‌کاری که از کف حرم به اندازه دو پله گودتر بود، پا می‌نهادند و مرقد کاشی‌کاری را غبارروبی و زیارت می‌کردند.

تا آنجا که از نمونه‌های موجود کاشی‌کاری‌های دوران اسلامی ایران اطلاع داریم، یک قطعه کاشی کوچک متعلق به آستانه حضرت رضا علیه السلام مربوط به سال‌های آخر سده ششم ه. ق وجود دارد که بر اثر تعمیرات متعدده داخل حرم مطهر آن حضرت، این کاشی از محل اصلی خود بیرون آمده و در موزه آستان قدس رضوی نگاه‌داری می‌شود. از این قطعه کاشی کوچک که بگذریم، قدیم‌ترین کاشی‌کاری دوران اسلامی ایران مجموعه بی‌نظیر کاشی‌های مرقد حضرت معصومه علیها السلام است.

این مرقد به درازای ۳۴۳ سانتی‌متر و پهنای ۱۷۸ سانتی‌متر و بلندی ۱۳۲ سانتی‌متر در فضای بسته ضریح کاشی‌کاری است. درازای این فضای بسته ۵۰۰ و پهنای آن ۳۹۷ سانتی‌متر است. مرقد مطهر درون این فضا به وضع مستقیم، یا به اصطلاح اهل فن، به طور گونیا قرار نگرفته است، بلکه تا حدی مورب است. به طوری که دو گوشه شمال شرقی و جنوب غربی آن به دیوارهای شرقی و غربی چسبیده است. دو گوشه شمال غربی و جنوب شرقی، فقط ۲۵ سانتی‌متر از دیوارهای جنوبی و شمالی فاصله دارد. فاصله گنج شمال شرقی از دیوار شمالی و فاصله گنج جنوب غربی از دیوار جنوبی ۲۳۶ سانتی‌متر است.

طرح کاشی‌های سطح فوقانی مرقد به صورت محرابی کامل است و از خشت‌های مختلف کاشی تشکیل شده است. ترکیب نقوش و رنگ‌ها و کتابه‌ها و تزیینات این سطح که بیش از شش متر مربع است، درجه استادی و تسلط سازنده کاشی‌ها را می‌رساند.^۱

بر کاشی‌های سطح فوقانی مرقد مطهر شش کتابه بدین شرح است:

۱. کتابه حاشیه خارجی که دور می‌گردد، به خط ثلث لاجوردی برجسته بر متن

گُل و بوته دار طلائی، صلوات کبیر است و بدین ترتیب نوشته شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَالْبَتُولِ وَالْمَجْتَبِي الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ وَالسَّجَادِ وَالْبَاقِرِ وَالصَّادِقِ وَالْكَاطِمِ وَالرِّضَا وَالتَّقِي
وَالنَّقِي وَالزَّكِي الْعَسْكَرِي وَالْإِمَامِ الْمُتَنْظِرِ الْمَهْدِيِّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَصْحَابِهِ الْغُرِّ الرَّاشِدِينَ - أَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَآهُمْ
وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَالْعَيْنَ مَنْ
ظَلَمَهُمْ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكْ أَعْدَائَهُمْ أَللَّهُمَّ أَحْسِرْنَا مَعَ آلِ طَهٍ
وَيْسَ بِمُحَمَّدٍ وَالْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ

۲. کتابه حاشیه دوم که دور می‌گردد، آیه الکرسی است و به ترتیب زیر نوشته

شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ
وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا
بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ ۚ
إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَ ۛ / ۳ آه فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ
يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ

۱. نقل از یادداشت‌های مرحوم سید محمد تقی مصطفوی.

۲. در اینجا حاشیه سمت راست تمام می‌شود.

۳. در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ /

۳. کتابه حاشیه سوم که مانند حاشیه دوم دور می‌گردد، به خط نسخ ریز به ترتیب زیر نوشته شده است. ابتدای این کتابه از گوشه بالا سمت راست است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ -
تا - وَمَنْ أَتَّبَعَنَ وَقُلْ لِلَّذِينَ

حاشیه سمت چپ:

أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأَمِينَ عَاسَلَمْتُمْ - تا - وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۴

حاشیه پایین:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ [مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ] مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ - تا - إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَعَالَ إِبْرَاهِيمَ وَالْأَمِينَ عَلَى الْعَالَمِينَ^۵

حاشیه سمت راست:

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ - تا -
وَأَذْكُرُ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحُ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ /^۶ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ

۴. حاشیه چهارم آیاتی به خط کوفی و به ترتیب زیر است:

۱. در اینجا حاشیه سمت چپ تمام می‌شود.
۲. در اینجا حاشیه پایین تمام می‌شود. سورة البقرة، آیات ۲۶۱ و ۲۶۲ و قسمتی از آیه ۲۶۳.
۳. حاشیه بالا در اینجا تمام می‌شود. سورة آل عمران، آیات ۱۸ و ۱۹ و قسمتی از آیه ۲۰.
۴. اینجا حاشیه سمت چپ تمام می‌شود. سورة آل عمران، قسمتی از آیه ۲۰ و آیات ۲۱ - ۲۹.
۵. حاشیه پایین اینجا تمام می‌شود. سورة آل عمران، آیات ۳۰ - ۳۳. قسمتی که میان دو کروهه است از قلم نویسنده کاشی افتاده است.
۶. اینجا حاشیه سمت راست تمام می‌شود. و «صدق الله العظيم» در دنبال آن نوشته شده است. سورة آل عمران، آیات ۳۳ - ۴۱.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
 الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ
 اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا^۱ / دِينَكُمْ
 هُزُوعًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
 كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذْ نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
 قَوْمٌ لَا^۲ / يَعْقِلُونَ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُمُونَ مِنَّا^۳

۵. داخل محراب‌نما آیاتی از کلام الله مجید به خط ثلث به ترتیب زیر نوشته شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ
 عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا^۴ / مَا تَرَى
 فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ
 ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ^۵ / يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ
 زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
 لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيَسُوسُ
 الْمَصِيرُ^۶ / صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ

۶. کتیبه پنجم به خط ریز نسخ در سه طرف مستطیلی است که داخل کتیبه چهارم

قرار می‌گیرد. آیاتی از کلام الله مجید بدین ترتیب در این کتیبه است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ دَعْوِيُّهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

۱. حاشیه دست راست در اینجا به وسط جناق محراب‌نما تمام می‌شود.

۲. حاشیه دست چپ در اینجا تمام می‌شود.

۳. در اینجا حاشیه پایین تمام می‌شود. سورة المائدة، آیات ۶۲-۶۴ و قسمتی از آیه ۶۵.

۴. در اینجا حاشیه سمت راست تمام می‌شود.

۵. در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

۶. در اینجا حاشیه سمت چپ تمام می‌شود و دنبال آن «صدق الله العظيم» نوشته شده است. سورة الملك، آیات ۱-۶.

وَتَجِيئُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ / ۱ وَآخِرُ دَعْوِيَّتِهِمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَوْ
يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ / ۲ أَجَلُهُمْ
فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ
الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ ۳

۷. کتابه زیر مربع مستطیل از این قرار است:

كُتِبَتْهُ وَعَمَلَهُ مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي طَاهِرٍ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ

کتابه‌های پهلوها یا بدنه مرقد مطهر

بر چهار سطح عمودی بدنه مرقد مطهر حضرت معصومه هفت ردیف کتابه و کاشی‌کاری است. ردیف اول و سوم آیاتی از سوره مبارکه یس است. این آیات با خط طلایی بر زمینه سفید نوشته شده است. در ردیف دوم با خط درشت لاجوردی بر زمینه طلایی نام بانی بدین ترتیب دیده می‌شود:

أَمَرَ بِتَرْكِيْبِ هَذِهِ الْكِتَابَةِ الْعَبِيدُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمُحْتَاجُ إِلَى
[اللَّهِ] وَعُقْرَانِهِ الْمُظْفَرُ بْنُ أَحْمَدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَحْمُودٍ إِبْتِغَاءً
لِمَرْضَاةِ اللَّهِ وَتَقَرُّبًا إِلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
كُتِبَتْهُ أَبُو زَيْدٌ فِي الثَّانِي مِنْ رَجَبِ سَنَةِ ٤٠٢

کاشی‌کاری ردیف چهارم، ترکیبی از کاشی‌های هشت ضلعی منظم و کاشی‌های ستاره‌ای هشت پر است که بر حاشیه تمام آنها آیاتی از کلام الله مجید و احادیث نبوی و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بر حاشیه پاره‌ای از آنها اشعار فارسی نوشته

۱. حاشیه سمت راست در اینجا تمام می‌شود.

۲. در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

۳. حاشیه سمت چپ در اینجا تمام می‌شود. سوره یونس، آیات ۹ و ۱۰ و قسمتی از آیه ۱۱.

۴. کاشی‌های این کتیبه در هم ریخته و نامنظم است.

شده است. طرح داخلی هر کاشی با دیگری اختلاف دارد و طرح هیچ یک همانند دیگری نیست، تو گوی دو کاشی ستاره‌ای و دو کاشی هشت ضلعی، کاشی ساده بی نقش فیروزه‌ای به کار رفته است.

ردیف پنجم کاشی کاری سطوح عمودی بدنه، باریک و بر آن سوره‌الانسان با خط طلائی قهوه‌ای بر متن سفید نوشته شده است.

ردیف ششم نظیر ردیف دوم است و این آیات بر آن خوانده می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ
وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْ كُتُبَهُ وَرُسُلِهِ - تا - فَأَنْصُرُنَا عَلَى
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَصَدَقَ رَسُولَهُ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلَى
ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ كَتَبَهُ أَبُو زَيْدٌ بَطْنُهُ^۱

ردیف هفتم کاشی کاری که نزدیک به زمین است، مانند ردیف پنجم باریک است و با خط طلائی قهوه‌ای، بر متن سفید آیاتی از سوره مبارکه الرحمن نوشته شده است.^۲
چهار گنج مرقم مطهر چهار طرح محرابی زیباست که بر آنها نیز احادیث نبوی پشت سر هم نوشته شده است. در گنج یکی از آنها رقم «کتبه علی بن محمد بن طاهر» خوانده می‌شود.^۳

کتابه ضریح کاشی شاه طهماسبی

پشت ضریح نقره، ضریحی کاشی با زمینه لاجوردی است و کتابه‌ای به خط ثلث دارد. این ضریح به دستور شاه طهماسب صفوی ساخته شده و نویسنده آن علی الحسینی است. کتابه بدین شرح است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى وَصَلِّ عَلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ
الْمُرْتَضَى [قسمتی از کتابه پشت در طلا قرار می‌گیرد] وَصَلِّ عَلَى

۱. سوره البقرة، آیات ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲. کاشی‌های این قسمت پس و پیش و درهم ریخته است.

۳. از یادداشت‌های مرحوم سید محمد تقی مصطفوی.

الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيٌّ وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ
 الصَّادِقُ جَعْفَرُ وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ مُوسَى وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ عَلِيٌّ
 الرِّضَا وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ التَّقِيُّ وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ عَلِيُّ النَّبِيِّ
 وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ وَصَلَّى عَلَيَّ الْإِمَامُ الْهَمَامُ
 الْمَهْدِيُّ الْهَادِيَّ مُحَمَّدُ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَنِ الْقَائِمُ
 بِالْحَقِّ الدَّاعِي إِلَى الصُّدُقِ الْمُطَّلَقِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ - إِنَّتَقَى
 عِمَارَةَ هَذِهِ الرَّوَضَةِ الْمُنَوَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الَّتِي شَرَفَهَا سَمِيُّ بِنْتِ النَّبِيِّ
 فَاطِمَةُ بِنْتُ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا أَبِي إِبْرَاهِيمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ
 بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَخُوهُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعَمَّةُ
 مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَعَلِيِّ النَّبِيِّ وَالْحَسَنِ الزَّكِيِّ وَمُحَمَّدِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ
 الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَخَلِيفَةَ الرَّحْمَنِ بِاسِطِ مِهَادِ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ مَاجِي الْكُفْرِ
 وَالطُّغْيَانِ نَاشِرِ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ هَادِي الْخَلَائِقِ إِلَى أَشْرَفِ الْأَدْيَانِ
 السُّلْطَانَ بْنِ السُّلْطَانِ أَبُو الْمُظَفَّرِ طَهْمَاسِبٍ بِهَادِرِ خَانَ خَلَدَ اللَّهُ تَعَالَى
 مُلْكَهُ وَسُلْطَانَهُ وَأَفْاضَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ بِدَوَامِ إِحْسَانِهِ وَأَبَدَ ظِلَالِ مَعْدِلَتِهِ
 عَلَيَّ مَفَارِقِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ كَتَبَهُ عَلِيُّ الْحُسَيْنِيُّ سَنَةَ ١٩٥٠

این ضریح دری دارد که بر صفحات طلای آن میناکاری است. این در به دستور
 فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و این رباعی از فتحعلی خان ملک الشعرا بر آن است:
 «این در که به فردوس برین دارد ناز ساینده به ساحتش شهان روی نیاز
 امروز نتاب روی از این تا فردا درهای بهشت بر رخت گردد باز»
 بر حواشی این در «صلوات کبیر» به خط آقا مهدی ملک الکتاب نوشته شده است
 و بر بالای آن بر صفحه ای از طلا قطعه ای از فتحعلی خان ملک الشعراست که این
 بیت ماده تاریخ آن است:

«بنوشت صبا ز بهر تاریخ زرین بود این در از شهنشاه» / ۱۲۱۳

۱. از متن این کتیبه ظاهراً عبارات «فی عهد» یا «فی زمن» افتاده است.

۲. مختار البلاد، چاپ اسلامی، ۸۱.

کتابه ضریح نقره

ضریحی که به دستور شاه طهماسب صفوی ساخته شده بود، تا زمان ناصرالدین شاه قاجار برپا بود و چندی بود که روی در فرسودگی داشت. نقره آن را آب کردند و غال گذاشتند. پنجاه هزار مثقال نقره خالص به دست آمد. چهل و سه هزار مثقال دیگر بر آن افزودند و به سرپرستی ذوالفقار خان پسر میرزا آقا خان صدراعظم نوری ضریح سابق را ساختند. اشعار کتابه ضریح سابق^۱ و ضریح کنونی^۲ از سید محمدرضا خادم آستانه شریفه است. خط کتابه ضریح سابق خط میرزا علیرضا مستوفی سرکار فیض و آثار و نوشته ستون‌های ضریح مطهر به خط ثلث میرزا علی اکبر فیض بود.^۳

ضریح ناصرالدین شاهی نیز فرسوده شد. در سال هزار و سیصد و بیست و هشت شمسی آقای حاج سید ابوالفضل تولیت به فکر تجدید ضریح افتاد. از اصفهان اهل فن را بخواست تا ضریح فعلی را با همان اشعاری که بر آن بود، بساختند.^۴ کتابه نستعلیق فعلی به خط سید ابوطالب کروی - خادم آستانه مقدسه - است.^۵ در این ضریح، پانزده کیلوگرم طلا و هزار و هفتاد و دو کیلوگرم نقره به کار رفته و سه میلیون ریال صرف اجرت آن شده است.

کتابه ضریح

«یا رب این خلد برین یا جنه الماواستی یا همایون بارگاه بضعه موسی استی
فاطمه اخت الرضا سلطان دین از روی قدر خاک درگاهش جواهر سرمه حوراستی
یا فاطمه اشفعی لنا فی الجنه
ضریح مطهر را در سال ۱۳۴۷ ساختمان نمودند.

۱. منظور ضریحی است که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده بود.

۲. منظور ضریحی است که در زمان حاج سید ابوالفضل تولیت ساخته شده است.

۳. مختارالبلاد، ۸۲.

۴. ظاهراً بر ضریح سابق اشعاری بود که شاعری محرم‌نام سروده بود.

۵. شیخ محمد حسین ناصرالشریعه، تاریخ قم، ۷۷-۹۷.

خواندمش عرش معظم بانگ‌زد بر من خرد
کاین خطاگفتی بر آن افزودی و زین کاستی
ملجاً اهل زمان و شافع یوم المعاد
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی
مدیر ساختمان و قلمزنی سید محمد عریضی / زرگری نصرالله پروین اصفهانی / میزان
طلا و نقره و اجرت: طلا ۱۵ [کیلوگرم] نقره ۱۰۷۲ کیلوگرم / اجرت سه میلیون ریال.
مرقد نورانیش گویا ریاض جنت است تربت پاکش ز مُشک و عنبر ساراستی
باد یارب شادمان در دهر شاه دین پناه تا به عالم این همایون بارگه برجاستی
حق ام و اب اگر مانع نبودی گفتمی آدمت خادم ز جان و خادمه حواستی
مضجع پاکان دین و مهبط روح الامین مکمن اهل یقین و مدفن احیاستی
عرصه قسم از ید فرعونیان اندر امان چون محل امن و مأوای عصا موسی استی
از علو شأن او من شمه‌ای کردم بیان ای که شأن و قدّرت از هفت آسمان اعلاستی
هر که بگذارد قدم در آستان صحن او گو منه پایی ادب کاین سینه سیناستی
شد بعهد ناصرالدین شاه شاه جم خدم این بنا اتمام کز عرش علا اعلاستی
خادمان درگهش بر سروران خود سرورند در حجاب از حاجبانش بوعلی سیناستی
این مهین بانو که در برج شرافت اختری است نسل پاک زاده انسیه الحوراستی
ناظم قسمت دوم اشعار قصیده کاف محرم - بانی ضریح اول شاه طهماسب صفوی.
هر فریدون شوکتی و هر سلیمان حشمتی
بر دَرش چون سائلان در روز و شب درواستی
حضرت ناطق به حق صادق چنین فرموده‌اند
در جزای زائر وی جنة المأواستی
باکی از محشر و بیم از نشر نبود هر کرا
در جوار حضرت تو مدفن و مأواستی
مدحتت را می‌نشاید کرد در دفتر بیان
مهر و مه مشغول ذکر خطبه غراستی

مهر و مه بر آستان عرش بنیان درش

چون کنیز و چون غلامان حبش درواستی

مرحوم حاج میر سید حسین متولی باشی

هرچه جز نور خدا خوانم ورا باشد خطا

غیر مدحش هرچه گویم سر به سر بیجاستی

کرد معماری این جنت سرا پیک خلیل

موضع رجلین او تا حالیا برجاستی

لوحش الله مرحبازین بارگاه باشکوه

کز شرف برتر ازین نه گنبد میناستی

حبذازین آستان آسمان رفعت کزو

هم ید موسی عیان هم آیت عیساتی

گرچه زیر معصیت وامانده خدام درت

از خجالت شرمسار از دیده طوفان زاستی

چون تو خاتونی به ما کی باک از عصیان بود^۱

از مکافات خطیئاتم کجا پرواستی

گو بیاید تا ببیند این همایون بارگاه

آنکه منکر بر وجود جنت دنیی استی

کفش داران درش را برکی و جم افسری است

خادمش روح الامین در عالم بالاستی

چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان

صورتی از زیر دارد آنچه در بالاستی

گفتم این طور است کز نور جلال کردگار

کرده پر آفاق راو بس خوش و زیباستی

۱. در اصل قصیده: با تو چون مخدومه‌ای کی باکم از عصیان بود.

هاتف غییم به گوش هوش درداد این ندا
این نه طور است و نه سینا مسجد اقصی استی
زمره کروبیان و جمله روحانیان
از پی خدمت همه برپا و جا برجاستی
ای مهین بانوی کاخ عصمت ای مایه وجود
ای که خاک درگهت رشک دم عیسی استی
از پی تاریخ این بنیاد خادم زد رقم
جنت عدن این بنا یا بزم او ادنی استی

ضریح جدید

ضریح امروزی ضریحی است که در سال ۱۳۴۸ شمسی به دست آقای حسین پرورش زرگر اصفهانی تجدید شد. سقف چوبین ضریح را جمع کردند و نامبرده سقفی از برنج ساخت و روی آن را قلمزنی کرد و آب طلا داد و بر بالای ضریح نصب کرد. در آبان ماه همان سال ضریح جدید با سقف تازه و بنای جدید مسجد بالا سر، افتتاح شد.

برای ضریح جدید ۱۵۷ هزار مثقال نقره و ۱۱۲۰ مثقال طلا به کار رفت و بیش از پنج میلیون ریال هزینه برداشت و برای ساختن سقف آن در حدود ۶۲۰ مثقال طلا مصرف شد و سایر هزینه‌ها به هفتاد هزار تومان رسید.

کتابه سنگ مرمر پای ضریح نقره

شعر این کتابه از فتحعلی خان ملک‌الشعرا صبا^۱ به خط نستعلیق آقا مهدی ملک‌الکتاب، و بانی آن فتحعلی شاه قاجار است.

۱. در دیوان‌های خطی صبا متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه متعلق به آقای زین‌العابدین مؤمن و نسخه چاپی به تصحیح آقای محمد علی نجاتی این قصیده دیده نشد.

تسبارک‌الله از این بارگاه عرش آهنگ زشرم قبه زیرینت عرش را گویند فرود بودن خویش و فراز رفتن آن چو هم ترازوی فرش تو خواست گردد عرش چو گشت هم کفه با فرش لامکان سنگت بلی چو در دل تو گوهر گران سنگی است همان خجسته گهر بنت موسی جعفر جهان عصمت و گردون مجد...^۲ و سزد پی طواف حریم وی از عوالم قدس زئه رواق فلک هفت بانوی عذرا به آستانش همواره خسروان زمین ابوالمظفر فتحعلی شه قاجار شاهی که داد زنیروی آتشین آبی کند نیاز بفر و بفال او جمشید چو دید روضه خاتون خلد فاطمه را زچرخ کرده پُر آژنگ ابرویش در کین فشانند زرو گهر خوارتر زخارو زخاک بر..... دوری قبه‌اش زانسان^۳ به سنگ مرمری آراست این حرم پایان نوشت کسک صبا از برای تاریخش

نه بلکه عرش برو فرشش آبگینه و سنگ که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ زمن بجو که زعرشم گذر کند آهنگ نخست ریخت برین کفه زاختران جو سنگ تو سوی مائی و آن سوی نار کرد آهنگ سزد ندارد اگر با وی آفرینش سنگ که آمد از گهر او جبین به فر نهنگ^۱ که هست روضه رضوان از او بیوی و برنگ به هر صباح و مسا قدسیان کنند آهنگ به دامن شرفش افتخار را زده چنگ به سجده خاصه شهنشاه آسمان او رنگ که آسمان و زمین است در شتاب و درنگ به باد خاک ملوک زمانه در صف جنگ برد نماز به هوش و بهنگ او هوشنگ خراب زین فلک گوزپشت پُر نیرنگ ولی زگنج گهر کرده چاره آژنگ به خاک و کردش رشک نگارخانه تنگ که شد شعاعش بر چشم آفتاب خلدنگ که مانند آینه او زشرم در چین زنگ^۴ بنای این حرم از شاه آسمان فرهنگ

۱. به علت پاخوردگی و فرسودگی خوانده نشد.

۲. به علت پاخوردگی و فرسودگی خوانده نشد.

۳. این مصرع به علت پاخوردگی و فرسودگی درست خوانده نشد.

۴. این مصرع به علت پاخوردگی و فرسودگی درست خوانده نشد.

کتابه در ورودی ایوان طلا که اکنون در موزه است

این در دو لختی را فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۲ هـ. ق به روضه مطهره هدیه کرده است. ابیات کتابه دور آن از شاعری «دانش» تخلص است که آقا مهدی ملک‌الکتاب به خط نستعلیق نوشته است. کتابه بر زمینه‌ای میناکاری است و هر مصراع آن به صورت گلی جداگانه بر روی صفحه نقره نصب شده است.^۱ ابیات این قطعه چنین است:

«یا الله خدیو کشور دوران پناه خلق جهان یا رحمن

که شد به عدل و سخا از جهانیان ممتاز یا رحیم

طراز مسندو دیهیم شاه فتحعلی یا حنان

که هست فتح و ظفر با لوای او انباز یا منان

قدر غلام و قضا چاکر آنکه طاعت او یا دیان

شده است بر همه کس فرض عین همچو نماز یا سلطان

به عهد او که بود گرگ و میش همخوابه یا مستعان

ز عدل او که شده باز وصوه هم پرواز یا غفران

غزال طعمه نخواهد مگر ز برتن شیر یا حی

عقار چینه نجوید مگر ز چنگل باز یا قیوم

بخلق و خلق بود بی نظیر و بی مانند یا حاتم

به عدل و جود بود بی عدیل و بی انباز یا دائم

نهاده پا چو در اورنگ معدلت، فتنه یا عالم

ز بیم او به ضعیفان نکر دست دراز یا هادی

چو بود خادم پاک اعتقاد این درگاه یا باقی

که سوده‌اند بر او کاینات روی نیاز یا وافی

دری نهاده بر این آستان عرش نظیر یا نادی

کز آن بود در رحمت بروی خلق فراز یا لطیف

۱. پس از نصب در طلای کنونی در ۱۳۴۹ شمسی، این در به موزه آستانه منتقل شده است.

تبار الله از این در که زایرانش را یا قریب
 زهر ضریر شود کشف هر نهانی راز یا حسیب
 چه درِ حرمِ سبط سید ثقلین یا مجیب
 که از شرافت او یافت بزم قرب طراز یا رحیم
 چه درِ حرمِ بنت موسی جعفر یا خلیل
 یگانه اختر بُرج سپهر عزت و ناز یا جمیل
 گل ریاض امامت که طایران حرم یا اول
 حریم گلشن او را شدند زمزمه ساز یا آخر
 سپهر عصمت و بحر حیا و معدن شرم یا باعث
 امین وحی و محل سروش و محرم راز یا وارث
 خور از رواق فلک سر نهد به پای درش یا قائم
 بهر سحر که کنند این رواق را در باز یا ماجد
 به شوق اینکه در این در دهند جایگهش یا بعید
 چه رنج‌ها که طلا را رسید از دم‌گاز یا شدید
 هر آنکه روی بر این در زروی صدق آورد
 دری زروضه فردوس شد برویش باز
 کسیکه راه بر این آستان تواند برد یا مغنی
 چه حاجتش که شود ره‌نورد راه حجاز یا نبیل
 دل از زیارت این در بحق شود نزدیک یا مقبل
 که عارفان بحقیقت برند پی زمجاز یا مدبر
 نخست روی بر این آستان نهد هرکس یا متکبر
 که رستگاری انجام خواهد از آغاز یا وارث
 غرض چه کرد بر این آستان بنا این در یا باعث
 که بیشتر ز در کعبه باشدش اعزاز یا منتقم
 نگاشت خامه دانش برای تاریخش یا بدیع
 که «سوی جنت اعلی دری ز نو شد باز» یا جمیل»

بالای دماغه لنگه سمت چپ چنین نوشته شده است:

«السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار خلدالله

ملکه ۱۲۲۱» در متن لنگه سمت چپ، از بالا به پایین عبارات زیر دیده می شود:

«یا احد یا ارفع یا صانع یا الله

خواهی که خجل ز اهل محشر نشوی یا هادی

وز کرده خویشتن مکر نشوی

تا جان بتن و تن بجهانت باقی است یا سبحان

یکلحظه جدا ز خاک این در نشوی یا کافی المهمات

قبل از دخول بایست و بگوی:

بسم الله الرحمن الرحيم باذن الله واذن رسوله

واذن خلفائه و باذنکم صلوات الله علیکم اجمعین

ادخل هذا البيت وادعوا الله بفنون الدعوات

واعترف الله بالعبودیه ولهده المعصومه و آبائها

صلوات الله علیهم بالطاعه کتبه ابوطالب الحسینی

یا سید السادات

یا ماجد یا حنان یا مختار یا غفار»

در متن لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارات زیر دیده می شود:

«یا رضی یا شافع یا سامع یا الله

این در زسبط خواجه هر دو سراسر است یا رفیع

این جای سروش و مهبط نور خداست یا قاضی الحاجات

قبل از دخول بایست و بگوی:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انی قد وقعت علی باب بیت من بیوت بیتک

محمد صلی الله علیه و آله قد منعت الناس الدخول الی بیوتهم الا باذن نبیک

فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا أن یؤذن لکم یا

مجیب الدعوات

ساید رخ خود هر که برین در امروز یا بدیع آسوده زبیم رستخیز فرداست
یا غنی یا شاهد یا سبحان یا قهار»
بر سنگ مرمر پایین این در، این رباعی از ملک الشعرا فتحعلی خان صبای
کاشانی حک شده است:

«این در که بر این درگه بی‌شبه و نظیر آید بگشودن زوی آهنگ صریر
گوئی ملکی بود که از بهر طواف چون بال‌گشاید زند از شوق صفر»
در سمت راست این سنگ:

«در عصر تولیت حاج»

در سمت چپ این سنگ:

«میرزا محمدباقر متولیباشی ۱۲۳۷»

کتابه‌های درهای شرقی روضهٔ مطهره که اکنون در موزهٔ آستانه است

در دیوار شرقی روضهٔ مطهره دو در سیمین است که آنها را مرحوم حسینقلی خان
نظام السلطنه هدیه کرده است. اشعار هر دو در، از شوریده شیرازی و خط آن از
محمد ابراهیم مشهور به میرزا عموست.

بر لنگهٔ سمت راست در اول:

«تبارک‌الله از این بقعهٔ بهشت طراز یا سبحان

که برگزیده نشیبت سپهر را زفرزاد^۱

فضای او چو فضای ازم نشاط افزا یا حنان

هوای او چو هوای بهشت غم پرداز یا سلطان

بخاک اوست نهان طرفه گوهری کز قدر

زهفت گوهر این نه صدف بود ممتاز یا منان

به نام فاطمهٔ معصومه آفتاب حیا^۲

که اُخت خسرو طوس است و دُخت شاه حجاز یا برهان

۱. این بیت بر پاسار بالاست.

۲. دو بیت پیش و این مصرع بر بانوی سمت راست است.

گل حدیقه عصمت که از بهشت عفاف^۱
نسیم را بسرا پرده‌اش نبوده جواز یا غفران
بدور باش حیا آفتاب گردون را یا رحمان
زپیش رانده همی تا به چرخ چارم باز یا دیان
اگر مطیع نیاکان او نبند داوود یا غفار
نمبند بساز خلافت چنین بلند آواز^۲
بر آستانش که محراب راستان حق است^۳
سپهر پشت به خم کرده از برای نماز^۴
چو گشت ماه تموز از هزار و سیصد و ده^۵
بمعهد ناصر دین پادشاه بنده نواز^۶

ابیاتی که بر لنگه سمت چپ در اول است.
«شهی که از اثر باس و نیروی عدلش یا رضوان
سپاس میش کند گرگ و پاس تیهوباز^۷
نظام سلطنه آن میر سرفراز دری یا ستار
ز نقره کرد در این کاخ دل فروز فراز یا مقدم
یگان برادر رادش خجسته سعدالملک یا مؤخر
که در سعادت بر مشتری فروشد ناز یا علام

۱. این بیت که دو مصراع جداگانه است بر پاسار پایین است.

۲. این ابیات بر باثوی سمت چپ است.

۳. این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۴. این مصراع بر پاسار وسط است.

۵. این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۶. این مصراع بر پاسار پایین است.

۷. این بیت بر پاسار بالاست.

دو گوهر از یک درج و دو اختر از یک برج^۱
 به کارسازی دولت به هم شده دمساز
 راقمهٔ محمد ابراهیم الشهیر به میرزا عمو
 به کار خیر چو علم و خرد به هم همدست^۲
 به بذل نور چو شمس و قمر به هم انباز یا ناصر
 سه خواهران که برین هفت باب گردوند یا احد
 ز جود این دو برادر کنند کسب جهاز یا واحد
 ازین دری که به قم باز شد از این دو امیر یا عالم
 گذشت فرۀ قم از دیار روم و طراز^۳
 پی سرودن تاریخ این درِ سیمین^۴
 صلا زدند به شوریده شاعر شیراز^۵
 سرود منطق شوریده بهر تاریخش^۶
 درین رواق همایون درِ جنان شده باز^۷

کتابۀ درِ دوم در دیوار رواق که به ایوان آینه باز می‌شود

ابیاتی که بر لنگهٔ سمت چپ درِ دوم است:

«دری زسیم زنو برگشاد از نومیر^۸

که در شرف ز زمین بر شد از سپهر اثر یا حنان^۹

۱. ابیات پیش با این مصراع بر بائوی سمت راست است.

۲. این دو مصراع بر پاسار پایین است.

۳. این ابیات بر بائوی سمت چپ است.

۴. این مصراع بر پاسار بالاست.

۵. این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۶. این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۷. این مصراع بر پاسار پایین است.

۸. این مصراع بر پاسار بالایی است.

۹. این مصراع بر بائوی سمت راست است.

به عهد دولت سلطان مظفرالدین شاه^۱
که گاه جود کفش خنده زد بابر مطیر^۲
بلی شرف همه‌زین در بود که مشرف اوست یا صانع
رواق فاطمه دخت امام عرش سریر یا منان
کریمه که فروغش گرفت عالم را یا رحمان^۳
چنان‌که عالم را آفتاب عالم‌گیر یا خبیر یا بصیر^۴
خجسته حضرت معصومه آنکه بر مه و خور یا غفران
دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر یا حفیظ
نعال خادم او گوشواره گوش سپهر یا رضوان
غبار درگه او توتیای چشم بصیر یا سمیع
اگر به دیده معنی نظر کنی بینی^۵
که سطح او به فراز است و سطح چرخ به زیر^۶
ابیاتی که بر لنگه سمت راست درِ دوم است:
«یا برهان نظام سلطنه اعظم حسینعلی خان آن
که نوک خامه وی ریخت آب خامه تیر یا غفار
وزیر نامور نامجوی نام‌آور یا احد یا صمد
ادیب پاکدل پاک رای پاک ضمیر یا حی یا قیوم
فشاند نقره واز نقره ساخت این در را یا سلطان
چنان‌که روی زر از رشک شد به رنگ زریر یا محمود یا معبود

۱. این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۲. این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۳. این سه مصراع بر بانوی سمت راست است.

۴. این مصراع بر پاسار پایین است.

۵. این مصراع بر هلال بالای لنگه سمت چپ است.

۶. این مصراع بر هلال پایین لنگه سمت چپ است.

ز جود او در خیرات در جهان شد باز یا فتاح
 زهی ستوده امیر و خهی خجسته وزیر یا قهار یا غفار
 ز شرم این در سیمین شگفت می نبود یا ستار
 که سر بپوته خجلت فرو برد اکسیر یا صانع
 همی زبام رواق فلک بدین درگاه^۱
 رسد زسین سلام ملک به گوش ضمیر^۲
 سرود منطق شوریده سال تاریخش^۳
 دری زسیم بقم برگشاد از نو میر^۴
 کتبه محمد ابراهیم الطهرانی الشهیر بمیرزا عمو، غفر ذنوبه، ۱۳۱۴»

کتابه یکی از درهای روضه مطهر که به مسجد بالاسر باز می شد
 دو در خاتم بسیار ظریف از روضه مطهر به مسجد بالاسر باز می شد. یکی از این
 درها، تقدیمی میرزا نصرالله خان فراهانی و در دیگر هدیه عزت الدوله خواهر
 ناصرالدین شاه و همسر میرزا تقی خان امیرکبیر بود مورخ ۱۲۹۲ هـ. ق قطعه‌ای از
 وقار - پسر وصال شیرازی - بر این در بدین ترتیب نوشته شده بود:
 «حبذا زین بقعه عالی که از مجد و شرافت
 قبله ابدال گشت و کعبه آمال آمد
 خوابگاه بضعه موسی بن جعفر کز فروغش
 جلوه موسی عیان در چشم اهل حال آمد
 بهر طوف مرقدش سوی قم آمد دخت خسرو
 واز ملک فوجی به تکریمش به استقبال آمد

۱. این مصراع در پاسار وسطی پایین است.

۲. این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۳. این مصراع بر هلال بالای لنگه سمت راست است.

۴. این مصراع بر هلال پایین لنگه سمت راست است.

دخت شاه و اخت خسرو عزةالدوله کز احسان
پیش دستش حاصل دریا وکان پامال آمد
دخت میر هفتمین اخت امام هشتمین آن
کافتابش از شرف چون سایه در دنبال آمد
عصمت کبرا و ناموس نبی هم نام زهرا
کافتابی از حیا و عزت و اقبال آمد
بر رواق او دری بفرزود سر تا پا زخاتم
فتح بابی سخت از این کارش اندر حال آمد
گفت مصراعی وقار از طبع و شد تاریخ این در
کاین درو درگه مطاف عزت و اقبال آمد»

کتابه‌های درِ ورودی دو لنگه‌ای ایوان طلا

دو لنگه در نقره سابق را در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال - نایب التولیه - برداشتند و به جای آن دو لنگه درِ طلا نصب کردند. چهارصد و ده مثقال طلا و در حدود سی هزار مثقال نقره برای ساختن این در به کار رفته و هزینه ساختن آن به صد و بیست و پنج هزار تومان رسیده است.

بر میان لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا مفتح الابواب / قال الرضا علیه السلام / من زار فاطمة بقم فله الجنة»

بر میان لنگه سمت چپ، از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا رافع الدرجات / قال الصادق علیه السلام / من زارها عارفاً بحقها وجبت

له الجنة»

ابیاتی که بر حاشیه دو لنگه در است با خط طلایی روی زمینه میناست. اشعار از سید محمد علی ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است؛ متن آن چنین است:

بسمه تعالی شأنه

اینجا حریم دختر پیغمبر خداست بانوی بزم قُرب و حریم عفاف غیب خاتون روز حشر و شفیع گناه خلق فردا که هرکسی به شفیع برد پناه گردد و غبار تربت پاکش در آسمان روح القدس که حامل وحی خدا بود معصومه دخت حضرت زهرا که نور او معصومه دخت فاطمه آن کوثری که او معصومه دخت فاطمه کز شیر پاک او معصومه دخت حضرت سجاد کش صُحُف معصومه دخت حضرت باقر که علم او فرمود جعفر بن محمد که مرحبا چون شهر قم مدینه آل محمد است بر زایران تربت پاکش بهشت خُلد معصومه دخت موسی جعفر که حضرتش زین در دری به روضه رضوان گشوده اند اینجا به احترام قدم نه که از شَرَف اینجا مس تور را به نگاهی طلا کنند طُغرا نویس قدر قضا شوکتش قَدَر اقبال بین که طبع ریاضی بگاہ اوج تاریخ در به دور قمر با سقوط دال

آرامگاه خواهر سلطان دین رضا است دُرُج حیا و عصمت کبرای کبریاست دریای جود و کان کرم معدن سخاست ما را پناهگاه جز این آستان کجاست در چشم آفتاب جهانتاب توتیاست بر خاک پاک تربت معصومه جبهه ساست نور جمال قافله سالار انبیاست کُفُو عَلی ولی خدا شاه اولیاست خون حسین شاه شهیدان کربلاست عالی ترین، فصیح ترین، بهترین دعاست میراث انبیا و امامان رهنماست بر اهل قم که در خور تحسین و مرحباست فردا مزار فاطمه من در آن بیاست واجب بود که در کَنَف رحمت خداست باب الحوائج همه از شاه تا گداست کاین پایه عطر پرور و این مایه مشک زاست گیسوی حور و بال ملک فرش زیر پاست تا اسم اعظم است چه حاجت به کیمیاست فرمان پذیر امر قَدَر قدرتش قضاست چون نقطه های قوس صعودی در اعتلاست «گویند یک در از در فردوس از طلاست»

۱۳۹۰ هجری قمری

کتابه‌های درِ دو لنگه‌ای حرم مطهر از ایوان آیین

درِ دو لنگه‌ای نقره سابق در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال برداشته شد و دری دو لنگه‌ای طلا به جای آن نصب شد.

... مثقال طلا و در حدود... مثقال نقره برای ساختن این در به کار رفته و هزینه ساختن آنکه به خرج آستانه بوده است به... تومان بالغ شده است.

بر میان لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا قاضی الحاجات / قال الجواد علیه السلام / من زار قبر عمی بقم فله الجنة»

بر میان لنگه سمت چپ از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا مجیب الدعوات / قال الصادق علیه السلام / زیارتها تعادل الجنة»

ابیاتی که بر حاشیه دو لنگه در است با خط طلائی روی زمینه میناست. اشعار از

سید محمد علی ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است؛ ابیات بدین شرح است:

«بیا که با مدد کارساز بنده نواز	دری زخُلد برین شد بروی مردم باز
دری ز مُلک گشودند جانب ملکوت	دری ز غیب جهان شد بروی خلق فراز
دری که سایه رحمت بر آفتاب بود	وگر نه گوی به خورشید رو بسوز و بساز
چه در، دری همه از سیم ناب و زر مذاب	دری است نقره‌نشان از طلای لعل طراز
فرشتگان سموات و حوریان بهشت	بر آستانه این در نهند روی نیاز
غبار تربت او توتیای چشم مَلک	سواد مردمک چشم حور و سرمه ناز
مَطاف پرده‌نشینان خلوت ملکوت	حریم حرمت روحانیان محرم راز
حریم دخت پیمبر که اوج معراجش	به پایه‌ای است که جبریل ماند از پرواز
فراز مصطبه قرب قاب قوسینش	پیمبری، مَلکی را نداده‌اند جواز
حریم خواهر والای شاه خطه طوس	خدیو کشور جم، تاج دار مُلک حجاز
شهنشهی که دهد جان به نقش شیر ژیان	دوباره شیر چو نقشی به پرده گردد باز
کریمه‌ای که بود نور او ز نخله طور	فخیمه‌ای که چو اجداد خود کند اعجاز
همیشه نور زگردون به خاک می‌تابد	بر این مدار بود سیر نور از آغاز

جز این افق که تتق می‌کشد زفرش بعرش
خوشا کسی که در این بارگاه عرش نظیر
زاشک شوق خدا، دیدگان پُر از گوهر
به آب دیده زداید زدل غبار گناه
به یمن همت اقبال و بخت سعد بلند
سروش غیب سرودی به سال خورشیدی

فروغ ذکر خدا و شعاع نور نماز
بفکر و ذکر به صبح آوردُ شبان دراز
زیبیم قهر خدا، سینه پُر زسوز و گداز
«که گفته‌اند نکوئی کن و در آب انداز»
زطبع نغز ریاضی برآمد این آواز
«در این رواق معلی دَرِ جنان شد باز»

کتابه حاشیه دو لنگه در ورودی حرم از رواق طرف ایوان آینه

اشعار از سید محمد علی ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است:

«منت خدایرا که زالطاف داوری
بر خاکیان دری بگشودند ز آسمان
زین دری زروضه رضوان بروی خلق
گر سر بر آستانه نسایی زروی شوق
کاینجا حریم عصمت کبرای کبریاست
روشن ز نور شمس زین رواق اوست
قم جاودان ز سایه او باد و در امان
گر مادر ائمه یکی دختر آورد
ای آنکه در سراق سیر عفاف غیب
ای جلوه جلال نبوت که در کمال
ای پرتو فروغ خدائی که جلوه‌ای
حُسن حسین و زهد علی علم باقری
باشد عالی اعلا برادرت
او آفتاب خطه طوس و تو ماه قم
بر تارک عروس فلک تاج آفتاب
فردای حشر بر سر ما ابر رحمت است

وزفیض خاص و رحمت عام پیمبری
خیل فرشتگان ز عنایات داوری
تا شکر چون کنی و چه شکرانه آوری
زین آستان کجا روی این سر کجا بری
فرش از شرف بعرض نماید برابری
خورشید و ماه و زهره و بهرام و مشتری
این است رسم سروری و سایه گستری
آرد بسان حضرت معصومه دختری
پاکیزه گوهر از صدف پاک کوثری
نور جمال زهره زهرای اطهری
از وجه کبریائی درخشان حیدری
نور جمال صادق و موسی بن جعفری
شمس الشموس را تو براننده خواهری
او مهر ذره پرور و تو ماه انوری
فخر جهان عصمت و خاتون محشری
دستی که ز آستین شفاعت برآوری

این منقبت نه در خور جاه و جلال تست
اقبال گفت و طبع ریاضی چو گُل شکفت
تاریخِ در به دور قمر هاتفی سرود:
«بگشوده ز آسمان بزمین دست حق دری»
۱۳۹۱

کتابه آینه کاری روضه مطهره

آینه کاری روضه مطهره از کارهای نیک فتحعلی شاه است که زیر نظر پسرش - کیکاووس میرزا - که حاکم قم بود، در سال ۱۲۴۵ قمری شروع شد و در سال ۱۲۵۱ قمری اتمام یافت. کتابه آینه کاری در دو طرف در ورودی ایوان طلا، بالای دیوار حرم به این ترتیب گچ‌بری شده است.

بنای آینه کاری بقعه مبارکه در اواخر دولت خاقان خلد آشیان فردوس مکان اسکنه الله فی روضات الجنان فتحعلی شاه قاجار و در اوایل دولت بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان السلطان محمد شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته الی یوم صورالمیقات اتمام پذیرفت و بانی این بنا سرکار عظمت مدار نواب مستطاب والا شاهزاده اعظم کیکاووس میرزا زید عمره و دولته جهت و باعث آمرزش خاقان فردوس مکان غفرالله له سنة ۱۲۵۱

کتابه کاشی به خط ثلث بر دیوار غربی حرم مطهر از طرف در ورودی ایوان طلا

«بسمه تیمناً بذكره روی عن الامام الذي هو بالحق ناطق ابي عبدالله جعفر الصادق - عليه الصلوة - مسنداً الامر الی رسول الله صلی الله علیه و آله اذا كان يوم القيامة نادى مُناد أيها الخلائق انصتوا فان محمداً يكلمكم فينصت الخلائق فيقوم النبي صلی الله علیه و آله ويقول يا معشر الخلائق من كان له عندي يدٌ او منةٌ او معروفٌ فليقم حتى أكافيه فيقولون بأبائنا وامهاتنا واي يدٌ واي منةٌ واي معروفٌ لنا اليك بل اليد والمنة والمعروف لله ولرسوله على جميع

الخلائق فيقول بلى من آوى احداً من اهل بيتي او برهم او كساهم من عرى او اشبع جايهم فليقم حتى اكافيه فيقوم اناس قد فعلوا ذلك فيأتي النداء من عند الله يا محمد يا حبيبي قد جعلت مكافاتهم اليك فاسكنهم من الجنة حيث شئت فيسكنهم في الوسيلة حيث لا يحجبون عن محمد واهل بيته، صلوات الله عليهم»

کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم مطهر در پیش روی مبارک

«قال النبي ﷺ اربعة انا لهم شفيع يوم القيامة ولو آتى بذنوب اهل الارض المكرم لذريتي والقاضي لهم حوائجهم والساعي في امورهم عند ما اضطرؤوا اليه والمحب لهم بقلبه ولسانه حسب الامر حضرت اشرف ميرزا على اصغر خان صدراعظم اتمام يافت ۱۳۱۸»^۱

کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم پایین پای مبارک

«قال النبي ﷺ مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركب فيها نجى ومن تخلف عنها غرق وقال النبي ﷺ اني او شك ان ادعى فاجيب واني تارك الثقلين فيكم كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض وعترتي اهل بيتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما صدق قال النبي ﷺ الجنة حرمت على من ظلم اهل بيتي او اذاني في عترتي ومن اصطنع صنيعه الى احد من ولد بني عبدالمطلب ولم يجازه عليها فانا اجازيه عليها اذا لقيني غداً يوم القيمة صدق»

کتابه طرف غربی داخل حرف شریف

«قال النبي ﷺ والذي نفس محمد بيده لو جاء عبد يوم القيمة بعمل سبعين نبياً ما قبل الله ذلك منه حتى يلقي الله بولائي وولاء اهل بيتي.»

۱. کتابه دیوار غربی که در صفحه قبل از آن یاد شد، در پیش روی مبارک نیز تکرار شده است. نگارنده آن را در اینجا نیاورد.

وقال النبي صلى الله عليه وآله أنا واهل بيتي شجرة في الجنة واغصانها في الدنيا فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا صدق رسول الله»

کتابه گچ‌بری رواق بالاسر مرقد مطهر^۱

اشعار از سید محمدعلی ریاضی‌یزدی است که با خط نستعلیق گچ‌بری شده است:
«این بارگاه قدس که از عرش برتر است
آرامگاه دختر موسی بن جعفر است
پاکیزه گوهر صدف، عصمت بتول
یعنی که نور دیده زهرای اطهر است
والاتباع خواهر سلطان دین رضاست
فخر زنان عالم و خاتون محشر است
عزت نگر که حرمت طوف حریم او
با حرمت طواف امامان برابر است
جنات عدن اگر طلبی زین حرم درآی
کاین آستان عرش نشان هشتمین در است
هر سر بر آستان مَلک پاسبان او
سائیده شد بهشت برینش مقرر است
آئینه‌های بقعه آئین طراز او
روشنگر تشعشع خورشید خاور است
در زیر پای زائر این بارگاه قدس
گیسوی حورو بال مَلک مفرش زر است
اینجا نماز را به خشوع و ادب گذار
کاین فرش زیر پای تو جبریل را پر است

۱. کتابه گچ‌بری رواق بالاسر مرقد مطهر، سنگ‌فرش و سنگ‌های ازاره و آئینه‌کاری سقف، کارهایی است که تمام در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال شده است.

بس ساطع است نور نماز و دعای خلق
 تا ساق عرش ساحت گیتی منور است
 ای خالقی که وصف جلال و جمال تو
 از عقل و فهم و وهم و گمان جمله برتر است
 آیات باهرات تو ذرات کاینات
 خورشیدها درون دل ذره مُضمَر است
 هر اختری چو زورق سیمین در آسمان
 در بحر پر تلاطم گردون شناور است
 آدم به امر تو ز نهان خانه عدم
 تا سرسرای منزل هستی مسافر است
 بلبل کتاب وصف تو خواند فراز شاخ
 وین برگ برگ گُل همه اوراق دفتر است
 جز آنکه سر زعجز بسائیم روی خاک
 از ما به پیشگاه خدائی چه در خور است
 یا رب به حق قافله سالار انبیا
 آن صدر کاینات که آخر پیمبر است
 عقل نخست و صادر اول که نام وی
 زیب اذان و زیور محراب و منبر است
 یا رب به حق سید و سالار اولیا
 که وجه او تجلی الله اکبر است
 با اشک چشم ابر کرم بر سر یتیم
 با برق تیغ صاعقه ای بر ستمگر است
 یا رب به حق فاطمه آن گوهری که او
 ام‌الائمہ عصمت کبرای داور است

خونی که داد سرور آزادگان حسین
مرهون حسن تربیت و شیر مادر است
یارب به مجتبی که شباب بهشت را
در باغ خلد سید و سالار و سرور است
مسموم زهر کین که جگر پاره‌های او
در طشت از شماره فزون‌تر ز اختر است
یارب به خون شاه شهیدان کربلا
کازرده حنجر از دم خونین خنجر است
خونی که دامن شفق از انعکاس آن
همرنگ داغ بر جگر لاله احمر است
یارب بحق سید سجاد آن نژاد
کز اُم و آب تقارن سعدین اکبر است
در منتهای اوج بلاغت صحیفه‌اش
گوئی ز بُور دیگر و داوود دیگر است
یارب به علم حضرت باقر که گاه موج
دریای بیکران پُر از درو گوهر است
عطر نبی رسد به مشام از کلام او
عطری که رشک مشک و عیبر است و عنبر است
یارب به صدق حضرت صادق که تا اَبَد
چون آفتاب بر سر دین سایه گستر است
ز رین لوای مذهب جاوید جعفری
در ظل این امام همام مظفر است
یارب بحق موسی جعفر که باب او
چون کعبه قبله گاه گدا و توانگر است

خاکم به سر که عارض گلگون او به زهر
همچون شعار آل علی سبز منظر است
یارب به حلم حضرت سلطان دین رضا
که سایه اش هماره نگهبان کشور است
شاهی که صدر مسند ارشادگاه بحث
عقل مجسم آمد و علم مصور است
یارب بحق جود امام نهم جواد
که مهر او چو مهر فلک ذره پرور است
ابن الرضا چو عیسی و یحیی به کودکی
قطب و امام و مرشد و مولا و مهتر است
یارب به چارمین علی از رهبران دین
که خاک پاک سامره زومشک اذفر است
عصر مظالم متوکل امام را
جان همچو عود و سینۀ سوزان چو مجمر است
یارب به حرمت حسن عسکری که او
نقش نگین حلقه چندین معسکر است
عمری به جرم عصمت و تقوا و زهد و علم
در حلقه محاصره چند لشکر است
یارب بحق قائم بر حق امام عصر
کانگشت او به گردش افلاک محور است
نوح زمان و قطب جهان کز حریم غیب
خلق خدای را بخداوند رهبر است
یارب بحق عصمت معصومه کز شرف
او را پدر امام و امامی برادر است

کاین در بروی خلق دو عالم گشوده باد
تا خاک ما به آب ولایش مخمر است
ای آستان عرش نشان جاودان بمان
تا نامی و نشانی از این چرخ اخضر است^۱
اقبال بین که طبع ریاضی چو گل شکفت
آنجا که آفتاب هم از ذره کمتر است
سال هزار و سیصد و هشتاد و نه بود
سالی که کار آئینه‌کاری میسر است»

کتابه‌های مدفن شاه صفی و شاه عباس دوم

مدفن شاه صفی^۲ در سمت قبلی روضه مطهره بود. پس از اینکه فتحعلی شاه در حرم مطهر تعمیر و مرمتی کرد، مدفن او داخل روضه مطهره شد و صورت قبرش نیز از میان رفت. این قسمت از بنا که رواقی جداگانه داشت، به دستور شاه عباس دوم ساخته شده بود و سقف و دیوارهای آن کاشی‌های معرق بسیار ظریف داشت. مرقد شاه عباس دوم،^۳ پهلوی مقبره شاه صفی است و سنگ مرمری بر آن است. کتابه حاشیه بالای دور این رواق سوره جمعه است که به خط ثلث محمد رضا امامی اصفهانی بر روی سنگ مرمر حک شده است؛ بدین ترتیب:
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۴ آخر کتابه دیده نشد.

۱. این بیت در کتیبه آئینه‌کاری نیامده است.

۲. شاه صفی در سال یک‌هزار و پنجاه و دو در کاشان بیمار شد. در دوازدهم صفر بار سفر به جانب عالم باقی بر بسته و عالم فانی را وداع کرد. مدت ملک وی سیزده سال و شش ماه بود و امرای عظام نعش او را به روضه حضرت معصومه قم برده مدفون ساختند (روضه الصفا، ج ۸، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

۳. شاه عباس دوم در سنه یک‌هزار و هفتاد و هفت هجری در هنگام رجوع از مازندران به عراق و اصفهان کوکب دولتش راجع و ماه سلطنتش در محاق واقع گردید. در دامغان به جوار ملک منان پیوست. امرای عظام نعش آن سلطان با احتشام را در تخت روان نهاده، در جوار معصومه قم چون گنج به خاک سپردند (روضه الصفا، ج ۸، ص ۲۱۰).

۴. این کتابه در سال ۱۰۷۷ نوشته شد و بنای بقعه در سال ۱۰۷۸ ه. ق به اتمام رسید.

کتابه‌های مدفن شاه عباس دوم در رواق حرم

مرقد شاه عباس دوم پهلوی مقبره شاه صفی است و بقعه آن از بناهای شاه سلیمان صفوی است. کتابه دور این بقعه، سوره جمعه است که در روی سنگ مرمر به خط ثلث محمد رضا امامی اصفهانی نوشته شده است؛ این کتابه بدین ترتیب است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۱ آیه آخر کتابه دیده نشد.

کتابه اتاقی که در آن مرقد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است

«این کتیبه به علت تبدیل صحن زنانه از پشت همین دیوار برداشته شد و پس از تعمیر کامل در اینجا نصب گردید. عمل اسدالله عابدین کتبه عباس عشقی ۱۳۷۶ ق»

«در همایون روزگار پادشاه دین پژوه

خسرو غازی محمد شه، شه اکلیل هور

آمد اندر ملک و دین غوث الوری فخر الامم

نصرة دنیا و دین کھف امان صدر صدور

عنصر معموری ویرانی ایران زمین

خاصه مصر قم که ویران بود زاحداث دهور

راد بوطالب کزو پروانه فرمان دهی

داشت بر سکان آن ملک از اناث و از ذکور

ساخت این ایوان کیوان پاسبان را بس شگرف

تا که قبر پاک مادر پاس دارد از قبور

الغرض شد مضجع آن مهد عصمت چون تمام

عصمت آباد سنین شد رحمت آباد شهور

۱. این کتابه در سال ۱۰۷۷ نوشته شد و بنای بقعه در سال ۱۰۷۸ ه. ق تمام شد.

زد رقم کوکب پی تاریخ سالش بیدرنگ:

باد این کاخ همایون مسکن آن پاک حور»

۱۲۵۹

دنباله همین کتابه بر دیوار شرقی:

«هذه جنات عدن فادخلوها آمنین زائران را از صریر در رسد در گوش جان
زالتفات پادشاه صورت و معنی صفی شد سرافراز مهم تولیت جمشید خان
گشت حسب الحکم مأمور بنای روضه کز بلندی سایه‌اش بر عرش باشد سایه‌بان
روضه کارامگاه صالحان بر ساختش گفتنی فردوس باشد یا بهشت جاودان
کرد بنیاد اساس بارگاهی کز شکوه می‌نویسد از ادب رفعت پناهش آسمان
کرده‌اند آرایش سقف و جدار روضه‌اش از طلا و لاجورد آفتاب و آسمان»

کتابه‌های مسجد بالاسر

«بنای این مسجد به پایان رسید ۱۳۴۶ هجری شمسی مطابق با ۱۳۸۷ هجری قمری»
این کتابه با خط طلایی نستعلیق بر روی زمینه آبی و اسلیمی سبز گل دار است:

«بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن الحكيم - تا - بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون»^۱
صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله النبي الكريم الامين كتبه سيد مهدي

برهانی ۱۳۸۷»

کتابه سرمحراب مسجد بالاسر

«قال الله تعالى قد نرى في وجهك تقلب السماء

الكتاب ليعلمونه الحق الله عما يعلمون لمن الظالمين

صدق الله ورسوله احمد النجفي الزنجاني ۱۳۴۶ ۱۳۸۷

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك اذا لمن الظالمين»^۲

۱. سورة يس، آيات ۱-۸۳

۲. سورة البقرة، آيات ۱۴۵ و ۱۴۶.

تاریخ مسجد بالاسر

این مثنوی نیز اثر طبع سید محمد علی ریاضی یزدی است:

<p>بسم الله الرحمن الرحيم چرخ یکی آیه ز آیات تو ما همه بیچاره، توئی چاره ساز بنده در مانده شرمنده ای دست تضرع بدعا آورد شرم نماید کرم داورش بنده گنه کار و خدا شرمسار رابطه خلق خدا با خدا قوس نزولیش اجابت بود روی بدرگاه خدا می کنی صحت خود را ز خدا خواستی در ملکوت است صدا آشنا درد ستانند و دوایت دهند یافت عمارت چو به اقبال شاه مرمرش آئینه مهر سپهر سیر قمر دید و به تاریخ گفت «سر در این مسجد بالاسر است»^۱ «مرمر آن برده سبق از شفق»^۳ «دیده سرسای بپای ضریح»^۴</p>	<p>«مطلع انوار کتاب کریم ای دو جهان جلوه ای از ذات تو ما همه محتاج و توئی بی نیاز گفت پیمبر که اگر بنده ای روی بدرگاه خدا آورد گر برود دست تُهی از درش لطف به بین و کرم کردگار هاله ای از نور بود این دعا قوس صعودیش انابت بود روز سلامت چو دعا می کنی گاه مرض هم چو شفا خواستی چون به سموات رسد این دعا سابقه دانند و شفایت دهند مسجد بالاسر عصمت پناه آینه رخشنده تر از ماه و مهر طبع ریاضی گهری ناب سفت آنچه بر او نام خدا زیور است «آینه در شعشعه ی نور حق»^۲ نعمت تجدید بنای ضریح</p>
---	--

۱. خاتمه تعمیر مسجد بالاسر: ۱۳۸۷ قمری.

۲. خاتمه آئینه کاری رواق مطهر: ۱۳۸۹ قمری.

۳. خاتمه نصب سنگ مرمر: ۱۳۸۷ قمری.

۴. خاتمه تجدید ضریح مقدسه: ۱۳۸۷ قمری.

کتابه‌های دیگر مسجد بالاسر

کتابهٔ ثلث مسجد بالاسر به قلم شیخ احمد معصومی زنجانی است. کاشی‌کاری و سنگ‌های ازاره و سنگ‌فرش کف در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال شده است. کتابهٔ این مسجد سورهٔ مبارکهٔ یس به خط ثلث است.

اشعار کتابهٔ مسجد بالاسر که چند بیتي از آن انتخاب شده است

تا کند در بزم گردون گردش این زرینه جام
دور گردون باد یارب شاه عالم را بکام
خسرو گیتی ستان فتحعلی شاه آنکه داد
خنک گردون را قضا در قبضهٔ حکمش زمام
چرخ مینازد بعهد او که بادا متصل
دهر می‌بالد بعهد او که بادا مستدام
حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست
آفتاب آسمان حضرت خیرالانام
در جوار مرقد پاکش همایون مسجدی است
کاهل طاعت راست روز و شب در آن مسجد مقام
الغرض چون شد مقیم این کعبهٔ اهل صفا
در جوار این همایون مرقد عزمش احترام
کلک گوهر زای اشراق از پی تاریخ او
زد رقم «کامد مقیم این حرم بیت الحرام»
ماده تاریخ با سال بنا وفق ندارد. اگر کاف «کامد» را هم به حساب نیاوریم باز
معادل سال ۱۲۳۶ هجری می‌شود.

دو بیت زیر در محراب مسجد دیده می‌شود:

«از حکم تقی شاه سلیمان اقبال برپا چه شد این مسجد فردوس مثال
گفتم پی تاریخ که «باد این مسجد تا روز جزا قبلهٔ ارباب کمال»

کتابه نورگیر هشت ضلعی اول در مسجد بالاسر

«بسم الله الرحمن الرحيم سبح اسم ربك الاعلى الذي خلق فسوى - تا - صحف ابراهيم و موسى صدق الله العلي العظيم»^۱

کتابه نورگیر هشت ضلعی دوم در مسجد بالاسر

«بسم الله الرحمن الرحيم والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق - تا - فَمَهْل الكافرين امهلهم زويدا صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله النبي الكريم الامين»^۲

مدفونین در مسجد بالاسر

* حاجی سید محمد تقی خوانساری بن سید اسدالله بن... نسبش به موسی بن جعفر می‌رسد، متوفای هفتم ذی‌الحجه ۱۲۱۷.

* حاجی سید صدرالدین صدر پسر حاجی سید اسماعیل پسر سید صدرالدین عاملی موسوی، متولد رجب ۱۲۹۰ در کاظمین و متوفای نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۲.

* حاج شیخ عبدالکریم پسر محمد جعفر مهرجردی یزدی، رحلت شب شنبه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۵۵.

مسجد طباطبائی

مسجد طباطبائی به همت مرحوم حاج سید محمد طباطبائی معروف به آیت‌الله‌زاده قمی بنا شده است. درِ طلا که از این مسجد به حرم مطهر باز می‌شود و دو اذن دخول طرفین که مینا و طلاست، هدیه حاجی قاسم همدانی است.

کتابه بالای ایوان طلا در صحن عتیق

«الحمد لله الذي هدينا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله اما بعد فقد اتفق بناء هذه العمارة الرفيعة والروضة المقدسة المنيعة في زمن خلافة السلطان الاعلم

۱. سورة الاعلى، آيات ۱- ۱۹.

۲. سورة الطارق، آيات ۱- ۱۷.

خليفة الله في العالم مالك رقاب الامم مولى ملوك العرب والعجم حامي بلاد اهل الايمان ماحي الكفر والطغيان ناشر العدل والاحسان باسط مهاد الامن والامان هادي الخلايق الى اشرف الاديان المختص بعناية الملك المنان السلطان ابن السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه اسمعيل بهادرخان اللهم خلد ميامن معدلته وآثار مرحمته على مفارق المسلمين وايد وشيد قواعد اركان خلافته وسلطنته الى يوم الدين للإعلاء كلمة الحق وترويج مذهب أئمة المعصومين بالنبي العربي ابوالقاسم محمد خاتم النبيين وسيد الاولين والآخرين - صلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين - وسلم تسليمًا دائماً ابداً سرمداً والحمد لله اولاً وآخراً وباطناً وظاهراً في تاريخ شهر رجب المرجب من سنة خمس وعشرين وتسعمئة الهجرية النبوية كتبه ولي الحسيني»

كتابة افقى پايين ايوان طلا

«روي الزمخشري في تفسيره الموسوم بالكشاف والتعلبي في تفسيره الموسوم بالكشف والبيان عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال الا ومن مات على حب آل محمد مات شهيداً الا ومن مات على حب آل محمد مات مغفوراً الا ومن مات على حب آل محمد مات تائباً الا ومن مات على حب آل محمد مات مؤمناً مستكمل الايمان الا ومن مات على حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة ثم نكيراً ومنكراً الا ومن مات على حب آل محمد... الى الجنة كما زفَّ العروس الى بيت زوجها الا ومن مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان الى الجنة الا ومن مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة الا ومن مات على بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوب بين عينيه آيس من رحمة الله الا ومن مات على بغض آل محمد مات كافراً الا ومن مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة صدق اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى وفساطمة البتول والسبطين الحسن والحسين وعلى زين العباد ومحمد الباقر وجعفر الصادق وموسى الكاظم وعلى الرضا ومحمد التقي وعلى النقي والحسن الزكي والحجة القائم محمد المهدي صاحب الزمان الأئمة الهدى ومصاييح الدُّجى بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرا»

کتابه دارالحفاظ در مدخل ایوان طلا

«قال مصنف عیون اخبار الرضا فیما جاء عن الرضا عليه السلام في زيارة فاطمة بنت موسى بن جعفر عليه السلام بقم حدثنا ابي ومحمد بن موسى بن المتوكل قالوا حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه سعد بن سعد قال سئلت ابا الحسن الرضا عليه السلام عن زيارة فاطمة بنت موسى بن جعفر عليه السلام فقال من زارها فلله الجنة صدق ابن رسول الله، صلى الله على محمد خاتم النبيين وآله وعترته الطيبين الطاهرين»

کتابه سنگ مرمر اطراف در ورودی ایوان طلا

اشعاری که بر روی این سنگ‌ها حک شده است از قصیده فتحعلی خان صباى کاشانی است^۱ و خط نستعلیق آن از آقا مهدی ملک‌الکتاب است:

«این آستان بضعه موسى بن جعفر است کز افتخار روی سلاطین برین در است
این آستان آن حرم آمد که جبرئیل در بام عرش پایه آن چون کبوتر است
کوثر نتیجه‌ای است از آن قطره‌های شور کز ابر چشم زایر این در مقطر است
لبیک زایران و خروش معلمان صدره زصوت شهپر جبریل خوش‌تر است
این زیب و فرکه زیب و فراز این حرم‌گرفت هم از ارادت مملک دادگستر است
دارای دهر فتحعلی‌شه که تیغ او در ملک دین سلاله شمشیر حیدر است^۲
میخی فتاده گر بتک از نعل باره‌اش زان دیده ستاره بدبین مسمر است
نعلی پریده‌گرز سمندش بمرز هند در ملک روم نعلک زرین قیصر است
اندیشه عاجز است ز ذکر ثنای او کز هرچه برتری است به صد پایه برتر است
در این حریم کامده هم پایه حرم ایوان و قسبه و در ازو زیور و زرس^۳
کلک صباش از پی تاریخ زد رقم کز دل مدام چهر سلاطین باین در است»^۴

۱. این ابیات با اضافاتی در دیوان چاپی، ص ۴۱ آمده است.

۲. این بیت در دو گُل برجسته، بالای سردر است.

۳. ایوان قبه در آن زیور زرس (دیوان چاپی، ص ۴۱)، ظاهراً صحیح نیست. اگر میان دو واژه «قبه» و «در» واو عطف اضافه شود صحیح‌تر است.

۴. در دیوان خطی و چاپی صبا: بدین در است.

در کاشی‌کاری بالای سر در که بالای سنگ‌های مرمر است این بیت دیده می‌شود:
درگاه تو قبله‌گاه جانست محراب زمین و آسمان است

کتابه بالای مقبره‌ها، دور صحن عتیق قصیده معجزیه

تذہیب و طلاکاری گنبد حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۲۱۸ قمری به دستور فتحعلی‌شاه قاجار به انجام رسید. میرزا صادق متخلص به ناطق، از شعرای اصفهان قصیده‌ای در شصت و دو بیت در توصیف گنبد و صحن و رواق و مدح و تعریف حضرت معصومه علیها السلام و بانی امر - فتحعلی‌شاه قاجار - به نظم آورده که بسیار فصیح و بلیغ و سلیس است و صنایع لفظی و معنوی بدیعی را طوری در این ابیات با زیبایی کلام در نظر گرفته است که هیچ نمی‌توان دانست که این ابیات برای ماده تاریخ سروده شده است. زیرا هر قدر شاعر در گفتن ابیات ماده تاریخ توانا باشد، باز امکان تنقیص و تکسیر در آن است و به نحوی شعر را از حد فصاحت و بلاغت خارج می‌کند. اما در این شصت و دو بیت هیچگونه کسر و افزایشی نیست. هریک از مصراع‌ها ماده تاریخ است و جمع حروف آنها به حساب جمل ۱۲۱۸ می‌شود. جمله «شصت و دو بیت» نیز ۱۲۱۸ در می‌آید. و جمله «یکصد و بیست و چهار مصراع» هم ۱۲۱۸ می‌شود. شاعر گفتن این ابیات را معجزه دانسته و قصیده خود را «قصیده معجزیه» نامیده است. جمله «این قصیده مسما بقصیده معجزیه است» نیز ۱۲۱۸ می‌شود. این قصیده به «بسم الله الرحمن الرحیم، باسم موجود کریم» شروع می‌شود و این جمله نیز با حساب جمل ۱۲۱۸ است.

بسم الله الرحمن الرحیم = هزار و دویست و هیجده

باسم موجود کریم = هزار و دویست و هیجده

این قصیده مسما بقصیده معجزیه است = هزار و دویست و هیجده

شصت و دو بیت = هزار و دویست و هیجده

یکصد و بیست و چهار مصراع = هزار و دویست و هیجده

«این قُبه گلبنی است بزور برآمده یا پاک گوهری است پُر از زیور آمده
این دوحه‌ای است کامده از جنت العلی یا کوکبی است سعد و منور برآمده
این زیب عرش یا که بود گوی آفتاب یا نور حق که در همه اشیا برآمده

این قبه را چه اوج که با ارتفاع آن
 این قبه راست جای بجائی که پایه‌اش
 این قبه رفیع بجائی نهاده قدر
 این قبه و زمین زهمین رفعت و جلال
 این صحن صحن جنان است بهر آنک
 از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو
 دل در جواب گفت که اینک در این سؤال
 بهتر بود بحسن و علو از جنان در آن
 زهرا عفاف فاطمه بنت موسی آنک
 معصومه که در ره ایوان اقدسش
 شهزاده‌ای که هر دو سرا جدش این عطا
 مخدومه مکرمه آن نجم برج دین
 جد آمده رسول حق و جدش بتول
 باشد علی برادر وی آنکه نور ماه
 موسی کاظم آمده باب وی و در آن

صدر فلک بیچشم ملک احقر آمده
 از اوج مهر و ماه و زحل برتر آمده
 کز قدر با سپهر برین همسر آمده
 عرشی بدهر یا فلکی دیگر آمده
 آیش به از بقا و به از کوثر آمده
 کاین صحن از چه روز جنان برتر آمده
 عقل طویل قاصر و وهم اقصر آمده
 مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده
 بروی شرف زفاطمه و حیدر آمده
 از قدر و صدق حور و پری چاکر آمده
 با طالبان مذهب حق یاور آمده
 کز مهر و ماه رأی نکوش انور آمده^۱
 با یمن عصمت از پدر و مادر آمده^۲
 عکسی زنور اوست بدنیا برآمده
 احسان و علم وجود و سخا بیمر آمده^۳

۱. در اصل قصیده پس از این بیت، بیت زیر آمده است:

از اوج علم و فضل و ادب کوکب جمیل

۲. در اصل قصیده پس از این بیت، ابیات زیر آمده است:

یک جد او نبی شرف کل کاینات

یک جد او علی است که از عون کردگار

یک جد او حسین علی کانک در سخا

جد دگر علی حسین است کز کرم

۳. ابیات زیر پس از این بیت در اصل قصیده آمده است:

نه به زجده‌اش بیجهان فطرتی نکو

بر مسلمین زمجد و هم کرد رهبری

روی جهان زدرگه او یافت آبرو

وز دُرُج حلم و مجد و شرف گوهر آمده

کز جود حق زجمله زُسل مهتر آمده

در روز جنگ صفدرو نام‌آور آمده

مولای عاصیان و شه محشر آمده

دین داورو رحیم و رهی پرور آمده

نه مثل جد عالی آن صفدر آمده

بر زایرین بچود و کرم رهبر آمده

پشت فلک بسجده او چنبر آمده

روی امید جمله عالم بدین در است
 فوج مَلک زشوق دمادم گشوده پَر^۱
 از بهر سود بر دَرِ دربار عدل وی
 ویرا هزار بنده بود کز شکوه و شان
 هم آن بداوران زسنا آمده کفیل
 تا امن شاه آمده دادار ملک و دین
 تیهو جلیس و مونس باز جری شده
 از عالمش برون صف میدان حربگاه
 رمح و حسام آن شه دوران بگاه حرب
 انجم سپاه و ماه رکاب فلک خیام
 شمشیر و بزم و مجلس و میدان و طبل وی
 از مهر او ببزم ولی آمده ضیا
 هر روز بهر چاکر آن داور زمین
 در بحر جود و برج عطا حلم و بیدقش
 دوران جمال و مجلس وی را چو دید گفت

حاجت هر آنچه بوده از این در برآمده
 وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده
 نوشیروان ز وجد روان از سرآمده
 هر بنده صد ملکشه و صد سنجر آمده
 هم آن بسروران ز عطا سرور آمده
 تا عدل شاه صاحب بوم و بر آمده
 آهو انیس و حارس شیر نر آمده
 از انجمنش فزون سپه و لشکر آمده
 بیضا بجنگ گاهی و گاه از در آمده
 مهر از برای شاه همی افسر آمده
 ز اوصاف هر یک از دگری آشهر آمده
 از کین او بحلق عدو خنجر آمده
 خنگ فلک بطوع به زین زر آمده
 آن آمده است لنگرو آن محور آمده
 مهری ز اوج جود سوی خاور آمده

۱. این ابیات تا اینجا باقی است و مابقی خراب شده است. باقی اشعار در اصل قصیده بدین ترتیب است:

یکجا زبهر چاکری زایران اوست	یکجا زبهر خادمی این درآمده
کردم بدل خطاب که این قبه چنین	قدر از که یافت از که بزب و فر آمده
گفتا بعون اینزد و سلطان عصر آن	کسو را ز لطف فتحعلی یاور آمده
سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او	بستان مُلک و گُلین جان را برآمده
آن پادشاه کز اثر عدل و داد او	شهباز و کبک هم پر و هم شهپر آمده
آن خسرو زمین که باوج قدوم او	اورنگ مُلک را به فلک سر برآمده
کشورگشای عالم وزین ملوک آن	کز او کمال و قدر بهر کشور آمده
فرمان دهی که نزد کمین بنده سراس	هر شاه بوده بنده و فرمان برآمده
عبد و مطیع و بنده و فرمان برش زجان	کسرای رای و سنجر و اسکندر آمده
خاقان برای بندگی او ز ملک چین	از طرف روم زایر او قیصر آمده

نه به زوی بزیر فلک بوده است شاه
این قبه زیب زین شه والا تبار دید
چون قبه یمن زیب بزر داد دهر گفت
گفتم زجود شاه بعالم قصیده
کردم رقم زیمن اله این قصیده را
ابیات این قصیده هر آن یک بدلبری
گفتم قصیده که چنان لعل پُر بها
هر مصرعی از این چو یکی حور لاله‌رو
ناطق دعا بگو که بمرآت طبع و عقل
تا اسم نرگس آمده و لاله در زبان
چهر موالی شد و روی عدوی شاه

نه مثل او بروی زمین داور آمده
کز برو قدر داور بحر و بر آمده
زیمن قبه رفیع گهر بر زر آمده
کز آن دهان فکر پُر از شکر آمده
کز یمن آن بدفتر من جوهر آمده
مانند حسن روی بتان دلبر آمده
مقبول طبع قابل هر اشعر آمده
هر بیت آن دو ماه پری پیکر آمده
پیدا دعای شاه عطا گستر آمده
تا نام اصفر آمده و احمر آمده
از شوق احمر و زعنا اصفر آمده»

کتابه بالای ایوان آینه

انشای کتابهٔ این ایوان از شیخ محمد حسن مجتهد قمی و خط ثلث ملاً رجبعلی
مُذَهَّب مشهدی است که بر روی سنگ مرمر نقر شده است. متن آن بدین قرار است:
قال الله تبارك وتعالى «الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوه
فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجه کانه کوكب درى یوقد
من شجرة مبارکه زیتونه لا شرقیه ولا غربیه یکاد زیتها یضیء ولو لم
تمسس نار نور علی نور یهدى الله لنوره من یشاء ویضرب الله الامثال
للناس والله بکل شیء علیم» وبعد لقد حاز اصل المجد والشرف
وجاز کل سلف وخلف ببناء هذا الصحن والایوان المباهی فی زهو
جماله ابهى قصور الجنان فی دولة الامن والامان ودورة العدل
والاحسان عهد السلطان علی الاطلاق والخاقان بالاستحقاق
الشهیر بصفاته بل هی تشتهر بذاته الجدید لها بحقیقته کما أنها لا
تجدیر إلا بحضرتة السلطان بن السلطان بن الخاقان بن

الخاقان بن الخاقان السلطان ابوالظفر والانتصار ناصرالدين شاه قاجار لا زالت بقاع الارض بندى عدله مطلوله وسيوف الشريعة المطهرة في ايامه مسلولة جناب الاجل الاكرم وحضرة الاعظم الافخم ذوالمعالي التي دلت على طيب الاعراق والمحامد التي انعقد عليها الاتفاق خفقت على شريف رأسه من المكارم والبُنود وخضع لهيبته سلطان العساكر والجنود وخرّ لجلاله السيد والمسود وذلت لصعوبته الضواري من الاسود وزير الخاقان امين السلطان ميرزا علي اصغر خان نجل سمي خليل الرحمن فخر عصره وفحل دهره فلا غرو أن يجري الجود على عرق مثله وتلوح مخايل الليث في شبلة قد ارتقى الى مدارج عاليه ومعارج ساميه وثنى له وسادة الصداره وخلف منه الامارة الوزارة ومنه اصول هذه العمارة فالجناب الاجل النبيه خلف صدق من ابيه - بابه اقتدى امين في الشرف - ولكن الفضل يكون للخلف - وارخ عامٌ للبناء ان ترم فحاسبن هذه جنة قم ۱۳۰۳ كتبه رجبعلى الخادم.

کتابه بالا در ورودى ايوان آيينه به رواق مطهر:

«من زار فاطمة بقم فله الجنة»

کتابه دور گنبد مطهر از خارج

فتحعلی شاه گنبد قدیمی را که از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود خراب کرد و به جای آن گنبد طلاکاری فعلی را بساخت. قصیده فتحعلی خان صبای کاشانی به خط نستعلیق آقا مهدی تهرانی ملک‌الکتاب، به شرح زیر، دور گنبد از بیرون دیده می‌شود:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا رضوان

یا که زرین بارگاه بضعه موساستی السلطان فتحعلی شاه قاجار

بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر یا برهان

خاک درگاهش عبیرو سنبل حوراستی السلطان فتحعلی شاه قاجار

نوگلی رنگین زطرف گُلشن یاسین بود یا دیان عمل غلام^۱ شاه محمدحسین اصفهانی
 آیتی روشن بصدر نامه طاهاستی السلطان فتحعلی شاه قاجار
 پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفاست یا منان
 زهره از آسمان عصمت زهراستی السلطان فتحعلی شاه قاجار
 نسبتی صحن حریمش را به پاتاق حرم یا حنان
 کاین مکان عزت و آن مسکن غراستی السلطان فتحعلی شاه قاجار
 صحن او راهست اقصی پایه عزت جنان یا غفران
 کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی السلطان فتحعلی شاه قاجار

کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان طلا

بر بدنه گلدسته‌ها، نام‌های «الله» و «محمد» و «علی» با خط کوفی معقلی دیده می‌شود.
 دور گلدسته سمت راست در بالا:
 ان الله وملائکته یصلون علی النبی
 دور گلدسته سمت چپ در بالا:
 یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه

کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان آینه

بر بدنه هر دو گلدسته نام «الله» با خط کوفی معقلی مکرراً نوشته شده است.
 دور گلدسته سمت راست در پایین:
 «یا حنان» تکرار شده است.
 دور گلدسته سمت راست در بالا:
 الحمد لله ولا اله الا الله
 دور گلدسته سمت چپ در پایین:
 «یا حنان» تکرار شده است.

۱. کلمه غلام در اصل کتیبه با قاف نوشته شده است.

دور گلدسته سمت چپ در بالا:

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

کتابه بالای سردر ورودی صحن عتیق به مدرسه فیضیه

صحن کهنه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است. فتحعلی شاه آن را خراب کرد و بزرگ‌تر گردانید و آب‌انباری ساخت و مدخل آن را در این صحن گذاشت. از صحن عتیق که به مدرسه فیضیه می‌روند ایوان و کریاسی است که مرحوم حاجی میر سید حسین متولی‌باشی به فرمان ناصرالدین شاه، آن را تعمیر و مرمت کرد. ابیاتی از آقا مجید شاعر به خط نستعلیق میرزا عمو بر بالای ایوان بر روی کاشی نوشته شده است. این کتابه به شرح زیر است:

«بعهد خسرو جمجاه ناصرالدین شاه	که سوده رفعت وی پی به تاج کیکاوس
جناب تولیت‌آرا سیمی سبط دوم	که قدر اوست بر از دانش عقول و نفوس
خود این مقرنس شایان و این بلند ایوان	که رشک انجم کیوان و چرخ آبینوس
بزیب صحن‌گزین دخت موسی جعفر	جناب فاطمه اخت خدیو خطه طوس
شعاع شمع شبستان عصمت کبری	شفیعه دو سراکردگار را ناموس
خلیل‌وار برافراخت آن‌چنان‌که نواخت	مسیح روز و شب اندر فراز او ناقوس
چو شد زهجر نبی یک‌هزار و سیصد و یک	زچرخ داد عطارد بکلک سید بوس

راقمه میرزا عمو»

مقبره مهدعلیا در صحن عتیق متصل به ایوان طلا

این مقبره به امر ناصرالدین شاه ساخته شده است. سنگ قبر مهدعلیا یکی از ظرایف هنر سنگ‌تراشی است و مرمر یک‌پارچه است. ابیات زیر بر آن خوانده می‌شود:

«هو الحي الذي لا يموت

دخت امیر یگانه قاسم قاجار آنکه چو گنجی بزیر خاک نهان شد
رانپائیش فتحعلی بُود و شه آنکه چهل سال زیب تخت کیان شد

جفت محمده آنکه همچو سلیمان
مادر صاحبقران عصر که ملکش
شاه پسر و شاه نیاو شاهش شوهر
مغفرت و رحمت از خدای طلبکرد
زیر نگیں اندرش زمین و زمان شد
از ملک العرش با مزار قران شد
خود نه شگفتی بود که شاه زنان شد
سوی جنان رفت و هرچه خواست چنان شد
رو بمحمد خدیجه ز جهان شد
رفته نود از پس هزار و دو صد سال
۱۲۹۰

عمل حاجی محمد علی حجار تهرانی و میرزا علی اکبر حجار ولد مشاڑالیه
در هلال زیر کتابه:

هو الحي الذي لا يموت

بحسن مراقبت جناب جلالتما ب عضدالملک علیرضاخان قاجار -
دام مجده العالی - اتمام یافت

حاشیه سنگ:

الهی بنی عربی و رسول مدنی الخ

مدفونین در مقبره مهدعلیا

کتابه سنگ قبر فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر حاجی مجدالدوله

«دریغ از انقلاب آسمانی
مرو بر سفره گردون که این دون
مشو ای گوسفند از گرگ ایمن
درین دنیای فانی کس ندیدم
صفای غنچه در گلزار خوش بود
کسی این پسند را چون حلقه در گوش
مرا از فخر فخرالدوله گفتند
پدر بُد ناصرالدین شاه قاجار
مرا اندر سفرها و حضرها
نماند هیچکس را کامرانی
پشیمان می شود از میزبانی
که از گرگان نیاید گله بانی
مگر از بعد چندی گشت فانی
نبودی گر زپی باد خزان
اگر این لوح بر خاکم بخوانی
گلی بودم زباغ خسروانی
که بد زبنده بر تاج کیانی
همی می پرورید از مهربانی

بُدم خوشدل که می‌گفتند خلقی
که این خانم ندارد هیچ ثانی
بناگه در هزار و سیصد و نه
بلا اولاد در سن جوانی
ز صیاد اجل خوردم یکی تیر
طپان گشتم بخاک ناتوانی
تو هم ای آنکه بر قبرم گذشتی
چو من هرگز نمانی جاودانی
بیا بر تربتم از روی اخلاص
به الحمدی مددکن گر توانی»

کتابه سنگ قبر حاجی مجدالدوله

«ای دریغ از حاج مجدالدوله والا گهر
آن امیر نامجوی نام دار نامور
گوهر یکتای خال ناصرالدین شاه راد
شاه را داماد نیکو اختر و فرخ گهر
خوانسالار شه ماضی که در دوران شاه
خلق می‌گشتند از خوان نوالش بهره‌ور
ایلخان ایل قاجاری که آن ایل جلیل
بر یلان بودند در ظل ظلیلش مفتخر
شیردل میر پلنگ افکن که هنگام مصاف
داشستی رزم آزمائی با قضا و با قدر
ای هزار افسوس کز دنیای دنی
همچو آهو شد زبون در چنگ گرگ آن شیر نر
اندر اسلام و دیانت الحق او برجستگی
داشت در بین تمام امت خیر البشر
نام او مهدیقلی خان بود و این نام نکو
بر در هشت و چهارش هادی است و راهبر
چون پناه خلق بود از حسن فطرت حالیا
در پناه حضرت معصومه شد او را مقرر

همچو فرزندی کجا زاده است مادر در جهان
 همچو دلبندی کجا پرورده در دامن پدر
 در هزار و سیصد و پنجاه و هفت آن جان پاک
 کرد در ماه صفر زین دار محنت چون سفر
 از پی تاریخ فوتش نطق رضوانی بگفت
 جفت مجدالدوله شد سوی سفر ماه صفر»

* افسرالدوله دختر ناصرالدین شاه، متوفای ۱۳۱۹.
 * فخرالملوک دختر ناصرالدین شاه و همسر اعتضادالدوله. ماده تاریخ فوتش به
 قرار زیر است:

کلک حکیم خواست چو تاریخ زد رقم دفتر سیاه کرد و زبان قلم برید
 نقصان نمود پنج زتاریخ سال و گفت فخرالملوک جای بصحن جنان گزید»
 * نورالسلطنه دختر مظفرالدین شاه، متوفای دوازدهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۵۵.
 * اقدس السلطنه دختر مظفرالدین شاه، فوت ظهر جمعه چهاردهم محرم ۱۳۷۰.
 * اخترالدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر ارشدالدوله، متوفای ماه صفر ۱۳۳۷.
 * مؤیدالدوله پسر حسام السلطنه فاتح هرات. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته‌اند:
 مستورخ سئل التاریخ مرتجلاً فقیل فوزاً له من رحمت الباری
 * جعفر قلی میرزا معروف به معین السلطان، متوفای سال ۱۳۲۳ قمری.

مقبرهٔ معتمدالدوله منوچهرخان گرجی در صحن عتیق

از سنگ قبر معتمدالدوله اثری برجای نیست. در سال‌های ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۰ شمسی
 این سنگ را از میان برده‌اند. فعلاً چهار جفت در، در چهار جهت مقبرهٔ او برجای
 است که از ظرایف هنری است. آنچه از خاتم‌کاری آنها برجای است، بسیار ظریف و
 جالب نظر است. ابیاتی بر باثوها و پاسارهای درها بوده است که بیشتر آنها را بیرون
 آورده و به یغما برده‌اند. احتمال دارد در ایامی که سنگ قبر او را از مان برده‌اند، برای
 گم کردن نام و اهمیت مقام او بدین کار زشت دست زده‌اند.

طرح بنای مقبرهٔ منوچهرخان گرجی نظیر بنای مقبرهٔ محمد شاه قاجار است که به دست داوودخان پسرش بنا شده است. باقی ماندهٔ ایات کتیبهٔ یکی از درها بدین ترتیب است:

«بدور شهی کز مفاتیح غیب برویش درِ بسته باز آمده
 که دوران از او سرافراز آمده
 خدیو ملک هوش منطق سروش
 خراجش زمصر و حجاز آمده
 به حضرت چو او چاکری شه نداشت
 چو زد کوس رحلت زدار غرور
 که دار سرورش بساز آمده^۲
 زایوان جاهش شد این بقعه جای
 بدیبای شوکت طراز آمده^۳
 بسترتیب در حکم باز آمده
 دری بین برحمت فراز آمده
 ۱۲۶۴»

بر دو لنگهٔ در دیگر که در این مقبره است، ایات زیر خوانده می‌شود:

«بروی جهان باز درهای رحمت
 شهنشاه غازی محمد شه آنکو
 کمربست و شد بر درش گرم خدمت^۴
 ابوالمجد امیری که بر درگه شه
 منوچهرخان کز جنانش بهر عزم
 قضا و قدر می‌گرفتند رخصت

۱. این مصراع فعلاً بر درِ ورودی نصب شده است.

۲. نزدیک این مصراع نام محمد باقر اصفهانی و تاریخ ۱۲۶۴ دیده می‌شود.

۳. این مصراع نیز بر درِ ورودی نصب شده است.

۴. این مصراع فعلاً بر درِ ورودی نصب شده است.

بعهلش زمین آسمان شد که بودی
 بسوی جنان از جهان کرد رحلت
 سپهر جلال است دکان فتوت
 که گردون نیارد برش لاف رفعت
 اساسی چو کاخ فلک در سعادت
 گرفتگی بدنجان سرانگشت حیرت
 که باد احترامش بجا تا قیامت
 در بقعه باد از درهای رحمت
 «۱۲۶۴»

ابیاتی که بر درِ ورودی این مقبره است
 «به دوران عدل شه کامگار
 جهان قهرمانی که از جان شده

 منوچهرخان خاص آن آستان
 که تا اوستادان کارآزمود
 پس از حکم داوودخان بقعه‌اش
 گذشت از جهانی که بودش بکام
 امیر معظم منوچهرخان

 چو انجم به تاریخ این درگرفت
 نسیمی که در هشت جنت وزید
 در بقعه معتمد شد پدید»^۱

۱. مصراع‌های این قطعه درهم ریخته بود، نگارنده به حدس آنها را به جای خود گذاشت و دو سه مصراع که متعلق به درهای دیگر بود به جای خود برد.

ابیات و مصراع‌هایی که بر درِ دیگر باقی مانده است

بعهد شهنشاه کشورگشای
که اسکندرش کمترین بنده بود
.....
.....
که بی او نبودی جهان را نمود
از آئینه‌ خاطر خود زدود
بسوی جنان از جهان بست رخت
چو این بقعه‌اش مدفن آمد بقم
چو این جنتش فضل حق رهنمود
که گردون ز قدرش درآمد فرود
اشارت باشراف درگاه رفت
یکی از برون شد درون و بگفت

مقبره فتحعلی‌شاه قاجار در صحن عتیق

ابیاتی که بر دو لنگه درِ ورودی مقبره فتحعلی‌شاه است

«بعهد خسرو عرش آستان محمد شاه
بزرگ بار خدائی که از خدای بزرگ
لطیف عنصرش از نور ذات بی‌سایه
توان بذات ز عقل نخست بردش پی
تطاولی نرسد تا بصعوه در عهدش
زمضجع شهی این کاخ خلد را همدم
که یاد عهدش و با نه سپهر برگ و نوا
ستوده فتحعلی‌شه که در جهان و جنان
دمی هزار طوافش ز زایران بعراق
بامر شاه زمان داور فرازو فروز
خجسته معتمدالدوله آنکه کینش و مهر
که خسروانش بدرگه نهاده روی نیاز
زهر چه بار خدایان بدآوری ممتاز
فرید گوهرش از فر فرد بی‌انباز
بل شدن بحقیقت توان ز راه مجاز
باحتیاط فرو دوختند دیده باز
زمرقد مهی این بقعه عرش را همراز
که ذکر امنش و از هشت خلد نعمت و ناز
سواد برده سجودش، مجردات، نماز
بسال یکره اگر طوف محرمان بحجاز
زافتخار جهان این در رواق فراز
بدین و دولت دشمن گداز و دوست‌نواز

جهان جود منوچهرخان که بخشد زر برون نرفته هنوزش سببیکه از دم گاز
 زامر او چو ازین در بدین حرم زیور زحکم وی چو ازین در باین حریم طراز
 دبیر عقل باثبات سال تاریخش نگاشت این در عالی زمعمد شده باز»

ابیاتی که بر دو لنگه در شرقی مقبره فتحعلی شاه حک شده است

«اینکه در کعبه‌اش زشرف اندر اعتکاف فردوسش از علا بقصور اندر اعتراف
 دمگاه خسروی که ملک را درش مناص دربار داوری که فلک را درش مطاف
 شاهنشاهی که از مه و خورشید رأیتش مه انخساف یافته خورشید انکساف
 فتحعلی‌شه آنکه ملوک و ملائکش آورده در جهان و جنان گرد در طواف
 در فرش، خاکیان برواقش در ازدحام از عرش، قدسیان بطوافش در ازدحام
 اکفی الکفات معتمدالدوله کز سخا ناداده کن فکان کف کافیش را کفاف
 خان خجسته چهر منوچهرخان که مهر رویش در استتار چو رایش در انکشاف
 در رشته‌ای است یوسف قدرش که اندر او زالی است چرخ و مهر بدست اندرش کلاف
 محکم بدستیای او پای اعتدال کوته زپایمردی او دست اعتساف
 امرش کند بگوهر اجرام اختلال مَنعَش بَرَد زعنصر اضداد اختلاف
 رنجور ملک را بتن از رای او توان سرسام خصم را بسر از تیغ او رعاف
 از امر او که همچو قدر نی درش بداء از حکم او که همچو قضا نی درش خلاف
 شد افتتاح این در خاتم که تا ابد ایمن زانسداد و مصون باد از انصراف
 تاریخ سالش از خردم شد سؤال گفت: «این در [به] از مقام در کعبه در طواف»

۱۲۵۷

ابیاتی که بر دو لنگه در غربی مقبره فتحعلی شاه حک شده است

در زمان خسرو غازی محمدشه که هست تیغش اندر روز کین انباز تیغ بوتراب
 آفتاب خسروان، گیتی ستانی کوگرفت مشرق و مغرب بدان سرعت که گیرد آفتاب

تف توپش، هرکجا، خون مخالف سیل خیز
سیل خیراتش بدیدم آنه شیء عجاب
زین نسیره در جنان بالیده جان پاک جد
زین پسر نازیده در فردوس جان پاک باب
از پدر آمد سیاوش و ش زجد کاوس گون
حبذا کیخسروی کارد بسند افراسیاب
این حرم کز پایه آمد مهبط روح القدس
مضعج پاک‌نیای داور مالک رقاب
دادگر فتحعلی‌شه آنکه از لوح و قلم
شاه فرد انتخاب اندر جهانبانی کتاب
پایه درگاه او از آسمان است احتراز
شمسه ایوان او از آفتابست اجتناب
آستین افشان چو شد زین خاکدان از سوگ او
چرخ را تا دامن محشر بتن نیلی ثیاب
این همایون در ز امر شاه خورشید احتشام
گشت زیب این رواق از خان مریخ احتساب
اعتماد دین و دولت کز ضمیر صائبش
ملک و ملت را کمال و دین و دولت را نصاب
خان کیوان در، منوچهر آنکه از فر ملک
چرخ زنگاری خیامش روشنان زرین قباب
یافت چون زین در طراز این بقعه فرخ که گشت
محرم از حرمت حریم کعبه‌اش اندر حباب
از پی تاریخ سالش زد رقم پیر خرد:

«کین در کعبه مقام، از داور جنت مآب»

سنگ قبر فتحعلی شاه قاجار

سنگی که تمثال فتحعلی شاه بر آن حجاری شده، از سنگ‌های مرمری است که تاکنون سنگی به این صفا و خوبی از معدن کمتر بیرون آمده است. این سنگ را نایب‌السلطنه عباس میرزا، از تبریز به تهران حمل نمود. چون به نظر فتحعلی شاه رسید، عبدالله خان نقاش‌باشی اصفهانی را دستور داد که تمثال همایونی را بر روی آن سنگ کشید و آقا محمد علی حجارباشی آن را در سال هزار و دویست و پنجاه تمام کرد. چون در همین سال فتحعلی شاه فوت شد، جسد او را به قم حمل کردند و در محل کنونی به خاک سپردند و این سنگ را که در تهران بود به قم بردند و بر مضع او قرار دادند.

ابیاتی که بر این سنگ حک است از محمد تقی علی‌آبادی است که به خط میرزا زین‌العابدین کاشانی بر آن نوشته شده و بدین ترتیب است:

«سپاس تو ای پاک پروردگار	بجان اندرم تا بروز شمار
به یکتائیت هرکرا رأی نیست	خرد را به مغز اندرش جای نیست
پدیدار کردی پی نیک و زشت	به محشر دو در از جحیم و بهشت
زتو خاک پیغمبر پاک شد	از این خاکدان بر بافلاک شد
بجای نبی بر نشانندی علی	زنسل علی یازده تن ولی
بدل مهر ایشان چو جان پرورم	بر این هستم وهم بر این بگذرم
مرا بر نشانندی به تخت شهی	ببرویم گشادی در فرهی
مرا ملک ایران و توران زمین	سراسر سپردی به تیغ و نگین
به آرامشم این سرای سپنج	که جای شکنج است و تیمار و رنج
چه خرم بهشتی بر آراستی	بدان زیب و زینت که خود خواستی
عجب نبود از لطف ای کردگار	که در هر دو گیتی بُوم شهریار
از این گفت من بخردان برخوردار	که از دانه ره به خرمن برند» ^۱

۱. این سنگ به درازای ۲۲۸ و پهنای ۱۳۲ و قطر ۱۲/۵ سانتی‌متر و حاشیه کتیبه آن ۱۳/۵ سانتی‌متر است.

در گوشه شمال غربی متن سنگ:

از نتایج افکار ابکار طبع گوهریار شاهنشاه دین پناه، ایدالله ملکه و دولته
از جان گذشته‌ایم و بجانان رسیده‌ایم از درد رسته‌ایم و بدرمان رسیده‌ایم
ما را بسر توقع سامان خویش نیست کز سرگذشته‌ایم و بسامان رسیده‌ایم
بر کُنج جنوب شرقی سنگ:

العامل محمد حسن حجارباشی

میان ضلع شرقی:

کاتبه زین العابدین کاشانی

بالای همین قسمت:

کمترین بنده شه عبدالله

کُنج شمال شرقی:

ناظمه محمد تقی علی آبادی

کُنج شمال غربی:

یا ماحی السیئات

کُنج جنوب غربی:

یا غافر الخطیئات

مدفونین در مقبره فتحعلی شاه

- * شاهزاده حاجی بهاءالدوله، فوت در شنبه بیست و یکم شهر ربیع الاول ۱۳۲۳.
- * کامران میرزا نایب السلطنه، متوفای پنجم ماه ذی القعدة سنه ۱۳۴۷.
- * ماه تابان خانم ملقب به قمر السلطنه بنت خاقان فتحعلی شاه، فوت در شب
دوشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۹.
- * حاجیه شاهزاده مهری جان خانم ملقب به ندیم‌العلیا بنت فتحعلی شاه، فوت
در شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۰۵.
- * زبیده خانم ضجیعہ حاجی بهاءالدوله، متوفای یکشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۱۵.

* زهرا خانم ملقب به بهاءالملوک صبیبة شاهزاده حاجی بهاءالدوله و ضجیعه آقا محمدخان میرپنج، فوت در هفدهم محرم سنه ۱۳۲۱.

* عبدالله میرزا حشمتالدوله پسر حمزه میرزا و نوه فتحعلی شاه. ماده تاریخ فوتش چنین است:

«در کلام شده از مصرع دیگر تاریخ مدفن هرکه به قم شد به یقین محترم است»
۱۳۲۱

* شاهزاده محمد امین میرزا. ماده تاریخ فوتش از این قرار است:

«نوشت مشتری از بهر سال تاریخش سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین»
۱۳۰۴

* شاهزاده صاحب خانم ملقب به حاجیه شاهزاده خانم بنت محمد امین میرزا ابن خاقان جنت مکان، متوفای شهر محرم سنه ۱۳۰۴.

* فتح الله شعاع السلطنه پسر فتحعلی شاه در شصت و دو سالگی فوت شد. ماده فوتش بدین قرار است:

«پی تاریخ آن رضوان رقم زد فزون آمد شعاع خلد از وی»

کتبه محمد ابراهیم تهرانی ۱۲۸۷

* احترام السلطنه همسر صنیعالدوله در شهر شعبان. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته اند:
«خواست سازد سال تاریخش رقم کلک حکیم

استعانت جست در این کار از عقل سدید

هفده از تاریخ هجرت منفصل بنمود و گفت

احترام السلطنه در صحن مینو جاگزید»

۱۳۲۱

سه زوج در ظریف مقبره فتحعلی شاه مورخ ۱۲۵۷ و کار اصفهان است.

کتابه بالای سر فتحعلی شاه در یکی از صفه های هشت گانه

این کتیبه که بر سنگ مرمری به بلندی ۲۲۵ و پهنا ۱۳۵ سانتی متر حک شده، شامل دو بخش مشخص است:

بخش نخست مانند سر قابی برجسته قسمت بالایی بخش دوم را دربرگرفته است، و بخش دوم در داخل این قاب بندی قرار دارد.

بخش نخست شمال ۱۴ سطر است که از سطر هشتم، سطرها از میان دو تکه می شود به گونه ای که این فاصله در سطرهای بعدی بیشتر و بیشتر شده تا جایی که در سطر چهاردهم فقط چند کلمه بیشتر نیست:

س ۱ «بسم الله الرحمن الرحيم لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلی تباركت
تعطی من تشاء و تمنع تحسین و درود مر نخستین صدور و ورود عرصه
شهود را احمد محمود - صلوات الله علیه وآله و اوصیائه الغر الاثنی عشر -
منت و سپاس مر بخشنده نعمت و بخشاینده نعمت را سزد و بس که پس
از انعام عام و اعطای تام گدا و شاه را در آن یکسان خواست نه

س ۲ از آن جان دریغ داشت و نه از این نان بازگرفت ذات همایون ما را
مزیتی دیگر مزید بر شماره و فزون از عدد ستاره کرامت فرمود که با
هزار چونین زبان شکر یکی از آن نتوان کرد با یک زبان در ادای
چندین هزاران چه زیان افتد الهی انت كما اثنت علی نفسک
وقلت وقولك الحق وان تعدوا نعمة الله لاتحصوها از

س ۳ آنجا که پیغمبر پاک و برگزیده لولاك بر اشاعة رحمت و اذاعة
نعمت در کتاب مسطور مأمور آمد که واما بنعمة ربك فحدث و
اظهار نعمت را نوعی از ادای شکر شمرد زیرا آنکه نعمت شناسد
شکر را نشاید و آن را که شکر نشاید نعمت نباید تأسی بآنجناب در
متابعت خطاب و مطاوعت کتاب واجب که لقد كان لكم في

س ۴ رسول الله اسوة حسنة آنچه از فواضل احسان و فضائل انعام
مخصوص خصایل و شمایل ما داشت که بدان آیات ذات ما را از
ممکنات افزون خواست با کمال اعتراف بعجز از احصای آن
بمدلول المیسور لا یسقط بالمعسور امهات آن بینات بی تکلف
منشیانه و تصلف مترسلانه بر حسب تقریر دلپذیر

- س ۵ بزبان خامه صاحب دیوان رسایل بر این لوحه ارشاد تحریر رفت که بینندگان حاضر را تذکری و آیندگان غایب را تفکری حاصل آید تا بدانند این خداوندان ملک کز پس خلق است دنیا یادگار هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق گوهر پاکم ایل جلیل قاجار از آق قویونلوی ترکمانیه و آن قبیله نبیله از اولاد
- س ۶ ترک بن یافث بن نوح که بیافث اوغلان مذکور و بکثرت اولاد و احفاد مشهور آبای کرام و اجداد با عدل و داد ما در استرآباد گرگان بعد از استیلاء بر ترکمانان علم جهانگشائی افراختند شاه قلی خان پدر پنجم ما که سرخیل آن انجم بود پس از انقضای مدت حکمرانی از این جهان فانی درگذشت زمام اختیار
- س ۷ بفرزند ارشد فتحعلی خان بازگذاشت او امیری بود پادشاه نشان بمعاضدت شمشیر و مساعدت تدبیرش دولت علیه صفویه را استقامت و استحکامی تمام حاصل بود پس از شهادت او نادرشاه افشار چندی بهتک و فتک ایران را ویران گذاشته درگذشت نوبت سلطنت موروث بمحمد حسن خان فرزند رشید سعیدخان
- س ۸ رسید او پادشاهی مؤدب نفس مجرب عقل مهذب رای بود در اندک مدت ممالک عراق و فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس — مسخر و مغلوب ساخت پس از انصراف مهلت و انصرام مدت بر عادت زمانه ناپایدار زمانش بسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند پدر نام دارم
- س ۹ حسینقلی خان ملقب بجهانسوزشاه و عم تاج دارم محمدشاه که گوهر یک درج و اختر یک برجند بسبب استیلائی کریم خان زند — عم تاج دارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه و پدر شمشیر گذارم تا از چاه بجاهش کشاند مغفر سر بر تاج زر کمان و کمند بر حمایل گهر نطق

- س ۱۰ شمشیر بر کیانی کمر نمد زین بر خسروانی بستر برگزیده داستان‌وار
داستان‌های مردی و مردانگی بیادگار گذاشت — عاقبت بهمان
اختلاف بشهادت سعادت یافت تا کریم‌خان زند که باعث آن کار
ناپسند بود از زاد نان و شراب
- س ۱۱ چون نقش بر آب و موج سراب ناچیز ماند عم نام‌دارم از شهر بند
شیراز چون — راه مازندران گرفت و بکم وقت ایرانرا مسخر کرد و
او پادشاهی بود با بطش شدید و طیش سدید
- س ۱۲ رایی صایب و اندیشه‌ثاقب داشت در سال ۱۲۱۱ بگشودن
شوشی حصار عزم جزم — کرد پس از تصرف آن صخره سما و قلعه
شما از مفسدت صادق‌خان
- س ۱۳ کرد شقاقی بظلم سه کافر نعمت مردود — در ذیحجه الحرام بدرود
تاج و تخت کرد
- س ۱۴ راقمه محمد حسین الطهرانی ۱۲۵۷ — بحجاری استاد محمد حسین
بخش دوم کتیبه که از بالا صورت شیروانی شکل دارد، شامل ۳۸ سطر است. این
بخش از کتیبه همراه با اشعاری است که در متن اصلی در مستطیل‌هایی جای داده
شده است؛ در اینجا بافاصله و علامت × مشخص شده است:
- س ۱ یا ستار (انالله وانا الیه راجعون) یا غفار
- س ۲ باهتمام سرکار مقرب الخاقان جهاننا مپورر چو خواهی درود × چو
می‌بلروی پروریدن چه سود سهراب خان صورت اتمام پذیرفت
- س ۳ پس صادق‌خان تاج و تخت و کلاه سلطنت برایگان یافته خیلائی
سروری و کشورگیری در دماغش جایگیر شد غافل از اینمعنی
نه هر سری بکلاهی سزای سرداری است
- س ۴ خبر این داهیه بزرگ و واقعه موحش در دارالملک فارس بمجامع
دولت و مسامع حضرت ما رسید کیخسروآسا دلی پر زرد و سری
پر زکین × بخو نخواهی شاه ایران زمین با معدودی از سران سپاه

- س ۵ و خاصان درگاه رای بتخگاه ری آوردیم صادق خان با شصت هزار لشکر بقزوین رسید چهار هزار کس از منزه‌مین شوشی شکسته و خسته بهم در پیوسته خدا را یاد کردیم و از او درخواست داد شدیم چون شهاب بر شیطان و برق بر کتان و صاعقه
- س ۶ بر گیاه برو تاخته ظفر یافتیم تخت و کلاه ازو بازستاده آن سه مرد گناه را بآتش سوختیم بر تخت سلطنت با شوکت جم بر جای عم نشستیم بفر فریدون بر افرازگاه × ابا یاره و خسروانی کلاه بدیهم شاهی سرافراختیم × بگیتی ره و رسم نو ساختیم ز شاهان گیتی گرفتیم باج × نهادیم از مرد دهقان خراج
- س ۷ بعزم‌های جازم و حزم‌های حازم کشورها گشودیم و لشکرها شکستیم زیردستان زیردست آوردیم و بر زیردستان بخشایش کردیم از منتهای گرج و آژمن تا اقصای غزنین چهار ماهه راه طولاً و از کنار عمان تا لب بحر خزر دو ماهه راه عرضاً بسطوت قاهره مسخر و از عدل کامل و رأفت شامل غواشی ظلم و بیداد
- س ۸ از حواشی مملکت مرتفع و پای تعدی از عرصه جهان منقطع داشتیم شاهزادگان با عدل و داد را بر قاعده و یاسای عدالت تا کشور آبادان و معمور دارند و همت بر حفظ حدود و ثغور گمارند در هر شهری شهریاری و در هر عرصه شهسواری گماشتیم بحسب احیای مراسم شریعت غرا و ابقای قواعد ملت بیضار را سر دفتر روزنامه دولت
- س ۹ و اقبال ساخته از مه انام بدست ائمه اسلام نهادیم در همه بلدان مساجد و مدارس و معابد برپا داشته مفتیان مجتهد و مقتدیان متعبد عالمان مفید و طالبان مستفید بارشاد عباد در اصلاح معاش و معاد مستقر وظایف و ادرات مؤنه ایشان زیاده از یک کرور مقرر و مستمر داشتیم پس از چندی صیت تغلب و تسلط روس در ممالک روم و فرنگ

- س ۱۰ عالم‌گیر شد سرحدنشینان گرج و آرمَن و فتنه‌جویان قفقاز و قزلر به سبب ارتباط مذهب و اختلاط مشرب که الکفر مله واحده کفره لجوج روس را چون قوم یاجوج از سد دربند و حد البرز کوه بحواشی مملکت آذربایجان راه دادند ردع آن ماده حاده و دفع آن عارضه ضاده به تیغ تیز و خنجر خونریز نافع و ناجع یافتیم با لشکری گران بیکران و آلات و ادوات
- س ۱۱ شایان شاهان جهان‌ستان چون سیل منحدر که از فراز بنشیب تازد بدفع و رفع آن گروه عنان عزم گشادیم این زحمت را رحمت الهی و این معادات از سعادات نامتناهی ذات و توفیقات خاص خود شمردیم آفتاب این موهبت بروزگار دولت ما تافته درجه رفیعه جهاد فی سبیل الله یافتیم بشکرانه این سعادت بیست و هفت سال با عبده اصنام مکاوحت
- س ۱۲ و مکافحت در پیوسته در دارو بُرد و طرد و نبرد حر از برد نشناخته لیل و نهار و خزان و بهار از کار پیکار نیاسودیم در سال یک‌هزار و دو‌یست و چهل و دو هجری کفره روس قدم تجاسر پیش نهادند مجاهدان ایران در بذل نفس مردی پیش کردند مواعید صادق من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف توتیه اجراً عظیماً آئین و کیش
- س ۱۳ و سرمایه امید خویش ساختند پس از طول مدت خونریزی مفرط ضروب و حروب مفعج دریغ داشتیم که نفوس محترمه مسلمان اگرچه در خدای یک نفس طاهر هزار نفس شوم کافر ازا یابد ادی بیند [کذا] و نیز تکمیل کار جهاد که در فرمان جلیل باموال و انفس امر رفته ناقص نخواستیم آنطایفه منحوسه که بحرص و شره موصوف و مانوس اند از صدمات
- س ۱۴ بیست و اند ساله ایرانیان ترک سرکردند و طمع زر نبریدند ده کرور زر نقد از خزانه عامره بوقایه جان اسلامیان بذل کرده آنطایفه خبیثه

را از آنملک بسرحد مملکت خویش باز پس فرستادیم چون کار جهاد بآخر رسید و روزگار پایدار سلطنت از سده اول بقرن ثانی پیوست از سلاطین اطراف سفرا و وکلا با هدایا و تحف از انواع ظرایف و طرف بدرگاه اعلی

س ۱۵

متوارد و متواصل و از نفایس امتعه و اقمشه شرق و غرب و صنایع بدیعه سلیم و حرب چندان واصل گشت که در حد و عد نیاید در تفصیل این اجمال و تحقیق این احوال محرران وقایع دولت و مورخان آثار خلافت نظماً و نثرأ کتب و دواوین پرداخته آوازه این شوکت و اقبال آویزه گوش جهان ساخته اند اکنون که سال هجرت ۱۲۵۰

س ۱۶

وزمانه سلطنت چهل و عمر مبارک شصت است در بستگی های کار ملک گشایش بیش کردیم و بخشایش بر مسکین و درویش درآوردیم رایت عدل و انصاف بر آسمان افراشتیم و آیت جور و اغتساف از صفحه صحیفه روزگار برداشتیم ملک مصونست و حصن ملک حصین است منت وافر خدایرا که چنین است فحمداً له ثم حمداً له از آلا و نعمای

س ۱۷

نامتناهی که مخصوص ذات و صفات ما داشت و بدان خصایص از پادشاهان جهان و فرمان دهان زمانم به نیک اختری برتری فرمود صفات حلیه جمال و جلال و کمال است جمالی که آفتاب و ماه از دور قل هو الله احد چشم بد از روی تو دور بر خوانند حاضران ناظر را از مطالعه آن مبارکه فتبارک الله احسن الخالقین ورد زیانست نقاشان مانی نگار

س ۱۸

و چهره پردازان زرکار از تصویر این صورت زیبا و شکل و شمایل دلارا زینت کار و رونق بازار و شوق خریدار جویند و صفحه خاطر از دیگر نقش ها بشویند از سیاست عدل فتنه سوز ظلم گداز و حراست فضل عاجز پرور ضعیف نواز موری بعنف بار سلیمان

نکشد و ماری بحیلت رهبر شیطان نشود در مجلس انس و محفل
قدس باشتغال باعمال سلطنت

س ۱۹

و احتمال مهمام مملکت و عدم ممارست بکتاب علمیه و مداومت
بتصانیف عملیه آنچه از تسهیل مشکلات و تحلیل معضلات و
تفصیل مجملات و تصریح محکمتات و توضیح متشابهات از
ملهفات خاطر وقاد و واردات ضمیر قدسی نهاد در مراتب ایقان و
عرفان تراوش گیرد و نگارش پذیرد و محققان عهد و افاضل عصر
برسایل برند و از آن قواعد فواید حاصل و حل مسائل کنند

س ۲۰

اهتزاز خاطر و انبساط ضمیر را با ندیمان خدمت و ادیبان حضرت
وقتی اگر در نظم اشعار و وزن افکار ابکار اتفاق فرصت و التفات
صحبتی افتد سخن دانان و سخن شناسان که فصیحای عهد و بلغای
زمان اند در زمان سرمایه سخن و پیرایه انجمن ساخته از قصاید
شاعرانه و غزلیات عاشقانه مثنویات عارفانه و رباعیات مشتاقانه
سفینه‌ها پرداخته بحمل سفاین از عمان و نیل بهند

س ۲۱

و روم و مصر ارمغان برند مانا ببرند و پیش دریا بنهند یعنی چو گوهر
دهی چنین باید داد علی الجملة زمزمه عاشقان هند و همهمه
عارفان مصر و غلغله صوفیان روم زان نظم دلکش است و از آن لفظ
دلغریب و نیز مزید کرامت را قبول عامه که از الطاف تامه است بر
این ذات شریف مخصوص داشت و آیه والقیئٰ علیک محبة منی
بر آن منصوص اهل عالم بقای ما را

س ۲۲

اگر از جان گرامی تری یابند بنیاز آرند و لقای ما را از دو جهان
عزیزتری جویند بتار بخشند ذلك فضل الله یوتیه من یشاء خدای
جهان دادم این فرهی × توانائی و فر شاهنشهی قوله تعالی المال
والبنون زینة الحیوة الدنیا که همگان را متنی عظیم و موهبتی جسیم است
از دراری پاک و ذراری تابناک تا این زمان آنچه در رقعۀ مصاف

- س ۲۳ ظهورندو در بقعه عفاف مستور صغیراً و کبیراً مصوناً عن الصغایر و الکبایر ازین چشمه زاینده و صلب فزاینده دویست و پنجاه نفرند احفاد و نبایر یک‌هزار و سیصد برشمرند همه پشت دولت روی نصرت عضد ملک معین ملت فارس میدان شجاعت حارص بیضه شریعت در صورت اگر متعدد و ممتازند در معنی متحد و انبازند محبت و مؤانست فزون از حد نسبت و مصادقت و مؤالفت زیاده از درجه
- س ۲۴ اخوت دارند عرض اموال که زوال و انتقال آن ببدل و بخشش دست دریا نوال منظور و مقصور باد از نسیج آفتاب زر تار و بسیج سحاب گوهر بار اندوخته بحار و جبال و بردوخته صبا و شمال از ریگ دریا در شمار بیشتر و از خاک صحرا در مقدار کمتر علی‌الجملة قطعات جواهر پُربهای بی‌بهای نامی که از خون شاهان رنگ گرفته و از جان پاکان سنگ یافته
- س ۲۵ مشتریش همت جهانگیر و مقوم آن قائمه شمشیر بیع آن را در بازار جان زیان جوهری بیع قاطع است معدود و محدود است دریای نور فرهور تاج ماه گوهر یکدانه لؤلؤ لالا بیضه بیضانگین جم دانه زمان مهر سلیمان کوه طور پرتو نور از آن جمله است از خواسته سیم و زر و ساخته لعل و گهر که احصای آن به هزار دفتر ننگجد و استقصای آن بنهج مختصر نسنجد بدریا و کان زر و گوهر نماند که توقیع مینو ما بر نخواند
- س ۲۶ اجمالاً آنچه از باب صناعت و صیانت ایران در ترکیب آنها قدرت نموده و سلاطین روم و فرنگ در تربیت آن زحمت برده بزینت مجلس آسمان رتبت فرستاده‌اند سلطان روم را هدایا از تاج مرصع و اکلیل مکمل و کمر آویزهای گهر و حمایل مجره مماثل مشحون بلالی شاهوار و یواقیت آب‌دار گوئی جهاز خانه دریا و معدن است و از صنایع ایران تخت خورشید است که از لؤلؤ رخشان و لعل درخشان و دیگر

- س ۲۷ جواهر آب دار آسمانی است مشحون از ثوابت و سیار و نیز تخت سلیمانی که حجاران سخت‌کار و استادان بخت‌یار از سنگ مرمر پدیدار کرده لختی از کوه یاقوت زرد کاسته یا گوهری کان پرورد چون روح پاک از تن خاک برآورده از ایجاد و اختراع پادشاهان روس و فرنگ تصنیعات جنس بلور است که بحمل فُلک فلک سیر از عمان و خزر چون بحری از بحری جواز داده و از ساحل دریا بار بدربار
- س ۲۸ دُربار بر گردون‌های گردون مدار چون حمل گویی بر کوهی نقل کرده‌اند نوعی از آن جنس تخت بلور است که بتخت الماس مذکور لمعه نور است و دیگر حوض بلور است که غواص اندیشه در لجه تصنع آن مصنع خوض نتواند کرد و تیر تفکر دقیقه‌یاب تعیین اوقات و تشخیص ساعات شبانه‌روزی را از زرناب هیکلی به هیئت فیل ترتیب و ترکیب کرده علامات و آلات چند بر او تعبیه ساخته و علامات و بالنجم هم یهتدون گوش و دُمی مروحه جنبان و پشه‌ران دارد خرطومی توانا و چشمی بینا و درین صنعت ماهری بل ساحری کرده‌اند و دیگر ظروف و اوانی که بی‌آب در کمال لطف و صفالبریز زلال فکانما ماء ولا قدح وکانما قدح ولا ماء همه جام است و نیست گوئی آب همه آب است و نیست گوئی جام از غایت نور و ضیاء کشعاع ممازجة الهوا چون آینه در بر
- س ۳۰ آفتاب خیرگی بخش ابصارند و سطح بزم همایون را چون ستاره بر سقف آسمان رسته در رسته و قطار اندر قطار و دیگر تصنیعات گوناگون کانهن لؤلؤ مکنون از تعداد و تحدید بیرون بمدلول لکل بقعه دوله ولکل بقاع عمارات مبارکات که امارات خیراتست در بلدان ایران از مساجد و مدارس و رباطات و قناطر و تعمیر روضات مطهرات از دروب مرصع بجواهر و صنایع مکمل و ایوان‌ها و گنبد‌های

- س ۳۱ مفروش بخشت طلا زچوب طوبی آن را ساخته در زخاک جنت آن را کرده دیوار از ده کرور متجاوز محاسبان دیوان خیرات را ثبت دفاتر است و دیگر عمارات سلطنت و سرای دولت سزای شوکت و در خور قدرت جهان مکنت بمعماری استادان سنمارپیشه اقلیدس اندیشه بمدلول ان اثارنا تدل علینا بنیادی چون بنای عدل محکم و بنائی چون بنیاد دولت مستحکم و استوار داشتیم
- س ۳۲ خاصه خطه تهران که خط استوای ملک و ملت است و محط رحال دین و دولت و از کاخ‌های رفیع و باغ‌های وسیع کازم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد روضه روضه رضوانست و کعبه امن و امان و قبله اسلام و ایمان تعداد لشکر عدو شکر مؤید بالنصر والظفر لشکری ناکشیده قهر شکست سپهی ناجشیده زهر فرار پانصد هزار در شمارند کانهم بنیان مرصوص بحفظ و حراست مخصوص اند
- س ۳۳ بسبب جمع ثبت فتنه دارند و در مرصد قمع فساد ترصد کنند جیوش کان الحرب عاشقة لهم اذا زارهم فدیة بالخیل والرجل تو ای برفرازنده نه سپهر × فروزنده گوهر ماه و مهر به نیک اختری آفریدی مرا × بشاهنشهی برگزیدی مرا زفر تو بر سر مرا افراست × جهان در جهان کشور و لشکر است مرا سرفرازی و پستی توئی ×
- س ۳۴ که من نیستم هرچه هست توئی بکیهان شهان پادشای توام × بدین پادشاهی گدای توام بشاهان ثنای شهان درخوراست × چه داند گداکاین خزف یا دُر است چه بخشیدیم دولت این جهان × ببخشائیم نعمت جاودان اکنون کاسایش خلایق و آرایش جهان در طلعت مبارک و رأی منیر ماست بر آن شدیم که مدار سلطنت ممالک ایران بدین سلسله علیه

- س ۳۵ که باید متصل باد دایر و سایر باشد و دست مخالفت و اطماع بیگانگان زحواشی و اذیال این ملک کوتاه آید تا بدین حکمت نعمت بی‌نقمت و امنیت بی‌کلفت بر پروردگان این حضرت و برآوردگان این دولت دائم و قائم ماند از زمره هشتاد و اند فرزند و یازده هزار کس نبیره و احفاد در کسی لیاقت سری و قابلیت برتری جز فرزند دل‌بند محمد میرزا مهین فرزند ولیعهد مغفورم عباس میرزاست مشاهده نرفت آن مایه سرور دل
- س ۳۶ و فلذۀ جگر را که ذیل عصمتش از لوث تمامت خطایا پاک است از حدود خراسان بپایه سریر خلافت مسیر احضار و پس از تفویض ولایت عهد مر او را باذربایجان گسیل نمود و خود عزیمت شکار راه اصفهان پیمودن گرفتیم و در آنجایگاه علیل المزاج مقیم آمدیم تا خود فلک از پرده چه آرد بیرون راقم حروف می‌نویسد که پادشاه سعید انارالله برهانه دو ساعت بغروب آفتاب مانده روز
- س ۳۷ نوزدهم جمادی‌الثانی ۱۲۵۰ در اصفهان داعی حق را اجابت لبیک گفت و در شب جمعه سیم شهر رجب المرجب سال مزبور در
- س ۳۸ صحن مقدس حضرت معصومه مدفون آمده تاریخ بنا اساس... مضجعه آمد»^۱

کتابه‌ای بر سنگ بر دیوار راست ایوان مقبره فتحعلی شاه قاجار

«کل شیء هالک الا وجهه»

محمد علی فاطمه حسن حسین علی محمد

جعفر موسی علی محمد علی حسن مهدی

۱. خلاصه کلام الملوک میرزا تقی خان علی‌آبادی است که درباره نسب‌نامه و شرح حال خاقان است و فاضل‌خان گروسی آن را خلاصه و موجز نموده و به خط میرزا محمد حسین شهیر به «ساعت‌ساز» که از مشاهیر نویسندگان آن عصر بود، به امر محمد شاه بر این سنگ مرمر نوشته‌اند (مختارالبلا، ۱۰۹).

جهان باز بازیچه نو نمود
 شهی برنشاند و شهی در ربود
 چو فتحعلی شه به پرداخت گاه
 محمدشه آراست تاج و کلاه
 میندش دل آن را که دلبنده نیست
 پذیرای رای خردمند نیست
 بسی ناسزاوار نا دلکش است
 جهانی که فتحعلی شه کُش است
 چو پنجاه شد با هزار و دویست
 ستاره ابر خاکیان خون گریست
 همی باصفهان ترک شاهی بگفت
 بخاک قم اندر بشاهی بخت
 بدارای نو باد دوران بکام
 بشاه کهن دار ملک السلام
 وفات در شب جمعه نوزدهم شهر جمادی الثانی دفن در شب جمعه سیم شهر
 رجب ۱۲۵۰»

اعمال خیر که در عهد دولت خاقان مبرور به ظهور رسید قدری در این سنگ نقش شد
 مسجد ساری - مدرسه خان مروی - مدرسه مادرشاه - مدرسه
 صدر - مدرسه دارالشفاء - مسجد علی بن جعفر - خاک فرج - مسجد
 میرزا مسیح دارالخلافة - مسجد شاه - مسجد حاج علی - مسجد
 حکیم باشی - مسجد میرزا موسی - مسجد یونس خان - بی بی
 فاطمه زبیده - امامزاده جسی - امامزاده داوود - امامزاده حمزه -
 امامزاده زید - امامزاده قاسم - امامزاده صالح - مسجد جناب سید
 محمد باقر - معافی سادات نیاک لاریجان - مدرسه شیراز - مسجد
 کرمان - مسجد دارالعباده یزد - مسجد کرمانشاه - مسجد زنجان -
 مسجد تبریز - مدرسه سایر ولایات - بند شوشتر - مدرسه کاشان - مسجد
 سمنان - مسجد بروجرد - مدرسه بروجرد - کاروانسرای ری - پل سی
 عدد - قنوات وقفی - تکیه سیدالشهدا - آسیاب صد عدد - شاهزاده
 عبدالعظیم - ضریح نقره - مدرسه حضرت - جقه مرصع - تعمیر گنبد
 نجف - قنديل شاه نجف - حمام شاه نجف - مدرسه شاه نجف - قلعه
 شاه نجف - کربلای معلی - ضریح سیدالشهدا - آئینه روضه - آئینه ایوان -

قندیل طلا - منار طلا - تعمیر خیمه گاه - مدرسه حضرت - حضرت
عباس - ضریح نقره - گنبد کاشی - کاظمین علیهم السلام - رده مروارید - علم
مروارید - قبه مرصع - گنبد طلا - گنبد صاحب زمان - مشهد مقدس - قندیل
طلا - جقه مرصع - در مرصع - مدرسه حضرت - شفاخانه حضرت -
معصومه قم - ضریح نقره - گنبد طلا - ایوان طلا - جقه مرصع - عدد اصدار
در گوشه سمت چپ سنگ:

باهتمام بنده درگاه سهراب

کتابه محمد حسن اصفهانی - عمل محمد حسن حجارباشی الاصفهانی

ابیاتی بر سنگ بر دیوار دست راست ایوان مقبره فتحعلی شاه

«شاهها شدی از جهان جهان بی تو مباد در پیکر چاکران روان بی تو مباد
در عهد تو هرگز دل ناشاد نبود اکنون دل خلق شادمان بی تو مباد

*

خاقان که جهان را زعدالت آراست آسایش خلق را چنان دید که خواست
پاداش عمل بین که از این پس جاوید خود شد زجهان و نام نیکش برجاست

*

خاقان که جنان برایگانش دادند چون داد امان بخلق امانش دادند
گفتند که این نتیجه معدلت است این مرتبه در جزای آنش دادند

*

خاقان که همه ملک جهانش دادند در خسروی آنچه خواست آنش دادند
با خلق خدای چون نکوکاری کرد بردند و بهشت جاودانش دادند»

کتابه سنگی بر دیوار چپ ایوان مقبره فتحعلی شاه

هو الحي الذي لا يموت

دادگر فتحعلی شاه که بود مظهر رحمت حق ناصر دین

تا چهل سال بفرو اقبال بد باسلام نگهبان و معین

راند موکب بصفاهان از ری	بگه تیرمه آنشاه مهین
در جمادی دویم نوزدهم	شب آدینه بهنگام پسین
ناگه از مُنهی غیبی بشنود	ابشروا الجنة از روی یقین
تخت و افسر بمحمدشه داد	کش سزا دید بدیهیم و نگین
مرغ روحش زسعادت آباد	کرد پرواز سوی علیین
باد جاوید بجنات نعیم	خادم بارگهش حورالعین
چون همایون تن پاکش در قم	سوم شهر رجب گشت دفین
کلک قرغی پی تاریخ نگاشت	سنه الف و ماتین و خمسین

این رباعی بر حاشیهٔ سمت راست است:

«خاقانم و یک جهان گناه آوردم	در حضرت معصومه پناه آوردم
مهر نبی و حب علی را یارب	بر درگه کبریا گواه آوردم»
بر حاشیهٔ سمت چپ سنگ:	
«خاقانم و وامانده زدیهیم و کلاه	ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه
اندر حرمت بمسکنت جسته پناه	یافاطمه اشفعی لنا عندالله
کُتبهٔ احمد بن محمد نصیرالرضوی گلپایگانی	
عمل استاد محمد علی حجار قمی»	

کتابهٔ سنگی بر دیوار چپ همین ایوان

هو الحي الذي لا يموت

خاقان که زمانه را مهین داور بود	بر تارک جمله خسروان افسر بود
دیهیم خلافت بمحمد شه داد	زی رحمت حق شتافت کش درخور بود
خاقان که جهان زمعدلت کرد آباد	داد دل خلق را بسدلخواهی داد
چون رخت ز اورنگ خلافت بریست	ایزد در رحمتش برخ بازگشاد
خاقان که بهشت سرنوشتش آمد	از طینت پاک خوش سرشتش آمد
خرمن خرمن عطای غفاری یافت	این موهبت از حاصل کشتش آمد

ایمن بقعه کز آینه نگارین آمد خود رشک نگارخانه چین آمد
قیرغی پی اتمام چو تاریخش جست الف و مأتین و خمس و خمسین آمد

مقبره مستوفی الممالک سنگ قبر میرزا حسن خان مستوفی الممالک

کل من علیها فان

افسوس که مستوفی دیوان ممالک ا ... ی ... کـو کبه در خاک
دستور حسن اسم حسن رسم که نامد جز ... کس را در دفتر ادراک
بر ملک فنا زد قلم و مُتُّ و بگذشت ... خط اقلیم بقا چابک و چالاک
منذک دیوان هنر طی شد و خلقی مانند دل از غم چو زبان قلمش چاک
طی کرد اجل فرد جلالی که همی بود حشو و ردتش بارز نه دفتر افلاک
صاحب قلمی را که دو صد غاشیه کش بود چون صاحب وزی مرگ زدش دست بفتراک
رفت آنکه بر اعدای فریدون زمان رفت آن از قلمش کز علم کاوه بضحاک
رفت آنکه لعاب دم مار قلمش بود بر جسم ملک زهر و بر احبابش تریاک
سررشته جمع هنر و خرج مکارم او داشت چرا دل نبود درهم و غمناک
آن جمع هنر را چو بدیوان عدالت این خرج نماید ز حسابش چه بود باک
القصه چو کرد از ورق باطله تن مستوفی دیوان ممالک خط جان پاک
بنوشت شهاب از پی تاریخ وفاتش طوبی و تبارک لك بالجنة مأواک

عمل حیدر قمی

راقمه المذنب اسدالله شیرازی

کسانی که در مقبره مستوفی به خاک سپرده شده‌اند

* تاج خانم، فوت در بهار ۱۲۸۳.

* جانی بیگم، فوت در ۱۲۶۹. بیدل ماده تاریخ فوت او را چنین گفته است:

«نگاشت خامه بیدل برای سال وفاتش نهاده جانی بیگم قدم بساحت جنت»

* حبیبه خانم مسعود همدم السلطنه دختر میرزا یوسف مستوفی الممالک، در تاریخ شنبه شهر رجب المرجب سال یک هزار و دویست و هشتاد و هشت قمری ۱۲۸۸.

* نگارالدوله دختر شاهزاده ناصرالدوله فرمان فرما، به تاریخ شهر ربیع الاول من شهر سنه هزار و سیصد و بیست و چهار ۱۳۲۴.

* انور السلطنه دختر ناصرالدوله فرمان فرما، در شب چهارده نیمه رمضان ۱۳۵۱.

* شوکت خانم دختر عبدالحسین خان یاور و همسر سلطان حمید میرزا ناصرالدوله، رجب ۱۳۱۰.

مقبره شماره شش صحن عتیق

در این مقبره دو نفر به خاک سپرده شده اند:

* آقا سید مرتضی ملقب به شریف العلمای رشتی، به تاریخ دهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۹.

* حاجی میرزا عبدالباقی الهاشمی العلوی الفاطمی الموسوی شهرالله المعظم سنه ۱۳۱۱.

مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا

«منم گذشته جوان قهرمان بن عباس
که تاخت مرگ بمن آنچنانکه نحس به سعد
بناز بس نگران رفتم از کنار جهان
چو خسرو از بر شیرین رباب از بر رعد
بنا بکامی من دان سرشک راندن ابر
بنا امیدی من دان خروش کردن رعد
نه ممکن است که بینند مر مرا دیدار
که اوفتاد بمحشر من و شمارا وعد
مرا کنید بالحمد و قل هو الله یاد
کنید چون بسر خاک من گذرین بعد
هزار و دو صد و پنجاه و هفت بگذشتم
بدوم و دهه سیم از مه ذی قعد
مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا بن مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا بن الخاقان
المغفور فتحعلی شاه قاجار.»

مقبره فرخ خان امین الدوله در صحن عتیق

در این مقبره فرخ خان امین الدوله غفاری به خاک سپرده شده است. سنگ مرمری که کنده‌کاری‌های ظریف دارد قبر او را پوشانده است. در بالای سنگ «هو الحي الذي لا يموت» و در طرفین آن چهارده معصوم «الهی بنبی عربی الخ» و بالا و پایین متن دو بیت معروف «وفدت علی الکریم بغیر زاد الخ» با خط نستعلیق خوش حک شده است. ابیات متن بدین قرار است:

«شخص اول امین دولت و دین	آصف روزگار فرخ خان
آن ابوذر نسب وزیر که کرد	عالم پیر را به عدل جوان
رای و رادش بچشم عقل فروغ	عدل و دادش بجسم دولت جان
شیر را کرد بر شکار شفیق	گرگ را ساخت بر بعا حنبان
ظلمت ظلم و کین نبود چه بود	عدل او شمع محفل ایران
داد پایان چو کار دولت و دین	یافت ایام عمر او پایان
تار آمد جهان بدیده خلق	دیده بر بست تا ز ملک جهان
غیر او کس ندید در عالم	آسمان را درون خاک نهان
رفت سوی جنان و از پی او	شرف و عقل و عدل گشته روان
خاوری زد رقم به تاریخش	فر فرخ زد او به اوج جنان»

مقبره محمد شاه قاجار در صحن عتیق^۱

مقبره محمد شاه قاجار به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر بنا شده است. این ابیات بالای سردرگاه‌ها دیده می‌شود:

۱. مقبره محمد شاه قاجار از بناهای امیرکبیر میرزا تقی خان اتابک است که در زمان صدارت خود، دو حجره از حجرات صحن را خراب نموده این مقبره را بنا کرد. بر روی مضجع او سنگی از مرمر است که تمثال آن پادشاه را بر آن نقش و حجاری کرده‌اند. بر دور آن تمثال کتیبه‌ای است به خط سید حسین خوشنویس‌باشی که این اشعار را از شمس‌الشعرا میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی حک کرده‌اند:

«به گل شد علی‌رغم آن کس که گفت	که خورشید بر گیل نشاید نهفت
خطا گفتم او زنده بر تخت زر	نشسته است لیکن به شکل دگر
نه یک گلبن است آنکه در هر بهار	گلی چون گل رفته آرد بار»

«در روزگار دولت دارای تاج بخش
میرزا تقی اتابک اعظم امین ملک
معمار رای همت عالیش برفراشت
دو مصراع دیگر که تخلص شاعر و ماده تاریخ بناست در دنبال این ابیات است
که فعلاً محو شده ولا یقرء است.

کتابه سنگ قبر محمدشاه قاجار^۱

«خدایو جهان شاه یزدان پرست
محمد شه آن شاه انجم سپاه
هزار و دو صد سال با شصت و چار
پس از چارده سال فرماندهی
ششم روز شوال
سپهری نهان گشت در زیر خاک
که شمع نخست است اگر تا قیام
الهی که این شمع بیگانه سوز
بگل شد علی رغم آنکس که گفت
خطا گفتم او زنده بر تخت زر
نه یک گلبن است آنکه در هر بهار
زشمعی چو شمع دگر برفروخت
کنج شمال شرقی سنگ:

تربیت یافته محمد شاه رضوان مکان سید حسین

کنج جنوب شرقی:

عمل کمترین بنده درگاه محمد علی اصفهانی ۱۲۷۰

۱. ابعاد سنگ عبارت است از ۲۷۲ × ۱۳۷ × ۱۳ سانتی متر.

مدفونین در مقبره محمدشاه قاجار

کتابه سنگ قبر علی نقی میرزا رکن‌الدوله بن محمد تقی میرزا رکن‌الدوله بن محمدشاه قاجار
«چون نقی بن تقی بن محمدشاه ثانی

ناگهانی شد باقلیم بقازین ملک فانی

آنکه رکن‌الدوله عون المله بود و چون نیاکان

دین و دولت را بستواری او محکم مبنایی

چون پدر والاگهر پاکیزه خوی و عدل‌پرور

در خراسان و لرستان داد داد از حکمرانی

زد رقم شیخ‌الرئیس از بهر تاریخ وفاتش

وای دیدی رکن دولت منهدم شد ناگهانی»

۱۳۳۵

* دفترالملوک همسر شاهزاده ابوالفضل میرزا ملقب به عضدالسلطان، فوت

شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۳۵۲.

* شاهزاده محمود میرزا امیر اکرم فرزند حضرت اقدس والا امیرکبیر

نایب‌السلطنه، متوفای شهر محرم سال ۱۳۳۷.

* نورالدوله مادر ابوالفتح میرزا ملقب به عضدالسلطان، فوت در سال ۱۳۲۷.

* عبدالصمد میرزا عزالدوله پسر محمد شاه قاجار، فوت در شب هجدهم

جمادی‌الاولی سنه ۱۳۴۸.

* مهدعلیا همسر عباس میرزا و مادر محمد شاه قاجار، متوفای سال ۱۲۷۳.

* زهرا دختر محمد شاه، هفتم محرم. ماده تاریخ فوت را چنین گفته‌اند:

«خامه فارس رقم زد از پی تاریخ شد بجنان او قرین مریم و حورا»

۱۲۹۰

* سکینه معروف به اکرام‌الدوله دختر عباس میرزا ملک‌آرا، فوت او به سال ۱۳۲۶.

* حاجیه بیگم خانم دختر ولیعهد عباس میرزا نایب‌السلطنه. ماده تاریخ فوتش

چنین است:

«رقم نمود لسان الحق از پی تاریخ مقام جان وی اندر بهشت جاویدان»
۱۲۸۸

* حاجیه طوبی خانم دختر عباس میرزا نایب السلطنه.
شب دوشنبه دویم شهر شعبان سال چو خوشا آمده در سایه طوبی طوبی.
«چو ز سعی ظفرالملک حجر ساخته شد سال تاریخ حجر از ظفرالملک بخواه»
* شاهزاده عضد السلطنه پسر ناصرالدین شاه، وفات در سال ۱۳۱۶.

مقبره شماره شانزده صحن عتیق

مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری

کل من علیها فان

هو الحیُّ الذی لا یموت

وفات مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه جناب جلالتمآب امیرالامراء
العظام الملقب به نظام الدوله دولت قوی شوکت علیه ایران محمد ابراهیم خان نوری
طاب ثراه فی سنة ۱۳۱۴ داعی حق را لیبک اجابت گفت اللهم احشره مع النبی وآله
الطیبین الطاهرین، صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین.

در حاشیه بالا و پایین سنگ

«وفدت علی الکریم بغیر زادٍ من الحسنات والقلب السلیم
وحمل الزاد اصبیح کل شیءٍ اذا کان الوفود علی الکریم»
بر حاشیه سمت راست و چپ سنگ «صلوات کبیر» حک شده است.

کسانی که در مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری به خاک سپرده شده اند

* زینت الحاجیه آسیه خانم. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته اند:

«زد رقم از پی تاریخ وفاتش افسر زینة الحاجیه را ملک بقا شد و طنا»

۱۲۸۹

- * امیر اصلاان خواجه‌نوری نظام‌الدوله فرزند میرزا محمد خان موقرال‌دوله نوه میرزا آقاخان صدراعظم نوری، آذر ۱۳۱۷ خورشیدی از جهان چشم پوشید.
- * زهرا افتخارالسلطنه ناصری قاجار فرزند مرحوم ناصرالدین شاه، دوازدهم شهر ربیع الثانی ۱۳۶۹ فوت شد.
- * اشرف‌الدوله دختر صدراعظم نوری غره ماه ربیع‌الثانی عالم فانی را بدرود کرد. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته‌اند:
«هاتفی گفت بهر تاریخش بوده ما جنان درخشنده»

کتابه‌های اطراف صحن جدید یا صحن اتابکی^۱ و کتابه‌های درهای آن دو قصیده از فتح‌الله خان شیبانی کاشانی به خط میرزا آقا تبریزی روی کاشی در اطراف صحن جدید است:

قصیده اول

«زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین
یکی بنای خلیل و یکی بنای امین
خلیل رحمان گشت او بدان بنای قویم
امین سلطان گشت این بدین بنای متین
یکی بمکه و آن کعبه خدای بزرگ
بدان نماز برد هر کراست دین درست
بدین نیاز برد هر کراست رای رزین
بـروزگار بناها بسی نهادستند
ولی نه چونین محکم نهاد و خوب آئین

۱. آقا ابراهیم امین‌السلطان بنای صحن نو را در سال ۱۲۹۹ ه. ق شروع کرد.

رواق و طاقش بر آسمان نهاده اساس
 زمین و خاکش بر فرق فرق و پروین
 خزینه‌های فراوان هزینہ گشته بر آن
 اگرچه کرده در آن گنج نام نیک دفین
 کسی که باز نماند بدهر از او آثار
 کجا بمانده از ایشان یکی اثر چونین
 جهان رسانده بسی مردمان بعزت و جاه
 خه آنکه باد جهانش همه بزیر نگین
 خدای عرش چو با بنده نظر دارد
 چنین اثرها ماند از او بروی زمین
 چنین اثر نه بنخلخ در است و نه بطراز
 چنین اثر نه بچین اندر و نه در ماچین
 گر این بنا نگرد سخت شرمسار شود
 کسیکه کرد ایاصوفیه بقسطنطین
 تمام خلقت و اصل این بنای و در بر او
 دگر بناها چون در مشیمه‌اند جنین
 بدین بنا که ز آب و گل این وزیر نهاد
 بباد رفت همه نام آذر برزین
 کجا به بانی اوزین بنا که ماند بجای
 فلک درود فرستد ملک کند تحسین
 در آن بنا سخن از آفتاب و آذر بود
 درین بناست همه ذکر مالک الارضین
 نه بر به بیهده بر ملک و دین امینش کرد
 خدایگان ملوک زمانه ناصر دین

کجا بفره شاهنشهی فراست او
میان بیضه کنند فرق خاد از شاهین
شهی که گر ز خرد شاه خسروان پرسی
خرد چه گوید، گوید «بیا و شاه ببین»
در او حصافت بوذرمهر و آصف دید
که می پیاده شود از کفایتش فرزین
زمکرمت نظری کرد سوی او که شد او
از آن نظر بسعادت زخواجهگان مهین
کنون بفر شهنشاه عصر و فضل اله
وزیر صدرنشان است و بدر صدر نشین
پدرش بود به سلطان امین و سلطان خواست
پس از پدرش بحشمت فزاید و تمکین
فزود نک همه خواجهگان بخدمت او
بفخر بسته میانند از کهنین و مهین
کسی که شاه سوی او نظر کند نه شگفت
اگر زمانه ببندد بر اسب بختش زین
که گر اثر نهد این گونه می نهد به جهان
کجا اساسش محکم‌تر از درِ روئین
مؤید است بروح القدس زایزد پاک
وز آب و خاک مقدس سرشته است و عجین
چه آیتی به از این کو نهد چنین آثار
که بازماند از او تا بروز بازپسین
کجا خرد نتواند قیاس خرجش کرد
اگر کنی بمثل کوه و بحر را تخمین

علی اصغر^۱ اگر نام دارد او ز پدر
 علی اکبر یارش بود بعلمین
 بدین علی همه ارواح می دعا گویند
 به خاصه روح علی بن جعفر و یقطین
 کجا طواف گه روحشان همین خاکست
 که جسم دختر احمد در او شده است مکین
 دری بخلد برین زین^۲ مکان فراز و تو نیز
 به بینی ایدرت ارهست چشم باطن بین
 مکان فاطمیان در سپهر عرش خداست
 وگر بخاک نشان جوئی این مکان گزین
 همانکه شیعه خاص علی و آل علی است
 اگر نخفت در این خاک روح اوست غبین
 بطوس و قم زپیمبر دو گوهرند بخاک
 که خاک ازین دو شرف جسته بر سپهر برین
 پدرش خفته به طوس است و مام او ایدر
 ندیم رضوان آن وین رفیق حورالعین
 پدر اساس نهاد و پسر باخر برد
 که باد رحمت ایزد بسی بر آن و بر این
 چنانکه مسجد اقصایرا همی داوود
 بنانهاد و سلیماننش برفزود آذین
 اگرچه بقعه آنجا زپیش بود بپای
 ضریح و ایوان سیمین و قبه اش زرین

۱. زیر کلمه علی اصغر با خط ریز نوشته شده است: نمک پرورده میرزا آقا.

۲. در متن کتیبه کلمه «زین» افتاده است.

بنا مگو که عروسی است کاسمان بلند
بهشت و طوبی و کوثرش می‌کند کابین
گناه کار اگر سوی او پناه برد
حرام گردد بر او مهالک سچین
وگر کسی بنشیند بزیر سایه او
بهیچ غم نکند خاطرش زمانه حزین
دو صف فرشته شب و روز اندروست بپای
صفی بسوی یسارو صفی بسوی یمین
بشهریار جهان و بدین بزرگ وزیر
صفی دعا کند و صف دیگری آمین
بنای او چو باخر رسید و گشت تمام
خدای حافظ آن کرد جبرئیل امین
بدین دلیل همی تا جهان بپای بود
بپای خواهد بود این بنای نغز چنین
وگر بخواهد روزی قضا بخواب رود
نباشدش بجز این خاک بسترو بالین
بدین پاک و دل پاک و رای و خاطر پاک
خدای پاکش باشد همیشه یار و معین
در این کتیبه هم از بحر طبع شیبانی
کشد برشته سر کلکش این لال ثمین
که نه بنائی از این به کسی تواند کرد
نه هم بنائی از این گونه محکم و شیرین
همیشه تا نبود آبراگرانی خاک
همیشه تا که نماند بالاله بر نسرین
بباغ ملک رخ او چو لاله تازه و تر
بکام دولت کارش همه چو ماء معین»

قصیده دوم

«چو مرد پر هنر افتاد و بخت بودش یار
 کجا بدرگه او بر نهاد فرشته جبین
 بروزگار نگر در عزیر هر که نکرد
 کسی که درهم و دینار خوار مایه گرفت
 ز زر سرخ خردمند نام جوید و بس
 ولی اگر نبود فرایزدی با مرد
 نه در دلی نهاد از مکرمت بجا اثری
 اثر بدهر بسی مانده اند لیک نماند
 یگانه در همه فضل است و فضل ایزد بین
 اگر بملکت ایدون امین سلطانت
 هزار سر الهی نهفته در دل او
 بسر شاه و بسر اله او ست امین
 از آن شه از پدرش عزو جاه او افزود
 پدر درخت بُد و این وزیر بار درخت
 هرآینه ز صدف خوبتر بود لؤلؤ
 امیدم آنکه زیزدان زمکرمت نظری است
 ایا کسی که بدین کاخ بگذری روزی
 هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت
 بسعی و اهتمام مقرب الحضرت العلیه میرزا آقا عبدالمولی باتمام رسید راقمه
 میرزا آقا ۱۳۰۳.

کتابه سردر ایوان شمالی داخل صحن

«عهد ملک ناصر دین آنکه یافت
 گشت امین شه و صدر مهین
 صادق پروانه به تاریخ گفت
 کرسی و دیهیم از او زین و زیب
 بانی این صحن خوش دلفریب
 نصر من الله و فتح قریب»

کتابه سردر ایوان شمالی از خارج

«بعهد ناصر دین شهریار با تعظیم
بنانهاد بتوفیق کردگار این صحن
چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق
برای مصدر تاریخ گفت پروانه
ابوالمظفر غازی خدایگان کریم
وزیر اعظم او اصغر بن ابراهیم
امین سلطان آراست این ستوده حریم
سیاق کعبه ثانی زپور ابراهیم
۱۳۰۳»

کتابه بیرون سردر صحن شرقی

«بعهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین
برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق
امین شاه علی اصغر بن ابراهیم
چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه
که نازد از سر انگشت وی کلاه و نگین
سپهر سوده بخاک درش هماره جبین
عیان نمود ز سطح زمین بهشت برین
بنای صحن بکلی بهشت روی زمین»

کتابه بیرونی ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه

«بعهد ناصر دین شهریار ملک آرای
سرود صادق پروانه بهر تاریخش
امین سلطان آراست این ستوده سرای
بین بملک قم اینک در بهشت بپای»

کتابه‌های درهای جدید که در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال ساخته شده‌اند

کتابه در شمالی طرف میدان آستانه

«این در در رحمت است و ما غرق گناه
ما چشم شفاعت به تو داریم همه
وین جا به حریم عصمت آورد پناه
یافاطمه اشفعی لنا عندالله»

کتابه دری که در سردر ورودی اتابکی نصب شده است

«باز شد این در به فردوس برین
خیر مقدم عرضه می‌دارد ملک
بارگاه دخت خیر المرسلین
ادخلوها بسلام آمین»

کتابه در جنوبی طرف خیابان موزه

«چشم امید خلق جهانی بدین در است کاینجا حریم دختر موسی بن جعفر است
حرمت نگاه دار که با امر اسجدوا جبریل را نهاده بر این استان سراسر است»

کتابه سنگ قبر قطب راوندی

«هوالباقی

وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات والقلب السلیم
فحمل الزاد اصبیح کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم
مضجع شریف فقیه جلیل محدث نبیل جناب شیخ قطب الدین سعید بن
هبة الدین حسن راوندی آن بزرگوار از اجلای علمای شیعه می باشد. وفات ایشان
یوم ۱۴ شوال سنه ۵۷۳ بوده تألیفات بسیاری دارد از جمله کتاب الخرائج و فقه القرآن و
استاد ابن شهر آشوب بوده.

از خداوند مزید توفیق آقای حاجی علیخان خاکی حجار قمی را که بانی این
مرقد هستند مسئلت می نمائیم حرره الراجی شهاب الدین الحسینی المرعشی
النجفی ۱۴ شوال ۱۳۷۴ کتبه العبد عباس بحرینی عشقی»
حاشیه:

الهی بنبی عربی ورسول مدنی الخ

کتابه های مقبره شماره یک صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده اند:

* یوسف اعتصامی تولد در تبریز سال ۱۲۵۸ قمری، فوت غروب شنبه یازدهم
دی ماه ۱۳۱۶ شمسی.

* پروین اعتصامی تولد در تبریز سال ۱۲۸۵ قمری، فوت شب شنبه شانزدهم
فروردین ۱۳۲۰ شمسی.

کتابه‌های مقبره شماره سه صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده‌اند:

* احمد قوام السلطنه صدراعظم ایران تولد ۱۲۵۲، وفات ۱۳۳۴.

سنگ قبر میرزا حسن خان وثوق

* آرامگاه جناب آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله صدراعظم ایران فرزند مرحوم مغفور میرزا ابراهیم معتمد السلطنه آشتیانی طاب‌ثراه ۱۳۷۰ - ۱۲۹۲ قمری ۱۳۲۹ - ۱۲۵۳ شمسی.

رفتند راستان و یکی را بقا نماند زایشان بجز حدیثی و نامی بجا نماند
آنانکه بود راحت خلق از وجودشان رفتند و غیر دشمن خلق خدا نماند
هست آشیان بحال خود اما هزار نیست ماند استخوان بجای خود اما هُما نماند
یک گوهر از خریطه اسلاف مانده بود کان هم زدستبرد حوادث بجا نماند
یعنی وثوق دولت و دین صدر نام‌دار رفت و پناه دولت و دین مُلک را نماند
فطنت برفت و هوش برفت و دها برفت حکمت نماند و فضل نماند و ذکا نماند
از رسته سیاست کافی الکفاة رفت از رشته وزارت عقد العلی نماند
او یادگار علم سلف بود نزد ما آن یادگار علم سلف نزد ما نماند
حربا بگو بمیرد چون آفتاب مرد بیگانه گو مماند چون آشنا نماند
* طاووس خانم صبیّه جناب حاجی میرزا محمد خان مجد الملک، وفات هزار و

دویست و نود پنج قمری ۱۲۹۵ که مادر قوام السلطنه و وثوق الدوله است.

* میرزا محمود خان فخامت الدوله پسر آقای حاجی دبیر الدوله، تولد شهر صفر

۱۲۹۰، فوت ربیع الثانی ۱۳۲۲.

* ملک تاج خانم مفرح الدوله صبیّه میرزا ابراهیم معتمد السلطنه، فوت روز شنبه

بیست و یکم شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۸.

* ابراهیم خان معتمد السلطنه، فوت لیله سه شنبه شانزدهم شهر ذی القعدة

ئیلان ئیل ۱۳۳۵ پنجساعت بعد از غروب. ماده تاریخ فوتش به قرار زیر است:

«خامه مجدی نوشت زود پی رحلتش معتمدالسلطنه مقیم دارالنعیم»
 * قوام الدوله. ماده تاریخ فوت او را چنین گفته اند:
 «رقم زد منشی کلک شهاب از بهر تاریخش مکان دارد قوام الدوله اندر صدر علیین»
 ۱۲۶۲

کتابه‌های مقبره شماره چهار صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده اند:

* ملک سلطان خانم صبیئه نواب میرزا محمد تقی ابن فتحعلی شاه قاجار حرم
 همنام پور اسفندیار صاحب اختیار آذربایجان بهین فرزند نایب السلطنه مغفور عباس
 میرزا سنه ۱۲۶۱.

* آقا میرزا کاظم خان اعلم السلطنه غره شهر جمادی الاولی ۱۳۴۵.

کتابه‌های مقبره شماره شش صحن اتابکی

سنگ قبر میرزا علی اصغر خان اتابک

بالا و پایین دو بیت معروف «وفدت علی الکریم»؛ الخ.
 در حاشیه اطراف: «الهی بنی عربی ورسول مدنی»؛ الخ.
 متن سنگ:

طوبی له وحسن مآب

صدر اعظم علی اصغر زجهان رفت و بگرفت بفردوس محل
 کلک آشفته بتاریخش گفت ساخت مأوا بجنان بعد اجل
 هذا مرقد صدرالاجل الحاج میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم ابن المرحوم
 المغفور المبرور محمد ابراهیم خان امین السلطان طاب ثراهما عمل عباسقلی بسعی
 و اهتمام اسکندر خان ۱۳۲۵.

کسانی که در مقبره اتابک به خاک سپرده شده اند:

* میرزا اسماعیل خان امین‌الملک فرزند محمد ابراهیم خان امین‌السلطان در شب پنج‌شنبه شهر ذی‌الحجه الحرام هزار و سیصد و شانزده هجری. «مهین فرزند ابراهیم اسماعیل امین‌الملک که از دار فنا افراشت بر ملک بقا خرگه چو از روح القدس شمس‌المعالی جست تاریخش زحق درخواست کرد از صدق دل گفتا که اغفرله» * خدیجه سلطان خانم ضعیعه جناب جلالتمآب آقا محمد ابراهیم امین‌السلطان روز چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۸. * وفات نمود مرحمت و غفران پناه آقا محمد علی امین‌الحضرة خلف ارجمند مرحوم آقا محمد ابراهیم امین‌السلطان طاب ثراهما.^۱

مقبره خانوادگی دیبا

مقبره حاجی ناصرالسلطنه دیبا

يفعل الله مايشاء ويحكم ما يريد

ما ضعيفان که در مجاهده‌ایم	طالب لذت مشاهده‌ایم
بغلامیت جمله منسویم	رد مکن گرچه زشت و معیوبیم
همه فانی شویم و تو باقی	همه مست توایم و تو ساقی
بندگانی ما خدائی تو	رهروانیم و رهنمائی تو
طلب ما ز تو عنایت تست	رهبر ما بتو هدایت تست
قبله روح آستانه تست	دل مجروح ما خزانه تست
روح را هر نفس ز تو مدد است	کرم و رحمت تو بی‌عدد است
هرچه خواهی کنی که حکم تو راست	زانکه حکمت درای چون و چراست

در تاریخ لیله جمعه هفدهم محرم‌الحرام مطابق اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ حضرت اشرف آقای حاجی میرزا نصرالله خان طباطبائی دیبا ملقب به

۱. بر این سنگ هیچ‌گونه تاریخی دیده نشد.

ناصر السلطنه ولد مرحوم مغفور حجت الاسلام حاجی میرزا محمد رفیع نظام‌العلما در سن ۷۲ سالگی دار فانی را وداع و داعی حق را لبیک اجابت نموده برحمت ایزدی پیوست.

مقبره شماره سی و شش صحن اتابکی

مقبره حاجی سید کمال مدرس

سنگ‌های این مقبره از این قرار است:

- * آقا میرزا نصرالله الملقب به مولوی نهاوندی، متوفای دهم ماه محرم ۱۳۲۶.
- * گوهر خانم ملقب به گلین خانم، متوفای ۱۳۱۴ قمری.
- * شاهزاده عفت‌الملوک دختر شاهزاده سلطان احمد میرزا، متوفای ۱۳۳۶.

مقبره شماره سی و یک صحن اتابکی

مدفونین در این مقبره:

- * علی قلی خان بهاء‌الملک همدانی قراگوزلو پسر امان‌الله خان بهاء‌الملک، متولد چهارشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ متوفای جمادی الثانی ۱۳۳۲.
- * خدیجه خانم قراگوزلو دختر محمودخان ناصرالملک ۱۲۳۹-۱۲۹۶ شمسی.
- * حسن خان قراگوزلو پسر علی قلی خان قراگوزلو بهاء‌الملک، ۱۲۶۹ متولد ۱۳۰۲ شمسی فوت.

مقبره شماره سی و هفت صحن اتابکی

این مقبره مختص خاندان مهدوی است.

- * آقای حاجی امین دارالضرب حاجی حسین آقای مهدوی خلف مرحوم حاجی محمد حسن امین دارالضرب شعبان المعظم ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

مقبره شماره سی و هشت صحن اتابکی

* میرزا محمد تقی ضیاء الملک تفرشی لشکر نویس ابن میرزا هدایت الله مشهور به میرزا بزرگ ابن میرزا هدایت وزیر لشکر ابن میرزا محمد علی وزیر لشکر (دنباله نسب او تا علی بن ابیطالب علیه السلام بر سنگ حک شده است)، فوت سنه ۱۳۰۶ قمری.

مقبره شماره چهل و یک صحن اتابکی

مقبره حاج شیخ فضل الله نوری

الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

مرقد منور مرحوم طوبی مکان حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین استاد العلماء العظام آیه الله علی الانام المجاهد فی سبیل الله آقای حاج شیخ فضل الله نوری قدس الله نفسه الزکیة در ذیحجه ۱۲۵۹ متولد و سیزده رجب ۱۳۲۷ به سعادت شهادت نائل گردید. رضوان الله علیه.

مقبره شماره چهل و سه صحن اتابکی

* میرزا عباس خان معاون السلطان نورائی که در سن ۱۱۰ سالگی در تاریخ ۲۴ رمضان ۱۳۶۴ دار فانی را وداع کرد.

کتابه سردر کوچه حرم از بیرون

السلطان ناصرالدین شاه قاجار

بعهد ناصر دین شهریار ملک آرای امین سلطان آراست این ستوده سرای
سرود صادق پروانه بهر تاریخش ببین بملک قم اینک در بهشت بپای
۱۳۰۳

کتابه سه طرف سردر کوچه حرم از داخل

رُوی عن انس بن مالک قال كنت ذات يوم جالس عند النبي صلی الله علیه و آله اذ دخل علیه علي بن ابي طالب علیه السلام وقال یٰ ابي الحسن ثم اعتنقه

وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ اسْمَهُ عَرَضَ وَلَا يَتَكَ عَلَى السَّمَوَاتِ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ السَّابِعَةُ فزَيْنَهَا بِالْعَرْشِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا سَمَاءُ الرَّابِعَةِ فزَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا سَمَاءُ الدُّنْيَا فزَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَكَّةُ فزَيْنَهَا بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فزَيْنَهَا بِي ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكَوْفَةُ فزَيْنَهَا بِكَ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا قُمْ فزَيْنَهَا بِالْعَرَبِ وَفَتَحَ إِلَيْهِ أَبَاً مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَرَوَى عَنْ صَفْوَانَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ ع فَجَرَى ذَكَرَ قُمْ وَاهْلَهُ وَمِيلَهُمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ ع فَتَرَحَّمَ عَلَيْهِمْ وَقَالَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ وَهُمْ خِيَارُ شِيَعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَمْرًا لِلَّهِ وَلَا يَتَنَا فِي طَيْبَتِهِمْ رُؤْيٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ لَعُلَى قُمْ مَلَكًا رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحِيهِ لَا يَرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا إِذَا بَاهَهُ اللَّهُ كَذُوبَ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ قَدْ فَرَّغَ مِنَ التَّحْرِيرِ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الثَّانِي رَجَبِ عَلِيِّ الْخَادِمِ الْمَشْهَدِيِّ.

در بالای کلمات، ثلث کتابه دیگری به خط کوفی به شرح زیر است:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤدّه حفظهما وهو العلي العظيم.^۱

کتابه بیرون سردر صحن اتابکی

«بعهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین که نازد از سر انگشت وی کلاه و نگین برای دختر موسی بن جعفر آنکه زقدر سپهر سوده بخاک درش هماره جبین السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار

۱. سورة البقرة، آیه ۲۶۰.

امین شاه علی اصغر بن ابراهیم عیان نمود بسطح زمین بهشت برین
چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه بنای صحن بکلی بهشت روی زمین»
۱۳۰۳

زیر همین کتابه در دو طرف همین در:

«بعهد ناصر دین خسرو سپهر وقار بحول و قوه پروردگار لیل و نهار
زبهر حضرت معصومه ساخت اندر قم امین سلطان این صحن آسمان مقدار
سرود سید غمخوار بهر تاریخش زبعد هجرت احمد هزار و سیصد و چار»
نَمَّقه میرزاقا ۱۳۰۴

میان کاشی‌های بالای سردر:

انا مدینه العلم وعلی بابها. ۱۳۰۳

کتابه سه طرف ایوان سردر صحن اتابکی

رُوي في السماء والعالم من البحار انه لما اخرج المأمون علي بن
موسى الرضا عليه السلام من المدينة الى المرو في سنة مأتين خرجت
فاطمة اخته في سنة احدى ومأتين تطلبه فلما وصلت الى ساوه
مرضت فسألت كم بيني وبين قم قالوا عشرة فراسخ فأمرت خادمها
فذهب بها الى قم وانزلها في بيت موسى بن خزرج بن سعد
والاصح انه لما وصل الخبر الى آل سعد اتفقوا وخرجوا اليها ان
يطلبوا منها النزول في ارض قم فسبق منهم موسى بن خزرج فلما
وصل اليها اخذ بزمام ناقته وجرها الى قم وانزلها في داره فكانت
فيها ست عشر يوماً ثم قبضت الى رحمة الله ورضوانه فدفنها موسى
بن خزرج بعد التغسيل والتكفين في ارض له وهي التي الآن مدفنها
وبنى على قبرها سقفاً من البواري الى ان بنت زينب بنت الجواد عليها السلام
عليها قبة وروي في البحار ان زيارتها تعادل الجنة قد ثم في ۱۳۰۳
كتبه الخادم لروضة الرضوية رجبعلي.

کتابه وسط ایوان قسمت بالا زیر مقرنس

دارم امید محبت ز امین سلطان.

زیر همین قسمت بر کاشی های زمینه زرد با خط سیاه:

عمل استاد محمد باقر بنا.

کتابه پیشانی ایوان اتابکی در صحن جدید

قال الله تبارك وتعالى وسيق الذين إتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى إذا
جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم
فادخلوها خالدين وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا
الارض ننبوا من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين^۱ قد تم في
شهر شعبان سنة ۱۳۰۳ حرره الخادم لروضة الرضوية رجبعلي

کتابه بیرون سردر قبلی صحن اتابکی

«بعهد ناصر دین شهریار با تعظیم
بنا نهاد بتوفیق کردگار این صحن
ابوالمظفر غازی خدایگان کریم
وزیر اعظم علی اصغر بن ابراهیم
السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار

چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق
برای مصدر تاریخ گفت پروانه
امین سلطان آراست این ستوده حریم
سیاق کعبه نای زپور ابراهیم»
۱۳۰۳

کتابه افقی در دو طرف در

«یا رب بحق پرده نشین دیار قم
کم گشته از شرافت معصومه باصفا
پاکیزه گوهر صدف اعتبار قم
چون روضه بهشت برین گشته باصفا^۲

۱. سورة الزمر، آیه های ۷۳ و ۷۴.

۲. احتمال غلط خوانی می رود.

شاهان بدرگهش همه آورده التجا بیشگ که می‌رود به بهشت از ره عطا
بر نعش مجرمی که نشیند غبار قم^۱

کتابه داخلی سردر قبلی صحن اتابکی

روي عن عدة من اهل الري انهم دخلوا على ابي عبدالله عليه السلام قالوا
نحن من اهل الري فقال مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من
اهل الري فاعاد الكلام قالوا ذلك مراراً واجابهم بمثل ما اجاب به
اولاً فقال عليه السلام ان الله حرماً وهو مكة وان للرسول حرماً وهو المدينة
وان لامير المؤمنين حرماً وهو كوفه وان لنا حرماً وهو بلدة قم
سيدفن فيها امرءة من اولادي تُسمى فاطمة ومن زارها وجبت له
الجنة وروي ان رسول الله صلى الله عليه وآله لما اسرى رأى ان ابليس كان بهذه البقعة
فقال له قم يا ملعون فسميت بذلك وروي عن ابي عبدالله جعفر بن
محمد الصادق عليه السلام انه قال اذا اصابتم بليّةً وعناءً فعليكم بقم فانه
مأى الفاطميين ومستراح المؤمنين وروي عن ابي الحسن علي بن
موسى الرضا عليه السلام انه قال ان للجنة ثمانية ابواب ولاهل قم واحد منها
وقد فرغ من التسويد رجب علي الخادم المشهدي سنة ۱۳۰۳.

کتابه کوفی بالای کلمات ثلث

إن الله وملائكته يُصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه
وسلموا تسليماً اللهم صل على محمد النبي.

کتابه سردر ورودی صحن شرقی متصل به مسجد طباطبائی

روي في البحار عن واسط بن سليمان عن ابي الحسن علي بن
موسى الرضا انه قال ان للجنة ثمانية ابواب ولاهل قم واحد منها

۱. این مصراع در متن کتیبه نیست و اشعار از زکی باغبان است.

فطوبى لهم ثم طوبى لهم ثم طوبى لهم وروي عن رجل من اهل
الري قال قال ابوالحسن محمد بن علي بن موسى الرضا عليه السلام انما
سمي قم به لأنه لما وصلت السفينة اليه في طوفان نوح عليه السلام قامت
وهو قطعة من بيت المقدس وروي عن الأئمة لولا القميون
لضاع الدين. كتبه رجبعلي الخادم المشهدي ١٣٠٣هـ.

سردر میان صحن عتیق و جدید

وروي صاحب كتاب مناقب الفاخرة في عترة الطاهرة بسنده عن ابن
عباس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انا مدينة العلم وعليّ بابها فمن اراد
العلم فليأت الى الباب ثم قال يا علي انا مدينة العلم وانت الباب
كذب الذي زعم ان يصل الي المدينة الا من الباب وبني هذه الحاج
مير سيد حسين متولى باشى حرره على اكبر الفيض في ١٢٩٦هـ.

کتابه کاشی بالای سردر ورودی مدرسه فیضیه که به صحن عتیق می رود با خط ثلث
سفید بر زمینه آبی و گل و بوته های اسلیمی

بسمه تیمناً بذكره قد اتفق بناء هذه العمارة الشريفة والسدة السنية
والعتبة العلية الفاطمية في زمان دولة سلطان اعظم السلاطين
برهان اكارم خلف الخواقين خليفة الأنبياء والمرسلين والأئمة
الطاهرين المعصومين مشيد مباني الشريعة المصطفوية مؤسس
اساس الملة المرتضوية رافع الوية العدل والاحسان السلطان بن
السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان ايده الله
تعالى بالنصر والتأييد وقرن سلطنته وشوكته بالخلود والتأييد لازال
الدهر مساعداً له في اقامه عماد الدين والقرآن المبين موافقاً لما يرام

١. ابن حديث در كتاب بحار (السماء والعالم) باب الممدوح من البلدان والمذموم وغرائبها آمده است.

من زمانه الشریف فی اعلاء معالم الشرع المبین بمحمد وآله
اجمعین بسعایه نقاوة اکابر السادات والنقباء الامیر شرف الدین
اسحق بن تاج الشرف الموسوی فی سنة ۹۳۹.

کتابه کوفی بالای همین خط ثلث بارنگی زرد

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلِكِهِ
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
عُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ
وَعَلَيْهَا مَا كَسَبَتْ رَبِّنَا لِأَنْتُمْ أَخِدْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ [أَخْطَأْنَا]

دو بیت به خط نستعلیق زرد رنگ زیر همین کتابه

«الهی بحق بنی فاطمه که بر قول ایمان کنی خاتمه
اگر دعوتم رد کنی ور قبول من و دست و دامان آل رسول»
کتبه اسمعیل بن ابراهیم استرآبادی

کوفی معقلی بالای همین سردر

ناد علیاً مظهر العجائب تجده عون لك في النوائب. الخ.

وسط هلال طاق ایوان:

عمل سلطانی قمی.

کتابه ای بر سنگ بر بالای همین سردر

«هو الواقف علی الضمایر

ابوالنصر والظفر ناصرالدین شاه غازی

چون منظور نظر و مکنون خاطر سلطان السلاطین شاهنشاه دریادل باذل دین پرور
عدل گستر السلطان ابن السلطان والخواقان ابن الخاقان ابن الخاقان ابدالله دولته

آنست که در هر دیار از بحر عنایت انهار مرحمت جاری فرمایند که قاطنین و عابریں از فلوات قفر زحمت بسرچشمه فرات استراحت رسند بناءً علی هذا وقف مؤبد فرمودند از ابتدای هذه السنه تخاقوی ٹیل یک رشته قنات ناصری را که از مرحمت شامل در دارالایمان قم دایر و احداث فرموده‌اند و بعهدہ و کفایت و اهتمام مقرب الخاقان میرزا حسین خان مستوفی و حاکم قم و ساوه باتمام رسیده بر عامه این بلد شریف و عابریں سبیل مشروط بر آنکه در خارج بلد بضیاع و عقار و زراعات و باغات برده نشود و در داخل بلد از قرار تفصیل ذیل بمحلات قسمت شود و تولیت را بنفس نفیس خود و سلاطین امة ایران مفوض فرمودند محله آستانه و دو خیابان پنجطاق - محله باغ قاضی دو طاق - محله عشق علی هفت طاق - محله الوندیه شش طاق - محله چهارمردان هفت طاق - محله سیدان هفت طاق - محله مسجد جامع سه طاق - محله سنگبند پنج طاق - محله کوچه تنگ و دولت‌خانه و النگ و رضاآباد چهار طاق - محله موسویان و میان شهر هفت طاق - محله باغ پنبه و عربستان پنجطاق - بجهت امور اتفاقیه و کسر شهور دو طاق - خلاف کننده این شرایط ملعون خواهد بود. فی شهر ربیع الثانی. راقمه ابوالفضل بن فضل الله.»

کتابه ایوان‌های مدرسه فیضیه

ایبانی که بر سه طرف ایوان مقابل مسجد است، از فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراست:

«دست قدرت تا بدهر این هفت منظر برکشید

دهر را کی این چنین در حیلہ و زیور کشید

هر زمان مشاطه قدرت عروس دهر را

بر مراد خلق در پیرایه دیگر کشید

هر سفالین کاسه آمد یادگار جام جم

بلکه جام جم ز رشک از خون دل سر برکشید

اینهمه پیمانۀ عشرت ببزم روزگار
هرکس از دوران شاه معدلت گستر کشید
فخر شاهان زمین فتحعلی شه کاسمان
حلقۀ فرمان او در گوش هفت اختر کشید
آن شه‌نشاہ مَلِک‌شہ چاکر سنجر غلام
کاش^۱ مَلِک‌شہ خاکِ دَر در دیده چون سنجر کشید
آسمان در عهد او رسم ستم‌کاری گذاشت
کز حسام شحنه عدلش بسی کیفر کشید»

کتابۀ ایوان شمالی که مقابل ایوان شاه طهماسبی است

[از آغاز این ابیات یک بیت ریخته است]:

«شاه اژدر بسند شیر اوژن بدشت کارزار

چون زمرد رنگ تیغ اژدها پیکر کشید
آن حسام شعله بار آبگون در دست غیر
راست چون بیدی است کاندلر بوستان خنجر کشید
این اثر از بازوی زورآزمای شاه یافت
ذوالفقار آنکه اثر بخشید کاشی حیدر کشید^۲
راد مُلک‌آرای او موکب بهفت اقلیم راند
عدل عادل رای او رایت به نه کشور کشید
قافله در قافله هر خواجه زو مرجان فشاند
کاروان در کاروان هر برده زان گوهر کشید
شد جهان آباد چندان کش قصور بیقصور^۳
سر بچرخ اخضر از این توده اغبر کشید»

۱. امروز «کش» می‌نویسیم.

۲. این دو مصراع پس و پیش است.

۳. در اصل «کاش».

کتابه ایوان زیر شاه‌نشین مدرسه فیضیه

«آن همایون خطه از سیل حوادث شد چنان کز خرابی بوم هم رختش زیوم و برکشید^۱
 مضجع پاکان دین خیرالبلاد ام‌القری خاک قم کز قُبه عرش برین سر برکشید
 جسم پاک فاطمه آسوده در این خاک پاک کاسمانش خاکِ دَر در چشم انجم درکشید
 دایه گردون چو او درمهد عصمت در نیافت تا مه و خورشید را در مهد سیم و زر کشید
 گرد خذلان خاک از آن بر صغه مانی فشاند خط بطلان چرخ از آن برنامه آزر کشید
 هر طرف کاخی منقش تا بکیهان در فزود هر طرف قصری مصور تا بکیوان برکشید»^۲

ابیاتی که بر کتابه شاه‌نشین مدرسه فیضیه است

«یا رب این چرخ است یا عرش برین یا همایون قصر دارای زمین
 زائـران را از صریر آمد درش نغمه اهلاً و بانگ آفرین
 ساکنان را از صدا باشد خمش بر ربط ناهید و چنگ رامتین
 گشته از نقش در و دیوار آن نقش بر دیوار نقاشان چین
 کبک و بازش را جناح اندر جناح گرگ و میش را سروی اندر سُرین
 نه جدال آن به این از روی قهر نه نبرد این بان از راه کین
 خرم و خندان بباعش نسترن تاز و ریـان براغش یاسمین
 نه زیان از غارت گلچین بر آن نه ضرر از آفت بهمن بر این
 چرخ زنگاری بشنگرف سرشک از غم زنگار و شنگرفش قرین
 پیش تیغش شیر شادروان او همچو سگ دم لابه گن شیر عرین
 آن شرف دارد که دارد از شرف عرش بر خاک جناب او جبین
 آن خطر دارد که دارد از خطر دست رضوان آستانش زا آستین
 دانی این فخر و سعادت از چه یافت این همایون بارگاه دلنشین

۱. این دو مصراع مقدم و مؤخر است.

۲. این ابیات هم پاره‌ای از مصراع‌های آنها پس و پیش است.

از نـزول داور کـون و مکان
دادگر فتحعلی شه آنکه باد
آن جهان داری که از تیغ نزار
آن شهنشاهی که از شیرین سخن
ذوالجلالی کز جلال ذوالجلال
خسروی کافکنده صیت همتش
همتش را لامکان زیر قدم
بخت او را مام گردون نازده
آسمان دارای خرمن گشت از آن
گفتم او را هست بر آدم شرف
عقل از این اندرز خندان گشت و گفت
آنکه آورد این گهر از نور پاک
اعتراضی گر تو را باشد بر اوست
چون بگاه کینه برخیزد ز جای
با سرخطی ستاند بوم روم
نه بماند خاندان فیلقوس
نه بصلب بابک اندرشان سلیل
در خم خام آورد یال نیال
رمح او نقاب دل هاتا کند
تیر او با جان بدخواهان او
شهر قم فخر البلاد ام القری
شد چنان ویران که نه بامی خراب
گشت چون از حادثات روزگار
جود شاهنشاه پی‌آبادیش

از قدوم خسرو دنیا و دین
آفرین بر جاننش از جان آفرین
پهلوی ملک جهان دارد سمین
از نهاد حـنظل آرد انگبین
رایت او آیـتی باشد مبین
جاودان در طاس نه گردون طنین
حشمتش را آسمان زیر نـگین
همچو مامک بر سلیل نازنین
کامدش بر کِشت احسان خوشه چین
وهم گفتا زین سخن هشدار هین
کای باندرز تو جان مار ارهین
طینت آدم سرشت از ماء و طین
کاین چنین آراست نقش آن و این
چون بعزم رزم بنشیند بزین
در پی خُتلی سپارد ملک چین
نه گذارد دودمان آبـتین
نه بناف مامک اندرشان جنین
در پی خـنگ افکند تاج تگین
در درونشان گوهر خنجر دفین
چون شهاب ثاقب و دیولعین
کاسمانش کرد یکسان بازمین
تا در آن بومی شود منزل گزین
آن چنان شهری دلارا این چنین
دست همت برکشید از آستین

یک دو فرسنگ اولش در راه سیل
 پس در آن فرخنده کشور برفراخت
 روضه معصومه کامد منهدم
 گنبدی افراختش از زرناب
 از غم زرینه خشتش آفتاب
 هم در آن بنیاد کرد این مدرسه
 صحنش از دلکش حدائق چون بهشت
 هم برکنی زان فلک فرسا مکان
 این همایون قصر دلکش شد بنا
 الغرض چون ز امر آن صاحبقران
 زد صبا از بهر تاریخش رقم

چون سکندر بست سدی بس متین
 قصرهای جانفزا و دلنشین
 کردش اینک غیرت خلد برین
 کاسمان از غیرتش باشد حزین
 هر سحرگه گشت خاکستر نشین
 کز غمش فردوس باشد در انین
 حجره‌ها چون حجله‌های حور عین
 ز امر آن دارای اسکندر مکین
 کاسمان بر آستان سوده جبین
 باز زمین این آسمان آمد قرین
 کاسمان دیگر است این بر زمین
 ۱۲۱۷

تا بُود ایوان کیوان برفراز
 باد درگاهش بر از قصر زحل

تا بُود گلزار جنت دلنشین
 باد خرگاهش به از خلد برین»

کتابه‌های آب انبار مدرسه دارالشفای خط ثلث سفید بر زمینه آبی

في ايام الدولة السلطان الاعظم والخواقان الاكرم مروج المذهب
 الائمة المعصومين عليه السلام السلطان بن السلطان بن
 السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر السلطان شاه
 عباس الثاني الصفوي الموسوي الحسيني بهادرخان خلد الله تعالى
 ملكه وسلطانه توفيق يافت باتمام عمارت اين برکه خادم الأمرا
 ومخدوم الفقرا توفيق آثاری ايران مدارى اعتماد الدولة العلية
 العلية الخاقانية ميرزا محمد تقى المشهور بساروتقى خالصاً
 الى الله في شهر ربيع الاول سنة خمس وخمسين والى كته محمد
 رضا الامامى الاصفهاني.

ابیاتی به خط نستعلیق بر بالای همین آب انبار بر کاشی است با خط آبی بر زمینه زرد
«زین برکه دستور که بادا جاوید بر یاد حسین هرکه یک قطره چشید
فی الحال زبهر سال تاریخش گفت لعنت بیزید بادو برگور یزید»
۱۰۵۵

کتبه العبد المحتاج محمد رضا.

با خط زرد بر زمینه سیاه

«میرزا تقی از بهر صفی شاه جهان این برکه نمود خیر بر عالمیان
جستم زخرد حساب تاریخش گفت این برکه بنا کرد وزیر ایران»

کتابه سردر شمالی مدرسه دارالشفاء از خارج

بسم الله الرحمن الرحيم عن رسول الله صلى الله عليه وآله انه قال الا ومن مات على
حب آل محمد زف الى الجنة كما زف العروس بيت زوجها الا ومن
مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان الى الجنة الا ومن
مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة الا
ومن مات على بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوب بين
عينيه آيس من رحمة الله الا ومن مات على بغض آل محمد لم
يشم رائحة الجنة صدق الله ۱۳۰۷.

کتابه سردر شمالی مدرسه دارالشفاء از داخل

روی الزمخشري في تفسيره الموسوم بالكشاف والتعلبي في
تفسيره الموسوم بالكشف والبيان عن رسول الله صلى الله عليه وآله انه قال الا ومن
مات على حب آل محمد مات شهيدا الا ومن مات على حب
آل محمد مات الا ومن مات على حب آل محمد مات تائبا
الا ومن مات على حب آل محمد مات مؤمناً مستكمل الايمان

الا ومن مات على حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة ثم
منكر ونكير الا ومن مات على حب آل محمد زف في الجنة كما
زف العروس بيت.

کتابه‌های سردر میان مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفای
با خط نستعلیق سفید روی بوم لاجورد با گل و بوته زرد و سرخ با حاشیه‌سازی
«این همایون درگه فرخ پی گردون همال
درگه علم است و باب فضل و کریاس کمال
این مقرنس طاق چپود این منور شمسه چیست
آسمانی باسکون و آفتابی بی‌زوال
این حریم حرمت و این عرش فرسا بارگاه
گشت بنیاد از مثال پادشاه بی‌مثال
باد یارب بخت بیدارش چو حی لاینام
باد یارب ملک اقبالش چو ملک لایزال»

کتیبه‌ای بر سنگ مرمر سفید به خط نستعلیق
«در روضه معصومه شهنشاہ فلک گاہ بنهاد بنا مدرسه دلکش و دلخواہ
تاریخ بنایش چوز ارباب سخن خواست بنوشت صبا «مدرسه فتحعلی شاه»
بالای در با خط نستعلیق سفید بر کاشی آبی:
انا مدینة العلم و علی بابها.

کتابه‌ای بر سنگ برگوشه سمت راست سردر آب انبار
تقی خان بروجردی در سال ۱۲۴۰ قمری برکه دارالشفای مرمت نمود و تاریخ این
مرمت را در هفت بیت شعر بر سنگی چنین حک کردند:

«مظهر لطف حق تقی خانانا
مثل اوروزگار کم دیده
بانی کارهای خیر و ثواب
آب‌انبار این مکان شریف
کرد تعمیرش از برای ثواب
بهر تاریخ سال تعمیرش
جرعه آب خورد و آنکه گفت
در بروجرد و در زمانه وحید
زاده ز ابناء و امهات رشید
ایزدش داده است بخت سعید
بود ویران به سال‌های مدید
حافظش باد کردگار مجید
زار و تشنه ز راه [دور] رسید
سب و لعنت بشمر باد و یزید»
سنه ۱۲۰۴

کتابه‌های جعبه جواهرات در موزه آستانه حضرت معصومه

«نمود وقف همین جقه همایون را بدین حریم حرم حرمت بهشت آثار
همیشه باد بباغ دل ملک طاووس ولی زحسر دلاویز شاهباز شکار
کنیز فتحعلی شاه آسمان دربار صدف بگوهر سلطان محمد قاجار
بجان امید چنانش که بضعه موسی شماردش زکنیزان خود بروز شمار»
«از فتحعلی شه جهانبان گیتی پُر زرو زیور آمد
این عنبر چه که رشک مهر است رخشنده ز دُر و گوهر آمد
شد وقف بفاطمه که خود آن بنت موسی ابن جعفر آمد»
۱۲۳۵

السلطان ابن السلطان والخواقان ابن الخاقان فتحعلی شاه قاجار.^۱

کتابه چهل چراغ برنجین در موزه آستانه مطهره

واقف خیر الحاج حاجی محمد رحیم ولد مرحوم ۱۲۶۹ /
وقف شرعی مؤبد نمود حاجی محمد رحیم ابن محمد تقی /

۱. از یادداشت‌های آقای سید محمد تقی مصطفوی.

این چهل چراغ را که مشتمل است بر سی شمعدان و یکچراغ
نه لوله که جمع آن بحسب چهل و سه من / بوزن تبریز
می باشد بر حضرت معصومه / عمل حاجی حسین ابن
مشهدی اکبر تهرانی.

در پایین این سطور عبارت زیر است:

وقف جناب حضرت معصومه یعنی فاطمه فرزند جناب امام
موسی کاظم. ۱۲۶۹.

محراب مسجد موزه

حاشیه دور محراب به خط ثلث سفید بر زمینه آبی با اسلیمی های سبز گل و بوته دار:
الله نور السموات والارض - تا - بكل شیء علیم.^۱
حاشیه بالای کتیبه ثلث به خط کوفی خوش:
في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها... والله عليم بما يفعلون.^۲

کتیبه بالای دور گنبد

«بسم الله الرحمن الرحيم يا ايها الذين امنوا لا تقدموا بين يدي الله
ورسوله - تا - ان ياكل لحم اخيه ميتاً فكرهتموه واتقوا الله [ان الله
تواب رحيم].»^۳

کتیبه پایین دور گنبد

بسم الله الرحمن الرحيم هل اتى على الانسان - تا - عذاباً اليماً.^۴

۱. سورة نور، آیه ۳۵.

۲. سورة نور، آیات ۳۶ به بعد تا آغاز آیه ۴۱.

۳. سورة الحجرات، آیه ۱ - ۱۲.

۴. سورة الانسان، آیه ۱ - ۱۳.

کتابه سنگ قبر سیاه

قد توفی السعید نوری بیک المرحوم بن مهتر میرزا بیک بن مهتر
منصور عفی عنهما.

سال فوتش چو بجستم گفتند
آه از مهتر ما نوری بیک

مرافق و تنبی‌های دور روضه مطهره

این تنبی‌ها از بناهای شاه عباس ثانی است. در یکی از تنبی‌ها این قطعه بر روی
سنگ نقر شده است:

«در ایام خاقان جم بارگاه	خدیو جهانگیر عباس شاه
سلیمان غلامی زخیل دَرش	به اقبال شه ساخت این طوف گاه
همین بس بود ذکر اوصاف او	که شد سایبان بر سر قبر شاه
شهی کو بعصمت نظیرش نبود	از آن کشت معصومه اش جایگاه
بهشت برین بوده مأوای او	همین گشت تاریخ آن قبله گاه
چو این جنت آباد اتمام یافت	بسعی سلیمان و اقبال شاه
غیاثا پی سال تاریخ گفت	«سلیمان ثانی زد این بارگاه»

«خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه

صحن ایوان رفیعش مهبط کروبیان

وصف صندوق مزار شاه حد خامه نیست

همچو سوسن گر سراپای قلم گردد زبان

شد تمام از معجز اقبال شاهی این بنا

تا مگر همچون حرم گردد مطاف انس و جان

حور شد از نبیل گیسو در او جاروب کش

مشتری بر رگم کیوان گشت در وی پاسبان

باد یا رب تا ابد از عمر و شاهی کامیاب
تا بود از مهر و مه روشن چراغ آسمان
این رقم زد از پی تاریخ معمار قضا
مهبط صفح الهی مرقد صاحبقران»
کتیبه گچبری زمینه سیاه به خط ثلث:
بسم الله الرحمن الرحيم يسبح لله ما فى السموات والارض وهو
الغفور الرحيم.
کتبه ابوطالب الحسيني الخطيب القمي في ۱۱۰۷.
• ختم بالخير.

• منوچهر ستوده، کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه عليها السلام و حظیره‌های اطراف آن (چاپ اول: قم، کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۵)، ص ۱-۱۱۱.

آئینه عفاف

در مناقب کریمه اهل بیت عصمت حضرت معصومه علیها السلام

محمود شاهرخی

مشفق کاشانی

امام خمینی، قدس سره الشریف

دو نور مطهر

ای ازلیت به تربت تو مُخَمَّر

وی ابدیت به طلعت تو مقرر

آیت رحمت ز جلوۀ تو هویدا

رایت قدرت در آستین تو مضمّر

جودت هم بسترا، به فیض مقدس

لطف هم بالشا، به صدر مصدر

پرده کشدگر که عصمت تو به اجسام

عالم اجسام گردد، عالم دیگر

جلوۀ تو نور ایزدی را مَجَلی^۱

عصمت تو سر مختفی را مظهر

گویم واجب ترا، نه آنت رتبت

۱. مَجَلی: جلوه‌گاه و محل ظهور.

خوانم ممکن ترا، ز ممکن برتر
 ممکن اندر لباس واجب پیدا
 واجبی اندر ردای امکان مظهر^۱
 ممکن اما چه ممکن، علت امکان
 واجب، اما شعاع خالق اکبر
 ممکن اما یگانه واسطه فیض
 فیض به مهتر رسد وز آن پس کهنتر
 ممکن اما نمود هستی از وی
 ممکن اما ز ممکنات فزون‌تر
 وین نه عجب ز آنکه نور اوست ز زهرا
 نور وی از حیدر است و اوز پیمبر
 نور خدا در رسول اکرم پیدا
 کرد تجلی ز وی به حیدر صفدر
 وز وی تابان شده به حضرت زهرا
 اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر
 این است آن نور کز مشیت کُن، کرد
 عالم، آن کاو در عالم است منور
 این است آن نور کز تجلی قدرت
 داد به دوشیزگان هستی زیور
 شیطان عالم شدی اگر که بدین نور
 ناگفتی، آدم ز خاک هست و من آذر
 آبروی ممکنات جمله از این نور
 گر نبدی، باطل آمدند سراسر

۱. مظهر: آشکار شده و هویدا.

جلوۀ این خود عَرَض نمود عَرَض را
 ظلش بخشود، جوهریت جوهر
 عیسی مریم به پیشگاهش دربان
 موسی عمران به بارگاهش چاکر
 این یک چون دیده بان فرا شده بر دار
 وین یک چون قایقان^۱ معطی بر در
 یا که دو طفلند در حریم جلالش
 از پی تکمیل نفس آمده مضطر
 این یک انجیل را نماید از حفظ
 و آن یک تورات را بخواند از بر
 گر که نگفتی امام هستم بر خلق
 موسی جعفر، ولی حضرت داور
 فاش بگفتم که این رسول خدای است
 معجزه اش می بود همانا دختر
 دختر جز فاطمه نیابد این سان
 صلب پدر را و هم مشیمهٔ مادر
 دختر چون این دو از مشیمهٔ قدرت
 نامد و ناید دگر هماره مقدر
 آن یک امواج علم را شده مبدا
 وین یک افواج حلم را شده مصدر
 این یک موجود از خطابش مُجلی^۲
 وین یک معدوم از عقابش مُستر^۳

۱. قایقان: دربانان.

۲. مُجلی: آشکار شده.

۳. مُستر: پنهان.

این یک بر فرق انبیا شده تارک
 وین یک اندر سر اولیا را مِغْفَر^۱
 این یک در عالم جلالت کعبه
 وین یک در ملک کبریائی مَشْعَر^۲
 لم یلدم بسته لب وگر نه بگفتم
 دخت خدایند این دو نور مطهر
 این یک کون و مکانش بسته به مَقْنَع
 وین یک ملک جهانش بسته به مِعْجَر^۳
 چادر آن یک حجاب عصمت ایزد
 معجر این یک نقاب عفت داور
 آن یک بر ملک لایزالی تارک
 این یک بر عرش کبریائی افسر
 تابشی از لطف آن بهشت مخلد
 سایه‌ای از قهر این جحیم مُقْعَر^۴
 قطره‌ای از جود آن بحار سماوی
 رشحه‌ای از فیض این ذخایر اغْبَر^۵
 آن یک خاک مدینه کرده مزین
 صفحه قم را نموده این یک انور
 خاک قم این کرده از شرافت جنت
 آب مدینه نموده آن یک کوثر

۱. مِغْفَر: کلاه خود.

۲. مَشْعَر: موضعی که حاجیان در آن مناسک بجای می‌آورند.

۳. مَقْنَع و مِعْجَر: مقنعه و روسری.

۴. مُقْعَر: عمیق و ژرفناک.

۵. اغْبَر: خاک، مراد زمین است.

عرصهٔ قم غیرت بهشت برین است
بلکه بهشتش یساولی است برابر
زیبید اگر خاک قم به عرش کند فخر
شاید اگر لوح را بیاید همسر
خاکی عجب خاک، آبروی خلایق
ملجأ بر مسلم و پناه به کافر
گر که شنیدندی این قصیدهٔ «هندی»
شاعر شیراز و آن ادیب سخنور
آن یک طوطی صفت همی نسرودی
ای به جلالت ز آفرینش برتر
وین یک قمری نمط هماره نگفتی
ای که جهان از رخ تو گشته منور

وحیدی خراسانی

نگین خاتمیت

ای دختر عقل و خواهر دین
وی گوهر دُرُج عز و تمکین
عصمت شده پای بند مویت
ای علم و عمل مقیم کویت
ای میوهٔ شاخسار توحید
همشیرهٔ ماه و دخت خورشید
وی گوهر تاج آدمیت
فرخنده نگین خاتمیت
شیطان به خطاب «قم» براندند
پس تخت تو را به قم نشانند

کاین خانه بهشت و جای حواست
 ناموس خدای جایش اینجاست
 اندر حرم تو عقل مات است
 زین خاک که چشمه حیات است
 جسمی که در این زمین نهان است
 جانی است که در تن جهان است
 این ماه منیر و مهر تابان
 عکسی بود از قم و خراسان
 ایران شده نوربخش ارواح
 مشکاة صفت به این دو مصباح
 از این دو حرم دلا چه پرسی
 حق داند و وصف عرش و کرسی
 هر کس به درت به یک امیدی است
 محتاج تر از همه «وحیدی» است

جیحون یزدی

گوهر سلطان هفتم

این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است
 فخر البقاع، بقعه معصومه در قم است
 فخر البقاع نیست که فخر البقا بود
 این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است
 با خاک درگهش خضر اندرگه نماز
 کاری که فرض عین شمارد تیمم است!
 سنگ حریم او فلک النجم عالم است
 ریگ سرای او ملک العرش انجم است

سقای او چو آب زندگِرد ساختش
از رشک با سرشک قرین چشم قلم است
در التماسِ بارقهٔ گنبدش هنوز
در طور، روح موسوی اندر تکلم است
از رشک خشت‌های زر اندود او مدام
داغی چو شمس بر دل این هفت طارم است
هی پا نهاده زایر او بر پیر ملک
بس از مَلک بطوف حریمش تهاجم است
حق دارد این مکان زند ار دم ز لامکان
کورا یگانه گوهر سلطان هفتم است
أخت رضا و دختر موسی که حشمتش
مستور از عفاف ز چشم تَوْهْم است
هم در حسب بزرگ «آب» اندر پی «آب» است
هم در نسب سترگ أم اندر پی أم است
آن کعبه است مرقد فرقد عُلُو او
کز پیل حادثات مصون از تَهْدُم است
یا بضعة البتول و یا مهجة الرسول
ای آنکه رتبهٔ تو وِزای تَوْهْم است
از اشتیاق سجدهٔ بر خال چهر تو
آدم هنوز روی دلش سوی گندم است
دانند اگر ز آدم و حوا مؤخّرت
من گویمت بر آدم و حوا تقدم است
زیرا که جز ثمر نبود مقصد از درخت
و آن شاخ و برگش ارچه بود عود، هیزم است
ابلیس را که چنگ ندامت گلو فشرد

بر درگهت امید علاج نَنَدُم است
 مردم زیارت تو کنند از پی بهشت
 وین خود دلیل بر عدم عقل مردم است
 زیرا که جز زیارت کویت بهشت نیست
 ور هست در به کوی تو آن را تصمم است
 با صدق تو صباح دوم را بدون کذب
 بر خویش خنده آید و جای تبسم است
 دُلّی که از پی تو بود به ز عزت است
 خاری که در ره تو خلد به ز قاقم است
 ای بانوی حرم سوی «جیحون» نظاره‌ای
 کز انقلاب دهر همی در تلاطم است
 مویم اگر چه شد به معاصی سپید لیک
 رویم منه سیاه که دور از ترحم است

حبیب چایچیان (حسان)

باغ بهشت

به دیوار و در این بیت توحید
 فروغ عترت و قرآن توان دید
 بُود این بارگاه خلد آذین
 حریم دُخت هفتم خسرو دین
 مزار حضرت معصومه اینجاست
 رضا را خواهر مظلومه اینجاست
 چو اینجا شد چراغ عشق روشن
 به دل‌ها این حرم شد پرتو افکن
 بُود این درگه از ابواب رحمت
 در باغی است از باغات جنت

که اشک عاشقان شد جویبارش
نمی‌گردد خزان هرگز بهارش
تو ای زائر به تعظیم شعائر
ببوس این درگه پر نور و طاهر
بیا اینجا به اشک خود وضو کن
بیا جان خود اینجا شست و شو کن
پیاخیز و بخوان اذن دخولش
اجازت از خداگیر و رسولش
به اذن حیدر و زهرای اطهر
به اذن یازده معصوم دیگر
قدم چون می‌نهی داخل ازین در
بگو بسم الله و الله اکبر
زند چون حلقه بر این در گدائی
به گوش جان او آید ندائی
که: ای سائل! دعایت مستجاب است
محب آل عصمت، کامیاب است
بخواه از رحمت حق هر چه خواهی
که بی حد است الطاف الهی

«حسانا»، قم که دارالمؤمنین است
درِ باغ بهشت اندر زمین است

جواد محدثی

نگین قم

شهرها انگشترند و «قم»، نگین
قم، هماره حجت روی زمین
تربت قم، قبله عشق و وفاست

شهر علم و شهر ایمان و صفاست
 مرقد معصومه چشم شهر ما
 مهر او جان‌های ما را کهربا
 دختری از اهل بیت آفتاب
 وارث دُرِّ حیا، گنج حجاب
 در حریمش مرغ دل پر می‌زند
 هر گرفتار آمده، در می‌زند
 هر دلی اینجاست مجذوب حرم
 جان، اسیر رشته جود و کرم
 این حرم باشد ملائک را مطاف
 زائران را ارمغان، عشق و عفاف
 دیده پاکان به قبرش دوخته
 عصمت و پاکی از آن آموخته
 حوزه قم هاله‌ای بر گرد آن
 فقه و احکام خدا را مرزبان
 قم همیشه رفته راه مستقیم
 بوده در مهد هدایت‌ها مقیم
 شهر خون، شهر شرف، شهر جهاد
 شهر فقه و حوزه، علم و اجتهاد
 هر کجا را هر چه سیرت داده‌اند
 اهل قم را هم بصیرت داده‌اند
 نقطه قاف قیامند اهل قم
 برق تیغ بی‌نیامند اهل قم
 اهل قم ز اول ولایت داشتند
 در دل و در دیده آیت داشتند

اهل قم از یاوران «قائم» اند
در قیام و پیشتازی دایمند
دختر موسی بن جعفر را درود
کز عنایاتش تراوید این سرود

حمید سبزواری

آشیانی برای دل

باز بحر کرم، تلاطم کرد
موجی انگیخت نام آن قم کرد
تا خط روشنی نگرده گم
سر برافراشت آیتی از قم
سر برافراشت بیت دیگر باز
از کویری برنگ و بوی حجاز
هاجری در کویر منزل کرد
عشق بر پا سراچهٔ دل کرد
آشیانی ز صدق برپا شد
کعبهٔ صادقان دنیا شد
ریگزارش بهای گوهر یافت
سعی دیگر، صفای دیگر یافت
گشت جن و ملک طواف گرش
قبلهٔ عشق گشت خاک درش
سرخوشان، رو بدان سرا کردند
سر نهادند و تن رها کردند
دردمندان شفا از آن جستند
نوش داروی زخم جان جستند

عارفانی که محو یار شدند
 خاکبازان آن دیار شدند
 آن چنان سرفراز شد آن خاک
 تا که مُهر نماز شد آن خاک
 ساختش جلوه‌گاه ایمان شد
 پایگاه حدیث و قرآن شد
 گوهر علم را صدف گردید
 زین جهت، تالی نجف گردید
 قم، چو فیض وجود فاطمه یافت
 هر چه از عزت و شرف، همه یافت
 گشت اُمُّ الْقُرَاءِ و گشت بنام
 شهر خون، شهر علم، شهر قیام
 ای جمال از تو زیب و فرجسته!
 وز کمالت ادب ثمر جسته
 آستان تو، آشیانهٔ دل
 وان دلستان پر از ترانهٔ دل
 زایران تو زایران شرف
 در طواف تو عارفان زده صف
 خاک کوی تو مایهٔ برکات
 بیت نورانی تو باب نجات
 درگهت قبلهٔ تو سل عام
 پُر ز وِرْد و دَعَا و ذِکْر و سَلَام
 رنگ و بویی ز کاظمین در آن
 نقشی از مَضْجَعِ حَسین در آن
 عطر جان، بوی آشنا دارد

نکهت روضهٔ رضا دارد
 ای تو اسلام را بتولِ دگر
 شیعه را بضعهٔ الرسولِ دگر
 زهرهٔ آسمانِ تقوایی
 بر سریر عفاف، زهرایی
 از تبار نجوم باهره‌ای
 وارث عصمتی و، طاهره‌ای
 زادهٔ دامن هدایی تو
 دُری از درج «انما»یی تو
 گلی از گلستان «طاها»یی
 رشک خورشید عالم آرایی
 سایهٔ «والضحی» به سر داری
 رختی از «هَلْ اتی» به بر داری
 رُسته از شاخسار «یاسینی»
 «فاطمه» خوی و، «زینب» آئینی
 خاندان تو، خاندان امید
 منزل وحی و مظهر توحید
 عقل، سرمایهٔ کیان شماست
 فضل، میراث جاودان شماست
 علم اگر پر تو شما گیرد
 در کف از روشنی عصا گیرد
 و ز شما بهره‌گر هنر دارد
 جلوه در جملهٔ بحر و بر دارد
 زیور راستی ز نام شماست
 مردمی جرعه نوش جام شماست

شیوه مهتری و راه درست
 جز ز رسم شما نشاید جست
 هر کجا نوری از صفاست در آن
 برقی از صفوت شماست در آن
 گردن جود، در کمند شماست
 همه هستی نیازمند شماست
 قله‌های بلند ایثارید
 نخل‌های کریم پربارید
 هر که از داد و دین نشان دارد
 خیمه در سایه سارتان دارد
 بی شما در حیات رونق نیست
 دور از خانه شما حق نیست
 من بدین خانه آمدم به نیاز
 ای ولی نعمتان خسته نواز
 دردمندم دوی دل خواهم
 وز طیبیان شفای دل خواهم
 گرچه درمانده‌ای تهی دستم
 بانگ «لاتقنطوا» شنیدستم
 شرمسارم از آنکه پر گنهم
 خانه زادم اگر چه رو سیهم
 ای شما رویگاه درویشان
 دست گیریدم ای صفاکیشان
 رانده زین خاندان «حمید» مباد
 کس از این خانه ناامید مباد

گرنه امید طاعت است مرا
 بر تو چشم شفاعت است مرا

علی اکبر خوشدل تهرانی

کعبهٔ دل‌ها

گویند می‌شود دری از خلد وا به قم
 من گویمت که برتر ازین نه بها به قم
 چون مهد پاکِ دخترِ موسی بن جعفر است
 خلد برین رسد ز شرافت کجا به قم؟
 معصومهٔ مکرمه، ثانی فاطمه
 کافزود مقدمش شرف و اعتلا به قم
 سایید فلک به پای وی از روی فخر، سر
 هر کو نهاد از سر اخلاص پا به قم
 بر زائرش به چشم رضا بنگرد خدا
 زیرا که هست درگه اُختُ الرضا به قم
 گر طوس از برادرِ وی رشک طور شد
 زو نیز گشته کعبهٔ دلها بنا به قم
 اندر خبر بود که در آخر زمان برید
 گاه ظهور و جور و فتن التجا به قم
 زیرا که مهد امن و امانست درگهش
 آری که خفته ملجأ اهل ولا به قم
 چونان که تحت قبهٔ جدش به کربلا
 گردد بدون شبهه اجابت دعا به قم
 زرکن مس وجود خود از خاک پاکِ وی
 ای کیمیا طلب! بطلب کیمیا به قم
 باری ز صدر اول اسلام تاکنون
 بوده است مهد شیعهٔ شیر خدا به قم
 از روزگار اشعریان تا به این زمان

بُد جای دوستانِ شه اولیا به قم
 امروز نیز حوزه علمیه را بود
 مرکز چو مشهد و نجف و کربلا به قم
 بل از یکی نظر ز دگر حوزه‌ها بحق
 برتر بود که هست همه دیده‌ها به قم
 خار است و گل به دیده خصمان و دوستان
 مانند کلک «خوشدل» نیک آشنا به قم
 چون مدح خوانِ دخترِ موسی بن جعفر است
 هم مرحبا به «خوشدل» و هم حَبَّدا به قم

فیاض لاهیجی

آستانه معصومه

به خانه‌ای که تو کردی دمی در او مسکن
 نرفت تا ابدش آفتاب از روزن
 ز رشکِ آینه سوزم از آنکه می دانم
 که عکس روی تو گاهی درو کند مسکن!
 ز شمع روی تو هر خانه‌ای که نور گرفت
 دوید پرتو خور همچو دود از روزن
 برای طینت حُسن تو، دست طبع بسی
 بییخت ریزه خورشید را به پرویزن
 چو هر کجا که کمندی است از بلا و ستم
 ز نارسایی بختم مراست در گردن
 کمند زلف تو کو دام محنت است و بلا
 ندانم از چه سبب نیست هم به گردن من!
 مراست غمکده سینه دائماً تاریک

اگرچه دارد از امداد چاک صد روزن
 ز ضعف قوت رحلت نماند ورنه مرا
 نفس برون شده بودی هزار بار از تن
 امید جغد چنانم نشسته در پس مرگ
 که هست گویی میراث خوارِ کلبهٔ من!
 فلک ز کینه گذشت و زمانه مهر گزید
 تو همچنان به جفا ایستاده عهد شکن
 مرا ز گردش چشم تو حال گردانست
 چرا کنم گله از گردش سپهر کهن؟
 ملالتم ز غم از حد گذشت و می ترسم
 که تیره گرددم آینهٔ دل روشن
 نه همدمی، نه رفیقی که از لطافت مهر
 تواند از دل زارم زدود گرد محن
 ز آشنایی بیگانگان ملول شدم
 خوشا فراغت بیگانگی و کنج حزن
 بدان سرم که نشیمن کنم به بزمگهی
 که وارهم به پناهِش ز دهرِ جادوفن
 به بزمگاه ولی نعمتی که در کنفش
 ز شر حادثه آسوده اند صد چون من
 رفیع ملت و دین، آفتاب شرع مبین
 بلند رتبه پناه زمان و صدر زَمَن
 اگر نَسَب گویی، متصل به خیر رسل
 وگر حَسَب پرسی، متصف به خُلُقِ حَسَن
 زهی به حُسن شیم فایق از همه اقران
 چنان که شاخ گل از نورسیدگان چمن

به بزم قدس چراغ ضمیر پاک ترا
 کزوست تیره شب فضل و مردمی، روشن
 جهان ز پنبهٔ مه می‌کند فتیله مدام
 فلک ز شیرۀ خورشید می‌دهد روغن
 طلوع پرتو مهر تو هر کجا باشد
 به آفتاب رسد، جلوۀ سُها کردن
 اگر به نور ضمیر توره رود گردون
 به کجروی نشود شهرۀ زمین و زَمَن
 اگر ز تیزی طبعت سخن کنم شاید
 که ذوالفقار نماید مرا زبان به دهن!
 چنان ز نور ضمیر تو دیده ور گردید
 که رشته خط نظر شد به دیدهٔ سوزن!
 تو در عراقی و مردم نموده چشم سفید
 به خاک تیرهٔ لاهور و آب شور دکن
 ز بیم عدل سیاستگر تو ممکن نیست
 نسیم را گلِ بویی ز گلستان چیدن
 ز لطف طبع تو آشیا چنان لطیف شده‌ست
 که همچو عکس توان غوطه خورد در آهن
 چنان به عهد تو برخاست رسم شِکُوهِ ز دهر
 که عندلیب فراموش کرده نالیدن
 به غیر من ز تو محروم در جهان کس نیست
 ولی ز پستی طالع ز تیره‌بختی من
 اگر به سایه نیفتد ز منع شخص فروغ
 ز آفتاب شکایت نمی‌توان کردن
 هزار بار شنیدم که گفته‌ای «فیاض»

که هست شمع هنر در زمانه زوروشن
 چرا چنین شده خلوت‌نشین بزم خمول؟
 چرا چنین شده عزلت‌نشین کنج محن؟
 نه یوسف است و ندارد خلاصی از زندان
 نه بیژن است و فرو رفته در چّه بیژن
 چرا به سایهٔ ما در نمی‌خزد که شود
 چو آفتاب فلک شمع طالعش روشن
 خدایگانا! این لطف را جوابی هست
 ولی خدا دهدم جرأت بیان کردن
 هزار بار به دل نقش بسته‌ام که کنم
 در آن محیطِ رجالِ هنروری، مأمن
 ولی چه چاره کنم ره نمی‌توانم رفت
 که دست حادثه پایم شکسته در دامن
 به درگهت نرسم زانکه بی‌تهیهٔ زاد
 نمی‌نماید احرام کعبه مُسْتَحْسَن
 ز دور، درد دلی می‌کنم که در همه وقت
 ز قُرب و بُعد بود آفتاب، نور افکن
 سخن طراز چه غم‌گر نباشدت نزدیک
 که گوش لطف تو از دور می‌رسد به سخن
 توان شناختن احوالم از قرینهٔ حال
 که هست پیش ضمیر تو نیک و بد روشن
 ادا چگونه کنم حال خود که گشته ز شرم
 زبان ناطقه در مدعای خود، اَلکن
 لسان قائم اگر بسته شد، چه غم دارم
 زبان حال نخواهد مَثونتِ گفتن

ز شرح حال پریشانی دلم با تو
 فتاد سلسلهٔ نظم را شکن به شکن
 ز گفت‌وگو نگشاید گره، ولی شاید
 هزار نکته به یک خامشی ادا کردن
 ز پاک‌گوهری از دست چرخ خاتم شکل
 به خون دل زده‌ام غوطه چون عقیق یمن
 به خار خشک قناعت کنم درین گلزار!
 به برگ کاه تسلی شوم ازین خرمن!
 به مالِ وقف مرا کرده آسمان محتاج
 کنون که ملک هنر وقف گشته جمله به من!
 فلک کنون به تو افکنده است کار مرا
 گرت ز دست برآید به دیگری مفکن
 مخوان به جانب خویشم اگر چه زین طلبم
 رسیده تا به درت پاگذشته سر ز پَرَن
 گرفتم آنکه منم لؤلؤ از توجه تو
 کسی برای چه لؤلؤ طلب کند ز عدن
 شرر اگر چه به شب، تیره پرتوی دارد
 خجل بود به بر آفتاب نور افگن
 چو از حوادث دوران پناه داده مرا
 به آستانهٔ معصومه، حضرت ذوالمن
 روا مدارکزین روضه دور مانم دور
 که از غبار درش گشته دیده‌ام روشن
 چه آستانه؟ بهشتی که بیند ار رضوان
 چنان غبار در او بگیردش دامن

که با هزار فسون و فسانه نتواند
 به نیم ذره دل از خاکرویش کردن
 ز پوست، نافه برون آید و دهد انصاف
 کنند نسبت خاکش اگر به مشک ختن
 سرشت آدم ازین خاک اگر شدی، ابلیس
 نهادی از سر رغبت به سجده‌اش گردن
 مثال روضهٔ او ناشنیده پیر خرد
 به شکل مدرسهٔ او ندیده چرخ کهن
 بِعَيْنِهِ حُجْرَاتِ صَوَامِعِ مَلَكُوتِ
 درو به صورت انسان مَلَك گرفته مَقَرَّ
 ز شرم، چشمهٔ حیوان فرورود به زمین
 ز حوض مدرسه پیشش اگر کنند سخن!
 چه حاجت است که لب‌تر کند ازو تشنه؟
 همین بس است که نام وی آیدش به دهن
 ز جرم ماه کند محو تیرگی آسان
 درو تواند اگر همچو عکس، غوطه زدن
 به نور بخشی گردد چو آفتاب مَثَل
 به فرض، بخت من آنجا بشوید از سر و تن
 فکنده کاهکشان عکس اندر آن گویی
 ز بس که ریگ ته جو بود فروغ افکن
 به سنگریزهٔ او جوهری بردگر پی
 برای لؤلؤ دیگر نمی‌رود به عدن!
 بدین امید که آسودهٔ درش گردد
 سپهر پیر همی آرزو کند مردن

ز فیض بخشی خاکش، چه شهر قم، چه بهشت
 ز عطر او، چه زمین فرج،^۱ چه دشتِ ختن
 بسان آنکه بروید کسی ز خانه غبار
 در آستانهٔ او فیض می‌توان رفتن
 از آن همیشه دهد نور، آفتاب که کرد
 ز شمع بارگه او چراغ خود روشن
 نهال شمع که دارد گل تجلی بار
 بود بعینه چون نخل وادی ایمن
 در آستانهٔ او کز وفور مایهٔ فیض
 به چشم مردم دانا خوش است چون گلشن
 گشوده مصحف خوانا ز هر طرف بینی
 به فرق زوار از عکس نور، سایه فکن
 ز خط و همی ترکیب بندِ شکلِ بروج
 قیاس رشتهٔ قندیل‌ها توان کردن!
 غبار فرشِ درش، آبروی مهر منیر
 خطِ کتابت او، سرنوشت چرخ کهن
 همیشه تا بود این آستانه، مشرق نور
 همیشه تا بود این خاک، فیض را معدن
 تو همچو شاخ گل، آیین فزای این گلزار
 چو عندلیب، من آوازه سنج این گلشن
 تو با صدارت کل باشی اش نسق فرما
 به حسن سعی تو بادار و اج این مأمَن

قآنی شیرازی

عالم جان

ای که جلالت ز آفرینش برتر
ذات تو تنها به هر چه هست برابر
زادهٔ خیرالوری،^۱ رسول مکرم
بضعهٔ خیرالنساء بتول مطهر
از تو تسلی گرفته خاطر گیتی
وز تو تجلی نموده ایزد داور
عالم جانی و عالم دو جهانی
أخت^۲ رضائی و دختِ موسی جعفر
فاطمه‌ات نام از سلالهٔ زهرا
کز رخ او شرم داشت زُهرهٔ ازهر
ای تو به حواز افتخار مقدم
لیک ز حوا به روزگار، مؤخر
تاج وی استی و از نتاج وی استی
این نه محال است نزد مرد هنرور
ای بس بابا کزو بهٔ آید فرزند
ای بس ماما کزو بهٔ آید دختر
شمس که او را عروس عالم خوانند
بهٔ بود از خاوران که هستش مادر
گوهر ناسفته کوست دخترکی بکر
مر صدفش مادری است، دختر پرور

۱. خیرالوری: بهترین مردم.

۲. أخت: خواهر.

مادر آن را زنان برند به حمام!
 دختر این را شهان نهند به افسر!
 سیم به از سنگ هست و خیزد از سنگ
 لاله به از اُغبر است و روید از اُغبر^۱
 منبر و تخت ار چه تخته‌اند ولیکن
 تخته نه با تخت بر زند نه به منبر
 تا که تو را نافریده بود خداوند
 شاهد هستی نداشت زینت و زیور
 بهر وجود تو کرد خلقت گیتی
 کز پی روح است آفرینش پیکر
 دانه نکارند جز که از پی میوه
 حقه نسازند جز که از پی گوهر
 چیست مراد از سپهر و گردش انجم
 چیست غرض از درخت، میوهٔ نوبر
 علت ایجاد اگر عفاف تو بودی
 نقش جهان نامدی به چشم مصور
 عصمت ار پیش چرخ پرده کشیدی
 بر به زمین نامدی قضایِ مقدر
 پیر خرد بُد طفیل ذات تو گر چه
 گشت به طفلی تو را سپهر مُعَمَّر
 صبح صفت ناکشیده یک نفس از دل
 روز تو شد تیره‌تر ز شام مکدر
 چشم و دل عالم و زمانه تو بودی

۱. اغبر: خاک، گردآلود، تیره‌رنگ.

شخص تو ز آن خرد بود و شکل تو لاغر
 لیکن چون چشم و دل بدان همه خردی
 هر دو جهان بود در وجود تو مُضْمَر^۱
 عمر تو چون لفظ کاف و نون مُتَشَتَّت
 کم بُد و زوزاد هر چه زاد سراسر
 صورت کُن را نظر مکن که به معنی
 بود دو عالم در آن دو حرف مُسْتَرَّ^۲
 هست ز یک نور پاک ایزد ذوالمن
 ذات تو و حیدر و بتول و پیمبر
 گرز یکی شمع، صد چراغ فروزند
 نور نخستین بود که گشته مکرر
 ورنه چرا نورها ز هم نکنی فرق
 چون شود از صد چراغ خانه منور؟
 دانه نگردد دو، از تَکْسُر^۳ خوشه
 شعله نگردد دو، از تعدد اخگر
 تا تو به خاک سیاه رخ بنهفتی
 هیچ کس این حرف را نکردی باور
 کز در قدرت، خدائی هر دو جهان را
 جای دهد در دو گز زمین مُقَعَّر^۴!
 چرخ شنیدم که خاک در بر گیرد
 خاک ندیدم که چرخ گیرد در بر!

۱. مضمَر: پوشیده و پنهان، در ضمیر نگاه داشته شده.

۲. مُسْتَرَّ: پنهان شده.

۳. تَکْسُر: شکسته شدن، در هم شکسته شدن.

۴. مُقَعَّر: گود، فرو رفته، دارای عمق.

گر به گِل اندود می‌نگردد خورشید
 چون به گِل اندودت این سپهر بد اختر؟
 پیش‌تر از آنکه رخ به خاک بپوشی
 جمله گل‌ها به رنگ و بو شد دیگر
 تیره شد از بس که سوخت سینه لاله
 خیره شد از بس گریست دیده عبهر^۱
 جامه ماتم کی بود کرد بنفشه
 پیرهن از غصه چاک زد گل احمر
 طره سنبل شد از کلال،^۲ پریشان
 گونه خیری شد از ملال،^۳ مُعْصَفَر
 چون علوی زادگان به سوک تو در باغ
 غنچه به سر چاک زد عمامه اخضر^۴
 از پی خدمت چو خادمان به مزارت
 بر سر یک پای ایستاده صنوبر
 فاخته کو کو زنان که کو؟ به کجا رفت؟
 سرو دلارای باغ حیدر صفدر
 گر چه نمردی و هم نمیری، ازیراک
 جانی و جان را هلاک نیست مقرر
 لیک چونامحرم است دیده عامی
 بکر سخن به نهفته در پس چادر
 بس کن «قائیا» ثنای کسی را

۱. عبهر: نرگس، یاسمن.

۲. کلال: خستگی و رنج.

۳. معصفر: زرد رنگ.

۴. اخضر: سبز رنگ.

کش ملک العرش مادح است و ثناگر
عرصهٔ بحر محیط نتوان پیمود
ماهیک خرد اگر چه هست شناور

محمد علی مجاهدی «پروانه»

بیا اینجا

اگر درمان درد خویش می‌خواهی بیا اینجا
دوا اینجا، شفا اینجا، طبیب دردها اینجا
شکسته بالی ما می‌دهد بال و پری ما را
اگر از صدق دل آریم روی التجا اینجا
طلب کن با زبان بی‌زبانی هر چه می‌خواهی
که سر داده است گلبنگ اجابت را خدا اینجا
به گوش جان توان بشنید لیبیک خداوندی
نکرده با لب خود آشنا حرف دعا اینجا
هزاران کاروانِ دل در اینجا می‌کند منزل
اگر اهل دلی ای دل، بیا اینجا، بیا اینجا
دل دیوانهٔ من همچو او گم کرده‌ای دارد
ز هر درد آشنا گیرد، سراغ آشنا اینجا
ز هر سو جلوه‌ای دل را به خود مشغول می‌دارد
هزاران پرده می‌بینند ارباب صفا اینجا
صدای پای او در خاطر من نقش می‌بندد
مگر می‌آید آن آرام جان‌ها از وفا اینجا؟
به بوی یوسف گمگشته می‌آید، مشو غافل
توانی چنگ زد بر دامن خیرالنسا اینجا
شکوه بارگاه حضرت معصومه را نازم

که می‌سایند سر بر درگه او اولیا اینجا
 مشو از حرمت این بارگه غافل که مهدی را
 زیارت کرده‌اند اهل بصیرت بارها اینجا
 حریمش را اگر دارالشفای خوانند، جا دارد
 که می‌بخشد خدا هر دردمندی را شفا اینجا
 علاج درد بی‌درمان کند لطف عمیم او
 نباید بر زبان آورد حرفی از دوا اینجا!
 حدیث عشق با «پروانه» می‌گویی، نمی‌دانی
 که می‌سوزد به سان شمع، از سر تا به پا اینجا

محمود شاهرخی «جذبه»

حریم عفاف

این آسمان مُشرق^۱ انوار داور است
 یا آستان بضعة موسی بن جعفر است
 این جلوه، نور نخله طور است در طوی^۲
 یا لمعه‌ای ز مرقد دخت پیمبر است
 این پرتو تجلی غیب است بر کلیم
 یا برق کوی فاطمه فرزند حیدر است
 این خانه خداست که خلقند در طواف
 یا بارگاه دختر زهرای اطهر است
 اینجا غنوده بانوی پاکیزه گوهری
 کو در نسب سليلة^۳ ساقی کوثر است

۱. مُشرق: روشن و تابان.

۲. طوی، وادی‌ای در قدس.

۳. سليلة: دختر.

این مَضِجَع^۱ مخدّره‌ای ز آل مصطفاست
 کز عفتش وقایه^۲ و از قدس معجر است
 ره در حریم ستر و عفافش نبرده حور
 معصومه‌ای که عصمت کبراش مادر است
 قرآن گواه عصمت این خاندان بود
 از هر چه رجس دامن آنان مطهّر است^۳
 این خواهر رضاست که طوف حریم او
 از منزلت برابر با حج اکبر است^۴
 دخت امام و اخت امام است و عمه نیز
 این مرتبت برای که جز او مقرر است؟
 «بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست
 یا کاروان صبح که گیتی منور است»^۵
 این مهبط ملائک و این مأمّن رجاست
 این قبله خلایق و ملجای مضطر است
 ای طالب بهشت! بدین روضه نه قدم
 کز قم گشاده سوی ریاض جنان در است^۶
 سر از قدم بساز و بدین گلستان خرام

۱. مَضِجَع: خوابگاه.

۲. وقایه: حافظ، نگهبان، سرانداز.

۳. اشارت است به آیه ۳۳ از سوره احزاب که می‌فرماید: و در خانه‌های خود بمانید و چنانکه در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بگذارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل بیت! خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنانکه باید پاک دارد.

۴. متخذ از روایت در سفینه البحار و مفاتیح محدث قمی بدین مضمون که در بیت آمده است.

۵. بیت از سعدی است.

۶. روایت از سفینه البحار که مضمون آن چنین است: بهشت را هشت در است؛ یکی از آن درها به اهل قم اختصاص دارد، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان. توضیح آنکه حدیث منقول از حضرت رضا علیه السلام است.

تا بنگری که نکه‌تش از خلد خوش‌تر است
 دریاب تا رسد به مشامت نسیم غیب
 زیرا فضایش از دم رحمان معطر است
 ای بانویی که دیده ارباب معرفت
 از خاک آستانه پاکت منور است
 ای دختر امام که آویز بندگیت
 در گوش ساکنان سماوات زیور است
 من بنده، طوق طوع^۱ شما کرده‌ام به گوش
 ز آن رو که خاندان شما بنده‌پرور است
 دست طلب به ذیل ولای شما زدم
 زیرا که قدر آل به قرآن برابر است^۲
 باشد که دست «جذبه» بگیرید روز حشر
 دانم شفیع جده تو روز محشر است •

۱. طُوع: فرمانبرداری.

۲. مراد حدیث ثقلین است که خاندان رسالت یکی از آنهاست.

• محمود شاهرخی و مشفق کاشانی (گردآورندگان)، آئینه عفاف (چاپ اول: تهران و قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶)، صفحات پراکنده.

فہرست تفصیلی

مقدمہ	علی لاریجانی	۱۳
درآمد	علی بنایی	۱۵
کریمۂ اہل بیت <small>علیہم السلام</small>	علی اکبر مہدی پور	۱۹
چکیدہ		۱۹
شخصیت برجستہ حضرت معصومہ <small>علیہا السلام</small>		۲۰
نام نامی و القاب گرامی حضرت معصومہ <small>علیہا السلام</small>		۲۳
۱. «معصومہ»		۲۵
۲. «کریمۂ اہل بیت»		۲۶
دیگر القاب شریفہ		۲۸
معصومۂ اخت الرضا - سلام اللہ علیہما -		۲۹
نسب شریف		۳۳
تاریخ تولد حضرت معصومہ		۳۴
تاریخ وفات حضرت معصومہ		۳۸
فضیلت زیارت حضرت معصومہ <small>علیہا السلام</small>		۴۲
حدیث اول		۴۳
حدیث دوم		۴۸
حدیث سوم		۵۰
حدیث چہارم		۵۲

- ۵۳ حدیث پنجم.
- ۵۴ حدیث ششم.
- ۵۵ حدیث هفتم.
- ۵۵ حدیث هشتم.
- ۵۶ حدیث نهم.
- ۵۶ از میلاد مسعود تا اجل موعود.
- ۵۶ خواهر و برادر نمونه.
- ۶۰ عزیمت به سوی ایران.
- ۶۱ همراهان حضرت معصومه.
- ۶۱ عزیمت به سوی قم.
- ۶۲ رحلت جانسوز حضرت معصومه.
- ۶۵ **حياة السّنة** مهدی منصوری
- ۶۵ چکیده.
- ۶۶ موضوع اول: اسم والد و والدۀ فاطمۀ معصومه.
- ۶۸ موضوع دوم: در تاریخ تولد آن بی بی مجلله.
- ۶۹ موضوع سوم: در وفات فاطمۀ معصومه.
- ۷۰ موضوع چهارم: همراهان فاطمۀ معصومه.
- ۷۲ موضوع پنجم: در فضیلت خود بی بی علیها السلام و ثواب زیارت او.
- ۷۷ **حضرت معصومه علیها السلام و قم** . سید مهدی صحفی
- ۷۷ چکیده.
- ۸۸ ورود دعبل به قم.
- ۸۹ شخصیت و فضائل حضرت معصومه علیها السلام.
- ۹۱ ولادت.
- ۹۲ ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم.
- ۹۴ روی قبر مطهر.

درنگی در زندگی حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	محمد محمدی اشتهاردی	۹۵
چکیده		۹۵
پدر بزرگوار حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۹۶
مادر حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۹۷
روز ولادت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>		۹۷
بررسی و شرح کوتاه		۹۸
شادی و سرور ولادت		۹۹
تاریخ وفات حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۰۰
چرا حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> از دواج نکرده است؟		۱۰۱
حرکت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> از حجاز به ایران		۱۰۳
ماجرای ورود حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> به قم در دو روایت دیگر		۱۰۵
داغ پر سوز فراق		۱۰۶
ماجرای دفن جنازه حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۰۷
پیکرهای تر و تازه، پس از هزار و چند سال		۱۰۹
نگاهی به فضائل حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۱۰
۱. دختر روح و جسم پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>		۱۱۱
۲. مقام عصمت و طهارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۱۱
۳. پیشگویی امام صادق <small>علیه السلام</small> قبل از ولادت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۱۳
۴. پدرش به فدایش		۱۱۵
۵. عالمه و محدثه و حجت و امین امامان <small>علیهم السلام</small>		۱۱۶
۶. حرم حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> تجلیگاه مرقد حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>		۱۲۰
۷. زیارتنامه مخصوص		۱۲۲
۸. القاب پیام آور		۱۲۳
۹. شفاعت وسیع حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۲۴
۱۰. پاداش عظیم زیارت مرقد حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>		۱۲۵

- ۱۲۷ شرح کوتاه
- ۱۲۸ آن همه مقام، چرا؟
- ۱۲۹ توجه اسلام و مسلمانان به ارزش زن
- ۱۳۱ برادران و خواهران حضرت باقر شریف قرشی، ترجمه محمد رضا عطائی
- ۱۳۱ چکیده
- ۱۳۳ پسران
- ۱۳۳ دختران
- ۱۳۴ ۱. امام رضا علیه السلام
- ۱۳۵ ۲. ابراهیم اکبر
- ۱۳۶ ۳. ابراهیم اصغر
- ۱۳۷ ۴. احمد
- ۱۳۷ ۵. اسحاق
- ۱۳۸ ۶. اسماعیل
- ۱۳۹ ۷. جعفر
- ۱۳۹ ۸. حسن
- ۱۴۰ ۹. حسین
- ۱۴۲ ۱۰. حمزه
- ۱۴۲ ۱۱. زید
- ۱۴۳ ۱۲. عباس
- ۱۴۳ ۱۳. عبدالله
- ۱۴۴ ۱۴. عبیدالله
- ۱۴۵ ۱۵. قاسم
- ۱۴۵ ۱۶. محمد
- ۱۴۷ ۱۷. هارون
- ۱۴۷ ۱۸. عون

۱۹. ادریس ۱۴۸
۲۰. شمس ۱۴۸
۲۱. شرف‌الدین ۱۴۸
۲۲. صالح ۱۴۹
۱. آمنه ۱۴۹
۲. حکیمه ۱۵۰
۳. فاطمه (حضرت معصومه) ۱۵۰
۴. فاطمه صغری ۱۵۱
- تاریخ آستانه حضرت معصومه علیها السلام حسین مدرّسی طباطبایی ۱۵۳
- چکیده ۱۵۳
- آستانه حضرت معصومه علیها السلام پرویز ورجاوند ۱۶۷
- چکیده ۱۶۷
- قم، حضرت معصومه علیها السلام و تولیت آستانه علی اصغر فقیهی ۱۸۳
- چکیده ۱۸۳
- وضع شهر قم مقارن آمدن حضرت معصومه علیها السلام ۱۸۴
- توضیح درباره محل منیجان و کمیدان ۱۸۶
- حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در قم ۱۸۶
- قم در آن وقت سر راه نبوده است ۱۸۹
- باز هم در مورد علاقه شدید مردم قم به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله ۱۹۰
- داستان دَعْبِل ۱۹۱
- قم از نظر ائمه اطهار علیهم السلام ۱۹۳
- آمدن حضرت معصومه علیها السلام به قم ۱۹۴
- تولیت آستانه حضرت معصومه علیها السلام ۱۹۵
- نخستین متولی و نخستین فرمان تولیت ۱۹۸
- عموم مسلمانان از شیعه و سنی، مرقد فاطمه معصومه علیها السلام را زیارت می‌کرده‌اند ۲۰۱

- ۲۰۱ زیارتنامه و زیارتنامه خوان
- ۲۰۲ بست نشینی
- ۲۰۵ اشتباهی از لیسترنج
- ۲۰۷ قم، شهری مذهبی
- ۲۰۹ آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام ... سازمان ملی حفاظت آثار باستانی
- ۲۰۹ چکیده
- ۲۱۲ مسجد طباطبایی
- ۲۱۳ صحن عتیق
- ۲۱۳ ایوان شمالی داخلی
- ۲۱۳ ایوان شمالی صحن عتیق
- ۲۱۴ ایوان طلا
- ۲۱۴ ایوان جنبین
- ۲۱۵ مدرسه فیض
- ۲۱۵ ایوان مدرسه فیض
- ۲۱۵ ایوان شرقی با مقرنس آویزدار کاشی
- ۲۱۶ ایوان آینه
- ۲۱۶ تالار و تالارچه‌های طرفین ایوان
- ۲۱۶ در توصیف حرم مطهر
- ۲۱۷ ضریح حرم مطهر
- ۲۱۸ در طلای ضریح کاشی
- ۲۱۸ مرقد مطهر
- ۲۱۹ گنبد حرم
- ۲۱۹ گلدسته‌های آستانه مقدس
- ۲۲۰ منابع

آستانه معصومیه و گرداگرد آن	۲۲۱
چکیده	۲۲۱
حضرت معصومه و تاریخچه آستانه	۲۲۲
تجدید بنای آستانه	۲۲۵
توصیف ابنیه آستانه و اطراف آن	۲۳۰
اسلوب ساختمان ابنیه آستانه	۲۳۰
گنبد مطهر	۲۳۱
حرم مطهر	۲۳۳
ضریح مطهر	۲۳۷
کتیبه اول بالای سر	۲۴۰
کتیبه دوم پایین پا	۲۴۰
ایوان طلا	۲۴۱
ایوان آینه	۲۴۴
مسجد بالای سر	۲۴۶
مقابر سلاطین صفویه	۲۴۷
صحن عتیق	۲۴۸
صحن جدید	۲۵۰
صحن زنانه	۲۵۶
موزه	۲۵۸
مدرسه فیضیه	۲۵۸
دارالشفاء	۲۶۰
نقائس آستانه	۲۶۱
الف: قالی‌ها و قالیچه‌ها	۲۶۱
ب: کاشی‌ها	۲۶۴

- ۲۶۴ کاشی‌های علی بن جعفر
- ۲۶۵ کاشی‌های امامزاده اسماعیل
- ۲۶۵ ج: زری‌ها
- ۲۶۶ د: قرآن‌ها
- ۲۶۷ ه: اشیای متفرقه
- ۲۷۰ رجالی که در اطراف آستانه مدفونند
- ۲۷۷ قم و بارگاه معصومیّه . بیژن سعادت
- ۲۷۷ چکیده
- ۲۸۳ وجه تسمیه قم
- ۲۹۲ بنای آستانه مبارکه
- ۲۹۴ روضه منوره
- ۲۹۵ وضع صحن‌ها و ابنیه مقدسه در دوران‌های مختلف
- ۲۹۷ دگرگونی در ابنیه آستانه حضرت معصومه علیها السلام
- ۲۹۹ توصیف بناهای آستانه مبارکه
- ۳۰۶ ایوان شرقی
- ۳۰۸ ایوان شمالی
- ۳۰۸ ایوان جنوبی
- ۳۰۹ مناره‌ها
- ۳۱۰ گنبد مطهر
- ۳۱۳ حرم مطهر
- ۳۱۵ ضریح مطهر
- ۳۱۸ بناهای اطراف حرم مطهر
- ۳۱۹ گنبد شاه عباس ثانی
- ۳۲۰ مسجد جدید بالاسر

- آرامگاه پادشاهان و رجال ۳۲۲
- کتابخانه آستانه ۳۲۳
- اقدامات نوسازی در سال‌های اخیر ۳۲۳
- تاریخچه بنای آستانه مبارکه قم ابوالقاسم مشیری ۳۲۵
- چکیده ۳۲۵
- وضع فعلی آستانه ۳۳۲
- کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و حظیره‌های اطراف آن
- دکتر منوچهر ستوده ۳۳۵
- چکیده ۳۳۵
- آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام ۳۳۶
- کتابه‌های پهلوها یا بدنه مرقد مطهر ۳۴۱
- کتابه ضریح کاشی شاه طهماسبی ۳۴۲
- کتابه ضریح نقره ۳۴۴
- کتابه ضریح ۳۴۴
- ضریح جدید ۳۴۷
- کتابه سنگ مرم‌ر پای ضریح نقره ۳۴۷
- کتابه درِ ورودی ایوان طلا که اکنون در موزه است ۳۴۹
- کتابه‌های درهای شرقی روضه مطهره که اکنون در موزه آستانه است ۳۵۲
- کتابه درِ دوم در دیوار رواق که به ایوان آئینه باز می‌شود ۳۵۴
- کتابه یکی از درهای روضه مطهر که به مسجد بالاسر باز می‌شد .. ۳۵۶
- کتابه‌های درِ ورودی دو لنگه‌ای ایوان طلا ۳۵۷
- کتابه‌های درِ دو لنگه‌ای حرم مطهر از ایوان آئینه ۳۵۹
- کتابه حاشیه دو لنگه درِ ورودی حرم از رواق طرف ایوان آئینه ... ۳۶۰
- کتابه آئینه کاری روضه مطهره ۳۶۱

- کتابه کاشی به خط ثلث بر دیوار غربی حرم مطهر از طرف در ورودی ایوان طلا ۳۶۱
- کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم مطهر در پیش روی مبارک ... ۳۶۲
- کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم پایین پای مبارک ۳۶۲
- کتابه طرف غربی داخل حرف شریف ۳۶۲
- کتابه گچبری رواق بالاسر مرقد مطهر ۳۶۳
- کتابه های مدفن شاه صفی و شاه عباس دوم ۳۶۷
- کتابه های مدفن شاه عباس دوم در رواق حرم ۳۶۸
- کتابه اتاقی که در آن مرقد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است . ۳۶۸
- کتابه های مسجد بالاسر ۳۶۹
- کتابه سرمحراب مسجد بالاسر ۳۶۹
- تاریخ مسجد بالاسر ۳۷۰
- کتابه های دیگر مسجد بالاسر ۳۷۱
- اشعار کتابه مسجد بالاسر که چند بیتی از آن انتخاب شده است .. ۳۷۱
- کتابه نورگیر هشت ضلعی اول در مسجد بالاسر ۳۷۲
- کتابه نورگیر هشت ضلعی دوم در مسجد بالاسر ۳۷۲
- مدفونین در مسجد بالاسر ۳۷۲
- مسجد طباطبائی ۳۷۲
- کتابه بالای ایوان طلا در صحن عتیق ۳۷۲
- کتابه افقی پایین ایوان طلا ۳۷۳
- کتابه دارالحفاظ در مدخل ایوان طلا ۳۷۴
- کتابه سنگ مرمر اطراف در ورودی ایوان طلا ۳۷۴
- کتابه بالای مقبره ها، دور صحن عتیق قصیده معجزیه ۳۷۵
- کتابه بالای ایوان آینه ۳۷۸
- کتابه دور گنبد مطهر از خارج ۳۷۹

- ۳۸۰ کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان طلا
- ۳۸۰ کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان آینه
- ۳۸۱ کتابه بالای سردر ورودی صحن عتیق به مدرسه فیضیه
- ۳۸۱ مقبره مه‌دعلیا در صحن عتیق متصل به ایوان طلا
- ۳۸۲ مدفونین در مقبره مه‌دعلیا
- کتابه سنگ قبر فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر حاجی
مجدالدوله ۳۸۲
- کتابه سنگ قبر حاجی مجدالدوله ۳۸۳
- مقبره معتمدالدوله منوچهرخان گرجی در صحن عتیق ۳۸۴
- ابیاتی که بر در ورودی این مقبره است ۳۸۶
- ابیات و مصراع‌هایی که بر در دیگر باقی مانده است ۳۸۷
- مقبره فتحعلی شاه قاجار در صحن عتیق ۳۸۷
- ابیاتی که بر دو لنگه در ورودی مقبره فتحعلی شاه است ۳۸۷
- ابیاتی که بر دو لنگه در شرقی مقبره فتحعلی شاه حک شده است ۳۸۸
- ابیاتی که بر دو لنگه در غربی مقبره فتحعلی شاه حک شده است ۳۸۸
- سنگ قبر فتحعلی شاه قاجار ۳۹۰
- مدفونین در مقبره فتحعلی شاه ۳۹۱
- کتابه بالای سر فتحعلی شاه در یکی از صفه‌های هشت‌گانه ۳۹۲
- کتابه‌ای بر سنگ بر دیوار راست ایوان مقبره فتحعلی شاه قاجار ۴۰۳
- اعمال خیر که در عهد دولت خاقان مبرور به ظهور رسید قدری در این
سنگ نقش شد ۴۰۴
- ابیاتی بر سنگ بر دیوار دست راست ایوان مقبره فتحعلی شاه ۴۰۵
- کتابه سنگی بر دیوار چپ ایوان مقبره فتحعلی شاه ۴۰۵
- کتابه سنگی بر دیوار چپ همین ایوان ۴۰۶
- مقبره مستوفی الممالک سنگ قبر میرزا حسن خان مستوفی الممالک ۴۰۷

- کسانی که در مقبره مستوفی به خاک سپرده شده‌اند ۴۰۷
- مقبره شماره شش صحن عتیق ۴۰۸
- مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا ۴۰۸
- مقبره فرخ خان امین الدوله در صحن عتیق ۴۰۹
- مقبره محمد شاه قاجار در صحن عتیق ۴۰۹
- کتابه سنگ قبر محمد شاه قاجار ۴۱۰
- مدفونین در مقبره محمد شاه قاجار ۴۱۱
- کتابه سنگ قبر علی نقی میرزا رکن الدوله بن محمد تقی میرزا رکن الدوله
بن محمد شاه قاجار ۴۱۱
- مقبره شماره شانزده صحن عتیق ۴۱۲
- مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری ۴۱۲
- در حاشیه بالا و پایین سنگ ۴۱۲
- کسانی که در مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری به خاک سپرده
شده‌اند ۴۱۲
- کتابه‌های اطراف صحن جدید یا صحن اتابکی و کتابه‌های درهای آن ... ۴۱۳
- قصیده اول ۴۱۳
- قصیده دوم ۴۱۸
- کتابه سردر ایوان شمالی داخل صحن ۴۱۸
- کتابه سردر ایوان شمالی از خارج ۴۱۹
- کتابه بیرون سردر صحن شرقی ۴۱۹
- کتابه بیرونی ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه ۴۱۹
- کتابه‌های درهای جدید که در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال ساخته
شده‌اند ۴۱۹
- کتابه در شمالی طرف میدان آستانه ۴۱۹
- کتابه دری که در سردر ورودی اتابکی نصب شده است ۴۱۹

- ۴۲۰ کتابهٔ دَرِ جنوبی طرف خیابان موزه
- ۴۲۰ کتابهٔ سنگ قبر قطب راوندی
- ۴۲۰ کتابه‌های مقبرهٔ شمارهٔ یک صحن اتابکی
- ۴۲۱ کتابه‌های مقبرهٔ شمارهٔ سه صحن اتابکی
- ۴۲۱ سنگ قبر میرزا حسن خان وثوق
- ۴۲۲ کتابه‌های مقبرهٔ شمارهٔ چهار صحن اتابکی
- ۴۲۲ کتابه‌های مقبرهٔ شمارهٔ شش صحن اتابکی
- ۴۲۲ سنگ قبر میرزا علی اصغر خان اتابک
- ۴۲۳ مقبرهٔ خانوادگی دیبا
- ۴۲۳ مقبرهٔ حاجی ناصرالسلطنه دیبا
- ۴۲۴ مقبرهٔ شمارهٔ سی و شش صحن اتابکی
- ۴۲۴ مقبرهٔ حاجی سید کمال مدرس
- ۴۲۴ مقبرهٔ شمارهٔ سی و یک صحن اتابکی
- ۴۲۴ مقبرهٔ شمارهٔ سی و هفت صحن اتابکی
- ۴۲۵ مقبرهٔ شمارهٔ سی و هشت صحن اتابکی
- ۴۲۵ مقبرهٔ شمارهٔ چهل و یک صحن اتابکی
- ۴۲۵ مقبرهٔ حاج شیخ فضل الله نوری
- ۴۲۵ مقبرهٔ شمارهٔ چهل و سه صحن اتابکی
- ۴۲۵ کتابهٔ سردَرِ کوچهٔ حرم از بیرون
- ۴۲۵ کتابهٔ سه طرف سردَرِ کوچهٔ حرم از داخل
- ۴۲۶ کتابهٔ بیرون سردَرِ صحن اتابکی
- ۴۲۷ کتابهٔ سه طرف ایوان سردَرِ صحن اتابکی
- ۴۲۸ کتابهٔ وسط ایوان قسمت بالا زیر مقرنس
- ۴۲۸ کتابهٔ پیشانی ایوان اتابکی در صحن جدید
- ۴۲۸ کتابهٔ بیرون سردَرِ قبلی صحن اتابکی

- ۴۲۸ کتابه افقی در دو طرفِ در.
- ۴۲۹ کتابه داخلی سردرِ قبلی صحن اتابکی.
- ۴۲۹ کتابه کوفی بالای کلماتِ ثلث.
- ۴۲۹ کتابه سردرِ ورودی صحن شرقی متصل به مسجد طباطبائی.
- ۴۳۰ سردرِ میان صحن عتیق و جدید.
- کتابه کاشی بالای سردرِ ورودی مدرسه فیضیه که به صحن عتیق می‌رود با
خط ثلث سفید بر زمینه آبی و گل و بوته‌های اسلیمی. ۴۳۰
- ۴۳۱ کتابه کوفی بالای همین خط ثلث با رنگی زرد.
- ۴۳۱ دو بیت به خط نستعلیق زرد رنگ زیر همین کتابه.
- ۴۳۱ کوفی معقلی بالای همین سردر.
- ۴۳۱ کتابه‌ای بر سنگ بر بالای همین سردر.
- ۴۳۲ کتابه ایوان‌های مدرسه فیضیه.
- ۴۳۳ کتابه ایوان شمالی که مقابل ایوان شاه طهماسبی است.
- ۴۳۴ کتابه ایوان زیر شاه‌نشین مدرسه فیضیه.
- ۴۳۴ ابیاتی که بر کتابه شاه‌نشین مدرسه فیضیه است.
- ۴۳۶ کتابه‌های آب انبار مدرسه دارالشفای با خط ثلث سفید بر زمینه آبی.
- ابیاتی به خط نستعلیق بر بالای همین آب انبار بر کاشی است با خط آبی بر
زمینه زرد با خط زرد بر زمینه سیاه. ۴۳۷
- ۴۳۷ کتابه سردرِ شمالی مدرسه دارالشفای از خارج.
- ۴۳۷ کتابه سردرِ شمالی مدرسه دارالشفای از داخل.
- کتابه‌های سردرِ میان مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفای با خط نستعلیق سفید روی
بوم لاجورد با گل و بوته زرد و سرخ با حاشیه‌سازی. ۴۳۸
- ۴۳۸ کتیبه‌ای بر سنگ مرمر سفید به خط نستعلیق.
- ۴۳۸ کتابه‌ای بر سنگ بر گوشه سمت راست سردرِ آب انبار.
- ۴۳۹ کتابه‌های جعبه جواهرات در موزه آستانه حضرت معصومه.

- ۴۳۹ کتابهٔ چهل چراغ برنجین در موزهٔ آستانهٔ مطهره.
- ۴۴۰ محراب مسجد موزه.
- ۴۴۰ کتیبهٔ بالایی دور گنبد.
- ۴۴۰ کتیبهٔ پایین دور گنبد.
- ۴۴۱ کتابهٔ سنگ قبر سیاه.
- ۴۴۱ مرافق و تنبی‌های دور روضهٔ مطهره.
- ۴۴۳ آئینهٔ عفاف محمود شاهرخی، مشفق کاشانی
- ۴۴۳ در مناقب کریمهٔ اهل بیت عصمت حضرت معصومه علیها السلام.
- ۴۴۳ دو نور مطهر.
- ۴۴۷ نگین خاتمیت.
- ۴۴۸ گوهر سلطان هفتم.
- ۴۵۰ باغ بهشت.
- ۴۵۱ نگین قم.
- ۴۵۳ آشیانی برای دل.
- ۴۵۷ کعبهٔ دل‌ها.
- ۴۵۸ آستانهٔ معصومه.
- ۴۶۵ عالم جان.
- ۴۶۹ بیا اینجا.
- ۴۷۰ حریم عفاف.

